



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

دانش نامه

قرآن و حدیث

فارسی - عربی

محمدی ری شهری



ترجمه

با همکاری

حمیدرضا شیخی

جمعی از پژوهشگران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۹	دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی جلد ۴
۱۹	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۲۸	ادامه عنوان خانواده
۲۸	ادامه فصل دوم : عوامل تحکیم خانواده
۲۸	۱۰ / ۲ پاسخ دادن به غرایز جنسی
۲۸	۱۰ / ۲ - ۱ آرایش زن برای شوهرش
۳۰	۱۰ / ۲ - ۲ آرایش مرد برای همسرش
۳۲	۱۰ / ۲ - ۳ ترغیب به پاسخ دادن به غریزه جنسی
۳۶	۱۰ / ۲ - ۴ آمادگی زن برای پاسخگویی به نیاز شوهر
۳۸	۱۰ / ۲ - ۵ نکوهش کوتاهی زن در پاسخگویی به نیاز شوهر
۳۸	۱۰ / ۲ - ۶ نکوهش پاسخ ندادن شوهر به نیاز همسرش
۴۸	۱۰ / ۲ - ۷ نهی از همبستر نشدن با همسر ، بیش از چهار ماه
۵۰	۱۰ / ۲ - ۸ آنچه در هنگام آمیزش رعایت آن شایسته است
۵۰	الف - میل شدید
۵۰	ب - پنهان بودن
۵۲	ج - مُلاعبه (بازی کردن)
۵۲	د - درنگ ورزیدن
۵۴	ه - ذکر و دعا
۵۶	و - وضو گرفتن برای آمیزش مجدد
۵۸	۱۰ / ۲ - ۹ آنچه در آمیزش ، شایسته نیست
۵۸	الف - زیاده روی
۶۰	ب - آمیزش ، در حالت پُر بودن معده و مثانه

- ج - آمیزش رو به قبله ۶۰
- د - آمیزش با زن ، به هوس زنی دیگر ۶۰
- ه - فخرفروشی به کثرت آمیزش ۶۲
- و - نقل کردن برای دیگران ۶۲
- ۱۰ / ۲ - ۱۰ موارد آمیزش حرام ۶۴
- الف - آمیزش با زن در زمان قاعدگی ۶۴
- ب - آمیزش ، هنگام اعتکاف در مسجد ۶۸
- ۱۱ / ۲ - ۱۱ دعا کردن ۷۰
- ۱۱ / ۲ - ۱ دعا کردن برای خانواده ۷۰
- ۱۱ / ۲ - ۲ دعا برای پدر و مادر ۷۴
- ۱۲ / ۲ - ۱۲ دعا برای فرزندان ۸۴
- اشاره ۸۴
- ۱۲ / ۲ - ۱ نهی از نفرین کردن فرزندان ۹۴
- تحلیلی در باره عوامل تحکیم خانواده ۹۸
- اشاره ۹۸
- الف - مهم ترین وظایف مشترک مرد و زن ۱۰۰
- ۱ . اظهار محبت ۱۰۰
- ۲ . خوش خویی و خوش رفتاری ۱۰۳
- ۳ . رعایت حقوق ۱۰۴
- ۴ . تأمین نیازهای جنسی ۱۰۶
- اشاره ۱۰۶
- ره نموده‌های اسلام ، برای تأمین نیازهای جنسی زوجین ۱۰۷
- یک . توصیه به آراستگی زن برای شوهر ۱۰۷
- دو . توصیه به آراستگی مرد برای همسر ۱۰۸
- سه . تأکید بر پاداش معنوی تأمین نیازهای جنسی ۱۰۹
- چهار . نکوهش عدم تأمین نیازهای جنسی ۱۰۹

- ۱۱۰ ----- پنج . وجوب تأمین نیازهای جنسی
- ۱۱۱ ----- شش . رعایت آداب آمیزش
- ۱۱۱ ----- ۵ . همکاری
- ۱۱۴ ----- ۶ . احترام متقابل
- ۱۱۵ ----- ۷ . نرمی و مدارا
- ۱۱۶ ----- ۸ . چشم پوشی
- ۱۱۷ ----- ۹ . قناعت و ساده زیستی
- ۱۱۷ ----- ۱۰ . رضا (خشنود بودن به خواست خدا)
- ۱۱۸ ----- ب - وظایف خاص مرد
- ۱۱۸ ----- ۱ . تأمین نیازهای دینی
- ۱۲۱ ----- ۲ . تأمین نیازهای علمی و فرهنگی
- ۱۲۱ ----- ۳ . تأمین هزینه اقتصادی
- ۱۲۳ ----- ۴ . تأمین نیازهای روانی
- ۱۲۳ ----- ۵ . غیرت ورزی
- ۱۲۴ ----- ج - وظایف خاص زن
- ۱۲۴ ----- ۱ . پذیرفتن مدیریت شوهر بر خانواده
- ۱۲۶ ----- ۲ . امانتداری در غیاب شوهر
- ۱۲۷ ----- د - نقش دعا در تحکیم خانواده
- ۱۳۰ ----- فصل سوم : آسیب های تحکیم خانواده
- ۱۳۰ ----- ۱ / ۳ آسیب های کلی خانواده
- ۱۳۰ ----- ۱ / ۳ - ۱ اجبار کردن و نظرخواهی نکردن
- ۱۳۶ ----- ۱ / ۳ - ۲ زیاده روی در مهریه
- ۱۳۸ ----- ۱ / ۳ - ۳ همسر دادن کودکان
- ۱۳۸ ----- ۱ / ۳ - ۴ خویشاوندی هُوو
- ۱۳۸ ----- ۲ / ۳ آسیب های خانواده از سوی شوهر
- ۱۳۸ ----- ۲ / ۳ - ۱ آزار دادن

- ۱۴۲ ۲ / ۳ - ۲ کتک زدن
- ۱۴۴ ۲ / ۳ - ۳ بداخلاقی
- ۱۴۶ ۲ / ۳ - ۴ تحقیر کردن
- ۱۴۶ ۲ / ۳ - ۵ نفرت
- ۱۴۶ ۲ / ۳ - ۶ بخل
- ۱۴۶ ۲ / ۳ - ۷ تهمت زنا زدن
- ۱۴۸ ۲ / ۳ - ۸ سوء تدبیر
- ۱۵۰ ۲ / ۳ - ۹ تنوع طلبی در ازدواج
- ۱۵۲ ۳ / ۳ - ۳ غیرت ورزی نابه جا
- ۱۵۴ ۴ / ۳ - ۴ آسیب های خانواده از سوی زن
- ۱۵۴ ۴ / ۳ - ۱ آزار دادن شوهر
- ۱۵۶ ۴ / ۳ - ۲ عصبانی کردن شوهر
- ۱۵۶ ۴ / ۳ - ۳ ناسپاسی
- ۱۵۸ ۴ / ۳ - ۴ مکلف کردن شوهر به آنچه در توان او نیست
- ۱۶۰ ۴ / ۳ - ۵ منت نهادن بر شوهر
- ۱۶۲ ۴ / ۳ - ۶ ناسازگاری
- ۱۶۲ ۴ / ۳ - ۷ خودآرایی زن برای غیر شوهرش
- ۱۶۴ ۴ / ۳ - ۸ بلهوسی
- ۱۶۴ ۵ / ۳ - ۵ خیانت کردن
- ۱۶۸ تحلیلی در باره آسیب های خانواده
- ۱۶۸ اشاره
- ۱۶۹ الف - آسیب های کلی
- ۱۶۹ ۱ . تحمیل پیوند زناشویی
- ۱۷۰ ۲ . مهریه سنگین
- ۱۷۰ اشاره
- ۱۷۱ نکته مهم

۳. ازدواج با انگیزه های غیر ارزشی ۱۷۲
۴. ازدواج، پیش از رشد عقلی ۱۷۴
۵. خویشاوند بودن هُوو با همسر اوّل ۱۷۵
- ب - آسیب های مرتبط با مرد ۱۷۵
۱. آزار دادن همسر ۱۷۵
۲. بدخویی ۱۷۷
۳. بخل ۱۷۸
۴. بی تدبیری ۱۷۹
۵. تنوّع طلبی ۱۸۰
۶. غیرت ورزی نابه جا ۱۸۱
- ج - آسیب های مرتبط با زن ۱۸۲
۱. آزار دادن شوهر ۱۸۲
۲. ناسپاسی نسبت به شوهر ۱۸۳
۳. انتظارات بی جا از شوهر ۱۸۴
۴. مَنّت نهادن بر شوهر ۱۸۵
۵. مدارا نکردن با شوهر ۱۸۶
۶. خودآرایی برای غیر همسر ۱۸۶
۷. تنوّع طلبی ۱۸۷
۸. خیانت ۱۸۸
۱۳. الگو ۱۹۰
- اشاره ۱۹۰
- درآمد ۱۹۲
- اسوه ، در لغت ۱۹۲
- الگو ، در قرآن و حدیث ۱۹۳
۱. دَقّت در انتخاب الگو ۱۹۳
۲. معرفی الگوهای شایسته ۱۹۴

۱۹۴	۳ . سیاست تبلیغی الگوگیری از نیکان
۱۹۷	۴ . معرفی الگوهای ناشایست
۱۹۷	۵ . مسئولیت الگوهای شایسته
۲۰۰	فصل یکم : الگوهای شایسته
۲۰۰	۱ / ۱ پیامبران علیهم السلام
۲۰۲	۲ / ۱ ابراهیم علیه السلام و همراهان او
۲۰۴	۳ / ۱ پیامبر خداصلی الله علیه وآله
۲۱۰	۴ / ۱ پیشوایان حق
۲۱۲	۵ / ۱ امیر مؤمنان علیه السلام
۲۱۴	۶ / ۱ اهل بیت علیهم السلام
۲۲۶	۷ / ۱ فرشتگان
۲۲۸	۸ / ۱ عالمان
۲۳۰	۹ / ۱ اهل ایمان
۲۳۲	۱۰ / ۱ نیکوکاران
۲۳۸	فصل دوم : موارد الگوگیری
۲۳۸	۱ / ۲ دین و دنیا
۲۴۰	۲ / ۲ پارسایی و پرهیزگاری و سختکوشی
۲۴۲	۳ / ۲ شکیبایی در مصیبت ها
۲۴۲	۴ / ۲ دل کندن از دنیا
۲۵۴	۵ / ۲ نفی اشرافیگری در ازدواج
۲۵۴	۶ / ۲ رعایت حقوق همسر
۲۵۸	۷ / ۲ شکل ظاهری و لباس
۲۶۰	فصل سوم : الگوهای ناشایست
۲۶۰	۱ / ۳ شیطان
۲۶۰	۲ / ۳ چارپایان
۲۶۲	۳ / ۳ نادانان

۲۶۴ ۳ / ۴ گم راه کنندگان
۲۶۸ ۳ / ۵ مُستکبران
۲۷۲ ۳ / ۶ مُفسدان
۲۷۲ ۳ / ۷ مُجرمان
۲۷۵ ۱۴ . مَواسات
۲۷۵ اشاره
۲۷۷ درآمد
۲۷۷ مَواسات ، در لغت
۲۷۹ مَواسات ، در حدیث
۲۷۹ ۱ . انواع مَواسات
۲۸۰ ۲ . دلیل تأکید بر مَواسات مالی
۲۸۱ ۳ . راه گسترش فرهنگ مَواسات در جامعه
۲۸۱ ۴ . برکات مادی و معنوی مَواسات
۲۸۴ فصل یکم : تشویق به مَواسات
۲۸۴ ۱ / ۱ سرآمد کارها
۲۸۶ ۱ / ۲ مَواسات نسبت به برادران
۲۹۶ ۱ / ۳ مَواسات نسبت به دوستان
۲۹۸ ۱ / ۴ مَواسات نسبت به سپاهیان
۲۹۸ ۱ / ۵ مَواسات نسبت به فقیران
۳۰۴ فصل دوم : انواع مَواسات
۳۰۴ ۱ / ۲ مَواسات با مال
۳۰۴ ۲ / ۲ مَواسات در حکومت
۳۰۶ ۲ / ۳ مَواسات در قضاوت
۳۰۸ ۲ / ۴ مَواسات در جنگ
۳۱۴ ۲ / ۵ مَواسات در آموزش
۳۱۶ ۲ / ۶ مَواسات در ابراز محبت

- فصل سوم : خاستگاه های مواسات ----- ۳۱۸
- ۱ / ۳ بزرگواری موروثی ----- ۳۱۸
- ۲ / ۳ ایمان ----- ۳۱۸
- ۳ / ۳ ولایت اهل بیت علیهم السلام ----- ۳۲۰
- فصل چهارم : آثار مواسات ----- ۳۲۲
- ۱ / ۴ حفظ پیوند برادری ----- ۳۲۲
- ۲ / ۴ درستی دین ----- ۳۲۲
- ۳ / ۴ برکت یافتن مال ----- ۳۲۴
- ۴ / ۴ زیاد شدن روزی ----- ۳۲۴
- ۵ / ۴ بی نیازی ----- ۳۲۴
- ۶ / ۴ پذیرفته شدن دعا ----- ۳۲۶
- ۷ / ۴ خشنودی به هنگام مرگ ----- ۳۲۶
- ۱۵ . غذا خوردن ----- ۳۳۰
- اشاره ----- ۳۳۰
- درآمد ----- ۳۳۲
- اشاره ----- ۳۳۲
- یک . حلال بودن غذا ----- ۳۳۳
- دو . دو وعده غذا در شبانه روز ----- ۳۳۴
- سه . توصیه به کم خوردن ----- ۳۳۴
- چهار . خطر پر خوری ----- ۳۳۵
- پنج . میزان مفید خوراک ----- ۳۳۵
- شش . برترین خوراکی و بهترین سفره ----- ۳۳۵
- هفت . آداب غذا خوردن ----- ۳۳۶
- بخش یکم . نکاتی که سزاوار است قبل از خوردن غذا رعایت شود ----- ۳۳۶
- بخش دوم . نکاتی که باید هنگام خوردن غذا رعایت شوند ----- ۳۳۶
- بخش سوم . کارهایی که هنگام غذا خوردن ، ترک آنها شایسته است ----- ۳۳۷

- بخش چهارم . حالاتی که غذا خوردن در آنها نكوهیده است ۳۳۸
- بخش پنجم . توصیه به هم غذا شدن با دیگران ۳۳۸
- بخش ششم . آدابی که رعایت آنها به هنگام غذا خوردن با دیگران ، ضروری است ۳۳۸
- هشت . آداب پایان دادن غذا و برچیدن سفره ۳۳۹
- نه . آداب خوردن گوشت و میوه ۳۳۹
- الف . آداب خوردن گوشت ۳۳۹
- ب . آداب خوردن میوه ۳۴۰
- فصل یکم : بایسته های غذا خوردن ۳۴۲
- ۱ / ۱ حلال بودن غذا ۳۴۲
- ۲ / ۱ دوری کردن از حرام ۳۴۶
- ۳ / ۱ دوری کردن از آنچه زیان دارد ۳۵۲
- ۴ / ۱ اجتناب از غذا خوردن در ظرف های زّین و سیمین ۳۵۴
- ۵ / ۱ اجتناب از غذا خوردن بر سفره ای که در آن ، شراب نوشیده می شود ۳۵۴
- فصل دوم : وعده های غذا ۳۵۸
- ۱ / ۲ صبح و شب ۳۵۸
- ۱ / ۲ - ۱ تأکید بر صبحانه خوردن در صبح زود و نهی از ترک آن ۳۵۸
- ۱ / ۲ - ۲ تأکید بر خوردن شام و نهی از ترک آن ۳۶۰
- ۲ / ۲ کسی که قصد روزه گرفتن دارد ، سحری بخورد ۳۶۸
- ۳ / ۲ یک وعده در روز ۳۶۸
- ۴ / ۲ سه وعده در دو روز ۳۷۰
- سخنی در باره احادیث وعده های غذا ۳۷۱
- فصل سوم: کم خوری ۳۷۴
- ۱ / ۳ تشویق به کم خوری ۳۷۴
- ۲ / ۳ فواید مادی کم خوردن ۳۷۶
- ۲ / ۳ - ۱ تن درستی ۳۷۶
- ۲ / ۳ - ۲ شادابی چهره ۳۸۱

- ۳۸۳ ----- ۳ - ۲ / ۳ زیاد شدن عمر
- ۳۸۳ ----- ۳ / ۳ فواید معنوی کم خوردن
- ۳۸۳ ----- ۳ / ۳ ۱ روشن شدن فکر
- ۳۸۳ ----- ۳ - ۳ / ۳ ۲ نورانیت دل
- ۳۸۵ ----- ۳ - ۳ / ۳ ۳ رهیدن از شیطان
- ۳۸۵ ----- ۳ - ۳ / ۳ ۴ وارد شدن به ملکوت آسمان ها
- ۳۸۵ ----- ۳ - ۳ / ۳ ۵ نزدیک شدن به خدا
- ۳۸۷ ----- ۴ / ۳ دیگر فواید کم خوری
- ۳۸۹ ----- فصل چهارم: پرخوری
- ۳۸۹ ----- ۱ / ۴ نکوهش پرخوری
- ۳۹۳ ----- ۲ / ۴ نکوهش خوردن غذاهای متنوع
- ۳۹۹ ----- ۳ / ۴ ضررهای مادی پرخوری
- ۳۹۹ ----- ۳ / ۴ ۱ انواع بیماری ها
- ۴۰۱ ----- ۳ - ۳ / ۴ ۲ ضعف سلامت
- ۴۰۱ ----- ۳ - ۳ / ۴ ۳ بوی بد
- ۴۰۳ ----- ۴ / ۴ ضررهای معنوی پرخوری
- ۴۰۳ ----- ۴ / ۴ ۱ تباه شدن پارسایی
- ۴۰۵ ----- ۴ / ۴ ۲ تباهی جان
- ۴۰۵ ----- ۴ / ۴ ۳ حجاب زیرکی
- ۴۰۷ ----- ۴ / ۴ ۴ تاریکی دل
- ۴۰۷ ----- ۴ / ۴ ۵ آشفتگی خواب ها
- ۴۰۹ ----- ۴ / ۴ ۶ کم شدن عبادت
- ۴۱۳ ----- ۴ / ۴ ۷ دور شدن از خدا
- ۴۱۷ ----- ۴ / ۴ ۸ گرسنگی روز قیامت
- ۴۱۹ ----- ۵ / ۴ کلیات زیان های پرخوری
- ۴۲۱ ----- ۶ / ۴ زیان های خوردن در حال سیری

- فصل پنجم: بهترین غذاها ۴۲۳
- ۱ / ۵ غذایی که از دست رنج باشد ۴۲۳
- ۲ / ۵ غذایی که مطابق میل خانواده باشد ۴۲۵
- ۳ / ۵ غذایی که آزار دهنده نباشد ۴۲۵
- فصل ششم: آداب غذا خوردن ۴۳۱
- یکم . نکاتی که پیش از غذا خوردن باید رعایت شود ۴۳۱
- ۱ / ۶ گذاشتن سبزیجات در سفره ۴۳۱
- ۲ / ۶ شستن دست ها ۴۳۳
- ۳ / ۶ خشک نکردن دست ها با هوله ۴۳۹
- ۴ / ۶ در آوردن کفش از پا ۴۳۹
- ۵ / ۶ متواضعانه نشستن بر سر سفره ۴۴۱
- اشاره ۴۴۱
- توضیح ۴۴۵
- ۶ / ۶ شریک کردن نگاه کننده ۴۴۵
- ۷ / ۶ صدقه دادن از غذا ۴۴۷
- دوم . نکاتی که هنگام غذا خوردن باید رعایت کرد ۴۴۹
- ۸ / ۶ اندیشه کردن ۴۴۹
- ۹ / ۶ خدا را یاد کردن ۴۴۹
- الف - آغاز کردن غذا با نام خدا ۴۴۹
- ب - تکرار نام خدا برای هر نوعی از غذا ۴۵۷
- ج - تکرار نام خدا در هنگام صحبت کردن ۴۵۹
- د - به جا آوردن قضای «بسم الله» ۴۵۹
- ه - نکوهش ترک نام خدا ۴۶۱
- و - حمد بسیار گفتن ۴۶۵
- ۱۰ / ۶ آغاز کردن با نمک ۴۶۵
- ۱۱ / ۶ آغاز کردن با سبک ترین غذاها ۴۶۹

- ۴۶۹ ۱۲ / ۶ پرهیز از خوردن غذای داغ
- ۴۶۹ اشاره
- ۴۷۵ توضیح
- ۴۷۵ ۱۳ / ۶ غذا خوردن با دست راست
- ۴۷۹ ۱۴ / ۶ لقمه کوچک برداشتن
- ۴۷۹ ۱۵ / ۶ خوب جویدن غذا
- ۴۸۱ ۱۶ / ۶ طول دادن نشستن بر سر سفره
- ۴۸۳ ۱۷ / ۶ احترام گذاشتن به نان
- ۴۸۳ ۱۸ / ۶ خوردن ریزه های افتاده از سفره
- ۴۸۵ ۱۹ / ۶ بلند نشدن از سر سفره
- ۴۸۷ ۲۰ / ۶ دست کشیدن از غذا پیش از سیر شدن
- ۴۸۹ سوم . کارهایی که هنگام خوردن نباید انجام داد
- ۴۸۹ ۲۱ / ۶ اسراف
- ۴۹۱ ۲۲ / ۶ بد گفتن از غذا
- ۴۹۳ ۲۳ / ۶ قُوت کردن در غذا
- ۴۹۵ ۲۴ / ۶ غذا خوردن با دست چپ
- ۴۹۹ ۲۵ / ۶ غذا خوردن با یک یا دو انگشت
- ۴۹۹ ۲۶ / ۶ آروغ زدن با صدای بلند
- ۵۰۱ ۲۷ / ۶ زیاد پاک کردن استخوان
- ۵۰۱ اشاره
- ۵۰۳ توضیح
- ۵۰۳ ۲۸ / ۶ آب خوردن در بین غذا
- ۵۰۳ ۲۹ / ۶ نوشیدن آب پس از خوردن گوشت
- ۵۰۵ ۳۰ / ۶ خوردن از روی سیری
- ۵۰۷ چهارم . حالت های نکوهیده در هنگام غذا خوردن
- ۵۰۷ ۳۱ / ۶ در حال درازکش

- ۵۰۷ ۳۲ / ۶ در حال تکیه دادن
- ۵۰۷ اشاره
- ۵۱۱ توضیح
- ۵۱۳ ۳۳ / ۶ حالت ایستاده
- ۵۱۳ ۳۴ / ۶ در حال راه رفتن
- ۵۱۵ ۳۵ / ۶ در حال جنابت
- ۵۱۶ سخنی در باره احادیث منع از خوردن در برخی حالات
- ۵۱۶ یکم . کراهت غذا خوردن در حال تکیه دادن .
- ۵۲۱ دوم . کراهت غذا خوردن و همچنین انجام دادن هر کار دیگری .
- ۵۲۲ سوم . کراهت خوردن در حال راه رفتن
- ۵۲۲ چهارم . کراهت خوردن در حالت «ترتع»
- ۵۲۳ پنجم . کراهت خوردن در حال جنابت
- ۵۲۵ ۳۶ / ۶ خوردن در کوچه و بازار
- ۵۲۵ یادداشت
- ۵۲۵ پنجم . دسته جمعی غذا خوردن .
- ۵۲۵ ۳۷ / ۶ تأکید بر خوردن غذا به صورت گروهی
- ۵۲۹ ۳۸ / ۶ غذا خوردن به همراه خانواده
- ۵۳۱ ۳۹ / ۶ غذا خوردن با یتیم
- ۵۳۱ ۴۰ / ۶ غذا خوردن با خدمتکار
- ۵۳۳ ۴۱ / ۶ اجتناب از تنها خوردن
- ۵۳۵ ششم . آداب غذا خوردن با دیگران
- ۵۳۵ ۴۲ / ۶ غذا خوردن از جلوی خود
- ۵۳۹ ۴۳ / ۶ خوردن از کناره های ظرف
- ۵۴۱ ۴۴ / ۶ نگاه نکردن به لقمه دیگران
- ۵۴۱ ۴۵ / ۶ رعایت حق دیگران
- ۵۴۳ ۴۶ / ۶ آغاز کردن صاحب غذا یا بهترین فرد حاضران به خوردن

۵۴۵ ----- ۴۷ / ۶ طول دادن غذا تا وقتی که همه از خوردن ، دست بکشند

۵۴۷ ----- ۴۸ / ۶ کلیات آداب غذا خوردن

۵۵۵ ----- ۴۹ / ۶ گوناگون

۵۵۵ ----- اشاره

۵۶۱ ----- یادداشت

۶۰۰ ----- درباره مرکز

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان قراردادی : موسوعه معارف الکتاب و السنه . فارسی

عنوان و نام پدیدآور : دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی / محمدی ری شهری با همکاری جمعی از پژوهشگران ؛ ترجمه حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 13 -

مشخصات ظاهری : ج.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 99 .

شابک : 1500000 ریال: دوره : 0-494-493-964-978 ؛ ج. 4 : 9-587-493-964-978 ؛ ج. 5 : 588-493-964-978-978 ؛ ج. 6 : 9-590-493-964-978 ؛ ج. 8 : 6-591-493-964-978 ؛ ج. 9 : 3-592-493-964-978 ؛ ج. 10 : 978-964-493-964-978 ؛ ج. 12 : 4-595-493-964-978 ؛ ج. 13 : 1-596-493-964-978 ؛ ج. 14 : 493-964-978-978-964-493-964-978 ؛ ج. 15 : 5-598-493-964-978 ؛ ج. 16 : 2-599-493-964-978

یادداشت : فهرست نویسی بر اساس جلد چهارم .

یادداشت : این کتاب با حمایت و مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است .

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، 1337 -، مترجم

شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی

رده بندی کنگره : 1390 2د34م/BP136/9

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 2747877

10 / 2 تلبية الغرائز الجنسية 2 / 10 _ 1 تزئین المرأة لزوجها رسول الله صلى الله عليه وآله : لولا أن المرأة تصنع (1)(2) لزوجها لصلفت (3) عنده . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : إنني لأبغض من النساء السلتاء والمرهء ؛ فالسلتاء : التي لا تختضب ، والمرهء : التي لا تكتحل . (5)

الإمام علي عليه السلام : لتطيب المرأة المسلمة لزوجها . (6)

المراسيل عن مقاتل بن حيان : إن النبي صلى الله عليه وآله كان إذا زوج بناته ، أمر ألا يقربهن أزواجهن حتى يغتسلن ، ويأمر أزواجهن بذلك . 7

1- التصنع : تكلف حسن السميت وإظهاره والتزين به (لسان العرب : ج 8 ص 211 «صنع»).

2- صلفت عليه : أي ثقلت عليه ولم تحظ عنده (النهاية : ج 3 ص 47 «صلف»).

3- نثر الدر : ج 1 ص 242 .

4- جامع الأحاديث للقمي : ص 202 ، مجمع البيان : ج 7 ص 217 ، نثر الدر : ج 1 ص 238 وليس فيه ذيله من «فالسلتاء» وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 103 ص 262 ح 24 .

5- الخصال : ص 621 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 111 وليس فيه «المسلمة» ، بحار الأنوار : ج 10 ص 100 ح 1 .

6- المراسيل : ص 144 ح 2 .

ادامه عنوان خانواده

ادامه فصل دوم : عوامل تحکیم خانواده

2 / 10 پاسخ دادن به غرایز جنسی

2 / 10 - 1 آرایش زن برای شوهرش

2 / 10 پاسخ دادن به غرایز جنسی 2 / 10 - 1 آرایش زن برای شوهرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر زن ، خود را برای شوهرش نمی ساخت ، بی گمان در دل او جا نمی گرفت .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من از زنان سلّاء و مرهء ، متنّفرم . سلّاء ، زنی است که خضاب نمی کند ، و مرهء ، زنی است که سُر مه نمی کشد .

امام علی علیه السلام : زن مسلمان باید خود را برای شوهرش خوش بو سازد .

المَراسیل_ به نقل از مقاتل بن حیان _ : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه دخترانش را شوهر می داد ، دستور می داد که پیش از شستن خود ، به شوهرانشان نزدیک نشوند ، و به شوهران آنها نیز چنین می فرمود .

2 / 10 _ تَزَيَّنُ الرَّجُلُ لِزَوْجَتِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ لِامْرَأَتِهِ مَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهَا ؛ أَنْ يَتَزَيَّنَ لَهَا كَمَا تَتَزَيَّنُ لَهُ فِي غَيْرِ مَائِهِمْ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : إغسلوا ثيابكم ، وخذوا من شعوركم ، واستاكوا ، وتزينا ، وتظفوا ؛ فإن بني إسرائيل لم يكونوا يفعلون ذلك فزنت نساؤهم . (2)

الإمام الكاظم عن أبيه عن آبائه عليهم السلام : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : لِيَتَهَيَّأَ أَحَدُكُمْ لِزَوْجَتِهِ كَمَا تَتَهَيَّأُ زَوْجَتُهُ لَهُ . قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَعْنِي يَتَهَيَّأُ بِالنَّظَافَةِ . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام : تَهَيَّأَ الرَّجُلُ لِلْمَرْأَةِ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّتِهَا . (4)

الكافي عن الحسن بن جهم : رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اخْتَضَبَ ، فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، اخْتَضَبَتْ ؟ ! فَقَالَ : نَعَمْ ، إِنَّ التَّهَيَّأَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ ، وَلَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ بِتَرْكِ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهَيَّأَةَ . ثُمَّ قَالَ : أَيْسْرُكَ أَنْ تَرَاهَا عَلَى مَا تَرَكَ عَلَيْهِ إِذَا كُنْتَ عَلَى غَيْرِ تَهَيَّأَةٍ ؟ قُلْتُ : لَا ، قَالَ : فَهُوَ ذَاكَ . ثُمَّ قَالَ : مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنْظُفُ ، وَالتَّطْيِبُ ، وَحَلْقُ الشَّعْرِ ، وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ . (5)

1- الفردوس : ج 5 ص 521 ح 8953 عن معاذ بن جبل .

2- تاريخ دمشق : ج 36 ص 124 ، سير أعلام النبلاء : ج 18 ص 259 ، تاريخ الإسلام للذهبي : ج 31 ص 49 كلها عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كنز العمال : ج 6 ص 640 ح 17175 .

3- الجعفریات : ص 28 ، النوادر للراوندي : ص 233 ح 479 ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 210 ح 771 و ج 1 ص 123 عن الإمام علي عليه السلام وليس فيه ذيله من «وقال جعفر بن محمد عليه السلام ...» ، مستدرک الوسائل : ج 14 ص 296 ح 16768 .

4- مكارم الأخلاق : ج 1 ص 218 ح 641 ، بحار الأنوار : ج 79 ص 307 ح 23 .

5- الكافي : ج 5 ص 567 ح 50 و ج 6 ص 480 ح 1 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 122 ح 276 كلاهما نحوه وليس فيهما ذيله من «ثم قال : أيسرك» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 100 ح 9 .

2 / 10 - آرایش مرد برای همسرش

2 / 10 - آرایش مرد برای همسرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرد در برابر زنش ، همان وظیفه ای را دارد که زنش در برابر او دارد ؛ یعنی خود را برای او بیاراید ، همچنان که زنش ، خود را برای او می آراید ؛ ولی نباید به گناه بیفتد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: لباس های خود را بشوید ، موهایتان را اصلاح کنید ، مسواک بزنید ، خود را آراسته سازید ، و نظافت کنید ؛ چرا که بنی اسرائیل ، این کارها را نمی کردند . در نتیجه ، زنانشان به زنا دادن افتادند .

امام کاظم به نقل از پدرش ، از پدرانش علیهم السلام _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر يك از شما باید خود را برای همسرش آراسته کند ، همچنان که همسرش خود را برای او می آراید» . جعفر بن محمد علیه السلام فرمود : «یعنی با نظافت کردن ، خود را آراسته سازد» .

امام کاظم علیه السلام: آراسته بودن مرد برای زن ، از عواملی است که بر پاك دامنی زن می افزاید .

الكافی_ به نقل از حسن بن جهم _ :ابو الحسن علیه السلام (1) را دیدم که خَضاب کرده بود . گفتم : قربانت گردم ! خضاب کرده اید؟! فرمود : «آری . آراسته بودن ، از عواملی است که بر پاك دامنی زن می افزاید . زنان ، از آن رو ترك پاك دامنی می کنند که شوهرانشان آراسته بودن را ترك می نمایند» . سپس فرمود : «آیا تو دوست داری که همسرت را مانند خودت ، ناآراسته ببینی؟» . گفتم : نه . فرمود : «او نیز همین طور» . آن گاه افزود : «پاکیزگی ، خوش بو بودن ، اصلاح کردن مو و کثرت آمیزش ، از صفات پیامبران است» .

1- . مقصود ، امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام است .

بحار الأنوار عن ذروان المدائني: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي [الإمام الرضا] عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا هُوَ قَدِ اخْتَضَبَ ، فَقُلْتُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ ، قَدِ اخْتَضَبْتَ؟! فَقَالَ : نَعَمْ ، إِنَّ فِي الْخِضَابِ لِأَجْرًا ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ التَّهْيِئَةَ تَزِيدُ فِي عَفَّةِ النِّسَاءِ؟! أَيْسُرُكَ أَنَّكَ دَخَلْتَ عَلَى أَهْلِكَ فَرَأَيْتَهَا عَلَى مِثْلِ مَا تَرَكَ عَلَيْهِ إِذْ لَمْ تَكُنْ عَلَى تَهْيِئَةٍ؟ قَالَ : قُلْتُ : لَا ، قَالَ : هُوَ ذَاكَ . (1)

2 / 10 _ 3 الْحَثُّ عَلَى تَلْبِيَةِ الْغَرِيزَةِ الْجِنْسِيَّةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «وَحُلِقَ الْأَنْسَانُ ضَعِيفًا» (2) لا- يقوى على ترك الجماع . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: يُعَجِّزُ أَحَدَكُمْ أَنْ يُجَامِعَ أَهْلَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ ، فَإِنَّ لَهُ أَجْرَيْنِ (اثنتين) ؛ أَجْرَ غُسْلِهِ ، وَأَجْرَ غُسْلِ امْرَأَتِهِ . (4)

الكافي عن إسحاق بن إبراهيم الجعفي: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَخَلَ بَيْتَ أُمِّ سَلَمَةَ فَشَمَّ رِيحًا طَيِّبَةً ، فَقَالَ : أَتَنْتَكُمُ الْحَوْلَاءُ؟ فَقَالَتْ : هُوَ ذَا هِيَ تَشْكُو زَوْجَهَا . فَخَرَجَتْ عَلَيْهِ الْحَوْلَاءُ ، فَقَالَتْ : يَا بَنِي أُمِّمِي ، إِنَّ زَوْجِي عَنِيضٌ ، فَقَالَ : زَيْدِيهِ يَا حَوْلَاءُ ، قَالَتْ : مَا أَتْرُكُ شَيْئًا طَيِّبًا مِمَّا أَتَطَيَّبُ لَهُ بِهِ وَهُوَ عَنِّي مُعْرِضٌ! فَقَالَ : أَمَا لَوْ يَدْرِي مَا لَهُ بِإِقْبَالِهِ عَلَيْكَ! قَالَتْ : وَمَا لَهُ بِإِقْبَالِهِ عَلَيَّ؟ فَقَالَ : أَمَا إِنَّهُ إِذَا أَقْبَلَ اِكْتَنَفَهُ مَلَكَانِ ، فَكَانَ كَالشَّاهِرِ سَدِيفُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، فَإِذَا هُوَ جَامِعٌ تَحَاتُّ (5) عَنْهُ الذُّنُوبُ كَمَا يَتَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ ، فَإِذَا هُوَ اغْتَسَلَ انْسَلَخَ مِنَ الذُّنُوبِ . (6)

1- بحار الأنوار : ج 76 ص 100 نقلاً عن كتاب اللباس عن ذروان المدائني .

2- النساء : 28 .

3- الفردوس : ج 4 ص 419 ح 7220 عن ابن عباس .

4- شعب الإيمان : ج 3 ص 98 ح 2991 ، الفردوس : ج 1 ص 396 ح 1598 كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 16 ص 349 ح 44866 .

5- تحاتت : أي تساقطت (النهاية : ج 1 ص 337 «حت»).

6- الكافي : ج 5 ص 496 ح 4 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 124 ح 93 وراجع : دعائم الإسلام : ج 2 ص 191 ح 690 وعوالي اللآلي : ج 3 ص 292 ح 54 .

2 / 10 - 3 ترغیب به پاسخ دادن به غریزه جنسی

بحار الأنوار_ به نقل از ذروان مدائنی _ نزد امام رضا علیه السلام رفتم . دیدم که ایشان خضاب کرده است . گفتم : فدایت شوم! خضاب کرده اید؟ فرمود : «بله . خضاب کردن ، پاداش دارد . آیا نمی دانی که سر و وضع مرتّب داشتن ، بر پاك دامنی زنان می افزاید؟! آیا تو دوست داری که وقتی با سر و وضع نامرتّب ، نزد همسرت می روی ، او را نیز مانند خودت ببینی ؟» . گفتم : نه . فرمود : «او نیز همین طور» .

2 / 10 _ 3 ترغیب به پاسخ دادن به غریزه جنسی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «و انسان ، ناتوان آفریده شده است» ؛ یعنی توان ترك جماع را ندارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آیا هر يك از شما نمی تواند در هر جمعه ، با همسرش مقاربت کند ؟ در این صورت ، برای او ، دو پاداش است : پاداش غسل کردنِ خودش و پاداش غسل کردنِ همسرش .

الکافی_ به نقل از اسحاق بن ابراهیم جُعیفی _ : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد اتاق اُمّ سلمه شد . بوی خوشی به مشامش رسید . فرمود : «حَولاء ، نزد شما آمده ؟» . اُمّ سلمه گفت : بله . او از شوهرش شکایت دارد . در این هنگام ، حَولاء ، بیرون آمد و گفت : پدر و مادرم به فدایت ! شوهرم ، به من ، بی اعتناست . فرمود : «بیشتر به خودت برس ، ای حَولاء!» . گفت : هیچ عطری نبوده که خودم را با آن برای او خوش بو نکنم ؛ امّا او همچنان از من روی گردان است ! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «اگر می دانست که با رو آوردنش به تو ، چه پاداشی برای اوست !» . حَولاء گفت : با رو آوردنش به من ، چه پاداشی برای اوست ؟ فرمود : «هر گاه روی آورد ، دو فرشته ، او را در آغوش می کشند ، و همانند کسی است که در راه خداوند ، شمشیر بر کشد ، و چون مجامعت کند ، گناهان او همچون برگ درخت ، فرو می ریزند ، و هر گاه غسل کند ، از گناهان شسته می شود» .

الكافي عن إسحاق بن عمّار: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يكون معه أهله في السفر لا يجد الماء يأتي أهله؟ قال: ما أحب أن يفعل إلا أن يخاف على نفسه. قال: قلت: طلب بذلك اللذة، أو يكون شبقاً (1) إلى النساء؟ قال: إن الشبق يخاف على نفسه. قلت: يطلب بذلك اللذة؟! قال: هو حلال. قلت: فإنه يروى عن النبي صلى الله عليه وآله أن أبا ذر رحمة الله سأل عن هذا فقال: إيت أهلك تُوجر، فقال: يا رسول الله آتيهم وأوجر؟! فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: كما أنك إذا أتيت الحرام أوزرت (2)، فكذلك إذا أتيت الحلال أوجرت. فقال أبو عبد الله عليه السلام: ألا ترى، إنه إذا خاف على نفسه فأتى الحلال أوجر. (3)

1- الشبق: شدة الغلظة وطلب النكاح (النهاية: ج 2 ص 441 «شبق»).

2- الوزر: الذنب والإثم (النهاية: ج 5 ص 179 «وزر»).

3- الكافي: ج 5 ص 495 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 1 ص 405 ح 1269 و ج 7 ص 418 ح 1677 وفيهما صدره، إلى «إلا أن يخاف على نفسه»، مستطرفات السرائر: ص 107 ح 53، بحار الأنوار: ج 81 ص 160 ح 22.

الکافی_ به نقل از اسحاق بن عمّار_ : از امام صادق علیه السلام در باره مردی پرسیدم که با همسرش در مسافرت است و آب در دسترس ندارد . آیا با زنش نزدیکی بکند؟ فرمود : «دوست ندارم این کار را بکند ، مگر آن که بر خویش بترسد [که به گناه بیفتد]» . گفتم : به قصد لذت بردن ، یا این که نتواند شهوتش را کنترل کند؟ فرمود : «کسی که نمی تواند شهوتش را کنترل کند ، بر خویش می ترسد» . گفتم : او با این کار لذت می برد! فرمود : «این ، حلال است» . گفتم : از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می شود که ابو ذر رحمه الله از ایشان در این باره پرسید . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «با همسرت نزدیکی کن که [از خداوند] پاداش می گیری» . ابو ذر گفت : ای پیامبر خدا ! برای نزدیکی کردن با آنها پاداش می گیرم؟! فرمود : «همان گونه که اگر مرتکب حرام شوی ، گناهکاری ، هر گاه با حلال در آمیزی ، پاداش می یابی» . امام صادق علیه السلام فرمود : «آیا نمی بینی که هر گاه بر خویش بترسد و با حلال در آمیزد ، پاداش می گیرد؟» .

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (1) _ : كَانَتْ الْمَرَضِعُ مِمَّا يَدْفَعُ إِحْدَاهُنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَرَادَ الْجَمَاعَ تَقُولُ: لَا أَدْعُكَ، إِنِّي أَخَافُ أَنْ أَحْبَلَ فَأَقْتُلَ وَلَدِي هَذَا الَّذِي أَرْضِيهِ عَنْهُ. وَكَانَ الرَّجُلُ تَدْعُوهُ الْمَرْأَةُ فَيَقُولُ: أَخَافُ أَنْ أُجَامِعَكَ فَأَقْتُلَ وَلَدِي، فَيَدْعُهَا وَلَا يُجَامِعُهَا. فَنَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ أَنْ يُضَارَّ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ وَالْمَرْأَةُ الرَّجُلَ. (2)

2 / 10 _ 4 استعداد الزوجة لتلبية حاجة الزوج رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يحل لامرأة أن تنام حتى تعرض نفسها على زوجها؛ تخلع ثيابها، وتدخل معه في لحافه فتلزيق جلدتها بجلدِهِ، فإذا فعلت ذلك فقد عرّضت. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا الرجل دعا زوجته لحاجته فلتأته، وإن كانت على التتور. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا دعا الرجل امرأته إلى فراشه فأبت، فبات غضبان عليها، لعنتها الملائكة حتى تصبح. (5)

1- البقرة: 233.

2- الكافي: ج 6 ص 41 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 418 ح 1673 و ج 8 ص 107 ح 364، تفسير القمي: ج 1 ص 76 نحوه وكلها عن أبي الصباح الكناني، وسائل الشيعة: ج 14 ص 137 ح 25392.

3- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 508 ح 1766، وسائل الشيعة: ج 14 ص 126 ح 25354؛ الفردوس: ج 5 ص 112 ح 7642، المطالب العالية: ج 2 ص 26 ح 1558 كلاهما عن ابن عمر.

4- سنن الترمذي: ج 3 ص 465 ح 1160، السنن الكبرى: ج 7 ص 477 ح 14710، صحيح ابن حبان: ج 9 ص 473 ح 4165، المعجم الكبير: ج 8 ص 332 ح 8240، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 3 ص 399 ح 14 كلها عن طلق بن علي، كنز العمال: ج 16 ص 335 ح 44789.

5- صحيح البخاري: ج 3 ص 1182 ح 3065، صحيح مسلم: ج 2 ص 1060 ح 122، سنن أبي داود: ج 2 ص 244 ح 2141، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 441 ح 9677 كلها عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 336 ح 44792؛ روضة الواعظين: ص 411 نحوه.

2 / 10 - 4 آمادگی زن برای پاسخگویی به نیاز شوهر

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند، و [نیز] هیچ پدری به خاطر فرزندش» _ در دوران شیردهی، هر گاه مرد می‌خواست با همسرش نزدیکی کند، زن می‌گفت: اجازه نمی‌دهم؛ چون می‌ترسم حامله شوم و در نتیجه، این فرزندم را که شیر می‌دهم، [بر اثر خشک شدن شیرم] بکشم. و هر گاه زن، مردش را دعوت می‌کرد، مرد می‌گفت: می‌ترسم با تو نزدیکی کنم و فرزندم را بکشم. پس با او نزدیکی نمی‌کرد. پس خداوند عز و جل این روش را نهی فرمود که مرد، به زن زیان بزند و زن، به مرد.

2 / 10 - 4 آمادگی زن برای پاسخگویی به نیاز شوهر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای هیچ زنی، روا نیست که بخوابد، مگر این که [پیش از آن،] خودش را به شوهرش عرضه کند. جامه هایش را در آورد، در بستر او در آید، و پوست خود را بر پوست او بچسباند. اگر چنین کند، خود را عرضه نموده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه مرد، همسرش را برای نیازش فرا خواند، زن باید نزد او برود، اگر چه سر تنور [، مشغول پختن نان] باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه مرد، همسرش را به بستر خویش بخواند و او خودداری کند، و شوهرش آن شب را با ناراحتی از او بگذراند، تا صبح، فرشتگان، آن زن را لعنت می‌کنند.

عنه صلى الله عليه وآله: لا تهجر امرأة فراش زوجها، إلا لعنتها ملائكة الله عز وجل. (1)

10 / 2 _ 5 دَمْ تَسْوِيفِ الزَّوْجَةِ فِي تَلْبِيَةِ حَاجَةِ زَوْجِهَا الْمَعْجَمِ الْأَوْسَطِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَعَنَ اللَّهُ الْمُسَوِّفَاتِ . فَقِيلَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، وَمَا الْمُسَوِّفَاتُ؟ قَالَ: الَّتِي يَدْعُوهَا زَوْجُهَا إِلَى فِرَاشِهَا فَتَقُولُ: سَوْفَ، حَتَّى تَغْلِبَهُ عَيْنَاهُ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ امْرَأَةً أَتَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِبَعْضِ الْحَاجَةِ، فَقَالَ لَهَا: لَعَلَّكَ مِنَ الْمُسَوِّفَاتِ؟ قَالَتْ: وَمَا الْمُسَوِّفَاتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الَّتِي يَدْعُوهَا زَوْجُهَا لِبَعْضِ الْحَاجَةِ فَلَا تَزَالُ تُسَوِّفُهُ حَتَّى يَنْعَسَ زَوْجُهَا وَيَنَامَ، فَيَتَلَكَّ لَا تَزَالُ الْمَلَائِكَةُ تَلْعُنُهَا حَتَّى يَسْتَقِظَ زَوْجُهَا. (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله للنساء: لَا تَطْوُلَنَّ صَلَاتِكُنَّ لِتَمْنَعَنَّ أَزْوَاجَكُنَّ. (4)

10 / 2 _ 6 دَمْ عَدَمِ تَلْبِيَةِ الزَّوْجِ حَاجَةَ زَوْجَتِهِمْ سِنْدِ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو: زَوَّجَنِي أَبِي امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ، فَلَمَّا دَخَلَتْ يَّ جَعَلَتْ لَا أَنْحَاشُ (5) لَهَا مِمَّا بِي مِنَ الْقُوَّةِ عَلَى الْعِبَادَةِ مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ، فَجَاءَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ إِلَى كَنَّتِي حَتَّى دَخَلَ عَلَيْهَا، فَقَالَ لَهَا: كَيْفَ وَجَدْتِ بَعْلَكَ؟ قَالَتْ خَيْرُ الرِّجَالِ _ أَوْ كَخَيْرِ الْبُعُولَةِ مِنْ رَجُلٍ _ لَمْ يُفْتَشْ لَنَا كَنَفًا (6)، وَلَمْ يَعْرِفْ لَنَا فِرَاشًا. فَأَقْبَلَ عَلَيَّ، فَعَدَمَنِي (7) وَعَصَّنِي بِلِسَانِهِ فَقَالَ: أَنْكَحْتِكَ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ ذَاتَ حَسَبٍ، فَعَصَدَ لِمَتَاهَا (8) وَفَعَلْتَ وَفَعَلْتَ؟! ثُمَّ انْطَلَقَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَشَدَّ كَانِي، فَأَرْسَلَ إِلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَتَيْتُهُ، فَقَالَ لِي: أَتَصُومُ النَّهَارَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: وَتَقُومُ اللَّيْلَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: لِكُنِّي أَصُومُ وَأُفْطِرُ، وَأُصَلِّي وَأُنَامُ، وَأَمْسُ النِّسَاءَ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. (9)

- 1- .مسند ابن حنبل: ج 3 ص 258 ح 8587، حلية الأولياء: ج 2 ص 259، رياض الصالحين: ص 143 نحوه وكلها عن أبي هريرة.
- 2- .المعجم الأوسط: ج 4 ص 346 ح 4393 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 16 ص 385 ح 45021 وراجع: مسند أبي يعلى: ج 6 ص 65 ح 6436.
- 3- .الكافي: ج 5 ص 508 ح 2، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 442 ح 4536 كلاهما عن ضريس الكناسي، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 469 ح 1601، عوالي اللآلي: ج 3 ص 310 ح 137، وسائل الشيعة: ج 14 ص 117 ح 25317.
- 4- .الكافي: ج 5 ص 508 ح 1 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام، عوالي اللآلي: ج 3 ص 310 ح 138 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، ووسائل الشيعة: ج 14 ص 117 ح 25316.
- 5- .لا ينحاش: لا يكثر له (النهاية: ج 1 ص 460 «حوش»).
- 6- .كنف الرجل: حزنه، يعني العُضْدَيْنِ وَالصَّدْرَ (لسان العرب: ج 9 ص 308 «كنف»).
- 7- .العدم: اللوم والأخذ باللسان (الصحاح: ج 5 ص 1983 «عدم»).
- 8- .عصلت عليه: إذا ضيقت عليه في أمره، وحلت بينه وبين ما يريد (الصحاح: ج 5 ص 1767 «عصل»).
- 9- .مسند ابن حنبل: ج 2 ص 549 ح 6487، حلية الأولياء: ج 1 ص 285، سير أعلام النبلاء: ج 3 ص 90 كلاهما نحوه.

2 / 10 - 5 نکوهش کوتاهی زن در پاسخگویی به نیاز شوهر**2 / 10 - 6 نکوهش پاسخ ندادن شوهر به نیاز همسرش**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ زنی، از بستر شوهرش دوری نمی کند، مگر آن که فرشتگانِ خداوند عز و جل او را لعنت می کنند.

2 / 10 - 5 نکوهش کوتاهی زن در پاسخگویی به نیاز شوهر المعجم الأوسط - به نقل از عبد الله بن عمر - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند، زنان تعلل کننده را لعنت کرده است». گفت: ای پیامبر خدا! زنان تعلل کننده کیستند؟ فرمود: «زنی که شوهرش او را به بستر خویش بخواند و او بگوید: بعدا، تا این که شوهرش را خواب ببرد».

امام صادق علیه السلام: زنی برای کاری نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «شاید تو از تعلل کنندگانی؟». گفت: تعلل کنندگان، چه کسانی هستند، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «زنی که شوهرش او را برای خواسته اش بخواند و او چندان تعلل کند که شوهرش چرتش بگیرد و بخوابد. چنین زنی را فرشتگان، تا زمانی که شوهرش بیدار شود، پیوسته لعنت می کنند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به زنان - : هرگز نمازهای خود را طول ندهید برای این که شوهرانتان را [از خود] باز دارید.

2 / 10 - 6 نکوهش پاسخ ندادن شوهر به نیاز همسرش مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن عمرو [بن عاص] - : پدرم، زنی از قریش را به همسری من در آورد. چون بر من وارد شد، چندان سرگرم عبادت و روزه و نماز بودم که به او اعتنا نمی کردم. عمرو بن عاص، به دیدن عروسش آمد و نزد او رفت و گفت: شوهرت را چگونه یافتی؟ همسرم گفت: بهترین مرد است - یا همانند بهترین شوهرهاست - . آغوشی برای ما نگشوده، و بستری برایمان نمی شناسد! پدرم، به من رو کرد و شروع کرد به نکوهش کردن و زخم زبان زدن به من و گفت: من زنی خانواده دار از قریش را به همسری تو در آورده ام. آن گاه تو، به خواسته او بی توجهی می کنی و چنین و چنان می کنی؟! سپس نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و از من شکایت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله در پی من فرستاد و من نزد ایشان رفتم. به من فرمود: «آیا روزها را روزه می گیری؟». گفتم: آری. فرمود: «و شب ها را به نماز می گذرانی؟». گفتم: آری. فرمود: «اما من، گاهی روزه می گیرم و گاهی نیز نمی گیرم. هم نماز می خوانم و هم می خوابم، و با زنان، هم خوابگی می کنم. پس هر که از سنت من روی گرداند، از من نیست».

صحيح مسلم عن أنس: إِنَّ نَفَرًا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَأَلُوا أَزْوَاجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ عَمَلِهِ فِي السَّرِّ . فَقَالَ بَعْضُهُمْ : لَا أَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ : لَا أَكُلُ اللَّحْمَ ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ : لَا أَنَامُ عَلَى فِرَاشٍ . فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ فَقَالَ : مَا بَالُ أَقْوَامٍ قَالُوا كَذَا وَكَذَا ؟ ! لَكِنِّي أَصَلِّي وَأَنَامُ وَأَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي . (1)

الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام - في بيان شكوى امرأة زوجها وجوابه لهما مأمير المؤمنين بينهما - : زوجي كريمٌ يُغضُّ المحارِمَ ما يقطعُ ليلاً قاعداً وقائماً ويصبحُ الدهرَ لدينا صائماً وقد خَشِيتُ أن يكونَ آثماً لأنَّهُ يُصبحُ لي مُراغماً وكانَ جوابُ زوجها : لا أصبحُ الدهرَ بهنَّ هائماً ولا أكونُ بالنِّسَاءِ ناعماً لا بل أصَلِّي قاعداً وقائماً فقد أكونُ للدُّنوبِ لازماً يا ليتني نَجوتُ منها سالماً ما حَكَمَ بهِ عليُّ عليه السلامُ بينهما : مهلاً فقد أصبحتَ فيها آثماً لك الصَّلَاةُ قاعداً وقائماً ثلاثةٌ تُصبحُ فيها صائماً ورابعٌ تُصبحُ فيه طاعماً وليلاً تخلو لديها ناعماً ما لَكَ أن تَمسِكها مُراغماً (2)

-
- 1- صحيح مسلم : ج 2 ص 1020 ح 5 ، صحيح البخاري : ج 5 ص 1949 ح 4776 ، سنن النسائي : ج 6 ص 60 كلاهما نحوه ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 569 ح 14047 ، صحيح ابن حبان : ج 1 ص 190 ح 14 ، كنز العمال : ج 3 ص 31 ح 5318 .
- 2- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص 532 - 536 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 439 ح 89 .

صحیح مسلم_ به نقل از انس_ : گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در باره عمل ایشان در نهان پرسیدند . یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : من زن نمی گیرم . دیگری گفت : من گوشت نمی خورم . و سومی گفت : من بر بستر نمی خوابم . [خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید . برخاست] . پس خدا را حمد و ثنا نمود و فرمود : «عده ای را چه شده است که چنین و چنان گفته اند؟! من [شب ها] هم نماز می خوانم و هم می خوابم . [روزها] گاهی روزه می گیرم و گاه می خورم ، و با زنان هم ازدواج می کنم . پس هر که از سنت من روی گرداند ، از من نیست» .

الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام_ در بیان شکایت زنی از شوهرش و پاسخ امیر مؤمنان علیه السلام به او و قضاوت ایشان میان آن دو_ : [زن گفت :] شوهرم ، مرد بزرگواری است و از حرام ها بیزار است . شب ها را به قیام و قعود می گذراند و پیوسته روزه می گیرد و می ترسم که گنهکار باشد ؛ زیرا به خواسته من بی اعتناست . و شوهرش پاسخ داد : من هرگز دل باخته آنان نیستم و هرگز از زنان کام نمی گیرم . نه ! بلکه پیوسته در قیام و قعود نمازم ؛ زیرا آلوده به گناهانم . کاشکی از آنها به سلامت برهم! علی علیه السلام میان آن دو ، چنین داوری نمود : آرام! که تو با این کار ، گنهکاری نماز خواندن و قیام و قعود ، وظیفه توست لیکن ، سه روز را روزه بدار و چهار روز را بخور و يك شب را با آنان به کامجویی بگذران . تو حق نداری که نامرادشان بگذاری .

صحيح ابن حبان عن أبي موسى الأشعري: دَخَلَتْ امْرَأَةٌ عُثْمَانَ بْنَ مَظْعُونٍ عَلَى نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَأَيْنَهَا سَيِّئَةَ الْهَيْئَةِ، فَقُلْنَ: مَا لَكَ؟ مَا فِي قُرَيْشٍ رَجُلٌ أَغْنَى مِنْ بَعْلِكَ! قَالَتْ: مَا لَنَا مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ؛ أَمَا نَهَارُهُ فَصَائِمٌ، وَأَمَا لَيْلُهُ فَقَائِمٌ. قَالَ: فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَذَكَرَنَ ذَلِكَ لَهُ، فَلَقِيَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا عُثْمَانُ، أَمَا لَكَ فِي أُسْوَةٍ؟ قَالَ: وَمَا ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي؟ قَالَ: أَمَا أَنْتَ فَتَقُومُ اللَّيْلَ وَتَصُومُ النَّهَارَ، وَإِنَّ لِأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنَّ لِحَسَبِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، صَلِّ وَنَمْ وَصُمْ وَأَفْطِرْ. قَالَ: فَأَتَتْهُمْ الْمَرْأَةُ بَعْدَ ذَلِكَ عَطِرَةً، كَأَنَّهَا عَرُوسٌ. فَقُلْنَ لَهَا: مَهْ! قَالَتْ: أَصَابَنَا مَا أَصَابَ النَّاسَ. (1)

1- صحيح ابن حبان: ج 2 ص 19 ح 316، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 386 ح 7206، موارد الزمآن: ص 313 ح 1287، الطبقات الكبرى: ج 3 ص 395، كنز العمال: ج 3 ص 47 ح 5421.

صحيح ابن حبان به نقل از ابو موسى اشعری _ زن عثمان بن مظعون ، نزد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . او را با سر و وضع نامرتبی دیدند . گفتند : تو را چه می شود؟ در میان قریش ، مردی ثروتمندتر از شوهر تو نیست ! گفت : ما حظی از او نمی بریم . روزش را روزه دار است و شبش را در عبادت . پیامبر صلی الله علیه و آله که آمد ، همسرانش ماجرا را به ایشان گفتند . پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدن عثمان رفت و فرمود : «ای عثمان ! مگر من برای تو الگو نیستم؟» . گفت : چه شده است ، ای رسول خدا ؟ پدر و مادرم به فدایت ! فرمود : «تو شب ها را به عبادت می گذرانی و روزها روزه می گیری ، در حالی که همسرت نیز بر تو حقی دارد ، و بدنت را هم بر تو حقی است . [شب ها را] هم نماز بخوان و هم بخواب . [روزها] را هم روزه بگیر و هم بخور» . بعد از آن ، زن عثمان ، خوش بو _ مانند يك عروس _ ، نزد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفتند : هان ! چه خبر شده ؟! گفت : به ما هم آن رسید که به دیگران می رسد .

الإمام علي عليه السلام: جاء عثمان بن مظعون إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، قد غلبني حديث النفس ولم أحدث شيئاً حتى أستاذمرك. قال: بيم حدثتك نفسك يا عثمان؟ قال: هممت أن أسيخ في الأرض. قال: فلا تسخ في الأرض، فإن سياحة أمتي المساجد. قال: وهممت أن أحرّم على نفسي اللحم. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تفعل فإنّي أشتيهي وأكّله، ولو سألت الله أن يطعمنيه كلّ يوم لفعل. فقال: وهممت أن أجب (1) نفسي. قال: يا عثمان، ليس منّا من فعل ذلك بنفسه ولا بأحد، إن وجأ (2) أمّي الصيام. قال: وهممت أن أحرّم خولة على نفسي - يعني امرأته - . قال: لا تفعل يا عثمان، فإنّ العبد المؤمن إذا أخذ (3) بيد زوجته كتّب الله له عز وجل عشر حسّناتٍ ومحا عنه عشر سيئاتٍ، فإن قبّلها كتّب الله له مئة حسنةٍ ومحا عنه مئة سيئةٍ، فإن ألمّ بها كتّب الله له ألف حسنةٍ ومحا عنه ألف سيئةٍ وحصرتهم الملائكة، وإذا اغتسلا لم يمرّ الماء على شعرةٍ من كلّ واحدٍ منهما إلا كتّب الله لهما حسنةً ومحا عنهما سيئةً، فإن كان ذلك في ليلةٍ باردةٍ، قال الله تعالى للملائكة: أنظروا إلى عبدّي هذين اغتسلا في هذه الليلة الباردة علما منهما أنّي ربّهما، أشهدكم أنّي قد غفرت لهما. فإن كان لهما في وقتيهما تلك ولد، كان لهما وصيفا في الجنة. ثمّ صدّ رب رسول الله صلى الله عليه وآله بيده على صدر عثمان، وقال: يا عثمان، لا ترغب عن سنّتي، فإنّ من رغّب عن سنّتي عرّضت له الملائكة يوم القيامة فصّرفت وجهه عن حوضي. (4)

- 1- الجبّ: القطع، ومجبوب: أي مقطوع الذكر (النهاية: ج 1 ص 233 «جب»).
- 2- الوجاء: أن ترصّ أنثيا الفحل رصّاً شديداً يذهب شهوة الجماع، وأراد: أنّ الصوم يقطع النكاح كما يقطع الوجاء (النهاية: ج 5 ص 152 «وجاء»).
- 3- في المصدر: «اتخذ»، والتصويب من مستدرک الوسائل.
- 4- دعائم الإسلام: ج 2 ص 190 ح 688، عوالي اللآلي: ج 3 ص 291 ح 53، مستدرک الوسائل: ج 7 ص 507 ح 8763.

امام علی علیه السلام: عثمان بن مظعون، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! وسوسه، بر من چیره گشته است؛ اما دست به هیچ کاری نمی زنم تا این که از شما دستور بگیرم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به چه چیزی وسوسه شده ای، ای عثمان؟». گفت: در این اندیشه ام که زمین گردی [و رهبانیت سیّار] در پیش گیرم. فرمود: «زمین گردی مکن؛ زیرا زمین گردی اُمّت من، مسجدهاست». گفت: و در این اندیشه ام که گوشت خوردن را بر خود حرام سازم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چنین مکن. من خود، گوشت دوست دارم و می خورم. اگر از خدا می خواستم که هر روز به من گوشت بخوراند، این کار را می کرد». گفت: و در این اندیشه ام که خود را خواجه سازم. فرمود: «ای عثمان! از ما نیست کسی که با خود یا هر کس دیگری چنین کند. خواجهگی اُمّت من، روزه است». گفت: در این اندیشه ام که خوله، همسرم، را بر خود، حرام سازم. فرمود: «چنین مکن _ ای عثمان _؛ زیرا بنده مؤمن، هر گاه دست همسرش را بگیرد، خداوند عز و جل، ده حسنه برایش می نویسد و ده گناه از او پاک می کند. چنانچه او را ببوسد، خداوند، صد حسنه برایش می نویسد و صد گناه از او می زداید. هر گاه با او در آمیزد، خداوند، هزار حسنه برایش می نویسد و هزار گناه از او می زداید، و فرشتگان بر ایشان حاضر می شوند. چون غسل کنند، آب بر هر تار مویی از آن دو نمی گذرد، مگر آن که خداوند [به ازای هر تار مو] یک حسنه برایشان می نویسد و یک گناه می زداید. اگر این، در شبی سرد باشد، خداوند متعال به فرشتگان می فرماید: بنگرید این دو بنده ام را که در این شب سرد، غسل کردند، از آن روی که یقین دارند من پروردگار آنان هستم. شما را گواه می گیرم که آن دو را آمرزیدم. پس اگر در این آمیزش، برای آن دو فرزند بود، آن فرزند، خدمتکار ایشان در بهشت است». آن گاه، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با دستش به سینه عثمان زد و فرمود: «ای عثمان! از روش من، روی بر متاب که هر کس از روش من روی برتابد، روز قیامت، فرشتگان، راه را بر او می گیرند و روی او را از حوض من می گردانند».

الإمام الصادق عليه السلام: جاءت امرأة عثمان بن مظعون إلى النبي صلى الله عليه وآله فقالت: يا رسول الله، إن عثمان يصوم النهار ويقوم الليل! فخرج رسول الله صلى الله عليه وآله مغمضاً با يحمل نعليه، حتى جاء إلى عثمان فوجدته يصلي، فانصرفت عثمان حين رأى رسول الله صلى الله عليه وآله. فقال له: يا عثمان، لم يرسلني الله تعالى بالرهبانة، ولكن بعثني بالحنيفية السهلة السمحة، أصوم وأصلي، وأمس أهلي، فمن أحب فطرتي فليستن بسنتي، ومن سنتي النكاح. (1)

عنه عليه السلام: إن ثلاث نسوة أتت رسول الله صلى الله عليه وآله، فقالت إحداهن: إن زوجي لا يأكل اللحم، وقالت الأخرى: إن زوجي لا يشم الطيب، وقالت الأخرى: إن زوجي لا يقرب النساء. فخرج رسول الله صلى الله عليه وآله يجرد رداءه، حتى صعد المنبر، فحمد الله وأثنى عليه، ثم قال: ما بال أقوام من أصحابي لا يأكلون اللحم، ولا يشمون الطيب، ولا يأتون النساء؟! أما إني آكل اللحم، وأشم الطيب، وأتي النساء، فمن رغب عن سنتي فليس مني. (2)

صحيح البخاري عن أبي جحيفة: آخى النبي صلى الله عليه وآله بين سلمان وبين أبي الدرداء، فزار سلمان أبا الدرداء فرأى أم الدرداء متبدلة، فقال لها: ما شأنك؟ قالت: أخوك أبو الدرداء ليس له حاجة في الدنيا! فجاء أبو الدرداء فصنع له طعاماً، فقال: كل، قال: فإني صائم، قال: ما أنا بآكل حتى تأكل. قال: فأكل، فلما كان الليل ذهب أبو الدرداء يقوم، قال: نم، فنام، ثم ذهب يقوم فقال: نم، فلما كان من آخر الليل قال سلمان: قم الآن، فصم ليا. فقال: إن لربك عليك حقاً، ولنفسك عليك حقاً، ولأهلك عليك حقاً، فأعط كل ذي حق حقه. فأتى النبي صلى الله عليه وآله فذكر ذلك له، فقال النبي صلى الله عليه وآله: صدق سلمان. (3)

1- الكافي: ج 5 ص 494 ح 1 عن ابن القداح، بحار الأنوار: ج 22 ص 264 ح 3.

2- الكافي: ج 5 ص 496 ح 5، بحار الأنوار: ج 22 ص 124 ح 94.

3- صحيح البخاري: ج 2 ص 695 ح 1867، و ج 5 ص 2273 ح 5788، سنن الترمذي: ج 4 ص 608 ح 2413، صحيح ابن خزيمة: ج 3 ص 309 ح 2144، رياض الصالحين: ص 83.

امام صادق علیه السلام: زن عثمان بن مظعون، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! عثمان، روزها روزه می گیرد و شب ها در عبادت است! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با عصبانیت، کفش هایش را برداشت و بیرون رفت تا نزد عثمان آمد. دید که مشغول نماز است. عثمان، با دیدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نمازش را قطع کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای عثمان! خداوند متعال، مرا به رهبانیت نفرستاده؛ بلکه مرا با آیین یکتاپرستی سهل و ساده گیر، فرستاده است. من، هم روزه می گیرم و هم نماز می خوانم و هم با همسرم آمیزش می کنم. پس هر که آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند و از جمله سنت من، ازدواج کردن است».

امام صادق علیه السلام: سه زن، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند. یکی از آنان گفت: شوهرم گوشت نمی خورد. دومی گفت: شوهرم بوی خوش استشمام نمی کند. سومی گفت: شوهرم با زنان، نزدیکی نمی کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، در حالی که ردایش را می کشید، بیرون آمد و بر منبر شد و خدا را حمد و ثنا نمود و سپس فرمود: «چه شده است که گروهی از یارانم گوشت نمی خورند، بوی خوش نمی بویند، و با زنان، هم بستر نمی شوند؟! به درستی که من گوشت می خورم، بوی خوش می بویم و با زنان، هم بستر می شوم. پس هر که از راه و رسم من روی بگرداند، از من نیست».

صحیح البخاری_ به نقل از ابو جحیفه _ پیامبر صلی الله علیه و آله سلمان و ابو دردا را برادر هم قرار داد. [روزی] سلمان، به دیدار ابو دردا رفت. پس اُم دردا را با سر و وضعی ژولیده یافت. گفت: چرا چنین؟ ابو دردا گفت: برادرت ابو دردا را با دنیا، کاری نیست! ابو دردا آمد و برای سلمان، غذایی آماده کرد و گفت: تو بخور، من روزه هستم. سلمان گفت: تا تو نخوری، من نمی خورم. ابو دردا خورد. شب هنگام، ابو دردا خواست که به شب زنده داری بپردازد. سلمان گفت: بخواب. ابو دردا خوابید. دوباره خواست برخیزد. سلمان گفت: بخواب. آخر شب که فرا رسید، سلمان گفت: حالا برخیز. پس هر دو به نماز پرداختند. سلمان سپس گفت: پروردگارت را بر تو حقی است، خودت را بر تو حقی است، و خانواده ات را هم بر تو حقی است. پس حق هر صاحب حقی را ادا کن. آن گاه ابو دردا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و ماجرا را برای ایشان باز گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سلمان، راست گفته است».

سنن أبي داود عن عائشة: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ إِلَى عُثْمَانَ بْنِ مَطْعُونٍ فَجَاءَهُ، فَقَالَ: يَا عُثْمَانُ، أُرْغِبْتَ عَنِّي؟ قَالَ: لَا وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَكِنْ سَأَلْتُكَ أَطْلُبُ. قَالَ: فَإِنِّي أَنَامُ وَأُصَلِّي، وَأَصُومُ وَأُفْطِرُ، وَأُنكِحُ النِّسَاءَ، فَاتَّقِ اللَّهَ يَا عُثْمَانُ، فَإِنَّ لَأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنَّ لِيَصِيفِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنَّ لِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، فَصُمْ وَأَفْطِرْ وَصَلِّ وَنَمْ. (1)

راجع: هذه الموسوعة: ج 3 ص 500 (الأسرة / الفصل الثاني / الحث على رعاية حقوق الأسرة).

2 / 10 _ 7 النَّهْيُ عَنِ الْإِمْسَاكِ عَنِ الزَّوْجَةِ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ: سَأَلَ صَفْوَانَ بْنَ يَحْيَى أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ عِنْدَ الْمَرْأَةِ الشَّابَّةِ، فَيَمْسِكُ عَنْهَا الْأَشْهُرَ وَالسَّنَةَ لَا يَقْرُبُهَا، لَيْسَ يُرِيدُ الْإِضْرَارَ بِهَا، يَكُونُ لَهُمْ مُصِيبَةٌ، أَيْكُونُ فِي ذَلِكَ آثِمًا؟ قَالَ: إِذَا تَرَكَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ كَانَ آثِمًا بَعْدَ ذَلِكَ. (2)

1- سنن أبي داود: ج 2 ص 48 ح 1369، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 133 ح 26368، سنن الدارمي: ج 2 ص 570 ح 2092 عن سعد بن أبي وقاص، صحيح ابن حبان: ج 2 ص 19 ح 316، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 386 ح 7206 كلاهما عن أبي موسى، الطبقات الكبرى: ج 3 ص 395 عن أبي بردة والأربعة الأخيرة نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 33 ح 5325.

2- تهذيب الأحكام: ج 7 ص 412 ح 1647 و ص 419 ح 16678، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 45 ح 4415، وسائل الشيعة: ج 14 ص 100 ح 25246.

2 / 10 - 7 نهی از همبستر نشدن با همسر ، بیش از چهار ماه

سنن أبی داوود_ به نقل از عایشه _ : پیامبر صلی الله علیه و آله در پی عثمان بن مظعون فرستاد و او آمد . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای عثمان! آیا از سنت من روی گردانی؟» . گفت : نه به خدا _ ای پیامبر خدا _ ؛ بلکه طالب سنت شما هستم . فرمود : «من [شب ها ، [هم می خوابم و هم نماز می خوانم ، و [روزها ، [هم روزه می گیرم و هم می خورم ، و با زنان نیز آمیزش می کنم . پس ، از خدا بترس ، ای عثمان ! چرا که خانواده ات را بر تو حقی است ، میهمانت را بر تو حقی است ، و خودت را هم بر تو حقی است . پس [روزها ، [هم روزه بگیر و هم بخور و [شب ها ، [هم نماز بخوان و هم بخواب» .

ر . ک : همین دانش نامه : ج 3 ص 501 (خانواده / فصل دوم / تشویق به پاسداشت حقوق خانواده) .

2 / 10 - 7 نهی از هم بستر نشدن با همسر ، بیش از چهار ماهتهذیب الأحكام_ به نقل از صفوان بن یحیی _ : از امام رضا علیه السلام پرسید [م] : مردی ، همسر جوانی دارد و چند ماه ، حتی يك سال می گذرد و با او نزدیکی نمی کند . نه این که بخواهد به او آزار برساند ؛ بلکه مصیبتی دیده اند . آیا در این باره ، گناهکار است؟ فرمود : «چنانچه چهار ماه ، او را ترك کند ، پس از آن ، گناهکار است» .

10/2 _ 8 ما يَنْبَغِي رِعَايَتُهُ فِي الْمُبَاشَرَةِ _ الشَّبَقُ لِإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تُجَامِعُ إِلَّا مِنْ شَبَقٍ . (1)

ب _ الإِسْتِثَارَةُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : تَعَلَّمُوا مِنَ الْغُرَابِ خِصَالًا ثَلَاثًا : إِسْتِثَارَةَ بِالسَّفَادِ (2) ، وَبُكُورَهُ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ ، وَحَذَرَهُ . (3)

الإمام عليّ عليه السلام : نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُجَامِعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَالصَّبِيَّ فِي الْمَهْدِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا . (4)

-
- 1- . مكارم الأخلاق : ج 1 ص 393 ح 1328 ، فقه الرضا : ص 340 وفيه «حاجة» بدل «شبق» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 217 ح 9 .
 - 2- . السَّفَادُ : نَزْوُ الذَّكْرِ عَلَى الْأُنْثَى (لسان العرب : ج 3 ص 218 «سفد»).
 - 3- . النخصال : ص 100 ح 51 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 257 ح 10 كلاهما عن سليمان بن جعفر الجعفري عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 482 ح 1394 ، روضة الواعظين : ص 499 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 53 ح 2132 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 339 ح 6 .
 - 4- . الجعفریات : ص 96 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، النوادر للراوندي : ص 120 ح 129 عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 213 ح 781 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 103 ص 295 ح 51 .

2 / 10 - 8 آنچه در هنگام آمیزش رعایت آن شایسته است

الف - میل شدید

ب - پنهان بودن

2 / 10 _ آنچه در هنگام آمیزش ، رعایت آن شایسته استالف _ میل شدید امام رضا علیه السلام : نزدیکی مکن ، مگر از روی میل شدید .

ب _ پنهان بودن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از کلاغ ، سه خصلت را یاد بگیرید : پنهانی آمیزش کردن ، سحرخیزی در طلب روزی ، و محتاط بودن .

امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از این که مرد ، با همسرش نزدیکی کند ، در حالی که کودک ، در گهواره به آنها می نگرد .

الإمام الصادق عليه السلام: لا يُجامع الرَّجُلُ امرأته ولا جاريتَهُ وفي السِّتِّ صَبِيٌّ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يورثُ الرِّنا . (1)

ج _ المُلَاعَبَةُ تاريخ بغداد عن جابر: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْمُوَاقَعَةِ (2) قَبْلَ الْمُلَاعَبَةِ . (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ . . . وَأَنْ يَكُونَ بَيْنَ الرَّجُلِ وَأَهْلِهِ وَقَاعٌ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُرْسِلَ رَسُولًا ؛ الْمِرَاحَ وَالْقَبَلَ . لَا يَتَّعِ أَحَدُكُمْ عَلَى أَهْلِهِ مِثْلَ الْبَهِيمَةِ ! (4)

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ مِنَ الْعَجْزِ فِي الرَّجُلِ . . . وَالثَّلَاثُ : أَنْ يُقَارِبَ الرَّجُلُ جَارِيَتَهُ فَيُصِيبَهَا قَبْلَ أَنْ يُحَادِثَهَا وَيُوَانِسَهَا وَيُضَاجِعَهَا ، فَيَقْضِي حَاجَتَهُ مِنْهَا قَبْلَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتَهَا مِنْهُ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ أَحَدَكُمْ لِيَأْتِيَ أَهْلَهُ فَتَخْرُجُ مِنْ تَحْتِهِ ، فَلَوْ أَصَابَتْ زَنْجِيًا لَسَبَبَتْ بِهِ ! فَإِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ أَهْلُهُ فَلْيَكُنْ بَيْنَهُمَا مُلَاعَبَةً ؛ فَإِنَّهُ أَطِيبُ لِلْأَمْرِ . (6)

د _ التَّلَبُّسُ رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا جَامَعَ أَحَدُكُمْ أَهْلَهُ فَلْيَصُدِّقْهَا ، ثُمَّ إِذَا قَضَى حَاجَتَهُ قَبْلَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتَهَا فَلَا يَعْجَلْهَا حَتَّى تَقْضِيَ حَاجَتَهَا . (7)

1- الكافي : ج 5 ص 499 ح 1 عن ابن راشد عن أبيه ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 414 ح 1655 عن أبي راشد عن أبيه ، علل الشرائع : ص 502 ح 1 عن حنان بن سدير عن أبيه ، المحاسن : ج 2 ص 36 ح 1113 عن ابن رشيد عن أبيه ، عوالي اللآلي : ج 3 ص 305 ح 110 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 286 ح 17 .

2- واقع [الرجل] امرأته موقعةً ووقاعاً : جامعها (المصباح المنير : ص 668 «واقع»).

3- تاريخ بغداد : ج 13 ص 220 الرقم 7188 ، تاريخ دمشق : ج 58 ص 365 ح 12139 ، كنز العمال : ج 16 ص 352 ح 44886 .

4- كنز العمال : ج 9 ص 36 ح 24813 نقلاً عن الفردوس عن أنس .

5- المحجّة البيضاء : ج 3 ص 110 .

6- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 559 ح 4919 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 459 ح 1559 ، وسائل الشيعة : ج 14 ص 82 ح 25183 .

7- مسند أبي يعلى : ج 4 ص 183 ح 4186 و 4185 نحوه وكلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 16 ص 344 ح 44837 .

ج - ملاءبه (بازی کردن)**د - درنگ ورزیدن**

امام صادق علیه السلام: در اتاقي كه كودكي وجود دارد، مرد نبايد با زن يا كنيزش نزديكي كند؛ چرا كه اين كار، زنا به بار مي آورد.

ج - ملاءبه (بازی کردن) تاريخ بغداد - به نقل از جابر - : پيامبر خدا صلي الله عليه و آله از مجامعت پيش از ملاءبه، نهی فرمود.

پيامبر خدا صلي الله عليه و آله : سه چيز، از جفا [به همسر] است : ... و اين كه ميانه مرد و همسرش، آميزشي صورت پذيرد، بدون آن كه مرد، پيش تر، پيكي بفرستد : شوخي و بوسه . هيچ يك از شما مانند حيوانات، با همسرش نزديكي نكند !

پيامبر خدا صلي الله عليه و آله : سه چيز، از ناتواني مرد است : ... و سوم، اين كه مرد، با كنيزش نزديكي كند و پيش از آن كه با او به صحبت كردن و مؤانست و هماغوشي پردازد، كام گيرد، و نيازش را ارضا كند، پيش از آن كه كنيزش نيازش را از او بر آورد .

امام صادق عليه السلام : يكي از شما با زنش هم بستر مي شود؛ ولي زنش در حالي از كار او فارغ مي شود كه اگر مردی زنگی را بيبابد، به او می چسبد ! پس هر گاه يكي از شما به سراغ همسرش رفت، بايد نخست، ميانه آن دو، قدری [شوخي و] ملاءبه صورت گيرد؛ چون اين [مقدمه]، براي آن كار، لذتبخش تر است .

د - درنگ ورزیدن پيامبر خدا صلي الله عليه و آله : هر گاه يكي از شما با همسرش هم بستر شد، او را نيز سخت بر انگيزد، و چنانچه پيش از او، نيازش بر آورده شد، زودتر از او بر نخيزد تا وی نيز نيازش را بر آورده سازد .

عنه صلى الله عليه وآله: إذا أراد أحدكم أن يأتي أهله فلا يعجلها. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا خالط الرجل أهله فلا ينزو الديك، وليتبت على بطنها حتى تصيب منه مثل الذي أصاب منها. (2)

الكافي عن ابن القداح: قال أبو عبد الله عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا جامع أحدكم فلا يأتيهن كما يأتي الطير، ليملك وليلبث. قال بعضهم: وليلبث. (3)

الإمام علي عليه السلام: إذا أراد أحدكم أن يأتي زوجته فلا يعجلها، فإن للنساء حوائج. (4)

هـ _ الذكْر والدُّعَاءُ رسول الله صلى الله عليه وآله: أما لو أن أحدكم إذا أراد أن يأتي أهله قال: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا» فَإِنَّهُ إِن يُقَدَّرَ بَيْنَهُمَا وَلَدٌ فِي ذَلِكَ، لَمْ يَضُرَّهُ شَيْطَانٌ أَبَدًا. (5)

-
- 1- الكافي: ج 5 ص 567 ح 48 عن مسمع أبي سيار عن الإمام الصادق عليه السلام، الجعفریات: ص 94، النوادر للراوندي: ص 118 ح 124 كلاهما عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، دعائم الإسلام: ج 2 ص 212 ح 775، بحار الأنوار: ج 103 ص 295 ح 51.
 - 2- الفردوس: ج 1 ص 294 ح 1161 عن أنس.
 - 3- الكافي: ج 5 ص 497 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 413 ح 1648 كلاهما عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام، وسائل الشيعة: ج 14 ص 82 ح 25181.
 - 4- الخصال: ص 637 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهم السلام، تحف العقول: ص 125 نحوه، بحار الأنوار: ج 103 ص 287 ح 19.
 - 5- صحيح البخاري: ج 5 ص 2347 ح 6025 و ص 1982 ح 4870، صحيح مسلم: ج 2 ص 1058 ح 116، سنن أبي داود: ج 2 ص 249 ح 2161، سنن الترمذي: ج 3 ص 401 ح 1092 كلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 16 ص 345 ح 44847؛ الكافي: ج 5 ص 503 ح 3 عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، تحف العقول: ص 12 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 66 ح 5.

ه - ذکر و دعا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما خواست با همسرش نزدیکی کند، زودتر از او، از جای بر نخیزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مرد، با همسرش در آمیخت، خُروسوار بر نجهد؛ بلکه روی شکم او بماند تا زن نیز به همان لذتی که وی رسیده، برسد.

الکافی_ به نقل از ابن قَدّاح، از امام صادق علیه السلام_: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه یکی از شما مجامعت کرد، مانند پرندگان، با آنان (همسرش) نزدیکی نکند؛ بلکه باید مکث و درنگ کند».

امام علی علیه السلام: هر گاه یکی از شما خواست که با همسرش نزدیکی کند، زودتر از او، از جای بر نخیزد؛ چرا که زنان نیز نیازهایی دارند.

ه_ ذکر و دعا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! اگر هر يك از شما، هنگامی که می خواهد با زنش هم بستر شود، بگوید: «به نام خدا . بار خدایا! ما را از [شرّ] شیطان به دور دار، و شیطان را از آنچه روزی ما کرده ای، دور بدار»؛ چرا که چنانچه در آن مجامعت، فرزندی برایشان مقدر شود، هیچ شیطانی، هرگز به او گزند نمی رساند.

الإمام الباقر عليه السلام: إذا أردت الولد فقل عند الجماع: اللهم ارزقني ولدا واجعله تقيا، ليس في خلقه زيادة ولا نقصان، واجعل عاقبته إلى خير. (1)

الكافي عن عبد الرحمن بن كثير: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام جالسا، فذكر شرك الشيطان فعظمه حتى أفرغني، قلت: جعلت فداك، فما المخرج من ذلك؟ قال: إذا أردت الجماع فقل: بسم الله الرحمن الرحيم الذي لا إله إلا هو بديع السماوات والأرض، اللهم إن قصديت مني في هذه الليلة خليفة، فلا تجعل للشيطان فيه شركا ولا نصيبا ولا حظا، واجعله مؤمنا مخلصا مصفا من الشيطان ورجزه، جل ثناؤك. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إذا أتى أحدكم أهله فليذكر الله، فإن من لم يذكر الله عند الجماع وكان منه ولد، كان ذلك شرك الشيطان، ويعرف ذلك بحبنا وبغضنا. (3)

والتوضؤ للعود رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أتى أحدكم أهله ثم أراد أن يعود، فليتوضأ فإنه أنشط للعود. (4)

- 1- الكافي: ج 6 ص 10 ح 12، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 411 ح 1641 كلاهما عن محمد بن مسلم، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 455 ح 1551 عن الأئمة عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 2 ص 211 ح 774 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، وسائل الشيعة: ج 14 ص 82 ح 25180.
- 2- الكافي: ج 5 ص 503 ح 4، عوالي اللآلي: ج 3 ص 305 ح 114، تفسير العياشي: ج 2 ص 300 ح 106 عن أبي الربيع الشامي نحوه، وسائل الشيعة: ج 14 ص 97 ح 25235.
- 3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 404 ح 4414، بحار الأنوار: ج 63 ص 201 ح 19.
- 4- صحيح ابن حبان: ج 4 ص 12 ح 1211، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 254 ح 542، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 110 ح 221، السنن الكبرى: ج 1 ص 314 ح 985 كلاهما نحوه وكلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 16 ص 347 ح 44855.

و - وضو گرفتن برای آمیزش مجدد

امام باقر علیه السلام: هر گاه خواستی فرزنددار شوی، هنگام آمیزش بگو: بار خدایا! مرا فرزندی روزی فرما، و او را پرهیزگار، و با جسمی سالم و بدون افزونی و کاستی، قرار بده و او را عاقبت به خیر بگردان.

الكافی_ به نقل از عبد الرحمان بن كثير_ : نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که ایشان از شريك شدن شیطان [در نطفه اولاد] ، با چنان اهمیتی یاد کرد که مرا ترساند . گفتم : فدایت شوم! راه نجات از آن چیست؟ فرمود : «هر گاه خواستی آمیزش کنی ، بگو : به نام خدای بخشاینده مهربان که معبودی جز او نیست و آفریننده آسمان ها و زمین است . بار خدایا! اگر در این شب ، چنان حکم فرمودی که مرا جانشینی باشد ، برای شیطان در او ، شريك و نصیب و بهره ای قرار مده ، و او را مؤمنی پاك از شیطان و پلیدی او بگردان . بزرگ است ثنای تو» .

امام صادق علیه السلام : هر گاه یکی از شما با همسرش نزدیکی کرد ، خدا را یاد کند [و بسم الله بگوید] ؛ زیرا هر که در هنگام آمیزش ، خدا را یاد نکند و فرزندی از او به دنیا بیاید ، شیطان ، در [تولد] او شرکت دارد ، و این ، از دوستی و دشمنی [آن كودك] با ما شناخته می شود .

و_ وضو گرفتن برای آمیزش مجدد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما با همسرش نزدیکی کرد ، سپس خواست که دوباره نزدیکی کند ، وضو بسازد ؛ زیرا این کار ، بر نشاط او برای بار دوم می افزاید .

عنه صلى الله عليه وآله: إذا أتى أحدكم أهله ثم بدا له أن يعاود، فليتوضأ بينهما وضوءاً. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: يُكره أن يغشى الرجل المرأة وقد احتلم، حتى يغتسل من احتلامه الذي رأى، فإن فعل وخرج الولد مجنوناً فلا يلومن إلا نفسه. (2)

2 / 10 _ 9 ما لا ينبغي في المباشرة _ الإفراط كتاب من لا يحضره الفقيه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أراد البقاء ولا بقاء، فليأكل الغداء، وليجود الحذاء، وليخفف الرداء، وليقلل جماعة النساء. قيل: يا رسول الله، وما خفة الرداء؟ قال: قلة الدين. (3)

الإمام علي عليه السلام - حينما سئل عن الجماع - : حياء يرتفع، وعورات تجتمع، أشبه شيء بالجنون، الإصرار عليه هرم، والإفاقة منه ندم، ثمرة حلاله الولد؛ إن عاش فتن، وإن مات حزن. (4)

1- .سنن أبي داود: ج 1 ص 56 ح 220، صحيح مسلم: ج 1 ص 249 ح 27، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 193 ح 587 وليس فيهما «بينهما وضوءاً»، سنن الترمذي: ج 1 ص 261 ح 141، السنن الكبرى: ج 1 ص 313 ح 984، المصنف لابن أبي شيبة: ج 1 ص 101 نحوه وكلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 16 ص 343 ح 44832.

2- .تهذيب الأحكام: ج 7 ص 412 ح 1646، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 404 ح 4412، الخصال: ص 520 ح 9، الأمالي للصدوق: ص 378 ح 478 كلاهما عن الحسين بن زيد بن علي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 502 ح 1736 عن معاذ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 76 ص 338 ح 2.

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 555 ح 4902، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 459 ح 1558، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 38 ح 112 عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، الجعفریات: ص 244 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 2 ص 144 ح 507 عن الإمام علي عليه السلام والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج 103 ص 286 ح 14.

4- .غرر الحكم: ج 3 ص 417 ح 4943، عيون الحكم والمواعظ: ص 234 ح 4493.

الف - زیاده روی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما با همسرش آمیزش کرد، سپس دلش خواست [که دوباره، نزدیکی را] تکرار کند، میان آن دو، وضویی بسازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مکروه است مردی که محتلم شده، [دوباره] با زن نزدیکی کند، مگر این که غسل نماید. پس اگر با آن حالت، نزدیکی کرد و فرزندی دیوانه به دنیا آمد، نباید کسی جز خودش را ملامت کند.

2 / 10 - آنچه در آمیزش، شایسته نیستالف - زیاده روی کتاب من لا یحضره الفقیه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که می خواهد جاودانه بماند - که البته جاودانگی، در کار نیست -، صبحانه تناول کند، کفش نیکو [و مناسب] بپوشد، ردایش سُبُك باشد، و با زنان، کمتر نزدیکی کند». گفته شد: ای پیامبر خدا! سُبُکی ردا چیست؟ فرمود: «اندک بودن دین».

امام علی علیه السلام - در پاسخ این پرسش که: جماع چیست؟ - پرده شرمی کنار می رود، و شرمگاه هایی به هم می آمیزند، که شبیه ترین حالت به دیوانگی است. زیاده روی در آن، پیری می آورد، و چون از آن حالت به خود بیاید، پشیمان می شود. میوه حلالش، فرزند است که اگر زنده بماند، [والدینش را] گرفتار می کند، و اگر بمیرد، [برای آنها] اندوه می آورد.

ب _ المُباشرةُ حاقنارِ رسولِ اللهِ صلى اللهُ عليه و آله : لا يُجامِعَنَّ أَحَدُكُمْ وَبِهِ حَقُّنٌ مِنْ خَلَاٍ (1) ، فَإِنَّ مِنْهُ يَكُونُ الْبَوَاسِيرُ (2) . ولا يُجامِعَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ وَبِهِ حَقُّنٌ مِنْ بَوْلٍ ، فَإِنَّهُ يَكُونُ مِنْهُ التَّوَاصِيرُ (3) . (4)

ج _ المُباشرةُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ فِي ذِكْرِ جُمَلٍ مِنْ مَنَاهِي النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ : نَهَى أَنْ يُجَامِعَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ . (5)

د _ مُباشرةُ الْمَرْأَةِ بِشَهْوَةٍ غَيْرِهَا رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ : يَا عَلِيُّ ، لا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ بِشَهْوَةِ امْرَأَةٍ غَيْرِكَ ، فَإِنِّي أَخْشَى أَنْ تُفْضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ أَنْ يَكُونَ مُخْتَنًا أَوْ مُؤَنَّثًا مُخْتَبَلًا . (6)

عنه صلى اللهُ عليه و آله _ أيضا _ : يَا عَلِيُّ ، لا تُجَامِعِ أَهْلَكَ عَلَى شَهْوَةِ أُخْتِهَا ، فَإِنَّ فُضْيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ عَشَّارًا أَوْ عَوْنَا لِلظَّالِمِ ، وَيَكُونُ هَلَاكًا فَنَامٍ مِنَ النَّاسِ عَلَى يَدَيْهِ . (7)

- 1- .في كنز العمال : «خلاء» بدل «خلاً» .
- 2- .الباسور : هي علةٌ تحدث في المقعدة ، جمعه : البواسير (لسان العرب : ج 4 ص 59 «بسر») .
- 3- .الناصور _ بالسين والصاد جميعا _ : علةٌ قد تحدث في حوالي المقعدة (راجع : الصحاح : ج 2 ص 827 «نسر») .
- 4- .الفردوس : ج 5 ص 128 ح 7706 ، كنز العمال : ج 16 ص 355 ح 44902 نقلاً عن ابن النجار وكلاهما عن أنس .
- 5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 6 ح 4968 ، الأمالي للصدوق : ص 510 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الكافي : ج 5 ص 560 ح 17 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام ، قرب الإسناد : ص 140 ح 501 عن أبي البختری عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام وكلاهما نحوه ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 308 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 103 ص 284 ح 5 .
- 6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 552 ح 4899 ، علل الشرائع : ص 551 ح 5 ، الأمالي للصدوق : ص 663 ح 896 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 456 ح 1552 ، الاختصاص : ص 133 كلُّها عن أبي سعيد الخدري ، بحار الأنوار : ج 103 ص 281 ح 1 .
- 7- .علل الشرائع : ص 516 ح 5 ، الاختصاص : ص 134 كلاهما عن أبي سعيد الخدري ، بحار الأنوار : ج 103 ص 282 ح 1 ، عوالي اللآلي : ج 3 ص 308 ح 124 .

ب - آمیزش ، در حالتِ پُر بودنِ معده و مثانه**ج - آمیزش رو به قبله****د - آمیزش با زن ، به هوسِ زنی دیگر**

ب - آمیزش ، در حالتِ پُر بودنِ معده و مثانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : [زنهار!] هیچ يك از شما در حالی که نیاز به قضای حاجت دارد ، نزدیکی نکند ؛ زیرا این کار ، بیماریِ بواسیر ایجاد می کند . [زنهار!] هیچ يك از شما در حالی که مثانه اش پُر است ، نزدیکی نکند ؛ چرا که این کار ، باعث ناسور (فیستول) می شود .

ج - آمیزش رو به قبله امام علی علیه السلام در بیان شمه ای از نهی های پیامبر صلی الله علیه و آله - ایشان از این که مرد ، با همسرش ، رو به قبله نزدیکی کند ، نهی فرمود .

د - آمیزش با زن ، به هوسِ زنی دیگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیه هایش به امیر مؤمنان علیه السلام - ای علی ! با زنت به هوس زنی دیگر ، نزدیکی نکن ؛ زیرا می ترسم اگر فرزندی برایتان مقدر شود ، مخنث یا زن صفت و دیوانه باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیه هایش به امیر مؤمنان علیه السلام - ای علی ! با همسرت ، به هوسِ خواهر او نزدیکی مکن ؛ زیرا اگر فرزندی برایتان مقدر شود ، باجگیر یا کمکِ ستمگر خواهد بود ، و گروهی از مردم ، به دست او نابود می شوند .

هـ _ الشَّيَاعُرسول الله صلى الله عليه وآله: الشَّيَاعُ (1) حَرَامٌ . (2)

و_ إخبار الأخرينمسند ابن حنبل عن شهر: حَدَّثْتَنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ يَزِيدَ أَنَّهَا كَانَتْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالرِّجَالُ وَالنِّسَاءُ قُعُودٌ عِنْدَهُ، فَقَالَ: لَعَلَّ رَجُلًا يَقُولُ مَا يَفْعَلُ بِأَهْلِهِ، وَلَعَلَّ امْرَأَةً تُخَيِّرُ بِمَا فَعَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا! فَأَرَمَ (3) الْقَوْمَ، فَقُلْتُ: إِي وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهُنَّ لَيَقُلْنَ، وَإِنَّهُنَّ لَيَفْعَلُونَ! قَالَ: فَلَا تَفْعَلُوهُ، فَإِنَّمَا ذَلِكَ مِثْلُ الشَّيْطَانِ لَقِيَّ شَيْطَانَةً فِي طَرِيقٍ فَعَشِيَهَا وَالنَّاسُ يَنْظُرُونَ . (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنْ أَشْرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الرَّجُلَ يُفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ وَتُفْضِي إِلَيْهِ، ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا . (5)

1- الشَّيَاعُ: الْمُفَاخَرَةُ بِكَثْرَةِ الْجَمَاعِ (النهاية: ج 2 ص 520 «شيع»).

2- مسند ابن حنبل: ج 4 ص 58 ح 11235، مسند أبي يعلى: ج 2 ص 136 ح 1392، تاريخ بغداد: ج 5 ص 162 نحوه، شعب الإيمان: ج 4 ص 314 ح 5232، الفردوس: ج 2 ص 347 ح 3573 وفيهما «السباع» بدل «الشياع» وكلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 16 ص 349 ح 44868.

3- أَرَمَ الْقَوْمَ: أَي سَكَتُوا وَلَمْ يُجِيبُوا (النهاية: ج 2 ص 267 «رمم»).

4- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 439 ح 27654، المعجم الكبير: ج 24 ص 162 ح 414 نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 357 ح 44909.

5- صحيح مسلم: ج 2 ص 1060 ح 123، سنن أبي داود: ج 4 ص 268 ح 4870، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 138 ح 11655 وفيها «إن من أعظم الأمانة» بدل «إن من أشر الناس»، المصتف لابن أبي شيبة: ج 3 ص 449 ح 2 وكلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 16 ص 375 ح 44973.

ه - فخر فروشی به کثرت آمیزش

و - نقل کردن برای دیگران

ه - فخر فروشی به کثرت آمیزش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فخر فروشی به کثرت آمیزش، حرام است.

و - نقل کردن برای دیگران مسند ابن حنبل - به نقل از شهر - : اسماء بنت یزید برایم گفت که وی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود و مردان و زنان، کنار او نشسته بودند. ایشان فرمود: «ممکن است مردی، از کاری که با همسرش می کند، بگوید، و یا زنی، از کاری که با شوهرش کرده، خبر دهد؟!». جمعیت، سکوت کرد. من گفتم: بله. البته، ای پیامبر خدا! هم زن ها می گویند، و هم مردها این کار را می کنند! فرمود: «این کار را نکنید؛ زیرا این کار، به آن می ماند که شیطان (1)، ماده شیطانی را در گذرگاهی ببیند و بر او بر جهد و مردم تماشا کنند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از جمله کسانی که در روز قیامت، بدترین جایگاه را نزد خدا دارند، مردی است که با همسرش و همسرش با او، کاری انجام بدهد، سپس راز او را فاش سازد.

1- ممکن است مراد، حیوانی مانند آلاغ و مانند آن باشد؛ چون شیطان، در لغت، به معنای هر موجود سرکش و نافرمان است، اعم از انسان و جن و چارپا.

عمل اليوم والليلة لابن السنِّي عن أبي هريرة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَلَا هَلْ عَسَى رَجُلٌ يُغْلِقُ بَابَهُ وَيُرْخِي سِتْرَهُ ، وَيُسْتَرُّ بِسِتْرِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ ، فَيَخْرُجُ فَيَقُولُ : فَعَلْتُ بِأَهْلِي وَفَعَلْتُ ! فِقَامَتِ جَارِيَةٌ كَعَابٍ فَقَالَتْ : وَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَفْعَلُونَ وَإِنَّهُمْ لَيَفْعَلْنَ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَثَلِ ذَلِكَ ؟ قَالُوا : وَمَا مَثَلُهُ ؟ قَالَ : مَثَلُ شَيْطَانٍ لَقِيَ شَيْطَانَةً فِي سِكَكِ فَنَكَحَهَا وَالنَّاسُ يَنْظُرُونَ ! (1)

المعجم الكبير عن أبي أمامة: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ وَعِنْدَهُ امْرَأَةٌ ، إِذْ قَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنِّي لِأَحْسَبُكَ تَخْبِرُنِي بِمَا يَفْعَلُ بِكَنِّ أَزْوَاجِكُنَّ ؟ قَالَتْ : إِي وَاللَّهِ بِأَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّا لَنَفْتَحِرُ بِذَلِكَ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فَلَا تَفْعَلْنَ ، فَإِنَّ اللَّهَ يَمَقْتُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ . فَقَالَ لَهَا : إِنِّي لِأَحْسَبُ إِحْدَاكُنَّ إِذَا أَتَاهَا زَوْجُهَا لَيَكْشِفُ فَاِنْ عَنْهُمَا اللَّحَافَ ، يَنْظُرُ أَحَدُهُمَا إِلَى عَوْرَةِ صَاحِبِهِ كَأَنَّهَا حِمَارَانِ ! قَالَتْ : إِي وَاللَّهِ بِأَبِي وَأُمِّي ، إِنَّا لَنَفْعَلُ ذَلِكَ . قَالَ : لَا تَفْعَلُوا ذَلِكَ ، فَإِنَّ اللَّهَ يَمَقْتُ عَلَى ذَلِكَ . (2)

10 / 2 _ 10 ما يحرم من المباشرة _ مقارنة الحائض الكتاب «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» . (3)

-
- 1- .عمل اليوم والليلة لابن السنِّي : ص 217 ح 615 ، سنن أبي داود : ج 2 ص 253 ح 2174 ، تاريخ دمشق : ج 67 ص 327 وكلاهما نحوه ، كنز العمال : ج 16 ص 355 ح 44905 .
 - 2- .المعجم الكبير : ج 8 ص 209 ح 7844 ، كنز العمال : ج 16 ص 355 ح 44904 .
 - 3- .البقرة : 222 .

10 / 2 - 10 موارد آمیزش حرام

الف - آمیزش با زن در زمان قاعدگی

عمل الیوم و اللیلة، ابن سنی_ به نقل از ابو هریره _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا ممکن است که مردی، در اتاقش را ببندد و پرده اش را ببندازد، و خدا هم بر او پرده پوشی کند و سپس بیرون بیاید و بگوید: من با زخم چه و چه کردم؟». دخترکی جوان برخاست و گفت: به خدا که مردها چنین می کنند و همچنین زن ها! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا به شما نگویم که این کار، مانند چیست؟». گفتند: مانند چیست؟ فرمود: «مانند این که شیطان، در گذرگاهی، به ماده شیطانی بر خورد و با او بیامیزد و مردم نگاه کنند!».

المعجم الکبیر_ به نقل از ابو امامه _ روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود و زنی هم نزد ایشان بود، که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «گمان می کنم شما کاری را که شوهرانتان با شما می کنند، بازگو می کنید [درست است]؟ زن گفت: آری، به خدا! پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! ما به این کار، افتخار می کنیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این کار را نکنید؛ زیرا خداوند، کسی را که چنین می کند، دشمن می دارد». باز به او فرمود: «گمان می کنم که هر يك از شما، وقتی شوهرش به سراغ او می رود، هر دو نفرشان، لحاف را از خود کنار می زنند و به عورت یکدیگر می نگرند، چنان که گویی دو الاغ اند!». زن گفت: آری، به خدا! پدر و مادرم به فدایت! این کار را می کنیم. فرمود: «چنین نکنید؛ زیرا خداوند، این کار را دشمن می دارد».

10 / 2 _ 10 موارد آمیزش حرامالف _ آمیزش با زن در زمان قاعدگیقرآن «از تو در باره عادت ماهانه [ی زنان] می پرسند. بگو: آن، رنجی است. پس هنگام عادت ماهانه از [آمیزش با] زنان، کناره گیری کنید، و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان جا که خدا به شما فرمان داده است، با آنان آمیزش کنید. خداوند، توبه کاران و پاکیزگان را دوست می دارد».

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ جَامَعَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ حَائِضٌ فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْذُومًا أَوْ أَبْرَصًا ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ . (1)

تهذيب الأحكام عن عيص بن القاسم: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ طَامِثٌ (2) ، قَالَ : لَا يَلْتَمِسُ فِعْلَ ذَلِكَ ، فَقَدْ نَهَى اللَّهُ أَنْ يَقْرِبَهَا . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: لَا يُبَغِضُنَا إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وِلَادَتُهُ ، أَوْ حَمَلَتْ بِهِ أُمَّهُ فِي حَيْضِهَا . (4)

الكافي عن عذافر الصيرفي: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَرَى هَؤُلَاءِ الْمُشَوَّهِينَ خَلَقَهُمْ ؟ قَالَ : قُلْتُ : نَعَمْ . قَالَ : هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَبَاؤُهُمْ يَأْتُونَ نِسَاءَهُمْ فِي الطَّمْثِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: الْمُسْتَحَاضَةُ تَنْظُرُ أَيَّامَهَا ، فَلَا تُصَلِّ فِيهَا وَلَا يَقْرِبُهَا بَعْلُهَا . (6)

-
- 1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 961 ح 201 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 459 ح 1557 ، المحاسن : ج 2 ص 41 ح 1131 عن سليمان بن جعفر البصري عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام نحوه ، عوالي اللآلي : ج 3 ص 307 ح 120 ، وسائل الشيعة : ج 2 ص 568 ح 2239 .
 - 2- .طَمِثَتِ الْمَرْأَةُ : إِذَا حَاضَتْ ، فَهِيَ طَامِثٌ (النهاية : ج 3 ص 138 «طمث»).
 - 3- .تهذيب الأحكام : ج 1 ص 164 ح 472 ، وسائل الشيعة : ج 2 ص 576 ح 2274 .
 - 4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 96 ح 203 .
 - 5- .الكافي : ج 5 ص 539 ح 5 ، علل الشرائع : ص 82 ح 1 عن ابن أبي عذافر ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 96 ح 202 ، عوالي اللآلي : ج 3 ص 307 ح 121 وفيه «عنهم عليهم السلام» وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 81 ص 86 ح 6 .
 - 6- .الكافي : ج 3 ص 88 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 1 ص 106 ح 277 و ص 170 ح 484 كلُّها عن معاوية بن عمَّار ، وسائل الشيعة : ج 2 ص 543 ح 2146 .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ، با زنش در زمان عادت ماهانه اش نزدیکی کرد و فرزندی جذامی یا پیس ، به دنیا آمد ، جز خودش ، کسی را سرزنش نکند .

تهذیب الأحکام_ به نقل از عیص بن قاسم _ : از امام صادق علیه السلام در باره آمیزش مرد با زنش ، هنگام عادت ماهانه اش پرسیدم ، فرمود : «دنبال چنین کاری نرود ؛ زیرا خداوند ، از نزدیک شدن به زن [در چنین مواقعی] نهی فرموده است» .

امام صادق علیه السلام : ما را دشمن نمی دارد ، مگر کسی که ناپاک ، زاده شده باشد ، یا مادرش در زمان قاعدگی اش ، او را حامله شده باشد .

الکافی_ به نقل از عذافر صیرفی _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «این ناقص الخلقه ها را می بینی؟» . گفتم : آری . فرمود : «اینها کسانی هستند که پدرانشان با زنانشان ، در زمان قاعدگی ، نزدیکی می کنند» .

امام صادق علیه السلام : زن حائض ، باید آن چند روز خود را صبر کند . در این روزها ، نه نماز بخواند و نه شوهرش با او نزدیکی کند .

دعائم الإسلام: رُوينا عن أهل البيت - صلوات الله عليهم - أن المرأة إذا حاضت أو نفست حرّمت على زوجها وطؤها حتى تطهر وتغتسل .
(1)(2)

ب - المباشرة حال الاعتكاف في المسجد الكتاب «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» . (3)

الحديث كتاب من لا يحضره الفقيه عن زرارة: سألت أبا جعفر عليه السلام عن المعتكف يجامع؟ قال: إذا فعل ذلك فعليه ما على المظاهر . وقد روي أنه إن جامع في الليل فعليه كفارة واحدة، وإن جامع بالنهار فعليه كفارتان (4) .

1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 127، بحار الأنوار: ج 81 ص 118 ح 41 .

2- قال العلامة الطباطبائي: قد كان للناس في أمر المحيض مذاهب شتى: فكانت اليهود تشدد في أمره، ويفارق النساء في المحيض في المأكل والمشرب والمجلس والمضجع، وفي التوراة أحكام شديدة في أمرهن في المحيض وأمر من قرب منهن في المجلس والمضجع والمس. وغير ذلك. وأما النصارى فلم يكن عندهم ما يمنع الاجتماع بهن أو الاقتراب منهن بوجه. وأما المشركون من العرب فلم يكن عندهم شيء من ذلك، غير أن العرب القاطنين بالمدينة وحواليها سرى فيهم بعض آداب اليهود في أمر المحيض والتشديد في أمر معاشرتهن في هذا الحال. وغيرهم ربما كانوا يستحبون إتيان النساء في المحيض ويعتقدون أن الولد المرزوق حينئذ يصير سقاحا ولوعا في سفك الدماء، وذلك من الصفات المستحسنة عند العشائر من البدويين. . . فالإسلام قد أخذ في أمر المحيض طريقا وسطا بين التشديد التام الذي عليه اليهود، والإهمال المطلق الذي عليه النصارى، وهو المنع عن إتيان محل الدم والإذن فيما دونه (الميزان في تفسير القرآن: ج 2 ص 208) .

3- البقرة: 187 .

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 188 ح 2102، الكافي: ج 4 ص 179 ح 1 .

ب - آمیزش ، هنگام اعتکاف در مسجد

دعائم الإسلام: از اهل بیت _ که درودهای خداوند بر آنها باد _ ، روایت داریم که زن ، هر گاه حیض یا نفاس باشد ، بر شوهرش حرام است که با او نزدیکی کند ، تا آن گاه که پاک شود و غسل کند . (1)

ب _ آمیزش ، هنگام اعتکاف در مسجد قرآن « و در حالی که در مساجد ، معتکف هستید ، [با زنان] در نیامیزید . این است حدود احکام الهی . پس بدانها نزدیک نشوید . این گونه ، خدا آیات خود را برای مردم بیان می کند . باشد که پروا پیشه کنند » .

حدیث کتاب من لا یحضره الفقیه _ به نقل از زُراره _ : از امام باقر علیه السلام پرسیدم : آیا معتکف می تواند نزدیکی کند؟ فرمود : «اگر چنین کرد ، همان کفاره ظهار کننده ، به او تعلق می گیرد . روایت شده است که اگر در شب نزدیکی کرد ، یک کفاره بر عهده اوست ، و اگر در روز نزدیکی کرد ، دو کفاره دارد» .

1- . در تفسیر المیزان آمده است : در خصوص ارتباط و تماس با زن در دوره عادت ماهانه اش ، عقاید گوناگونی میان مردم وجود داشت : یهود ، در این باره ، سخت می گرفتند و از خوردن و آشامیدن و نشست و برخاست و هم بستری با زنان در این دوره ، دوری می کردند . در تورات ، در باره زنان حائض و کسانی که با آنان همنشینی و هم بستری و تماس داشته باشند ، احکام سختگیرانه ای آمده است ؛ اما مسیحیان ، از نشست و برخاست با این زنان و نزدیک شدن به آنها ممانعتی نداشتند . مشرکان عرب در این باره از خود ، چیزی نداشتند ؛ اما عرب های مقیم مدینه و پیرامون آن ، پاره ای از آداب یهود در خصوص زنان حائض و سختگیری در معاشرت با آنها در این دوره ، به ایشان سرایت کرده بود . دیگران هم شاید هم بستری با زنان در دوره قاعدگی را حتی پسندیده می شمردند و معتقد بودند که فرزندی که در این هنگام درست شود ، خونریز خواهد بود و علاقه شدیدی به ریختن خون دارد ، و این ، از صفاتی بود که عشایر بادیه نشین ، آن را می پسندیدند ... ؛ اما اسلام در این باره ، حدّ وسط میان سختگیری یهود و اهمال مطلق نصارا را در پیش گرفت ، و آن ، ممنوع ساختن نزدیکی از محلّ خونریزی ، و اجازه دادن برای غیر آن محل است (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 2 ص 208) .

الكافي عن سماعة بن مهران: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن مُعْتَكِفٍ واقَعَ أهله؟ قال: هُوَ بِمَنْزِلَةٍ مَن أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ (1).

الكافي عن الحسن بن الجهم عن أبي الحسن عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُعْتَكِفِ يَأْتِي أَهْلَهُ؟ فَقَالَ: لَا يَأْتِي امْرَأَتَهُ لَيْلًا وَلَا نَهَارًا وَهُوَ مُعْتَكِفٌ (2).

11/2 الدعاء 11/2 _ 1 الدعاء للأهبالكتاب «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (3).

«قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَه يَ الْوُط لَنَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ * قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِّنَ الْقَالِينَ * رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ * فَنجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ» (4)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَنِي فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ... قُلْ: اللَّهُمَّ رَبَّ التَّوْرِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ... هَبْ لِي كَمَا وَهَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، فَإِنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَمُتَوَكِّلٌ عَلَيْكَ، مُنِيبٌ (5) إِلَيْكَ مَعَ مَصِيرِي إِلَيْكَ، وَتَجَمُّعٌ لِي وَأَهْلِي وَلِوَالِدِي الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَتَصَرُّفٌ عَنِّي وَعَنْ وَلَدِي وَأَهْلِي الشَّرِّ كُلِّهِ، أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَتَّانُ، بَدِيعُ (6) السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (7).

1- الكافي: ج 4 ص 179 ح 2.

2- الكافي: ج 4 ص 180 ح 3.

3- الأعراف: 23.

4- الشعراء: 167 _ 170.

5- الإنابة: الرجوع إلى الله بالتوبة، أناب يُنِيبُ فهو مُنِيبٌ (النهاية: ج 5 ص 123 «نوب»).

6- البدِيعُ: هو الخالق المَخْتَرع لا عن مثال سابق (النهاية: ج 1 ص 106 «بدع»).

7- الإقبال: ج 1 ص 239 عن المفصَّل بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام، البلد الأمين: ص 231، المصباح للكفعمي: ص

833، بحار الأنوار: ج 98 ص 10 ح 2.

2 / 11 دعا کردن

2 / 11 - 1 دعا کردن برای خانواده

الكافی_ به نقل از سماعة بن مهران _ : از امام صادق علیه السلام در باره آمیزشِ معتكف ، با همسرش پرسیدم . فرمود : «او به منزله کسی است که روزه يك روز از ماه رمضان را بخورد» .

الكافی_ به نقل از حسن بن جهم _ : از ابو الحسن علیه السلام (1) در باره نزدیکی کردن معتكف با همسرش پرسیدم . فرمود : «در زمانی که معتكف است ، نه شب و نه روز ، نباید با زنش نزدیکی کند» .

11 / 2 دعا کردن 11 / 2 - 1 دعا کردن برای خانوادهقرآن « خداوندا! ما به خود ، ستم کردیم . اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی ، بی گمان ، از زیانکاران خواهیم بود » .

« گفتند : ای لوط ! اگر دست بر نداری ، قطعاً از اخراج شدگان خواهی بود . گفت : من دشمنِ کردار شما هستم . پرودگارا ! مرا و خانواده ام را از آنچه انجام می دهند ، رهایی بخش . پس ما او و همه خانواده اش را نجات دادیم » .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت : «ای محمد ! ... بگو : خدایا ! ای صاحبِ نور بزرگ ! ای صاحبِ کرسی بلندپایه ! ... به من ببخش ، همچنان که به دوستانت و اهل طاعتت بخشیدی ؛ چرا که من [نیز] مؤمن به تو هستم و بر تو توکل دارم . انابه کننده به درگاه تو هستم و حرکتم به سوی توست . همه خوبی ها را برای من و زن و فرزندانم گرد آور ، و بدی را سراسر ، از من و زن و فرزندانم دور بگردان . تویی مهربان و بنده نواز ، و ابداع کننده آسمان ها و زمین » .

1- . مقصود ، امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام است .

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَأَمِنْ رَوْعَاتِي، وَاحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي (1).

الإمام الصادق عليه السلام: كان أبي يقول: . . . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرْكِ الشَّقَاءِ، وَمِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْوَقْرِ (2)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ (3).

عنه عليه السلام: حَصَّنَا أَمْوَالَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ، وَأَحْرَزُوهُمْ بِهَيْدِهِ وَقَوْلُهَا بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ: «أَعِيذُ نَفْسِي وَدُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي، بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ (4)، وَمَنْ كَلَّ عَيْنٍ لَأَمَّةٍ (5)»، وَهِيَ الْعُوذَةُ الَّتِي عُوذَ بِهَا (6) جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا (7).

- 1- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1273 ح 3871، الأدب المفرد: ص 351 ح 1200، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 254 ح 4785، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 241 ح 961 كلها عن ابن عمر، كنز العمال: ج 2 ص 188 ح 3683؛ مصباح المتهجد: ص 336 ح 443، بحار الأنوار: ج 97 ص 234 ح 3 نقلاً عن الدرر الوقية وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام.
- 2- قال العلامة المجلسي قدس سره: في القاموس: الوقر ثقل في الأذن، أو ذهاب السمع كله. وقيل: يحتمل أن يكون هنا من الإتيان؛ يقال: «فقيرٌ وقيرٌ» إتباعاً. وأقول: يحتمل أن يكون المراد به كل ثقل من الديون والذنوب وكثرة العيال وغيرها (مرآة العقول: ج 12 ص 249).
- 3- الكافي: ج 2 ص 526 ح 13 عن أبي بصير، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 27 ح 2059، مصباح المتهجد: ص 95 ح 153، بحار الأنوار: ج 86 ص 264 ح 34.
- 4- الهوام: ما كان من خَشَّاشِ الْأَرْضِ نحو العقارب وما أشبهها، الواحدة هامة؛ لَأَنْهَا تَهَمٌ: أي تَدَبُّ (لسان العرب: ج 12 ص 621 «همم»).
- 5- الْعَيْنُ اللَّامَةُ: التي تصيب بسوء (الصحيح: ج 5 ص 2032 «لمم»).
- 6- في المصدر: «بهما»، والتصويب من بحار الأنوار.
- 7- طب الأئمة عليهم السلام لابني بسطام: ص 119 عن محمد بن مسلم، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 116 ح 436، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 470 ح 1352، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 44 ح 2101 والثلاثة الأخيرة عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 127 ح 9.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! بخشش و سلامت در دنیا و آخرت را از تو درخواست می کنم. بار خدایا! بخشش و سلامت در دین و دنیایم و خانواده و دارایی ام را از تو درخواست می کنم. بار خدایا! برهنگی هایم (عیب هایم) را بپوشان، و ترس هایم را بزدای، و مرا از پیش رو و پشت سرم و از راست و چپم و از بالای سرم، محافظت فرما. به تو پناه می برم از این که از زیر پایم، به ناگاه، فرو گرفته شوم. (1)

امام صادق علیه السلام: پدرم می گفت: «... بار خدایا! از دامنگیر شدن بدبختی، و از شماتت دشمنان به تو پناه می برم. از ناداری و گران باری، 2 به تو پناه می برم. از دیدن صحنه بد در زن و اموال و فرزندان، به تو پناه می برم».

امام صادق علیه السلام: اموال و خانواده خود را با این دعا نگهداری کنید، و آن را بعد از نماز عشا بگویید: «خودم را و فرزندانم را و خانواده ام را و اموالم را از گزند هر شیطان و گزنده ای و از هر چشم بدی، در پناه کلماتِ تامّ خداوند، در می آورم». این، تعویذی (دعایی) است که جبرئیل علیه السلام برای حسن و حسین _ که دروذهای خدا بر ایشان باد _ فراهم کرد.

1- یعنی در زمین فرو بروم؛ زمین، مرا فرو بلعد.

عنه عليه السلام: كان أبي عليه السلام يقول في دعائه: رَبِّ أَصْلِحْ لِي نَفْسِي، فَإِنَّهَا أَمُّ الْأَنْفُسِ إِلَيَّ، رَبِّ أَصْلِحْ لِي ذُرِّيَّتِي؛ فَإِنَّهُمْ يَدِي وَعَضُدِي، رَبِّ وَأَصْلِحْ لِي أَهْلَ بَيْتِي؛ فَإِنَّهُمْ لَحَمِي وَدَمِي، رَبِّ أَصْلِحْ لِي جَمَاعَةَ إِخْوَتِي وَأَخَوَاتِي وَمُحِبِّي؛ فَإِنَّ صَلَاحَهُمْ صَلَاحِي. (1)

2 / 11 _ الدُّعَاءُ لِلْوَالِدَيْنِ الْكَتَابُ «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ». (2)

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا». (3)

«وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا». (4)

1- قرب الإسناد: ص 8 ح 26، بحار الأنوار: ج 95 ص 351 ح 2.

2- إبراهيم: 41.

3- نوح: 28.

4- الإسراء: 24.

2 / 11 - 2 دعا برای پدر و مادر

امام صادق علیه السلام: پدرم علیه السلام در دعایش می گفت: «خداوندا! مرا اصلاح فرما؛ زیرا من، مهم ترین کس در نزد خویشم. خداوندا! فرزندانم را برایم اصلاح فرما؛ زیرا آنان دست و بازوی من هستند. خداوندا! خانواده ام را برایم اصلاح فرما؛ زیرا آنان گوشت و خون من هستند. خداوندا! جماعت برادران و خواهران و دوستان را مرا برایم اصلاح فرما؛ زیرا صالح بودن ایشان، صالح بودن من است.»

2 / 11 - 2 دعا برای پدر و مادر قرآن «ای پروردگار ما! مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را بیامرز، در آن روز که حسابرسی بر پا می شود.»

«ای پروردگار من! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی را که به سزایم وارد می شوند، و همه مردان و زنان باایمان را بیامرز، و ستمگران را جز بر هلاکتشان میفزای.»

«و از سرِ مهربانی، بالِ فروتنی برای آن دو (پدر و مادر) فرود آور و بگو: ای پروردگار من! برای آن دو، مهر آور که آن دو، مرا در خُردسالی پروراندند.»

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: دُعَاءُ الْوَالِدِ لِلْوَالِدِ كَالْأَخِذِ بِالْيَدِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَمُوتُ وَالِدَاهُ وَهُوَ عَاقٌّ لَهُمَا ، فَيَدْعُو لَهُمَا مِنْ بَعْدِهِمَا ، فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ مِنَ الْبَارِينَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَرْفَعُ الْعَبْدَ الدَّرَجَةَ فَيَقُولُ: رَبِّ أَتَى لِي هَذِهِ الدَّرَجَةُ؟ فَيَقُولُ: بِدُعَاءِ وَلَدِكَ لَكَ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْفَعُ الدَّرَجَةَ لِلْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي الْجَنَّةِ ، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ أَتَى لِي هَذِهِ؟ فَيَقُولُ: بِاسْتِغْفَارِ وَلَدِكَ لَكَ .

(4)

مهج الدعوات_ فيما ذكره من دُعَاءِ يُوَسِّفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ أَوْقَاتِ بَلَوَاهُ _ : يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ ، وَيَا رَازِقَ الْمُتَكَلِّمِينَ ، وَيَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ... يَا غَافِرَ الذُّنُوبِ ، يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ ، يَا سَاتِرَ الْعُيُوبِ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّىَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدِي وَتَجَاوِزَ عَنَّا فِيمَا تَعَلَّمَ فَإِنَّكَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ (5) . (6)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبَوَيْهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ _ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ، وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَاخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَسَلَامِكَ . وَاخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ ، وَالصَّلَاةَ مِنْكَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَالْهَمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَيَّ إِلَهُمَا ، وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلَّهُ تَمَامًا ، ثُمَّ اسْتَعْمَلَنِي بِمَا تُلْهَمُنِي مِنْهُ ، وَوَفَّقْنِي لِلتَّفُؤُذِ فِيمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عِلْمِهِ ، حَتَّى لَا يَقُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عِلْمْتِيهِ ، وَلَا تُثْقِلَ أَرْكَانِي عَنِ الْحُفُوفِ (7) فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَفْتَنَا بِهِ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ . اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ (8) ، وَأَبْرُهُمَا بَرِّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ ، وَاجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيْهِ وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنَ رَقْدَةِ الْوَسْنَانِ ، وَأَثْلَجَ لِي صَدْرِي مِنْ شَرِّ رِيبةِ الظُّمَانِ ، حَتَّى أُوَثِّرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا ، وَأُقَدِّمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا ، وَأَسْتَكْتَبِرَ بِرَّهُمَا بِي وَإِنْ قَلَّ ، وَأَسْتَقْبَلَ بِرِّي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ . اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي ، وَأَطْبِ لَهُمَا كَلَامِي ، وَأَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي (9) ، وَأَعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي ، وَصَيِّرْني بِهِمَا رَفِيقًا ، وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا . اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي ، وَأَثْبُهُمَا عَلَى تَكْرَمَتِي ، وَاحْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِدْعِي . اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهَا مِنِّي مِنْ أذى ، أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهِ ، أَوْ ضَاعَ قَلْبِي لَهُمَا مِنْ حَقِّ فَاجِعَلَهُ حِطَّةً لِي ذُنُوبَهُمَا ، وَعُلُوفًا فِي دَرَجَاتِهِمَا ، وَزِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ . اللَّهُمَّ وَمَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ ، أَوْ أَسْرَفَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ ، أَوْ ضَيَعَا لِي مِنْ حَقِّ ، أَوْ قَصَّرَا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتَهُ لَهُمَا ، وَجَدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا ، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتَهُ عَنْهُمَا ، فَإِنِّي لَا أَتِيهِمَا عَلَى نَفْسِي ، وَلَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِي بَرِّي ، وَلَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ أَمْرِي يَا رَبِّ ، فَهُمَا أَوْجَبَ حَقًّا عَلَيَّ ، وَأَقْدَمَ إِحْسَانًا إِلَيَّ ، وَأَعْظَمَ مَنَّةً لَدَيْكَ مِنْ أَنْ أَقْصَهُمَا بِعَدْلٍ ، أَوْ أَجَازِيَهُمَا عَلَى مِثْلِ ، أَيْنَ إِذَا يَا إِلَهِي طَوَّلُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَّتِي ، وَأَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي ، وَأَيْنَ إِفْتَارُهُمَا عَلَى أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ؟! هَيْهَاتَ ، مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا ، وَلَا أُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا ، وَلَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَةَ خِدْمَتِهِمَا ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَعِزِّي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتَعِينَ بِهِ ، وَوَفَّقْنِي يَا أَهْدَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ ، وَاخْصُصْ أَبِيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَّهَاتِهِمْ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي ، وَفِي إِنِّي مِنْ أَنَاءِ لَيْلِي ، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاعْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا ، وَاعْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْمًا ، وَارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًا عَزْمًا ، وَبَلِّغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ . اللَّهُمَّ وَإِنْ سَدَّ بَقْتٌ مَغْفِرَتَكَ لَهُمَا فَشَدِّفْهُمَا فِيَّ ، وَإِنْ سَدَّ بَقْتٌ مَغْفِرَتَكَ لِي فَشَدِّفْهُمَا فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَمَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ، وَالْمَنَّ الْقَدِيمِ ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ . (10)

1- الفردوس : ج 2 ص 213 ح 3038 عن ابن عمر .

2- شعب الإيمان : ج 6 ص 201 ح 7901 مكرر ، إحياء العلوم : ج 4 ص 711 كلاهما عن محمد بن سيرين ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 267 .

3- السنن الكبرى : ج 7 ص 126 ح 13459 ، الدعاء للطبراني : ص 375 ح 1249 كلاهما عن أبي هريرة .

4- مسند ابن حنبل : ج 3 ص 584 ح 10615 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 210 ح 5108 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 3 ص 261 ح 5 كلاهما نحوه وكلّهما عن أبي هريرة .

5- قال المؤلّف قدس سره في ذيل الحديث : «إنّ قوله : أسألك أن تصلي عليّ محمد وآل محمد . . . إلى آخره لعلّه من زيادة الرواة» .

6- مهج الدعوات : ص 368 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 171 ح 22 .

7- الحفّة : الكرامة التامة (النهاية : ج 1 ص 408 «حفف») .

8- عسوف : أي جائرٌ ظلوم (النهاية : ج 3 ص 237 «عسف») .

9- فلانٌ لئِنُ العريكة : إذا كان سلسًا مطاوعًا مُتقادًا قليل الخلاف والنفور (النهاية : ج 3 ص 22 «عرك») .

10- الصحيفة السجّادية : ص 101 الدعاء 24 ، المصباح للكفعمي : ص 215 .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعای فرزند در حق پدر ، مانند گرفتن با دست است . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آدمی ، پدر و مادرش از دنیا می روند ، در حالی که با آن دو ، بدرفتاری کرده است ؛ ولی پس از مرگشان برای آنها دعا می کند و خداوند ، او را از نیکوکاران به پدر و مادر می نویسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند _ تبارک و تعالی _ هنگامی که بنده را درجه ای بالا می بَرَد ، بنده می گوید : خداوند! این درجه ، از چه روی ، به من داده شده است ؟ خداوند می فرماید : «به سبب دعای فرزندت در حق تو» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آن گاه که خداوند عز و جل ، بنده درستکار را يك درجه در بهشت ، بالا می بَرَد ، بنده می گوید : پروردگارا ! به چه سبب ، این درجه به من داده شد؟ خداوند می فرماید : «به سبب آمرزش خواهی فرزندت برای تو» .

مهج الدعوات _ در بیان دعای یوسف علیه السلام در زمان های گرفتاری اش _ ای رحم کننده بر بیچارگان ! ای روزی دهنده سخنگویان ! ای پروردگار جهانیان ! ... ای آمرزنده گناهان ! ای دانای نهان ها ! ای پوشاننده عیب ها ! از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد ، درود بفرستی و مرا و پدر و مادرم را بیمارزی ، و از آنچه (گناهان) در باره ما می دانی ، در گذری ، که تو تواناترین و بزرگوارترینی .

(2)

امام زین العابدین علیه السلام _ از دعای ایشان برای والدینش _ : بار خدایا ! بر محمد ، بنده و فرستاده ات ، و خاندان پاک او درود بفرست ، و برترین درودها و رحمت و برکات و سلامت را نثار آنان کن . پروردگارا ! پدر و مادرم را نزد خود ، گرمی بدار و درود خویش را بر آنان ارزانی بدار ، ای مهربان ترین مهربانان ! بار خدایا ! بر محمد و خاندان او درود بفرست ، و آشنایی با آن حقی که پدر و مادرم بر عهده من دارند ، به من الهام فرما ، و آنها را بی کم و کاست ، به من بیاموز . آن گاه مرا در آنچه از این حقوق ، به من الهام می کنی ، به کار گیر ، و در انجام دادن آنچه بر من می آموزی ، موقفم بدار تا چیزی را از آنچه به من آموخته ای ، فروگذار نکنم ، و اعضای بدنم ، از پرداختن به آنچه الهام فرموده ای ، سنگین [و سست] نشوند . بار خدایا ! بر محمد و خاندان او درود بفرست که ما را به او مفتخر ساختی . بر محمد و خاندان او درود بفرست که به سبب او برای ما حقی بر خلق ، واجب گردانیدی . بار خدایا ! چنانم گردان که از پدر و مادر خویش ، آن گونه هیبت به دل بدارم که از پادشاه خودکامه دارم ، و به آن دو ، همچون نیکی مادر مهربان [به فرزندش] ، نیکی کنم و فرمان برداری ام از پدر و مادر و خوش رفتاری ام با آنان را در نظرم ، خوش تر از خوابیدن خواب آلوده و گوارتر از سر کشیدن آبی که تشنه کامی می نوشد ، قرار ده تا خواست آنان را بر خواست خویش برگزینم ، و خشنودی آن دو را بر خشنودی خویش مقدم بدارم ، و نیکی ای را که در حق من می کنند ، اگر چه اندک باشد ، بسیار بشمارم ، و نیکی خود در حق آنان را اندک بدانم ، اگر چه بسیار باشد . بار خدایا ! صدایم را در برابر آنان آهسته بنما . سخنم را خوش بدار . خویم را نرم کن . دلم را به ایشان مهربان گردان ، و مرا نسبت به آنان ، با مدارا و دلسوز قرار ده . بار خدایا ! از زحمات آن دو ، برای تربیت من سپاس بگزار ، و آن دو را بر گرمی داشتتم ، پاداش ده ، و همچنان که در خردسالی ام از من نگهداری کرده اند ، تو نیز از آنان نگهداری کن . بار خدایا ! هر آزاری که از من به ایشان رسیده ، یا هر ناخوشایندی ای که از من دیده اند ، یا هر حقی که از آنان پامال کرده ام ، سبب ریختن گناهان آن دو و علو درجاتشان و فزونی حسد ناتشان قرار ده . ای کسی که بدی ها را به چندین برابر خوبی ، تبدیل می کنی ! بار خدایا ! هر سخنی که آن دو در آن ، بر من تعدی کرده اند ، یا هر رفتار زیاده روانه ای که با من کرده اند ، یا هر حقی که از من تضییع نموده اند ، یا هر گونه کوتاهی ای که در انجام دادن وظیفه شان نسبت به من کرده اند ، همه را بر آن دو بخشیدم و از آنان گذشت کردم . از تو نیز درخواست می کنم که از سر تقصیراتشان در گذری ؛ چرا که من ، در باره خود ، به آن دو ، بدگمان نیستم [و

قطعا بد مرا نمی خواسته اند] ، و مَتَّهِمِشان نمی کنم که در نیکی به من ، کُندی ای کرده باشند ، و از آنچه در حق من کرده اند ، دلگیر نیستم _ ای پروردگار من _ ؛ زیرا حق آن دو بر من ، واجب تر ، سابقه احسانشان به من ، بیشتر ، و لطفشان به من ، بزرگ تر از آن است که بخواهم آنان را عادلانه قصاص کنم ، یا با ایشان ، مقابله به مثل نمایم ؛ چون اگر چنین کنم _ ای معبود من _ ، سال ها زحمت ایشان برای پرورش من چه می شود ؟ و رنج و زحمت فراوانشان در راه مراقبت از من ، کجا می رود ؟ و آن همه سختی ای که به جان خریدند تا من در گشایش [و آسایش] باشم ، چه می شود؟ هیهات ! ایشان نمی توانند حق خود را به کمال و تمام ، از من بستانند ، و من نیز نمی توانم حقوق آنان را _ که بر عهده من است _ درک کنم و وظیفه خدمت گزاری به آن دورا انجام دهم . پس بر محمّد و خاندان او درود فرست ، و مرا [در این راه] کمک فرما ، ای بهترین کسی که از او کمک می جویند ! و توفیقم ده ، ای سزاوارترین کسی که از او درخواست می شود ! و در آن روز که هر کس ، سزای اعمال خود را می یابد و به ایشان ، کمترین ستمی نمی شود ، مرا در جرگه بدرفتاران با پدران و مادران ، قرار مده . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست ، و برترین چیزی را که به پدران و مادران بندگان مؤمنت ، عطا کرده ای ، به پدر و مادر من عطا فرما ، ای مهربان ترین مهربانان ! بار خدایا ! یاد آن دورا در تعقیبات نمازهایم ، و در هر پاسی از پاس های شبم ، و در هر وقتی از اوقات روزم ، از یادم مبر . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان او درود فرست ، و مرا به سبب دعایم برای آن دو ، بیامرزد ، و آن دورا نیز به سبب محبت و خوش رفتاری شان با من ، حتما بیامرزد ، و به واسطه شفاعتم برای آن دو ، از ایشان بی گمان خشنود شو ، و آن دورا با عزّت و احترام ، به جایگاه های سلامت [بهشت] برسان . بار خدایا ! اگر آن دورا پیش تر آمرزیده ای ، ایشان را شفیع من قرار ده ، و اگر مرا پیش تر آمرزیده ای ، مرا شفیع آن دو قرار ده تا به لطف تو ، همگی در سرای کرامت و جایگاه آمرزش و رحمت ، گرد هم آییم ، که به راستی ، تو دارای لطف بزرگ و دلجویی دیرینی ، و تو مهربان ترین مهربانانی .

1- . یعنی ، «نقد» و «فی المجلس» است و همان دم ، مستجاب می شود .

2- . مؤلف مهج الدعوات ، در ذیل این حدیث می گوید : جمله : «از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی ...» تا آخر آن ، شاید از افزوده های راویان باشد .

3 _ 11 / 2 الدُّعَاءُ لِلأَوْلَادِ الْكِتَابُ «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». (1)

«وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ إِلَّاصَ نَامَ * رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّ لَمَلَنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ * رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ * رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ * رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ». (2)

«إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي دَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِنِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (3)

1- البقرة: 127 _ 129 .

2- إبراهيم: 35 _ 40 .

3- آل عمران: 35 و 36 .

اشاره

2 / 11 _ 3 دعا برای فرزندانقرآن» و آن گاه که ابراهیم و اسماعیل ، پایه های خانه [ی کعبه] را بالا می بردند [، می گفتند] : ای پروردگار ما ! از ما بپذیر که به راستی ، تو شنوای دانایی . و ای پروردگار ما ! ما دورا سر در فرمان خودت قرار ده و از نسل ما نیز اتمتی را فرمان بردار خود گردان ، و آداب دینی ما را به ما بنمایان و توبه ما را بپذیر که همانا تو ، توبه پذیر مهربانی . ای پروردگار ما ! در میان ایشان ، فرستاده ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد و پاکیزه شان گرداند ، که به راستی ، تو ارجمند حکیمی « .

« و آن گاه [را یاد کن] که ابراهیم گفت : ای پروردگار من ! این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از این که بت ها را پرستش کنیم ، دور بدار . ای پروردگار من ! این بتان ، بسیاری از مردم را گم راه کردند . پس هر که از من پیروی کند ، او از من است ، و هر که مرا نافرمانی کند ، هر آینه ، تو آمرزگار مهربانی . ای پروردگار ما ! من [برخی] از فرزندانم را در درّه ای بی کشت ، نزد خانه با حرمت تو ، سکونت دادم _ ای پروردگار ما _ تا نماز بگزارند . پس دل های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از میوه ها روزی ده . باشد که سپاس گذاری کنند . ای پروردگار ما ! بی گمان ، تو آنچه را ما پنهان می داریم و آنچه را آشکار می سازیم ، می دانی و هیچ چیز ، نه در زمین و نه در آسمان ، بر خدا پوشیده نیست . سپاس ، خدای را که با وجود سال خوردگی ، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید . به راستی که پروردگار من ، شنونده دعاست . ای پروردگار من ! مرا نمازگزار قرار ده و از فرزندان من نیز _ ای پروردگار ما _ دعای مرا بپذیر « .

« آن گاه که زن عمران گفت : ای پروردگار من ! من آنچه را در شکم خود دارم ، نذر تو کردم تا آزاد شده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد . پس ، از من بپذیر ، که تو شنوای دانایی . پس چون وضع حمل کرد ، گفت : ای پروردگار من ! من دختر زاییده ام _ و خدا خود به آنچه او زایید ، داناتر بود _ و پسر ، همانند دختر نیست ، و من او را مریم نامیدم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده ، در پناه تو در می آورم « .

«وَأِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرِيئِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا». (1)

«هَذَاكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ * فَنَادَتْهُ الْمَلَكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ». (2)

«فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ * قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». (3)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا طَافَ آدَمُ بِالْبَيْتِ وَانْتَهَى إِلَى الْمُلتَزِمِ (4)، قَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا آدَمُ، أَقَرَّ لِرَبِّكَ بِذُنُوبِكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ. فَوَقَفَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا رَبِّ، إِنَّ لِكُلِّ عَامِلٍ أَجْرًا، وَقَدْ عَمِلْتُ فَمَا أَجْرِي؟ فَأَوْحَى اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - إِلَيْهِ: يَا آدَمُ، قَدْ غَفَرْتُ ذَنْبَكَ، قَالَ: يَا رَبِّ وَلَوْلَدِي وَلِدُرِّيئِي. فَأَوْحَى اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - إِلَيْهِ: يَا آدَمُ مَنْ جَاءَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ، وَأَقَرَّ بِذُنُوبِهِ وَتَابَ كَمَا تُبْتُ ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غَفَرْتُ لَهُ. (5)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ آدَمَ - صَدِّقًا لِلَّهِ عَلَيْهِ - لَمَّا بَنَى الْكَعْبَةَ وَطَافَ بِهَا قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ لِكُلِّ عَامِلٍ أَجْرًا، اللَّهُمَّ وَإِنِّي قَدْ عَمِلْتُ. فَقِيلَ لَهُ: سَلْ يَا آدَمُ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي. فَقِيلَ لَهُ: قَدْ غُفِرَ لَكَ يَا آدَمُ، فَقَالَ: وَلِدُرِّيئِي مِنْ بَعْدِي. فَقِيلَ لَهُ: يَا آدَمُ، مَنْ بَاءَ (6) مِنْهُمْ بِذَنْبِهِ هَاهُنَا كَمَا بُوتَ، غَفَرْتُ لَهُ. (7)

1- مريم: 5 و 6.

2- آل عمران: 38 و 39.

3- يوسف: 96_98.

4- الْمُلتَزِمُ: دَبْرُ الْكَعْبَةِ، سَمِّيَ لِأَنَّ النَّاسَ يَعْتَنِقُونَهُ أَوْ يَضْمُونَهُ إِلَى صَدْرِهِمْ، وَاللِّتِمَامُ: الْإِعْتِنَاقُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج 3 ص 163 «لزم»).

5- الكافي: ج 4 ص 194 ح 3 عن معاوية بن عمار وجميل بن صالح، قصص الأنبياء للراوندي: ص 47 ح 14 عن جميل بن صالح نحوه، بحار الأنوار: ج 99 ص 203 ح 13 وراجع: تفسير العياشي: ج 1 ص 31 ح 7 والأصول الستة عشر: ص 155.

6- بؤت بذنبي: أقررت واعترفت (مجمع البحرين: ج 1 ص 201 «بؤا»).

7- قصص الأنبياء للراوندي: ص 47 ح 13 عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 11 ص 179 ح 28 وراجع: علل الشرائع: ص 407 ح 2.

« و من پس از خویشتن ، از بستگانم بیمناکم و زخم نازاست . پس ، از جانب خود ، ولی [و جانشینی] به من ببخش که از من و از خاندان یعقوب ، ارث ببرد و او را _ ای پروردگار من _ پسندیده گردان . »

« آن جا [بود که] زکریّا ، پروردگارش را خواند و گفت : ای پروردگار من ! از جانب خود ، فرزندی پاک به من ببخش ، که تو شنونده دعایی . پس فرشتگان به او که در محراب ، به نماز ایستاده بود ، ندا دادند که : خدا تو را به یحیی که تصدیق کننده کلمه خدا (عیسی) و مهتر و خویشتندار و پیامبری از شایستگان است ، مژده می دهد . »

« پس چون مژده دهنده آمد ، آن [پیراهن] را بر صورت او (یعقوب) انداخت و او بینا شد . گفت : آیا به شما نگفتم که بی شك ، من از [عنایت] خداوند ، چیزهایی می دانم که شما نمی دانید ؟ گفتند : ای پدر ! برای گناهان ما آمرزش بخواه که به راستی ، ما خطاکار بودیم . گفت : به زودی ، از پروردگارم برای شما آمرزش می خواهم ، که به راستی ، او آمرزگاری مهربان است . »

حدیثامام صادق علیه السلام : چون آدم علیه السلام ، کعبه را طواف کرد و به ملتزم (1) رسید ، جبرئیل علیه السلام به او گفت : « ای آدم ! در این مکان ، به گناهان خود در پیشگاه پروردگارت اعتراف کن . » آدم علیه السلام ایستاد و گفت : « خداوندا ! هر کارگری ، مزدی دارد و من نیز کار کرده ام . مزد من چیست ؟ » . خداوند عز و جل به او وحی فرمود که : « ای آدم ! گناهت را بخشیدم . » آدم علیه السلام گفت : « خداوندا ! و فرزندانم و ذّریه ام ؟ » . خداوند عز و جل به او وحی فرمود که : « ای آدم ! هر يك از ذّریه تو که بدین مکان بیاید و بر گناهان خویش اعتراف نماید و چنان که تو توبه کردی ، توبه کند و سپس آمرزش بطلبد ، او را نیز می آمرزم . »

امام باقر علیه السلام : آدم علیه السلام _ که دروذهای خداوند بر او باد _ چون کعبه را ساخت و گرد آن طواف کرد ، گفت : « بار خدایا ! هر کارگری مزدی دارد . بار خدایا ! من هم کار کرده ام . » به او گفته شد : بخواه ، ای آدم ! گفت : « بار خدایا ! گناه مرا بیامرز . » به او گفته شد : آمرزیده شدی ، ای آدم ! گفت : « و فرزندان مرا که پس از من می آیند [نیز بیامرز] . » به او گفته شد : ای آدم ! هر يك از ایشان که در این مکان ، همانند تو ، به گناهش اعتراف کند ، او را نیز می آمرزم .

1- ملتزم ، در پشت کعبه است . آن را ملتزم گفته اند ؛ چون مردم ، آن را بغل می کنند و به سینه خود می چسبانند . التزام ، به معنای بغل کردن و در آغوش کشیدن است (مجمع البحرین : ج 3 ص 163 ماده «لزم») .

رسول الله صلى الله عليه وآله: دُعَاءُ الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ، مِثْلُ دُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: دُعَاءُ الْوَالِدِ لِلْوَلَدِ، كَالْمَاءِ لِلزَّرْعِ بِصَلَاحِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ، وَهُوَ أَنْ يَعْفُوَ عَن سَيِّئَتِهِ، وَيَدْعُوَ لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ من دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْلَدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ :اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَيَّ بَقَاءٌ وُلْدِي، وَبِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَبِإِمْتَاعِي بِهِمْ . إِلَهِي أَمُدِدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَدِّغْهُمْ، وَقَوِّ لِي صَدِّعِيهِمْ، وَأَصِحِّ لِي أِبْدَانَهُمْ وَأَدْيَانَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ، وَعَافِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِحِهِمْ وَفِي كُلِّ مَا عُنَيْتَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَأَدْرِ لِي وَعَلَى يَدَيَّ أَرْزَاقَهُمْ، وَاجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتَقِيَاءَ بَصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَلَا وُلِيَاءَكَ مُجَبِّينَ مُنَاصِحِينَ، وَلِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَمُبْغِضِينَ، آمِينَ . اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي، وَأَقِمْ بِهِمْ أَوْدِي، وَكثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي، وَزَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي، وَأَحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي، وَآكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي، وَأَعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي، وَاجْعَلْهُمْ لِي مُجَبِّينَ، وَعَلَيَّ حَادِيينَ مُقْبِلِينَ، مُسْتَقِيمِينَ لِي مُطِيعِينَ، غَيْرِ عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ وَلَا مُخَالِفِينَ وَلَا خَاطِبِينَ . وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ، وَبِرِّهِمْ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا، وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي، وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ . وَأَعِزَّنِي وَذَرِّبْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَأَمَرْتَنَا وَنَهَيْتَنَا وَرَغَبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا وَرَهَبْتَنَا عِقَابَهُ، وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا، سَدَّ لَطْفَتَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، أَسَكَّنْتَهُ صُدُورَنَا، وَأَجْرَيْتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا، لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا، وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا، يُؤَمِّنُنَا عِقَابَكَ، وَيُخَوِّفُنَا بَعِيرَكَ، إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيْهَا، وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ تَبَطَّنَا عَنْهُ، يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ، وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ، إِنْ وَعَدْنَا كَذِبًا، وَإِنْ مَتَّانَا أَخْلَفْنَا، وَإِلَّا تَصْرِفِ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلُّنَا، وَإِلَّا تَقِنَا خِبَالَهُ (4) يَسْتَرْلُنَا . اللَّهُمَّ فَاقْهَرِ سَدَّ لَطْفَانَهُ عَنَّا بِسَدِّ لَطْفَانِكَ، حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ، فَتُنْصِبِحَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَعْصُومِينَ بِكَ . اللَّهُمَّ أَعْظِي كُلَّ سُؤْلِي، وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ صَدَّقْتَنِي لِي، وَلَا تَحْبِجْ دُعَائِي عَنكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسَيْتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ، أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ . وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ، الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ، غَيْرِ الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، الْمُعَوِّدِينَ بِالتَّعَوُّذِ بِكَ، الرَّابِحِينَ فِي التَّجَارَةِ عَلَيْكَ، الْمُجَارِينَ بِعِزِّكَ، الْمُوسِّعِينَ عَلَيْهِمُ الرِّزْقَ الْحَلَالَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، الْمُعَزِّينَ مِنَ الدُّلِّ بِكَ، وَالْمُجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ، وَالْمَعَافِينَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ، وَالْمُغْنِينَ مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاكَ، وَالْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَالِ وَالْخَطَايَا بِتَقْوَاكَ، وَالْمُؤَفِّقِينَ لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَالْمُحَالِّينَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ، التَّارِكِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَةٍ سِوَاكَ، السَّامِكِينَ فِي جَوَارِكَ . اللَّهُمَّ أَعْظِي جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَأَعِزَّنَا مِنَ عَذَابِ السَّعِيرِ، وَأَعْظِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ، سَمِيعٌ عَلِيمٌ، عَفُوٌّ غَفُورٌ، رَوْوْفٌ رَحِيمٌ . وَأَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ . (5)

1- تاريخ أصبهان : ج 1 ص 226 الرقم 344 ، مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا : ص 184 ح 258 ، الفردوس : ج 2 ص 212 ح 3037

كلها عن أنس ، كنز العمال : ج 2 ص 98 ح 3314 ؛ مشكاة الأنوار : ص 282 ح 853 .

2- الفردوس : ج 2 ص 213 ح 3038 عن ابن عمر .

3- بحار الأنوار : ج 104 ص 98 ح 70 تقياً عن عدّة الداعي ، ثواب الأعمال : ص 221 ح 1 ، الأمالي للصدوق : ص 363 ح 448

- كلاهما عن مسعدة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ؛ المصنّف لابن أبي شيبة : ج 6 ص 101 ح 1 عن الشعبي وفي الثلاثة الأخيرة صدره إلى «على برّه» .
- 4- .الخبأل : الفسادُ ، ويكون في الأفعال والأبدان والعقول (النهاية : ج 2 ص 8 «خبأل»).
- 5- .الصحيفة السجادية : ص 105 الدعاء 25 ، المصباح للكفعمي : ص 218 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای پدر برای فرزندش، همانند دعای پیامبر برای امتش است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای پدر برای فرزندش، همانند آب رشد و پرورش کشاورزی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رحمت خدا بر آن کس که فرزندش را بر نیکو کار بودنش [با والدین] کمک می کند، بدین گونه که از خطای او در می گذرد و به درگاه خدا برایش دعا می کند!

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان برای فرزندانش: پروردگارا! بر من ممت بگذار و فرزندانم را زنده بدار، و آنان را برایم صالح بگردان، و مرا از ایشان بهره مند فرما. خداوند! عمر آنان را برایم دراز گردان، و بر مدت زندگانی شان بیفزای، و کوچک آنان را برایم بیروان، و ناتوانشان را نیرومند ساز، و تن و دین و اخلاقشان را سالم بدار، و به جان و اندام و هر امری از امور آنان که دل نگرانش هستم، سلامت عطا فرما، و روزی ایشان را برای من و به دست من، فراوان ساز، و ایشان را نیکوکار و پرهیزگار و بینا و شنوا و فرمان بردار خودت، و دوستدار و خیرخواه دوستانت، و دشمن و متفر از همه دشمنانت، قرار ده. آمین! خداوند! بازویم را با آنان توانمند بساز، و خمیدگی ام را با آنان راست بفرما، و به واسطه آنان، بر عده من بیفزای، و در بودنم، آنان را مایه آراستگی ام قرار بده، و یاد و نام مرا به واسطه آنان زنده بدار، و در نبودم، امورم را به وسیله آنان به عهده بگیر، و ایشان را یاور من در کارهایم قرار ده، و نسبت به من، دوستدار و مهربان و متوجه و درستکار و فرمان بردار قرارشان ده، نه نافرمان و بدرفتار و ناسازگار و خطا کار. و مرا در تعلیم و تربیت آنان و نیکی نمودن به ایشان، یاری فرما، و از جانب خود، افزون بر ایشان، پسرانی دیگر نیز به من ببخش، و آن را برایم سبب خیر گردان، و آنان را در آنچه از تو خواستم، برایم کمک قرار بده، و مرا و فرزندانم را از شیطان رانده شده [از درگاهت] پناه بده؛ چرا که تو ما را آفریدی و به ما امر و نهی کردی، و به پاداش آنچه ما را پدیدان امر فرمودی، ترغیبمان نمودی، و از کیفر آنچه ما را از آن نهی کردی، ترساندی، و برای ما دشمنی قرار دادی که همواره در صدد فریب دادن ماست، و او را بر ما چنان تسلط دادی که ما را بر او چنان تسلطی نبخشیدی. او را در سینه های ما جای دادی، و در رگ هایمان [چون خون] اروانش ساختی، آن سان که اگر ما از او غافل بشویم، او دمی [از ما] غافل نمی شود، و اگر ما [او را] از یاد ببریم، او [ما را] از یاد نمی برد. ما را از کیفر تو آسوده خاطر می دارد؛ اما از غیر تو می ترساند. اگر آهنگ زشتکاری پیش گیریم، ما را به آن تشویق می کند، و اگر آهنگ کاری نیک کنیم، ما را در آن، سست می گرداند. با شهوات، قصد ما می کند، و با شُبّهات، به سراغ ما می آید. اگر وعده مان دهد، دروغ می گوید، و اگر امیدمان دهد، خلاف آن عمل می کند. اگر تو، نیرنگ او را از ما دور نگردانی، گم راهمان می سازد، و اگر ما را از تباہکاری او ننگه نداری، ما را می لغزاند. بار خدایا! پس با چیرگی خودت، چیرگی او را بر ما در هم شکن، تا با خواندن بسیار تو، او را از ما باز داری، و به یاری تو، از نیرنگ او مصون بمانیم. بار خدایا! همه خواسته هایم را به من عطا بفرما، و حاجت هایم را برآورده بساز، و از اجابت دعا که آن را برایم ضمانت کرده ای، محروم مگردان، و دعایم را که تو خود، مرا بدان فرمان داده ای، از درگاهت باز مدار، و هر آنچه را که در دنیا و آخرت، موجب اصلاح حال من است، به من ارزانی بدار، چه آنها که یاد کردم و چه آنها که فراموش کردم [بگویم]، چه آنها که به زبان آوردم و چه آنها که در دل داشتم، چه آنها که آشکار نمودم و چه آنها که پنهان داشتم. در همه اینها، مرا به سبب درخواستم از تو، از درستکاران قرار بده؛ از دست یابندگان به تقاضایشان از تو؛ از محروم ناشدگان از تو؛ از خو گرفتگان به پناه جستن از تو؛ از سود بردگان در سودای با تو؛ از پناهندگان به عزت تو؛ از آنان که از فضل خود، روزی حلال را برایشان فراخ گردانیده ای، و به جود و کرمّت، به ایشان گشایش داده ای؛ از آنان که به واسطه تو، از ذلت، به عزت رسیده اند، و از ستم، به عدل تو پناه آورده اند، و به رحمت تو، از بلا رهیده اند، و به توانگری تو، از فقر به بی نیازی رسیده اند، و به برکت پرواداری از تو، از گناه ها و لغزش ها و خطا مصون مانده اند، و بر اثر طاعت تو، به خوبی

و هدایت و دوستی موفق گشته اند، و به واسطه قدرت تو، میان آنان و گناهان، مانع پدیده آمده است. آنان که هر نافرمانی ای را وانهادند و در پناه تو آرمیدند. پروردگارا! همه این موهبت ها را، به توفیق و رحمت، به ما عطا بفرما، و ما را از عذاب آتش سوزان، پناه بده، و همانند آنچه را برای خود و فرزندانم در دنیا و آخرت از تو خواستم، به همه مسلمانان، از مرد و زن، و جمله مؤمنان، از مرد و زن، عطا بفرما، که به راستی، تو، نزدیک و اجابت کننده و شنوا و دانا و با گذشت و آمرزنده و رئوف و مهربانی. ما را در دنیا، نیکی ده و در آخرت نیز نیکی ده، و از عذاب آتش، نگاهمان بدار.

11 / 2 _ 4 التَّهْيِي عَنِ الدُّعَاءِ عَلَى الأَوْلَادِ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لا تَدْعُوا عَلَى أَوْلَادِكُمْ فَيُؤَافِقَ ذَلِكَ إِجَابَةً . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لا تَدْعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ ، ولا تَدْعُوا عَلَى أَوْلَادِكُمْ ، ولا تَدْعُوا عَلَى أَمْوَالِكُمْ ؛ لا تُؤَافِقُوا مِنَ اللّٰهِ سَاعَةً يُسَأَلُ فِيهَا عَطَاءٌ فَيَسْتَجِيبُ لَكُمْ . (2)

-
- 1- .الفردوس : ج 5 ص 51 ح 7432 ، تاريخ أصبهان : ج 2 ص 296 الرقم 1784 كلاهما عن ابن عمر .
 - 2- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2304 ح 3009 ، سنن أبي داود : ج 2 ص 88 ح 1532 نحوه ، صحيح ابن حبان : ج 13 ص 52 ح 5743 ، رياض الصالحين : ص 538 كلها عن جابر ، كنز العمال : ج 2 ص 93 ح 3292 .

2 / 12 - 1 نهی از نفرین کردن فرزندان

2 / 11_4 نهی از نفرین کردن فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندانان را نفرین نکنید، که يك وقت، به اجابت می رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خودتان را نفرین نکنید. فرزندانان را نفرین نکنید. اموالتان را نفرین نکنید. مبادا [نفریتان] با ساعتی مصادف شود که اگر در آن، درخواستی شود، خداوند، درخواستتان را اجابت می کند!

عنه صلى الله عليه وآله: لا- تَمَنَّوْا هَلَاكَ شَيْءٍ بِأَبْنَيْكُمْ وَإِنْ كَانَ فِيهِمْ غَرَامٌ (1)؛ فَإِنَّهُمْ عَلَى مَا كَانَ فِيهِمْ عَلَى خِلَالٍ: إِمَّا أَنْ يَتُوبُوا فَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَإِمَّا أَنْ تُرَدَّ بِهِمْ (2) الْآفَاتُ؛ إِمَّا عَدُوًّا فَيَقَاتِلُوهُ، وَإِمَّا حَرِيْقًا فَيُطْفِئُوهُ، وَإِمَّا مَاءً فَيَسُدُّوهُ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: أَيُّمَا رَجُلٍ دَعَا عَلَى وَالدِّهِ، أُوْرَثَهُ اللَّهُ الْفَقْرَ. (4)

1- الغرام: الشرُّ الدائم (الصحاح: ج 5 ص 1996 «غرم»).

2- في المصدر: «ترديهم»، والتصويب من الفردوس.

3- حلية الأولياء: ج 5 ص 119، الفردوس: ج 5 ص 18 ح 7315 كلاهما عن ابن عباس.

4- عدّة الداعي: ص 80، بحار الأنوار: ج 104 ص 99 ح 77.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مرگ جوانانتان را آرزو نکنید ، هر چند شرارتی در آنها باشد ؛ زیرا با وجود آن ، از چند حال ، خارج نیستند : یا توبه می کنند و خدا توبه شان را می پذیرد ، یا به وسیله آنها خطرات دفع می شود: با دشمن می جنگند ، یا آتشی را خاموش می کنند ، و یا جلوی آبی [و سیلی] را می بندند .

امام صادق علیه السلام : هر مردی که فرزندش را نفرین کند ، خداوند ، او را دچار فقر می سازد .

تحلیلی در باره عوامل تحکیم خانواده

اشاره

تحلیلی در باره عوامل تحکیم خانوادگی از اساسی ترین راه های استقرار و استمرار ارزش های اخلاقی و دینی در جامعه، تقویت و تحکیم نهاد خانواده است. برای یافتن راه تقویت این نهاد ارزشمند، توجه به این نکته ضروری است که پیوند خانوادگی، در دو عنصر روانی و معنوی «محبت» و «قداست»، ریشه دارد. از نظر احادیث اسلامی، دوستی، خود، نوعی پیوند خانوادگی است، چنان که از امام علی علیه السلام روایت شده است: **المَوَدَّةُ نَسَبٌ**. (1) دوستی، خویشاوندی است. ایشان در جایی دیگر می فرماید: **المَوَدَّةُ أَقْرَبُ رَحِمٍ**. (2) دوستی، نزدیک ترین خویشاوندی است. امام علی علیه السلام نیاز خویشاوندی را به دوستی، بدین سان بیان می فرماید: **كُلُّ قَرَابَةٍ تَحْتَاجُ إِلَى الْمَوَدَّةِ**. (3) هر خویشاوندی ای نیازمند دوستی است.

1- غرر الحکم: ج 1 ص 31 ح 81.

2- غرر الحکم: ج 1 ص 172 ح 649.

3- مطالب السؤل: ص 50، بحار الأنوار: ج 78 ص 7 ح 59. نیز، ر. ک: دوستی در قرآن و حدیث: ص 31 (ارزش دوستی).

بلکه پیوند خانوادگی بدون محبت و دوستی، فاقد معنای حقیقی است، همان گونه که امام علی علیه السلام می فرماید: **صَدِيقُكَ اَخُوكَ لِاَيْتِكَ وَ اُمَّكَ، وَ لَيْسَ كُلُّ اَخٍ لَكَ مِنْ اَيْتِكَ وَ اُمَّكَ صَدِيقُكَ!** (1) دوستت برادر تنی توست، حال آن که هر برادر تنی تو، دوست تو نیست! همچنین باورهای دینی و اعتقاد به قداست خانواده، در پیوند خانوادگی، نقشی سازنده و تعیین کننده دارند؛ زیرا زندگی و دوستی با کسانی که از باورهای دینی برخوردار نیستند و تقدس معنوی خانواده را باور ندارند و تنها به ظواهر مادی می اندیشند، قابل اعتماد نیست. از امام علی علیه السلام روایت شده است که می فرماید: **وَدُّ اَبْنَاءَ الدُّنْيَا يَنْقَطِعُ، لِانْقِطَاعِ اَسْبَابِهِ.** (2) دوستی فرزندان (وابستگان) دنیا گسسته می شود؛ زیرا عوامل آن، گسستنی است. ایشان همچنین می فرماید: **وَدُّ اَبْنَاءِ الْاٰخِرَةِ يَدُوْمُ، لِدَوَامِ سَبَبِهِ.** (3) دوستی فرزندان (وابستگان) آخرت، پایدار می شود؛ زیرا عامل آن، پایدار است. امام علی علیه السلام تعبیر زیبای دیگری نیز دارند: **مَوَدَّةُ ذَوِي الدِّينِ بَطِيئَةٌ الْاِنْقِطَاعِ، دَائِمَةُ الثَّبَاتِ وَ الْبَقَاءِ.** (4) دوستی دینداران، دیر گسل است و ثبات و دوام آن، همیشگی است. مدبر حکیم جهان، به منظور شکل گرفتن نهاد خانواده، به طور طبیعی، دو همسر را با رشته محبت، به هم پیوند داده است، چنان که می فرماید:

1- کتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 390 ح 5834.

2- غرر الحکم: ج 6 ض 238 ح 10117.

3- غرر الحکم: ج 6 ص 238 ح 10118.

4- غرر الحکم: ج 6 ص 132 ح 9806. نیز، ر. ک: دوستی در قرآن و حدیث: ص 133 (آنچه دوستی را پایدار می کند).

الف - مهم ترین وظایف مشترک مرد و زن

1. اظهار محبت

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (1) و از نشانه های [عظمت] او، این که از [نوع] خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. بدین ترتیب، با ارزش معنوی قائل شدن برای پیوند زناشویی، به این نهاد، تقدس بخشیده شده است. پس هر چه موجب تقویت محبت و قداست خانواده شود، این نهاد مقدس را تحکیم می بخشد، و هر چه از محبت و قداست خانواده بکاهد، موجب سستی و فروپاشی خانواده می شود. نخستین گام در جهت تحکیم نهاد خانواده، رعایت آدابی است که برای تشکیل خانواده در اسلام، مقرر شده است. (2) افزون بر این، در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ره نمودهای بسیار ارزنده ای برای تقویت محبت و قداست خانواده ارائه شده است که مهم ترین آنها را به سه دسته می توان تقسیم کرد: الف - وظایف مشترک مرد و زن؛ ب - وظایف خاص مرد؛ ج - وظایف خاص زن.

الف - مهم ترین وظایف مشترک مرد و زن 1. اظهار محبتی که از آداب مهم معاشرت در اسلام، (3) اظهار محبت متقابل به یکدیگر است. از

1- روم: آیه 21.

2- ر. ک: همین دانش نامه: ج 3 ص 311 (خانواده / فصل یکم / آداب ازدواج و تشکیل خانواده).

3- ر. ک: دوستی در قرآن و حدیث: ص 209 (آداب دوستی / اعلام دوستی).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که می فرماید: **أَبَدِ الْمَوَدَّةَ لِمَنْ وَاذَكَ تَكُنْ أَثْبَتَ . (1)** دوستی خود را به آن که تو را دوست دارد ، اظهار کن تا [این دوستی] استوارتر شود . ایشان در حدیثی دیگر می فرماید: **إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمُهُ ، فَإِنَّهُ أَصْلَحَ لِذَاتِ الْبَيْنِ . (2)** هر گاه یکی از شما برادر [مسلمان] خود را دوست می دارد ، او را [از این دوستی] باخبر کند ؛ چرا که این کار ، افراد را بیشتر به هم پیوند می دهد . به طور طبیعی ، هر کس همسر خود را دوست دارد ، با اظهار محبت خود به او ، سبب می شود که دوستی آنان استوارتر شود و پیوند خانوادگی شان تحکیم یابد . زن و مرد ، هر دو در این وظیفه مشترک اند ؛ ولی از آن جا که زن ، نیاز بیشتری به ابراز احساسات مرد دارد ، در احادیث اسلامی ، اظهار محبت مرد به زن ، بیشتر توصیه شده است . **(3)** از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که می فرماید: **قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ : «إِنِّي أُحِبُّكَ» لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا . (4)** این سخن مرد به زن که : «دوستت دارم» ، هرگز از دل زن ، بیرون نمی رود . در حدیث دیگری نیز از ایشان آمده: **إِذَا نَظَرَ الْعَبْدُ إِلَى وَجْهِ زَوْجِهِ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِمَا نَظَرَ رَحْمَةٍ ، فَإِذَا أَخَذَ بِكَفِّهَا وَ أَخَذَتْ بِكَفِّهِ ، تَسَاقَطَتْ ذُنُوبُهُمَا مِنْ خِلَالِ أَصَابِعِهِمَا . (5)**

1- الإخوان : ص 136 ، 66 .

2- النوادر ، راوندی : ص 12 .

3- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 427 (خانواده / فصل دوم / محبت دو جانبه میان زن و شوهر) .

4- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 428 ح 253 .

5- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 28 ح 257 .

هر گاه بنده ، به چهره همسرش و همسرش به چهره او بنگرد ، خداوند به آن دو ، با نگاه مهرآمیز می نگرد . پس هر گاه دست یکدیگر را بگیرند ، گناهان آن دو ، از لای انگشتانشان فرو می ریزد . همچنین اظهار محبت به فرزندان ، (1) موجب گرم شدن هر چه بیشتر کانون خانواده می شود : الْمُؤْمِنُ حَبِيبُ اللَّهِ وَوَلَدُهُ تُحَفَةُ اللَّهِ ، فَمَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا فِي الْإِسْلَامِ فَلْيُكْثِرْ قُبْلَتَهُ . (2) مؤمن ، دوست خداست و فرزند او هدیه خدا . پس هر که خداوند در اسلام ، به او فرزندی روزی کرد ، باید او را زیاد ببوسد . البته باید توجه داشت که افراط در محبت خانوادگی ، به گونه ای که موجب غفلت از خداوند متعال و ارزش های اسلامی و انسانی شود ، به شدت نکوهیده است . از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که خطاب به عبد الله بن مسعود می فرماید : يَا بَنَ مَسْعُودٍ ! إِيَّاكَ أَنْ تَدَعَ طَاعَةَ اللَّهِ وَتَقْصِدَ مَعْصِيَتَهُ شَفَقَةً عَلَى أَهْلِكَ ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَارْحَبُوا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَ لَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا» (3) . (4) ای پسر مسعود! مبادا دلسوزی برای خانواده ات ، موجب شود که طاعت خدا را وا نهی و نافرمانی اش را در پیش گیری ؛ زیرا خداوند متعال می فرماید : «ای مردم! از پروردگارتان پروا بدارید ، و بترسید از روزی که هیچ پدری ، به کار فرزندش نمی آید و هیچ فرزندی نیز به کار پدرش» . بنا بر این ، قلمرو دوستی و اظهار محبت به خانواده ، محدود به مقررات اسلامی است .

1- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 433 (خانواده / فصل دوم / بوسیدن فرزندان) .

2- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 432 ح 264 .

3- لقمان : آیه 33 .

4- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 434 ح 269 .

2. خوش خویی و خوش رفتاری

2. خوش خویی و خوش رفتاری یکی دیگر از عوامل تحکیم خانواده، خوش اخلاقی است. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که می فرماید: حُسْنُ الْخُلُقِ يُثْبِتُ الْمَوَدَّةَ. (1) خوش خویی، دوستی را استوار می کند. این وظیفه نیز میان مرد و زن، مشترک است؛ اما از آن جا که مرد، ریاست خانواده را به عهده دارد، در باره داشتن خوی نیکو، به او بیشتر توصیه شده است. از آنس بن مالک نقل شده که از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ایمان کدما يك از مؤمنان، کامل تر است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا مَعَ أَهْلِهِ. (2) آن که با خانواده اش، خوش اخلاق تر باشد. در حدیثی دیگر از ایشان آمده است: أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ الْأَطْفَالُ مَعَ أَهْلِهِ، وَ أَنَا الْأَطْفَالُ مَعَ أَهْلِي. (3) شایسته ترین مردمان، از جهت ایمان، کسی است که خوش اخلاق ترین آنها باشد و با خانواده اش مهربان تر باشد، و من، مهربان ترین شما با خانواده ام هستم. همچنین با این که خوش رفتاری متقابل مرد و زن برای تحکیم پیوند خانوادگی ضروری است، اما قرآن کریم به مردها این گونه توصیه می فرماید: «وَعَايِدِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا». (4)

1- تحف العقول: ص 45.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 440 ح 279.

3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 438 ح 277.

4- نساء: آیه 19.

3. رعایت حقوق

و با آنها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی دارید و خدا در آن، مصلحت فراوان قرار می دهد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که می فرماید: **إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَعِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبَعِهِ ذَلِكَ: مُعَاشِرَةً جَمِيلَةً، وَسَعَةً بِتَقْدِيرٍ، وَغَيْرَةً بِتَحْصُنٍ.** (1) مرد، در [اداره] خانه و خانواده اش، به سه خصلت نیاز دارد که باید آنها را به کار برد، اگر چه این ویژگی ها در درون او نباشد: خوش خویی، گشاده دستی سنجیده، و غیرت برای ناموسداری.

3. رعایت حقوقی دیگر از وظایف مشترک زن و مرد که نقشی اساسی در تحکیم نهاد خانواده دارد، رعایت حقوق متقابل یکدیگر است. بر پایه روایتی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این وظیفه، چنین هشدار داده است: **أَلَا إِنَّ لَكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ حَقًّا، وَ لِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا.** (2) آگاه باشید که شما را بر زنانتان، حقی است، و زنانتان را بر شما حقی! در رساله الحقوق که از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده، در باره حق همسر آمده است: **أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكْنًا وَأُنْسًا، فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكَ، فَتُكْرِمُهَا وَ تَرْفُقُ بِهَا، وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجَبَ.** (3) حق همسر، این است که بدانی خدای عز و جل، او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و

1- ر. ک: همین دانش نامه: ج 3 ص 438 ح 273

2- ر. ک: همین دانش نامه: ج 3 ص 506 ح 427.

3- ر. ک: همین دانش نامه: ج 3 ص 510 ح 432.

بدانی که این، خود، نعمتی است از جانب خداوند عز و جل به تو. پس، او را گرامی بداری و با او مهربان باشی، هر چند حق تو بر او لازم تر است. رعایت حق خانواده بر مرد، آن قدر اهمیت دارد که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این گونه روایت شده است: **مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ!** (1) ملعون است، ملعون است کسی که خانواده اش را واگذارد! و در حدیثی دیگر می فرماید: **كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَعُولُ**. (2) مرد را همین گناه بس که در حق خانواده اش، کوتاهی ورزد. همچنین حق شناسی زن نسبت به شوهر، آن قدر ارزشمند است که پاداش جهاد دارد. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: **جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ**. (3) جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است. ابن عباس می گوید: زنی به نام «لینه»، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من به نمایندگی از زنان، نزد شما آمده ام. هیچ زنی تا روز قیامت، سخن مرا نمی شنود، مگر این که از آن، خوش حال خواهد شد. خدای یگانه، هم پروردگار مردان است و هم پروردگار زنان. آدم علیه السلام، هم پدر مردان است و هم پدر زنان. حوا، هم مادر مردان است و هم مادر زنان. خداوند، جهاد را بر مردان، مقرر داشته است. اگر شهید شدند، نزد پروردگارشان زنده اند و روزی می خورند، و اگر [در راه رفتن

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 504 ح 424.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 506 ح 425.

3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 440 ح 282.

4. تأمین نیازهای جنسی

اشاره

به جهاد [مُردند ، باز نزد خداوند ، پاداش دارند ، و اگر [زنده] باز گشتند ، خداوند به آنان پاداش داده است . ما زنان ، از بیماران ، پرستاری می کنیم و مجروحان را مداوا می نماییم . پس ما چه پاداشی داریم ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود : **يا وَافِدَةَ النِّسَاءِ ! اَبْلَغِي مَنْ لَقِيَتْ مِنَ النِّسَاءِ ، اَنْ طَاعَةَ الزَّوْجِ وَالاعْتِرَافَ بِحَقِّهِ تَعَدِلُ ذَلِكَ كُلُّهُ .** (1) ای نماینده زنان ! به هر يك از زنان که ملاقاتش کردی ، ابلاغ کن که اطاعت از شوهر و پذیرفتن حق او ، با همه اینها [که گفتم] ، برابری می کند . در ارزیابی احادیثی که در باره حقوق مرد و زن وارد شده ، توجه به این نکته ضروری است که اسلام ، دین حق و عدل است و بر اساس این ، حقوق همه اعضای خانواده ، اعم از مرد ، زن و فرزندان ، بر پایه نیازهای واقعی خانواده سالم و صالح ، مقرر گردیده است . بنا بر این ، تأکید برخی از احادیث بر حقوق ویژه مرد ، یا حقوق ویژه زن ، می تواند ناظر بر شرایط خاص فرهنگی حاکم بر جامعه باشد .

4 . تأمین نیازهای جنسی یکی از مهم ترین عوامل تحکیم خانواده ، پاسخگویی مثبت و متقابل زوجین به نیازهای جنسی یکدیگر است . بر پایه برخی تحقیقات ، در ایران ، دست کم پنجاه درصد طلاق هایی که در دادگاه خانواده به بهانه های گوناگون صورت می گیرد ، ریشه در مسائل جنسی دارد و به تجربه ثابت شده است که در خانواده هایی که مشکلات جنسی زوج ها برطرف شده ، احتمال فروکش کردن مشکلات خانواده ، افزایش یافته است . (2)

1- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 522 ح 453 .

2- ر . ك : سایت خبری «تابناک» 1387 / 1 / 19 ، مصاحبه دکتر سید کاظم فروتن ، سرپرست کلینیک سلامت خانواده .

ره نموده‌های اسلام، برای تأمین نیازهای جنسی زوجین

يك . توصیه به آراستگی زن برای شوهر

ره نموده‌های اسلام، برای تأمین نیازهای جنسی زوجین اسلام، ره نموده‌های ارزنده ای برای تأمین نیازهای جنسی زوجین دارد که اگر مورد توجه قرار می‌گرفتند، نهاد خانواده در جامعه ما تا این حد، دچار سستی و فروپاشی نمی‌شد. متن این ره نموده‌ها در مبحث «عوامل تحکیم خانواده» (فصل ششم) گذشت؛ اما خلاصه آنها عبارت‌اند از:

يك . توصیه به آراستگی زن برای شوهرنخستین ره نمودی که زمینه را برای تأمین نیازهای جنسی زوجین آماده می‌کند، آرایش کردن زن برای شوهرش است. در احادیث اسلامی، از يك سو، آرایش زن برای غیر شوهر، به شدت مذموم و ممنوع شناخته شده (1) و از سوی دیگر، آرایش زن برای شوهرش، مورد تأکید قرار گرفته است. این، بدان معناست که آرایش زن می‌تواند مقدمه فروپاشی خانواده و یا تحکیم این نهاد مقدس باشد. به این احادیث، توجه کنید: لَوْلَا أَنَّ الْمَرْأَةَ تَصَنِّعُ لِرِجَالِهَا لَصَلَفَتْ عِنْدَهُ. (2) اگر زن، خود را برای شوهرش نمی‌آراست، بی‌گمان در دل او جا نمی‌گرفت. لِيَتَطَيَّبَ الْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةَ لِرِجَالِهَا. (3) زن مسلمان باید خود را برای شوهرش خوش بوسازد. بر پایه گزارش مقاتل بن حیان، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله دختران خود را شوهر می‌داد، هم به آنها توصیه می‌کرد که قبل از آمیزش، خود را شستشو کنند و هم به

1- ر. ك: ص 139 (خانواده / فصل سوم / خودآرایی زن برای غیر شوهرش).

2- ر. ك: ص 8 ح 508.

3- ر. ك: ص 8 ح 510.

دو . توصیه به آراستگی مرد برای همسر

شوهران آنها . (1)

دو . توصیه به آراستگی مرد برای همسر به همان میزان که آرایش زن برای شوهر توصیه شده ، آراستگی مرد برای همسر نیز در احادیث اسلامی ، مورد تأکید است . در حدیثی آمده است : **يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ لِامْرَأَتِهِ مَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهَا ، أَنْ يَتَزَيَّنَ لَهَا كَمَا تَتَزَيَّنُ لَهُ فِي غَيْرِ مَائِمٍ .** (2) مرد در برابر زنش ، همان وظیفه ای را دارد که زنش در برابر او دارد ؛ یعنی خود را برای او بیاراید ، همچنان که زنش ، خود را برای او می آراید ؛ ولی نباید به گناه بیفتد . در جای دیگری آمده است : **تَهَيَّئُ الرَّجُلُ لِلْمَرْأَةِ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّتِهَا .** (3) آراسته بودن مرد برای زن ، از عواملی است که بر پاک دامنی زن می افزاید . نکته قابل تأمل ، این که بر پایه حدیثی از امام کاظم علیه السلام ، یکی از عوامل آلودگی زنان شوهردار ، بی توجهی شوهران آنان به آراستگی خود برای همسران است . متن حدیث ، این است : **إِنَّ التَّهَيَّئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ ، وَ لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ بِتَرْكِ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهَيَّئَةَ .** (4) آراسته بودن ، از عواملی است که بر پاک دامنی زن می افزاید . زنان ، از آن رو ترک پاک دامنی می کنند که شوهرانشان آراسته بودن را ترک می نمایند .

1- ر . ك : ص 9 ح 511 .

2- ر . ك : ص 10 ح 512 .

3- ر . ك : ص 10 ح 515 .

4- ر . ك : ص 10 ح 516 .

سه . تأکید بر پاداش معنوی تأمین نیازهای جنسی

چهار . نکوهش عدم تأمین نیازهای جنسی

سه . تأکید بر پاداش معنوی تأمین نیازهای جنسینکته حائز اهمیت و قابل تأمل ، این که احادیث اسلامی ، به منظور تشویق زوجین بر تأمین نیازهای جنسی یکدیگر ، تأکید دارند که لذت جنسی حلال _ که يك امر صد در صد مادّی است _ ، پاداش معنوی نیز دارد . محدث بزرگ ، شیخ کلینی در این باره روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود : **إِيْتْ أَهْلَكَ تُوجِرْ .** با همسرت نزدیکی کن که پاداش می گیری . و وقتی ابوذر با شگفتی از ایشان می پرسد : «برای نزدیکی کردن با آنها مأجور هستم؟!» ، پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ می دهد : **كَمَا أَنْتَ إِذَا أَتَيْتَ الْحَرَامَ أُزِرْتَ ، فَكَذَلِكَ إِذَا أَتَيْتَ الْحَلَالَ أُوجِرْتَ .** (1) همان گونه که اگر مرتکب حرام شوی ، گناهکار هستی ، هر گاه با حلال در آمیزی ، پاداش می یابی . در حدیثی دیگر از ایشان آمده است : **فَإِذَا هُوَ جَامِعٌ تَحَاتُّ عَنْهُ الدُّنُوبُ كَمَا يَتَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ ، فَإِذَا هُوَ اغْتَسَلَ انْسَلَخَ مِنَ الدُّنُوبِ .** (2) چون [مرد] آمیزش کند ، گناهان او همچون برگ درخت ، فرو می ریزند ، و هر گاه غسل کند ، از گناهان ، شسته می شود .

چهار . نکوهش عدم تأمین نیازهای جنسیدر شماری از احادیث روایات ، هم مرد به سبب عدم تأمین نیازهای جنسی همسر و

1- ر . ك : ص 14 ح 521 .

2- ر . ك : ص 14 ح 520 .

پنج . وجوب تأمین نیازهای جنسی

هم زن، به حسب عدم تأمین نیازهای جنسی شوهر، به شدت نکوهش شده اند. (1) جالب توجه این که طبق نقل مرحوم کلینی، پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به زنان می فرماید: لَا تُطَوَّلَنَّ صَدَاتِكُنَّ لِتَمْنَعَنَّ أَزْوَاجَكُنَّ. (2) نمازهای خود را طول ندهید تا شوهرانتان را [از خود] باز دارید. در حدیثی دیگری نیز آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به یکی از یاران خود به نام عثمان بن مظعون - که به دلیل پرداختن بیش از حد به عبادت، از ادای حقوق جنسی همسر خود امتناع می ورزید - می فرماید: إِنَّ لِأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا. (3) همسرت بر تو حقی دارد. و در حدیثی دیگر خطاب به او می فرماید: يَا عَثْمَانُ! لَمْ يُرْسِدْنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ، وَ لَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ، أَصُومُ وَأَصَلِّي، وَالْمِسْ فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بِنِسْتِي، وَمِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ. (4) ای عثمان! خداوند متعال، مرا به رهبانیت نفرستاده؛ بلکه مرا با آیین یکتاپرستی سهل و ساده گیر، فرستاده است. من، هم روزه می گیرم و هم نماز می خوانم و هم با همسرم آمیزش می کنم. پس هر که آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند و از جمله سنت من، ازدواج کردن است.

پنج . وجوب تأمین نیازهای جنسیافزون بر توصیه و تشویق به تأمین نیازهای جنسی و نکوهش امتناع از این اقدام،

-
- 1- ر. ك: ص 19 (خانواده / فصل دوم / پاسخ دادن به غرایز جنسی / نکوهش کوتاهی زن در پاسخگویی به نیاز شوهر).
 - 2- ر. ك: ص 18 ح 529.
 - 3- ر. ك: ص 22 ح 533.
 - 4- ر. ك: ص 26 ح 535.

شش . رعایت آداب آمیزش**5 . همکاری**

تأمین نیاز جنسی زن ، حقی است که حدّ اکثر چهار ماه يك بار ، بر مرد ، شرعا واجب است . صفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام پرسید که : مرد ، به دلیل مصیبتی که بر او وارد شده ، چند ماه و یا يك سال به همسر جوان خود نزدیک نمی شود . البته قصد زیان وارد کردن به همسرش را هم ندارد . امام علیه السلام فرمود : **إِذَا تَرَكَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ كَانَ آثِمًا بَعْدَ ذَلِكَ . (1)** چنانچه چهار ماه ، او را ترك کند ، پس از آن ، گناهکار است .

شش . رعایت آداب آمیزش رعایت آنچه در باره آداب آمیزش جنسی در احادیث اسلامی آمده ، مانند : احساس نیاز جنسی ، شوخی و بازی ، و درنگ ، (2) نیز در تأمین نیازهای جنسی ، بسیار مؤثر است . تصریح پیشوایان اسلام به این آداب ، بدین معناست که آموزش جنسی در حدّ مشروع ، نه تنها ضدّ ارزش نیست ، بلکه اقدامی ضروری و در جهت تأمین کامل این نیاز غریزی ، و تحکیم نهاد مقدّس خانواده است . رعایت شمار دیگری از آداب آمیزش جنسی ، مانند : ذکر و دعا ، (3) قداست معنوی این اقدام را تقویت می کند و بدین سان ، وسیله دیگری برای تحکیم نهاد خانواده فراهم می گردد .

5 . همکاری یکی از وظایف اخلاقی مشترک زوجین که در تحکیم بنیان خانواده ، نقشی

1- ر . ك : ص 30 ح 539 .

2- ر . ك : ص 31 (خانواده / فصل دوم / آنچه در هنگام آمیزش ، رعایت آن شایسته است) .

3- ر . ك : ص 37 (خانواده / فصل دوم / ذکر و دعا) .

اساسی دارد، یاری رساندن آنان به یکدیگر در اداره امور زندگی است. احادیث اسلامی، تعبیرهای بلند و قابل تأملی در این زمینه دارند که به این عامل تحکیم، قداست خاصی می بخشند. در حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام آمده است: **يا عَلِيُّ! لَا يَخْدِمُ الْعِيَالَ إِلَّا صِدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ، أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.** (1) ای علی! به خانواده خود، خدمت نمی کند، مگر راستگو، یا شهید، یا مردی که خداوند، خیر دنیا و آخرت را برای او بخواهد. در حدیثی دیگر می خوانیم: **خِدْمَتُكَ زَوْجَتَكَ صِدْقَةٌ.** (2) خدمت تو به همسرت، صدقه است. در حدیث دیگری، چنین آمده است: **إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا سَقَى امْرَأَتَهُ مِنَ الْمَاءِ أُجِرَ.** (3) مرد، هر گاه به همسرش آبی بنوشاند، پاداش می برد. و باز می فرماید: **الْمُؤْمِنُ يُوجِرُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى فِي اللَّقْمَةِ يَرْفَعُهَا إِلَى فِي امْرَأَتِهِ.** (4) به مؤمن، برای هر چیزی، پاداش داده می شود، حتی برای لقمه ای که در دهان همسرش می گذارد. همچنین در باره یاری رساندن زن به همسر خود در زندگی، این گونه روایت

-
- 1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 456 ح 320.
 - 2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 456 ح 318.
 - 3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 458 ح 322.
 - 4- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 458 ح 325.

شده است: **أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَدَمْتَ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ، غَلَّقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ، وَفَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، تَدْخُلُ مِنْ أَيِّنَمَا شَاءَتْ.** (1) هر زنی که شوهرش را هفت روز یاری دهد، خداوند، هفت درِ دوزخ را به روی او می بندد، و هفت درِ بهشت را به رویش می گشاید تا از هر دری که می خواهد، وارد شود. همیاری امام علی علیه السلام و سه‌رور زنان جهان، فاطمه علیها السلام، الگوی خوبی در این زمینه برای جامعه اسلامی است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که می فرماید: **تَقَاضَى عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْخِدْمَةِ، فَقَضَى عَلِيٌّ فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ، وَ قَضَى عَلِيٌّ مَا خَلْفَهُ. فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ الشُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِإِكْفَائِي رَسُولَ اللَّهِ تَحْمَلُ رِقَابِ الرِّجَالِ.** (2) علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام برای داوری در باره تقسیم کارهای خود، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله، این گونه قضاوت کرد که کارهای داخل خانه را فاطمه انجام دهد و کارهای بیرون از خانه را علی. فاطمه علیها السلام فرمود: «از این که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا از بر عهده گرفتن مسئولیت های مردان، معاف ساخت، فقط خدا می داند که چه قدر خوش حال شدم». در حدیثی دیگر از ایشان آمده است: **إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ضَمِنَتْ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَلَ الْبَيْتِ وَ الْعَجِينَ وَ الْخَبِزَ وَ قَمَّ الْبَيْتِ، وَ ضَمِنَ لَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ مِنْ نَقْلِ الْحَطَبِ وَ أَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ.** (3) فاطمه علیها السلام کارِ خانه، پخت و پزِ نان و جارو کردن اتاق را برای علی علیه السلام تضمین

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 460 ح 327.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 406 ح 228.

3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 408 ح 229.

6. احترام متقابل

کرد، و علی علیه السلام، کارهای بیرون از خانه، مانند: حمل هیزم و آوردن موادّ خوراکی را برای فاطمه علیها السلام بر عهده گرفت. بدیهی است این تقسیم کار، با شرایط اجتماعی آن دوران، مطابقت می کرد. بنا بر این در هر دوران، بلکه در هر خانواده، همیاری زن و شوهر می تواند به تناسب شرایط زندگی آنها تنظیم شود.

6. احترام متقابلششمین عامل تحکیم پیوند خانوادگی، احترام متقابل اعضای این نهاد نسبت به یکدیگر است. این وظیفه اخلاقی، اختصاص به خانواده ندارد؛ بلکه هر مسلمان موظف است با مسلمان دیگر، بلکه با همه انسان ها، با احترام برخورد کند؛ اما بی تردید، احترام متقابل زن و شوهر، و پدر و مادر با فرزند، به دلیل نقشی که در سلامت و تعالی خانواده دارد، بیشتر مورد تأکید است. نکته قابل توجه، این که وظیفه مرد به عنوان بزرگ خانواده، در این باره سنگین تر است و در احادیث فراوانی، به مردها توصیه شده که به همسران خود، احترام بگذارند. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: **مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمْهَا**. (1) هر کس همسری اختیار کرد، باید او را گرامی بدارد. در حدیثی دیگر می خوانیم: **مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ، وَ مَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَيْئِمٌ**. (2) زنان را کسی گرامی نمی دارد، مگر انسان بزرگووار، و کسی به آنان اهانت نمی کند، مگر انسان پست.

1- ر. ک: همین دانش نامه: ج 3 ص 452 ح 306.

2- ر. ک: همین دانش نامه: ج 3 ص 452 ح 307.

7. نرمی و مدارا

همچنین توصیه شده که وقتی مرد، وارد خانه می شود، به خانواده خود سلام کند: إِذَا دَخَلْتَ بَيْتَكَ فَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ؛ يَكْثُرُ خَيْرُ بَيْتِكَ (1). هر گاه وارد خانه ات شدی، بر خانواده ات سلام کن؛ زیرا خیر [و برکت] خانه ات، زیاد می شود. شکی نیست که احترام به خانواده، موجب تقویت محبت و خیر و برکت خانه خواهد شد.

7. نرمی و مدارایی دیگر از وظایف مشترک اخلاقی و عامل تحکیم خانواده، رفق و مداراست. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: الرَّفْقُ يُمْنٌ، وَالْخُرْقُ سُومٌ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمُ الرَّفْقَ، فَإِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا زَانَهُ، وَإِنَّ الْخُرْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا شَانَهُ. (2) ملایمت (نرمی)، میمون است و خشونت، شوم. هر گاه خداوند برای خانواده ای خیری بخواهد، ملایمت را وارد آن خانواده می کند؛ زیرا ملایمت هیچ گاه با هیچ چیزی همراه نمی شود مگر این که آن را زینت می بخشد، و خشونت هرگز با چیزی همراه نمی شود، مگر این که آن را زشت می گرداند. فراز و نشیب های زندگی، حالات مختلف آدمی و اختلاف نظرها، به طور طبیعی زمینه ساز بداخلاقی و ناسازگاری اند. از این رو، خانواده ای که از عنصر نرمی، مدارا، ملایمت و تسامح و تغافل (3) برخوردار نباشد، نمی تواند پایدار بماند.

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 462 ح 330.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 454 ح 312.

3- ر. ك: دوستی در قرآن و حدیث: ص 477.

8. چشم پوشی

مرد، با اندک کج خلقی زن، تصمیم به جدایی می گیرد، و زن، با ملاحظه بداخلاقی شوهر، درخواست جدایی می نماید. این جاست که احادیث اسلامی با تأکید بر قداست خانواده، با وعده به پاداش های بزرگ اخروی، زوجین را به شکیبایی و مدارا دعوت می نمایند. به زن می گویند: **مَنْ صَبَرَ عَلَى سَوْءِ خُلُقِ زَوْجِهَا، أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ أَسِيَّةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ**. (1) هر کس بر بداخلاقی شوهرش شکیبایی کند، خداوند، همانند پاداش آسیه، دختر مُزاحم (همسر فرعون)، به او عطا می فرماید. و به مرد می فرماید: **مَنْ صَبَرَ عَلَى سَوْءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَ احْتَسَبَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مَا أَعْطَى أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَلَائِهِ**. (2) هر مردی به خاطر خدا، در برابر بداخلاقی زنش شکیبایی کند، خداوند متعال برای هر روز و شبی که در برابرش شکیبایی می ورزد، همانند ثوابی را به او می دهد که به ایوب علیه السلام در قبال گرفتاری اش داد. و بدین سان از فروپاشی کانون خانواده، پیشگیری می نماید.

8. چشم پوشی چشم پوشی از لغزش های دیگران و تغافل (خود را به غفلت زدن) در برابر آنها، یکی از عوامل مهم آرامش روانی و آسایش زندگی است. از امام علی علیه السلام در این باره نقل شده که می فرماید: **مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَ لَا يَغُضُّ عَنِ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ، تَنَغَّصَتْ عَيْشَتُهُ**. (3) هر که از بسیاری امور، چشم پوشی نکند، زندگی اش تیره می شود.

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 472 ح 355.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 474 ح 358.

3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 476 ح 363.

9. قناعت و ساده زیستی**10. رضا (خشنود بودن به خواست خدا)**

در زندگی خانوادگی، به وفور، مسائلی پیش می آید که اعضای خانواده، از آن، چشم پوشی نمی کنند و آن را به رخ یکدیگر می کشند. در این صورت، زندگی برای آنان تلخ و غیر قابل تحمل می گردد. از این رو، چشم پوشی از مسائل کم اهمیت و قابل گذشت، موجب تقویت نهاد خانواده است.

9. قناعت و ساده زیستی آزمندی و تجمل گرایی، زندگی را تلخ می کنند، و به عکس، قناعت، موجب شیرینی آن است. به این سخن بنگرید: *أَنْعَمُ النَّاسُ عَيْشًا مَنْ مَنَحَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْقَنَاعَةَ، وَ أَصْلَحَ لَهُ زَوْجُهُ.* (1) خوش ترین زندگی، از آن کسی است که خداوند پاک، به او قناعت بخشیده و همسری شایسته، روزی اش کرده است. زن و مرد، بخصوص در آغاز زندگی، با بهره گیری از عنصر قناعت و ساده زیستی، می توانند در نهایت تنگ دستی، پیوند مشترک خود را شیرین و بادوام نمایند.

10. رضا (خشنود بودن به خواست خدا) تلاش مرد برای تأمین رفاه خانواده، یکی از وظایف اختصاصی اوست؛ (2) اما بدیهی است که همه تلاش های او به نتیجه نمی رسد، و چه بسا زندگی خانوادگی، دچار مشکلات مادی و غیر مادی گردد. این جاست که انسان باید نه تنها خود را تسلیم تقدیر الهی نماید، بلکه باید راضی بودن به قضای الهی را تمرین کند تا زندگی به کام او گوارا گردد:

1- ر. ک: همین دانش نامه: ج 3 ص 476 ح 365.

2- ر. ک: همین دانش نامه: ج 3 ص 525 (خانواده / فصل دوم / تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده).

ب - وظایف خاص مرد**1. تأمین نیازهای دینی**

إِنَّ أَهْنَأَ النَّاسِ عَيْشَا، مَنْ كَانَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِيًا. (1) گواراترین زندگی، از آن کسی است که به آنچه خداوند، قسمت او کرده، خرسند است. بنا بر این، یکی دیگر از کارهای مشترک اعضای خانواده که در بن بست ها و فراز و نشیب ها، زندگی را گوارا می سازد و موجبات دوام آن را فراهم می کند، رضامندی به قضای الهی است.

ب _ وظایف خاص مردمرد، به عنوان مدیر خانواده، علاوه بر وظایف مشترک، وظایف ویژه ای به عهده دارد که انجام دادن آنها، نقش مؤثری در تحکیم این نهاد، ایفا می نماید. مهم ترین این وظایف، عبارت اند از:

1. تأمین نیازهای دینیدین، اساسی ترین عامل امنیت و آرامش درونی خانواده است. از این رو، رعایت ارزش های دینی، مهم ترین عامل تحکیم خانواده محسوب می شود. امام علی علیه السلام طبق نقلی، در باره نقش دین در آرامش زندگی چنین می فرماید: إِيَّيْ إِذَا اسْتَحْكَمْتُ فِي الرَّجْلِ خَصْلَةً مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ احْتَمَلْتُهُ لَهَا وَ اغْتَفَرْتُ لَهُ فَقَدْ مَا سِوَاهَا، وَ لَا اغْتَفَرْتُ لَهُ فَقَدْ عَقَلٍ وَ لَا عَدَمَ دِينٍ، لِأَنَّ مُفَارَقَةَ الدِّينِ مُفَارَقَةُ الْأَمْنِ، وَ لَا تَهْنَأُ حَيَاةٌ مَعَ مَخَافَةٍ، وَ عَدَمُ الْعَقْلِ عَدَمُ الْحَيَاةِ، وَ لَا تُعَاشِرُ الْأَمْوَاتُ. (2) من هر گاه در مردی، خصلتی از خصلت های نیک را استوار بیابم، او را به سبب دارا بودن آن، تحمل می کنم و بی بهرگی اش از دیگر خصلت های نیک را نادیده

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 478 ح 370.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 484 ح 383.

می‌گیرم؛ اما نمی‌توانم نابخردی و بی‌دینی او را نادیده بگیرم؛ زیرا جدا شدن از دین، جدا شدن از امنیت [و آرامش] است. زندگی همراه با ترس، گوارا نیست، و نابخردی نیز مُردگی است، و با مردگان، کسی معاشرت نمی‌کند. قرآن کریم، مردان باایمان را موظف کرده که از طریق تأمین نیازهای دینی خانواده خود، آنان را از گرفتاری آتش دوزخ، محافظت کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَابُ أَرُّهُ عَلَيْهَا مَلِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ. (1) ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید. بر آن آتش، فرشتگانی خشن و سختگیر گمارده شده‌اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند، انجام می‌دهند». از امام علی علیه السلام در تبیین این آیه روایت شده که می‌فرماید: عَلَّمُوهُمْ وَأَدَّبُوهُمْ. (2) به آنان علم و ادب بیاموزید. بی‌توجهی به ارزش‌های دینی، پیش از آن که اعضای خانواده را در آخرت، گرفتار آتش دوزخ کند، در همین دنیا آنها را در آتش احساس ناامنی خانوادگی و انواع مشکلات ناشی از آن می‌سوزاند. نخستین وظیفه مرد برای احیای ارزش‌های دینی در خانواده خود، وادار ساختن آنها به نماز است؛ زیرا نماز، از انواع ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری، پیشگیری می‌نماید. (3) خداوند متعال خطاب به پیامبر خود می‌فرماید:

1- .تحریم: آیه 6.

2- .ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 486 ح 390.

3- .«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز از کار زشت و ناپسند، باز می‌دارد» (عنکبوت: آیه 45). آیه الله محمدتقی بهجت از استاد خود، آیه الله میرزا علی قاضی، نقل کردند: «هر کس بر نمازهای واجب در اول وقت مداومت کند، به همه مقامات معنوی می‌رسد و اگر نرسید، مرا لعنت کند!».

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (1) و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش». توجه به خدا، نه تنها در تأمین نیازهای معنوی و آرامش روانی خانواده مؤثر است، بلکه در رهایی از تنگناهای مادی زندگی نیز نقش دارد. از این رو، اهل بیت علیهم السلام در گرفتاری ها، از خانواده خود می خواستند که از نماز و دعا یاری جویند. (2) بدیهی است که تأکید بر نماز در تربیت دینی، به معنای بی توجهی به دیگر ارزش ها نیست؛ بلکه برنامه ریزی جهت پرورش همه ارزش های اسلامی و انسانی در خانواده ضروری است، چنان که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که می فرماید: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ عَلَى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ» (3) فرزندان خود را بر سه خصلت، تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او، و خواندن قرآن. نیز روایت شده که امام علی علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد فرمود: «يَا كَمِيلُ! مُرْ أَهْلَكَ أَنْ يَرَوْحُوا فِي كَسْبِ الْمَكَارِمِ، وَ يَدْلِجُوا فِي حَاجَةِ مَنْ هُوَ نَائِمٌ» (4) ای کمیل! به خانواده ات فرمان بده که روزها در پی کسب خصلت های والای انسانی بروند، و شبانگاهان، در پی رفع نیاز خفتگان.

1- طه: آیه 132.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 495 (خانواده / فصل دوم / نقش نماز در رهایی از تنگناهای زندگی) و ص 497 (نقش دعا در رهایی از تنگناهای زندگی).

3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 498 ح 411.

4- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 498 ح 412.

2. تأمین نیازهای علمی و فرهنگی

3. تأمین هزینه اقتصادی

2. تأمین نیازهای علمی و فرهنگیمدیر خانواده، نه تنها باید برای تربیت دینی اعضای این نهاد مقدّس، برنامه ریزی کند، بلکه موظّف است که جهت تأمین نیازهای علمی و فرهنگی آنان، اقدامات لازم را انجام دهد. از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ. (1) فرزندانان را به علم آموزی وا دارید. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ، وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ؛ يُغْفَرَ لَكُمْ. (2) به فرزندان خود، احترام بگذارید و آنان را نیکو تربیت کنید تا آمرزیده شوید. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يورثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ الصَّالِحَ حَتَّى يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ جَمِيعًا. (3) بنده مؤمن، پیوسته برای خانواده اش دانش و تربیت نیکو به ارث می نهد تا این که همه آنها را وارد بهشت می کند.

3. تأمین هزینه اقتصادی بر پایه تعالیم اسلام، یکی از وظایف اختصاصی و اصلی مرد، تأمین هزینه اقتصادی خانواده است. از منظر شماری از احادیث، تلاش برای انجام دادن این وظیفه، فضیلتی همانند جهاد در راه خدا دارد:

- 1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 498 ح 413.
- 2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 500 ح 418.
- 3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 498 ح 415.

مَنْ سَعَى فِي نَفَقَةِ عِيَالِهِ وَوَالِدِيهِ فَهُوَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (1) کسی که برای تأمین هزینه خانواده اش و پدر و مادرش تلاش کند ، همانند مجاهد راه خداست . در شمار دیگری از احادیث ، تأمین هزینه خانواده ، صدقه محسوب شده است : نَفَقَةُ الرَّجُلِ عَلَى أَهْلِهِ صَدَقَةٌ . (2) نفقه دادن مرد به خانواده اش ، صدقه است . در برخی از احادیث نیز آمده است : أَوَّلُ مَا يَوْضَعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ نَفَقَتُهُ عَلَى أَهْلِهِ . (3) نخستین چیزی که در ترازوی [اعمال] بنده گذاشته می شود ، نفقه ای است که به خانواده اش داده است . گشاده دستی در حدّ توان (4) برای تأمین نیازهای خانواده نیز توصیه شده است : أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ . (5) خوشایندترین شما نزد خداوند ، کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه ، قرار بدهد . البته افراط در گشاده دستی ، نکوهیده است . بنا بر این ، گشاده دستی برای خانواده نباید از مرز اعتدال ، خارج گردد .

1- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 540 ح 491 .

2- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 538 ح 483 .

3- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 524 ح 456 .

4- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 535 (خانواده / فصل دوم / گشاده دستی برای خانواده) .

5- ر . ك : همین دانش نامه : ج 3 ص 536 ح 478 .

4. تأمین نیازهای روانی

5. غیرت ورزی

4. تأمین نیازهای روانیتأمین نیازهای روحی و روانی خانواده نیز در کنار تأمین نیازهای دینی، علمی، فرهنگی و اقتصادی آنها، در جهت تحکیم این نهاد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به این سخن آموزنده و سازنده بنگرید: **مَنْ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ سُرُورًا، خَلَقَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ خَلْقًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**. (1) هر کس خانواده اش را شاد سازد، خداوند، از آن شادی، مخلوقی می آفریند که تا روز قیامت، برایش طلب آمرزش می کند. بر این پایه، هر اقدام مشروعی که در جهت شادی خانواده انجام شود، مانند: همنشینی با اعضای خانواده، (2) غذا خوردن با آنها، (3) مراعات میل آنها در انتخاب نوع غذا، (4) و هدیه آوردن از سفر برای آنها، 5 پسندیده است.

5. غیرت ورزی یکی از وظایف اختصاصی مرد، غیرت ورزی نسبت به همسر است، بدین معنا که وی نباید اجازه دهد همسرش، آگاهانه یا ناخودآگاه، زمینه آلودگی و بی عفتی خود را فراهم سازد. از این رو، در احادیث، کسی که اجازه می دهد زنش آرایش کرده از خانه بیرون رود و خود را در معرض دید چشم های ناپاک قرار دهد، و نیز کسی که از بی عفتی همسر خود، خبر دارد و اقدامی در جهت پیشگیری از آن انجام

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 462 ح 333.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 467 (خانواده / فصل دوم / همنشینی با خانواده و غذا خوردن با آنان).

3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 471 (خانواده / فصل دوم / رعایت علاقه خانواده به غذا).

4- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 467 (خانواده / فصل دوم / هدیه آوردن در بازگشت از سفر).

ج - وظایف خاص زن

1. پذیرفتن مدیریت شوهر بر خانواده

نمی دهد، دیوٲ و بی غیرت نامیده شده است: اَيُّمَا رَجُلٍ رَضِيَ بِتَرْيُّنِ امْرَأَتِهِ وَ تَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهَا، فَهُوَ دَيُّوٲٌ، وَ لَا يَأْتُمُّ مَنْ يُسَمِّيهِ دَيُّوٲًا . وَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتْرَيِّئَةً مُتَعَطَّرَةً وَ الزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ، بُنِيَ لِزَوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٌ فِي النَّارِ . (1) هر مردی که راضی است همسرش خود را بیاراید و از خانه بیرون برود، آن مرد، دیوٲ است، و هر که او را دیوٲ بنامد، گناه نکرده است. هر گاه زن، آرایش کنان و عطرزنان، از خانه اش خارج شود و شوهرش به این کار او راضی باشد، به ازای هر قدمی که بر می دارد، برای شوهر او، خانه ای در جهنم بنا می شود. البته غیرت ورزی نابه جا و محدود کردن بی جهت زن، نه تنها پسندیده نیست، بلکه _ چنان که خواهیم گفت _ یکی از عوامل فروپاشی خانواده است. (2)

ج _ وظایف خاص زن در برابر همه وظایفی که برای اداره خانواده به عهده مرد است، مهم ترین وظایف اختصاصی زن، عبارت اند از:

1. پذیرفتن مدیریت شوهر بر خانواده خانواده، يك واحد كوچك اجتماعي است و اداره آن، مانند يك اجتماع بزرگ نیازمند مدیریت و رهبری واحد است؛ زیرا مدیریت جمعی ای که زن و مرد در آن مشترك باشند، بی معناست. از این رو، یکی از مرد یا زن باید مدیر و دیگری معاون و تحت نظارت او باشد. قرآن در این جا تصریح می کند که مدیریت خانواده، به عهده مرد است:

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 480 ح 373.

2- ر. ك: ص 127 (خانواده / فصل سوم / غیرت ورزی نابه جا).

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (1) مردان، سرپرست زنان اند، به دلیل آن که خداوند [از نظر اجتماعی] بعضی از آنان (انسان ها) را بر بعضی دیگر برتری بخشیده است، و [نیز] از آن روی که از اموال خویش [برای زنان] هزینه می کنند». بی تردید، منظور از این سخن، اجازه دادن به مرد در جهت خودکامگی و تضييع حقوق زن نیست؛ بلکه قرآن در عین حالی که از نظر مدیریتی، مرد را بر زن ترجیح داده، بر حقوق متقابل زن نیز تأکید می نماید و می فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (2) و برای زنان بر عهده مردان، حقوقی شایسته است، مانند حقوقی که [برای مردان] بر عهده آنهاست و مردان بر آنها [از نظر ریاست خانوادگی] برتری دارند». این سخن، بدین معناست که همان طور که حقوقی برای مرد وضع شده که زن باید آن را رعایت کند، زن نیز حقوق مختلفی بر مرد دارد که رعایت آن بر مرد، لازم است. به تعبیر دیگر، وظیفه، از حق جدا نیست. به همان اندازه که زنان، وظایفی در برابر شوهر دارند، حقوقی نیز برای آنان مقرر گردیده که از تساوی این حقوق با آن وظایف، عدالت در باره آنان اجرا می گردد. بر این پایه، از نگاه قرآن، تفاوت جسمی و روحی مرد و زن از يك سو و وجوب نفقه زن بر مرد از سوی دیگر، زمینه ساز اعطای حق مدیریت خانواده به مرد، و وجوب اطاعت زن از مرد در اداره امور خانوادگی است. البته باید توجه

1- نساء: آیه 34 .

2- بقره: آیه 228 .

2. امانتداری در غیاب شوهر

داشت که بی تردید، ریاست مرد بر زن، مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه محدود به مقررات شرعی و اخلاقی و مقید به رعایت حقوق متقابل زن و وظایف مشترکی است که هر یک از مرد و زن در تحکیم بنیاد خانواده به عهده دارند. گفتنی است که رعایت حق ریاست شوهر، آن قدر اهمیت دارد که بر پایه شماری از احادیث، یکی از عوامل بهشتی شدن زن شمرده شده است. (1)

2. امانتداری در غیاب شوهر دومین وظیفه مهم زن، این است که در غیاب شوهر، از هر جهت امانتدار باشد. قرآن کریم، بانوان شایسته را چنین توصیف می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» (2) پس زنان شایسته، فرمان بردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند». این سخن، در ادامه آیه قبل، و اشاره به دومین وظیفه اختصاصی زن در زندگی خانوادگی است، و ضمن تأکید بر این که بانوان صالح و شایسته، علاوه بر این که ریاست شوهر را در اداره امور زندگی می‌پذیرند و در برابر نظام خانواده تمکین می‌نمایند، نه تنها در حضور شوهر، بلکه در غیاب او نیز از هر جهت، امانتدار عفت خود و اسرار و اموال خانوادگی هستند و در برابر حقوقی که خداوند متعال برای آنها مقرر داشته، وظایف خود را به خوبی انجام می‌دهند و مرتکب خیانت نمی‌شوند، چنان که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَهُ، وَ تُوَدِّدَهُ وَ تُحِبَّهُ وَ تُشْفِقَهُ، وَ تَجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَ تَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ، وَ تُوْفِيَ بِعَهْدِهِ وَ وَعْدِهِ، وَ تَتَّقِيَ صَوْلَاتِهِ، وَ لَا تُشْرِكَ مَعَهُ أَحَدًا فِي

1- ر. ک: همین دانش نامه: ج 3 ص 521 (خانواده / فصل دوم / پاداش فرمان برداری زن از شوهر).

2- نساء: آیه 34.

د - نقش دعا در تحکیم خانواده

أولادِهِ، وَلَا تُهَيِّنُهُ وَلَا تُشَقِّقِيَهُ، وَلَا تَخُونَهُ. (1) مرد را بر همسرش، این حق است که در خانه اش بنشیند و به او محبت و عشق و شفقت بورزد، از به خشم آوردن او دوری کند و در پی به دست آوردن خشنودی او باشد، به عهد و وعده اش با او وفا کند، از عصبانیت او بپرهیزد، کسی را در فرزندانش با وی شریک نگرداند، به او اهانت نکند و رنجش ندهد، و در حضور او، و نیز در اموالش به او خیانت نکند.

د - نقش دعا در تحکیم خانواده‌ها آخرین سخن، این که دعا نیز در تقویت محبت، قداست و تحکیم خانواده، نقش ویژه ای دارد. با عنایت به این که دعا در اسلام، در کنار مسئولیت است، نه در برابر آن، استمداد از خداوند متعال در جهت برخورداری از يك زندگی سالم و صمیمی، علاوه بر این که اعضای خانواده را متوجه مسئولیت های مشترك و اختصاصی خود برای رسیدن به این هدف می نماید، آثار و برکات فراوانی برای آنان به همراه دارد. از این رو، پیامبران و پیشوایان دین، نخستین کسانی بوده اند که همواره، صلاح و سامان خانواده خود را از خداوند متعال خواسته اند و به پیروان خود آموخته اند که برای برخورداری از زندگی شایسته، در کنار مسئولیت هایی که در این زمینه دارند، نیازمند به دعا نیز هستند. آنچه در این فصل آمد، اشاره ای به نقش مثبت دعا در زندگی خانوادگی بود. افزون بر این، ره نمودهای عملی ارزنده ای نیز در شماری از دعاهایی که در این

فصل آمده، دیده می شود. (1) آخرین نکته، این که همچنان که دعای اعضای خانواده برای یکدیگر در تحکیم این نهاد، مفید و مؤثر است، نفرین آنها نیز آثار زیانباری به دنبال خواهد داشت، بویژه نفرین والدین در حق فرزند که در شماری از احادیث، از آن، نهی شده است. (2)

1- ر. ك: ص 51 (خانواده / فصل دوم: عوامل تحکیم خانواده / دعا کردن).

2- ر. ك: ص 73 (خانواده / فصل دوم / نهی از نفرین کردن فرزندان).

الفصل الثالث : عوامل تدمير الأسرة 3 / 1 آفات الأسرة العامة 3 / 1 _ الإكراه وترك الاستيثار رسول الله صلى الله عليه وآله : يَعْمَدُ أَحَدُكُمْ إِلَى ابْنَتِهِ فَيَزَوِّجُهَا الْقَبِيحَ الذَّمِيمَ !! إِنَّهُمْ يُرَدْنَ مَا تُرِيدُونَ. (1)

كنز العمال عن جابر: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، عندنا يتيمة خطبها رجلان؛ موسر ومعسر، وهي تهوى المعسر ونحن نهوى الموسر! فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: لم ير للمتحابين مثل النكاح. (2)

الكافي عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قلت له: إني أريد أن أتزوج امرأة وإن أبوي أرادا غيرها. قال: تزوج التي هويت، ودع التي يهوى أبواك. (3)

1- حلية الأولياء: ج 7 ص 140، الفردوس: ج 5 ص 516 ح 8938 كلاهما عن الزبير بن العوام، كنز العمال: ج 16 ص 454 ح 45401.

2- كنز العمال: ج 16 ص 489 ح 45597 نقلاً عن ابن النجار.

3- الكافي: ج 5 ص 401 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 392 ح 1568، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 506 ح 1754، وسائل الشيعة: ج 14 ص 220 ح 1.

فصل سوم: آسیب های تحکیم خانواده

3 / 1 آسیب های کلی خانواده

3 / 1 - 1 اجبار کردن و نظرخواهی نکردن

فصل سوم: آسیب های تحکیم خانواده 3 / 1 آسیب های کلی خانواده 3 / 1 - 1 اجبار کردن و نظرخواهی نکردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بعضی از شما، دخترانشان را [به زور] به ازدواج فردی زشت و بدقیافه در می آورند! آن دخترها هم مانند شما دل دارند.

کنز العُمَال_ به نقل از جابر_: مردی، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! دختر یتیمی پیشِ ماست که دو مرد، از او خواستگاری کرده اند: یکی توانگر و دیگری تنگ دست. او آن تنگ دست را می خواهد و ما به توانگر، تمایل داریم! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برای دو دلداه، چیزی (تسکینی) همانند ازدواج، دیده نشده است».

الکافی_ به نقل از ابن ابی یعفور_: به امام صادق علیه السلام گفتم: می خواهم با زنی ازدواج کنم؛ ولی پدر و مادرم، کس دیگری را می خواهند. امام علیه السلام فرمود: «با کسی ازدواج کن که می خواهی، و آن شخصی را که پدر و مادرت می خواهند، رها کن».

مسند ابن حنبل عن ابن إسحاق: حَدَّثَنِي حَجَّاجُ بْنُ السَّائِبِ بْنِ أَبِي لُبَابَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُنْذِرِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّ جَدَّتَهُ أُمَّ السَّائِبِ خُنَّاسَ ابْنَةَ خِذَامِ بْنِ خَالِدٍ كَانَتْ عِنْدَ رَجُلٍ قَبْلَ أَبِي لُبَابَةَ، تَأَيَّمَتْ (1) مِنْهُ، فَرَوَّجَهَا أَبُوهَا خِذَامُ بْنُ خَالِدٍ رَجُلًا مِنْ بَنِي عَمْرِو بْنِ عَوْفِ بْنِ الْخَزْرَجِ، فَأَبَتْ إِلَّا أَنْ تَحُطَّ إِلَى أَبِي لُبَابَةَ، وَأَبَى أَبُوهَا إِلَّا أَنْ يُلْزِمَهَا الْعَوْفِيُّ، حَتَّى ارْتَفَعَ أَمْرُهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هِيَ أَوْلَى بِأَمْرِهَا، فَأَلْحِقْهَا بِهَوَاهَا. (2)

سنن أبي داود عن ابن عباس: إِنَّ جَارِيَةَ [بِكرا] أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَذَكَرَتْ أَنَّ أَبَاهَا رَوَّجَهَا وَهِيَ كَارِهَةٌ، فَخَيَّرَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (3)

سنن ابن ماجه عن عبد الرحمن بن يزيد ومجموع بن يزيد الأنصاريين: إِنَّ رَجُلًا مِنْهُمْ يُدْعَى خِذَامًا أَنْكَحَ ابْنَةً لَهُ فَكَرِهَتْ نِكَاحَ أَبِيهَا، فَأَتَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَذَكَرَتْ لَهُ، فَرَدَّ عَلَيْهَا نِكَاحَ أَبِيهَا، فَتَكَحَّتْ أَبَا لُبَابَةَ بْنَ عَبْدِ الْمُنْذِرِ. (4)

مسند ابن حنبل عن إبراهيم بن صالح: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ قَالَ لِعُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ: أَخْطَبَ عَلِيٌّ ابْنَةَ صَالِحٍ، فَقَالَ: إِنَّ لَهُ يَتَامَى، وَلَمْ يَكُنْ لِيُؤْتِرْنَا عَلَيْهِمْ، فَانْطَلَقَ عَبْدُ اللَّهِ إِلَى عَمِّهِ زَيْدِ بْنِ الْخَطَّابِ لِيَخْطُبَ، فَانْطَلَقَ زَيْدٌ إِلَى صَالِحٍ، فَقَالَ: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ أُرْسَلَنِي إِلَيْكَ يَخْطُبُ ابْنَتَكَ، فَقَالَ: لِي يَتَامَى، وَلَمْ أَكُنْ لِأَتْرِبَ لِحَمِي وَأَرْفَعَ لِحَمِّكُمْ، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ أَنْكَحْتُهَا فَلَانَا. وَكَانَ هَوَى أُمِّهَا إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، فَأَتَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، خَطَبَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ ابْنَتِي، فَأَنْكَحَهَا أَبُوهَا يَتِيمًا فِي حِجْرِهِ وَلَمْ يُؤَامِرْهَا (5). فَأَرْسَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى صَالِحٍ، فَقَالَ: أَنْكَحْتَ ابْنَتَكَ وَلَمْ تُؤَامِرْهَا؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: «أَشِيرُوا عَلَيَّ النَّسَاءَ فِي أَنْفُسِهِنَّ» وَهِيَ بَكْرٌ. فَقَالَ صَالِحٌ: فَإِنَّمَا فَعَلْتُ هَذَا لِمَا يُصَدِّقُهَا ابْنُ عُمَرَ، فَإِنَّ لَهُ فِي مَالِي مِثْلَ مَا أَعْطَاهَا (6). (7)

1- آمت: أي صارت أئمة لزوج لها (النهاية: ج 1 ص 85 «أيم»).

2- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 238 ح 26853 وراجع: سنن الدارقطني: ج 3 ص 231 ح 42.

3- سنن أبي داود: ج 2 ص 232 ح 2096، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 603 ح 1875، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 586 ح 2469، السنن الكبرى: ج 7 ص 189 ح 13669.

4- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 602 ح 1873، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 238 ح 26852، سنن الدارمي: ج 2 ص 577 ح 2112، السنن الكبرى: ج 7 ص 193 ح 13684.

5- أمروا النساء: أي شاوروهن في تزويجهن (النهاية: ج 1 ص 66 «أمر»).

6- في تاريخ دمشق: «فقال: فإن لها في مالي» بدل «فإن له في مالي».

7- مسند ابن حنبل: ج 2 ص 414 ح 5724، تاريخ دمشق: ج 62 ص 182 ح 12764.

مسند ابن حنبل - به نقل از ابن اسحاق - : حَجَّاج بن سائب بن ابی لُبَابَة بن عبد المُنْذِر انصاری ، برایم نقل کرد که مادربزرگش ، اُم سائب حُنَّاس ، دختر خُذَام بن خَالِد ، قبل از آن که زن ابو لبابه باشد ، همسر مرد دیگری بود و بیوه شد . پدرش خُذَام بن خالد ، می خواست که او را به ازدواج مردی از بنی عمرو بن عَوْف بن خَزْرَج در آورد ؛ اَمَّا حُنَّاس ، حاضر نشد که زن کسی غیر از ابو لبابه شود ؛ ولی پدرش اصرار داشت که باید زن آن مرد عوفی شود . مرافعه را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مطرح کردند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «او به کار خود ، سزاوارتر است . پس او را به ازدواج کسی در آور که دلش می خواهد» .

سنن ابی داوود - به نقل از ابن عباس - : دختری [باکره] نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت که پدرش می خواهد او را بر خلاف میلش ، شوهر دهد . پیامبر صلی الله علیه و آله حق انتخاب را به او (دختر) داد .

سنن ابن ماجه - به نقل از عبد الرحمان بن یزید و مجمع بن یزید انصاری - : مردی از ایشان (انصار) به نام خُذَام ، دخترش را شوهر داد ؛ اَمَّا دخترش به این ازدواج ، راضی نبود . از این رو نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت و ماجرا را به ایشان گفت . پیامبر صلی الله علیه و آله تزویج پدرش را مردود شمرد و آن دختر ، با ابو لبابه بن عبد المُنْذِر ، ازدواج کرد .

مسند ابن حنبل - به نقل از ابراهیم بن صالح - : عبد الله بن عمر ، به [پدرش] عمر بن خطاب گفت : دختر صالح را برایم خواستگاری کن . عمر گفت : صالح ، چند [برادرزاده] یتیم دارد ، و ما را بر آنان ترجیح نمی دهد . عبد الله ، نزد عمویش زید بن خطاب رفت تا او برایش به خواستگاری برود . زید ، نزد صالح رفت و گفت : عبد الله بن عمر ، مرا برای خواستگاری دخترت نزد تو فرستاده است . صالح گفت : من چند یتیم دارم [که تحت سرپرستی من اند] و حاضر نیستم که گوشت خودم را زمین بیندازم و گوشت شما را بردارم . شما را گواه می گیرم که من ، او را به ازدواج فلانی [از برادرزادگانم] در آوردم . مادر آن دختر - که به [ازدواج دخترش با] عبد الله بن عمر راضی بود - نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! عبد الله بن عمر ، خواستگار دختر من است ؛ ولی پدرش ، بدون آن که نظر او را بخواهد ، وی را به همسری یتیمی که تحت سرپرستی اش است ، در آورده است . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پی صالح فرستاد و به او فرمود : «دخترت را بدون نظر خواستن از خود او ، شوهر داده ای؟» . گفت : آری . فرمود : «از زنان ، در باره خودشان نظرخواهی کنید . او باکره است» . صالح گفت : من این کار را به خاطر [کم بودن] مهریه ای که ابن عمر به او می دهد ، انجام دادم . به اندازه ای که او به دخترم می دهد ، از اموال خودم برای برادرزاده ام گذاشته ام . (1)

1- در تاریخ دمشق ، به جای ، «فان له فی مالی» آمده است : «فقال : فان لها فی مالی» یعنی صالح گفت : به اندازه ای که آن یتیم ، مهریه اش کرده ، من از اموالم بر آن مهریه می افزایم .

أسد الغابة عن عبد الرحمن بن يزيد: إِنَّ وَدِيعَةَ أَنْكَحَ ابْنَتَهُ ، فَجَاءَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّ أَبِي أَنْكَحَنِي رَجُلًا لَمْ يُؤَافِقْنِي . فَأَرْسَلَ إِلَى أَبِيهَا فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ ، فَقَالَ لَهُ : أَنْكَحْتُهَا بِابْنِ عَمِّ لَهَا كُفُوًا وَرَجُلٍ صِدْقٍ ، فَقَالَ : إِسْتَأْمَرْتَهَا ؟ لَ : لَا . قَالَ : فَرَدَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَلِكَ النَّكَاحَ وَلَمْ يُجْزِهِ . (1)

الإمام عليّ عليه السلام: لَا يُنْكَحُ أَحَدُكُمْ ابْنَتَهُ حَتَّى يَسْتَأْمَرَهَا فِي نَفْسِهَا ، فَهِيَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهَا ، فَإِنْ سَكَتَتْ أَوْ بَكَتْ أَوْ ضَحِكَتْ فَقَدْ أَذِنَتْ ، وَإِنْ أَبَتْ لَمْ يُزَوِّجْهَا . (2)

مسند ابن حنبل عن سهل بن أبي حثمة: كَانَتْ حَبِيبَةُ ابْنَةُ سَهْلٍ تَحْتَ ثَابِتِ بْنِ قَيْسِ بْنِ شِمَاسِ الْأَنْصَارِيِّ فَكَرِهَتْهُ ، وَكَانَ رَجُلًا دَمِيمًا ، فَجَاءَتْ إِلَى نَبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنِّي لِأَرَاهُ ، فَلَوْلَا مَخَافَةَ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ لَبَزَقْتُ فِي وَجْهِهِ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَتُرَدِّينَ عَلَيْهِ حَدِيثَهُ الَّتِي أَصْدَقَكَ ؟ قَالَتْ : نَعَمْ ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ فَرَدَّتْ عَلَيْهِ حَدِيثَهُ وَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا . قَالَ : فَكَانَ ذَلِكَ أَوَّلَ خُلْعٍ كَانَ فِي الْإِسْلَامِ . (3)

1- .أسد الغابة: ج 5 ص 413 الرقم 5456 .

2- .دعائم الإسلام: ج 2 ص 218 ح 810 .

3- .مسند ابن حنبل: ج 5 ص 446 ح 16095 ، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 663 ح 2057 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده ، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 6 ص 483 ح 11759 عن عكرمة وكلاهما نحوه ، المعجم الكبير: ج 6 ص 103 ح 5637 ، أسد الغابة: ج 7 ص 63 الرقم 6837 ، كنز العمال: ج 6 ص 185 ح 15280 ؛ مجمع البيان: ج 2 ص 577 نحوه .

أُسْدُ الْغَابَةِ_ به نقل از عبد الرحمان بن یزید _ :وديعه ، دخترش را شوهر داد ؛ اَمَّا دَخْتَرُ او نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا! پدرم ، مرا به ازدواج مردی در آورده است که رضایت ندارم . پیامبر صلی الله علیه و آله در پی پدرش فرستاد و موضوع را به او گفت . ودیعہ گفت : من او را به پسر عمویش داده ام که هم همسنگ اوست و هم مرد درستکاری است . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا نظر خود او (دختر) را پرسیده ای ؟» . گفت : نه! پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن ازدواج را مردود شمرد و اجازه آن را نداد .

امام علی علیه السلام :کسی از شما ، نباید دخترش را شوهر بدهد تا این که نظر او را در باره خودش جویا شود ؛ چرا که او خواسته خودش را بهتر می داند . پس اگر سکوت کرد یا گریست یا خندید ، در واقع ، رضایت داده است ، و اگر رضایت نداد ، نباید او را به ازدواج [آن فرد] در آورد .

مسند ابن حنبل_ به نقل از سهل بن ابی حثمه _ :حبیبہ دختر سهل ، همسر ثابت بن قیس بن شمّاس انصاری بود ؛ ولی از او خوشش نمی آمد ؛ چون ثابت ، مردی بدچهره بود . او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! وقتی چشمم به او می افتد ، اگر ترس از خداوند عز و جلنبود ، در صورتش تُف می انداختم . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا باغی را که مَهر تو کرده است ، به او بر می گردانی؟» . حبیبہ گفت : آری . پس پیامبر صلی الله علیه و آله در پی شوهرش فرستاد و حبیبہ ، باغش را به او بر گرداند ، و پیامبر صلی الله علیه و آله ، آن دو را از هم جدا کرد . این ، نخستین طلاق خُلعی بود که در اسلام ، رخ داد .

تفسير الطبري عن ابن عباس: إِنَّ أَوَّلَ خُلْعٍ كَانَ فِي الْإِسْلَامِ أُخْتُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي، أَنَّهَا أَتَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَا يَجْمَعُ رَأْسِي وَرَأْسَهُ شَيْءٌ أَبَدًا، إِنِّي رَفَعْتُ جَانِبَ الْخِيبَاءِ فَرَأَيْتُهُ أَقْبَلَ فِي عِدَّةٍ، فَإِذَا هُوَ أَشَدُّهُمْ سَوَادًا، وَأَقْصَرُهُمْ قَامَةً، وَأَقْبَحَهُمْ وَجْهًا! قَالَ رَوْجُهَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَعْطَيْتُهَا أَفْضَلَ مَا لِي حَاقِيَةً، فَلْتَرُدُّ عَلَيَّ حَاقِيَتِي. قَالَ: مَا تَقُولِينَ؟ قَالَتْ: نَعَمْ، وَإِنْ شَاءَ زِدْنَاهُ. قَالَ: فَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا. (1)

3 / 1 _ 2 المُغَالَاةُ فِي الْمَهْرِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تِيَّاسَ رَوَا فِي الصَّدَاقِ، إِنَّ الرَّجُلَ يُعْطِي الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهَا حَسِيكَةً (2). (3)

الإمام علي عليه السلام: لَا تُغَالُوا بِمُهْرِ النِّسَاءِ، فَتَكُونَ عِدَاوَةً. (4)

1- تفسير الطبري: ج 2 الجزء 2 ص 461، تفسير ابن كثير: ج 1 ص 403، تفسير القرطبي: ج 3 ص 139؛ عوالي اللآلي: ج 2 ص 144 ح 404 نحوه.

2- حَسِيكَةً: أَي عِدَاوَةٌ وَحِقْدٌ (النهاية: ج 1 ص 386 «حسك»).

3- المصنّف لعبد الرزّاق: ج 6 ص 174 ح 10398 عن ابن أبي الحسين، النهاية في غريب الحديث: ج 1 ص 386، كنز العمال: ج 16 ص 324 ح 44731.

4- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 506 ح 1753، مسند زيد: ص 303 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 2 ص 221 ح 826، بحار الأنوار: ج 103 ص 351 ح 22.

3 / 1 - 2 زیاده روی در مهریه

تفسیر الطبری_ به نقل از ابن عباس _ : اولین طلاق خُلعی که در اسلام به وقوع پیوست ، طلاق خواهر عبد الله بن اُبی بود . او نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! هیچ چیز هرگز نمی تواند سَر من و او را [در يك بالین ،] جمع کند . من ، گوشه خیمه را بالا زدم و دیدم که او با عده ای می آید و از همه آنها سیاه تر و قد کوتاه تر و زشت تر است ! شوهرش گفت : ای پیامبر خدا ! بهترین باغم را به او داده ام . پس باغم را به من بر گرداند . پیامبر صلی الله علیه و آله به همسر او فرمود : «چه می گویی؟» . زن گفت : باشد! اگر بخواهد ، بیشتر هم به او می دهم . پس پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را از هم جدا کرد .

3 / 1 _ 2 زیاده روی در مهریه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در مهریه ، آسان بگیرید ؛ زیرا مرد ، با این که آن را به زن می پردازد ، اما به خاطر آن ، کینه ای نسبت به زن ، در دلش می ماند .

امام علی علیه السلام : در مهریه های زنان ، زیاده روی نکنید ؛ چون مایه دشمنی می شود .

3 / 1 _ 3 تزويج الصغار الكافي عن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق أو الإمام الكاظم عليهما السلام ، قال : قيل له : إنا نزوج صبياننا وهم صغار . قال : فقال : إذا زوجوا وهم صغار لم يكادوا يتألفوا . (1)

3 / 1 _ 4 التزويج على القرابة رسول الله صلى الله عليه وآله لا تزوجوا النساء على قرابتهن ، فإنه يكون من ذلك القطيعة . (2)

راجع : وسائل الشيعة : ج 20 ص 487 (باب عدم جواز تزويج بنت الأخ على عمتها وبنت الأخت على خالتها نسبا ورضاعا إلا باذنهما)

3 / 2 آفات الأسرة من ناحية الزوج 3 / 2 _ 1 الإيذاء الكتاب «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُدُّ لُوهُنَّ لِذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» . (3)

1- الكافي : ج 5 ص 398 ح 1 ، وسائل الشيعة : ج 14 ص 72 ح 1 .

2- الفردوس : ج 5 ص 22 ح 7329 عن عيسى بن طلحة .

3- النساء : 19 .

3 / 1 - 3 همسر دادنِ کودکان

3 / 1 - 4 خویشاوندی هُوو

3 / 2 آسیب های خانواده از سوی شوهر

3 / 2 - 1 آزار دادن

3 / 1 - 3 همسر دادنِ کودکانالکافی_ به نقل از هشام بن حَکَم _ : به امام صادق علیه السلام یا امام کاظم علیه السلام گفته شد : ما پسرانمان را در خردسالی ، زن می دهیم . فرمود : «اگر آنها را در خردسالی به ازدواج هم در آورید ، چه بسا اُلفتی میان آنها برقرار نشود» .

3 / 1 - 4 خویشاوندی هُووپيامبر خدا صلی الله علیه و آله : خویشاوندان (1) همسر را هُووی او قرار ندهید ؛ زیرا این کار ، به بریده شدن روابط می انجامد .

3 / 2 آسیب های خانواده از سوی شوهر 3 / 2 - 1 آزار دادنقرآن « ای کسانی که ایمان آورده اید ! برای شما حلال نیست که از زنان ، به زور ارث ببرید ، و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده اید ، باز گیرید ، مگر آن که مرتکب زشتکاری آشکاری شوند ، و با آنها به شایستگی رفتار کنید ، و اگر از آنان خوشتان نیامد ، پس چه بسا چیزی را خوش نمی دارید و خدا در آن ، مصلحت فراوان قرار می دهد » .

1- . مانند ازدواج با دختر برادر همسر یا دختر خواهر همسر ، که در صورتی که همسر موافق باشد و اجازه دهد ، مانعی ندارد ؛ لیکن طبق این روایت ، نکوهیده است ؛ زیرا زمینه ساز اختلاف خانوادگی و فروپاشی خانواده است .

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: «ألا وإن الله عز وجل ورسوله بريئان ممن أضرَّ بامرأة حتى تختلج منه». (1)

عنه صلى الله عليه وآله: «من أضرَّ بامرأة حتى تقتدي منه نفسها، لم يرض الله تعالى له بعقوبة دون النار؛ لأن الله تعالى يغضب للمرأة كما يغضب لليتيم». (2)

مكارم الأخلاق: قال [رسول الله] صلى الله عليه وآله: «خير الرجال من أممي الذين لا يتطاولون على أهلهم، ويحنون عليهم» (3) ولا يظلمونهم. (4)

الإمام علي عليه السلام: «من أساء إلى أهله لم يتصل به تأمیل». (5)

عنه عليه السلام: «في وصيته إلى الإمام الحسن عليه السلام: لا يكن أهلك أشقى الخلق بك». (6)

عنه عليه السلام: «لا يكن أهلك وذو ذلك أشقى الناس بك». (7)

عنه عليه السلام: «إن النساء عند الرجال لا يملكن لأنفسهن صنًا ولا نفعا، وإنهن أمانة الله عندكم، فلا تضاروهن ولا تعضلوهن». (8). (9)

1- ثواب الأعمال: ص 338 ح 1 عن أبي هريرة وابن عباس، أعلام الدين: ص 418 عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 76 ص 366 ح 30.

2- ثواب الأعمال: ص 336 ح 1 عن أبي هريرة وابن عباس، أعلام الدين: ص 416 عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 76 ص 365 ح 30.

3- ما بين المعقوفين لا يوجد في الطبعة المعتمدة، وأثبتناه من بعض نسخ المصدر.

4- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 468 ح 1597.

5- غرر الحكم: ج 5 ص 234 ح 8134، عيون الحكم والمواعظ: ص 443 ح 7736.

6- نهج البلاغة: الكتاب 31، تحف العقول: ص 82، كنز الفوائد: ج 1 ص 93، أعلام الدين: ص 178 وفيهما «الناس» بدل «الخلق»، بحار الأنوار: ج 74 ص 168 ح 35.

7- غرر الحكم: ج 6 ص 269 ح 10199، عيون الحكم والمواعظ: ص 521 ح 9462.

8- عضل الرجل حرمة: منعها التزويج (المصباح المنير: ص 415 «عضل»).

9- مستدرک الوسائل: ج 14 ص 251 ح 16622 وص 325 ح 16840 وفيه «عقد الرجال» بدل «عند الرجال» وكلاهما نقلًا عن تحفة الإخوان.

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که خدای عز و جل و پیامبر او، از کسی که به زنی آزار برساند تا این که آن زن، از او طلاق خُلَع بگیرد، بیزارند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به زنی آزار برساند تا آن زن [با بخشیدن مهریه اش]، جان خود را از او بخرد، خدای متعال، برای آن مرد، به کیفری (مجازات)ی کمتر از آتش، رضایت نداده است؛ چرا که خداوند متعال برای زن، همان گونه به خشم می آید که به خاطر یتیم به خشم می آید.

مکارم الأخلاق: [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله] فرمود: «بهترین مردانِ اُمّت من، کسانی هستند که به خانواده خود، درازدستی نمی کنند و به آنان مهر می ورزند و در حقّشان ستم روا نمی دارند».

امام علی علیه السلام: کسی که به خانواده اش بدی می کند، هیچ امیدی به او نیست [که به دیگران خوبی کند].

امام علی علیه السلام_ در سفارش ایشان به امام حسن علیه السلام _: مبدا خانواده ات به سبب تو، بدبخت ترین مردمان باشند!

امام علی علیه السلام: مبدا خانواده ات و دوستدارانت، به واسطه تو، بدبخت ترین مردمان باشند!

امام علی علیه السلام: زنان، در خانه مردان، اختیار هیچ سود و زیانی را برای خود ندارند. آنان امانت خدا در نزد شما هستند. بنا بر این، به آنان گزند نزنید و با ایشان بدرفتاری نکنید.

3 / 2 _ 2 الضَّرْبُ رسول الله صلى الله عليه وآله: أَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً، أَمَرَ اللَّهُ عز و جل مَالِكًا خازِنَ التَّيْرَانِ فَيَلْطِمُهُ عَلَى حُرِّ (1) وَجْهِهِ سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمَ . وَأَيُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ ضَعَّ يَدَهُ عَلَى شَعْرِ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ، سَمَّرَ كَفَّهُ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ ضَرَبَ امْرَأَةً بِغَيْرِ حَقٍّ فَأَنَا خَصْمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَا تَضْرِبُوا نِسَاءَكُمْ، فَمَنْ ضَرَبَهُمْ بِغَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ (3) .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنِّي أَتَعَجَّبُ مِمَّنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ بِالضَّرْبِ أَوْلَى مِنْهَا! لَا تَضْرِبُوا نِسَاءَكُمْ بِالْخَشَبِ فَإِنَّ فِيهِ الْقِصَاصَ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: أَمَا يَسْتَحِي أَحَدُكُمْ أَنْ يَضْرِبَ امْرَأَتَهُ كَمَا يَضْرِبُ الْعَبْدَ؛ يَضْرِبُهَا أَوَّلَ النَّهَارِ ثُمَّ يُضَاجِعُهَا آخِرَهُ؟ أَمَا يَسْتَحِي؟! (5)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنِّي لَأَكْرَهُ أَنْ أَرَى الرَّجُلَ ثَائِرًا فَرَائِصَ (6) رَقَبَتِهِ، قَائِمًا عَلَى مُرَبَّةٍ (7) يَضْرِبُهَا! (8)

1- حُرُّ الْوَجْهِ: مَا أَقْبَلَ عَلَيْكَ وَبَدَأَ لَكَ مِنْهُ (النهاية: ج 1 ص 365 «حر»).

2- مستدرک الوسائل: ج 14 ص 250 ح 16619 نقلاً عن مجموعة عتيقة بخط بعض العلماء .

3- إرشاد القلوب: ص 175 .

4- جامع الأخبار: ص 447 ح 1259، بحار الأنوار: ج 103 ص 249 ح 38 .

5- المصنّف لعبد الرزاق: ج 9 ص 442 ح 17943 عن هشام بن عروة عن أبيه، صحيح البخاري: ج 4 ص 1888 ح 4658، السنن الكبرى للنسائي: ج 5 ص 371 ح 9166، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 481 ح 16221 كلّها عن عبد الله بن زمعة نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 377 ح 44983 .

6- الفريضة: عَصَبُ الرَقَبَةِ وَعُرُوقُهَا، لِأَنَّهَا هِيَ الَّتِي تَثُورُ عِنْدَ الْغَضَبِ (النهاية: ج 3 ص 431 «فرص»).

7- الْمُرَبَّةُ: هِيَ تَصْغِيرُ الْمَرْأَةِ (النهاية: ج 4 ص 314 «مرأ»).

8- نثر الدرّ: ج 1 ص 207؛ كنز العمال: ج 16 ص 377 ح 44981 نقلاً عن المصنّف لعبد الرزاق عن أسماء بنت أبي بكر وراجع: مسند إسحاق بن راهويه: ج 5 ص 113 ح 2217 .

3 / 2 - 2 كتك زدن

2 / 3 _ 2 كتك زدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر مردی که به زنش سیلی بزند، خداوند عز و جل به مالك، نگهبان دوزخ، دستور می دهد که در آتش دوزخ، هفتاد سیلی بر گونه او بزند، و هر مردی از شما بر موی زنی مسلمان [و نامحرم] دست نهد، میخ هایی از آتش، در کف دست او می کوبد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس زنی را به ناحق بزند، در روز قیامت، من طرفِ دعوی او خواهم بود. زنانتان را كتك زنید؛ زیرا هر که آنها را به ناحق بزند، از خدا و پیامبرش، نافرمانی کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در شگفتم از کسی که زنش را می زند، در حالی که خود او، به كتك خوردن، سزاوارتر است! زنانتان را با چوب زنید که تقاص دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا هر يك از شما شرم نمی کند که زنش را مانند برده می زند؟! اول روز، او را می زند و شب هنگام، با او می خوابد! آیا شرم نمی کند؟!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوش ندارم بینم که مرد، رگ های گردنش باد کرده و بالای سر زن بیچاره ای ایستاده است و او را كتك می زند!

الطبقات الكبرى عن أيوب: جاءت امرأة إلى رسول الله صلى الله عليه وآله قد ضربها زوجها ضرباً شديداً، فقام رسول الله صلى الله عليه وآله وقال: يظلل أحدكم يضرب امرأته ضرب العبد، ثم يظلل يعاقبها ولا يستحيي! (1)

2/3 _ 3 سوء الخلق رسول الله صلى الله عليه وآله و آله :شراؤكم أسوأكم خلقاً، وأشدّه مؤنّةً، وأثقله على أهله . (2)

الإمام علي عليه السلام: ثلاث لا يهنأ لصاحبهنّ عيش: الحقد، والحسد، وسوء الخلق . (3)

عنه عليه السلام: من ضاق خلقه مله أهله . (4)

الكافي عن الحسين بن بشار الواسطي: كتبت إلى أبي الحسن الرضا عليه السلام: إن لي قرابة قد خطب إليّ وفي خلقه شيء . فقال: لا تزوجه إن كان سيئ الخلق . (5)

-
- 1- الطبقات الكبرى: ج 8 ص 205، صحيح البخاري: ج 5 ص 2246 ح 5695، السنن الكبرى: ج 7 ص 498 ح 14780، تفسير القرطبي: ج 16 ص 326 كلّها عن عبد الله بن زمعة نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 377 ح 44982؛ الكافي: ج 5 ص 509 ح 1 عن أبي مريم عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، وسائل الشيعة: ج 14 ص 119 ح 1 .
 - 2- الفردوس: ج 2 ص 370 ح 3655 عن عائشة .
 - 3- غرر الحكم: ج 3 ص 337 ح 4663، عيون الحكم والمواعظ: ص 212 ح 4224 .
 - 4- الكافي: ج 8 ص 23 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص 97، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 40، غرر الحكم: ج 5 ص 195 ح 7952، بحار الأنوار: ج 77 ص 286 ح 1 .
 - 5- الكافي: ج 5 ص 563 ح 30، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 409 ح 4428 بزيادة «ابنتي» بعد «إلي»، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 443 ح 1525 وفيهما «سوء» بدل «شيء»، بحار الأنوار: ج 103 ص 234 ح 17 .

3 / 2 - 3 بد اخلاقی

الطبقات الكبرى_ به نقل از ایوب_ : زنی که شوهرش او را به شدت زده بود ، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برخاست و به این کار اعتراض نمود و فرمود : «همیشه یکی از شما زنش را مانند برده می زند . سپس با او هم‌اغوش می شود ، و خجالت نمی کشد!» .

3 / 2_ 3 بد اخلاقی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدترین شما ، کسی است که بد اخلاق تر ، پرهزینه تر ، و برای خانواده اش ، گران بارتر باشد .

امام علی علیه السلام : سه خصلت است که زندگی ، برای دارنده آنها ، گوارا نیست : کینه توزی ، حسادت ، و بد اخلاقی .

امام علی علیه السلام : کسی که بد اخلاق است ، خانواده اش از او خسته [و بیزار] می شوند .

الکافی_ به نقل از حسین بن بشّارِ واسطی_ : به امام رضا علیه السلام نوشتم : خویشاوندی دارم که از دخترم خواستگاری کرده است ؛ ولی اخلاقش کمی مشکل دارد . فرمود : «اگر بد اخلاق است ، دخترت را به ازدواج او در نیاور» .

3 / 2 _ 4 الإستخفافُ رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَهَانَ خَمْسًا خَسِرَ خَمْسًا: مَنْ اسْتَخَفَّ بِالْعُلَمَاءِ خَسِرَ الدِّينَ . . . وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالْأَقْرَبَاءِ خَسِرَ الْمُرُوءَةَ، وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِأَهْلِهِ خَسِرَ طَيْبَ عَيْشِهِ. (1)

3 / 2 _ 5 الفِرْكُ صحيح مسلم عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَفْرِكُ (2) مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً؛ إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ - أَوْ قَالَ: غَيْرَهُ. (3)

3 / 2 _ 6 البُخْلُ رسول الله صلى الله عليه وآله: أَبْغَضَ الْعِبَادَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ ضَنَّ (4) عَلَى عِيَالِهِ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: شَرُّ النَّاسِ الضَّيِّقُ عَلَى أَهْلِهِ. (6)

3 / 2 _ 7 القَذْفُ رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَذَفَ امْرَأَتَهُ بِالرِّزَا، خَرَجَ مِنْ حَسَنَاتِهِ كَمَا تَخْرُجُ الْحَيَّةُ مِنْ جِلْدِهَا، وَكُتِبَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ أَلْفٌ خَطِيئَةً. (7)

-
- 1- المواعظ العددية: ص 255.
 - 2- لا يَفْرِكُ: لا يُبْغِضُ (النهاية: ج 3 ص 441 «فرك»).
 - 3- صحيح مسلم: ج 2 ص 1091 ح 61، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 223 ح 8371، السنن الكبرى: ج 7 ص 482 ح 14727، كنز العمال: ج 16 ص 374 ح 44966.
 - 4- ضَنَّتُ بِالشَّيْءِ: إِذَا بَخَلْتَ بِهِ (الصَّحاح: ج 6 ص 2156 «ضنن»).
 - 5- الفردوس: ج 1 ص 367 ح 1482 عن أبي هريرة.
 - 6- المعجم الأوسط: ج 8 ص 337 ح 8798 عن أبي أمامة، كنز العمال: ج 16 ص 375 ح 44972.
 - 7- جامع الأخبار: ص 445 ح 1254، بحار الأنوار: ج 103 ص 248 ح 34.

3 / 2 - 4 تحقیر کردن

3 / 2 - 5 نفرت

3 / 2 - 6 بخل

3 / 2 - 7 تهمت زنا زدن

3 / 2 - 4 تحقیر کردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پنج نفر را خوار بشمارد، پنج چیز را از دست می دهد: هر کس علما را خوار بشمارد، دین را از دست می دهد...؛ هر کس خویشاوندان را خوار بشمارد، مروّت را از دست می دهد؛ هر کس خانواده اش را خوار بشمارد، خوشی زندگی اش را از دست می دهد.

3 / 2 - 5 نفر تصحیح مسلم به نقل از ابو هریره _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ مرد مؤمنی، از زن مؤمنی نفرت ندارد. اگر خویی را از زن [خویش] نپسندد، خوی دیگری را از او می پسندد» یا فرمود: «چیز دیگری را از او می پسندد».

3 / 2 - 6 بخل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: منفورترین بندگان نزد خداوند عز و جل، کسی است که به خانواده اش بخل بورزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین مردم، کسی است که بر خانواده اش تنگ بگیرد.

3 / 2 - 7 تهمت زنا زدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به زنش تهمت زنا بزند، از نیکی های خود بیرون می آید، همچنان که مار از پوستش بیرون می آید، و به ازای هر موی بدنش، هزار گناه برایش نوشته می شود.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَذَفَ امْرَأَتَهُ بِالزَّنَا، نَزَلَتْ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ صَرْفٌ وَلَا عَدْلٌ. (1)

جامع الأخبار: قَالَ [رَسُولُ اللَّهِ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَقْذِفُ امْرَأَتَهُ إِلَّا مَلْعُونٌ - أَوْ قَالَ: مُنَافِقٌ - فَإِنَّ الْقَذْفَ مِنَ الْكُفْرِ، وَالْكَفْرُ فِي النَّارِ. لَا تَقْذِفُوا نِسَاءَكُمْ؛ فَإِنَّ فِي قَذْفِهِنَّ نَدَامَةً طَوِيلَةً، وَعُقُوبَةً شَدِيدَةً. (2)

2/3 - 8 سوء التَّديبِ الإمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَبَبُ التَّدمِيرِ سَوْءُ التَّديبِ. (3)

عنه عليه السلام: مَنْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ، تَعَجَّلَ تَدْمِيرُهُ. (4)

عنه عليه السلام: آفَةُ الْمَعَاشِ سَوْءُ التَّديبِ. (5)

عنه عليه السلام: مَنْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ، كَانَ هَلَاكُهُ فِي تَدْبِيرِهِ. (6)

عنه عليه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِدْبَارِ بِأَرْبَعٍ: سَوْءُ التَّديبِ، وَقُبْحُ التَّديبِ، وَقِلَّةُ الْإِعْتِبَارِ، وَكَثْرَةُ الْإِعْتِدَارِ. (7)

1- جامع الأخبار: ص 445 ح 1256، بحار الأنوار: ج 103 ص 249 ح 36.

2- جامع الأخبار: ص 446 ح 1257، بحار الأنوار: ج 103 ص 249 ح 37.

3- غرر الحكم: ج 4 ص 126 ح 5549 و ص 131 ح 5571 مع تقديم وتأخير، عيون الحكم والمواعظ: ص 281 ح 5068 و ص 284 ح 5131 مع تقديم وتأخير.

4- غرر الحكم: ج 5 ص 187 ح 7906 و ص 277 ح 8346، عيون الحكم والموعظ: ص 432 ح 7423 وفيه «بطل تقديره» بدل «تعجل تدميره».

5- غرر الحكم: ج 3 ص 111 ح 3965، عيون الحكم والمواعظ: ص 182 ح 3724.

6- غرر الحكم: ج 5 ص 365 ح 8768، عيون الحكم والمواعظ: ص 438 ح 7602.

7- غرر الحكم: ج 6 ص 449 ح 10958، عيون الحكم والمواعظ: ص 552 ح 10176 وفيه «الاعتذار» بدل «الاعتذار».

3 / 2 - 8 سوء تدبیر

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به زنش تهمت زنا بزند، لعنت بر او فرود می آید و هیچ مبلغ و فدیة ای از او پذیرفته نمی شود.

جامع الأخبار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به زنش تهمت [زنا] نمی زند، مگر کسی که مورد لعنت خداوند است» یا فرمود: «منافق» [و افزود]: «زیرا تهمت زنا زدن، از کفر است، و کفر، جایش آتش است. به زنانان تهمت نزنید؛ زیرا نتیجه تهمت زدن به آنها، پشیمانی طولانی و کیفر سخت است».

2 / 3 _ 8 سوء تدبیر امام علی علیه السلام: علت ویرانی، سوء تدبیر (بی مدیریتی) است.

امام علی علیه السلام: کسی که تدبیرش بد باشد، نابودگری اش شتاب می گیرد.

امام علی علیه السلام: آفت زندگی، سوء تدبیر است.

امام علی علیه السلام: کسی که سوء تدبیر داشته باشد، تدبیرش موجب نابودی او می شود.

امام علی علیه السلام: چهار چیز، نشانه پشت کردن روزگار است: سوء تدبیر، تبذیر، کم عبرت گرفتن، و زیاد عذرخواهی کردن.

3 / 2 _ 9 التَّدْوُورُ سَوَّلَ اللّٰهُ صَلىَ اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ : لَا تُطَلَّقُوا النِّسَاءَ إِلَّا مِنْ رِيْبَةٍ ، فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الذَّوَاقِيْنَ وَلَا الذَّوَاقَاتِ . (1)

الكافي عن سعد بن طريف: قال أبو جعفر [الباقر] عليه السلام: مرَّ رسولُ الله صلى الله عليه وآله برجلٍ فقال: ما فعلتِ امرأتك؟ قال: طَلَّقْتُهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قال: مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ؟ قال: مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ تَزَوَّجَ فَمَرَّ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: تَزَوَّجْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ، ثُمَّ قَالَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ: مَا فَعَلْتَ امْرَأَتَكَ؟ قَالَ: طَلَّقْتُهَا، قال: مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ؟ قال: مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ. ثُمَّ قَالَ: تَزَوَّجْتَ فَمَرَّ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: تَزَوَّجْتَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، ثُمَّ قَالَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ: مَا فَعَلْتَ امْرَأَتَكَ؟ قال: طَلَّقْتُهَا، قال: مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ؟ قال: مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ - أَوْ يَلْعَنُ - كُلَّ ذَوَاقٍ مِنَ الرِّجَالِ، وَكُلَّ ذَوَاقَةٍ مِنَ النِّسَاءِ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ كُلَّ مِطْلَاقٍ ذَوَاقٍ. (3)

1- المعجم الأوسط: ج 8 ص 24 ح 7848، مسند الشاميين: ج 3 ص 268 ح 2230، تفسير القرطبي: ج 18 ص 149، تفسير الثعلبي: ج 9 ص 334 ح 325 كلها عن أبي موسى الأشعري، كنز العمال: ج 9 ص 662 ح 27875؛ مجمع البيان: ج 10 ص 457 عن أبي موسى الأشعري.

2- الكافي: ج 6 ص 54 ح 1، عوالي اللآلي: ج 3 ص 372 ح 6، وسائل الشيعة: ج 15 ص 267 ح 6؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج 4 ص 172 ح 1 عن شهر بن حوشب نحوه.

3- الكافي: ج 6 ص 55 ح 4 عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، وسائل الشيعة: ج 15 ص 267 ح 3؛ تفسير الثعلبي: ج 2 ص 189 ح 160.

3 / 2 - 9 تنوع طلبی در ازدواج

3 / 2 - 9 تنوع طلبی در ازدواج (1) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنان را طلاق ندهید، مگر از روی دلیل [و نه بلهوسی]؛ چرا که خداوند، مردان و زنان تنوع طلب را دوست ندارد.

الکافی_ به نقل از سعد بن طریف، از امام باقر علیه السلام_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی برخورد. پس فرمود: «همسرت چه می کند؟». مرد گفت: طلاقش دادم، ای پیامبر خدا! فرمود: «بی آن که عیبی در او باشد؟». گفت: بی آن که عیبی در او باشد. آن مرد، دوباره ازدواج کرد و باز، پیامبر صلی الله علیه و آله به او برخورد و پرسید: «ازدواج کردی؟». گفت: بله. پس از مدتی از او پرسید: «همسرت چه می کند؟». گفت: طلاقش دادم. فرمود: «بی آن که عیبی در او باشد؟». گفت: بی آن که عیبی داشته باشد. آن مرد، بار سوم ازدواج کرد و باز، پیامبر صلی الله علیه و آله بر او گذشت. فرمود: «ازدواج کردی؟». گفت: بله. پس از مدتی، به او فرمود: «همسرت چه می کند؟». گفت: طلاقش دادم. فرمود: «بی آن که عیبی در او باشد؟». گفت: بی آن که عیبی در او باشد. آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند عز و جل هر مرد بلهوس و هر زن بلهوسی را دشمن می دارد» یا «از رحمت خود، دور می سازد».

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل از مردان پُر طلاق و ازدواج، نفرت دارد.

1- تذوق_ که در متن عربی احادیث به کار رفته _ یعنی: چشندگی؛ تنوع طلبی در ازدواج؛ پر ازدواجی؛ بلهوسی؛ هوسبازی. ذواق و ذواقه، به مرد و زنی می گویند که زیاد طلاق می گیرند و زیاد ازدواج می کنند. این افراد، از همسر خود، زود زده می شوند و هوس یکی دیگر می کنند.

3 / 3 التَّغَايُرُ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْبَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مِنَ الْغَيْبَةِ مَا يُحِبُّ اللَّهُ وَمِنْهَا مَا يُبْغِضُ اللَّهُ، فَأَمَّا الَّتِي يُحِبُّهَا اللَّهُ فَالْغَيْبَةُ فِي الرَّبِيبَةِ، وَأَمَّا الْغَيْبَةُ الَّتِي يُبْغِضُهَا اللَّهُ فَالْغَيْبَةُ فِي غَيْرِ رَبِيبَةٍ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: غَيْرَتَانِ إِحْدَاهُمَا يُحِبُّهَا اللَّهُ وَالْأُخْرَى يُبْغِضُهَا اللَّهُ. . . فَالْغَيْبَةُ فِي الرَّبِيبَةِ يُحِبُّهَا اللَّهُ، وَالْغَيْبَةُ فِي غَيْرِ رَبِيبَةٍ يُبْغِضُهَا اللَّهُ. (2)

الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ غَيْبَةٍ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السُّقْمِ، وَالتَّغَايُرَ إِلَى الرَّيْبِ. (3)

عنه عليه السلام في رسالته إلى الإمام الحسن عليه السلام: إِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْبَةِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السُّقْمِ، وَلَكِنْ أَحْكِمِ أَمْرَهُنَّ، فَإِنَّ رَأْيَتَ عَيِّبًا فَعَجَلِ النِّكْيَرَ (4) عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، فَإِنَّ تَعَيَّنَتْ مِنْهُنَّ الرَّيْبَ فَيُعْظَمُ الذَّنْبُ وَيَهْوَنُ الْعَتْبُ. (5)

1- سنن أبي داود: ج 3 ص 50 ح 2659، سنن النسائي: ج 5 ص 78، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 192 ح 23808، سنن الدارمي: ج 2 ص 588 ح 2146 كلها عن جابر بن عتيك، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 643 ح 1996 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 3 ص 385 ح 7066.

2- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 579 ح 1525، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 138 ح 17403 وفيه «التربية» بدل «الريبة» في الموضوعين، صحيح ابن خزيمة: ج 4 ص 113 ح 2478 وفيه «الرمية» بدل «الريبة» في الموضوعين، المصنّف لعبد الرزاق: ج 10 ص 409 ح 19522 كلها عن عقبه بن عامر الجهني، كنز العمال: ج 3 ص 386 ح 7069.

3- نهج البلاغة: الكتاب 31، خصائص الأئمة: ص 118 وليس فيه ذيله، كشف المحجّة: ص 234 عن عمر بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام، نزهة الناظر: ص 60 ح 41، أعلام الدين: ص 288، بحار الأنوار: ج 103 ص 252 ح 54.

4- النكير: الإنكار والمناكرة (القاموس المحيط: ج 2 ص 148 «نكر»).

5- الكافي: ج 5 ص 537 ح 9 عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 87 نحوه، كنز الفوائد: ج 1 ص 376 نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 233 ح 2.

3 / 3 غیرت ورزی نابه جا

3 / 3 غیرت ورزی نابه جاپامبر خدا صلی الله علیه و آله: يك غیرت است که خدا دوست دارد، و يك غیرت است که خدا دشمن می دارد . غیرتی که خدا دوستش دارد، غیرت ورزی در جایی است که حرامی (گناهی) در کار باشد و غیرتی که خدا دشمنش می دارد، غیرت ورزیدن در جایی است که حرامی (گناهی) در کار نباشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو غیرت است که یکی از آنها را خدا دوست دارد و دیگری را دشمن خداوند، غیرت به جا را دوست دارد، و غیرت ورزی ای را که در آن، ریه ای در کار نباشد، دشمن می دارد .

امام علی علیه السلام: از غیرت ورزیدن بیجا [نسبت به زنان] بپرهیز که این کار، زن سالم [و درستکار] را به بیماری [و نادرستی] می کشاند و پاک دامن را به گناه .

امام علی علیه السلام_ در نامه اش به امام حسن علیه السلام_: از غیرت ورزیدن بیجا بپرهیز؛ زیرا این کار، زنان سالم [و درستکار] را به بیماری [و نادرستی] می کشاند؛ بلکه در باره آنان، محکم کاری کن . آن گاه، اگر خطایی دیدی، در مؤاخذه به خاطر [خطای] کوچک و بزرگ، درنگ مکن . اگر [در هر بدینی ای به زنان] بنا را بر گناهکار بودن آنها بگذاری، این، گناه را بزرگ و سرزنش را بی اثر می کند .

3 / 4 آفات الأسرة من ناحية الزوجة 3 / 4 _ 1 إيداء الزوج رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا ، حَتَّى تُعِينَهُ وَتُرْضِيَهُ ، وَإِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ . . . وَعَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرِ وَالْعَذَابِ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أَيُّمَا امْرَأَةٍ آذَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عِزَّهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ ، وَإِنْ صَامَتِ نَهَارَهَا ، وَقَامَتِ لَيْلَهَا ، وَأَعْتَقَتِ الرَّقَابَ ، وَحَمَلَتْ عَلَى جِيَادِ الْخَيْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَكَانَتْ فِي أَوَّلِ مَنْ يَرِدُ النَّارَ ، وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تُؤْذِي امْرَأَةٌ زَوْجَهَا فِي الدُّنْيَا إِلَّا قَالَتْ زَوْجَتُهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ : لَا تُؤْذِيهِ ، قَاتَلَكِ اللَّهُ ، فَإِنَّمَا هُوَ عِنْدَكَ دَخِيلٌ يُوْشِكُ أَنْ يُفَارِقَكَ إِلَيْنَا . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ تُكَدِّرُ الْعَيْشَ : السُّلْطَانُ الْجَائِرُ ، وَالْجَارُ السُّوْءُ ، وَالْمَرْأَةُ الْبَدِيئَةُ . (4)

1- . ثواب الأعمال : ص 335 ح 1 عن أبي هريرة وابن عباس ، أعلام الدين : ص 414 عن ابن عباس وليس فيه «ظالما» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 363 ح 30 .

2- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 14 ح 4968 ، الأمالي للصدوق : ص 515 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 463 ح 1572 و ج 2 ص 314 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 76 ص 334 ح 1 .

3- . سنن الترمذي : ج 3 ص 477 ح 1174 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 649 ح 2014 وليس فيه «في الدنيا» ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 257 ح 22162 كلهما عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ج 16 ص 333 ح 44779 .

4- . تحف العقول : ص 320 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 234 ح 45 .

3 / 4 آسیب های خانواده از سوی زن**3 / 4 - 1 آزار دادن شوهر**

3 / 4 آسیب های خانواده از سوی زن 3 / 4 - 1 آزار دادن شوهر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس زنی دارد و زَنَش او را آزار می دهد ، خداوند ، نه نماز آن زن را می پذیرد و نه هیچ کار نیک او را ، هر چند همه عمر ، روزه بگیرد ، مگر این که به شوهرش کمک کند و او را خشنود سازد برای مرد نیز اگر زن خود را آزار بدهد و به او ستم کند ، همانند این گناه و عذاب ، وجود دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر زنی که شوهر خویش را با زبانش بیازارد ، خداوند عز و جل از او هیچ مال و فدیه و کار نیکی را نمی پذیرد ، تا آن که او را راضی کند ، اگر چه روزها روزه بگیرد و شب ها را به عبادت بگذراند و بنده ها آزاد کند و اسب های نژاده در راه خدا بفرستد ، و در زمره نخستین کسانی است که وارد آتش می شوند . همچنین است برای مرد ، اگر به زن ، ستم کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر زنی که در دنیا شوهرش را آزار بدهد ، همسر [تعیین شده] او از حوریان بهشتی می گوید : خدا تورا بکشد ! او را میازار ؛ زیرا او نزد تو میهمان است و به زودی ، تورا ترك می کند و نزد ما می آید .

امام صادق علیه السلام: سه چیز ، زندگی را تیره می سازد : فرمان روای ستمگر ، همسایه بد ، و زن بددهن .

عنه عليه السلام: مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَتَغْمُهُ، وَسَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ، وَنُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ . (1)

4 / 3_ 2 إغضابُ الزَّوْجِ رسولَ الله صلى الله عليه وآله: وَيَلِّ امْرَأَةٌ إِغْضَبَتْ زَوْجَهَا، وَطَوْبَى لِامْرَأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا . (2)

4 / 3_ 3 الكُفْرُ رسولَ الله صلى الله عليه وآله: لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى امْرَأَةٍ لَا تَشْكُرُ لِرَوْجِهَا، وَهِيَ لَا تَسْتَغْنِي عَنْهُ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: أَيُّمَا امْرَأَةٍ لَمْ تَسْتَغْنِ عَنْ زَوْجِهَا وَلَمْ تَشْكُرْ لَهُ، لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَالِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: أَيُّمَا امْرَأَةٍ قَالَتْ لِزَوْجِهَا: «مَا رَأَيْتُ قَطُّ مِنْ وَجْهِكَ خَيْرًا» فَقَدَ حَبَطَ عَمَلُهَا . (5)

-
- 1- .كنز الفوائد : ج 1 ص 150 عن يونس بن يعقوب ، بحار الأنوار : ج 76 ص 354 ح 21 .
 - 2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 11 ح 24 عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 103 ص 246 ح 24 .
 - 3- .السنن الكبرى للنسائي : ج 5 ص 354 ح 9135 ، المستدرک علی الصحيحین : ج 4 ص 193 ح 7337 ، السنن الكبرى : ج 7 ص 480 ح 14720 ، تاريخ بغداد : ج 9 ص 448 الرقم 5077 ، مسند البزار : ج 6 ص 340 ح 2349 كلَّها عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج 16 ص 396 ح 45082 .
 - 4- .المصنَّف لعبد الرزاق : ج 7 ص 487 ح 13990 عن ابن المسيَّب ، كنز العمال : ج 16 ص 558 ح 45867 .
 - 5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 440 ح 4524 عن جميل بن درَّاج ، وسائل الشيعة : ج 14 ص 115 ح 7 .

3 / 4 - 2 عصبانی کردن شوهر

3 / 4 - 3 ناسپاسی

امام صادق علیه السلام: ملعون است ، ملعون است آن زنی که شوهر خود را می آزارد و غمگیش می کند ، و خوش بخت است ، خوش بخت است آن زنی که شوهر خویش را گرمی می دارد و آزارش نمی دهد و در همه حال ، از او فرمان می برد .

3 / 4 _ 2 عصبانی کردن شوهر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وای به حال زنی که شوهرش را به خشم می آورد ! و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی است!

3 / 4 _ 3 ناسپاسی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، به زنی که از شوهرش سپاس گذاری نمی کند ، با آن که از شوهرش بی نیاز نیست ، نگاه نمی کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر زنی که از شوهرش بی نیاز نیست و با این حال ، از او سپاس گذاری نمی کند ، خداوند عز و جل در روز قیامت ، به او نظر [لطف] نمی کند .

امام صادق علیه السلام : هر زنی که به شوهرش بگوید : «من هرگز از روی تو ، خیری ندیده ام » ، اعمالش بر باد می رود .

مسند ابن حنبل عن أسماء بنت يزيد الأنصارية: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ فِي الْمَسْجِدِ يَوْمًا وَعُصْبَةٌ مِنَ النِّسَاءِ قُوعِدُ، فَأَلَوَى بِيَدِهِ إِلَيْهِنَّ بِالسَّلَامِ، قَالَ: إِيَّاكُنَّ وَكُفْرَانَ الْمُنْعَمِينَ! إِيَّاكُنَّ وَكُفْرَانَ الْمُنْعَمِينَ! قَالَتْ إِحْدَاهُنَّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ كُفْرَانِ اللَّهِ. قَالَ: بَلَى، إِنَّ إِحْدَاكُنَّ تَطُولُ أَيْمَتُهَا (1) وَيَطُولُ تَعْنِسُهَا (2)، ثُمَّ يُزَوِّجُهَا اللَّهُ الْبَعْلَ وَيُفِيدُهَا الْوَلَدَ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ، ثُمَّ تَغْضَبُ الْغَضْبَةَ، فَتُفْسِمُ بِاللَّهِ مَا رَأَتْ مِنْهُ سَاعَةً خَيْرَ قَطُّ، فَذَلِكَ مِنْ كُفْرَانِ نَعَمِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ، وَذَلِكَ مِنْ كُفْرَانِ الْمُنْعَمِينَ. (3)

4/3_4 تكليفُ الزَّوْجِ مَا لَا يُطِيقُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَدْخَلْتَ عَلَى زَوْجِهَا فِي أَمْرِ النَّفَقَةِ وَكَلَّفْتَهُ مَا لَا يُطِيقُ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهَا صَرْفًا وَلَا عَدْلًا (4)، إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَتَرْجِعَ وَتَطْلُبَ مِنْهُ طَاقَتَهُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ لَمْ تُوَافِقْهُ وَلَمْ تَصْبِرْ عَلَى مَا رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى، وَشَقَّتْ عَلَيْهِ وَحَمَلَتْهُ مَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً تَنْقِي بِهَا حَرَّ النَّارِ، وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا مَا دَامَتْ كَذَلِكَ. (6)

- 1- الأيم: التي لا زوج لها، بكرًا كانت أو ثيبًا، مطلقةً كانت أو متوفى عنها (النهاية: ج 1 ص 85 «أيم»).
- 2- عَنَسَتِ الْمَرْأَةُ: إِذَا طَالَ مَكْثُهَا فِي مَنْزِلِ أَهْلِهَا وَلَمْ تَتَزَوَّجْ، حَتَّى خَرَجَتْ مِنْ عِدَادِ الْأَبْكَارِ (المصباح المنير: ص 432 «عنس»).
- 3- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 440 ح 27660، الأدب المفرد: ص 307 ح 1047، المعجم الكبير: ج 24 ص 177 ح 445 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 396 ح 45083.
- 4- الصَّرْفُ: التَّوْبَةُ. وَالْعَدْلُ: الْفِدْيَةُ (المصباح المنير: ص 338 «صرف»).
- 5- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 441 ح 1515.
- 6- ثواب الأعمال: ص 339 ح 1 عن أبي هريرة وابن عباس، أعلام الدين: ص 419 عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 76 ص 367 ح 30.

3 / 4 - 4 مکلف کردن شوهر به آنچه در توان او نیست

مسند ابن حنبل_ به نقل از اسماء انصاری ، دختر یزید _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روزی از مسجد گذشت و دید که گروهی از زنان نشسته اند . با دستش به آنها سلام داد و فرمود : «زهارتان از ناسپاسی نعمت دهندگان ! زهارتان از ناسپاسی نعمت دهندگان !» . یکی از آنها گفت : ای پیامبر خدا ! پناه می برم به خدا _ ای پیامبر خدا _ از ناسپاسی به خدا! فرمود : «آری . یکی از شما مدّت ها بی شوهر می ماند و در خانه ماندنش ، به درازا می کشد . سپس خداوند ، شوهری نصیب او می کند و فرزند و نور چشم ، روزی اش می نماید . آن گاه [با این همه لطف خداوندی به او] عصبانی که می شود ، به خدا سوگند می خورد که هرگز يك ساعت خوبی ، از او ندیده است . این ، خود ، ناسپاسی نعمت های خداوند عز و جل و نعمت دهندگان است» .

3 / 4 _ 4 مکلف کردن شوهر به آنچه در توان او نیست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر زنی که در امور نفقه ، بر شوهرش فشار آورد و خارج از توان او ، چیزی بر او تحمیل کند ، خداوند ، از او ، نه توبه ای می پذیرد و نه فدیة ای ، مگر آن که توبه کند و برگردد و در حدّ توان او ، از او چیز بخواهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس زنی داشته باشد که آن زن ، با او ناسازگاری کند و به آنچه خداوند متعال ، روزی مرد کرده است ، قانع نباشد و بر شوهر خود ، سخت بگیرد و آنچه را در توان او نیست ، بر وی تحمیل کند ، خداوند ، از آن زن ، هیچ کار نیکی که نگهدار او از آتش باشد ، نمی پذیرد و تا زمانی که چنین است ، خداوند بر او خشمگین است .

عنه صلى الله عليه وآله: لا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُكَلِّفَ زَوْجَهَا فَوْقَ طَاقَتِهِ، وَلَا تَشْكُوهُ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، لَا قَرِيبٍ وَلَا بَعِيدٍ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا وَإِيَّامًا امْرَأَةٌ لَمْ تَرْفُقْ بِزَوْجِهَا وَحَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَمَا لَا يُطِيقُ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً، وَتَلَقَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ عَلَيْهَا غَضَبَانُ. (2)

3 / 4 _ 5 الْمَنْ عَلَى الزَّوْجِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ مَنَّتْ عَلَى زَوْجِهَا بِمَالِهَا فَتَقُولُ: «إِنَّمَا تَأْكُلُ أَنْتَ مِنْ مَالِي»، لَوْ أَنَّهَا تَصَدَّقَتْ بِذَلِكَ الْمَالِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، لَا يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا إِلَّا أَنْ يَرْضَى عَنْهَا زَوْجُهَا. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ أَنَّ جَمِيعَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ حَمَلَتْهُ الْمَرْأَةُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا، ثُمَّ ضَرَبَتْ عَلَى رَأْسِ زَوْجِهَا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ، تَقُولُ: «مَنْ أَنْتَ؟ إِنَّمَا الْمَالُ مَالِي»، حَبَطَ عَمَلُهَا وَلَوْ كَانَتْ مِنْ أَعْبَدِ النَّاسِ، إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَتَرْجِعَ وَتَعْتَدِرَ إِلَى زَوْجِهَا. (4)

1- مستدرک الوسائل: ج 14 ص 242 ح 16604 نقلاً عن مجموعة عتيقة بخط بعض العلماء.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 16 ح 4968، الأمالي للصدوق: ص 516 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 463 ح 1573 و ج 2 ص 316 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 76 ص 335 ح 1.

3- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 441 ح 1517 عن سلمان الفارسي.

4- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 441 ح 1516.

3 / 4 - 5 مَنّت نهادن بر شوهر

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر زن، روا نیست که شوهرش را بیش از توانش تکلیف کند و یا از او نزد هیچ يك از آفریدگان خداوند عز و جل گله و شکایت کند، خواه، خودی باشد یا بیگانه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که هر زنی با شوهرش مدارا نکند و آنچه را که در توان او نیست و از حدّ تحملش خارج است، بر او بار کند، خداوند، هیچ کار نیکی را از وی نمی پذیرد و در حالی خداوند عز و جل را دیدار می کند که خدا بر او خشمناک است.

3 / 4 _ 5 مَنّت نهادن بر شوهر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر زنی که به دارایی خود بر شوهرش مَنّت نهد و بگوید: «تو از ثروت من می خوری»، اگر تمام آن ثروت را هم در راه خدا صدقه بدهد، خداوند از او نمی پذیرد، مگر آن که شوهرش از او راضی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر همه طلا و نقره های روی زمین را زن، به خانه شوهرش ببرد، سپس روزی از روزها بر سر او بزند و بگوید: «تو کیستی؟ این دارایی، مال من است»، اعمالش بر باد می رود، اگر چه از عابدترین مردمان باشد، مگر آن که توبه کند و از سخنش برگردد و از شوهرش پوزش بخواهد.

3 / 4 _ 6 عَدَمُ الْمُوَاتَاةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَرُّ الزَّوْجَاتِ مَنْ لَا تُوَاتِي (1). (2)

3 / 4 _ 7 التَّرْتِيبُ لِغَيْرِ الزَّوْجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَرَيِّنَةً مُعْطَرَةً وَالزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ ، يُبَيِّ لِرِزْوَجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٍ فِي النَّارِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: أَيُّمَا رَجُلٍ رَضِيَ بِتَزْوِينِ امْرَأَتِهِ وَتَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهُوَ دَيُّوثٌ ، وَلَا يَأْتُمُ مَنْ يُسَمِّيهِ دَيُّوثًا . (4)

عنه صلى الله عليه وآله في خَبَرِ الْحَوْلَاءِ _ : يَا حَوْلَاءُ ، لَا تُبْدِي زِينَتَكَ لِغَيْرِ زَوْجِكَ ، يَا حَوْلَاءُ لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تُظْهِرَ مِعْصَمَهَا وَقَدَمَهَا لِرَجُلٍ غَيْرِ بَعْلِهَا ، وَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ لَمْ تَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَسَخَطِهِ ، وَغَضَبِ اللَّهِ عَلَيْهَا ، وَلَعْنَتِهَا مَلَائِكَةُ اللَّهِ ، وَأَعَدَّ لَهَا عَذَابًا أَلِيمًا . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: أَيُّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا ، لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبِهَا كَغُسْلِهَا مِنْ جَنَابَتِهَا . (6)

1- .المُوَاتَاةُ : حُسْنُ الْمَطَاوَعَةِ وَالْمُؤَافَقَةِ ، وَأَصْلُهَا الْهَمْزُ فَخُفِّفَ وَكَثُرَ حَتَّى صَارَ يُقَالُ بِالْوَاوِ الْخَالِصَةَ (لسان العرب : ج 14 ص 13 «أتي»)

2- .غرر الحكم : ج 4 ص 166 ح 5686 .

3- .جامع الأخبار : ص 447 ح 1259 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 249 ح 38 .

4- .جامع الأخبار : ص 447 ح 1259 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 249 ح 38 .

5- .مستدرک الوسائل : ج 14 ص 242 ح 16604 نقلاً عن مجموعة عتيقة بخط بعض العلماء .

6- .الكافي : ج 5 ص 507 ح 2 عن سعد بن أبي عمرو الجلاب ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 440 ح 4521 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 465 ح 1585 .

3 / 4 - 6 ناسازگاری**3 / 4 - 7 خودآرایی زن برای غیر شوهرش**

3 / 4 - 6 ناسازگاری امام علی علیه السلام: بدترین همسران، زنی است که سازگار نباشد.

3 / 4 - 7 خودآرایی زن برای غیر شوهرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه زن، خود را بیاراید و خوش بو کند و از درِ خانه اش بیرون برود و شوهر، به این، راضی باشد، به ازای هر قدمی که بر می دارد، برای شوهرش يك خانه در آتش ساخته می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر مردی راضی باشد که زنش خود را بَرَك کند و از درِ خانه اش بیرون رود، آن مرد، ديوث است و هر که او را ديوث بخواند، مرتكب گناهی نشده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در خبر حَوْلَاءِ _ ای حَوْلَاءِ! زیور خود را برای غیر شوهرت نمایان مساز. ای حَوْلَاءِ! برای هیچ زنی، حلال نیست که مِچ و پای خویش را برای مردی جز شوهرش آشکار سازد. هر گاه چنین کند، پیوسته مورد لعنت و ناخشنودی خدا قرار می گیرد، و خداوند، بر او خشم می گیرد، و فرشتگان خدا لعنتش می کنند، و برایش عذابی دردناك، آماده می سازد.

امام صادق علیه السلام: هر زنی، خود را برای غیر شوهرش خوش بو کند، هیچ نمازی از او پذیرفته نمی شود تا آن گاه که برای آن بویی که استعمال کرده، غسل کند، همچنان که برای جنابتش غسل می کند.

3 / 4 _ 8 التَّدْوُقُرسول الله صلى الله عليه وآله: أَيَّمَا امْرَأَةٍ سَأَلْتَ زَوْجَهَا طَلَاقًا فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ ، فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تُطَلِّقُوا النِّسَاءَ إِلَّا مِنْ رِبِيَّةٍ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الذَّوَاقِينَ وَلَا الذَّوَاقَاتِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: تَزَوَّجُوا وَلَا تُطَلِّقُوا ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الذَّوَاقِينَ وَالذَّوَاقَاتِ . (3)

3 / 5 الخِيَانَةُ عنه صلى الله عليه وآله في وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ : يَا عَلِيُّ ، أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظَّهْرِ : . . . وَزَوْجَةٌ يَحْفَظُهَا زَوْجُهَا وَهِيَ تَخُونُهُ . (4)

-
- 1- .سنن أبي داود : ج 2 ص 268 ح 2226 ، سنن الترمذي : ج 3 ص 493 ح 1187 ، سنن ابن ماجة : ج 1 ص 662 ح 2055 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 323 ح 22442 ، سنن الدارمي : ج 2 ص 604 ح 2187 كلَّها عن ثوبان ، كنز العمال : ج 16 ص 382 ح 45007 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 457 ، روضة الواعظين : ص 411 ، عوالي اللآلي : ج 2 ص 139 ح 388 .
 - 2- .المعجم الأوسط : ج 8 ص 24 ح 8748 ، مسند الشاميين : ج 3 ص 268 ح 2230 كلاهما عن أبي موسى الأشعري ، كنز العمال : ج 9 ص 661 ح 27873 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 457 ، عوالي اللآلي : ج 2 ص 139 ح 389 كلاهما عن أبي موسى الأشعري .
 - 3- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 432 ح 1473 ؛ كنز العمال : ج 9 ص 661 ح 27873 نقلاً عن المعجم الكبير عن أبي موسى .
 - 4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 365 ح 5762 ، الخصال : ص 206 ح 24 كلاهما عن أنس بن محمّد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 329 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، روضة الواعظين : ص 424 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 39 ح 35.

3 / 4 - 8 بُلْهُوسَى

3 / 5 خیانت کردن

4 / 3_ 8 بُلْهُوسَى پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر زنی که بی جهت، از شوهر خود طلاق بخواهد، بوی بهشت بر او حرام است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنان را طلاق ندهید، مگر از روی دلیل؛ زیرا خداوند، مردان و زنان بُلْهُوس را دوست نمی دارد.

امام صادق علیه السلام: ازدواج کنید و طلاق ندهید؛ زیرا خداوند، مردان و زنان بُلْهُوس (تنوع طلب در ازدواج) را دوست نمی دارد.

3 / 5 خیانت کردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در سفارش به علی علیه السلام_: ای علی! چهار چیز، کمرشکن اند: ... و [از آن

جمله است] زنی که شوهرش به او وفادار است؛ ولی او به شوهرش خیانت می نماید.

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاثٌ هُنَّ العَوَاقِرُ: ... وامرأةٌ إن حَضَرَتَكَ أذَتَكَ وإن غَبَتَ عَنْهَا خَانَتَكَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاثةٌ هُنَّ أمُّ الفَوَاقِرِ (2): ... وَرَوْجَةٌ إن شَهِدْتَ لَمْ تَقَرَّ عَيْنُكَ بِهَا، وإن غَبَتَ لَمْ تَطْمَئِنَّ إِلَيْهَا. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاثٌ مِنَ السَّعَادَةِ وثلاثٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ . . . وَمِنَ الشَّقَاوَةِ: الْمَرْأَةُ تَرَاهَا فَتَسْوُوكَ وَتَحْمِلُ لِسَانَهَا عَلَيْكَ، وَإِن غَبَتَ عَنْهَا لَمْ تَأْمَنَّا عَلَى نَفْسِهَا وَمَالِكِ. (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مِنَ شَقَاءِ الْمَرْءِ أَنْ تَكُونَ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ مُعْجَبٌ بِهَا، وَهِيَ تَخُونُهُ. (5)

-
- 1- المعجم الكبير: ج 18 ص 319 ح 824، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 253 الرقم 411 و ج 2 ص 92 الرقم 1186، تاريخ دمشق: ج 48 ص 291 ح 10429 كلُّها عن فضالة بن عبيد وفي الثلاثة الأخيرة «الفواقِر» بدل «العواقِر»، كنز العمال: ج 16 ص 27 ح 43785.
 - 2- الفَوَاقِرُ: أي الدواهي، واحدها فاقِرَةٌ كأنَّها تَحَطِّمُ فَقَارَ الطَّهْرِ (النهاية: ج 3 ص 463 «فقر»).
 - 3- قرب الإسناد: ص 81 ح 266 عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 74 ص 151 ح 10 وراجع: المعجم الكبير: ج 18 ص 319 ح 824.
 - 4- المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 176 ح 2684 عن محمد بن سعد عن أبيه، كنز العمال: ج 11 ص 93 ح 30755.
 - 5- الكافي: ج 5 ص 258 ح 3، مشكاة الأنوار: ص 458 ح 1533 بزيادة «في نفسها» في آخره، وسائل الشيعة: ج 12 ص 180 ح 2.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که آدمی را از پای در می آورد: ... و زنی که اگر نزد توست، آزارت می دهد، و چون از او غایب می شوی، به تو خیانت می ورزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز، کمرشکن است: ... و زنی که اگر نزد او بی، شادمانت نمی کند و چون غایب شوی، خاطرت از او آسوده نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز، از نیک بختی است و سه چیز، از شوربختی ... و از شوربختی است: زنی که دیدنش تو را ناخوش می آید و با زبانش بر تو حمله می آورد و اگر از او غایب شوی، از او بر خودش و بر اموالت، آسوده خاطر نیستی.

امام زین العابدین علیه السلام: از شوربختی مرد، آن است که او زنش را دوست داشته باشد؛ اما زنش به او خیانت کند.

تحلیلی در باره آسیب های خانواده

اشاره

تحلیلی در باره آسیب های خانواده (1) خانواده، مانند همه نهادهای پر ارزش، در معرض انواع آسیب ها و آفت هایی است که سلامت، استواری و پویایی آن را تهدید می کند. پیشوایان بزرگ اسلام، در کنار تبیین عوامل تحکیم خانواده، ره نمودهای بسیار مهم و ارزنده ای را در جهت پیشگیری از این آفات، ارائه کرده اند. نکته جالب توجه، این که بسیاری از این ره نمودها، همخوان با پژوهش های میدانی مرتبط با عوامل فروپاشی خانواده است. این پژوهش ها - که گستره وسیعی از کارهای میدانی و تحقیقات آماری و جامعه شناختی را در بر می گیرند -، در واقع، زنگ خطر پرآوایی را برای مسئولان فرهنگی جامعه ها به صدا در می آورند؛ خطری که حتی بسیاری از خانواده های اصیل و مذهبی را نیز به طور جدی تهدید می کند. از این رو، آشنایی با ره نمودهای اسلام در این زمینه، بویژه برای خانواده های متدین، مذهبی، می تواند بسیار کارساز باشد. این ره نمودها - که در فصل سوم آمده اند - به سه دسته تقسیم می شوند: الف. آسیب های کلی خانواده، ب. آسیب هایی مرتبط با مرد، ج. آسیب های مرتبط با زن.

1- در تهیه بخشی از این تحلیل، از همکاری فاضل ارجمند، آقای عبد الهادی مسعودی، بهره بردم که از ایشان صمیمانه سپاس گزارم.

الف - آسیب های کلی

1. تحمیل پیوند زناشویی

الف_ آسیب های کلی این گونه آسیب ها، آفاتی هستند که معمولاً از ناحیه زن و یا شوهر نیستند؛ بلکه پدر یا مادر و یا اشخاص دیگر، آنها را ایجاد می کنند. البته در برخی از موارد، ممکن است مرد یا زن نیز در شکل گیری آنها سهیم باشند. این آسیب ها عبارت اند از:

1. تحمیل پیوند زناشویی (1) نخستین شرط تشکیل خانواده پایدار، آزادی دختر و پسر در انتخاب همسر و تحمیل نکردن پیوند زناشویی بر آنهاست. سخنی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره منشأ روانی الفت و اختلاف همسران، نقل شده که می فرماید: الأرواحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا اِتَّكَفَ، وَ مَا تَنَاقَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ. (2) روح ها [همچون] سپاهیانی هستند فراهم آمده، که هر کدام از آنها با هم، آشنایی [و سازگاری] داشته باشند، با هم الفت می گیرند و هر کدام از آنها که با هم ناآشنا باشند، با هم اختلاف پیدا می کنند. بدین سان، طبیعی است که ازدواج های تحمیلی، پایدار نمی مانند. کلینی رحمه الله، گزارش کرده که شخصی به نام ابن ابی یعفر از امام صادق علیه السلام می پرسد: من مایلم با زنی ازدواج کنم؛ ولی پدر و مادرم می خواهند که با زن دیگری ازدواج نمایم. چه کنم؟ امام علیه السلام پاسخ می دهد: تَزَوَّجِ الَّتِي هَوَيْتَ، وَ دَعِ الَّتِي يَهْوِي أَبُوَاكَ. (3) با کسی ازدواج کن که خودت می خواهی، و آن شخصی را که پدر و مادرت می خواهند، رها کن!

1- ر. ك: ص 107 (خانواده / فصل سوم / اجبار کردن و نظرخواهی نکردن).

2- ر. ك: دوستی در قرآن و حدیث: ص 88 ح 160.

3- ر. ك: ص 106 ح 603.

2. مهریه سنگین**اشاره**

در حدیثی دیگر، از جابر بن عبد الله انصاری روایت شده که مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: دختر یتیمی پیش ماست که دو مرد از او خواستگاری کرده اند: یکی توانگر و دیگری تنگ دست. او مرد فقیر را می خواهد و ما به توانگر، تمایل داریم! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **لَمْ يُرَ لِلْمُتَحَائِنِ مِثْلُ النِّكَاحِ** (1) برای دو دل داده، چیزی (تسکینی) همانند ازدواج، دیده نشده است. پیامبر صلی الله علیه و آله به روشنی اعلام می کند که دو طرف ازدواج، در انتخاب همسر، آزادند و ثروت نمی تواند جای گزین محبت دو نفری که به هم علاقه مند هستند، گردد. جامعه شناسان نیز از دیرباز، ازدواج های تحمیلی را زمینه ساز اختلافات خانوادگی و فروپاشی خانواده می دانند و برخی، این گونه ازدواج ها را به فروش دختران، تشبیه کرده اند. البته باید توجه داشت که راه نمایی پدر و مادر برای انتخاب همسر مناسب، فوق العاده ضروری است و جوانان باید بدانند که در تشکیل خانواده، از مشورت با والدین خود، بی نیاز نیستند، هر چند در نهایت، خود آنها هستند که باید همسر آینده شان را انتخاب کنند، نه پدر و مادر!

2. مهریه سنگین حکمت وجود مهریه (کابین)، تعدیل روابط زن و مرد و نیز پیوند دادن آنها به یکدیگر است. مهریه، از آن جا پدید آمد که در متن خلقت، نقش هر يك از زن و مرد، مغایر نقش دیگری است. مرد، در مقابل غریزه، از زن، ناتوان تر است. این ویژگی، همواره به زن، فرصت داده است که به دنبال مرد نرود و زود تسلیم او

نکته مهم

نشود. برعکس، مرد را وادار کرده است که به زن، اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او اقدام نماید. یکی از آن اقدامات، این بوده که مرد برای جلب رضای همسر، و به احترام موافقت او، هدیه ای نثار او می کرده است. مهریه، با حیا و عفاف زن، هم ریشه است. زن به الهام فطری در یافته است که عزت و احترام او، به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد. قرآن کریم، با لطافت و ظرافت بی نظیر می فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (1) کابین زنان را به عنوان هدیه [و از روی طیب خاطر] به آنها بدهید. در این آیه کوتاه، به سه نکته اساسی اشاره شده است: یک. از مهریه، با نام «صدقه» یاد شده، از ماده «صدق»، بدان جهت که نشانه صداقت و راستین بودن علاقه مرد است. دو. الحاق ضمیر «هن» به «صدقات»، اشاره به آن است که مهریه، به خود زن تعلق دارد، نه پدر و مادر وی، و به اصطلاح، «شیربها» نیست. سه. کلمه «نحله»، به روشنی دلالت دارد که مهریه، در واقع، چیزی جز هدیه و پیشکش مرد به زن نیست.

نکته مهماً نکته مهمی که در آسیب شناسی خانواده باید به آن توجه داشت، این است که میزان مهریه، نباید با حکمت آن در تضاد باشد؛ چون در این صورت، آفت تحکیم نهاد خانواده می گردد. (2) مهریه، باید حقیقتاً مفهوم هدیه را به ذهن تداعی کند، نه داد و ستد و

1- نساء: آیه 4.

2- گفتنی است توضیحاتی که در باره حکمت مهریه ارائه شد، اقتباس از کتاب نظام حقوق زن در اسلام، نوشته استاد شهید مرتضی مطهری است.

3. ازدواج با انگیزه های غیر ارزشی

گروگانگیری را. از این رو، سنگینی مهریه، نشانه شوربختی زن، (1) و سبکی آن، نشانه برکت زن (2) شناخته شده است، مانند این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله که می فرماید: خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ. (3) بهترین مهریه، سبک ترین آن است. در حدیثی دیگر آمده است: لَا تُغَالُوا بِمَهْوَرِ النِّسَاءِ، فَإِنَّمَا هِيَ سُقْيَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (4) در مهریه های زنان، زیاده روی نکنید؛ چرا که زنان، در واقع، باران خداوند سبحان اند. همچنین سنگینی مهریه، موجب کینه و دشمنی خانوادگی معرفی شده است: تَيَاسَرُوا فِي الصَّدَاقِ، إِنَّ الرَّجُلَ يُعْطَى الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهَا حَسِيكَةً. (5) در مهریه، آسان بگیرید؛ زیرا مرد، با این که مهریه [ی سنگینی] را به زن می پردازد، اما کینه آن، نسبت به زن، در دلش می ماند. در جای دیگری، این تعبیر آمده است: لَا تُغَالُوا بِمَهْوَرِ النِّسَاءِ، فَتَكُونَ عَدَاوَةً. (6) در مهریه های زنان، زیاده روی نکنید؛ چون مایه دشمنی می شود.

3. ازدواج با انگیزه های غیر ارزشی از این، اشاره شد که نخستین ادب از آداب تشکیل خانواده، درستی انگیزه

-
- 1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 345 (خانواده / فصل یکم / پرهیز از تعیین مهریه سنگین).
 - 2- همان.
 - 3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 346 ح 162.
 - 4- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 344 ح 156.
 - 5- ر. ك: ص 112 ح 612.
 - 6- ر. ك: ص 112 ح 613.

آن است. از این رو، ازدواج کردن با هدف: تقویت طایفه، خودنمایی، شهرت طلبی، و بهره‌گیری از ثروت یا موقعیت خانوادگی همسر، ضد ارزش و نکوهیده شمرده شده است. (1) موضوع قابل توجه، این است که رعایت نکردن این ادب، آفت نهاد خانواده و زمینه ساز فروپاشی آن است. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که می‌فرماید: لَا تُزَوِّجُوا النِّسَاءَ عَلَى قَرَابَاتِهِنَّ، فَإِنَّهُ يَكُونُ مِنْ ذَلِكَ الْقَطِيعَةَ. (2) زنان را [به خاطر تقویت روابط خویشاوندی] با خویشاوندانشان تزویج نکنید؛ زیرا این کار، به بریده شدن روابط خویشی می‌انجامد. و نیز روایت شده است که فرمود: مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِعِزِّهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا ذُلًّا، وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا فَقْرًا، وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِحَسَبِهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا دِنَاءَةً، وَ مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَمْ يَتَزَوَّجْهَا إِلَّا لِيُغْضَبَ بَصَرُهُ، أَوْ لِيُحْصَنَ فَرْجُهُ، أَوْ يَصِلَ رَحْمَتُهُ، بَارَكَ اللَّهُ لَهُ فِيهَا وَ بَارَكَ لَهَا فِيهِ. (3) هر کس با زنی، به خاطر قدرتش ازدواج کند، خداوند، جز بر خواری او نمی‌افزاید، و هر کس با زنی، به خاطر دارایی اش ازدواج کند، خداوند، جز بر ناداری او نمی‌افزاید، و هر کس با زنی، به خاطر بزرگی زادگی اش ازدواج کند، خداوند، جز بر پستی او نمی‌افزاید، و هر کس با زنی، فقط برای این ازدواج کند که چشمش را [از حرام و نامحرم] فروپوشاند، یا دامنش را پاك نگه دارد، یا پیوند خویشاوندی اش را برقرار بدارد، خداوند، در آن مرد و زن برای یکدیگر برکت می‌دهد. و در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که:

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 311 (خانواده / فصل یکم / آداب ازدواج و تشکیل خانواده).

2- ر. ك: ص 114 ح 615.

3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 310 ح 91.

4. ازدواج، پیش از رشد عقلی

إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكُلَّ إِلَى ذَلِكَ، وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ. (1) هر گاه مردی با زنی، به خاطر زیبایی یا دارایی اش ازدواج کند، به همان [زیبایی یا دارایی] واگذار می شود، و هر گاه به خاطر دینش با او ازدواج کند، خداوند، زیبایی و دارایی نیز روزی اش می کند. انگیزه های غیر ارزشی در ازدواج، چه از سوی زوجین و چه خانواده هایشان، آفت اصلی ترین ارکان تحکیم خانواده - یعنی محبت و قداست - است. از این رو، خانواده هایی که دچار این آفت اند، بیشتر در معرض فروپاشی قرار می گیرند.

4. ازدواج، پیش از رشد عقلیهر چند احادیث اسلامی، به خانواده ها تأکید کرده اند که هنگام بلوغ فرزندان، زمینه ازدواج آنها را فراهم کنند (2) و به جوانان نیز توصیه کرده اند که برای حفظ پاک دامنی خود، هر چه زودتر ازدواج نمایند، (3) اما پیشوایان ما، ازدواج کودکان را - چنان که در برخی از اقوام، رسم بوده - مصلحت نمی دانند. از این رو، طبق نقل کلینی رحمه الله، امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسش هشام بن حکم در باره این موضوع، فرمود: إِذَا زُوجُوا وَهُمْ صِبَاغًا لَمْ يَكَادُوا يَتَأَلَّفُوا. (4) چنانچه آنها را در خردسالی به ازدواج هم در آورید، به سختی ممکن است انس و الفتی میان آنها برقرار شود. این سخن می تواند به این مفهوم باشد که ازدواج، پیش از رشد عقلی زوجین،

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 312 ح 96.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 271 (خانواده / فصل یکم / همسر دادن فرزندان).

3- ر. ك: همین دانش نامه: ج 3 ص 289 (خانواده / فصل یکم / جلوگیری از فساد اخلاقی و اجتماعی).

4- ر. ك: ص 114 ح 614.

5. خویشاوند بودن هُوو با همسر اَوّل

ب - آسیب های مرتبط با مرد

1. آزار دادن همسر

آفت تحکیم خانواده است و ممکن است به جدایی بینجامد. برخی از پژوهش ها نیز نشان می دهند که طلاق، در جوانانی که زیر نوزده سالگی ازدواج کرده اند، بیشتر از جوانانی است که پس از آن ازدواج کرده اند.

5. خویشاوند بودن هُوو با همسر اَوّلر پایه برخی احادیث، ازدواج مرد با خویشاوندان همسر فعلی اش، آفت زندگی خانوادگی است. متن حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره، چنین است: لا تُزَوِّجُوا النِّسَاءَ عَلٰی قَرَابَاتِهِنَّ، فَإِنَّهُ يَكُونُ مِنْ ذَلِكَ الْقَطِيعَةَ. (1) زنان را با خویشاوندانشان تزویج نکنید؛ زیرا این کار، به بریده شدن روابط خویشی می انجامد. این سخن، بدین معناست که برای زن، تحمّل هُوویی که از نزدیکان و خویشان خودش باشد، مشکل تر است و این گونه ازدواج ها، موجب اختلاف خانوادگی و از عوامل فروپاشی خانواده است.

ب - آسیب های مرتبط با مرد آسیب هایی که از ناحیه شوهر، نهاد خانواده را تهدید می کنند و چه بسا موجب فروپاشی آن می گردند، عبارت اند از:

1. آزار دادن همسرزن، از محیط گرم خانواده خویش به درون خانه ای پا می نهد که همه چیز آن برای وی، تازه و بدون سابقه است. او از جایی که به طور متعارف، خدمت گیرنده و محبت بیننده بوده، به سرایی قدم می نهد که خدمت و محبت در آن، دوسویه است.

در این حالت، اگر در قبال محبت و تلاشی که بروز می دهد، پاسخ محبت آمیز نگیرد و حتی در عوض آن، آزار ببیند، دیر یا زود، از محبت دهی، دست می کشد و کانونی که باید با محبت و مودت گرم شود، به سردی می گراید. روشن است که کمتر همسری با این وضعیت، حاضر به ادامه زندگی است و اگر هم آن را ادامه دهد، چنین زندگی ای را نمی توان يك زندگی سالم و يك کانون پُر حرارت خواند. گفتنی است آزارهای روانی و جسمی، هر دو در این میان، یکسان عمل می کنند و شاید آزارهای زبانی و روانی، زیان های بیشتر و ضربه های کاری تری را به پیکر ازدواج وارد کنند. احادیث، افزون بر کتک زدن زن، تحقیر او و حتی بغض و دشمنی درونی را هم زمینه فروپاشی تدریجی خانواده ها دانسته اند. (1) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که می فرماید: مَنْ أَضَرَّ بِامْرَأَةٍ حَتَّى تَقْتَدِيَ مِنْهُ نَفْسَهَا، لَمْ يَرْضَ اللَّهُ تَعَالَى لَهَا بِعُقُوبَةٍ دُونَ النَّارِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغْضَبُ لِلْمَرْأَةِ كَمَا يَغْضَبُ لِلْيَتِيمِ. (2) هر کس به زنی آزار برساند تا آن زن [با بخشیدن مهریه اش]، جان خود را از او بنبرد، خدای متعال، برای آن مرد، به مجازاتی کمتر از آتش، رضایت نداده است؛ چرا که خداوند متعال برای زن، همان گونه به خشم می آید که به خاطر یتیم به خشم می آید. در حدیث دیگری آمده است: أَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً، أَمَرَ اللَّهُ عِزَّ وَجِلَّ مَالِكَا خَاوِنِ النَّيْرَانِ فَيَلْطِمُهُ عَلَى حُرِّ وَجْهِهِ سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمَ، وَ أَيُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى شَعْرِ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ، سَمَرَ كَفَّهُ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ. (3)

1- ر. ك: ص 123 (خانواده / فصل سوم / تحقیر کردن) و (نفرت).

2- ر. ك: ص 116 ح 617.

3- ر. ك: ص 118 ح 623.

2. بدخویی

هر مردی که به زنش سیلی بزند، خداوند عز و جل به مالک، نگهبان دوزخ، دستور می دهد که در آتش دوزخ، هفتاد سیلی بر گونه او بزند، و هر مردی از شما بر موی زنی مسلمان [و نامحرم] دست نهد، میخ هایی از آتش، در کف دست او می کوبد. همچنین از امام علی علیه السلام روایت شده است که می فرماید: **إِنَّهُنَّ أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَكُمْ، فَلَا تُضَارَوهُنَّ وَلَا تَعْصِدْنَ لِهَوْنَهُنَّ**. (1) آنان، امانت خدا در نزد شما هستند. بنا بر این، به آنان گزند نرسانید و با ایشان بدرفتاری نکنید. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز روایت است که فرمود: **إِنِّي أَتَعَجَّبُ مِمَّنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ بِالضَّرْبِ أُولَى مِنْهَا!** (2) در شگفتم از کسی که زنش را می زند، در حالی که خود او، به کتک خوردن، سزاوارتر است!

2. بدخویانسان های تندخو، گاه بدون آن که بخواهند، به دیگران آزار می رسانند. بسیاری از اینان، بدذات نیستند و دوست ندارند که دیگران، بویژه نزدیکان و خویشان و همسران خود را اذیت کنند؛ اما حساسیت زیاد، حرارت و تندى اخلاقی و کم طاقتی ایشان، موجب می شود که دیگران از آنها دلخور و دلگیر شوند و به صورت باری سنگین و تحمیلی بر دوش دیگران در آیند. این دسته، افزون بر آن که زندگی خود را آشفته می کنند، عیش دیگران را نیز منغص می سازند و محیطی عصبی، حسّاس، شکننده و گاه در آستانه انفجار به وجود می آورند و خود و خانواده شان را در آن می سوزانند. اگر این وضعیت ادامه یابد و یا تشدید شود،

1- ر. ك : ص 116 ح 622 .

2- ر. ك : ص 118 ح 625 .

3. بخل

اطرافیان و بویژه همسر، به مقابله به مثل با همسر و یا گریز از شوهر و حتی خانه، روی می آورد و اینها از هم پاشیدگی خانواده را در پی دارد. آمار فعلی دادگاه های خانواده، بدخویی مرد را از علت های قابل توجه متلاشی شدن خانواده بر می شمردند. بر همین اساس، با وجود ترغیب به تزویج جوانان از سوی اسلام، امام رضا علیه السلام در راه نمایی به حسین بن بشّار که خویشاوند بدخویش به خواستگاری دخترش آمده است، می فرماید: لا تُرَوِّجُهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ. (1) اگر بدخلق است، دخترت را به همسری وی در نیاور.

3. بخل مؤمن، تربیت شده خداوند است و هزینه زندگی خود را با کاهش و افزایش عطای الهی، تنظیم می کند. اگر خدا به او روزی دهد، وی هم به زندگی اش وسعت می دهد و اگر خدا نبخشد، به کسب حرام و درآمد نامشروع، روی نمی آورد؛ اما انسان بخیل، در هر صورت، به کسی چیزی نمی دهد و اموالش را نزد خود نگاه می دارد. چنین شخصی، همه و حتی خود را در تنگنا می گذارد و از پرداخت هزینه های اصلی خانواده نیز خودداری می ورزد و بدین سان، فشار سختی را به خانواده وارد می آورد؛ سختی ای که با توجه به وضعیت مالی اش، برای همسر و خانواده، توجیهی ندارد و تنها علت آن، خوی زشت بخل است. در این وضعیت، کمتر زنی تاب می آورد و در نتیجه، یا به دزدی پنهان از شوهر، روی می آورد و یا حدّ اقل در علاقه او به خود، تردید می کند و متقابلاً علاقه اش به همسر کاهش می یابد؛ زیرا خود را از دارایی و مال همسرش، کم ارزش تر می بیند.

4. بی تدبیری

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که می فرماید: **أَبْغَضُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ صَنَعَ عَلَى عِيَالِهِ . (1)** منفورترین بندگان ، نزد خداوند عز و جل ، کسی است که به خانواده اش بخل بورزد . نیز می فرماید: **شَدَّ النَّاسُ الصَّيْقُ عَلَى أَهْلِهِ . (2)** بدترین مردم ، کسی است که بر خانواده اش تنگ بگیرد .

4. بی تدبیری خانواده در بدو تأسیس، با جاده ای ناهموار و گردنه هایی سخت ، رو به روست . دو جوانی که هنوز جایگاه شغلی ثابتی برای خود نیافته اند، با بدهی های مربوط به تعهدات مالی تحصیل و تهیه مسکن و یا هزینه های تولد و نگهداری فرزند نیز رو به رو می شوند . از سوی دیگر، به دلیل جوانی ، زن، خواهان مصاحبت بیشتر شوهر با اوست و توقع دارد که شوهر، وقت بیشتری را برای با هم بودن بگذارد. خواسته ها و انتظارات پیشین خویشان ، دوستان ، همسایگان و همکاران را نیز باید افزود. از طرفی، مسئولیت های دینی و اجتماعی هر دو سوی ازدواج نیز وجود دارد . در چنین فضایی، تنها مدیریت عاقلانه و ماهرانه ، می تواند خانواده را از این کشاکش سنگین برهاند و با توجه به این که مدیریت خانواده در اسلام به مرد سپرده شده ، **(3)** این موضوع، اهمیت ویژه ای پیدا می کند . اگر مرد ، فاقد مدیریت لازم باشد ، خانواده، در گردابی از مشکلات حل نشدنی و گره های کور، فرو می رود و در این میان، رضایت و ارضای همسر فدا می شود و

1- ر . ك : ص 122 ح 635 .

2- ر . ك : ص 122 ح 636 .

3- ر . ك : ص 101 (خانواده / فصل دوم / تحلیلی در باره عوامل تحکیم خانواده / پذیرفتن مدیریت شوهر بر خانواده) .

5. تنوع طلبی

کانون خانواده، جایی برای شکایت‌ها و سرریز مشکلات حل نشده می‌گردد. (1) امام علی علیه السلام در باره این آفت خطرناک خانواده می‌فرماید: *أَفَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ*. (2) آفت زندگی، بی‌تدبیری (سوء مدیریت) است. و در حدیث دیگری از ایشان - که به فراتر از خانواده اشاره دارد - آمده است: *سَبَبُ التَّمْهِيرِ سُوءُ التَّدْبِيرِ*. (3) علت ویرانی، بی‌تدبیری (سوء مدیریت) است.

5. تنوع طلبیاسلام با توجه به واقعیت فزونی تعداد زنان آماده ازدواج بر مردان، چندهمسری را با رعایت شروطی سخت (مانند: عدالت) تجویز کرده است؛ اما این به معنای جواز تنوع طلبی و رفتار خودخواهانه با زن نیست. هرگاه مرد بخواهد از این جواز شرعی و واقعیت اجتماعی، سوء استفاده کند و بی‌هیچ دلیلی، همسرش را طلاق دهد، این کار، نزد خداوند متعال، منفور است. از امام باقر علیه السلام روایت شده که می‌فرماید: *إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ كُلَّ مُطَلَّقٍ ذَوَّاقٍ*. (4) خداوند عز و جل از مردان پُر طلاق و تنوع طلب در ازدواج، نفرت دارد. بدین سان، تنوع طلبی یکی از آسیب‌های خطرناکی است که نهاد خانواده را تهدید می‌کند و مانع تحکیم این نهاد مقدس می‌گردد.

1- ر. ک: همین دانش‌نامه: ج 3 ص 525 (خانواده / فصل دوم / تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده).

2- ر. ک: ص 124 ح 642.

3- ر. ک: ص 124 ح 640.

4- ر. ک: ص 126 ح 647.

6. غیرت ورزی نابه جا

6. غیرت ورزی نابه جازندگی مشترك، محدود کننده روابط جنسی است. در هر اجتماع و دینی، ازدواج، مرزهایی را برای روابط جنسی به وجود می آورد. در دین اسلام، این روابط، منحصر به خانواده می شود و از این رو، خیانت هر يك از دو سوی ازدواج، به معنای پیمان شکنی است. این نکته، مورد قبول همگان است؛ اما هر گاه حساسیت به این مسئله، از حدّ طبیعی خود بیرون رود و به صورت شك هایی بی جا و غیرت ورزی بدون دلیل در آید، زندگی را تلخ می کند و خانه را به صورت بازداشتگاهی در می آورد که بازجوی آن، شريك زندگی است؛ زیرا کسی که باید بیشترین اعتماد را داشته باشد، بیشترین تردید را دارد. جالب توجه، آن که ابراز تردیدها و پرس و جوهای بی دلیل، همسر امین را نیز به سوی خیانت، سوق می دهد و او را در معرض خیانت به شوهر قرار می دهد. روایت تکان دهنده نهج البلاغه در این باره، بسیار صریح است. امام علی علیه السلام می فرماید: **إِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ غَيْرَةٍ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السُّقْمِ، وَالْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ.** (1) از غیرت ورزیدن بی جا [نسبت به زنان] پرهیز که زن سالم را به بیماری [و نادرستی] می کشاند و پاک دامن را به گناه. اگر هم چنین نکند، زن را به نقطه ای می رساند که در دوستی ها و اظهار محبت های همسرش، تردید جدی می نماید و از محبت خود نیز دریغ می کند و بدین سان، اصلی ترین رشته پیوند خانواده، سست می شود. در پایان می افزاییم که هر گاه بدینی شوهر به جایی برسد که به همسر خود،

ج - آسیب های مرتبط با زن**1. آزار دادن شوهر**

تهمت بزند و او را متهم به روابط جنسی خارج از ازدواج کند، در حالی که چنین نباشد، به لعنت الهی دچار می شود. با توجه به فرآیند «لعان» (1) در فقه اسلامی، چنین مردی، زندگی خود را در معرض تباهی قرار داده است و این زمینه را برای همسر خود به وجود می آورد تا با انجام دادن تشریفات قانونی، از او جدا شود.

ج - آسیب های مرتبط با زنا آسیب هایی که از ناحیه زن، نهاد خانواده را تهدید می کند و ممکن است به فروپاشی نهاد خانواده بینجامد، عبارت اند از:

1. آزار دادن شوهر آزار دادن شوهر، همانند آزار دادن زن، موجب تزلزل بنیان خانواده است؛ زیرا در فرض آزارسانی از سوی زن، مرد نیز واکنش همانندی نشان می دهد و کانون زندگی، به معرکه درگیری و کشمکش تبدیل می شود و به تدریج، تحمل چنین وضعیتی برای هر دو سوی رابطه، سخت می شود. در این زندگی ها، محبت و اطاعت، جای خود را به سرپیچی و نفرت می دهد و در این حالت، روابط متعارف ازدواج به گونه ای دیگر تحقق می پذیرد. حتی در صورتی که شوهر تحمل کند و به مقابله به مثل نپردازد، از محبتش به همسر کاسته می شود و زندگی با عشق، به زندگی با نفرت، تبدیل می شود. این وضعیت غیر طبیعی، تنها تا آن جا ادامه می یابد که تنش های عصبی حاصل از این نگاه و رفتار، از آستانه تحمل طرفین در نگذرد. امام صادق علیه السلام در تعبیری لطیف، زن آزارسان را از اسباب تکدر عیش می داند و

1- قاعده فقهی «لعان»، برای اثبات ادعای مرد در باره روابط نامشروع زن و نفی فرزندی است که از او متولد شده است و کیفیت آن در آیات 6 و 7 از سوره نور آمده است. بر اساس این قاعده، اگر زن، ادعای مرد را انکار کند و هر دو، سوگندهای چهارگانه را یاد کنند، برای همیشه از هم جدا می شوند.

2. ناسپاسی نسبت به شوهر

می فرماید: لا- تُؤذَى امْرَأَةٌ زَوْجَهَا فِي الدُّنْيَا إِلَّا قَالَتْ زَوْجَتُهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ: لا- تُؤذِيهِ، قَاتَلِكِ اللَّهُ، فَإِنَّمَا هُوَ عِنْدَكَ دَخِيلٌ يُوْشِكُ أَنْ يُفَارِقَكَ إِلَيْنَا. (1) هر زنی در دنیا شوهرش را آزار بدهد، حوری بهشتی ای که برای همسری او تعیین شده، می گوید: خدا تو را بکشد! او را میازار؛ زیرا او نزد تو میهمان است و به زودی، تو را ترك می کند و نزد ما می آید. گفتنی است که به خشم آوردن شوهر (2) نیز گونه ای آزار دادن اوست. از این رو، اگر زن در نیابد که چه رفتاری همسرش را خشمگین می کند و سپس آن را ناخودآگاه تکرار کند و یا با قصد آزار چنین کند، زمینه تزلزل خانواده را فراهم کرده است.

2. ناسپاسی نسبت به شوهرزن، بیشتر به محبت شوهر نیاز دارد و مرد، به سپاس گزاری زن. از این رو، در صورت عدم ارضای خواست روحی، و یا واکنش متعارض با آن از سوی زن، علاقه مرد به زن آسیب می بیند و به تدریج، این واکنش دوسویه، زنجیری از گله گزاری و دلخوری درونی را پدید می آورد و بنیان خانواده را سست می نماید. از این رو احادیث اسلامی، به شدت زنان، را از ناسپاسی کردن نسبت به لطف و محبت شوهران، نهی کرده اند. به این حدیث بنگرید: لا- يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى امْرَأَةٍ لَا تَشْكُرُ لِرِزْوَجِهَا، وَهِيَ لَا تَسْتَغْنِي عَنْهُ. (3) خداوند، به زنی که از شوهرش سپاس گزاری نمی کند، با آن که از شوهرش بی نیاز نیست، نگاه [با لطف و رحمت] نمی کند.

1- ر. ك: ص 130 ح 654.

2- ر. ك: ص 133 (خانواده / فصل سوم / عصبانی کردن شوهر).

3- ر. ك: ص 132 ح 658.

3. انتظارات بی جا از شوهر

در حدیث دیگری آمده است: **أَيُّمَا امْرَأَةٍ قَالَتْ لِرَوْحِهَا: «مَا رَأَيْتُ قَطُّ مِنْ وَجْهِكَ خَيْرًا» فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهَا.** (1) هر زنی که به شوهرش بگوید: «من هرگز از روی تو، خیری ندیده ام»، اعمالش بر باد می رود.

3. انتظارات بی جا از شوهر مرد به عنوان مسئول تشکیل، رشد و نگهداری خانواده، (2) می کوشد نیازهای اساسی خود و خانواده اش را تأمین کند. (3) این، ویژگی یک خانواده سالم و متعارف است و جز در مواردی که مرد به اعتیاد و یا بیماری های اخلاقی و اجتماعی مبتلا می شود، همه جا چنین تلاشی وجود دارد. این وظیفه، چون تکلیفی الهی است. پس قابل منت گذاری بر زن هم نیست؛ اما مشکل از آن جا آغاز می شود که در شرایط خاص و تنگناهای مالی، شوهر، توانایی تأمین خواسته های زن را از دست می دهد و یا زن، به مقدار نیاز، بسنده نمی کند. در این دو حالت، اگر زن بر خواسته های خود، پانهد و برای تأمین آنها، به شوهرش فشار بیاورد، افزون بر به خشم آوردن خداوند متعال، زمینه ناراحتی شوهر را نیز فراهم می آورد. در این وضعیت، گاه پیش می آید که مرد، بر اثر سرزنش های زن، به دزدی و اختلاس و کسب درآمدهای نامشروع، روی می آورد و گاه به گریز از خانه و حتی اعتیاد کشیده می شود و یا در فرضی دردناک، به جدایی می اندیشد. در همه فرض ها، آرامش روحی شوهر، کاهش می یابد و نگاه افسرده و یا عصبی او، در روابط خانوادگی، بازتاب می یابد. این گونه است که اساسی ترین هدف ازدواج

1- ر. ک: ص 132 ح 660.

2- ر. ک: ص 95 (خانواده / فصل دوم / وظایف خاص مرد).

3- ر. ک: ص 133 (خانواده / فصل سوم / عصبانی کردن شوهر).

4. منت نهادن بر شوهر

(یعنی آرامش زندگی) آسیب می بیند. از این رو، احادیث اسلامی، زن را از وادار کردن شوهر به آنچه در توان او نیست، به شدت نهی کرده اند: **أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَدْخَلْتَ عَلَى زَوْجِهَا فِي أَمْرِ التَّفَقُّةِ وَكَلَّفْتَهُ مَا لَا يُطِيقُ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهَا صَرْفًا وَلَا عَدْلًا، إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَتَرْجِعَ وَتَطْلُبَ مِنْهُ طَاقَتَهُ.** (1) هر زنی که در درخواست نفقه، بر شوهرش فشار آورد و خارج از توان او چیزی بر او تحمیل کند، خداوند، از آن زن، نه استغاثه ای را می پذیرد و نه کفاره ای را، مگر آن که توبه کند و برگردد و در حدّ توانش، از او چیز بخواهد.

4. منت نهادن بر شوهر خانم هایی که از نظر ثروت و یا موقعیت خانوادگی، بر شوهر خود، برتری دارند، باید توجه داشته باشند که ثروت و موقعیت خانوادگی خود را به رخ شوهر کشیدن و منت نهادن بر او، آفت شیرینی زندگی خانوادگی، و گاه موجب فروپاشی آن است. در شماری از احادیث، این برخورد غیر اخلاقی، به شدت محکوم شده است: **لَوْ أَنَّ جَمِيعَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ حَمَلَتْهُ الْمَرْأَةُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا، ثُمَّ صَدَّرَتْ عَلَى رَأْسِ زَوْجِهَا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ، تَقُولُ: «مَنْ أَنْتَ؟ إِنَّمَا الْمَالُ مَالِي»، حَبِطَ عَمَلُهَا وَ لَوْ كَانَتْ مِنْ أَعْبَادِ النَّاسِ، إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَ تَرْجِعَ وَ تَعْتَذِرَ إِلَى زَوْجِهَا.** (2) اگر زن، همه طلا- و نقره های روی زمین را به خانه شوهرش ببرد، سپس روزی از روزها بر سر او بزند و بگوید: «تو کیستی؟ این دارایی، مال من است»، اعمالش بر باد می رود، اگر چه از عابدترین مردمان باشد، مگر آن که توبه کند و از سخنش برگردد و از شوهرش پوزش بخواهد.

1- ر. ك: ص 134 ح 662.

2- ر. ك: ص 136 ح 667.

5. مدارا نکردن با شوهر**6. خودآرایی برای غیر همسر**

5. مدارا نکردن با شوهرگاهی اوقات، اخلاق و رفتار شوهر، مورد قبول همسر نیست و حتی ممکن است از نظر عرفی و شرعی هم پذیرفته نباشد؛ اما اصلاح آن، تنها از طریق تحمّل و شکیبایی و سپس تذکرات نرم و پلّه ای، امکان پذیر است. زن نمی تواند با چند ماه زندگی مشترک، رفتار چندین ساله شوهر خود را تغییر دهد. از این رو باید بکوشد برای دوره گذار از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب، سیاست رفاقت و همراهی و همدلی را با شوهر، در پیش گیرد و در همه موارد شرعی و عرفی، پیرو شوهر باشد تا به تدریج بتواند شوهر را با خود، همراه کند. زوج های جوانی که از ابتدا و بدون هیچ مقدمه ای، خواستار تغییر همسر خود و به رنگ خود در آوردن او شده اند، در همان ابتدای راه، به چاله بگو مگو و درگیری در غلتیده اند و نه تنها سودی از تذکرات و ناسازگاری های خود ندیده اند که کانون خانواده را به لبه پرتگاه آشفتگی و از هم پاشیدگی کشانده اند. در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است: **شَدْرُ الزَّوْجَاتِ مَنْ لَا تُؤَاتِي . (1)** بدترین همسر، زنی است که سازگار نباشد.

6. خودآرایی برای غیر همسر خودآرایی زن برای غیر همسر، یکی از خطرناک ترین آفت هایی است که کانون خانواده را تهدید می کند. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: **لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تُظَهِّرَ مِعْصَمَهَا وَقَدَمَهَا لِرَجُلٍ غَيْرِ بَعْلِهَا ، وَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ لَمْ تَزَلْ .**

7. تنوع طلبی

فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَسَخَطِهِ، وَغَضَبِ اللَّهِ عَلَيْهَا، وَلَعْنَتِهَا مَلَائِكَةُ اللَّهِ، وَأَعَدَّ لَهَا عَذَابًا أَلِيمًا. (1) برای هیچ زنی، حلال نیست که مُچ و پای خویش را برای مردی جز شوهرش آشکار سازد. هر گاه چنین کند، پیوسته مورد لعنت و ناخشنودی خدا قرار می گیرد و خداوند، بر او خشم می گیرد و فرشتگان خدا لعنتش می کنند و برایش عذابی دردناک، آماده می سازد. این آفت خطرناک، زمینه ساز آلودگی زن و فروپاشی خانواده است. از این رو، مرد باید به عنوان مدیر خانواده، با همه توان از آن پیشگیری کند. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مُتَعَطِّرَةً وَالزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ، بُنِيَ لِرَوْحِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٌ فِي النَّارِ. (2) هر گاه زن، خود را بیاراید و خوش بو کند و از در خانه اش بیرون برود و شوهر [ش] به این، راضی باشد، به ازای هر قدمی [که زن بر می دارد]، برای شوهرش يك خانه در آتش ساخته می شود.

7. تنوع طلبی نیز ممکن است مانند مرد، به بیماری تنوع طلبی جنسی مبتلا شود و چون محدودیت او بیشتر است، این بیماری می تواند او را به درخواست طلاق و در برخی از موارد، به خیانت و گاه به قتل همسر، وادار سازد. از این رو، در احادیث، تنوع طلبی جنسی زن، همانند تنوع طلبی مرد، نکوهش شده است. (3) در حدیثی از

1- ر. ك: ص 138 ح 671.

2- ر. ك: ص 138 ح 669.

3- ر. ك: ص 141 (خانواده / فصل سوم / بُلْهَوسِي).

8. خیانت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است: **أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلَتْ زَوْجَهَا طَلَاقًا فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ، فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ**. (1) هر زنی که بی جهت، از شوهر خود طلاق بخواهد، بوی بهشت بر او حرام است.

8. خیانت خطرناک ترین آفتی که از ناحیه زن، نهاد خانواده را تهدید می کند، خیانت و بویژه خیانت ناموسی است. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره خطر این خیانت، روایت شده که می فرماید: **أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظَّهْرِ: ... وَزَوْجَةٌ يَحْفَظُهَا زَوْجُهَا وَهِيَ تَخُونُهُ**. (2) چهار چیز، کمرشکن اند: ... و از جمله آنهاست زنی که شوهرش از او نگهداری می کند؛ ولی او به شوهرش خیانت می نماید. برای پیشگیری از این آفت کمرشکن، هم مرد، مسئول است و هم زن. بدیهی است که مرد و زن، با عمل کردن به وظایف مشترک و اختصاصی خود، می توانند از این آفت، پیشگیری کنند؛ اما بی تردید، مسئولیت زن در این باره، سنگین تر است.

1- ر. ک: ص 140 ح 673.

2- ر. ک: ص 140 ح 676.

13 . اَلْكَو

اشاره

13 . اَلْكَو در آمد فصل يكم : اَلْكَو هاء شايسته فصل دوم : موارد اَلْكَو گیری فصل سوم : اَلْكَو هاء ناشايسته

.

درآمداسوه، در لغتواژه های «أسوة» و «إسوة»، اسم مصدر از «اتساء» اند و از ماده «أسو» که بر درمان و تیمار و اصلاح کردن، دلالت دارد، گرفته شده اند. ابن فارس می گوید: الهمزة والسين والواو أصل واحد يدل على المداوة والإصلاح. يقال: أسوت الجرح إذا داويته، ولذلك يسمى الطبيب: الآسي... ويقال: أسوت بين القوم إذا صلحت بينهم، ومن هذا الباب: لي في فلان أسوة؛ أي قدوة، أي إنني أقتدى به. (1) همزه و سین و واو، يك ریشه معنایی دارد و بر درمان و اصلاح کردن دلالت می کند. گفته می شود: «أسوت الجرح» یعنی زخم را درمان کردم. به همین دلیل، به طبیب، «آسی (درمانگر)» می گویند... و گفته می شود: «أسوت بين القوم؛ میان مردم را اصلاح نمودم». و از همین باب است جمله: «لي في فلان أسوة؛ فلانی برای من الگوست»، یعنی من به او اقتدا می کنم. در واقع، کسی که شخصی و یا چیزی را الگو (اسوه) و سرمشق (مقتدای) خود قرار می دهد، گویا می خواهد از این طریق، ضعف و کمبود خود را جبران کند و خود را به نقطه مطلوب برساند، هر چند رسیدن به آن نقطه از نظر عقل و فطرت، مذموم باشد. از این رو، «الگو» به الگوی خوب (شایسته) و الگوی بد (ناشایسته)،

1- معجم مقایس اللغة: ج 1 ص 105. نیز، ر. ك: لسان العرب: ج 14 ص 35، مفردات ألفاظ القرآن: ص 76 (ماده «أسو»).

الگو، در قرآن و حدیث

1. دقت در انتخاب الگو

تقسیم می گردد .

الگو، در قرآن و حدیث مسئله «الگوگیری (تأسی)» ، یکی از مهم ترین مسائل تربیتی در اسلام است ؛ زیرا انسان به طور طبیعی ، تحت تأثیر افکار و عقاید و رفتار پدر و مادر ، دوست ، محیط و شخصیت های برجسته فرهنگی و سیاسی قرار می گیرد و الگوگیری از دیگران ، نقش اساسی در شکل گیری شخصیت ، و سعادت یا شقاوت او دارد . از این رو ، قرآن و احادیث اسلامی ، آموزه های مهم و ارزنده ای را در این زمینه ارائه کرده اند که به طور خلاصه به شماری از آنها اشاره می شود :

1 . دقت در انتخاب الگونخستین نکته ، این است که انسان چه کسی را باید به عنوان الگو در زندگی انتخاب کند . روشن است که در زندگی فردی و اجتماعی انسان ، هر چه نقش پیشوا بیشتر باشد ، دقت در انتخاب الگو ضروری تر خواهد بود . بر این اساس ، رهبران دینی جامعه ، بیشترین نقش را در الگوسازی و شکل دهی در شخصیت مردم دارند . در حدیث نبوی آمده است : **وَإِنَّ أُمَّتَكُمْ قَادَتُكُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، فَانظُرُوا بِمَنْ تَقْتَدُونَ فِي دِينِكُمْ وَصَلَاتِكُمْ .** (1) پیشوایان شما ، رهبران شما به سوی خداوند عز و جل هستند . پس بنگرید که در دین و نمازتان ، به چه کسی اقتدا می کنید . همچنین رهبران سیاسی جامعه ، نقش فراوانی در سازندگی مردم دارند ، به گونه ای که امام علی علیه السلام می فرماید :

2. معرّفی الگوهای شایسته

3. سیاست تبلیغی الگوگیری از نیکان

النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ . (1) مردم به فرمان روایانشان ، شبیه ترند تا به پدرانشان . بنا بر این ، دقت در انتخاب رهبران دینی و سیاسی ، از اهمیت و اولویّت ویژه ای برخوردار است .

2. معرّفی الگوهای شایسته یکی از راه های مهم و شناخته شده در رشد شخصیت و شکوفایی استعداد های انسان ، آشنایی با فرزندان است . شناخت انسان های وارسته و پیشتاز در کمالات نفسانی ، علاوه بر نفی هر گونه ذهنیت گرایی در مورد ره نمود های اخلاقی ، سیاسی و اجتماعی اسلام ، جویندگان کمال را به پیمودن راه آنان ترغیب می نماید . از این رو ، در اسلام ، معرّفی الگوهای نیکو و مطالعه سیره علمی و عملی شخصیت های برجسته و فرهیخته ، از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار است . در نصوص (متون) اسلامی ، انبیای الهی (بخصوص ابراهیم علیه السلام و پیروان راستین او) ، همچنین خاتم انبیا و اهل بیت آن بزرگوار (و بویژه امیر مؤمنان علی علیه السلام) ، فرشتگان ، عالمان صالح ، اهل ایمان و اهل خیر ، به عنوان «الگوهای شایسته» به مردم معرّفی شده اند (2) و این ، يك سیاست بسیار مهمّ تربیتی است که باید مورد توجه متصدیان امر تعلیم و تربیت قرار بگیرد .

3. سیاست تبلیغی الگوگیری از نیکان در موضوع سیاست تبلیغی «الگوگیری از نیکان» در نگاه اسلام ، چند نکته قابل توجه است :

1- .تحف العقول : ص 208 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 46 .

2- . ر . ك : ص 177 (الگو / فصل یکم / الگوهای شایسته) .

الف _ تأکید بر الگو بودن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در صدر انسان های شایسته : «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا . (1) قطعاً برای شما در پیامبر خدا سرمشقی نیکوست ، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین ، امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند» . امام علی علیه السلام در این باره می فرماید : وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَافٍ لَكَ فِي الْأُسْوَةِ . (2) قطعاً برای تو در پیامبر خدا ، الگویی بسنده است . ب _ الگو قرار دادن هر انسان شایسته ، چنان که در سخن امیر مؤمنان علیه السلام آمده است : اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مِّنْ سَمِيعٍ فَخَشَعَ ، وَ اقْتَرَفَ فَاَعْتَرَفَ ، وَ وَجَلَ فَعَمِلَ ، وَ حَاذَرَ فَبَادَرَ ، وَ اَيَقَنَ فَأَحْسَنَ ، وَ عُبِّرَ فَاَعْتَبَرَ ، وَ حُدِّرَ فَحَدَّرَ ، وَ زَجَرَ فَازْدَجَرَ ، وَ اَجَابَ فَأَنَابَ ، وَ رَا جَعَ فَتَابَ ، وَ اقْتَدَى ، وَ اقْتَدَى فَاَحْتَدَى ، وَ اُرَى فَرَأَى ، فَاسْرَعَ طَالِبًا وَ نَجَا هَارِبًا ، فَأَفَادَ ذَخِيرَةً وَ أَطَابَ سَرِيرَةً ، وَ عَمَّرَ مَعَادًا ، وَ اسْتَظْهَرَ زَادًا لِيَوْمِ رَحِيلِهِ وَ وَجِهَ سَبِيلَهُ وَ حَالَ حَاجَتِهِ وَ مَوْطِنَ فِاقَتِهِ ، وَ قَدَّمَ أَمَامَهُ لِيَدَارِ مُقَامِهِ . (3) از خدا پروا کنید ؛ پروای کسی که شنید و خشوع کرد ، و گناه کرد و اعتراف نمود ، و ترسید و کار کرد ، و پرهیز کرد و به عمل پرداخت ، و یقین کرد و نیکی نمود ، و پند داده شد و پند گرفت ، و بر حذر داشته شد و حذر کرد ، و باز داشته شد و [از گناه] باز ایستاد ، و اجابت کرد و انابه نمود ، و باز گشت و توبه کرد ، و الگو بر گرفت و پیروی اش کرد ، و به او نشان داده شد و دید . پس در طلب [حق] اشتافت ، و گریخت و نجات یافت . پس ذخیره ای اندوخت ، و نهاد [ش] را پاک ساخت ، و

1- احزاب : آیه 21 .

2- ر . ك : ص 220 ح 58 .

3- نهج البلاغة : خطبه 83 ، تحف العقول : ص 210 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 48 ح 67 .

آخرت را آباد ساخت، و برای روز کوچیدنش و راه سفرش و وقت نیازش و جایگاه حاجتش توشه بر گرفت، و آن را برای سرای ماندگاری اش پیشاپیش فرستاد. ج - نکوهش کسانی که به سیره انبیای الهی و اوصیای آنان تأسی نمی کنند و با خودمحوری، زمینه نابودی استعدادهای انسانی خویش را فراهم می سازند. امام علی علیه السلام در این باره چنین می فرماید: *فيا عَجَبًا - و ما لي لا أَعْجَبُ - مِن خَطَأِ هَذِهِ الْفِرْقِ عَلَى اخْتِلافِ حُجَجِها فِي دِينِها، لا يَتَتَّبِعُونَ أَثَرَ نَبِيِّ، وَ لا يَتَّقُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ، وَ لا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبِ، وَ لا يَعْفُونَ عَن عَيْبِ، المَعْرُوفِ فِيهِم ما عَرَفُوا، وَ المُنْكَرِ عِنْدَهُم ما أَنْكَرُوا، وَ كُلُّ امْرِيٍّ مِنْهُم إِمَامٌ نَفْسِهِ، آخِذٌ مِنْها فِيمَا يَرى بِعُرَى وَثِيقَاتٍ، وَ أسبابِ مُحْكَماتٍ*. (1) در شگفتی - و چرا در شگفت نباشم - از خطای این گروه ها، با آن که در دینشان حجّت های گوناگون دارند! نه گام در جای گام پیامبر صلی الله علیه و آله می نهند، و نه به رفتار و کردار وصی [و جانشین او] اقتدا می کنند. نه به غیبی ایمان دارند، و نه از عیبی چشم می پوشند. معروف در میان آنان، همان چیزی است که خود، معروف می دانند، و منکر، چیزی است که خود، منکر می شمرند. هر يك از اینان، پیشوای خویش است، و به دستگیره ها و ریسمان هایی که خود، آنها را محکم می پندارد، چنگ می زند. د - نکوهش کسانی که ادعای پیروی از الگوهای نیکو دارند؛ اما در رفتار، به آنان تأسی نمی کنند. امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: *أَلَا وَإِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَتَّبِعُ سُنَّةَ إِمَامٍ وَ لا يَتَّبِعُ بِأَعْمالِهِ*. (2)

1- الكافي: ج 8 ص 64 ح 22، الإرشاد: ج 1 ص 292 (از امام صادق علیه السلام)، نهج البلاغة: خطبه 88، بحار الأنوار: ج 51 ص 122 ح 24.

2- الكافي: ج 8 ص 234 ح 312، الخصال: ص 18 ح 62، تحف العقول: ص 280، بحار الأنوار: ج 1 ص 207 ح 4.

4 . معرّفی الگوهای ناشایست**5 . مسئولیت الگوهای شایسته**

هان! منفورترین مردم در نزد خداوند ، کسی است که به روش پیشوایی اقتدا کند ؛ امّا به اعمال و کردار او رفتار نکند . ه _ نکوهش کسانی که رفتارهای ناشایست برخی از اهل ایمان را بهانه تأسّی به آنان قرار می دهند ؛ امّا به رفتارهای شایسته آنان تأسّی نمی کنند ، چنان که در حدیث نبوی می خوانیم : **إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَنْ يَقْتَدِي بِسَيِّئَةِ الْمُؤْمِنِ وَلَا يَقْتَدِي بِحَسَنَتِهِ** . (1) منفورترین مردم در نزد خدای متعال ، کسی است که به بدی های مؤمن اقتدا کند ؛ امّا به خوبی های او اقتدا نکند .

4 . معرّفی الگوهای ناشایستاسلام ، علاوه بر معرّفی الگوهای شایسته و تأکید بر تأسّی به آنها ، شیطان ، حیوانات ، افراد نادان ، گم راه کنندگان ، مستکبران ، مُفسدان و مجرمان را الگوهای ناشایسته اعلام می کند و نسبت به تأسّی به آنها هشدار می دهد . نکته قابل توجّه ، این که : نصوص (متون) اسلامی ، دلیل خطرناک بودن تأسّی به الگوهای ناشایسته را همراه با نام و عنوان آنها آورده اند ، چنان که در معرّفی الگوهای شایسته ، دلیل لزوم تأسّی به آنها را همراه با عناوین آنها بیان کرده اند .

5 . مسئولیت الگوهای شایستهو آخرین نکته ، این که : مهم ترین مسئولیت متصدّیان تعلیم و تربیت مردم و کسانی که به عنوان مقتدا و پیشوای اخلاقی و فرهنگی آنان شناخته می شوند ، پیش از هر گونه اقدام برای سازندگی دیگران ، خودسازی است .

1- .الجعفریّات : ص 197 ، النوادر ، راوندی : ص 100 ح 59 (از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام) ، بحار الأنوار : ج 72 ص 208 ح 10 .

کارآیی «سخن» در تعلیم و تربیت، در مقایسه با کارآیی «عمل»، ناچیز است. سخن، می تواند قدرت سحرآمیز داشته باشد _ که «إِنَّ مِنْ الْبَيَانِ سِحْرًا؛ (1) برخی بیان ها سحرآمیزند» _؛ اما عمل، در تعلیم و تربیت، اعجاز می کند و بیشترین نقش را در گسترش اسلام داشته و دارد. از این رو، پیشوایان دینی ما بیش از تبلیغ با «سخن»، تأکید بر تبلیغ با «عمل» دارند. (2) امام علی علیه السلام می فرماید: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ. (3) هر که خویشان را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خویش پردازد، و باید پیش از آن که با زبانش تربیت کند، با رفتارش تربیت نماید. آن که آموزگار و مربی خویش است، به تکریم و احترام، سزاوارتر از آن کسی است که آموزگار و مربی مردم است.

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 15 ص 224 ح 286.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 15 ص 213 (تبلیغ / فصل چهارم: ویژگی های مبلغ / دعوت با عمل، پیش از زبان).

3- نهج البلاغة: حکمت 73، بحار الأنوار: ج 56 ص 33.

الفصل الأول: الأسي الحسنة 1 / 1 الأنبياء عليهم السلام الكتاب «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ» . (1)

«وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ * اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ» . (2)

«رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» . (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اقْتَدَى بِالْأَنْبِيَاءِ، دَخَلَ مَعَهُمُ الْجَنَّةَ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: ما مِنْ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ فِي أُمَّةٍ قَبْلِي إِلَّا كَانَ لَهُ مِنْ أُمَّتِهِ حَوَارِيُونَ وَأَصْحَابٌ يَأْخُذُونَ بِسُنَّتِهِ وَيَقْتَدُونَ بِأَمْرِهِ، ثُمَّ إِنَّهَا (5) تَخَلْفُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلُوفٌ (6) يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ . (7)

1- .. الأنعام: 90.

2- .. يس: 20 و 21.

3- .. آل عمران: 53.

4- .. جامع الأخبار: ص 151 ح 340 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 138 ح 49.

5- .. الضمير في «إنها» هو ضمير الشأن.

6- .. الخلف _ بالتحريك والسكون _ : كل ما يجيء بعد من مضى، إلا أنه بالتحريك في الخير وبالتسكين في الشر؛ يقال: خلف صدق، وخلف سوء. ومعناها جميعا القرن من الناس (النهاية: ج 2 ص 65 «خلف»). وهي هنا جمع خلف بالسكون.

7- .. صحيح مسلم: ج 1 ص 70 ح 80، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 181 ح 4379، السنن الكبرى: ج 10 ص 154 ح 20178 كلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 3 ص 69 ح 5532.

فصل یکم : الگوهای شایسته

1 / 1 پیامبران علیهم السلام

الگوهای شایسته فصل یکم : الگوهای شایسته 1 / 1 پیامبران علیهم السلام «اینان ، کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است . پس به هدایت آنان اقتدا کن . بگو : من از شما هیچ مزدی برای آن (رسالت) نمی طلبم . این [قرآن] ، جز تذکری برای جهانیان نیست» .

«و مردی از دورترین جای شهر ، دوان دوان آمد [و] گفت : ای مردم! از این فرستادگان ، پیروی کنید . از کسانی پیروی کنید که پاداشی از شما نمی خواهند و خود [نیز] هدایت یافته اند» .

«ای پروردگار ما! به آنچه فرو فرستادی ، ایمان آوردیم و از پیامبر ، پیروی کردیم . پس ما را با گواهان بنویس» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که به پیامبران اقتدا کند ، همراه آنان به بهشت وارد می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، هیچ پیامبری را پیش از من در میان امتی بر نینگیخت ، مگر این که از میان آن امت ، مریدان و یارانی داشت که به روش او رفتار می کردند و فرمان او را به کار می بستند ؛ ولی پس از آنها کسانی جانشینان می شوند که خود ، به آنچه می گویند ، عمل نمی کنند ، و کارهایی را انجام می دهند که به آن ، امر نشده اند .

الإمام علي عليه السلام: ما أعظم فوز من اقتفى (1) أثر النبيين . (2)

عنه عليه السلام: طوبى لمن عمل بسنة الدين ، واقتفى آثار النبيين . (3)

1 / 2 إبراهيم عليه السلام والذين معه «قد كانت لكم أسوة حسنة في إبراهيم والذين معه إذ قالوا لقومهم إنا برآء منكم ومما تعبدون من دون الله كفرنا بكم وبدا بيننا وبينكم العداوة والبغضاء أبداً حتى تؤمنوا بالله وحده إلا قول إبراهيم لأبيه لأستغفرن لك وما أملك لك من الله من شئ ء ربنا عليك توكلنا وإليك أنبنا وإليك المصير» . (4)

«لقد كان لكم فيهم أسوة حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم الآخر ومن يتول فإن الله هو الغني الحميد» . (5)

«وإذ قال إبراهيم رب اجعل هذا البلداً أمماً واجنبني وبنيتي أن نعبد الأصنام * رب إنهن أضللن كثيراً من الناس فمن تبعني فإنه مني ومن عصاني فإنك غفور رحيم» . (6)

1- .. يقال : قَفَوْتَهُ وَقَفَيْتَهُ وَاقْتَفَيْتَهُ : إِذَا تَبَعْتَهُ وَاقْتَدَيْتَ بِهِ (النهاية : ج 4 ص 95 «فقا»).

2- .. غرر الحكم: ج 6 ص 71 ح 9557 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 481 ح 8874 .

3- .. غرر الحكم: ج 4 ص 245 ح 5969 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 315 ح 5510 نحوه .

4- .. الممتحنة: 4.

5- .. الممتحنة: 6.

6- .. إبراهيم: 35 و 36.

1 / 2 ابراهیم علیه السلام و همراهان او

امام علی علیه السلام: چه رستگاری بزرگی در انتظار کسی است که از پیامبران، پیروی کند!

امام علی علیه السلام: خوشا به حال کسی که به سنت دین، عمل کند و به دنبال پیامبران، گام بردارد!

1 / 2 ابراهیم علیه السلام و همراهان او «قطعاً برای شما در ابراهیم و کسانی که با اویند، سرمشقی نیکوست، آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید، بیزاریم. به [باورهای] شما کفر می ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده است تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید. جز [در] سخن ابراهیم [که] به [نا] پدر [ی] خود [گفت]: [حتماً برای تو آمرزش خواهم خواست، با آن که در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم. ای پروردگار ما! بر تو توکل کردیم و به سوی تو باز گشتیم و فرجام، به سوی توست».

«قطعاً برای شما در آنان، سرمشقی نیکوست، [یعنی] برای کسی که به خدا و روز بازپسین، امید دارد، و هر کس روی برتابد، [بداند که] خدا همان بی نیاز ستوده [صفات] است».

«و هنگامی را [یاد کن] که ابراهیم گفت: پروردگار! این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار. پروردگار! آنها بسیاری از مردم را گم راه کردند. پس هر که از من پیروی کند، او از من است و هر که مرا نافرمانی کند، به یقین، تو آمرزنده و مهربانی».

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» . (1)

«وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» . (2)

«وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ ءَابَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ءِذَكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» . (3)

1 / 3 رسول الله صلى الله عليه وآله الكتاب «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» . (4)

«فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» . (5)

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» . (6)

الحديث للإمام علي عليه السلام: إقتدوا بهدي (7) نبيكم فإنه أفضل الهدى ، واستنوا بسنته فإنها أهدى السنن . (8)

1- .. آل عمران: 68.

2- .. النساء: 125.

3- .. يوسف: 38.

4- .. الأحزاب: 21.

5- .. الأعراف: 158.

6- .. آل عمران: 31.

7- .. الهدى : السيرة والهيئة والطريقة (النهاية : ج 5 ص 253 «هدا»).

8- .. نهج البلاغة: الخطبة 110 ، تحف العقول: ص 150 وفيه «أشرف» بدل «أهدى» ، غرر الحكم: ج 2 ص 258 ح 2546 وفيه

«أصدق» بدل «أفضل» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 290 ح 2 .

1 / 3 پیامبر خدا صلی الله علیه وآله

«در حقیقت، نزدیک ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که از او پیروی کرده اند و [نیز] این پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند، و خدا سرور مؤمنان است».

«و دین چه کسی، بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و حق گرایانه، از آیین ابراهیم، پیروی نموده است؟ و خدا ابراهیم را دوست گرفت».

«و آیین پدرانم: ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی نموده ام. برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک خدا قرار دهیم. این، از عنایت خدا بر ما و بر مردم است؛ ولی بیشتر مردم، سپاس گزاری نمی کنند».

1 / 3 پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرآن (قطعا برای شما در پیامبر خدا سرمشقی نیکوست، [یعنی] برای آن کس که به خدا و روز بازپسین، امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند».

«پس به خدا و پیامبر او - همان پیامبر درس ناخوانده ای که به خدا و کلمات او ایمان دارد - ایمان آورید و او را پیروی کنید. امید که هدایت شوید».

«بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را بر شما ببخشد، و خدا آمرزنده مهربان است».

حدیث امام علی علیه السلام: به روش پیامبرتان اقتدا کنید؛ چرا که بهترین روش است، و سنت (راه و رسم) او را در پیش بگیرید؛ چرا که درست ترین سنت هاست.

عنه عليه السلام في خطبته التي تسمى بالقاصعة _ ولقد قرن الله به صلى الله عليه وآله من لدن أن كان فطيماً أعظم ملك من ملائكته ، يسلك به طريق المكارم ومحاسن أخلاق العالم ، ليلاً ونهاره ، ولقد كنت أتبعه أتباع الفصيل (1) أثر أمه ، يرفع لي في كل يوم من أخلاقه علماً (2) ، ويأمرني بالافتداء به . (3)

عنه عليه السلام : يا أيها الناس ! إنه لم يكن لله سبحانه حجة في أرضه أو كد من نبينا محمد صلى الله عليه وآله ، ولا حكمة أبلغ من كتابه القرآن العظيم ، ولا مدح الله تعالى منكم إلا من اعتصم بحبله واقتدى بنبيه ، وإنما هلك من هلك عندما عصاه وخالفه وأتبع هواه ، فلذلك يقول عز من قائل : «فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم» (4) . (5)

عنه عليه السلام : اللهم . . . اغفر للأحياء من المؤمنين والمؤمنات ، الذين وحدوك وصدقوا رسولك ، وتمسكوا بدينك وعملوا بفرائضك ، واقتدوا بنبيك وسنوا سنتك ، وأحلوا حلالك وحرموا حرامك ، وخافوا عقابك ورجوا ثوابك ، ألوا أوليائك وعادوا أعداءك . (6)

1- .. الفصيل: ولد الناقة إذا فصل عن أمه (الصحاح: ج 5 ص 1791 «فصل»).

2- .. العلم: المنار، وشيء يُنصب في الطريق في الفلوات تهتدي به الضالّة (لسان العرب: ج 12 ص 419 «علم»).

3- .. نهج البلاغة: الخطبة 192 ، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 180 ، بحار الأنوار: ج 14 ص 475 ح 37 .

4- .. النور: 63 .

5- .. غرر الحكم: ج 6 ص 468 ح 11004 .

6- .. الكافي: ج 8 ص 176 ح 194 عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 77 ص 353 ح 31

امام علی علیه السلام در خطبه موسوم به «قاصعه» _ از همان هنگام که پیامبر خدا از شیر گرفته شد ، خداوند ، بزرگ ترین فرشته از فرشتگان را بر ایشان گماشت ، و آن فرشته ، شب و روز ، ایشان را در مسیر خصلت های والای انسانی و خوی های نیکوی جهان ، راه می بُرد ، و من ، همانند شتر بچه ای که در پی مادرش می رود ، به دنبال ایشان می رفتم و در هر روز ، از خُلق و خُویس ، برایم نشانی بر می افراشت (نمونه ای را فرا پیشم می نهاد) و فرمانم می داد که آن را سرمشق خود قرار دهم .

امام علی علیه السلام : ای مردم! خدای سبحان را در زمینش حجتی استوارتر از پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله نبود ، و نه حکمتی رساتر از کتابش قرآن بزرگ . خدای متعال ، از میان شما ، تنها کسانی را ستوده که به ریسمان او چنگ زنند و به پیامبرش اقتدا کنند . آنان که هلاک شدند ، تنها بدین سبب ، هلاک شدند که او را نافرمانی کردند و با او مخالفت نمودند و از هوس خویش پیروی نمودند . از همین رو می فرماید _ و چه شکوهمند گوینده ای است _ : «پس کسانی که از فرمان او سر می پیچند ، باید از این که بلایی بدیشان رسد ، یا به عذابی دردناک گرفتار شوند ، بترسند» .

امام علی علیه السلام : بار خدایا!... مؤمنان زنده را ، از مرد و زن ، بیامرز ؛ همانان که به یکتایی تو گواهی دادند و پیامبرت را تصدیق کردند ، و به دین تو چنگ زدند و فرایضت را به کار بستند ، و به پیامبرت اقتدا نمودند و سنت تو را در پیش گرفتند ، و حلال تو را حلال و حرامت را حرام شمردند ، و از کیفر تو ترسیدند و به پاداش تو امید بستند ، و دوستانت را دوست داشتند و با دشمنانت دشمنی ورزیدند .

عنه عليه السلام_ في وصية بيته لإبنه الحسن عليه السلام _ :إعلم يا بُنَيَّ أَنْ أَحَدًا لَمْ يُنَبِّئِ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ كَمَا أَنْبَأَ عَنْهُ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَارْضَ بِهِ رَائِدًا (1) ، وَإِلَى النَّجَاةِ قَائِدًا . (2)

عنه عليه السلام_ من كتابه إلى الأشر حين ولّاه مصرَ _ :الواجبُ عَلَيْكَ أَنْ تَتَذَكَّرَ مَا مَضَى لِمَنْ تَقَدَّمَكَ مِنْ حُكُومَةٍ عَادِلَةٍ ، أَوْ سُنَّةٍ فَاضِلَةٍ ، أَوْ أَثَرٍ عَنِ بَيْنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، أَوْ فَرِيضَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ، فَتَفْتَدِيَ بِمَا شَاهَدْتَ مِمَّا عَمَلْنَا بِهِ فِيهَا ، وَتَجْتَهِدَ لِنَفْسِكَ فِي اتِّبَاعِ مَا عَاهَدْتُ إِلَيْكَ فِي عَهْدِي هَذَا ، وَاسْتَوْتَقْتُ بِهِ مِنَ الْحُجَّةِ لِنَفْسِي عَلَيْكَ ، لِكَيْلَا تَكُونَ لَكَ عِلَّةٌ عِنْدَ تَسْرُعِ نَفْسِكَ إِلَى هَوَاهَا . (3)

عنه عليه السلام_ في لزوم التأسّي بالنبيّ صلى الله عليه وآله _ :فَقَرَنَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِهِ ، وَمَعْصِيَتَهُ بِمَعْصِيَتِهِ . . . فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي التَّحْرِيزِ عَلَى اتِّبَاعِهِ ، وَالتَّرْغِيبِ فِي تَصَدِيقِهِ ، وَالْقَبُولِ لِدَعْوَتِهِ : «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (4) ، فَاتَّبَاعُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَحَبَّةُ اللَّهِ ، وَرِضَاهُ غُفْرَانُ الذُّنُوبِ ، وَكَمَالُ فَوْزٍ ، وَوُجُوبُ الْجَنَّةِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :اللَّهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ حَتَّى أَعْبِيَ وَحَيْكَ ، وَأَتَّبِعَ كِتَابَكَ ، وَأَصْدُقَ رُسُلَكَ ، وَأُؤْمِنَ بِوَعْدِكَ ، وَأُوفِيَ بِعَهْدِكَ ، وَأَتَّبِعَ أَمْرَكَ ، وَأَجْتَنِبَ نَهْيَكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ ، وَلَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ ، وَلَا تَحْرِمْنِي عَفْوِكَ ، وَاجْعَلْنِي أَوْلِيَّ أَوْلِيَاءِكَ ، وَأَعَادِي أَعْدَاءِكَ ، وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ ، وَالْخُشُوعَ وَالْوَقَارَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ ، وَالتَّصَدِيقَ كِتَابِكَ ، وَاتَّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (6)

- 1- .. الرائد _ في الأصل _ : الذي يتقدم القوم يُبصر لهم الكلاً ومساقط الغيث (النهاية : ج 2 ص 275 «رود»).
- 2- .. نهج البلاغة : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 72 ، كشف المحجّة : ص 225 عن عمر بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 220 ح 2 .
- 3- .. نهج البلاغة: الكتاب 53 ، تحف العقول : ص 148 نحوه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 612 ح 744 .
- 4- .. آل عمران : 31 .
- 5- .. الكافي: ج 8 ص 26 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام .
- 6- .. فلاح السائل: ص 426 ح 291 عن معاوية بن عمّار ، مصباح المتهجّد : ص 104 ح 172 عن معاوية بن عمّار من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج 2 ص 146 نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 109 ح 9 .

امام علی علیه السلام در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام _ بدان _ ای فرزندم _ که هیچ کس به مانند پیامبر صلی الله علیه و آله ، از خداوند سبحان ، خبر نداده است . پس او را به عنوان پیشرو ، و راهبر به سوی نجات ، پذیر .

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر ، آن گاه که او را به حکومت مصر گماشت _ بر توست که راه و رسم پیشینیان را _ خواه حکومتی دادگستر باشد ، یا سنتی ارزشمند ، یا آثار پیامبر مان صلی الله علیه و آله ، یا حکمی که در کتاب خداست _ ، همواره به یاد آوری ، و به عملکردهای ما _ که شاهد بوده ای _ اقتدا کنی ، و در پیروی از توصیه هایی که در این سفارش نامه به تو کرده ام و با آن ، حجت را بر تو تمام کرده ام ، بکوشی تا هنگامی که نفس تو خواست در پی هوسش بشتابد ، بهانه ای نداشته باشی .

امام علی علیه السلام در باره لزوم تأسی جستن به پیامبر صلی الله علیه و آله _ : [خداوند ،] اطاعت از او را همدوش اطاعت از خودش قرار داد و نافرمانی از او را قرین نافرمانی خویش ساخت... و در تشویق به پیروی از او ، و ترغیب به تصدیقش ، و پذیرش دعوتش فرمود : «بگو : اگر خدا را دوست می دارید ، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد» . پس پیروی از او صلی الله علیه و آله [مساوی با] دوست داشتن خداست ، و خشنودی او ، [موجب] آمرزش گناهان و کمال رستگاری و واجب گشتن بهشت است .

امام صادق علیه السلام : پروردگارا! گوش های دلم را برای یاد خودت باز کن تا وحی تو را درک کنم ، و از کتابت پیروی کنم ، و پیامبران را تصدیق نمایم ، و به وعده ات ایمان آورم ، و به پیمانت وفا کنم ، و فرمانت را به کار بندم ، و از آنچه نهی کرده ای ، دوری گیرم . بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست ، و از من رخ بر متاب ، و احسانت را از من باز مدار ، و از عفو محروم مکن ، و مرا چنان گردان که دوستانت را دوست ، و دشمنانت را دشمن بدارم ، و ترس از تو و اشتیاق به تو و فروتنی و وقار و تسلیم در برابر فرمانت ، و تصدیق کردن کتابت ، و پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را روزی ام فرما .

1 / 4 أئمة الحقا الكتاب «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» . (1)

الحديث للإمام علي عليه السلام: داعٍ دعا، وراعٍ رعى، فاستجيبوا للداعي واتبعوا الراعي . (2)

عنه عليه السلام: الحقُّ أحقُّ أن يُتَّبَعَ . (3)

عنه عليه السلام: النَّاسُ أَتْبَاعُ مَنْ اتَّبَعُوهُ مِنْ أئِمَّةِ الْحَقِّ وَأئِمَّةِ الْبَاطِلِ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا» (4) ، فَمَنْ اتَّعَمَّ بِالصَّادِقِينَ حُسْرًا مَعَهُمْ ، وَمَنْ اتَّعَمَّ بِالْمُنَافِقِينَ حُسْرًا مَعَهُمْ ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يُحْشَرُ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ ، قَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي» (5) . (6)

. 5 / 1

1- .. يونس: 35.

2- .. نهج البلاغة: الخطبة 154 ، غرر الحكم: ح 5123 ، بحار الأنوار: ج 29 ص 600 ح 20 .

3- .. غرر الحكم: ج 1 ص 319 ح 1215 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 29 ح 422 .

4- .. الإسراء: 71 .

5- .. إبراهيم: 36 .

6- .. بحار الأنوار: ج 69 ص 81 ح 29 نقلاً عن تفسير النعماني .

1 / 4 پیشوایان حق

1 / 4 پیشوایان حققرآن «بگو: آیا از شریکان شما، کسی هست که به سوی حق رهبری کند؟ بگو: خداست که به سوی حق رهبری می کند. پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می کند، سزاوارتر است که پیروی گردد، یا کسی که راه نمی یابد مگر آن که هدایت شود؟ شما را چه شده است؟ چگونه داوری می کنید؟» .

حدیث امام علی علیه السلام: دعوتگری، دعوت کرد و سرپرستی، زمام کارها را به دست گرفت. آن دعوتگر را اجابت کنید و از آن سرپرست، پیروی نمایید. (1)

امام علی علیه السلام: حق، به پیروی شدن، سزاوارتر است .

امام علی علیه السلام: مردم [در قیامت] دنباله روی آن پیشوای حق یا پیشوای باطلی هستند که [در دنیا] پیرو او بوده اند. خداوند عز و جل می فرماید: «روزی را [یاد کن] که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم . پس کسانی که کارنامه شان را به دست راستشان بدهند ، آنان کارنامه خود را می خوانند و به قدر نَخَلْکِ هسته خرمایی به آنها ستم نمی شود» . بنا بر این ، هر کس راست دینان را به پیشوایی بگیرد ، با آنان محشور می شود ، و هر کس منافقان را به پیشوایی برگزیند ، با آنان محشور می گردد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «انسان با همان کسی محشور می شود که دوستش می دارد» . ابراهیم علیه السلام فرمود : «پس هر که از من پیروی کند ، او از من است» .

1- مقصود از دعوتگر ، پیامبر خداست و مراد از سرپرست ، خود امام علی علیه السلام . (م)

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! اتَّبِعُوا هُدَى اللَّهِ تَهْتَدُوا وَتُرْشَدُوا، وَهُوَ هُدَايَ، وَهُدَايَ هُدَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَاهُ فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي فَقَدْ اتَّبَعَ هُدَايَ، وَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَقَدْ اتَّبَعَ هُدَى اللَّهِ، وَمَنْ اتَّبَعَ هُدَى اللَّهِ «فَلَا يَضِلُّ وَ لَا يَسْتَقِي» (1). (2)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِخَلْقِهِ، فَفَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَمَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَمَلْبَسِي كَضَعْفَاءِ النَّاسِ؛ كَي يَتَّعِدِي الْفَقِيرُ بِفَقْرِي، وَلَا يُطْغِي الْغَنِيُّ غِنَاهُ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ: أَيْنَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؟ فَيَقُومُ دَاوُدُ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَأْتِي النَّدَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: لَسْنَا بِإِيَّاكَ أَرْدْنَا وَإِنْ كُنْتَ لِلَّهِ خَلِيفَةً. ثُمَّ يُنَادِي ثَانِيَةً: أَيْنَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؟ فَيَقُومُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَأْتِي النَّدَاءَ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ! هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ. (4)

1- .. طه : 123.

2- .. تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 320 ح 19 عن عيسى بن داود النجّار عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 24 ص 149 ح 30.

3- .. الكافي: ج 1 ص 410 ح 1 عن حميد وجابر العبدي، بحار الأنوار: ج 40 ص 336 ح 17.

4- .. الأمالي للمفيد: ص 285 ح 3، الأمالي للطوسي: ص 99 ح 153، بشارة المصطفى: ص 2، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 83 ح 69 كلّها عن أبان بن عثمان، بحار الأنوار: ج 40 ص 3 ح 4.

1 / 5 امیر مؤمنان علیه السلام

1 / 5 امیر مؤمنان علیه السلام پیرای خدا صلی الله علیه و آله: هان، ای مردم! از هدایت خدا پیروی کنید تا ره یافته شوید و به راه راست بروید و [بدانید که] هدایت او، هدایت من است و هدایت من، هدایت علی بن ابی طالب است. پس هر کس در زمان حیات من و پس از مرگم از هدایت او پیروی کند، در واقع، از هدایت من پیروی کرده است، و هر کس از هدایت من پیروی کند، هر آینه از هدایت خدا پیروی کرده است، و هر کس از هدایت خدا پیروی کند، «نه گم راه می شود و نه تیره بخت می گردد».

امام علی علیه السلام: خداوند، مرا پیشوای خَلْقش قرار داده است. از این رو، بر من واجب نموده که در باره خودم و خورد و خوراک و پوشاکم، همانند مردمان محروم باشم تا نادار، به ناداری من تأسی کند و توانگری توانگر، او را به طغیان نکشاند.

امام صادق علیه السلام: چون روز قیامت بشود، ندا دهنده ای از میان عرش، بانگ می زند: «خلیفه خدا در زمین او کجاست؟». داوود پیامبر علیه السلام بر می خیزد. از جانب خداوند عز و جل ندا می آید که: «مراد ما تو نبودی، هر چند تو نیز خلیفه خدا بودی». سپس برای بار دوم، بانگ می زند: «خلیفه خدا در زمین او کجاست؟». در این هنگام، امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام، بر می خیزد. پس، از جانب خداوند عز و جل ندا می آید که: «ای گروه خلائق! این علی بن ابی طالب، خلیفه خدا در زمین او و حجت او بر بندگان اوست».

تفسير فرات عن سفيان: قال لي أبو عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام: يا سفيان، لا تدهب بك المذاهب، عليك بالقصد وعليك أن تتبع الهدى. قلت: يابن رسول الله، وما أتباع الهدى؟ قال: كتاب الله، ولزوم هذا الرجل، يا سفيان أنت لا تدري من هو؟ قلت: لا والله، ما أدري من هو! قال: فقال لي: والله لكتابك أثرت الدنيا على الآخرة، ومن أثر الدنيا على الآخرة حسره الله يوم القيامة أعمى. قال: قلت: يابن رسول الله، أخبرني من هذا الرجل؟ لعل الله ينفعني به. قال: هو والله أمير المؤمنين علي عليه السلام، من اتبعه فقد أعطي ما لم يُعط أحدًا (1)، ومن لم يتبعه فقد خسرنا مئينا، هو والله جدنا علي بن أبي طالب عليه السلام. يا سفيان، إن أردت العروة الوثقى فعليك بعلي فإنه والله ينجيك. يا سفيان، لا تتبع هواك فتضل عن سواء السبيل. (2)

1 / 6 أهل البيت عليهم السلام صحيح مسلم عن زيد بن أرقم: قام رسول الله صلى الله عليه وآله يوماً فينا خطيباً بماءٍ يُدعى خُمًا؛ بين مكة والمدية، فحمد الله وأثنى عليه ووعظ وذكر، ثم قال: أما بعد، ألا أيها الناس! فإنما أنا بشرٌ يوشك أن يأتي رسول ربي فأجيب. وأنا تارك فيكم ثقلين (3): أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور، فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به. فحث على كتاب الله ورغب فيه، ثم قال: وأهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي. (4)

1- .. في المصدر: «مالم يُعط أحدًا»، والتصويب من بحار الأنوار.

2- .. تفسير فرات: ص 115 ح 117، بحار الأنوار: ج 47 ص 363 ح 77.

3- .. قال ابن الأثير: سمّاهما «ثقلين» لأن الأخذ بهما والعمل بهما ثقيل، ويقال لكلٍ خطير نفيس: ثقل، فسمّاهما ثقلين إعظاماً لقدرهما وتفخيماً لشأنهما (النهاية: ج 1 ص 216 «ثقل»).

4- .. صحيح مسلم: ج 4 ص 1873 ح 36، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 75 ح 19285، المعجم الكبير: ج 5 ص 182 ح 5026، كنز العمال: ج 13 ص 641 ح 37620 نقلاً عن ابن جرير وكلها نحوه؛ العمدة: ص 69 ح 84، شرح الأخبار: ج 2 ص 481 ح 843 نحوه، المناقب للكوفي: ج 2 ص 116 ح 606.

1 / 6 اهل بیت علیهم السلام

تفسیر فرات_ به نقل از سفیان_ : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «ای سفیان! مراقب باش که مذاهب [و عقاید گوناگون] ، تو را به این سو و آن سو نبرند . راه راست را در پیش بگیر و از هدایت ، پیروی کن» . گفتم : ای فرزند پیامبر خدا! پیروی از هدایت ، [به] چیست؟ فرمود : « [به پیروی از] کتاب خدا و ملازمت با این مرد . ای سفیان! آیا نمی دانی که این مرد ، کیست؟» . گفتم : نه ، به خدا ، نمی دانم او کیست! به من فرمود : «به خدا سوگند که تو دنیا را بر آخرت برگزیدی ، و هر کس دنیا را بر آخرت برگزیند ، خداوند در روز قیامت ، او را نابینا محسور می کند» . گفتم : ای فرزند پیامبر خدا! مرا از نام این مرد ، آگاه فرما . باشد که خداوند به واسطه او مرا سود برساند! فرمود : «به خدا سوگند ، او امیر مؤمنان علی علیه السلام است . هر کس از او پیروی کرد ، به او چیزی عطا شد که به هیچ کس داده نشد ، و هر کس از او پیروی نکرد ، زیان فراوان نمود . به خدا سوگند که آن مرد ، جدّ ما ، علی بن ابی طالب علیه السلام است . ای سفیان! اگر دستگیره استوار می خواهی ، به علی چنگ بزن ، که _ به خدا سوگند _ او تو را نجات می بخشد . ای سفیان! از دلخواه خود ، پیروی مکن که از راه راست ، منحرف می شوی» .

1 / 6 اهل بیت علیهم السلام_ به نقل از زید بن ارقم_ : روزی ، پیامبر خدا در آبگاهی به نام «حُم» در راه میان مکه و مدینه ، برای ما به خطبه ایستاد و خداوند را حمد و ثنا گفت و پند و اندرز داد و آن گاه فرمود : «و اینک _ ای مردم _ بدانید که من هم يك بشرم و زودا که پیک [مرگ ، از سوی] پروردگارم بیاید و دعوتش را اجابت کنم . من در میان شما دو چیز گران بها (1) بر جای می گذارم : نخستین آن دو ، کتاب خداست که در آن ، هدایت و نور است . پس کتاب خدا را بگیرید و بدان چنگ زنید» . پیامبر صلی الله علیه و آله به کتاب خدا ترغیب و تشویق نمود و سپس فرمود : «و [دوم ،] اهل بیت من . خدا را در باره اهل بیتم به شما یادآوری می کنم . خدا را در باره اهل بیتم به شما یادآوری می کنم» .

1- ابن اثیر در باره نامیده شدن کتاب خدا و عترت به «ثقلین» ، گفته است : دلیلش این است که گرفتن آن دو و عمل به آنها سنگین است و به هر چیز خطیر و ارزشمند ، «ثقل» گفته می شود . پس پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو را برای بزرگداشت منزلت آنها و سترگ و عالی داشتن جایگاهشان ، ثقلین نامیده است (النهاية : ج 1 ص 216) .

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَمَاتِي، وَيَسْكُنَ جَنَّةً عَدْنٍ غَرَسَهَا (1) رَبِّي، فَلْيُؤَالِ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي، وَلْيُؤَالِ وَلِيَّيَّ، وَلْيَقْتَدِ بِالْأَيْمَّةِ مِنْ بَعْدِي؛ فَإِنَّهُمْ عِتْرَتِي، خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي، رُزِقُوا فَهْمًا وَعِلْمًا، وَوَيْلٌ لِلْمُكَاذِبِينَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِي، الْقَاطِعِينَ (2) فِيهِمْ صِلَتِي، لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي. (3)

عنه صلى الله عليه وآله في بيان منزلة الأئمة عليهم السلام: هُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي، مَنْ تَبِعَهُمْ نَجَا مِنَ النَّارِ، وَمَنْ اقْتَدَى بِهِمْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، لَمْ يَهَبِ اللَّهُ عِزَّ وَجَلْمَحَبَّتَهُمْ لِعَبْدٍ إِلَّا أَدَخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. (4)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ اتَّبَعَ أَمْرًا سَبَقَ. (5)

- 1- .. في كنز العمال: «التي غرسها».
- 2- .. في المصدر: «للقاطعين»، والتصويب من تاريخ دمشق وكنز العمال.
- 3- .. حلية الأولياء: ج 1 ص 86، تاريخ دمشق: ج 42 ص 240 ح 8751 كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج 12 ص 103 ح 34198؛ الأمالي للطوسي: ص 578 ح 1195 عن أبي ذر، بشارة المصطفى: ص 152، الأمالي للشجري: ج 1 ص 136 كلاهما عن ابن عباس والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 139 ح 85.
- 4- .. الأمالي للصدوق: ص 74 ح 42 عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار: ج 38 ص 92 ح 6 وراجع: شواهد التنزيل: ج 1 ص 76 ح 89.
- 5- .. غرر الحكم: ج 5 ص 184 ح 7893، عيون الحكم والمواعظ: ص 424 ح 7164.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خوش دارد چون من زندگی کند و چون من بمیرد و در باغ بهشتی که پروردگارم [درختان] آن را کاشته است، سکنا گزیند، باید پس از من، ولایت علی را بپذیرد، و دوست او را دوست بدارد، و به امامان پس از من اقتدا کند؛ زیرا آنان، خانواده من اند، از سرشت من آفریده شده اند، و از فهم و دانش برخوردارند. وای بر آن عده از امتم که فضیلت آنان را انکار کنند، و حرمت خویشاوندی من با آنان را پاس ندارند! خداوند، شفاعت مرا شامل حال آنها نکند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در بیان منزلت ائمه علیهم السلام_: آنان، دروازه های دانش در میان امت من اند. هر کس از آنان پیروی کند، از آتش نجات می یابد، و هر کس به آنان اقتدا کند، به راه راست هدایت می شود. خداوند عز و جل محبت آنان را به هیچ بنده ای ارزانی نداشته است، مگر آن که او را به بهشت وارد می کند.

امام علی علیه السلام: هر کس از فرمان ما پیروی کند، پیشی می گیرد.

عنه عليه السلام: أَنْظَرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالزَّمُوا سَمْتَهُمْ (1)، وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوَكُمْ مِنْ هُدًى، وَلَنْ يُعِيدُوَكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا (2) فَالْبُدُوا، وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا، وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا، وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا. (3)

عنه عليه السلام: أَلَا وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا، وَبِحُكْمِ اللَّهِ حَكَمْنَا، وَبِقَوْلِ صَادِقٍ أَخَذْنَا، فَإِنْ تَتَّبِعُوا آثَارَنَا تَهْتَدُوا بِبَصَائِرِنَا، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا يُهْلِكْكُمْ اللَّهُ بِأَيْدِينَا، مَعَنَا رَايَةُ الْحَقِّ، مَنْ تَبِعَهَا لَحِقَّ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا غَرِقَ. (4)

عنه عليه السلام: إِعْلَمُوا أَنْكُمْ إِنْ اتَّبَعْتُمْ طَالِحَ الْمَشْرِقِ (5) سَلَكَ بِكُمْ مَنَاهَجَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الْعَمَى وَالصَّمَمِ وَالْبَكَمِ، وَكُفَيْتُمْ مَوْوَنَةَ الطَّلَبِ وَالتَّعَسُّفِ (6)، وَبَدَتْكُمْ التَّقْلُ الْفَادِحَ عَنِ الْأَعْنَاقِ. (7)

الإمام الحسين عليه السلام: لَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ. (8)

1- .. السَّمْتُ: الطريق. يقال: الزَّمْتُ هذا السَّمْت (النهاية: ج 2 ص 397 «سمت»).

2- .. لَبَدَ بِالْأَرْضِ وَأَلْبَدَ بِهَا: إِذَا لَزِمَهَا وَأَقَامَ (النهاية: ج 4 ص 225 «لبد»).

3- .. نهج البلاغة: الخطبة 97، بحار الأنوار: ج 34 ص 82 ح 938.

4- .. الإرشاد: ج 1 ص 240 عن أبي عبيدة معمر بن المثنى وغيره، نثر الدر: ج 1 ص 272، شرح الأخبار: ج 3 ص 562 ح 1231 كلاهما عن أبي عبيدة عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 32 ص 10 ح 3؛ البيان والتبيين: ج 2 ص 52 عن أبي عبيدة عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام.

5- .. طَالِحُ الْمَشْرِقِ: يَحْتَمَلُ أَنْ يَرَادَ بِالطَالِعِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. لَا يَقَالُ: طَلُوعُهُ مِنْ مَكَّةَ وَهِيَ وَسَطُ الْأَرْضِ؛ لِأَنَّ تَقْوِيلَ: اجْتِمَاعِ الْعَسَاكِرِ الْكَثِيرَةِ عَلَيْهِ وَتَوَجُّهُهُ إِلَى فَتْحِ الْبِلَادِ إِنَّمَا يَكُونُ مِنَ الْكُوفَةِ، وَهِيَ شَرْقِيَّةُ الْحَرَمَيْنِ وَكَثِيرٌ مِنْ بِلَادِ الْإِسْلَامِ. وَيَحْتَمَلُ أَنْ يَرَادَ بِهِ عَلِيُّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ لِأَنَّ مَحَلَّهُ بِالْكُوفَةِ وَهِيَ شَرْقِيَّةُ الْحَرَمَيْنِ (مجمع البحرين: ج 2 ص 1110 «طلع»).

6- .. الْعَسْفُ: السَّيْرُ بِغَيْرِ هِدَايَةٍ، وَالْأَخْذُ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ، وَكَذَلِكَ التَّعَسُّفُ (لسان العرب: ج 9 ص 245 «عسف»).

7- .. الكافي: ج 8 ص 66 ح 22، الإرشاد: ج 1 ص 291 كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، نهج البلاغة: الخطبة 166 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 51 ص 111 ح 6.

8- .. تاريخ الطبري: ج 5 ص 403 عن عقبة بن أبي العيزار، الكامل في التاريخ: ج 2 ص 553، الفتوح: ج 5 ص 82؛ بحار الأنوار: ج 44 ص 382.

امام علی علیه السلام: به اهل بیت پیامبران بنگرید، و راه آنان را بپوید، و از پی آنان حرکت کنید؛ زیرا آنان شما را هرگز از راه راست به در نمی برند، و هرگز شما را به تباهی نمی کشانند. هر گاه آنان باز ایستادند، شما نیز باز ایستید، و هر گاه آنان برخاستند، شما نیز برخیزید. از آنان پیشی نگیرید که گم راه می شوید، و از آنان عقب نمانید که نابود می گردید.

امام علی علیه السلام: هان! ما خاندانی هستیم که دانش ما، [برگرفته] از دانش خداست، و به حکم خدا حکم می کنیم، و سخن راستگویی را پذیرفته ایم. پس اگر در پی ما حرکت کنید، با روشنگری های ما هدایت می شوید، و اگر چنین نکنید، خداوند شما را با دستان ما به هلاکت می افکند. پرچم حق، در دست ماست؛ هر کس به دنبال آن حرکت کند، به مقصد می رسد و هر که از آن عقب بماند، غرق می شود.

امام علی علیه السلام: بدانید که اگر از طلوع کننده مشرق (1) پیروی کنید، او شما را به شاه راه های پیامبر صلی الله علیه و آله می برد. پس، از کوری و کری و گنگی شفا می یابید، و رنج طلب و کجروی، از شما برداشته می شود، و بار گران را از شانه ها [یتان] به دور می افکنید.

امام حسین علیه السلام: در من، برای شما سرمشق است.

1- احتمال دارد که مراد از طلوع کننده مشرق، امام مهدی علیه السلام باشد. البته اشکال نشود که ظهور او در مکه (به عنوان وسط کره زمین) است؛ چرا که مکان گرد آمدن سپاه بزرگ او و نقطه آغازین روی آوردنشان به مناطق مختلف برای فتح آنها، کوفه است که در شرق حرمین شریفین و بسیاری از ممالک اسلامی واقع است. احتمال هم دارد که مراد، امیر مؤمنان علیه السلام باشد؛ چرا که اقامتش در کوفه - که در شرق حرمین شریف قرار دارد - بوده است (ر. ک: مجمع البحرین: ج 2 ص 1110).

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ . . . هُمُ الْأَيْمَةُ الدُّعَاءُ، وَالْقَادَةُ الْهُدَاةُ، وَالْقَضَاءُ الْحُكَّامُ، وَالنُّجُومُ الْأَعْلَامُ، وَالْأَسْوَةُ الْمُتَحَيَّرَةُ، وَالْعِتْرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، وَالْأُمَّةُ الْوُسطَى، وَالصَّرَاطُ الْأَعْلَمُ (1)، وَالسَّبِيلُ الْأَقْوَمُ، زِينَةُ النَّجْبَاءِ، وَوَرْدَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَهُمْ الرَّحِمُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْكَهْفُ الْحَصِينُ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَنُورُ أَبْصَارِ الْمُهْتَدِينَ، وَعِصْمَةٌ لِمَنْ لَجَأَ إِلَيْهِمْ، وَأَمْنٌ لِمَنْ اسْتَجَارَ بِهِمْ، وَنَجَاةٌ لِمَنْ تَبِعَهُمْ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَسْوَةٌ أَنْتَ قَدِمَا. فَقَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا حَالِي؟ قَالَ: عَلِمْتُ مَا جَهِلُوا وَسَ يَنْتَفِعُ عَالِمٌ بِمَا عَلِمَ، يَا بُنَيَّ اسْمِعْ وَأَبْصِرْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيكَ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيْسَفِكََنَّ بَنُو أُمَيَّةَ دَمَكَ ثُمَّ لَا يُزِيلُونَكَ عَنْ دِينِكَ، وَلَا يُنْسُونَكَ ذِكْرَ رَبِّكَ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! حَسْبِي، أَقْرَرْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ، وَأَصَدَّقُ قَوْلَ نَبِيِّ اللَّهِ، وَلَا أَكْذِبُ قَوْلَ أَبِي. (3)

الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام في قوله تعالى: «الَّذِينَ تَرَى إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا» (4) _ نِعْمَةٌ اللَّهُ: رَسُولُهُ؛ إِذْ يُخْبِرُ أُمَّتَهُ بِمَنْ يُرِيدُهُمْ مِنَ الْأَيْمَةِ، فَأَحْلَوْهُمْ دَارَ الْبَوَارِ (5)، ذَلِكَ مَعْنَى قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَا تَرْجِعَنَّ بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ». بُنِيَ الدِّينُ عَلَى اتِّبَاعِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (6)، وَاتِّبَاعِ الْكِتَابِ «وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ» (7)، وَاتِّبَاعِ الْأَيْمَةِ مِنْ أَوْلَادِهِ «وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ» (8). فَاتَّبَاعُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُوْرِثُ الْمَحَبَّةَ «يُحِبِّبُكُمْ اللَّهُ» (9)، وَاتِّبَاعُ الْكِتَابِ يُوْرِثُ السَّعَادَةَ «فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى» (10)، وَاتِّبَاعُ الْأَيْمَةِ يُوْرِثُ الْجَنَّةَ. (11)

1- .. في نسخة: «والصَّرَاطُ الْأَعْظَمُ» (هامش بحار الأنوار).

2- .. تفسير فرات: ص 337 ح 460، بحار الأنوار: ج 26 ص 255 ح 30.

3- .. كامل الزيارات: ص 150 ح 178 عن جابر، بحار الأنوار: ج 44 ص 262 ح 17.

4- .. إبراهيم: 28.

5- .. إشارة إلى تَمَّةِ الْآيَةِ الْمَذْكُورَةِ: «وَ أَحْلَوْ قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ».

6- .. آل عمران: 31.

7- .. الأعراف: 157.

8- .. التوبة: 100.

9- .. آل عمران: 31.

10- .. طه: 123.

11- .. المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 284، بحار الأنوار: ج 24 ص 51 ح 4.

امام باقر علیه السلام: همانا اهل بیت پیامبر شما... پیشوایان دعوتگر، و رهبران هدایتگر، و قاضیان حکم کننده [به حق]، و ستارگان راه نما، و الگوی برگزیده، و عترت پاک، و امت میانه، و روشن ترین راه، و راست ترین مسیر، و زیور برگزیدگان، و وارثان پیامبران اند. آنان اند آن ارحامی که به صله آنها فرمان داده شده است، و آن دژ استوار مؤمنان، و روشنایی دیدگان ره یافتگان، و پناه کسی که به آنان پناه می برد، و امان بخش کسی که در حمایت آنان در می آید، و مایه نجات کسی که از آنان پیروی می کند.

امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام به حسین علیه السلام فرمود: «ای ابا عبد الله! تو از دیرباز، الگو بوده ای». حسین علیه السلام گفت: فدایت شوم! حال [و سرنوشت] من، چگونه است؟ فرمود: «تو آنچه را که مردم نمی دانند، می دانی و هر دانایی، از آنچه می داند، بهره مند خواهد شد. فرزندم! بشنو و ببین، پیش از آن که [سرنوشت] تو را فرارسد. سوگند به آن که جانم در دست اوست، فرزندان امیه، خون تو را خواهند ریخت؛ اما نخواهند توانست تو را از دینت بر کنار دارند، و نه یاد پروردگارت را از جان تو بزدایند». حسین علیه السلام گفت: سوگند به آن که جانم در دست اوست، مرا کافی است. به آنچه خداوند فرو فرستاد، اقرار دارم، و سخن پیامبر خدا را باور دارم، و گفته پدرم را دروغ نمی شمارم.

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «آیا به کسانی که نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند، ننگریستی» _ «نعمت خدا»، همان پیامبر اوست که امتش را از وجود پیشوایانی که راه نمایی شان می کنند، آگاه ساخت. و «آنان را به سرای هلاکت در آوردند»، همان مضمون سخن پیامبر صلی الله علیه و آله است که: «زنهار! پس از من، به کفر باز مگردید و گردن یکدیگر را مزینید». دین بر [پایه] پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله نهاده شده است: «بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید»، و بر [پایه] پیروی از کتاب: «و از نوری که با او فرو فرستاده شد، پیروی کردند»، و بر [پایه] پیروی از امامان از فرزندان او: «و کسانی که با نیکوکاری، از آنان پیروی کردند». پس پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله، محبت می آورد: «تا خدا شما را دوست بدارد»، و پیروی از کتاب، خوش بختی را به دنبال دارد: «پس هر که از هدایت من پیروی کند، نه گم راه می شود و نه تیره بخت می گردد»، و پیروی از امامان، بهشت را در پی دارد.

الإمام الصادق عليه السلام_ في رسالته إلى جماعة الشيعة _ : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ فَلْيَعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَلْيَتَّبِعْنَا ، أَلَمْ يَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : « قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ » ؟ وَاللَّهِ ، لَا يُطِيعُ اللَّهَ عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَدْخَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي طَاعَتِهِ اتِّبَاعَنَا ، وَلَا وَاللَّهِ ، لَا يَتَّبِعُنَا عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَحَبَّهُ اللَّهُ ، وَلَا وَاللَّهِ ، لَا يَدْعُ أَحَدٌ اتِّبَاعَنَا أَبَدًا إِلَّا أَبْغَضَنَا ، وَلَا وَاللَّهِ ، لَا يُبْغِضُنَا أَحَدٌ أَبَدًا إِلَّا عَصَى اللَّهَ ، وَمَنْ مَاتَ عَاصِيًا لِلَّهِ أَخْزَاهُ اللَّهُ وَأَكْبَهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (1)

تفسير العياشي عن محمد الحلبي : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اتَّقَى اللَّهَ مِنْكُمْ وَأَصْلَحَ فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ . قَالَ : مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ؟! قَالَ : مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ، قَالَ فِيهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : « فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي » . (2) قَالَ عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ : قُلْتُ لَهُ : مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ؟ قَالَ : إِي وَاللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ، إِي وَاللَّهِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ، أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ يَقُولُ : « إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ » (3) ، وَقَوْلَ إِبْرَاهِيمَ : « فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي » ؟ (4)

1- .. الكافي: ج 8 ص 14 ح 1 وص 408 كلاهما عن إسماعيل بن مخلد السراج ، بحار الأنوار : ج 78 ص 224 ح 93 .

2- .. إبراهيم: 36.

3- .. آل عمران: 68.

4- .. تفسير العياشي: ج 2 ص 231 ح 33 ، شرح الأخبار : ج 3 ص 447 ح 1378 نحوه .

امام صادق علیه السلام_ در نامه ایشان به گروه شیعه _ : هر کس خوش دارد که بداند خداوند عز و جل او را دوست می دارد ، باید فرمان خدا را به کار ببندد و از ما پیروی کند . آیا این سخن خداوند عز و جل به پیامبرش صلی الله علیه و آله را نشنیده است که : «بگو : اگر خدا را دوست می دارید ، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامرزد» ؟ به خدا سوگند ، هرگز هیچ بنده ای اطاعت خدا نمی کند ، مگر آن که خداوند ، پیروی از ما را در ضمن طاعت خویش در آورده است . به خدا سوگند ، هرگز هیچ بنده ای از ما پیروی نمی کند ، مگر آن که خداوند ، او را دوست می دارد . به خدا سوگند ، هرگز هیچ کسی پیروی از ما را فرو نمی گذارد ، مگر آن که ما را دشمن داشته است . به خدا سوگند ، هرگز هیچ کسی ما را دشمن نمی دارد ، مگر آن که خدا را نافرمانی کرده است ، و هر کس با نافرمانی از خدا بمیرد ، خداوند عز و جل او را خوار و رسوا می سازد و در آتش ، سرنگونش می کند . سپاس ، ویژه خداوند است که پروردگار جهانیان است .

تفسیر العیاشی_ به نقل از محمد حلبی _ : امام صادق علیه السلام فرمود : « هر يك از شما که از خدا پروا کند و کار نيك انجام دهد ، از ما اهل بیت است» . [کسی] گفت : از شما اهل بیت؟! فرمود : «از ما اهل بیت! در این باره ابراهیم علیه السلام فرموده است : «پس هر که از من پیروی کند ، او از من است» . « عمر بن یزید گفت : به ایشان گفتم : از خاندان محمد؟! فرمود : «آری به خدا ، از خاندان محمد! آری به خدا ، از خود آنان! مگر نشنیده ای که خداوند می فرماید : «همانا نزدیک ترین مردم به ابراهیم ، کسانی هستند که از او پیروی کردند» ، و [مگر نشنیده ای این] سخن ابراهیم را که : «پس هر که از من پیروی کند ، او از من است» ؟» .

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَوَلَّى آلَ مُحَمَّدٍ وَقَدَّمَ لَهُمْ عَلَى جَمِيعِ النَّاسِ بِمَا قَدَّمَهُمْ مِنْ قَرَابَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهُوَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؛ لِتَوَلِّيهِ آلَ مُحَمَّدٍ، لَا أَنَّهُ مِنَ الْقَوْمِ بِأَعْيَانِهِمْ، وَإِنَّمَا هُوَ مِنْهُمْ بِتَوَلِّيهِ إِيَّاهُمْ، وَكَذَلِكَ حُكْمُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ: «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» (1)، وَقَوْلُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (2). (3)

عنه عليه السلام: إِنَّمَا أَوْلِيَايَ الَّذِينَ سَلَّمُوا لِأَمْرِنَا، وَاتَّبَعُوا آثَارَنَا، وَاقْتَدَوْا بِنَا فِي كُلِّ أَمْرِنَا. (4)

عنه عليه السلام: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ جَمِيعًا، وَكَانَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامَهُ، فَدَخَلَ رَجُلٌ يَوْمَ عَرَفَةَ عَلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَتَغَدَّى وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَائِمٌ، ثُمَّ جَاءَ بَعْدَمَا قُبِضَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَتَغَدَّى وَأَنْتَ صَائِمٌ، ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْكَ وَأَنْتَ مُفْطِرٌ؟ فَقَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِمَامًا فَافْطِرَ لِي لَأَلَّا يَتَّخَذَ صَوْمُهُ سُنَّةً وَلِيَتَّاسَى بِهِ النَّاسُ، فَلَمَّا أَنْ قُبِضَ كُنْتُ أَنَا الْإِمَامُ فَأَزِدْتُ أَنْ لَا يَتَّخَذَ صَوْمِي سُنَّةً فَيَتَّاسَى النَّاسُ بِي. (5)

1- .. المائدة: 51.

2- .. إبراهيم: 36.

3- .. تفسير العياشي: ج 2 ص 231 ح 34 عن أبي عمرو الزبيري، بحار الأنوار: ج 68 ص 35 ح 73.

4- .. تحف العقول: ص 309 عن محمد بن النعمان الأحول، بحار الأنوار: ج 78 ص 288 ح 2.

5- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 87 ح 1810، علل الشرائع: ص 386 ح 1 كلاهما عن سالم، بحار الأنوار: ج 97 ص 123 ح 3.

امام صادق علیه السلام: هر کس ولایت خاندان محمد را برگزیند و آنان را به واسطه خویشاوندی شان با پیامبر خدا، بر همه مردم مقدم بدارد، او از خاندان محمد است؛ یعنی از جهت پذیرفتن ولایت خاندان محمد، نه این که از تبار و وجود آنها باشد؛ بلکه از جهت حکم خدا در کتاب اوست که: «و هر کس از شما آنان را به دوستی بگیرد، از آنان خواهد بود»، و [از جهت] سخن ابراهیم علیه السلام است که فرمود: «پس هر که از من پیروی کند، او از من است و هر که مرا نافرمانی کند، همانا تو آمرزگار مهربانی».

امام صادق علیه السلام: دوستان من، در حقیقت، کسانی هستند که در برابر فرمان ما (اهل بیت)، گردن نهادند، و از سنت ما پیروی کردند، و در همه کارهای ما به ما اقتدا نمودند.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، فقط علی علیه السلام را وصی قرار داد، و علی علیه السلام، حسن و حسین علیهما السلام، هر دو را وصی قرار داد و حسن علیه السلام، امام او (حسین علیه السلام) بود. در روز عرفه، مردی بر حسن علیه السلام وارد شد و ایشان مشغول خوردن غذا بود و حسین علیه السلام روزه داشت. پس از رحلت حسن علیه السلام، همان مرد در روز عرفه بر حسین علیه السلام وارد شد و ایشان مشغول غذا خوردن بود و علی بن الحسین علیه السلام روزه داشت. مرد [به حسین علیه السلام] گفت: من بر حسن علیه السلام وارد شدم و او غذا می خورد و تو روزه داشتی. حالا بر تو وارد می شوم؛ ولی تو روزه نداری؟! فرمود: «حسن علیه السلام امام بود. از این رو، روزه نگرفت تا روزه او سنت نشود و مردم [در خوردن] به او تاسی کنند، و چون او از دنیا رفت، من امام هستم. از این رو خواستم که روزه ام سنت نشود و مردم [در خوردن] به من تاسی کنند».

امام رضا علیه السلام: ما برای کسی که از ما پیروی کند، روشنایی هستیم، و برای کسی که به وسیله ما راه بجوید، مایه راه نمایی.

امام مهدی علیه السلام: در دختر پیامبر خدا، برای من، سر مشقی نیکوست.

1 / 7 فرشتگانقرآن «خدا و فرشتگان او، بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! [شما نیز] بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید».

حدیثامام صادق علیه السلام: برای پیامبر خدا خبر آوردند که: سعد بن مُعَاذ، در گذشت. پیامبر خدا و اصحابش برخاستند [و به خانه سعد رفتند]. جنازه سعد برداشته شد. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد او را بر روی لنگه در، غسل دادند و چون او را حنوط و کفن کردند و در تابوتش نهادند و به راه افتادند، پیامبر خدا در پی آن، حرکت کرد و گاه سمت راست تابوت و گاهی سمت چپ آن را می گرفت تا به قبرش رساندند. پیامبر خدا، جنازه سعد را پایین نهاد و او را در گورش گذاشت و اطراف لَحَد را با خشت، محکم کرد و در این هنگام می فرمود: «يَا سَنُكُفُّ عَنْكَ بِرُؤْيَايَ مِنْ بَدَنِي... كَمِي كَلْبٌ بِرُؤْيَايَ مِنْ بَدَنِي» و با آنها فاصله میان خشت ها را [با ظرافت] می گرفت. کار که تمام شد و پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی قبر، خاك ريخت و آن را هموار کرد، فرمود: «من می دانم که او به زودی می پوسد و پوسیدگی به سراغش می آید؛ اما خداوند متعال، بنده ای را دوست دارد که هر گاه کاری انجام می دهد، محکم کاری کند». چون پیامبر صلی الله علیه و آله خاکش را هموار کرد، مادر سعد، از گوشه ای صدا زد: بهشت، گوارایت باد! پیامبر خدا فرمود: «آرام باش، ای اُمّ سعد! از طرف پروردگارت، چنین با قاطعیت سخن مگوی. سعد، همین حالا دچار فشار [قبر] شد». پیامبر صلی الله علیه و آله باز گشت و مردم نیز برگشتند. گفتند: ای پیامبر خدا! ما شاهد بودیم که شما با سعد، چنان عمل کردید که با هیچ کس نکرده اید. بدون عبا و با پای برهنه دنبال جنازه اش حرکت کردید! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فرشتگان، پابرنه و بدون عبا بودند. من هم به آنها تأسی کردم». گفتند: گاه سمت راست تابوت را می گرفتید و زمانی سمت چپ آن را! فرمود: «دستم در دست جبرئیل بود و هر جا را که او می گرفت، من هم می گرفتم». گفتند: دستور فرمودی و او را غسل دادند، و بر جنازه اش نماز خواندی و خودت او را در گور نهادی؛ ولی سپس فرمودی که: سعد، دچار فشار [قبر] شد. فرمود: «آری؛ او با خانواده اش کمی بد اخلاق بود».

1 / 8 العلماء رسول الله صلى الله عليه وآله: اتبعوا العلماء؛ فإنهم سرج الدنيا ومصايح الآخرة. (1)

الإمام علي عليه السلام: إذا علوت فلا تفكر فيمن دونك من الجهال، ولكن اقتد بمن فوقك من العلماء. (2)

1-.. الفردوس: ج 1 ص 71 ح 209 عن أنس، كنز العمال: ج 10 ص 135 ح 28681.

2-.. غرر الحكم: ج 3 ص 158 ح 4092، عيون الحكم والمواعظ: ص 136 ح 3100.

1 / 8 عالمان

1 / 8 عالمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از عالمان (آگاهان) پیروی کنید؛ چرا که آنان چراغ های دنیا و روشنایی های آخرت اند .

امام علی علیه السلام : هر گاه بلندی یافتی ، به نادانان فرو دستت منگر ؛ بلکه عالمان فرا دستت را الگو قرار بده .

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَانِيَالٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَمَقَّتَ عَيْدِي إِلَيَّ الْجَاهِلِ الْمُسْتَخْفِ بِحَقِّ أَهْلِ الْعِلْمِ التَّارِكُ لِلِاقْتِدَاءِ بِهِمْ، وَإِنَّ أَحَبَّ عَيْدِي إِلَيَّ التَّيَّيُّ الطَّالِبُ لِلثَّوَابِ الْجَزِيلِ اللَّازِمِ لِلْعُلَمَاءِ. (1)

عوالي اللآلي: رُوِيَ عَنْ بَعْضِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: النَّاسُ أَرْبَعَةٌ: رَجُلٌ يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَلِكَ عَالِمٌ فَاتَّبِعُوهُ، وَرَجُلٌ يَعْلَمُ وَلَا يَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَلِكَ غَافِلٌ فَأَيِّظُوهُ، وَرَجُلٌ لَا يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَعْلَمُ فَذَلِكَ جَاهِلٌ فَعَلِّمُوهُ، وَرَجُلٌ لَا يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَلِكَ ضَالٌّ فَأَرشِدُوهُ. (2)

1 / 9 أهل الإيمان الكتاب «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ». (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في التَّوْبِ إِلَى طَلَبِ الْعِلْمِ - يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا يَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ أَيْمَةً يُقْتَدَى بِهِمْ، تَرْمَقُ (4) أَعْمَالُهُمْ، وَتُقْتَبَسُ آثَارُهُمْ، وَتَرْغَبُ الْمَلَائِكَةُ فِي حُلَّتِهِمْ، يَمَسِّحُونَهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ. (5)

1- .. الكافي: ج 1 ص 35 ح 5 عن أبي حمزة، منية المرید: ص 111، بحار الأنوار: ج 14 ص 379 ح 23.

2- .. عوالي اللآلي: ج 4 ص 79 ح 74، بحار الأنوار: ج 1 ص 195 ح 15.

3- .. الطور: 21.

4- .. رَمَقْتُهُ ببصري ورامقته: إذا أتبعته بصرك تتعده، وتنظر إليه وترقبه. ورمق ترميقا: أدام النظر (تاج العروس: ج 13 ص 177 «رمق») . والظاهر أن المراد من «ترمق أعمالهم»: أي يُنظر إليها ويكتسب منها، فيجعل الناس أعمالهم على طريقتهم .

5- .. الخصال: ص 522 ح 12 عن الإمام علي عليه السلام، تحف العقول: ص 28 وليس فيه ذيله، الأمالي للصدوق: ص 713 ح 982 عن الأصبغ بن نباتة عن الإمام علي عليه السلام، روضة الواعظين: ص 13 عن الإمام علي عليه السلام، منية المرید: ص 109 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله؛ حلية الأولياء: ج 1 ص 346 عن أنس نحوه، كنز العمال: ج 10 ص 177 ح 28920.

1 / 9 اهل ایمان

امام زین العابدین علیه السلام: خداوند متعال به دانیال علیه السلام وحی فرمود که: «منفورترین بندگانم در نزد من، آن نادانی است که حق [و حرمت] اهل دانش را سبک می شمارد و آنان را سرمشق خویش قرار نمی دهد، و محبوب ترین بندگانم در نزد من، آن پرهیزگاری است که جویای ثواب بسیار است و ملازمت با عالمان را اختیار کرده است».

عوالی اللالی: از یکی از امامان اهل بیت علیهم السلام روایت شده است که: «مردم، چهار دسته اند: مردی که می داند و می داند که می داند. او [به راستی] عالم است. پس پیروی اش کنید. مردی که می داند و نمی داند که می داند. او غافل است. پس بیدارش کنید. مردی که نمی داند و می داند که نمی داند. او نادان است. پس دانایش کنید. و مردی که نمی داند و می پندارد که می داند. او گم راه است. پس ارشادش کنید».

1 / 9 اهل ایمانقرآن «و کسانی که ایمان آورده اند و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده اند، فرزندانشان را به آنها ملحق خواهیم کرد و چیزی را از کارشان نمی کاهیم. هر کسی، در گرو دستاورد خویش است».

حدیثیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در تشویق به دانشجوئی _ : خداوند به سبب آن (دانش)، اقوامی را بلندمرتبه می گرداند و آنان را در خوبی ها پیشوایانی قرار می دهد که سرمشق دیگران می شوند، و کارهایشان مورد توجه دیگران قرار می گیرد، و از رفتارهایشان اقتباس می شود، و فرشتگان به دوستی با آنان علاقه مند می شوند، و در هنگام نمازشان بال های خود را بر سر آنها می کشند.

عنه صلى الله عليه وآله: يَرَفَعُ اللَّهُ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْعِلْمِ بِتَأْوِيلِهِ وَبِمُؤَالَاتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَالتَّبَرِّيِّ مِنْ أَعْدَائِنَا أَقْوَامًا، فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةً؛ تُقْصُّ آثَارُهُمْ، وَتُرْمَقُ أَعْمَالُهُمْ، وَيُقْتَدَى بِفِعَالِهِمْ. (1)

الإمام الكاظم عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ _ :اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحٍ مَنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ ، وَأَلْحِقْنِي بِهِمْ . (2)

1 / 10 أهل الخير الإمام علي عليه السلام_ فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام _ :إِحْتَدِ (3) بِحِذَاءِ الصَّالِحِينَ ، وَاقْتَدِ بِأَدَابِهِمْ ، وَسِرِّ بِسِيرَتِهِمْ . (4)

-
- 1- .. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 16 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 183 ح 18 .
 - 2- .. الكافي: ج 4 ص 73 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 108 ح 266 ، المقنعة : ص 323 ح 14 كلّها عن علي بن رثاب ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 104 ح 1848 ، مصباح المتهدّد : ص 606 ح 694 من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج 1 ص 117 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 342 ح 2 .
 - 3- .. حَدَا الشَّيْءُ يَحْدُوهُ وَاحْتَدَاهُ : تَبِعَهُ (لسان العرب : ج 14 ص 168 «حدا»). ولعلّها بالذال المعجمة ؛ يقال : فلان يحتذي علي مثل فلان ؛ إذا فعل فعله واقتدى به في أمره (انظر : لسان العرب : ج 14 ص 170 «حذا») .
 - 4- .. كنز العمال : ج 16 ص 180 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .

1 / 10 نیکوکاران

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، مردمانی را به واسطه این قرآن و علم به تأویل آن و به سبب دوستی و پیروی [شان] از ما خاندان و بیزاری از دشمنانمان ، بلندی می بخشد و آنها را در خوبی ها پیشوا می گرداند ، به طوری که دیگران از آنها پیروی می کنند و چشم به کارهای آنان می دوزند و از رفتارشان الگو می گیرند .

امام کاظم علیه السلام_ از دعای ایشان در نخستین شب ماه رمضان _ : بار خدایا! مرا دنباله رونیکان از اولیای گذشته ات ، قرار ده ، و به آنان ملحقم گردان .

10 / 1 نیکوکاران امام علی علیه السلام_ در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام _ : از نیکان ، دنباله روی کن ، و به آداب آنان اقتدا کن ، و راه و روش آنان را در پیش بگیر .

عنه عليه السلام_ في وَصَفِ شَيْعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ _ : مِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنْ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ . . . يَقْتَدِي بِمَنْ سَلَفَ مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ قَبْلَهُ ، فَهُوَ قُدْوَةٌ لِمَنْ خَلَفَ مِنْ طَالِبِ الْبِرِّ بَعْدَهُ ، أَوْلِيكَ عَمَّالُ اللَّهِ ، وَمَطَايَا أَمْرِهِ وَطَاعَتِهِ ، وَسُدْرُجُ أَرْضِهِ وَبَرِّيَّتِهِ ، أَوْلِيكَ شَيْعَتُنَا وَأَحِبَّتُنَا ، وَمِنَّا وَمَعَنَا ، آهَا شَوْقًا إِلَيْهِمْ . (1)

عنه عليه السلام_ فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ _ : بَعْدَهُ مِمَّنْ تَبَاعَدَ مِنْهُ بَعْضُ وَنَزَاهَةٌ (2) ، وَدُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لَيْنٌ وَرَحْمَةٌ ، لَيْسَ تَبَاعُدُهُ تَكْبِيرًا وَلَا عَظَمَةً ، وَلَا دُنُوهُ خَدِيعَةً وَلَا خِلَابَةً (3) ، بَلْ يَقْتَدِي بِمَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ ، فَهُوَ إِمَامٌ لِمَنْ بَعْدَهُ مِنْ أَهْلِ الْبِرِّ . (4)

عنه عليه السلام : لِأَنَّ تَكُونَ تَابِعًا فِي الْخَيْرِ ، خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ تَكُونَ مَتَّبِعًا فِي الشَّرِّ . (5)

عنه عليه السلام : لَمْ يَمُتْ مَنْ تَرَكَ أَفْعَالًا يَقْتَدِي بِهَا مِنَ الْخَيْرِ ، [و] (6) مَنْ نَشَرَ حِكْمَةً ذُكِرَ بِهَا . (7)

عنه عليه السلام_ فِي الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ _ : ذَهَبَ الرَّجَالُ الْمُقْتَدِي بِفِعَالِهِمُ الْمُنْكَرُونَ لِكُلِّ أَمْرٍ مُنْكَرٍ وَبَقِيَتْ فِي خَلْفٍ يُزَيِّنُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لِيُدْفَعَ مُعَوَّرٌ (8) عَنْ مُعَوَّرٍ سَلَكَوا بُنْيَاتٍ (9) الطَّرِيقِ فَأَصْبَحُوا مُتَنَكِّبِينَ (10) عَنِ الطَّرِيقِ الْأَكْبَرِ (11)

1- .. كنز الفوائد: ج 1 ص 91 عن نوف البكالي ، بحار الأنوار : ج 68 ص 195 ح 48 .

2- .. قال المجلسي قدس سره : أي إنما يبعد عن الكفار والفساق للبغض في الله ، والنزاهة والبعد عن أعمالهم وأفعالهم . والنزاهة : التباعد عن كل قدر ومكروه (بحار الأنوار : ج 67 ص 384) . وفي نهج البلاغة : «رُهِدٌ وَنَزَاهَةٌ» ، وهو الأقرب .

3- .. الخِلاَبَةُ : الخِدَاعُ بِالْقَوْلِ اللَّطِيفِ (النهاية : ج 2 ص 58 «خلب»).

4- .. الكافي: ج 2 ص 230 ح 1 عن عبدالله بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول: ص 162 ، نهج البلاغة: الخطبة 193 من كلامه عليه السلام في صفة المتقين وفيه صدره إلى «خديعة» ، بحار الأنوار : ج 67 ص 367 ح 70 .

5- .. غرر الحكم: ج 5 ص 280 ح 7361 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 404 ح 6834 .

6- .. ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

7- .. كنز الفوائد : ج 1 ص 349 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 24 ح 77 .

8- .. رجلٌ مُعَوَّرٌ : قبيح السريرة. والعوار : العيب (لسان العرب : ج 4 ص 616 «عور»).

9- .. بُنْيَاتِ الطَّرِيقِ : هي الطُّرُقُ الصَّغَارُ تَشْتَعِبُ مِنَ الْجَادَّةِ ، وَهِيَ التُّرْهَاتُ (الصحاح : ج 6 ص 2287 «بنا»).

10- .. نَكَبَ عَنِ الشَّيْءِ وَعَنِ الطَّرِيقِ وَتَنَكَّبَ : عَدَلَ (لسان العرب : ج 1 ص 770 «نكب»).

11- .. الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ص 268 ح 191 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 411 ح 29 .

امام علی علیه السلام_ در توصیف شیعیان اهل بیت علیهم السلام_ از نشانه های هر يك از آنان ، این است که او را در دین ، نیرومند می یابی ، ... از نیکوکارانِ پیش از خود الگو می گیرد ، و خود برای کسانی که پس از او می آیند و طالب نیکوکاری هستند ، الگوست . اینان ، کارگزاران خداوند و حاملانِ فرمان و طاعت او ، و چراغ های (روشنی بخش) زمین او و آفریدگانش هستند. اینان ، شیعیان و دوستان ما هستند ، و از مایند و با مایند. وه که مرا چه شوقی به دیدار آنان است!

امام علی علیه السلام_ در توصیف مؤمن_ :اگر از کسی دوری می کند ، دوری کردنش ، از سر نفرت و پاکیزه ماندن است ، و اگر به کسی نزدیک می شود، نزدیک شدنش ، از روی نرمی و مهربانی . دوری گزیدنش ، از روی تکبر و خودبرتربینی نیست ، و نزدیک شدنش ، از سر فریب و نیرنگ کاری نیست ؛ بلکه به نیکوکارانِ پیش از خود ، اقتدا می کند. پس ، او برای نیکوکارانی که پس از وی می آیند ، پیشوا [و الگو] است .

امام علی علیه السلام: در خوبی ، پیرو باشی ، بهتر از آن است که در بدی ، پیشوا باشی .

امام علی علیه السلام: کسی که کارهای نیکی از خود بر جای نهاده که سر مشق دیگران قرار می گیرند ، هرگز نمرده است [و] کسی که حکمتی [یا دانشی] را نشر دهد ، به سبب آن ، نامش ماندگار می شود . (1)

امام علی علیه السلام_ در دیوان منسوب به ایشان_ رفتند آن مردانی که کارهایشان الگو بود و با هر کار ناپسندی ، سر ناسازگاری داشتند و من ماندم در میان جماعتی که یکدیگر را می ستایند تا زشتکاری از زشتکاری ، دفاع کند کوره راه ها را پیمودند و صبحگاهان از شاه راه ، به دور افتاده بودند .

1- .یا : و نیز کسی که حکمتی را نشر دهد که به سبب آن از او نام برده شود ، هرگز نمرده است .

الفصل الثاني : مواطن التأسي 2 / 1 الدين والدنيا رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ فَاقْتَدَى بِهِ ، وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَحَمِدَ اللَّهَ عَلَى مَا فَضَّلَهُ بِهِ عَلَيْهِ ، كَتَبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا صَابِرًا . وَمَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ ، وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ فَاسْفَ عَلَى مَا فَاتَهُ مِنْهُ ، لَمْ يَكْتُبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلَا صَابِرًا . (1)

الإمام الصادق عليه السلام_ في الدعاء _ :اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَحْمَدُكَ وَأَسْتَعِينُكَ وَأَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ ، أَصْبَحْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ ، وَأُؤْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُوفِي بِعَهْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ . أَصْبَحْتُ عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَمِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، عَلَى ذَلِكَ أَحْيَا وَأَمُوتُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ . اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي بِهِ ، وَأَمِتْنِي إِذَا أَمِتَّنِي عَلَى ذَلِكَ ، وَأَبْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ رِضْوَانَكَ وَاتِّبَاعَ سَبِيلِكَ . إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي ، وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي ، أَلْ مُحَمَّدٍ أُمَّتِي لَيْسَ لِي أَيْمَةٌ غَيْرُهُمْ ، بِهِمُ أَنْتُمْ وَإِيَّاهُمْ أَتَوَلَّى وَبِهِمُ اقْتَدِي ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُمْ أَوْلِيَاءِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَاجْعَلْنِي أَوْلِيَاءَهُمْ وَأَعَادِي أَعْدَاءَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَأَبَائِي مَعَهُمْ . (2)

-
- 1- .. سنن الترمذي : ج 4 ص 665 ح 2512 عن عبد الله بن عمرو ، مسند الشاميين : ج 1 ص 290 ح 505 ليس فيه «نظر في دينه إلى من هو دونه» ، الزهد لابن المبارك (الملحقات) : ص 50 ح 180 كلاهما عن شعيب عن أبيه نحوه ، كنز العمال : ج 3 ص 255 ح 6423 ؛ تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 90 ، معدن الجواهر : ص 26 نحوه ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 172 ح 13807 .
- 2- .. الكافي : ج 2 ص 529 ح 21 عن معاوية بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 294 ح 56 .

فصل دوم : موارد الگوگیری

1 / 2 دین و دنیا

فصل دوم : موارد الگوگیری 1 / 2 دین و دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که در دینش به فراتر از خود بنگرد و او را الگو قرار دهد ، و در دنیایش به فروتر از خود بنگرد و خداوند را بر آنچه او را بدان بر وی برتری داده ، سپاس بگوید ، خداوند ، او را سپاس گزار و شکیبیا می نویسد . و هر که در دینش به فروتر از خود بنگرد ، و در دنیایش به فراتر از خود بنگرد و برای آنچه از او کمتر دارد ، افسوس بخورد ، خداوند عز و جل او را نه سپاس گزار و نه شکیبیا می نویسد .

امام صادق علیه السلام در دعا _ : بار خدایا! سپاس ، ویژه توست . تو را می ستایم و از تو یاری می طلبم ، که تو ، پروردگار منی و من ، بنده تو ام . در حالی صبح کردم که بر پیمان و وعده تو هستم ، و به وعده ات ایمان دارم و به پیمان با تو ، تا آن جا که بتوانم ، وفا می کنم ؛ و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر از سوی خداوند یگانه بی انباز . و گواهی می دهم که محمد ، بنده و فرستاده اوست . در حالی صبح کردم که بر سرشت اسلام و کلمه اخلاص (توحید) و آیین ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله هستم . به خواست خدا ، بر این [عقاید] زندگی می کنم و می میرم . بار خدایا! تا زنده ام می داری ، بر این ، زنده ام بدار ، و هر گاه مرا میرانندی ، بر آن بمیرانم ، و هر گاه مرا برانگیختی ، بر آن برانگیزانم . با این ، خشنودی تو و پیمودن راه تو را می جویم . به تو تکیه کردم ، و کارم را به تو سپردم . خاندان محمد ، پیشوایان من اند و جز آنان مرا پیشوایی نیست . از آنان پیروی می کنم و ولایت آنان را می پذیرم ، و به آنان اقتدا می نمایم . بار خدایا! آنان را در دنیا و آخرت ، اولیای من قرار بده ، و چنانم گردان که در دنیا و آخرت ، دوستانشان را دوست ، و دشمنانشان را دشمن بدارم ، و مرا و پدرانم را به نیکان ، ملحق فرما .

2 / 2 الوَرَعُ وَ التَّقْوَى وَ الإِجْتِهَادُ الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ حُبَّنَا وَمُؤَالَاتِنَا، وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتَنَا، أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنَّا فَلْيَقْتَدِ بِنَا، وَإِنَّ مِنْ شَأْنِنَا الْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ، وَصِلَةَ الرَّحِمِ وَإِقْرَاءَ الضَّيْفِ وَالْعَفْوَةَ عَنِ الْمُسِيءِ، وَمَنْ لَمْ يَقْتَدِ بِنَا فَلَيْسَ مِنَّا. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَشِيعَتُهُمْ؛ لِكَيْ يَقْتَدِيَ النَّاسُ بِهِمْ، فَإِنَّهُمْ الْقُدْوَةُ لِمَنْ اقْتَدَى، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوهُ؛ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ». (2) أَمَا وَاللَّهِ إِنَّكُمْ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ مَلَائِكَتِهِ، فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَكَثْرَةِ الْعِبَادَةِ، وَعَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ. (3)

1- .. الاختصاص: ص 241، بحار الأنوار: ج 75 ص 115 ح 12 .

2- .. الحجرات: 13 .

3- .. إرشاد القلوب: ص 101، بشارة المصطفى: ص 141 عن عمر بن يحيى بن بسّام، جامع الأحاديث للقمي (الغايات): ص 203 وفيهما صدره إلى «لمن اقتدى»، بحار الأنوار: ج 68 ص 167 ح 21 .

2 / 2 پارسایی و پرهیزگاری و سختکوشی

2 / 2 پارسایی و پرهیزگاری و سختکوشی امام صادق علیه السلام: خداوند متعال، دوستی ما و ولایت ما را بر شما واجب ساخت و اطاعت از ما را بر شما فرض کرد. هان! پس هر که از ماست، باید به ما اقتدا کند. از راه و رسم ما، پارسایی و سختکوشی [در عمل و طاعت] و برگرداندن امانت به نیک و بد، و صله رحم و پذیرایی از میهمان و گذشت کردن از بدی کننده است. و هر که به ما اقتدا نکند، از ما نیست.

امام صادق علیه السلام: سزاوارترین مردم به پارسایی، خاندان محمد و شیعیان آنها هستند تا مردم از آنها الگو بگیرند؛ چرا که آنان برای کسی که به دنبال الگوست، الگویند. پس، از خدا پروا کنید و از او فرمان برید؛ زیرا به آنچه نزد خداست، مگر با پرهیزگاری و پارسایی و سختکوشی، نمی توان رسید، که خداوند متعال می فرماید: «همانا گرامی ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست». هان! به خدا سوگند که شما بر دین خدا و دین فرشتگان او هستید. پس با پارسایی و سختکوشی و عبادت زیاد، ما را در این امر، کمک کنید. بر شما باد پارسایی!

2 / 3 الصَّبْرُ فِي الْمَصَائِبِ لِإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سِرًّا وَعَفَا (1) عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا، ثُمَّ قَامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَزَائِرَتِكَ، وَالْبَائِئِةَ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ، وَالْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ، قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَن صَدِّيقَتِكَ صَبْرِي، وَعَفَا عَن سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي، إِلَّا أَنَّ لِي فِي النَّاسِيِّ بِسَدِّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزُّ، فَلَقَدْ وَسَدَّتْكَ فِي مَلْحُوذَةِ قَبْرِكَ، وَفَاضَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ نَحْرِي وَصَدْرِي، بَلَى وَفِي كِتَابِ اللَّهِ لِي أَنْعَمُ الْقَبُولُ، إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. (2)

2 / 4 الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا مَسْتَدْرِكُ الْوَسَائِلِ: عَنِ أَبِي أَمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ اخْتَصَرَ رِوَاةً - أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ ثَعْلَبَةَ بْنَ حَاطِبِ الْأَنْصَارِيِّ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَالًا. قَالَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَيْحَكَ يَا ثَعْلَبَةُ، إِذْهَبْ وَاقْنَعْ بِمَا عِنْدَكَ، فَإِنَّ الشَّاكِرَ أَحْسَنُ مِمَّنْ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ لَا يَشْكُرُهُ. فَذَهَبَ، وَرَجَعَ بَعْدَ أَيَّامٍ وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ادْعُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَنِي مَالًا. فَقَالَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَيْسَ لَكَ بِي أُسْوَةٌ فَإِنِّي - بَعِزَّةَ عَرْشِ اللَّهِ - لَوْ شِئْتُ لَصَارَتْ جِبَالُ الْأَرْضِ لِي ذَهَبًا وَفِضَّةً! فَذَهَبَ، ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَلِ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَنِي مَالًا، فَإِنِّي أُوَدِّي حَقَّ اللَّهِ، وَأُوَدِّي حُقُوقًا، وَأُصِلُّ بِهِ الرَّجْمَ. فَقَالَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ اعْطِ ثَعْلَبَةَ. (3)

1- .. الْعَفْوُ: الْمَحْوُ. عَفَّتِ الرِّيحُ الْأَثْرَ: أَي دَرَسَتْهُ وَمَحَتْهُ (تاج العروس: ج 19 ص 686 «عفو»).

2- .. الكافي: ج 1 ص 458 ح 3 عن علي بن محمد الهرمزي، الأمالي للمفيد: ص 281 ح 7، الأمالي للطوسي: ص 109 ح 166 كلاهما عن علي بن محمد الهرمزي عن الإمام زين العابدين عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 43 ص 193 ح 21.

3- .. مستدرك الوسائل: ج 13 ص 256 ح 15289 نقلًا عن أبي الفتح الرازي في تفسيره.

2 / 3 شکیبایی در مصیبت ها

2 / 4 دل کندن از دنیا

2 / 3 شکیبایی در مصیبت ها امام حسین علیه السلام: چون فاطمه علیها السلام از دنیا رفت ، امیر مؤمنان علیه السلام مخفیانه او را به خاک سپرد و آثار محلّ قبرش را از بین برد . آن گاه برخاست و رو به قبر پیامبر خدا کرد و گفت : « درود بر تو ، ای پیامبر خدا! درود بر تو از جانب دخترت که اینک به دیدار تو آمده و در بقعه تو در خاک آرمیده است ، و خدا خواست که زودتر به تو پیوندد! ای پیامبر خدا! شکیم در سوگ محبوبه ات ، اندک گشته و طاقتم در غم از دست دادن بانوی زنان عالم ، از کف رفته است ؛ اما تأسی به سنت تو در [غم] فراق است ، تسلی بخش هر مصیبتی است . من با دست خود ، سرت را در لحد آرامگاهت نهادم ، و در حالی جان دادی که سرت به سینه من چسبیده بود . آری ، در کتاب خدا برای من بهترین پذیرش است . ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم . »

2 / 4 دل کندن از دنیا مستدرک الوسائل: از ابو امامه باهلی _ در روایتی بلند که مختصرش کرده ایم _ : [نقل است که] ثعلبه بن حاطب انصاری ، نزد پیامبر خدا آمد و گفت : ای پیامبر خدا! دعا کن که خداوند به من ثروتی روزی کند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « زهی تو ، ای ثعلبه! برو و به همانچه داری ، قناعت کن؛ زیرا شکرگزار ، بهتر از کسی است که ثروت بسیار دارد و شکر آن را به جای نمی آورد . » ثعلبه رفت و چند روز بعد ، باز آمد و گفت : ای پیامبر خدا! دعا کن که خدای متعال به من ثروتی عطا فرماید . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « آیا نه این است که من برای تو الگویم؟ به عزت عرش خدا سوگند ، من اگر بخواهم ، کوه های زمین برآیم طلا و نقره می شوند . » ثعلبه رفت و سپس باز آمد و گفت : ای پیامبر خدا! از خدای متعال بخواه که به من ثروتی عطا کند . من حقّ خدا را خواهم داد ، و حقوق دیگران را خواهم داد ، و با آن به خویشاوندان ، رسیدگی خواهم کرد . پیامبر خدا گفت : « بار خدایا! به ثعلبه عطا فرما . »

الإمام علي عليه السلام_ في خطبة له _ ولقد كان في رسول الله صلى الله عليه وآله كافٍ لك في الأسوة، ودليل لك على ذم الدنيا وعيبيها، وكثرة مخازيها ومساوئها؛ إذ قبضت عنه أطرافها، ووطئت لغيره أكنافها (1)، ووطئ من رضاءها، وزوي (2) عن زخارفها. وإن شئت ثببت بموسى كليم الله صلى الله عليه وسلم حيث يقول: «رب إني لما أنزلت إلي من خير فقير» (3)، والله! ما سأله إلا حُبزا يأكله؛ لأنه كان يأكل بقلّة الأرض، ولقد كانت خضرة البقل ترى من شفيف (4) صفاق (5) بطنه؛ لهزاله وتشذب (6) لحمه. وإن شئت ثلثت بدوّد صلى الله عليه وسلم صاحب المزامير وقارئ أهل الجنة، فلقد كان يعمل سفائف الخوص (7) بيده، ويقول لجلسائه: أيكم يكفيني بيعها! ويأكل فُرص الشعير من ثمنها. وإن شئت قلت في عيسى بن مريم عليه السلام، فلقد كان يتوسد الحجر، ويلبس الخشن، ويأكل الجشب (8). وكان إدامه الجوع، وسد راجه بالليل القمر، وظلاله في الشتاء مشارق الأرض ومغاربها، وفاكهته وريحانه ما تبتت الأرض للبهائم. ولم تكن له زوجة تفتنه، ولا ولد يحزنه، ولا مال يلفتته، ولا طمع يذله. دابته رجلاه، وخادمه يداها! فتأس بنبيك الأطيب الأطهر صلى الله عليه وآله، فإن فيه أسوة لمن تأسى، وعزاء لمن تعزى، وأحب العباد إلى الله المتأسي بنبيه، والمقتص لأثره. قضم الدنيا قضمًا (9)، ولم يعرها طرفا. أهضم أهل الدنيا كشحا (10)، وأخمصهم من الدنيا بطنًا. عرضت عليه الدنيا فأبى أن يقبلها، وعلم أن الله سبحانه أبغض شئنا فأبغضه، وحقّر شئنا فحقّره، وصغّر شئنا فصغّره. ولو لم يكن فينا إلا حُبنا ما أبغض الله ورسوله، وتعظيمنا ما صغّر الله ورسوله، لكفى به شقافا لله، ومحادّة (11) عن أمر الله. ولقد كان صلى الله عليه وآله يأكل على الأرض، ويجلس جلسة العبد، ويخصف بيده نعله، ويرقع بيده ثوبه، ويركب الحمار العاري ويردف خلفه، ويكون الستر على باب بيته فتكون فيه التصاوير فيقول: يا فلانة! لاءحدى أزواجه _ غيبه عني؛ فأني إذا نظرت إليه ذكرت الدنيا وزخارفها. فأعرض عن الدنيا بقلبه، وأمات ذكرها من نفسه، وأحب أن تغيب زينتها عن عينه، لكيلا يتخذ منها رياشا (12)، ولا يعتقدها قرارا، ولا يرجو فيها مقاما، فأخرجها من النفس، وأشخصها عن القلب، وغيبها عن البصر، وكذلك من أبغض شئنا أبغض أن ينظر إليه، وأن يذكر عنده. ولقد كان في رسول الله صلى الله عليه وآله ما يدلّك على مساوي الدنيا وعيوبها؛ إذ جاع فيها مع خاصته (13)، وزويت عنه زخارفها مع عظيم زلفته. فليُنظر ناظر بعقله: أكرم الله محمداً بذلك أم أهانه؟ فإن قال: أهانه، فقد كذب _ والله العظيم _ بالإفك العظيم، وإن قال: أكرمه، فليعلم أن الله قد أهان غيره حيث بسط الدنيا له، وزواها عن أقرب الناس منه. فتأسى متأس بنبيه، واقتص أثره، وولج مولجه، وإلا فلا يأمن الهلكة، فإن الله جعل محمداً صلى الله عليه وآله علماً للساعة، ومُسراً بالجنة، ومُنذراً بالعقوبة. خرج من الدنيا خميصا، وورد الآخرة سَلِيمًا. لم يضع حجراً على حجر حتى مضى لسبيله وأجاب داعي ربه. فما أعظم منة الله عندنا حين أنعم علينا به سلفاً نتبعه، وقائداً نطأ عقبه. الله لقد رفعت مدرعتي (14) هذه حتى استحييت من رافعيها. ولقد قال لي قائل: ألا تنبذها عنك؟ فقلت: أغرب عني، فعند الصباح يحمد القوم السرى (15). (16)

1- .. الكنف: الجانب والناحية (النهاية: ج 4 ص 205 «كف»).

2- .. زويت الشيء عن فلان: أي نحيت (لسان العرب: ج 14 ص 364 «زوى»).

3- .. القصص: 24.

4- .. ثوب شفيف: أي رقيق. شفف يشف شفوفا فهو شفف: وهو الذي يستشف ما وراءه؛ أي يبصر (المصباح المنير: ص 317 «شفف»).

5- .. الصفاق: الجلد الأسفل تحت الجلد الذي عليه الشعر. أو جلد البطن كله (القاموس المحيط: ج 3 ص 254 «صفاق»).

6- .. يقال: شذب عن النخلة جريدها؛ أي قطع وفرق (انظر: النهاية: ج 2 ص 453 «شذب»).

- 7- .. سَفَّ الخوصَ : نَسَجَه (القاموس المحيط : ج 3 ص 152 «سفيف»).
- 8- .. الجَشِب: هو الغليظ الخشن من الطعام. وقيل : غير المأدوم. وكلّ بشع الطعم جَشِب (النهاية : ج 1 ص 272 «جشب»).
- 9- .. قَضَم الدنيا : تناول منها قدر الكفاف وما تدعو إليه الضرورة من خَشِن العيشة ... وأصل القَضَم : أكل الشيء اليابس بأطراف الأسنان (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 9 ص 233).
- 10- .. الكَشْح : الخاصِرة . ورجُلٌ أهْضَمٌ بَيْنَ الهَضَمِ : إذا كان خميصاً لقلّة الأكل (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 9 ص 234).
- 11- .. المُحَادَّةُ : المعاداة والمخالفة (لسان العرب : ج 3 ص 140 «حدد»).
- 12- .. الرِّيشُ والرِّيشُ بمعنى؛ وهو اللباس الفاخر . ويقال : المال والخِصْبُ والمعاش (الصحاح : ج 3 ص 1008 «ريش»).
- 13- .. خاصّته: اسم فاعل في معنى المصدر ، أي مع خصوصيّته وتفضّله عند ربّه (تعليقة صبحي الصالح على نهج البلاغة).
- 14- .. المُدْرَعَةُ : ثوبٌ ، ولا يكون إلّا من صوف (القاموس المحيط : ج 3 ص 20 «درع»).
- 15- .. السُّرى : سدير عامّة الليل (القاموس المحيط : ج 4 ص 341 «سرى»). وقولهم : «عند الصبح يحمّدُ القومُ السُّرى» هو مثَلٌ لما يُنال بالمشقّة ، ويوصل إليه بالتعب (جمهرة الأمثال : ج 2 ص 38 الرقم 1293).
- 16- .. نهج البلاغة : الخطبة 160 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 284 ح 136 .

امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی‌هایش _ در پیامبر خدا برای تو، الگویی کافی، و دلیلی بر نکوهدگی و عیناکی دنیا است و این که دنیا پُر از زشتی‌ها و بدی‌هاست؛ چرا که بساط دنیا از او برچیده و برای غیر او گسترده شد. از پستان دنیا شیر نخورد، و زر و زیورهای آن از او به دور داشته شد. اگر الگوی دومی بخواهی، از موسی کلیم الله _ که درود و سلام خدا بر او باد _ نام می‌برم که گفت: «پروردگارا! من به خیری که بر من می‌فرستی، محتاجم». به خدا سوگند، او از خداوند، جز قرص نانی که بخورد، چیزی نخواست؛ چرا که او از علف‌های زمین می‌خورد، چندان که بر اثر لاغری و آب شدن گوشت بدنش، سبزی گیاهان از زیر پوست شکمش نمایان بود. و اگر الگوی سومی بخواهی، از داوود _ که درود و سلام خدا بر او باد _، صاحب مزامیر (1) و قاری اهل بهشت، نام می‌برم که با دست خود، از لیف خرما زنبیل می‌بافت و به یارانش می‌گفت: «چه کسی از شما این زنبیل‌ها را برای من می‌فروشد؟» و از بهای آنها نان جوین [می‌خرد و] می‌خورد. و اگر بخواهی، از عیسی بن مریم علیه السلام می‌گویم که سنگ را بالش خود می‌کرد، جامه زبر می‌پوشید و نان خشک می‌خورد. خورش او، گرسنگی بود و چراغش در شب، ماه، و سرپناهِش در زمستان، شرق و غرب زمین، و میوه و سبزی‌اش، علف‌هایی بودند که زمین برای چارپایان می‌رویاند. نه همسری داشت که مایه گرفتاری او شود، و نه فرزندی که سبب غصّه‌اش گردد، و نه مال و منالی که او را به خود مشغول سازد، و نه آزمندی‌ای که او را خوار گرداند. چارپایش، دو پای او بود، و خدمتکارش دو دست او! پس به پیامبر صلی الله علیه و آله که وارسته‌ترین و پاک‌ترین [انسان‌ها] است، تأسّی بجوی؛ چرا که در او الگویی است برای جویندگان الگو، و آرامش برای کسی که در پی آرامش است و محبوب‌ترین بندگان در نزد خدا، کسی است که از پیامبرش الگو بگیرد، و در پی او حرکت کند. پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا به قدر ضرورت خورد، و نیم‌نگاهی هم به دنیا نکرد. بیش از همه مردم دنیا گرسنگی کشید، و از شدت گرسنگی، شکمش به پشت او چسبیده بود. دنیا به او پیشنهاد شد؛ اما از پذیرفتنش سر باز زد، و دانست که خداوند سبحان از چه چیزی نفرت دارد؛ او نیز نفرت آن را به دل گرفت، و چه چیزی را کوچک می‌شمرد؛ او نیز آن را کوچک شمرد، و چه چیزی را خرد می‌داند؛ او نیز آن را خرد دانست. اگر در ما جز این خصلت نباشد که آنچه را خدا و پیامبر او دشمن می‌دارند، دوست بداریم و آنچه را خدا و پیامبرش کوچک می‌شمارند، بزرگ بداریم، همین خود کافی است که با خدا دشمنی و از فرمان خدا سرپیچی کرده باشیم. او صلی الله علیه و آله روی خاک (زمین بی‌فرش) غذا می‌خورد، و همچون برده می‌نشست، و با دست خود، کفشش را وصله می‌زد، و با دست خویش جامه‌اش را پینه می‌کرد، و بر الاغ برهنه سوار می‌شد و یک نفر را هم بر ترک خویش می‌نشاند. [و آن گاه که] پرده‌ای نقش و نگاردار بر درِ اتاقش آویخته بود، به همسرش فرمود: «فلانی! این پرده را از برابر چشم من دور کن؛ چرا که هر گاه نگاهم به آن می‌افتد، به یاد دنیا و زر و زیور آن می‌افتم». بدین سان، او دل از دنیا بر کند، و یاد آن را در جانش میراند، و دوست داشت که زیور دنیا از چشمش دور بماند تا از آن، جامه‌ای فاخر بر نگیرد، و آن را ماندگار نپندارد، و به ماندن در آن، امید نبندد. پس دنیا را از جان خویش بیرون راند، و از دل، دورش کرد، و از چشم، ناپدیدش ساخت. آری، کسی که چیزی را دشمن بدارد، از این که به آن بنگرد و [یا] نامش در نزد او برده شود نیز نفرت دارد. در [راه و رسم] پیامبر خدا، نکته‌هایی است که تو را به زشتی‌ها و بدی‌های دنیا راه نمایی می‌کنند؛ چرا که او با وجود مقام خاصّی که [نزد خداوند] داشت، در دنیا گرسنه زیست، (2) و با وجود مقام قُربی که [در پیشگاه خدا] داشت، زیورهای دنیا از او دور نگه داشته شد. حال [با این توصیف]، آن که اهل نظر است، با دیده خردش بنگرد که آیا خداوند با این کارها، محمّد را ارج نهاده و یا خوارش شمرده است؟ اگر بگویند: خوارش شمرده است، به خدای بزرگ سوگند که دروغ گفته و بهتانی بزرگ زده است، و اگر بگویند: او را ارج نهاده است، پس بداند که خداوند، دیگران را خوار دانسته که دنیا را برایشان گسترده، و آن را از مقرب‌ترین افراد درگاه خود، دور ساخته است. پس، آن که در پی الگوست، باید از پیامبرش الگو بگیرد، و در پی او حرکت کند، و هر جا او رفت، برود. در غیر این صورت، خویشتن را از نابودی در امان نداند؛ چرا که خداوند، محمّد صلی الله علیه و آله را نشانه‌ای برای قیامت، و نوید دهنده به بهشت، و بیم دهنده از کیفر، قرار داد. او گرسنه از دنیا رفت و سالم

به آخرت وارد شد، و تا زمانی که از دنیا رفت و پیک پروردگارش را اجابت کرد، سنگی بر سنگی ننهاده (بنایی برای خود نساخت). خداوند، چه منت بزرگی بر ما نهاد که نعمت وجود او را به ما ارزانی داشت؛ یادگاری که از او پیروی می کنیم و پیشروی که در پی او گام بر می داریم. به خدا سوگند، این جامه پشمین خود را چندان وصله زده ام که دیگر از پینه دوز آن، خجالت می کشم. یکی مرا گفت: آیا نمی خواهی این را به دور افکنی؟ گفتم: از من دور شو، که در بامدادان، مردم، شیروان را خواهند ستود. (3)

1- مزامیر داوود، همان زیور است (لغت نامه دهخدا).

2- این جمله بر پایه دو معنا از عبارت «خاصّه ته»، دو ترجمه دارد. معنای دیگری که شارحان گفته اند، چنین است: او و نزدیکانش همواره در دنیا گرسنه زیستند. (م).

3- این، ضرب المثلی است برای چیزی که تنها با رنج به دست می آید و با مشقّت عاید می شود (ر. ک: جمهرة الأمثال: ج 2 ص 38 ش 1293).

عنه عليه السلام من كتاب كتبه إلى عثمان بن حنيفٍ _ :ألا- وإنَّ لكلَّ مأمومٍ إماماً يقتهُ به ويستضيءُ بنورِ علمِهِ ، ألا وإنَّ إمامكم قد اكتفى من دنياه بطمريه (1) ، ومن طعمه بقرصه به ، ألا- وإنكم لا تقدرون على ذلك ولكن أعينوني بورع واجتهاد ، وعفة وسداد ، فوالله ما كنت من دنياكم تبرا (2) ، ولا أدخرت من غنائمها وفرا (3) ، ولا أعددت لبالي ثوبي طمرا ، ولا حزت من أرضها شبرا ، ولا أخذت منه إلا كفت أتان دبرة (4) ، ولهي في عيني أوهى وأهون من عفصة مقررة (5) . . . أفتع من نفسي بأن يقال : هذا أمير المؤمنين ، ولا أشاركهم في مكاره الدهر ، أو أكون أسوة لهم في جشوبة العيش! فما خلقت ليشغلني أكل الطيبات ؛ كالبهيمة المربوطة همها علفها ، أو المرسله شغلها تقمها (6) ، تكثرش (7) من أعلافها وتلهو عمّا يراد بها ، أو أترك سدى ، أو أهمل عابثا ، أو أجر حبل الضلالة ، أو أعتسف (8) طريق المتاهة! (9)

- 1- .. الطمر: الثوب الخلق (النهاية: ج 3 ص 138 «طمر»).
- 2- .. التبر: هو الذهب والفضة قبل أن يضربا دنانير ودراهم. وأكثر اختصاصه بالذهب (النهاية: ج 1 ص 179 «تبر»).
- 3- .. الوفر: المال الكثير (النهاية: ج 5 ص 210 «وفر»).
- 4- .. الأتان: الحمامة. والذبر: الجرح الذي يكون في ظهر الدابة (لسان العرب: ج 13 ص 6 «أتان» و ج 4 ص 274 «دبر»).
- 5- .. العفص: حمل شجرة البلوط تحمل سنة بلوطا وسنة عفصا. والمقر: المر (لسان العرب: ج 7 ص 55 «عفص» و ج 5 ص 182 «مقر»).
- 6- .. قمت الشاة من الأرض واقتمت: إذا أكلت من المقمة. والمقمة: المكسنة (الصحاح: ج 5 ص 2015 «قمم»).
- 7- .. تكثرش من أعلافها: أي تملأ كرشها من العلف (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 16 ص 288). والكرش _ بالكسر وككتف _ لكل مجتر بمنزلة المعدة للإنسان (القاموس المحيط: ج 2 ص 286 «كرش»).
- 8- .. عسف عن الطريق: مال وعدل ، كاعتسف وتعسف . أو: حبطه على غير هداية (القاموس المحيط: ج 3 ص 175 «عسف»).
- 9- .. نهج البلاغة: الكتاب 45 ، بحار الأنوار: ج 33 ص 474 ح 686 .

امام علی علیه السلام_ در نامه ای که به عثمان بن حنیف نوشت _ بدان که هر پیروی را پیشوایی است که به او اقتدا می کند و از نور و دانش او بهره می گیرد . بدان که پیشوای شما ، از دنیایش به دو جامه ژنده ، و از خوراکش به دو گِردِده نان ، بسنده کرده است . البتّه شما توانایی این کارها را ندارید ؛ اما با پارسایی و سختکوشی ، و پاک دامنی و درستکاری ، مرا یاری کنید . به خدا سوگند ، من از دنیای شما زر و سیمی نیندوختم ، و از غنایم آن ، ثروتی پس انداز ننمودم ، و بیش از این دو جامه کهنه ام ، جامه ای فراهم نیاوردم ، و یک وجب زمین ، در اختیار نگرفتم ، و از دنیا جز به اندازه خوراک ستوری ریش پُشت ، بر نگرفتم . این دنیا در چشم من ، از مازویی گس و تلخ ، پست تر و بی ارزش تر است... آیا به همین ، دل خوش کنم که بگویند : «این ، امیر مؤمنان است» ؛ ولی در سختی های روزگار ، با مردم ، شریک نگردم ، یا در ناگواری های زندگی ، برای آنان سرمشق نباشم؟ من برای این آفریده نشده ام که به خوردن غذاهای لذیذ مشغول شوم و همانند حیوان به آخور بسته ای باشم که تمام همّ و غمّش ، خوردن علف است ، یا به مانند حیوان یله ای که کارش چریدن در زباله دانی ها و پر کردن شکمش از علف آنهاست ، بی خبر از آن که چه سرنوشتی در انتظار اوست ، و آفریده نشده ام که بیهوده رها شوم ، یا بی هدف بگردم ، یا ریسمان گم راهی را بکشم ، یا در بیراهه ها راه سرگردانی بپویم!

الإمام الصادق عليه السلام: قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِظْنَا وَأَوْجِزْ! قَالَ: الدُّنْيَا حَلَالُهَا حِسَابٌ، وَحَرَامُهَا عِقَابٌ، وَأَتَى لَكُمْ بِالرَّوْحِ وَلَمَّا تَأَسَّوْا (1) بِسُنَّةِ نَبِيِّكُمْ! تَطْلُبُونَ مَا يُطْغِيكُمْ وَلَا تَرْضَوْنَ مَا يَكْفِيكُمْ. (2)

2 / 15 الإِتِّضَاعُ فِي النِّكَاحِ للإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ زَوْجَ الْمُقْدَادِ بْنِ أَسْوَدَ ضَبَاعَةَ بِنْتَ الزُّبَيْرِ ابْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا زَوْجُهَا الْمُقْدَادُ لِتَتَّصِحَّ الْمَنَاكِحُ وَلِيَتَأَسَّوْا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلِتَعْلَمُوا أَنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ. وَكَانَ الزُّبَيْرُ أَخَا عَبْدِ اللَّهِ وَأَبِي طَالِبٍ لِأَبِيهِمَا وَأُمَّهُمَا. (3)

2 / 6 رِغَايَةُ حُقُوقِ الزَّوْجَةِ صحیح ابن حبان عن أبي موسى: دَخَلَتْ امْرَأَةٌ عُثْمَانَ بْنَ مَطْعُونٍ عَلَى نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَأَيْتُهَا سَيِّئَةَ الْهَيْئَةِ، فَقُلْنَ: مَا لَكَ، مَا فِي فُرَيْشٍ رَجُلٌ أَغْنَى مِنْ بَعْلِكَ؟ قَالَتْ: مَا لَنَا مِنْهُ شَيْءٌ؛ أَمَا نَهَارُهُ فَصَائِمٌ، وَأَمَا لَيْلُهُ فَقَانِمٌ! قَالَ: فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَذَكَرَنَ ذَلِكَ لَهُ. فَلَقِيَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا عُثْمَانُ، أَمَا لَكَ فِي أُسْوَةٍ؟ قَالَ: وَمَا ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي؟ قَالَ: أَمَا أَنْتَ فَتَقُومُ اللَّيْلَ وَتَصُومُ النَّهَارَ، وَإِنَّ لِأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنَّ لِبَجَسِ دِكِّ عَلَيْكَ حَقًّا! صَلِّ وَنَمْ، وَصُمْ وَأَفْطِرْ. قَالَ: فَاتَّتَهُمُ الْمَرْأَةُ بَعْدَ ذَلِكَ عَطْرَةً كَانَتْهَا عَرُوسٌ، فَقُلْنَ لَهَا: مَهْ؟ قَالَتْ: أَصَابَنَا مَا أَصَابَ النَّاسَ. (4)

1- .. تَأَسَّوْا_ هنا_ فعل مضارع مجزوم ب «لَمَّا» حذفت منه تاء المضارعة .

2- .. الكافي: ج 2 ص 459 ح 23 .

3- .. الكافي: ج 5 ص 344 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 395 ح 1582 عن أبي بكر الحضرمي نحوه ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 199 ح 730 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 265 ح 9 .

4- .. صحیح ابن حبان : ج 2 ص 19 ح 316 ، الطبقات الكبرى : ج 3 ص 395 عن أبي بردة نحوه ، كنز العمال : ج 3 ص 47 ح 5421

2 / 5 نفی اشرافیگری در ازدواج

2 / 6 رعایت حقوق همسر

امام صادق علیه السلام: به امیر مؤمنان علیه السلام گفته شد: ما را پندی کوتاه ده. فرمود: «دنیا، حلالش حساب دارد و حرامش عقاب. کجا شما را آسایش رسد، در حالی که هنوز به راه و رسم پیامبرتان اقتدا نکرده اید؟! شما چیزی (ثروت فراوان) را می جوئید که شما را به سرکشی می کشاند، و به اندازه کفافتان قانع نیستید».

2 / 5 نفی اشرافیگری در ازدواج امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، ضباعه دختر زبیر بن عبد المطلب را به ازدواج مقداد بن أسود در آورد. او را به این سبب به همسری مقداد در آورد که اشرافیگری در ازدواج از بین برود (1) و مردم به پیامبر خدا تأسی بجویند، و شما بدانید که ارجمندترین شما در نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست. زبیر، برادر تنی عبد الله و ابو طالب بود.

2 / 6 رعایت حقوق همسر صحیح ابن حبان به نقل از ابو موسی _ زن عثمان بن مظعون بر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. دیدند سر و وضع نامرتبی دارد. به او گفتند: این، چه سر و وضعی است؟ در میان قریش، مردی ثروتمندتر از شوهر تو وجود ندارد. گفت: از او چیزی به ما نمی رسد. روزهایش را به روزه داری می گذرانند و شب هایش را به عبادت! پیامبر صلی الله علیه و آله که آمد، همسرانش ماجرا را به ایشان گفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله، عثمان را دید و فرمود: «ای عثمان! مگر من برای تو الگو نیستم؟». گفت: چه شده است، ای پیامبر خدا؟ پدر و مادرم به فدایت! فرمود: «تو شب ها را به عبادت، و روزها را به روزه داری می گذرانی، در حالی که خانواده ات بر تو حقی دارند و بدنت نیز بر تو حقی دارد! [هم] نماز بخوان و [هم] بخواب. بعضی روزها را روزه بگیر و بعضی روزها را روزه نگیر». پس از آن، همسر عثمان، نزد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، در حالی که چون نوعروسان، بوی عطر می داد. زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفتند: هان، چه خبر شده است؟ گفت: حالا ما هم مثل بقیه مردم [بهره مند] شده ایم.

1- یعنی این رسم از بین برود که طبقات فرودست و پایین جامعه حق نداشته باشند از طبقات شریف و بالا، زن بگیرند یا به عکس. پیامبر صلی الله علیه و آله برای از بین بردن این رسم نادرست، اقدام به این کار نمود. (م)

مسند ابن حنبل عن عروة: دَخَلَتِ امْرَأَةُ عُثْمَانَ بْنِ مَطْعُونٍ - أَحْسَبُ اسْمَهَا خَوْلَةَ بِنْتِ حَكِيمٍ - عَلَى عَائِشَةَ وَهِيَ بَاذَةٌ (1) الْهَيْئَةَ، فَسَأَلَتْهَا: مَا سَأَأْتِكِ؟ فَقَالَتْ: زَوْجِي يَقُومُ اللَّيْلَ وَيَصُومُ النَّهَارَ. فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَذَكَرَتْ عَائِشَةُ ذَلِكَ لَهُ، فَلَقِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عُثْمَانَ فَقَالَ: يَا عُثْمَانُ، إِنَّ الرَّهْبَانِيَّةَ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْنَا، أَمَا لَكَ فِي أُسْوَةٍ؟ فَوَاللَّهِ إِنِّي أَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَأَحْفَظُكُمْ لِحُدُودِهِ. (2)

حلية الأولياء عن أبي إسحاق السبيعي: دَخَلَتِ امْرَأَةُ عُثْمَانَ بْنِ مَطْعُونٍ عَلَى نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّئَةَ الْهَيْئَةِ فِي أَخْلَاقٍ (3) لَهَا، فَقُلْنَ لَهَا: مَا لَكَ؟ فَقَالَتْ: أَمَّا اللَّيْلُ فَقَائِمٌ، وَأَمَّا النَّهَارُ فَصَائِمٌ! فَأَخْبَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِقَوْلِهَا، فَلَقِيَ عُثْمَانَ بْنَ مَطْعُونٍ فَلَامَهُ، فَقَالَ: أَمَا لَكَ بِي أُسْوَةٌ؟ قَالَ: بَلَى جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ. فَجَاءَتْ بَعْدُ حَسَنَةُ الْهَيْئَةِ طَيِّبَةَ الرِّيحِ. (4)

1- .. البذاذة: رثاءة الهيئة. يقال: بَذَّ الهيئةَ وبأذَّ الهيئةَ؛ أي رَثَّ اللَّبْسَةَ (النهاية: ج 1 ص 110 «بذذ»).

2- .. مسند ابن حنبل: ج 10 ص 56 ح 25951، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 7 ص 150 ح 12591 وج 6 ص 167 ح 10375، المعجم الكبير: ج 9 ص 38 ح 8319 كلاهما عن عروة وعمرة، موارد الظمان: ص 313 ح 1288، كنز العمّال: ج 3 ص 47 ح 5420.

3- .. الخَلَقُ: البالي؛ يقال: ثوبٌ خَلَقَ ومِلْحَقَةٌ خَلَقَ. والجمع: خُلُقَانٌ وأَخْلَاقٌ. وقد يقال: ثوبٌ أَخْلَاقٌ؛ يصفون به الواحد: إذا كانت الخُلُوقَةُ فِيهِ كَلَّةً (تاج العروس: ج 13 ص 123 «خلق»).

4- .. حلية الأولياء: ج 1 ص 106 الرقم 11.

مسند ابن حنبل_ به نقل از عروه_ : همسر عثمان بن مظعون_ که به گمانم نامش خوله بنت حکیم است_ با سر و وضعی ژولیده و لباس های ژنده بر عایشه وارد شد . عایشه از او پرسید : چه کار داری؟ گفت : شوهرم کارش این شده که شب ها را تا صبح به عبادت و روزها را به روزه داری بگذرانند! پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . عایشه موضوع را به ایشان گفت . پیامبر خدا ، به دیدن عثمان رفت و فرمود : «ای عثمان! رهبانیت بر ما نوشته (واجب) نشده است . مگر من برای تو الگو نیستم؟ به خدا سوگند که من از همه شما خداترس تر و پایبندتر به حدود (احکام) او هستم» .

حلیة الأولیاء_ به نقل از ابو اسحاق سبئی_ : همسر عثمان بن مظعون با لباس هایی ژنده بر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد . به او گفتند : تو را چه شده است؟ گفت : [شوهرم] شب ها را به عبادت می گذرانند و روزها را روزه می گیرد! این سخن او را به اطلاع پیامبر صلی الله علیه و آله رساندند . ایشان به دیدار عثمان بن مظعون رفت و سرزنش کرد و فرمود : «آیا من برای تو الگو نیستم؟» . گفت : چرا . خداوند ، مرا فدایت گرداند! از آن پس ، همسر عثمان ، نزد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد ، در حالی که سر و وضعی خوش داشت و بوی عطر می داد .

2 / 7 الزُّيِّ وَاللِّبَاسُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَمَّا عَاتَبَهُ الْجَعْدُ بْنُ بَعْجَةَ (1) فِي لِبَاسِهِ - : مَا لَكُمْ وَلِلْبَاسِ ؟ هُوَ أَبَعَدُ مِنَ الْكِبَرِ ، وَأَجْدَرُ أَنْ يَقْتَدِيَ بِحَيِّ الْمُسْلِمِ . (2)

عنه عليه السلام - لَمَّا رُئِيَ عَلَيْهِ إِزَارٌ خَلَقَ مَرْقُوعٌ ، فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ ، فَقَالَ - : يَخْشَعُ لَهُ الْقَلْبُ ، وَتَدِلُّ بِهِ النَّفْسُ ، وَيَقْتَدِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ . (3)

1- .. هو رجل من أهل البصرة من الخوارج .

2- .. مسند ابن حنبل: ج 1 ص 197 ح 703 ، المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 154 ح 4687 نحوه وكلاهما عن زيد بن وهب ، كنز العمال: ج 11 ص 297 ح 31560 ؛ العمدة: ص 448 ح 935 .

3- .. نهج البلاغة: الحكمة 103 ، خصائص الأئمة: ص 96 ، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 250 ح 743 ، بحار الأنوار: ج 41 ص 59 ح 12 ؛ الطبقات الكبرى: ج 3 ص 28 ، فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 1 ص 549 ح 923 كلاهما عن عمرو بن قيس نحوه ، كنز العمال: ج 13 ص 181 ح 36542 .

2 / 7 شکل ظاهری و لباس

7 / 2 شکل ظاهری و لباس امام علی علیه السلام در پاسخ جَعْد بن بَعَجَه (1) که ایشان را به خاطر لباسش سرزنش کرد _ شما را به جامه چه کار؟ این جامه ، از تکبّر به دورتر است ، و سزاوارتر است که مسلمان به من اقتدا کند .

امام علی علیه السلام چون ایشان را دیدند که اِزارِی کهنه و پینه دار پوشیده و در این باره بر ایشان خُرده گرفتند _ با این اِزار ، دل ، فروتن می شود ، و نَفَس ، خوار می گردد ، و مؤمنان بدان اقتدا می کنند .

1- او مردی از خوارج بصره است .

الفصل الثالث : الأسي السيئة 3 / 1 الشيطان «بأيتها الذين ءامنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان و من يتبع خطوات الشيطان فإنه يأمر بالفحشاء و المنكر ولولا فضل الله عليكم و رحمته ما زكى منكم من أحد أبداً و لكن الله يزكى من يشاء و الله سميع عليم» . (1)

«ولولا فضل الله عليكم و رحمته لاتبعتم الشيطان إلا قليلاً» . (2)

«إن عبادي ليس لك عليهم سلطان إلا من اتبعك من الغاوين» . (3)

2 / 3 البهائم الكتاب «ولقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس لهم قلوب لا يفقهون بها و لهم أعين لا يبصرون بها و لهم آذان لا يسمعون بها أولئك كالأنعام بل هم أضل أولئك هم الغافلون» . (4)

1- .. النور: 21.

2- .. النساء: 83.

3- .. الحجر: 42.

4- .. الأعراف: 179.

فصل سوم : الگوهای ناشایست

3 / 1 شیطان

3 / 2 چارپایان

فصل سوم : الگوهای ناشایست 3 / 1 شیطان «ای کسانی که ایمان آورده اید! پای بر جای گام های شیطان منهدید، و هر کس پای بر جای گام های شیطان نهد، [بدانند که] او (شیطان) به زشتکاری و ناپسندی وا می دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاك نمی شد؛ ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد، پاك می کند، و خدا شنوای داناست» .

«اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هر آینه از شیطان پیروی می کردید، مگر اندکی [از شما]» .

«در حقیقت، تو را بر بندگان من، تسلطی نیست، مگر کسانی از گم راهان که تو را پیروی کنند» .

3 / 2 چارپایانقرآن «هر آینه، ما بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم . آنان را دل هایی است که با آن نمی فهمند، و چشمانی است که با آنها نمی بینند، و گوش هایی است که با آنها نمی شنوند. آنان، همانند چارپایان، بلکه گم راه ترند. آنها همان غافل ماندگان اند» .

الحديثاً لإمام علي عليه السلام في الحكم المنسوبة إليه - يا عجباً للناس ، قد مكّنهُم الله من الإقتداء به ، فيدعون ذلك إلى الإقتداء بالبهائم! (1)

عنه عليه السلام من كتاب كتبه إلى عثمان بن حنيف - وإيم الله - يمينا أستشي فيها بمشيئة الله - لأروصن نفسي رياضة تهش (2) معها إلى القرص إذا قدرت عليه مطعوما ، وتقع بالملح مادوما (3) ، ولأدعن مقلتي كعين ماء نضب (4) معينها ، مستفرغة دموعها . أتمتلي السائمة (5) من رعيها فترك (6) ؟ وتشبع الربيضة عن عشبها فتربض (7) ؟ ويأكل علي من زاده فيهجع (8) ؟ قررت إذا عينه إذا اقتدى بعد السنين المتطاولة بالبهيمة الهاملة ، والسائمة المرعية! (9)

3 / 3 الجاهلون الكتاب «قال قد أحييت دعوتكما فاستقيما ولا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون» . (10)

- 1- .. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 332 ح 804 .
- 2- .. هس لهذا الأمر يهش ؛ إذا فرح به واستبشر ، وارتاح له وخفّ (النهاية : ج 5 ص 264 «هشش»).
- 3- .. الإدام والأدم : ما يؤكل مع الخبز أي شيء كان (النهاية : ج 1 ص 31 «أدم»).
- 4- .. نضب الماء : غار في الأرض (المصباح المنير : ص 609 «نضب»).
- 5- .. السائمة من الماشية : الراعية (النهاية : ج 2 ص 426 «سوم»).
- 6- .. برك البعير : إذا أناخ في موضع فلزمه (لسان العرب : ج 10 ص 396 «برك»).
- 7- .. رُبوض الغنم والبقر والفرس : مثل بروك الإبل وجثوم الطير (الصحاح : ج 3 ص 1076 «ربض»).
- 8- .. الهُجوع : النوم (الصحاح : ج 3 ص 1305 «هجع»).
- 9- .. نهج البلاغة: الكتاب 45 ، بحار الأنوار : ج 40 ص 342 ح 27 .
- 10- .. يونس : 89.

3 / 3 نادانان

حدیث امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان _ :شگفتا از مردم که خداوند به آنها توانایی اقتدا کردن به او را داده است ؛
 اما او را می گذارند و به چارپایان اقتدا می کنند!

امام علی علیه السلام در نامه ای به عثمان بن حنیف _ :سوگند به خدا _ سوگندی که در آن خواست خدا را استثنا می کنم _ ، چنان نفس خود را ریاضت می دهم که به گرده نانی ، هر گاه برای خوردن بیابم ، شاد گردد ، و از نان خورش ، به نمک ، قناعت کند ، و چنان اشک می ریزم که کاسه چشم ، چونان چشمه ای خشکیده در آید ، و اشک هایش به پایان رسد. آیا چنان که چرندگان در چراگاهشان پُرخورند و سپس می خسبند ، و گوسفندان از علف ، سیر می شوند و در آغل خود می آسایند ، علی هم از توشه اش بخورد و بیاساید؟ چشمش روشن که پس از سالیان دراز ، به چارپایان بیابان چر و حیوانات علف چر اقتدا کند!

3 / 3 نادانانقرآن «گفت : دعای شما دو نفر پذیرفته شد . پس به راه راست بروید و از راه کسانی که نمی دانند ، پیروی مکنید» .

«قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ». (1)

«سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ». (2)

الحديث للإمام علي عليه السلام: الناس ثلاثة: عالم رباني، ومتعلم على سبيل نجاة، وهمج رعاغ أتباع كل ناعق؛ يميلون مع كل ريح، لم يستضيئوا بنور العلم، ولم يلجؤوا إلى ركن وثيق. (3)

3 / 4 المضيد لونا لكتاب «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْدَلُوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ». (4)

«إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ * وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنْ لَنَا كَرَّةٌ فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ». (5)

1- .. الزمر: 64.

2- .. الأنعام: 148.

3- .. الأمالي للمفيد: ص 247 ح 3، نهج البلاغة: الحكمة 147 كلاهما عن كميل، الخصال: ص 186 ح 257، بحار الأنوار: ج 1 ص 188 ح 4؛ تهذيب الكمال: ج 24 ص 220 الرقم 4996، تاريخ دمشق: ج 14 ص 18 ح 1492 كلاهما عن كميل، كنز العمال: ج 10 ص 263 ح 29391.

4- .. المائدة: 77.

5- .. البقرة: 166 و 167.

3 / 4 گم راه کنندگان

«بگو: ای نادانان! آیا مرا دستور می دهید که جز خدا را بپرستم؟» .

«کسانی که شرك ورزیدند، به زودی خواهند گفت: «اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدرانمان شرك نمی ورزیدیم و چیزی را [خودسرانه [تحریم نمی کردیم». کسانی هم که پیش از آنان بودند، همین گونه تکذیب کردند، تا این که عقوبت ما را چشیدند. بگو: آیا نزد شما دانشی هست که برای ما آشکارش کنید؟ شما جز از گمان، پیروی نمی کنید و جز دروغ نمی گوید» .

حدیث امام علی علیه السلام: مردم، سه دسته اند: دانشمند خدایی، و آموزنده در مسیر رستگاری، و توده ای نادان که در پی هر بانگی می روند، و با هر بادی، این سو و آن سو می شوند، و نه از نور دانش، بهره ای گرفته اند، و نه به پناهگاهی استوار، پناه برده اند .

3 / 4 گم راه کنندگانقرآن «بگو: ای اهل کتاب! در دینتان به ناحق گزافه گویی نکنید، و از پی هوس های گروهی که پیش از این، گم راه شدند و بسیاری [از مردم] را گم راه کردند و خود از راه راست، منحرف گشتند، نروید» .

«آن گاه که پیشوایان از پیروان، بیزاری می جویند و عذاب را مشاهده می کنند و پیوندهایشان بریده می گردد، پیروان می گویند: «کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند، ما نیز از آنان بیزاری می جستیم!» . این گونه، خداوند، کارهایشان را _ که بر آنان مایه حسرت هاست _ به آنان می نمایاند، و از آتش، بیرون آمدنی نیستند» .

الحديث للإمام عليّ عليه السلام في كتابه إلى معاوية - أما بعد ، فقد أتتني منك موعظة موصلة ، ورسالة محبرة ، نمتتها (1) بضلالك ، وأمصت بيتها بسوء رأيك ، وكتاب امرئ ليس له بصدر يهديه ، ولا قائد يرشده ، قد دعاه الهوى فأجابته ، وقاده الضلال فاتبته ، فهجر (2) لاغطا (3) ، وصل خابطا . (4)

عنه عليه السلام : إن من أبغض الخلق إلى الله عز وجل لرجلين : رجل وكله الله إلى نفسه ؛ فهو جائر عن قصد السبيل ، مشعوف (5) بكلام بدعة ، قد لهج (6) بالصوم والصلاة ، فهو فتنة لمن افتتن به ، ضال عن هدي من كان قبله ، مضل لمن اقتدى به في حياته وبعد موته ، حمال خطايا غيره ، زهن بخطيئته (7)

عنه عليه السلام : لبس الخلف خلف يتبع سلفا هوى في نار جهنم! (8)

- 1- .. موعظة موصلة : أي مجموعة الألفاظ من هاهنا وهاهنا ، وذلك عيب في الكتابة والخطابة . والرسالة المحبرة : المزيّنة الألفاظ . والتتميق : التزيين أيضا (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 14 ص 41) .
- 2- .. هجر : إذا خلط في كلامه ، وإذا هذى (النهاية : ج 5 ص 245 «هجر») .
- 3- .. اللغط : الصوت والجلبة (الصحاح : ج 3 ص 1157 «لغط») .
- 4- .. نهج البلاغة: الكتاب 7 ، معادن الحكمة : ج 1 ص 436 ح 78 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 81 ح 400 .
- 5- .. في بعض النسخ : «مشعوف» بالغين المعجمة وفي بعضها بالمهملة . وعلى الأول معناه : دخل حبّ كلام البدعة شغاف قلبه ؛ أي حجاب ، وقيل : سويداءه . وعلى الثاني : غلبه حبّه وأحرقه ، فإنّ الشعف _ بالمهملة _ : شدة الحبّ وإحراقه القلب (مرآة العقول : ج 1 ص 187) .
- 6- .. اللّهج بالشيء : الولوع فيه والحرص عليه . أي هو حريص على الصوم والصلاة ؛ وبذلك يفتتن به الناس (مرآة العقول : ج 1 ص 187) .
- 7- .. الكافي : ج 1 ص 55 ح 6 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام ، نهج البلاغة : الخطبة 17 ، الاحتجاج : ج 1 ص 621 ح 143 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 97 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 284 ح 2 .
- 8- .. نهج البلاغة: الكتاب 17 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 105 ح 407 .

حدیث امام علی علیه السلام در نامه اش به معاویه _ : از جانب تو ، اندرزنامه ای وصله پینه شده و نامه ای آراسته به من رسید که آن را با فریبکاری های خود ، آراسته ای و با بداندیشی فرستاده ای . نامه ای است از سوی مردی که او را نه دیده ای هست که راهش بنماید ، و نه راهبری که ارشادش کند ؛ بلکه هوس ، او را فرا خوانده و او اجابتش کرده است ، و گم راهی ، افسارش را گرفته و او در پی آن ، حرکت می کند . هدیان گویی هایی آشفته ، بر نوشته ، و بی هدف در کج راهه گام برداشته است .

امام علی علیه السلام : از منفورترین خ_ لایق در نزد خ_ داوند عز و جل ، دو مردن_ د : مردی که خداوند ، او را به خود ، وانهاده است . چنین فردی از راه راست به در رفته ، به گفتار بدعت آمیز ، دل بسته است و با این حال ، از نماز و روزه دم می زند (/ به نماز و روزه ، تظاهر می کند) . او برای کسی که مفتونش شود ، مایه گم راهی است ، و از مسیر درستِ پیشینیانش منحرف گشته ، و در زندگی و پس از مرگش ، گم راه کننده کسی است که از او پیروی کند . باربرِ گناهان دیگران است ، و گروگان گناه خویش

امام علی علیه السلام : چه بد بازمانده ای است آن بازمانده که از پیشینیانی که در آتش دوزخ سرنگون گشته اند ، پیروی کند!

الإمام الباقر عليه السلام_ في قولِ الله عز و جل : «وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (1) _ هل رأيت شاعراً يتبعه أحد؟ إنما هم قومٌ تفقهوا لغير الدين ، فضّلوا وأضلّوا . (2)

3 / 5 المُستكبرون والكتاب «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا السَّبِيلَا * رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَ الْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا» . (3)

«وَ تِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ عَصَوْا رُسُلَهُ وَ اتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» . (4)

«وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَ لَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا أَنْحُنُ صَدْدًا كُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ * وَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَ أَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَ جَعَلْنَا الْأَعْمَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (5)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام : قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله : الفقهاءُ أمناءُ الرُّسُلِ ما لم يدخلوا في الدنيا . قيلَ يا رسولَ الله : وما دخلُهم في الدنيا ؟ قال : إتباعُ السُّلطانِ ، فإذا فعلوا ذلكَ فأحذروهم على دينكم . (6)

1- .. الشعراء: 224.

2- .. معاني الأخبار: ص 385 ح 19 عن حماد بن عثمان ، بحار الأنوار : ج 2 ص 108 ح 9 .

3- .. الأحزاب: 67 و 68.

4- .. هود: 59.

5- .. سبأ: 31 _ 33.

6- .. الكافي : ج 1 ص 46 ح 5 عن السكوني ، منية المرید : ص 138 ، النوادر للراوندي : ص 156 ح 226 ، جامع الأحاديث للقمي : ص 104 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 2 ص 36 ح 38 ؛ الفردوس : ج 3 ص 75 ح 4419 نحوه ، كنز العمال : ج 10 ص 183 ح 28953 .

امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل که: «و شاعران را گم راهان، دنباله روی می کنند» - آیا هرگز دیده ای که شاعری پیرو داشته باشد؟ [مقصود از «شاعران» در این آیه] جماعتی هستند که برای غیر دین خدا فقه آموختند (1) و در نتیجه، هم خود، گم راه شدند و هم دیگران را گم راه کردند.

3 / 5 مُستکبران قرآن «و گفتند: پروردگارا! همانا ما از سروران و بزرگانمان فرمان بردیم و آنها ما را گم راه ساختند. پروردگارا! آنان را دو چندان، عذاب ده و لعنتشان کن، لعنتی بزرگ».

«و این، [قوم] عاد بودند که آیات پروردگارشان را انکار کردند، و فرستادگانش را نافرمانی نمودند، و به دنبال فرمان هر زورگوی ستیزه جویی رفتند».

«و کسانی که کافر شدند، گفتند: نه به این قرآن و نه به آن [توراتی] که پیش از آن است، هرگز ایمان نخواهیم آورد. و ای کاش بیدادگران را، هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده اند، می دیدی که [چگونه] برخی از آنان با برخی [دیگر، جدل و] گفتگو می کنند. کسانی که زیردست بوده اند، به کسانی که [ریاست و] برتری داشته اند، می گویند: اگر شما نبودید، قطعاً ما مؤمن بودیم. کسانی که [ریاست و] برتری داشته اند، به کسانی که زیردست بوده اند، می گویند: مگر ما بودیم که شما را از هدایت - پس از آن که به سوی شما آمد - باز داشتیم؟ [نه؛] بلکه خودتان گناهکار بودید. و کسانی که زیردست بوده اند، به کسانی که برتری داشته اند، می گویند: [نه؛] بلکه نیرنگ شب و روز [شما بود]، آن گاه که ما را وادار می کردید که به خدا کافر شویم و برای او همتیانی قرار دهیم. و هنگامی که عذاب را ببینند، پشیمانی خود را آشکار می کنند، و در گردن های کسانی که کافر شده اند، غل ها می نهیم. آیا جز به سزای آنچه انجام می دادند، می رسند؟».

حدیث امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «فقیهان، نمایندگان مورد اعتماد پیامبران اند، تا زمانی که وارد دنیا نشوند». گفته شد: ای پیامبر خدا! وارد شدن آنها به دنیا، به چیست؟ فرمود: «به پیروی از سلطان. هر گاه چنین کردند، از آنان بر دینتان بترسید».

1- یعنی دین و احکام آن را از روی هوای نفس و برای اغراض غیر خدایی فرا گرفته است. (م)

الإمام علي عليه السلام: تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِتَوْحِيدِهِ، وَطَاعَةِ مَنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تُطِيعُوهُ، وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ، وَلَا يَجْنَحُ بِكُمْ الْغِيُّ فَتَضَلُّوا عَنِ سَبِيلِ الرَّشَادِ بِاتِّبَاعِ أَوْلِيَاكِ الَّذِينَ صَدَلُوا وَأَضَلُّوا، قَالَ اللَّهُ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ فِي طَائِفَةٍ ذَكَرَهُمْ بِالْذَّمِّ فِي كِتَابِهِ: «إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُتِبَ عَلَيْنَا فَاصَدَلْنَا السَّبِيلَ» * رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا (1)، «فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَلْنَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ» (2). أَفَتَدْرُونَ الْإِسْتِكْبَارَ مَا هُوَ؟ هُوَ تَرْكُ الطَّاعَةِ لِمَنْ أَمَرُوا بِطَاعَتِهِ، وَالتَّرَفُّعِ عَلَى مَنْ نُدِبُوا إِلَى مُتَابَعَتِهِ، وَالْقُرْآنُ يَنْطِقُ مِنْ هَذَا عَنْ كَثِيرٍ، إِنْ تَدَبَّرَهُ مُتَدَبِّرٌ زَجَرَهُ وَعَوَّظَهُ. (3)

عنه عليه السلام في التَّحذِيرِ مِنَ الْفِتَنِ - :إِنَّكُمْ مَعَشَرَ الْعَرَبِ أَغْرَضُ (4) بِلَايَا قَدِ اقْتَرَبَتْ، فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النِّعْمَةِ، وَاحذَرُوا بَوَائِقَ (5) النِّقْمَةِ، وَتَتَّبِعُوا فِي قِتَامِ (6) الْعِشْوَةِ (7) وَأَعْوِجَاجِ الْفِتْنَةِ عِنْدَ طُلُوعِ جَنِينِهَا، وَظُهُورِ كَمِينِهَا، وَانْتِصَابِ قُطْبِهَا، وَمَدَارِ رِحَاهَا. تَبَدُّأً فِي مَدَارِجِ حَفِيَّةٍ، وَتَوَوُّلٍ إِلَى فِطَاعَةِ جَلِيَّةٍ. شَبَابُهَا كَشِبَابِ الْغَلَامِ، وَأَثَارُهَا كَأَثَارِ السَّلَامِ (8). يَتَوَارَثُهَا الظُّلْمَةُ بِالْعُهُودِ، أَوْلُهُمْ قَائِدٌ لِأَخْرِهِمْ، وَأَخْرَهُمْ مُقْتَدٍ بِأَوْلِهِمْ، يَتَنَافَسُونَ فِي دُنْيَا دَنِيَّةٍ، وَيَتَكَالَبُونَ عَلَى جِيْفَةٍ مَرِيحَةٍ (9)، وَعَنْ قَلِيلٍ يَتَبَرَّأُ التَّابِعُ مِنَ الْمَتَّبِعِ، وَالْقَائِدُ مِنَ الْمَقُودِ، فَيَتَرَايِلُونَ (10) بِالْبُغْضَاءِ، وَيَتَلَاعَنُونَ عِنْدَ اللَّقَاءِ. (11)

1- .. وتَمَامُ الْآيَةِ: «وَإِذْ يَتَحَايَجُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاؤُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيًّا مِنَ النَّارِ» (غافر: 47).

2- .. وتَمَامُ الْآيَةِ: «وَبَرُّوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاؤُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ» (إبراهيم: 21). وَيَحْتَمَلُ أَنْ يَكُونَ وَقَعَ خَلْطٌ مِنَ النَّسَاحِ هُنَا؛ لِشَبَابِهِ الْآيَتَيْنِ، وَاللَّهُ الْعَالِمُ.

3- .. مِصْبَاحُ الْمُتَهَجَّدِ: ص 756 ح 843، مِصْبَاحُ الزَّائِرِ: ص 158 كِلَاهِمَا عَنِ الْفَيَاضِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الطَّرْسُوسِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 97 ص 116 ح 8.

4- .. الْعَرَضُ: الْهَدَفُ (النَّهْيَةُ: ج 3 ص 360 «غرض»).

5- .. الْبَوَائِقُ: وَاحِدُهَا بَانِقَةٌ؛ وَهِيَ الدَّاهِيَةُ (النَّهْيَةُ: ج 1 ص 162 «بوق»).

6- .. الْقِتَامُ: الْعُبَارُ الْأَسْوَدُ (المِصْبَاحُ الْمُنِيرُ: ص 490 «قتم»).

7- .. الْعِشْوَةُ - بِالضَّمِّ وَالْفَتْحِ وَالْكَسْرِ - : الْأَمْرُ الْمَلْتَبِسُ؛ مَا خُذَ مِنْ عَشْوَةِ اللَّيْلِ (النَّهْيَةُ: ج 3 ص 242 «عشا»).

8- .. السَّلَامُ: الْحِجَارَةُ (الصِّحَاحُ: ج 5 ص 1950 «سلم»).

9- .. يُقَالُ: أَرَاخَ اللَّحْمُ: أَيِ أَنْتَرَ (لسانُ الْعَرَبِ: ج 2 ص 458 «روح»).

10- .. الْمُرَايَلَةُ: الْمَفَارَقَةُ. وَالتَّرَايَلُ: التَّبَايُنُ (الصِّحَاحُ: ج 4 ص 1720 «زيل»).

11- .. نَهَجُ الْبَلَاغَةِ: الْخُطْبَةُ 151.

امام علی علیه السلام: با یگانه داشتن خداوند و فرمان بردن از کسی که شما را به فرمان برداری از او امر کرده است، به خداوند، نزدیک شوید و به ریسمان های کافران چنگ مزیند، و [مواظب باشید که] اغواگری ها شما را به کج راه نبرد، که در آن صورت، با پیروی از آنان _ که گم راه و گم راه کننده اند _ از راه راست، گم راه می شوید. خداوند ارجمند، در باره گروهی که از آنان در کتاب خود با نکوهش یاد کرده، می فرماید: «همانا ما از سروران و بزرگانمان فرمان بردیم و آنها ما را گم راه ساختند. پروردگارا! آنان را دو چندان، عذاب ده و لعنتشان کن، لعنتی بزرگ»، و می فرماید: «و آن گاه که در آتش، با یکدیگر بحث می کنند، و ضعیفان به مستکبران می گویند: ما پیرو شما بودیم». حال آیا چیزی را از عذاب خدا، از ما برطرف می سازید؟ مستکبران می گویند: «اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت کرده بودیم». آیا می دانید «استکبار» چیست؟ استکبار، فرمان نبردن از کسی است که به فرمان برداری از او امر شده اند، و گردن فرازی در برابر کسی که به پیروی از او فرا خوانده شده اند. قرآن در این باره بسیار سخن گفته است. اگر اندیشمنده ای در آن (قرآن) اندیشه کند، او را هشدار و اندرز خواهد داد.

امام علی علیه السلام در بر حذر داشتن از فتنه ها _ شما _ ای گروه عرب _ آماج بلاهایی هستید که نزدیک شده اند. پس، از سرمستی های نعمت بترسید، و از سختی های کیفر [الهی] بپرهیزید، و در فضای غبار آلود شبهه (تردید)، و کژی فتنه، آن گاه که نوزادش بر می آید، و از کمینش رها می شود، و ستون آن راست می گردد، و آسیابش به چرخش در می آید، درنگ کنید (از فرو رفتن در شبهات و فتنه ها باز ایستید)، که فتنه، از راه های پنهانی وارد می گردد؛ ولی سرانجام، چهره زشت و هولناکش را نمایان می سازد. شور و شرش چون شور و شر جوان است، و آثارش چون آثار سنگ. ستمگران، فتنه را به هم می سپارند و از یکدیگر به ارث می برند. نخستین آنان [در این راه]، پیشوای آخرینشان است، و آخرینشان به نخستین آنها اقتدا می کند. برای دنیای پست با یکدیگر به رقابت بر می خیزند، و بر سر مُرداری گنبدیده، به جان یکدیگر می افتند؛ اما زودا که پیرو از پیشرو، و جلودار از دنباله رو، بیزاری بجوید [و گناه را به گردن او اندازد]، و با نفرت و کین، از یکدیگر جدا شوند، و به هنگام دیدار، یکدیگر را نفرین کنند.

3 / 6 المُفْسِدُونَ «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ». (1)

7 / المُجْرِمُونَ «وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ». 2 .

3 / 6 مُفسدان

3 / 7 مُجرمان

3 / 6 مُفسدان «و با موسی ، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر ، تمام کردیم ، تا آن که وقت معین پروردگارش در چهل شب ، به سر آمد ، و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت: در میان قوم من ، جانشینم باش و [کار آنان را] اصلاح کن ، و راه فسادگران را پیروی مکن» .

3 / 7 مُجرمانقرآن «و ما را گم راه نکردند ، مگر مجرمان» . 1

الحديث بالإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ» - يعنني المشركين الذين اقتدوا بهم هؤلاء فاتبعوهم على شركهم، وهم قوم محمد صلى الله عليه وآله، ليس فيهم من اليهود والنصارى أحد. (1)

1- .. الكافي: ج 2 ص 31 ح 1 عن محمد بن سالم، بحار الأنوار: ج 69 ص 88 ح 30.

حدیث امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای متعال که: «و ما را گم راه نکردند، مگر مجرمان» _ : [مجرمان] یعنی مشرکانی که این افراد [گم راه شده] به آنها افتدا کردند و در شرك ورزی خویش، پیرو آنان بودند. اینها (گم راه شدگان) از اُمَّتِ مُحَمَّدِ صَلَّی اللہ علیہ و آلہ ہستند و حتّیٰ یک نفرشان از میان یہود و نصارا نیست.

ص: 250

14 . مُؤاسات

اشاره

.

.

14 . مُواساتدرآمدفصل یکم : تشویق به مواساتفصل دوم : انواع مواساتفصل سوم : خاستگاه های مواساتفصل چهارم : آثار مواسات .

مواسات، در لغت

درآمد مواسات، در لغت مواسات (1) مانند «أسوه»، از ماده «أسو» است. این ماده بر درمان و تیمار و اصلاح کردن، دلالت دارد، و «واسدیتة» ساخت دیگری است از «أسدیتة». فیروزآبادی در معنای «مواسات» می گوید: آسَاهُ بِمَالِهِ مُوَسَاةً: أَنَالَهُ مِنْهُ وَ جَعَلَهُ فِيهِ أُسْوَةً، [أَوْ لَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا مِنْ كَفَافٍ، فَإِنْ كَانَ مِنْ فَضْلَةٍ، فَلَيْسَ بِمُوَسَاةٍ. (2) عبارت «آساه بماله مواساة» یعنی از مال خود به او بخشید و او را در آن شریک گردانید. و مواسات، در جایی است که شخص از کفاف خود، به کسی ببخشد، و اگر از اضافه کفافش بدهد، مواسات نیست. از هری با افزودن معنایی دیگر برای «مواسات» می نویسد: يُقَالُ: هُوَ يُوَسِّي فِي مَالِهِ، أَي يُسَاوِي، وَ يُقَالُ: رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا أَعْطَى مِنْ فَضْلٍ، وَ

-
- 1- مواسات، همچنان که در عربی به معانی متعدّد و متفاوت به کار رفته است، در فارسی نیز معادل های مختلف گرفته است، که عبارت اند از: فداکاری، از خود گذشتگی، نیکخواهی، خیراندیشی، خیررسانی، حمایت، رعایت، به یک چشم دیدن، غمخواری، همدردی، شریک ساختن، و... (ر. ک: لغت نامه دهخدا، فرهنگ جامع کاربردی فرزانه، فرهنگ معاصر عربی-فارسی).
- 2- القاموس المحيط: ج 4 ص 299 ماده «أسو».

وإسی من کفافی؛ من هذا. (1) گفته می شود: «هو یؤاسی فی ماله» یعنی: مال خود را به طور مساوی تقسیم می کند (می بخشد). نیز گفته می شود: «رحم الله رجلاً أعطی من فضل و واسی من کفافی» یعنی: خدا رحمت کند مردی را که از اضافه بر نیازش، به دیگران ببخشد و از کفافی خود، به دیگران کمک کند! بنا بر این، همدردی با دیگران و شریک ساختن آنان در بهره گیری از مواهب زندگی، از آن جهت که نوعی درمان و اصلاح اجتماعی است، «مواسات» نامیده می شود. نکته قابل توجه در «مواسات مالی»، این است که شرط تحقق آن، نیازمند بودن شخص به چیزی است که در اختیار دیگران می گذارد. به بیان روشن تر، کمک کردن به دیگران، سه درجه دارد که هر یک، عنوانی خاص و ارزشی متفاوت با دیگری دارد: درجه اول: کمک کردن به نیازمندان از اضافه بر نیاز خود. این نوع از کمک کردن، با توجه به چگونگی آن، «انفاق»، «اهداء»، «صدقه» و «سخاء» و امثال آن نامیده می شود. درجه دوم: شریک کردن نیازمندان با خویش و سهم کردن آنها در آنچه خود بدان نیازمند و علاقه مند است. این نوع کمک رسانی، «مواسات» نامیده می شود. درجه سوم: واگذار کردن همه آنچه خود بدان نیاز دارد، به دیگران. این نوع از کمک رسانی، از بالاترین ارزش های اخلاقی شمرده می شود و «ایثار» نام دارد.

مواسات، در حدیث

1. انواع مواسات

مُواسات، در حدیث‌کاربرد «مواسات» در احادیث اسلامی، منطبق بر ریشه لغوی آن است، بدین معنا که این کلمه، گاه در سهمیم کردن دیگران با خود در بهره‌گیری از مواهب زندگی و امکانات مادی مورد نیاز خویش، و گاه در رعایت عدالت در برخورد با دیگران، به کار می‌رود. تأسّی و مواسات، با عنایت به ریشه لغوی آنها، دوره نمود مهمّ فرهنگی اسلام در جهت ایجاد اصلاحات اخلاقی، اقتصادی و حقوقی در جامعه‌اند. تأسّی جستن به کسانی که از غنای اخلاقی برخوردارند و تلاش نمودن برای همسان‌سازی خود با آنان، از فقر اخلاقی می‌کاهد، چنان‌که «مواسات» به معنای اولش، فاصله طبقاتی را کاهش می‌دهد و به معنای دومش، زمینه‌ساز برخورداری همگان از حقوق عادلانه و یکسان خواهد بود. با توجّه به این تفسیر از «مواسات»، چند نکته در احادیث این بخش، قابل توجّه‌اند:

1. انواع مواسات‌اشاره کردیم که «مواسات» در احادیث اسلامی، دو معنا دارد: الف. همدردی با دیگران در نیازها و مشکلاتشان و سهمیم ساختن آنان در امکانات زندگی خویش، چنان‌که در حدیثی از امام صادق علیه السلام در بیان سپاهیان خرد و نادانی، آمده است: **وَالْمُؤَاَسَاةُ وَضِدَّهَا الْمَنْعُ**. (1) و مواسات، که ضدّ آن، منع است.

2. دلیل تأکید بر مواسات مالی

شایان ذکر است که این معنا از مواسات، دو نوع دارد: یکی مواسات با مال و امکانات مادی (1) و دیگری مواسات با جان به هنگام خطر (2). رعایت حقوق دیگران به طور یکسان. این معنا از مواسات نیز انواع فراوانی دارد، مانند: مواسات در حکومت (به معنای عدالت اجتماعی و برخورد یکسان با یکایک افراد جامعه)، مواسات در قضاوت، به معنای عدالت قضایی و برخورد یکسان با طرفین دعوا)، مواسات در تعلیم (به معنای عدالت آموزشی و برخورد مساوی با همه دانش آموزان) و مواسات در خانواده (به معنای عدم تبعیض و رعایت مساوات در ابراز محبت به فرزندان). (3)

2. دلیل تأکید بر مواسات مالی بررسی احادیث این بخش، نشان می دهد که بیشتر احادیث «مواسات»، در باره مواسات مالی است. از این رو، این سؤال، قابل طرح است که دلیل این همه تأکید بر مواسات مالی چیست؟ آیا اهمیت و ارزش این نوع از مواسات، بیش از سایر انواع آن است؟ پاسخ، این است که برخی از انواع مواسات غیر مالی (مانند مواسات با جان)، نه تنها ارزششان از مواسات مالی کمتر نیست، بلکه بی تردید، از ارزش بیشتری برخوردارند. بنا بر این، دلیل تأکید احادیث اسلامی بر مواسات مالی، به دلیل نیاز بیشتر جامعه به فرهنگ شدن این نوع مواسات است. از سوی دیگر، مواسات مالی، مقدمه مواسات جانی است و کسی که نمی تواند

1- ر. ک: ص 279 (مواسات / فصل دوم / مواسات با مال).

2- ر. ک: ص 283 (مواسات / فصل دوم / مواسات در جنگ).

3- ر. ک: ص 279 (مواسات / فصل دوم / انواع مواسات).

3. راه گسترش فرهنگ مواسات در جامعه

4. برکات مادّی و معنوی مواسات

دیگری را در مال خود سهیم کند، بی تردید، برای حفظ جان او، خود را به خطر نمی افکند.

3. راه گسترش فرهنگ مواسات در جامعه تأمل در احادیث فصل سوم، نشان می دهد که ارزش اخلاقی «مواسات»، به دوریشه باز می گردد: اول. اصالت و شرافت خانوادگی، که زمینه رشد همه فضایل اخلاقی و از جمله مواسات است و به فرموده امام علی علیه السلام: *إِنَّ مَوَاسَاةَ الرَّفَاقِ مِنْ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ*. (1) مواسات نسبت به دوستان (رفیقان)، از بزرگواری تبار است. دوم. اعتقادات دینی. بدون اعتقاد به دین، روح خودخواهی و منفعت طلبی انسان، مانع از مواسات و بالاتر از آن، مانع از ایثار می گردد؛ چرا که اگر جهان، فاقد شعور و معنا و تهی از حضور خداوند باشد، ارزش های اخلاقی نمی توانند مفهوم واقعی داشته باشند. بر این اساس، تقویت بنیاد خانواده و مذهب، تنها راه گسترش فرهنگ مواسات و نوع دوستی در جامعه است.

4. برکات مادّی و معنوی مواسات فصل چهارم، اختصاص به تبیین آثار و برکات مادّی و معنوی مواسات دارد. از نگاه احادیث اسلامی، مواسات مالی، موجب بقای محبّت و پیوند برادری، برکت یافتن مال و زیاد شدن روزی می شود و برجسته ترین اثر مادّی آن، ریشه کن شدن فقر و

نیاز از جامعه بشری است ، چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید : **أَمَا لَوْ فَعَلْتُمْ مَا احْتَجْتُمْ . (1)** اگر یاریگری می کردید ، نیازمند نمی شدید . همچنین از نظر معنوی ، مواسات ، یکی از اصول درستی و قوام دین و یکی از عوامل اجابت دعاست و طبق فرموده امام صادق علیه السلام ، مهم ترین اثر معنوی آن ، این است که شخص مواسات کننده ، مشمول این مژده الهی می گردد که : **«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * اذْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي . (2)** ای نفس آرام یافته! خشنود و خداپسند ، به سوی پروردگارت بازگرد ، و در میان بندگان وارد شو ، و در بهشت من ، وارد شو» .

1- ر . ك : ص 300 ح 67 .

2- فجر : آیه 30_27 .

الفصل الأول : الحث على المؤاساة 1 / 1 سيّد الأعمال رسول الله صلى الله عليه وآله : سيّد الأعمال ثلاث خصال : إنصافك الناس من نفسك ، ومؤاساة الأخ في الله عز وجل ، وذكر الله تبارك وتعالى على كل حال . (1)

الإمام علي عليه السلام : المؤاساة أفضل الأعمال . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : سيّد الأعمال ثلاثة : إنصاف الناس من نفسك حتى لا ترضى بشيء إلا رضيت لهم مثله ، ومؤاساتك الأخ في المال ، وذكر الله على كل حال ؛ ليس «سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر» فقط ، ولكن إذا ورد عليك شيء أمر الله عز وجل به أخذت به ، أو إذا ورد عليك شيء نهى الله عز وجل عنه تركته . (3)

1- .. الخصال: ص 125 ح 121 عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالي للطوسي : ص 577 ح 1192 عن محمد بن جعفر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الجعفریات : ص 230 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 392 ح 9 ؛ الزهد لابن المبارك : ص 257 ح 744 عن حجاج بن أرطاة عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، تاريخ أصبهان : ج 1 ص 219 الرقم 326 عن الحارث عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «أشد» بدل «سيّد»، كنز العمال : ج 15 ص 830 ح 43303 .

2- .. غرر الحكم: ج 1 ص 346 ح 1312 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 47 ح 1196 .

3- .. الكافي : ج 2 ص 144 ح 3 ، الأمالي للمفيد: ص 193 ح 23 ، الأمالي للطوسي : ص 680 ح 1446 كلها عن الجارود بن المنذر ، الخصال : ص 132 ح 139 عن زياد بن المنذر ، معاني الأخبار : ص 193 ح 4 عن أبي جارود المنذر الكندي وفيها «أشد» بدل «سيّد» ، بحار الأنوار : ج 69 ص 381 ح 42 .

فصل یکم : تشویق به مواسات

1 / 1 سرآمد کارها

فصل یکم : تشویق به مواسات 1 / 1 سرآمد کارهای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سرآمد کارها ، سه چیز است : انصاف داشتن با مردم ، مواسات با برادر [دینی] ، و هماره به یاد خداوند متعال بودن .

امام علی علیه السلام : مواسات ، برترین کارهاست .

امام صادق علیه السلام : سرآمد کارها ، سه کار است : انصاف داشتن با مردم ، به طوری که آنچه را برای خود می پسندی ، همانندش را برای آنان نیز پسندی ، و مواسات مالی با برادر [دینی] ، و ذکر خدا در همه حال ، و این ، تنها به گفتن «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر» نیست ؛ بلکه به این نیز هست که هر گاه با چیزی رو به روشدی که خداوند به آن فرمان داده است ، به کارش ببندی ، یا هر گاه با چیزی رو به روشدی که خداوند عز و جل از آن نهی کرده است ، آن را فرو بگذاری .

الأُمالي عن زُرْعَةَ عن الإمام الصادق عليه السلام ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ الْأَعْمَالِ هُوَ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ؟ قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ، وَلَا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَالصَّلَاةِ شَيْءٌ يَعْدِلُ الزَّكَاةَ ، وَلَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الصَّوْمَ ، وَلَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الْحَجَّ ، وَفَاتِحَةَ ذَلِكَ كُلِّهِ مَعْرِفَتُنَا ، وَخَاتِمَتُهُ مَعْرِفَتُنَا ، وَلَا شَيْءٌ بَعْدَ ذَلِكَ كَبِيرُ الْإِحْوَانِ ، وَالْمُؤَاسَاةِ بِبَدْلِ الدِّينَارِ وَالدَّرْهَمِ ؛ فَإِنَّهُمَا حَجْرَانِ مَمْسُوحَانِ ، بِهِمَا امْتَحَنَ اللَّهُ خَلْقَهُ بَعْدَ الَّذِي عَدَدْتُ لَكَ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: مَا تَقَرَّبَ الْمُؤْمِنُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ مُؤَاسَاةِ الْمُؤْمِنِ ، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (2) . (3)

1 / 2 مؤاساة الإخوان رسول الله صلى الله عليه وآله: لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةٌ حُقُوقٌ وَاجِبَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ: الْإِجْلَالُ لَهُ فِي عَيْنِهِ ، وَالْوُدُّ لَهُ فِي صَدْرِهِ ، وَالْمُؤَاسَاةُ لَهُ فِي مَالِهِ (4)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ لَهُ قَمِيصَانِ فَلْيَلْبَسْ أَحَدَهُمَا ، وَلْيَكُنِ الْآخَرَ لِأَخِيهِ . (5)

1- .. الأُمالي للطوسي: ص 694 ح 1478 ، إرشاد القلوب: ص 145 ، بحار الأنوار: ج 74 ص 318 ح 79 .

2- .. آل عمران: 92 .

3- .. جامع الأحاديث للقمي (الغايات): ص 192 .

4- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 398 ح 5850 ، الكافي: ج 2 ص 171 ح 7 عن أبي المأمون الحارثي عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال: ص 351 ح 27 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه ، الأُمالي للصدوق: ص 84 ح 51 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج 74 ص 222 ح 3 .

5- .. الأُمالي للطوسي: ص 538 ح 1162 ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 380 ح 2661 وفيه «وليُلبس» بدل «وليكن» ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 66 وفيه «وليُكس» بدل «وليكن» وكلُّها عن أبي ذرٍّ ، بحار الأنوار: ج 77 ص 90 ح 3 .

1 / 2 مواسات نسبت به برادران

الأمالی ، طوسی_ به نقل از زُرعه _ : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : بعد از شناخت (معرفت)، کدام عمل ، با ارزش تر است؟ فرمود : «بعد از شناخت ، هیچ چیزی با این نماز ، برابری نمی کند ، و بعد از شناخت و نماز ، چیزی با زکات ، برابری نمی کند ، و بعد از آن ، چیزی با روزه برابری نمی کند ، و بعد از آن ، چیزی با حج برابری نمی کند ، و آغاز و انجام همه اینها ، شناخت ماست ، و بعد از آن ، چیزی مانند نیکی کردن به برادران و مواسات با بخشیدن درهم و دینار نیست. درهم و دینار ، دو سنگِ دگرگون شده اند که خداوند ، بعد از آن چیزهایی که برایت بر شمردم ، به وسیله آن دو ، خلقش را می آزماید» .

امام کاظم علیه السلام : مؤمن با چیزی برتر از مواسات نسبت به مؤمن ، به خداوند عز و جل نزدیک نشده است ، و این ، همان سخن خدای متعال است که : «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید ، تا این که از آنچه دوست دارید ، انفاق کنید» .

1 / 2 مواسات نسبت به برادران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن را بر مؤمن ، هفت حق است که از جانب خداوند عز و جل بر او واجب گشته اند : او را در چشم خویش بزرگ بدارد ، در سینه خود ، دوستش بدارد ، در مال خود ، شریکش بگرداند... .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دو پیراهن دارد ، یکی از آن دو را بپوشد و دیگری را به برادرش بدهد .

مصادقة الإخوان عن خلاد السندي رفعه: أَبْطَأَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ، فَقَالَ: مَا أَبْطَأَ بِكَ؟ قَالَ: الْعُرِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: أَمَا كَانَ لَكَ جَارٌ لَهُ تَوْبَانٍ يُعِيرُكَ أَحَدَهُمَا؟ فَقَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا هَذَا لَكَ بِأَخٍ. (1)

الإمام علي عليه السلام: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ وَاسَاكَ، وَخَيْرٌ مِنْهُ مَنْ كَفَاكَ، وَإِنْ احتَاجَ إِلَيْكَ أَغْفَاكَ. (2)

عنه عليه السلام: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ وَاسَاكَ بِخَيْرِهِ، وَخَيْرٌ مِنْهُ مَنْ أَغْنَاكَ عَنْ غَيْرِهِ. (3)

عنه عليه السلام: أَخْوَكُ مُوَسِيكَ فِي الشَّدَّةِ. (4)

عنه عليه السلام: أَصْدَقُ الْإِخْوَانِ مَوَدَّةٌ أَفْضَلُهُمْ لِإِخْوَانِهِ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ مُوَسَاةٌ. (5)

عنه عليه السلام: جَمَالُ الْأُخُوَّةِ إِحْسَانُ الْعِشْرَةِ، وَالْمُوَسَاةُ مَعَ الْعُسْرَةِ. (6)

عنه عليه السلام_ في ذِكْرِ أَعْظَمِ الْأَصْحَابِ مَنْزِلَةً عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ كَانَ: . . . أَفْضَلُهُمْ عِنْدَهُ أَعَمَّهُمْ نَصِيحَةً لِلْمُسْلِمِينَ، وَأَعْظَمُهُمْ عِنْدَهُ مَنْزِلَةً أَحْسَنَهُمْ مُوَسَاةً وَمُؤَاوَزَةً. (7)

1- .. مصادقة الإخوان: ص 139 ح 4 .

2- .. غرر الحكم: ج 3 ص 427 ح 4988، عيون الحكم والمواعظ: ص 240 ح 4586 نحوه وليس فيه «من واساك»؛ الفصول المهمة لابن الصبّاغ: ص 115، مطالب السؤول: ج 1 ص 234 وليس فيهما ذيله .

3- .. غرر الحكم: ج 3 ص 432 ح 5013، عيون الحكم والمواعظ: ص 239 ح 4546 .

4- .. غرر الحكم: ج 1 ص 115 ح 420، عيون الحكم والمواعظ: ص 39 ح 844 وفيه «من واساك» بدل «مواسيك» .

5- .. غرر الحكم: ج 2 ص 446 ح 3238، عيون الحكم والمواعظ: ص 122 ح 2784 .

6- .. غرر الحكم: ج 3 ص 375 ح 4793، عيون الحكم والمواعظ: ص 221 ح 4298 .

7- .. معاني الأخبار: ص 82 ح 1 عن أبي هالة عن الإمام الحسن عن الإمام الحسين عليهما السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 318 ح 1 عن إسماعيل بن محمد عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 45 ح 1 عن الإمام الحسن عن الإمام الحسين عن الإمام علي عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 16 ص 151 ح 4؛ المعجم الكبير: ج 22 ص 157 ح 414، الطبقات الكبرى: ج 1 ص 424 كلاهما عن ابن أبي هالة التميمي عن الإمام الحسن عن الإمام الحسين عن الإمام علي عليهم السلام، كنز العمال: ج 7 ص 166 ح 18535 .

مصادقة الإخوان_ به نقل از خَلاَّد سندی ، در حدیثی که سند آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانده است _ :مردی دیرتر به نزد پیامبر خدا آمد . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «چرا دیر کردی؟» . گفت : برهنگی موجب شد ، ای پیامبر خدا! فرمود : «آیا همسایه ای نداشتی که دو جامه داشته باشد و یکی را به تو عاریه دهد؟» . گفت : چرا ، ای پیامبر خدا! فرمود : «او برادر تو نیست» .

امام علی علیه السلام :بهترین برادران تو ، کسی است که تو را در مال خود ، سهیم کند ، و بهتر از او کسی است که تو را بسنده باشد و اگر به تو نیاز پیدا کرد ، معافَت بدارد .

امام علی علیه السلام :بهترین برادر تو ، کسی است که در خیرش تو را سهیم کند ، و بهتر از او کسی است که تو را از دیگری بی نیاز گرداند .

امام علی علیه السلام :برادر تو ، سهیم کننده تو در امکانات زندگی در هنگام سختی [و تنگ دستی] است .

امام علی علیه السلام :صادق ترین برادران در دوستی ، کسی است که در خوشی و ناخوشی ، نسبت به برادرانش بهتر مواسات کند.

امام علی علیه السلام :زیبایی برادری ، به حُسن معاشرت ، و مواسات با وجود تنگ دستی است .

امام علی علیه السلام_ در یادکرد از با منزلت ترین اصحاب در نزد پیامبر خدا _ :برترین آنها در نزد ایشان ، کسی بود که خیرخواهی اش برای مسلمانان فراگیرتر بود ، و با منزلت ترین آنان در نزد ایشان ، کسی بود که بیش از دیگران مواسات می کرد و کمک می رساند .

عنه عليه السلام: أَحَسَّنُ الْإِحْسَانَ مُوَاسَاةَ الْإِخْوَانِ . (1)

عنه عليه السلام: نِظَامُ الْكَرَمِ مُوَالَاةُ الْإِحْسَانِ ، وَمُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ . (2)

الإمام الحسن عليه السلام _ لِبَعْضِ وُلْدِهِ _ : يَا بُنَيَّ ، لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَمَصَادِرَهُ ، فَإِذَا اسْتَبَطْتَ الْخُبْرَةَ (3) ، وَرَضِيَتْ الْعِشْرَةَ ، فَأَخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَثْرَةِ وَالْمُوَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُرِيدُ الْبَصْرَةَ نَزَلَ بِالرَّبَذَةِ (5) ، فَأَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ مُحَارِبِ (6) ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنِّي تَحَمَّلْتُ فِي قَوْمِي حَمَالَةً (7) ، وَإِنِّي سَأَلْتُ فِي طَوَائِفِ مِنْهُمْ الْمُوَاسَاةَ وَالْمَعُونَةَ فَسَدَّ بَقْتُ إِلَيَّ أَلْسِنَتَهُمْ بِالنَّكَدِ (8) ، فَمَرُّهُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَعُونَتِي ، وَحُثُّهُمْ عَلَيَّ مُوَاسَاتِي . فَقَالَ : أَيْنَ هُمْ؟ فَقَالَ : هُوَ لَاءِ فَرِيقٍ مِنْهُمْ حَيْثُ تَرَى . قَالَ : فَنَصَّ (9) رَاحِلَتَهُ فَأَدَلَّتْ (10) كَانَتْهَا ظَلِيمٌ (11) ، فَأَدَلَّتْ بَعْضُ أَصْحَابِهِ فِي طَلَبِهَا فَلَأَيَّا بِلَايٍ (12) مَا لُحِقَتْ ، فَأَنْتَهَى إِلَى الْقَوْمِ فَسَدَّ لَمَّ عَلَيْهِمْ وَسَأَلَهُمْ مَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ مُوَاسَاةِ صَاحِبِهِمْ ، فَسَدَّ كَوَهُ وَشَدَّ كَاهُمْ . فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَصَلَ امْرُؤٌ عَشِيرَتَهُ ، فَإِنَّهُمْ أَوْلَى بِبِرِّهِ وَذَاتِ يَدِهِ ، وَوَصَلَتْ الْعَشِيرَةُ أَخَاهَا إِنْ عَثَرَ بِهِ دَهْرٌ وَأَدْبَرَتْ عَنْهُ دُنْيَا ، فَإِنَّ الْمُتَوَاصِلِينَ الْمُتَبَادِلِينَ مَأْجُورُونَ ، وَإِنَّ الْمُتَقَاطِعِينَ الْمُتَدَابِرِينَ مَوْزُورُونَ . قَالَ : ثُمَّ بَعَثَ رَاحِلَتَهُ وَقَالَ : حَلَّ (13) . (14)

- 1- .. غرر الحكم: ج 2 ص 403 ح 3023 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 119 ح 2683 وفيه «مؤاخاة» بدل «مؤاساة» .
- 2- .. غرر الحكم: ج 6 ص 184 ح 9998 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 499 ح 9194 .
- 3- .. خَبَرْتُ الأَمْرَ : إِذَا عَرَفْتَهُ عَلَى حَقِيقَتِهِ (النهاية : ج 2 ص 6 «خبر»).
- 4- .. تحف العقول: ص 233 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 105 ح 4 .
- 5- .. الرَّبَذَةُ : مِنْ قَرَى الْمَدِينَةِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ، قَرِيبَةً مِنْ ذَاتِ عَرَقٍ عَلَى طَرِيقِ الْحِجَازِ إِذَا رَحَلْتَ مِنْ فَيْدٍ تَرِيدُ مَكَّةَ ، وَبِهَذَا الْمَوْضِعِ قَبْرُ أَبِي ذَرِّ الْغَفَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (معجم البلدان : ج 3 ص 24) .
- 6- .. مُحَارِبٍ : قَبِيلَةٌ مِنْ فِهْرِ (لسان العرب : ج 1 ص 307 «حرب»).
- 7- .. الْحَمَالَةُ _ بِالْفَتْحِ _ : مَا يَتَحَمَّلُهُ الْإِنْسَانُ عَنْ غَيْرِهِ مِنْ دِيَّةٍ أَوْ غَرَامَةٍ ، مِثْلُ أَنْ يَقَعَ حَرْبٌ بَيْنَ فَرِيقَيْنِ تُسْفِكُ فِيهَا الدَّمَاءَ ، فَيَدْخُلُ بَيْنَهُمْ رَجُلٌ يَتَحَمَّلُ دِيَاتِ الْقَتْلَى لِيُصْلِحَ ذَاتَ الْبَيْنِ ، وَالتَّحَمَّلُ أَنْ يَحْمِلَهَا عَنْهُمْ عَلَى نَفْسِهِ (النهاية : ج 1 ص 442 «حمل»).
- 8- .. النَّكَدُ : الشُّؤْمُ وَاللُّؤْمُ ، وَكُلُّ شَيْءٍ جَرَّ عَلَى صَاحِبِهِ شَرًّا فَهُوَ نَكَدٌ (المحيط في اللغة : ج 6 ص 214 «نكد»).
- 9- .. النَّصَّ : التَّحْرِيكَ حَتَّى يَسْتَخْرِجَ أَقْصَى سِيرِ النَّاقَةِ (النهاية : ج 5 ص 64 «نصص»).
- 10- .. الدَّلْفُ : التَّقَدُّمُ (لسان العرب : ج 9 ص 106 «دلف»).
- 11- .. الظَّلِيمُ : الذَّكْرُ مِنَ النِّعَامِ (الصَّحَاحُ : ج 5 ص 1978 «ظلم»).
- 12- .. اللَّأْيِيُّ : الْمَشَقَّةُ وَالْجُهْدُ (لسان العرب : ج 15 ص 237 «لأى»).
- 13- .. حَلَّ : زَجَرَ لِلنَّاقَةِ إِذَا حَشَّتْهَا عَلَى السَّبْرِ (النهاية : ج 1 ص 433 «حلل»).
- 14- .. الكافي: ج 2 ص 153 ح 18 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 32 ص 132 ح 106 .

امام علی علیه السلام: نیکوترین نیکی، مواسات نسبت به برادران است.

امام علی علیه السلام: آیین بزرگواری، بیای نیکی کردن و مواسات ورزیدن نسبت به برادران است.

امام حسن علیه السلام: خطاب به یکی از فرزندان خود: فرزندم! با هیچ کس برادری مکن تا آن که او را نیک بشناسی، و چون [او را] آزمودی و معاشرت [با او] را پسندیدی، بر پایه گذشت از لغزش ها و مواسات در سختی ها، با او برادری کن.

امام باقر علیه السلام: زمانی که امیر مؤمنان علیه السلام به قصد بصره خارج شد، در رَیْذَه (1) فرود آمد. مردی از مُحارب (2) نزد ایشان آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! من از طرف قوم خود، تاوانی (3) بر عهده دارم، و از برخی طایفه های آنان خواستم که مرا یاری و مساعدت کنند؛ اما آنها زبان به بدگویی و سرزنش من گشودند. شما - ای امیر مؤمنان - به آنها دستور بده که کمک کنند، و به همیاری با من ترغیبشان کن. فرمود: «آنها کجایند؟». گفت: گروهی از آنان، آن جایند که می بینی. ایشان ناچه اش را با سرعت تمام، به حرکت در آورد، به طوری که ناچه مانند شتر مرغ می دوید. جماعتی از یاران امیر مؤمنان نیز در پی ناچه ایشان تاختند و با زحمت زیاد، خود را به وی رساندند. امام علیه السلام به آن عده رسید و بر آنان سلام کرد و پرسید که چرا به هم قبیله خود، کمک نمی کنند. آنها از آن مرد، شکوه کردند و او نیز از آنها شکوه کرد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «انسان باید به عشیره خود کمک کند؛ زیرا آنان به نیکی کردن به او و دستگیری نمودن از او سزاوارترند، و عشیره نیز باید به برادرشان - آن گاه که روزگار به زمینش می زند و دنیا به او پشت می کند - یاری برسانند؛ زیرا کسانی که صله رحم می کنند و به یکدیگر بخشش می نمایند، [نزد خداوند عز و جل] پاداش می یابند، و آنان که از یکدیگر می بُرند و به هم پشت می کنند، گنهکارند». این را فرمود و ناچه اش را می برد.

1- از روستاهای مدینه که با آن، سه روز فاصله دارد. نزدیک «ذات عرق» است، در راه حجاز، در بین راه فید به مکه. مدفن ابو ذر غفاری، در این روستاست.

2- مُحارب، قبیله ای از فِهر است.

3- تاوان، دیه یا غرامتی است که انسان از طرف دیگری باید بپردازد، مثل این که میان دو گروه، جنگی در گیرد و افرادی کشته شوند و یک نفر برای برقرار ساختن صلح و آشتی دخالت کند و دیه کشتگان را به عهده گیرد.

مصادقة الإخوان عن الوصافي عن الإمام الباقر عليه السلام ، قَالَ: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي : يَا أَبَا إِسْمَاعِيلَ ، أَرَأَيْتَ مَنْ قَبْلَكُمْ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ لَيْسَ لَهُ رِذَاءٌ وَعِنْدَ بَعْضِ إِخْوَانِهِ فَضْلٌ رِذَاءٌ يَطْرُحُ عَلَيْهِ حَتَّى يُصِيبَ رِذَاءً؟ قَالَ : قُلْتُ : لَا . قَالَ : فَإِذَا كَانَ لَيْسَ عِنْدَهُ إِزَارٌ يُوَصِّلُ إِلَيْهِ بَعْضُ إِخْوَانِهِ بِفَضْلِ إِزَارٍ حَتَّى يُصِيبَ إِزَارًا؟ قَالَ : قُلْتُ : لَا . فَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى فَنَحْدِهِ ثُمَّ قَالَ : مَا هُوَ لِأَخِي . (1)

1- .. مصادقة الإخوان : ص 137 ح 1 ، المؤمن : ص 45 ح 106 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 85 عن علي بن عقبة عن الإمام الرضا عنه عليهما السلام نحوه .

مصادقة الإخوان به نقل از وّصافی _ : امام باقر علیه السلام به من فرمود : «ای ابو اسماعیل! آیا در میان شما چنین است که هر گاه کسی ردایی نداشته باشد و یکی از برادرانش ردای اضافی داشته باشد ، آن را به او می دهد تا وی نیز به ردایی برسد؟». گفتم : خیر . فرمود : «آیا اگر ازاری نداشت ، برادرش ازار اضافی خود را به او می دهد تا او نیز صاحب ازاری شود؟». گفتم : خیر . امام علیه السلام با دست خود بر رانش زد و فرمود : «اینها برادر نیستند» .

الإمام الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ ، يَحِقُّ عَلَيْهِ نَصِيحَتُهُ وَمُؤَاسَاةُ وَمَنْعُ عَدُوِّهِ مِنْهُ . (1)

عنه عليه السلام: لا تَزَالُ شِيَعَتُنَا مَرَعِيَيْنَ مَحْفُوظَيْنَ مَسْتَوْرَيْنَ مَعْصُومِينَ مَا أَحْسَنُوا النَّظَرَ لِأَنْفُسِهِمْ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ خَالِقِهِمْ ، وَصَحَّتْ نِيَاتُهُمْ لِأَيِّمَتِهِمْ ، وَبَرَّوْا إِخْوَانَهُمْ ؛ فَعَطَفُوا عَلَى ضَعْفِهِمْ وَتَصَدَّقُوا عَلَى ذَوِي الْفَاقَةِ مِنْهُمْ . إِذَا لَمْ تَأْمُرْ بِظُلْمٍ ، وَلَكِنَّا نَأْمُرُكُمْ بِالْوَرَعِ الْوَرَعِ ، وَالْمُؤَاسَاةِ الْمُؤَاسَاةِ إِخْوَانِكُمْ . (2)

مستدرك الوسائل: دَخَلَ رَجُلٌ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا الْمُرُوءَةُ؟ قَالَ: تَرْكُ الظُّلْمِ، وَمُؤَاسَاةُ الْإِخْوَانِ فِي السَّعَةِ . (3)

الخصال عن يونس بن ظبيان والمفضل بن عمر: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَصَلَتَانِ مَنْ كَانَتَا فِيهِ وَإِلَّا فَاعْرُوبَ (4) ثُمَّ اعْرُوبَ ثُمَّ اعْرُوبَ . قِيلَ: وَمَا هُمَا؟ قَالَ: الصَّلَاةُ فِي مَوَاقِيتِهَا وَالْمُحَافَظَةُ عَلَيْهَا، وَالْمُؤَاسَاةُ . (5)

بحار الأنوار عن جعفر بن محمد العاصمي- في حديثٍ طَوِيلٍ ذَكَرَ فِيهِ ضِيَاةُ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُمْ، إِلَى أَنْ قَالَ - ثُمَّ قَالَ [عليه السلام]: يَا عَاصِمُ، كَيْفَ أَنْتُمْ فِي التَّوَاصُلِ وَالتَّوَاسِي؟ قُلْتُ: عَلَى أَفْضَلِ مَا كَانَ عَلَيْهِ أَحَدٌ . قَالَ: أَيَّاتِي أَحَدُكُمْ إِلَى دُكَّانِ أَخِيهِ أَوْ مَنْزِلِهِ عِنْدَ الصَّائِقَةِ فَيَسْتَخْرِجُ كَيْسَهُ وَيَأْخُذُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَلَا يُنْكَرُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: لَا!؛ فَلَسْتُمْ عَلَى مَا أَحَبُّ فِي التَّوَاصُلِ . (6)

راجع: هذه الموسوعة: ج 2 ص 104 (الإخاء / الفصل الرابع: حقوق الإخاء / المؤاساة) .

- 1- .. المؤمن: ص 42 ح 96 .
- 2- .. المحاسن: ج 1 ص 258 ح 492 عن الخطّاب ومصعب بن عبد الله الكوفيّين ، بحار الأنوار: ج 68 ص 154 ح 10 .
- 3- .. مستدرك الوسائل: ج 7 ص 210 ح 8062 و ج 8 ص 221 ح 9303 كلاهما نقلًا عن أصل من أصول القدماء .
- 4- .. عَرَبَ: بَعْدَ (النهاية: ج 3 ص 227 «عزب»).
- 5- .. الخصال: ص 47 ح 50 ، الكافي: ج 2 ص 672 ح 7 وفيه «البرّ بالإخوان في العسر واليسر» بدل «المؤاساة»، مصادقة الإخوان: ص 138 ح 2، مشكاة الأنوار: ص 184 ح 477 كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج 74 ص 391 ح 7 .
- 6- .. بحار الأنوار: ج 74 ص 231 ح 28 نقلًا عن قضاء حقوق المؤمنين: ص 26 ح 27 وفي الطبعة التي بأيدينا «التساوي» بدل «التواصي»، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 312 ح 993 نحوه وفيه «التبارّ» بدل «التواصي» .

امام صادق علیه السلام: مؤمن، برادر مؤمن است. وظیفه دارد که او را نصیحت کند، نسبت به او مواسات نماید، و دشمنش را از او باز دارد.

امام صادق علیه السلام: شیعیان ما، تا زمانی که در روابط میان خود و خدایشان نیک بنگرند، و به پیشوایانشان حسن نیت داشته باشند، و به برادرانشان نیکی کنند، و با ناتوانشان دلسوز و مهربان باشند، و به نیازمندانشان کمک کنند، همواره [از جانب خداوند عز و جل] مورد عنایت، محفوظ، و در پناه و مصون خواهند بود. ما به ستم کردن، دستور نمی دهیم؛ بلکه شما را به پارسایی، به پارسایی، به پارسایی دستور می دهیم، و نیز به مواسات، مواسات با برادرانتان!

مستدرک الوسائل: مردی بر امام صادق علیه السلام وارد شد و گفت: ای فرزند پیامبر خدا! مردانگی چیست؟ فرمود: «ستم نکردن، و کمک کردن به برادران در هنگام توانگری».

الخصال_ به نقل از یونس بن ظبیان و مفصل بن عمر_ : امام صادق علیه السلام فرمود: «دو خصلت است که در هر که نبود، از او دوری کن، دوری کن، دوری کن!». گفته شد: آن دو خصلت، کدام اند؟ فرمود: «[خواندن نماز در وقت آن و محافظت بر نماز، و] دیگر [مواسات]».

بحار الأنوار_ به نقل از جعفر بن محمد عاصمی، در حدیثی طولانی که در آن از پذیرایی شدنشان به وسیله امام کاظم علیه السلام یاد می کند_ : سپس فرمود: «ای عاصم! در همبستگی و مواسات با یکدیگر، چگونه اید؟». گفتم: در بهترین وضع ممکن. فرمود: «آیا چنین هست که فردی از شما در هنگام تنگ دستی، به دگمان و یا منزل برادرش برود و دخل او را بیرون بکشد و آنچه نیاز دارد، بردارد و به او اعتراض نشود؟». گفتم: نه! فرمود: «پس شما در همبستگی، آن گونه که من دوست دارم، نیستید».

ر. ک: همین دانش نامه: ج 2 ص 105 (برادری / فصل چهارم: حقوق برادری / سهم کردن در زندگی).

1 / 3 مؤساة الأصدقاء الإمام علي عليه السلام: أبذل مالك في الحق، وواس به الصديق؛ فإن السخاء بالحر أخلق (1). (2)

عنه عليه السلام: لا تعدن صديقا من لا يواسي بماله. (3)

عنه عليه السلام: في الضيق يتبين حسن مؤساة الرفيق. (4)

1- .. أخلق: أي أجدر (النهاية: ج 2 ص 72 «خلق»).

2- .. غرر الحكم: ج 2 ص 204 ح 2384، عيون الحكم والمواعظ: ص 85 ح 2044.

3- .. غرر الحكم: ج 6 ص 287 ح 10276، عيون الحكم والمواعظ: ص 522 ح 9511.

4- .. غرر الحكم: ج 4 ص 399 ح 6473، عيون الحكم والمواعظ: ص 354 ح 6004.

1 / 3 مواسات نسبت به دوستان

1 / 3 مواسات نسبت به دوستان امام علی علیه السلام: دارایی ات را در راه حقوق [ی که به گردن توست ، [بیخس ، و دوست [خود] را در آن ، شريك گردان؛ چرا که گشاده دستی ، برای آزاده ، سزاوارتر است .

امام علی علیه السلام: کسی را که تو را در مال خود سهیم نمی کند ، هرگز دوست مشمار .

امام علی علیه السلام: در هنگام تنگ دستی است که حُسن مواسات دوست ، آشکار می شود .

1 / 4 مؤاساةُ الجنودِ الإمامِ عليٍّ عليه السلام_ من كتابهِ إلى الأَشْتَرِ النَّحِييِّ لَمَّا وُلَّاهُ عَلِيٌّ مِصْرَ - :وَلِيَكُنْ آثِرٌ (1) رُووسِ جُنْدِكَ عِنْدَكَ مَنْ وَاَسَاهُمْ فِي مَعُونَتِهِ ، وَأَفْضَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ جِدَّتِهِ (2) بِمَا يَسَعُهُمْ وَيَسَعُ مَنْ وِرَاءَهُمْ مِنْ خُلُوفِ أَهْلِهِمْ ، حَتَّى يَكُونَ هَمُّهُمْ هَمًّا وَاحِدًا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ ؛ فَإِنَّ عَطْفَكَ عَلَيْهِمْ يَعْطِفُ قُلُوبَهُمْ عَلَيْكَ . (3)

1 / 5 مؤاساةُ الفقراءِ رسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله و آلِهِ :مَنْ وَاَسَى الْفَقِيرَ مِنْ مَالِهِ ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ ، فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا . (4)

عنه صلى الله عليه وآله في الدعاء - :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . . . وَارزُقني مؤاساةً مَنْ قَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ مِمَّا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ . (5)

-
- 1- .. أثر : أي أفضل وأعلى منزلة ؛ من أثرته إثارا : أي فضلته (انظر : لسان العرب : ج 4 ص 7 «أثر»).
 - 2- .. الجدة _ بتخفيف الدال _ : هو الغنى وكثرة المال والاستطاعة (مجمع البحرين : ج 3 ص 1909 «وجد»).
 - 3- .. نهج البلاغة: الكتاب 53 ، تحف العقول : ص 133 نحوه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 604 ح 744 .
 - 4- .. الكافي: ج 2 ص 147 ح 17 عن جعفر بن إبراهيم الجعفري عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال: ص 47 ح 48 عن جعفر بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه «من ماله» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 25 ح 5 .
 - 5- .. فلاح السائل : ص 258 ح 154 عن فاطمة بنت الإمام الحسن عن أبيها عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص 829 ح 888 عن مجاهد عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، جمال الأسبوع : ص 251 عن الإمام الصادق عن الإمام زين العابدين عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 68 ح 19 ؛ ربيع الأبرار : ج 3 ص 674 عن الإمام الصادق عليه السلام .

1 / 4 مواسات نسبت به سپاهیان

1 / 5 مواسات نسبت به فقیران

1 / 4 مواسات نسبت به سپاهیان امام علی علیه السلام در نامه اش به اشتر نخعی ، آن گاه که او را بر حکومت مصر گماشت _ باید عزیزین سرداران سپاهت در نزد تو ، کسی باشد که از همه بیشتر به آنان (سپاهیان) مواسات می نماید و از آنچه دارد ، چندان به آنان می بخشد که هم خود و هم خانواده شان را _ که در پشت سر خود بر جای نهاده اند _ در آسایش قرار دهد ، تا در جهاد با دشمن ، تنها يك اندیشه در سر داشته باشند . همانا توجه تو به آنان ، دل های آنها را متوجه تو می سازد .

1 / 5 مواسات نسبت به فقیران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس فقیر را در مال خود شریک گرداند و با مردم به انصاف رفتار کند ، او مؤمن حقیقی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در دعا _ : بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست... و مرا این عطا فرما که از آنچه به فضل خود بر من گشایش داده ای ، نسبت به کسی که روزی را بر او تنگ کرده ای ، مواسات کنم .

الفضائل عن جابر بن عبد الله الأنصاري: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ وَرَدَ عَلَيْنَا أَعْرَابِيٌّ أَشْعَثَ (1) الْحَالِ ، عَلَيْهِ ثِيَابٌ رَثَّةٌ ، الْفَقْرُ ظَاهِرٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ . . . وَجَعَلَ يَقُولُ شَيْئًا عَرَا . . . فَلَمَّا سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَلَامَهُ بَكَى بُكَاءً شَدِيدًا ، ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ : . . . فَمَنْ مِنْكُمْ يُوَاسِي هَذَا الْفَقِيرَ؟ قَالَ : فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ . وَكَانَ فِي نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي رَكَعَاتٍ تَطْوَعًا وَكَانَ قَائِمًا ، فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَعْرَابِيِّ ، فَدَنَا مِنْهُ ، فَدَفَعَ الْخَاتَمَ مِنْ يَدِهِ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ . (2)

الإمام علي عليه السلام: بَرُّوا أَيْتَامَكُمْ ، وَوَاسُوا فُقَرَاءَكُمْ ، وَارْفَقُوا بِضُعْفَائِكُمْ . (3)

الكافي عن مُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ : خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةٍ قَدْ رَشَّتْ (4) وَهُوَ يُرِيدُ ظُلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ (5) ، فَاتَّبَعْتُهُ فَإِذَا هُوَ قَدْ سَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ ، فَقَالَ : بِسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ رُدِّ عَلَيْنَا ، قَالَ : فَأَتَيْتُهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ ، قَالَ : فَقَالَ : مُعَلَّى؟ قُلْتُ : نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ ، فَقَالَ لِي : التَّمَسْ بِيَدِكَ فَمَا وَجَدْتَ مِنْ شَيْءٍ فَادْفَعْهُ إِلَيَّ . فَإِذَا أَنَا بِخُبْزٍ مُنْتَشِرٍ كَثِيرٍ ، فَجَعَلْتُ أَدْفَعُ إِلَيْهِ مَا وَجَدْتُ ، فَإِذَا أَنَا بِجِرَابٍ (6) أَعْجَزُ عَنْ حَمَلِهِ مِنْ خُبْزٍ ، فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ أَحْمِلُهُ عَلَى رَأْسِي ، فَقَالَ : لَا ، أَنَا أَوْلَى بِهِ مِنْكَ ، وَلَكِنْ امْضِ مَعِي . قَالَ : فَأَتَيْنَا ظُلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ ، فَإِذَا نَحْنُ بِقَوْمٍ نِيَامُ ، فَجَعَلَ يَدُسُّ الرَّغِيفَ وَالرَّغِيفِينَ حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِهِمْ ، ثُمَّ انصَرَ رَفْنَا . فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، يَعْرِفُ هَؤُلَاءِ الْحَقَّ؟ فَقَالَ : لَوْ عَرَفُوهُ لَوَاسَيْنَاهُمْ بِالذُّقَّةِ (7) . (8)

- 1- .. الْأَشْعَثُ : الْمُغْبَرُّ الرَّأْسُ ، الْمُتَنَبِّفُ الشَّعْرَ ، الْحَافُّ الَّذِي لَمْ يَدَّهِنْ (تاج العروس : ج 3 ص 225 «شعث»).
- 2- .. الْفَضَائِلُ : ص 125 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 35 ص 192 ح 14 .
- 3- .. غَرَّرَ الْحَكْمَ : ج 3 ص 267 ح 4449 ، عِيُونُ الْحَكْمِ وَالْمَوَاعِظُ : ص 195 ح 3986 وَفِيهِ «ارْفَقُوا» بَدَلُ «ارْفَقُوا» .
- 4- .. الرَّشُّ : الْمَطْرُ الْقَلِيلُ ... وَقِيلَ : أَوَّلُ الْمَطْرِ (لسان العرب : ج 6 ص 303 «رشش»).
- 5- .. الظُّلَّةُ : شَيْءٌ كَالصُّفَّةِ يُسْتَتَرُ بِهِ مِنَ الْحَرِّ وَالْبَرْدِ . وَمِنْهُ ظُلَّةُ بَنِي سَاعِدَةَ (مجمع البحرين : ج 2 ص 1140 «ظلل»).
- 6- .. الْجِرَابُ : وَعَاءٌ مِنْ إِهَابِ الشَّاءِ ، لَا يُوعَى فِيهِ إِلَّا يَابَسَ (لسان العرب : ج 1 ص 261 «جرب»).
- 7- .. الذُّقَّةُ : الْمَلْحُ الْمَدْفُوقُ . وَالذُّقُّ : كُلُّ شَيْءٍ دَقَّ وَصَغُرَ (لسان العرب : ج 10 ص 101 «دقق»).
- 8- .. الكافي: ج 4 ص 8 ح 3، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 105 ح 300، ثواب الأعمال : ص 173 ح 2، تفسير العياشي: ج 2 ص 107 ح 114، بحار الأنوار : ج 47 ص 20 ح 17 .

الفضائل_ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری _ نزد پیامبر خدا نشسته بودیم که بادیه نشینی با سر و وضع آشفته و جامه هایی کهنه و پاره ، به طوری که فقر در چهره اش کاملاً نمایان بود ، بر ما وارد شد... و داشت شعر می گفت... . پیامبر صلی الله علیه و آله با شنیدن سخنان او ، به شدت گریست و به اصحابش فرمود : «چه کسی از شما نسبت به این فقیر ، مواسات می کند؟». هیچ کس جوابی نداد . در گوشه مسجد ، علی بن ابی طالب علیه السلام نماز مستحبی می خواند و در حال قیام بود. به آن بادیه نشین اشاره کرد . بادیه نشین ، نزدیک رفت و علی علیه السلام در همان حال که مشغول نماز بود ، انگشتر را از دست خویش در آورد و به او داد .

امام علی علیه السلام : به یتیمانان نیکی کنید ، نسبت به نیازمندانان مواسات نمایید ، و با ناتوانانان مُدارا (مهربانی) کنید .

الکافی_ به نقل از مُعلی بن خُنیس _ : امام صادق علیه السلام در شبی که نَم نَم باران می آمد ، به قصد صُفّه (1) بنی ساعده خارج شد . من در پی ایشان به راه افتادم . ناگاه ، چیزی از دست ایشان افتاد . گفت : «بسم الله . خدایا! به ما برگردان» . من جلورفتم و سلام کردم . فرمود : «معلی؟». گفتم : بله ، فدایت شوم! فرمود : «با دستت بگرد و آنچه یافتی ، به من بده» . من گشتم . دیدم مقدار زیادی نان ، روی زمین ، پراکنده شده است ، و هر چه می یافتم ، تحویل ایشان می دادم . ناگاه کیسه چرمینی پر از نان یافتم که نمی توانستم آن را بلند کنم . گفتم : فدایت شوم! آن را روی سرم حمل می کنم . فرمود : «نه . من به این کار ، از تو سزاوارترم ؛ اما همراهم بیا» . ما به صُفّه بنی ساعده رفتیم . عدّه ای را دیدیم که خوابیده اند. امام علیه السلام آهسته یکی دو گرده نان ، کنار هر کدام گذاشت تا به نفر آخر رسید . سپس برگشتیم . گفتم : فدایت شوم! آیا اینها حق را می شناسند (شیعه شما هستند)؟ فرمود : «اگر می شناختند که در ناچیزترین دارایی هایمان هم با آنها مواسات می کردیم (در همه چیزمان شریکشان می کردیم)» .

1- . صُفّه : جایی که در گرما و سرما به آن پناه می برند ، سایبان ، سرپناه ، آلونک .

الإمام الرضا عليه السلام_ لِمَنْ اسْتَأْذَنَهُ فِي عَمَلِ السُّلْطَانِ _ : إِنْ كُنْتَ تَعَلَّمْتَ أَنَّكَ إِذَا وُلِّيتَ عَمِلْتَ فِي عَمَلِكَ بِمَا أَمَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، ثُمَّ تُصَدِّقُ أَعْوَانَكَ وَكُتَّابَكَ أَهْلَ مِلَّتِكَ ، فَإِذَا صَارَ إِلَيْكَ شَيْءٌ وَأَسَيْتَ بِهِ فَقَرَاءَ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى تَكُونَ وَاحِدًا مِنْهُمْ ، كَانَ ذَا بَدَأٍ ، وَإِلَّا فَلَا . (1)

عنه عليه السلام : إِنْ عِلَّةَ الرِّكَاعَةِ مِنْ أَجْلِ قَوْتِ الْفُقَرَاءِ . . . مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الزِّيَادَةِ وَالرِّافَةِ وَالرَّحْمَةِ لِأَهْلِ الضَّعْفِ ، وَالْعَطْفِ عَلَى أَهْلِ الْمَسْكِنَةِ ، وَالْحَثِّ لَهُمْ عَلَى الْمُوَاسَاةِ ، وَتَقْوِيَةِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَعُونَةِ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ . (2)

تاريخ اليعقوبي : كَانَ مِمَّا أَوْصَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُمْ : . . . اجْعَلُوا لِلَّهِ نَصِيبًا فِي أَمْوَالِكُمْ ؛ فَوَاسُوا مِنْهُ الْيَتِيمَ ، وَالْأَرْمَلَةَ ، وَالْمَسْكِينَ ، وَالضَّعِيفَ ، وَالسَّاكِنَ مَعَكُمْ الَّذِي لَا زَرْعَ لَهُ . (3)

1- .. الكافي: ج 5 ص 111 ح 4 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 335 ح 928 كلاهما عن الحسن بن الحسين الأنباري ، بحار الأنوار : ج 49 ص 277 ح 28 .

2- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 8 ح 1580 ، علل الشرائع : ص 369 ح 3 وفيه «المساواة» بدل «المواساة»، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 89 ح 1 كلاهما عن محمد بن سنان، بحار الأنوار : ج 96 ص 18 ح 38 .

3- .. تاريخ اليعقوبي: ج 1 ص 41 .

امام رضا علیه السلام به کسی که از ایشان اجازه خواست تا برای سلطان ، کار کند _ :اگر می دانی که چنانچه به کار گماشته شدی ، در آن مقام ، به آنچه پیامبر خدا دستور داده ، عمل می کنی ، و دستیاران و دبیران را از همکیشانانت می گماری ، و هر گاه چیزی به تو رسید ، آن را با مؤمنان (شیعیان) فقیر ، تقسیم می کنی ، و این طور نیست که یکی از آنان (حکومتیان) باشی ، اینها [گناه] آن کار را جبران می کند. در غیر این صورت ، مُجاز نیستی .

امام رضا علیه السلام :عَلَّتِ [تشریح] زکات ، تأمین قُوت نیازمندان است... علاوه بر این ، زکات ، مایه فزونی [نعمت] ، و مهربانی ، و محبّت با ناتوانان ، و عطوفت به مستمندان ، و تشویق بر مواسات با آنان ، و تقویت [مالی] تهی دستان و کمک به آنها در کار دین است .

تاریخ الیعقوبی :یکی از سفارش هایی که خداوند عز و جل با زبان موسی علیه السلام به بنی اسرائیل نمود ، این بود که به آنان فرمود : « ... برای خداوند ، سهمی در اموالتان قرار دهید ، و از آن به یتیم و بیوه زن و مستمند و ناتوان و هم آبادی تان که زراعتی ندارد ، کمک کنید»

الفصل الثاني: أنواع المؤاساة 2 / 1 المؤاساة في المال لإمام علي عليه السلام: أفصل المُروءة مؤاساة الإخوان بالأموال، ومساواتهم في الأحوال. (1)

عنه عليه السلام: المروءة العدل في الإمرة، والعفو مع القدرة، والمؤاساة في العشرة. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: يا معشر شيعتنا، اسمعوا وافهموا وصايانا وعهدنا إلى أوليائنا: اصدقوا في قولكم، وبروا في أيمانكم لأوليائكم وأعدائكم، وتواسوا بأموالكم. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: أنصف الناس من نفسك، وواسهم في مالك. (4)

2 / 2 المؤاساة في الحكومة الإمام علي عليه السلام في كتابه إلى حذيفة بن اليمان: أمرك أن تجبي خراج الأرضين على الحق والتصفية، ولا تتجاوز ما قدمت به إليك، ولا تدع منه شيئا، ولا تبدع فيه أمرا، ثم اقسمه بين أهله بالسوية والعدل، واخفض لرعيتك جناحك، وواس بينهم في مجلسك، وليكن القريب والبعيد عندك في الحق سواء. (5)

1- .. غرر الحكم: ج 2 ص 465 ح 3314، عيون الحكم والمواعظ: ص 125 ح 2841.

2- .. غرر الحكم: ج 2 ص 142 ح 2112، عيون الحكم والمواعظ: ص 65 ح 1655.

3- .. دعائم الإسلام: ج 1 ص 64.

4- .. الأمالي للمفيد: ص 182 ح 4، الزهد للحسين بن سعيد: ص 80 ح 44 كلاهما عن عجلان أبي صالح، مشكاة الأنوار: ص 142 ح 341 عن علاء بن صالح، بحار الأنوار: ج 78 ص 227 ح 99.

5- .. إرشاد القلوب: ص 321، بحار الأنوار: ج 28 ص 88 ح 3.

فصل دوم : انواع مواسات

1 / 2 مواسات با مال

2 / 2 مواسات در حکومت

فصل دوم : انواع مواسات 1 / 2 مواسات با مال امام علی علیه السلام : برترین مردانگی ، شریک کردن برادران در اموال ، و برابری با آنان در احوال است .

امام علی علیه السلام : مردانگی ، همان دادگری در فرمان روابی ، گذشت با وجود قدرت [بر انتقامگیری] ، و مواسات در معاشرت است .

امام باقر علیه السلام : ای گروه شیعیان ما! سفارش ها و توصیه های ما به دوستان ارانمان را بشنوید و بفهمید که : راست گفتار باشید ، و به پیمان هایتان با دوست و دشمنان وفادار بمانید ، و با اموالتان یکدیگر را یاری کنید .

امام صادق علیه السلام : با مردم ، انصاف داشته باش ، و آنان را در مال خود ، سهیم کن .

2 / 2 مواسات در حکومت امام علی علیه السلام _ در نامه اش به حُذَیْفَةُ بن یَمان _ : به تو دستور می دهم که خراج زمین ها زمین ها را بر پایه حق و انصاف بگیری . از دستور من تجاوز مکن ، و چیزی از آن را فرو مگذار ، و چیزی را از پیش خود بر آن میفزای ، و خراج را در میان سزاندانش به طور یکسان و عادلانه تقسیم کن ، و با رعیت ، فروتن باش ، و در مجلس خود ، همه را برابر ببین ، و حق خویشاوند و بیگانه را یکسان بگزار .

عنه عليه السلام_ من كتابه إلى مُحَمَّد بن أبي بكرٍ لَمَّا وُلَّاهُ عَلَى مِصرَ وَأَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ ؛ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ ، وَلَا يِيَّاسُ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ . (1)

13 / 2 الْمُؤاسَاةُ فِي الْقَضَاءِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ ابْتُلِيَ بِالْقَضَاءِ فَلْيُوَاسِ بَيْنَهُمْ فِي الْإِشَارَةِ ، وَفِي النَّظَرِ ، وَفِي الْمَجْلِسِ . (2)

الكافي عن سَلَمَةَ بنِ كُهَيْلٍ : سَمِعْتُ عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَقُولُ لِشُرَيْحٍ (3) : ثُمَّ وَاسِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ بِوَجْهِكَ وَمَنْطِقِكَ وَمَجْلِسِكَ ، حَتَّى لَا يَطْمَعَ قَرِيبُكَ فِي حَيْفِكَ (4) ، وَلَا يِيَّاسَ عَدُوُّكَ مِنْ عَدْلِكَ . (5)

-
- 1- .. نهج البلاغة : الكتاب 27 ، تحف العقول : ص 177 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 581 ح 726 .
 - 2- .. الكافي : ج 7 ص 413 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 226 ح 543 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام .
 - 3- .. هو شُرَيْح بن الحارث الكندي الكوفي القاضي .
 - 4- .. أي في مِيلِكَ معه لِقْرَابَتِهِ . وَالْحَيْفُ : الْجَوْرُ وَالظُّلْمُ (انظر : النهاية : ج 1 ص 469 «حيف»).
 - 5- .. الكافي : ج 7 ص 412 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 225 ح 541 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 15 ح 3243 .

2 / 3 مواسات در قضاوت

امام علی علیه السلام در نامه اش به محمد بن ابی بکر، آن گاه که او را به حکومت مصر گماشت: تساوی در میان آنها را [حتی] در نیم نگاه و نگاه، مراعات کن تا بزرگان کشور، به حمایت بی دلیل تو، طمع نورزند، و ناتوانان در اجرای عدالت، از تو نومید نشوند.

2 / 3 مواسات در قضاوت امام علی علیه السلام: هر کس بر مسند قضا می نشیند، باید در اشاره، در نگاه و در نشستن، میان آنان (طرفین دعوا) یکسان عمل کند.

الکافی به نقل از سلمة بن کُهیْل: از علی: که درودهای خدا بر او باد. شنیدم که به شَریح می فرماید: «... دیگر، آن که در نگاه و گفتار و نشست خویش، میان مسلمانان، به یکسان رفتار کن تا نزدیکان تو، به ستم [و جانبداری] تو طمع نکنند، و دشمنت، از دادگری تو نومید نگردد».

2 / 4المؤاساة في الحرب الإمام علي عليه السلام - من كلامه في صفين - رَجِمَ اللَّهُ امراً وأسى أخاه بنفسه . (1)

عنه عليه السلام - من كلام له يُنبئ فيه على فضيلته لقبول قوله وأمره ونهيه - :لقد علم المستحفظون (2) من أصحاب محمد صلى الله عليه و آله أنني لم أزد على الله ولا على رسوله ساعة قط ، ولقد واسيته بنفسي في المواطن التي تنكص (3) فيها الأبطال ، وتتأخر فيها الأقدام ، نجدة (4) أكرمني الله بها . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :إنهزم الناس يوم أحد عن رسول الله صلى الله عليه وآله ، فعضب غضباً شديداً ، قال : وكان إذا غضب انحدر عن جبينه مثل اللؤلؤ من العرق ، قال : فنظر فإذا علي عليه السلام إلى جنبه فقال له : الحق ببني أبيك مع من انهزم عن رسول الله! فقال : يا رسول الله ، لي بك أسوة ، قال : فأكفني هؤلاء . فحمل فصد رب أول من لقي منهم . فقال جبرئيل عليه السلام : إن هذه لهي المؤاساة يا محمد! فقال : إنه مني وأما منه . فقال جبرئيل عليه السلام : وأنا منكما يا محمد . فنظر رسول الله صلى الله عليه وآله إلى جبرئيل عليه السلام على كرسي من ذهب بين السماء والأرض وهو يقول : « لا سيف إلا ذو الفقار ، ولا فتى إلا علي » . (6)

- 1- .. الكافي: ج 5 ص 41 ح 4 عن مالك بن أعين ، بحار الأنوار: ج 32 ص 563 ح 468 ؛ تاريخ الطبري : ج 5 ص 17 عن أبي عمرة الأنصاري .
- 2- .. يمكن أن يعني بالمستحفظين ... العلماء والفضلاء من الصحابة (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 10 ص 179) .
- 3- .. النكوص : الرجوع إلى وراء ، وهو القهقري (النهاية : ج 5 ص 116 «نكص»).
- 4- .. النجدة: الشجاعة (النهاية : ج 5 ص 18 «نجد»).
- 5- .. نهج البلاغة: الخطبة 197 ، غرر الحكم: ج 6 ص 250 ح 10145 ، بحار الأنوار : ج 38 ص 319 ح 32.
- 6- .. الكافي: ج 8 ص 110 ح 90 عن نعمان الرازي ، بحار الأنوار : ج 20 ص 95 ح 28 وراجع : الكافي: ج 8 ص 318 ح 502 والمناقب للكوفي: ج 1 ص 466 ح 369 .

2 / 4 مواسات در جنگ

2 / 4 مواسات در جنگ امام علی علیه السلام از سخنان ایشان در صفین _ : رحمت خدا بر آن مردی که با جان خویش برادرش را یاری رساند!

امام علی علیه السلام در گفتاری که در آن ، پیش گامی خود را در پذیرش سخن و امر و نهی های پیامبر صلی الله علیه و آله یاد آور می شود _ : دین بانان (/ رازداران / عالمان) از میان یاران محمد صلی الله علیه و آله می دانند که من هرگز و حتی لحظه ای از فرمان خدا و پیامبر او سر باز نزنم ، و در آوردگاه هایی که پهلوانان در آنها پس می نشینند ، و گام ها در آنها وا پس می روند ، با جان خویش او را یاری رساندم ، و این ، شجاعتی بود که خداوند ، مرا بدان گرامی داشت .

امام صادق علیه السلام : در جنگ اُحد ، مسلمانان از گرد پیامبر خدا پراکنده گشتند و ایشان ، سخت خشمگین شد . پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه خشمگین می شد ، عرق ، مانند دانه های مروارید از پیشانی اش سرازیر می گشت . پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه کرد و علی علیه السلام را در کنار خویش دید . به او فرمود : « تو نیز با کسانی که از گرد پیامبر خدا پراکنده اند ، به پسران پدرت بپیوند! » . علی علیه السلام گفت : ای پیامبر خدا! الگوی من شماست . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « پس اینان را از من دور کن » . علی علیه السلام حمله کرد و بر نخستین کس از دشمن که رسید ، ضربتی فرود آورد . جبرئیل علیه السلام گفت : این است مواسات (فداکاری) ، ای محمد! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « همانا او از من است و من از اویم » . جبرئیل علیه السلام گفت : و من نیز از شما دو تن هستم ، ای محمد! پیامبر خدا به جبرئیل علیه السلام نگریست که بر اورنگی از طلا در میان آسمان و زمین ، نشسته بود و می گفت : شمشیری جز ذو الفقار نیست ، و جوان مردی جز علی نیست » .

تفسير القمي في ذكر غزوة أحد - : لَمَّا انْقَطَعَ سَيْفُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّ الرَّجُلَ يُقَاتِلُ بِالسَّلَاحِ وَقَدْ انْقَطَعَ سَيْفِي ! فَدَفَعَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيْفَهُ «ذَا الْفَقَارِ» فَقَالَ : قَاتِلْ بِهَذَا . وَلَمْ يَكُنْ يَحْمِلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَحَدٌ (1) إِلَّا يَسْتَقْبِلُهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَإِذَا رَأَوْهُ رَجَعُوا ، فَانْحَازَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى نَاحِيَةِ أُحُدٍ ، فَوَقَّفَ . وَكَانَ الْقِتَالُ مِنْ وَجْهِ وَاحِدٍ وَقَدْ انْهَزَمَ أَصْحَابُهُ ، فَلَمْ يَزَلْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُقَاتِلُهُمْ حَتَّى أَصَابَهُ فِي وَجْهِهِ وَرَأْسِهِ وَصَدْرِهِ وَبَطْنِهِ وَيَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ تِسْعُونَ جِرَاحَةً ، فَتَحَامَوْهُ . وَسَمِعُوا مُنَادِيًا يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ : «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» ، فَتَزَلَّ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : هَذِهِ وَاللَّهِ الْمُؤَاسَاةُ يَا مُحَمَّدُ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَأَنْتِي مِنْهُ وَهُوَ مِنِّي ، وَقَالَ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَأَنَا مِنْكُمْ . (2)

الإرشاد عن عمران بن حصين: لَمَّا تَفَرَّقَ النَّاسُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي يَوْمِ أُحُدٍ ، جَاءَ عَلِيٌّ مُتَقَلِّدًا سَيْفَهُ حَتَّى قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَرَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأْسَهُ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ : مَا لَكَ لَمْ تَفِرَّ مَعَ النَّاسِ ؟ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أُرْجِعُ كَافِرًا بَعْدَ إِسْلَامِي ؟! فَأَشَارَ لَهُ إِلَى قَوْمٍ انْحَدَرُوا مِنَ الْجَبَلِ ، فَحَمَلَ عَلَيْهِمْ فَهَزَمَهُمْ . ثُمَّ أَشَارَ لَهُ إِلَى قَوْمٍ آخَرِينَ ، فَحَمَلَ عَلَيْهِمْ فَهَزَمَهُمْ . ثُمَّ أَشَارَ إِلَى قَوْمٍ ، فَحَمَلَ عَلَيْهِمْ فَهَزَمَهُمْ . فَجَاءَ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لَقَدْ عَجَبَتِ الْمَلَائِكَةُ وَعَجِبْنَا مَعَهُمْ مِنْ حُسْنِ مُؤَاسَاةِ عَلِيٍّ لَكَ بِنَفْسِهِ ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : وَمَا يَمْنَعُهُ مِنْ هَذَا وَهُوَ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ! فَقَالَ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَأَنَا مِنْكُمْ . (3)

1- .. في المصدر : «أحدا» ، والصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار .

2- .. تفسير القمي: ج 1 ص 116 ، بحار الأنوار: ج 20 ص 54 ح 3 .

3- .. الإرشاد: ج 1 ص 85 ، كشف الغمّة: ج 1 ص 194 نحوه ، بحار الأنوار: ج 20 ص 85 ح 17 .

تفسیر القمّی_ در یادکرد از جنگ اُحُد_ : امیر مؤمنان علیه السلام ، چون شمشیر او شکست ، نزد پیامبر خدا آمد و گفت : ای پیامبر خدا! مرد ، با سلاح می جنگد ؛ ولی شمشیر من شکسته است! پیامبر خدا شمشیرش (ذو الفقار) را به او داد و فرمود : «با این بجنگ» . هر کس به پیامبر خدا حمله می آورد ، امیر مؤمنان علیه السلام جلوی او را می گرفت ، و دشمنان ، او را که می دیدند ، عقب می نشستند . بدین ترتیب ، پیامبر خدا خود را به کنار اُحُد رساند و ایستاد . جنگ ، یک سویه شد . یاران پیامبر صلی الله علیه و آله تار و مار شده بودند ؛ اما امیر مؤمنان علیه السلام همچنان با دشمن می جنگید ، تا جایی که صورت و سر و سینه و شکم و دست ها و پاهایش نود زخم برداشت ، و دشمنان از نزدیک شدن به او پرهیز می کردند . شنیدند که منادی ای از آسمان ندا می دهد که : «شمشیری جز ذو الفقار نیست ، و جوان مردی جز علی نیست» . جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت : ای محمّد! به خدا سوگند که این است مواسات (فداکاری)! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «علّش آن است که من از اویم و او از من است» . جبرئیل علیه السلام گفت : و من نیز از شما دو نفر هستم .

الإرشاد_ به نقل از عمران بن حصین_ : در روز اُحُد ، چون مردم از گرد پیامبر خدا پراکنده گشتند ، علی علیه السلام در حالی که شمشیرش را به کمر بسته بود ، آمد و در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد . پیامبر خدا سرش را به طرف او بلند کرد و فرمود : «تو چرا با مردم ، فرار نمی کنی؟» . گفت : ای پیامبر خدا! آیا پس از مسلمان شدنم ، به کفر باز گردم؟! پس پیامبر صلی الله علیه و آله عده ای را که از کوه [اُحُد] پایین می آمدند ، به او نشان داد . علی علیه السلام بر آنان تاخت و تار و مارشان کرد . پیامبر صلی الله علیه و آله گروه دیگری را به او نشان داد و علی علیه السلام به آنان نیز یورش برد و هزیمتشان داد . پیامبر صلی الله علیه و آله گروهی دیگر را نشان داد و علی علیه السلام بر آنها نیز حمله برد و فراری شان داد . در این هنگام ، جبرئیل علیه السلام آمد و گفت : ای پیامبر خدا! فرشتگان و همچنین ما از این همه مواسات (فداکاری) علی برای تو ، شگفت زده شده ایم! پیامبر خدا فرمود : «چرا چنین نکند ، در حالی که او از من است و من از اویم؟» . جبرئیل علیه السلام گفت : و من نیز از شما دو هستم .

تاريخ الطبري عن عبيد الله بن أبي رافع عن أبيه _ في ذكر غزوة أحدٍ _ : لَمَّا قَتَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصْحَابَ الْأُلُوِيَّةِ ، أَبْصَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمَاعَةً مِنْ مُشْرِكِي قُرَيْشٍ ، فَقَالَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِحْمِلْ عَلَيْهِمْ ، فَحَمَلَ عَلَيْهِمْ ، فَفَرَّقَ جَمْعَهُمْ وَقَتَلَ عَمْرَو بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْجُمَحِيِّ . قَالَ : ثُمَّ أَبْصَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمَاعَةً مِنْ مُشْرِكِي قُرَيْشٍ ، فَقَالَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِحْمِلْ عَلَيْهِمْ ، فَحَمَلَ عَلَيْهِمْ ، فَفَرَّقَ جَمَاعَتَهُمْ وَقَتَلَ شَيْبَةَ بْنَ مَالِكٍ أَحَدَ بَنِي عَامِرِ بْنِ لُؤَيٍّ . فَقَالَ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّ هَذِهِ لَلْمُؤَاسَاةُ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ . فَقَالَ جَبْرِيلُ : وَأَنَا مِنْكُمْ . قَالَ : فَسَمِعُوا صَوْتًا : لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيُّ (1)

الإمام الحسين عليه السلام _ أُنْشِدَ حِينَ قَصَدَ الطَّفَّ _ : سَأْمُضِي فَمَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلَيَّ الْفَتِيَاذَا مَا نَوَى حَقًّا وَجَاهَدًا مُسْلِمًا وَأَسَى الرَّجَالَ الصَّالِحِينَ بِنَفْسِهِوَفَارَقَ مَثُورًا (2) وِبَاعَدَ مُجْرِمًا (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام : رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ (4) ، فَلَقْدَ آثَرَ وَأَبْلَى وَفَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ ، فَابْدَلَهُ اللَّهُ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، وَإِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَنْزِلَةً يَغْبِطُهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (5) .

1- .. تاريخ الطبري: ج 2 ص 514، تاريخ دمشق: ج 42 ص 76 نحوه؛ بشارة المصطفى: ص 186، المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 124 كلاهما نحوه، المناقب للكوفي: ج 1 ص 491 ح 398، بحار الأنوار: ج 41 ص 83 ح 10 وراجع: شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 14 ص 250 .

2- .. الثُّبُورُ : الْهَلَاكُ وَالْخُسْرَانُ . وَمَثُورًا : أَي هَالِكًا (تاج العروس : ج 6 ص 140 «ثبر»).

3- .. الإرشاد : ج 2 ص 81 ، الأمالي للصدوق : ص 219 ح 239 عن عبدالله بن منصور عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسين عليهم السلام ، كامل الزيارات: ص 194 ح 274 عن معمر بن خلّاد عن الإمام الرضا عن الإمام الحسين عليهما السلام وفيهما «خالف» بدل «باعد» ، بحار الأنوار : ج 44 ص 192 ح 4 ؛ تاريخ الطبري : ج 5 ص 404 عن عقبه بن أبي العيزار وفيه «يغش ويرغما» بدل «وباعد مجرما» ، البداية والنهاية : ج 8 ص 173 عن عبدالله بن سليم وفيه «وفارق خوفًا أن يعيش ويرغما» بدل ذيله .

4- .. يعني ابن عليّ بن أبي طالب عليه السلام .

5- .. الخصال : ص 68 ح 101 ، الأمالي للصدوق : ص 548 ح 731 كلاهما عن ثابت بن أبي صفية ، بحار الأنوار : ج 22 ص 274 ح

تاریخ الطبری_ به نقل از عبید الله بن ابی رافع ، از پدرش ، در یادکرد از جنگ اُحد _ : چون علی بن ابی طالب علیه السلام پرچمداران [سپاه دشمن] را به قتل رساند ، پیامبر خدا چشمش به گروهی از مشرکان قریش افتاد . به علی علیه السلام فرمود : «به اینان حمله کن» . علی علیه السلام بر آنان تاخت و آنها را از هم پراکنده ساخت و عمرو بن عبد الله جُمحی را کشت . پیامبر خدا ، چشمش به گروه دیگری از مشرکان قریش افتاد و به علی علیه السلام فرمود : «به اینها حمله کن» . علی علیه السلام بر آنها یورش برد و تار و مارشان کرد و شیبۀ بن مالک (یکی از فرزندان عامر بن لُوی) را به قتل رساند . جبرئیل علیه السلام گفت : ای پیامبر خدا! به راستی که مواسات (فداکاری) ، این است ! پیامبر خدا فرمود : «او از من است و من از او هستم» . جبرئیل علیه السلام گفت : و من هم از شما دو تا هستم . مردم صدایی شنیدند : شمشیری جز ذو الفقار نیست و جوان مردی جز علی نیست .

امام حسین علیه السلام_ در هنگامی که آهنگ طُف کرد _ : همی روم ، که مرگ بر جوان مرد ، ننگ نیست هر گاه که در پی حق باشد و برای اسلام بجنگد . جوان مرد ، جان خویش را فدای پاك مردان می کند و از به هلاك افتاده ، جدا می گردد و از گنهكار ، دور می شود .

امام زین العابدین علیه السلام : خدا رحمت کند عباس را! او ایثار کرد و جانانه جنگید و جان خویش را فدای برادرش کرد ، تا جایی که دو دستش قطع شد ، و خداوند به جای آن دو ، دو بال به او بخشید که با آنها همراه فرشتگان در بهشت پرواز می کند ، چنان که به جعفر بن ابی طالب بخشید . عباس در نزد خداوند متعال ، چنان منزلتی دارد که در روز قیامت ، همه شهیدان به آن غبطه می خورند .

الإمام المهدي عليه السلام_ في زيارة أبي الفضل العباس عليه السلام_ :السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، الْمُوَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ ،
الْأَخِذِ لِعَدُوِّهِ مِنْ أَمْسِهِ ، الْفَادِي لَهُ الْوَاقِي ، السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ ، الْمَقْطُوعَةَ يَدَاهُ . (1)

2 / 5المُؤَاسَاةُ فِي التَّعْلِيمِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :أَبْعَدُ الْخَلْقِ مِنَ اللَّهِ رَجُلَانِ : رَجُلٌ يُجَالِسُ الْأَمْرَاءَ فَمَا قَالُوا مِنْ جَوْرٍ صَدَقَهُمْ عَلَيْهِ ،
وَمُعَلِّمٌ الصَّبِيَّانِ لَا يُوَاسِي بَيْنَهُمْ وَلَا يُرَاقِبُ اللَّهَ فِي الْيَتِيمِ . (2)

الإمام الحسين عليه السلام :مَنْ كَفَلَ لَنَا يَتِيمًا قَطَعْتَهُ عَنَّا مِحْنَتْنَا بِاسْتِتَارِنَا ، فَوَاسَاهُ مِنْ عُلُومِنَا الَّتِي سَقَطَتْ إِلَيْهِ حَتَّى أُرْشَدَهُ وَهَدَاهُ ، قَالَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ لَهُ : يَا أَيُّهَا الْعَبْدُ كَرِيمُ الْمُوَاسِي لِأَخِيهِ أَنَا أَوْلَى بِالكَرَمِ مِنْكَ ، اجْعَلُوا لَهُ يَا مَلَائِكَتِي فِي الْجَنَانِ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ عِلْمَهُ أَلْفَ أَلْفِ قَصْرِ
، وَضَمُّوا إِلَيْهَا مَا يَلِيقُ بِهَا مِنْ سَائِرِ النَّعَمِ . (3)

- 1- .. المزار الكبير : ص 489 ، الإقبال : ج 3 ص 74 كلاهما عن أبي منصور (ميسور) ابن عبدالمنعم عن الشيخ محمد بن غالب الأصفهاني الذي خرج على يديه من الناحية المقدسة ، بحار الأنوار : ج 101 ص 270 ح 1 .
- 2- .. تاريخ دمشق : ج 28 ص 18 ح 5861 عن أبي أمانة الباهلي ، كنز العمال: ج 16 ص 22 ح 43761 .
- 3- .. الاحتجاج: ج 1 ص 11 ح 5 عن يوسف بن محمد بن زياد وعلي بن محمد بن سيّار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، منية المرید : ص 116 ، عوالي اللآلي : ج 1 ص 17 ح 3 عن يونس بن محمد بن زياد وعلي بن محمد بن سيّار عن الإمام العسكري عن آبائه عن الإمام الحسن عليهم السلام ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 341 ح 218 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 4 ح 5 .

2 / 5 مواسات در آموزش

امام مهدی علیه السلام در زیارت ابو الفضل العباس علیه السلام: درود بر عباس، فرزند امیر مؤمنان؛ همو که با جان خویش برادرش را یاری داد و از دیروزش برای فردای خویش (قیامت)، توشه بر گرفت و خود را فدای او کرد و سپر او قرار داد، و در رسانیدن آب به او کوشید، و دو دستش بریده شد.

2 / 5 مواسات در آموزش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دورترین مردم از خداوند، دو مردند: مردی که با حکمرانان همنشینی کند و در هر زور و ستمی که می گویند، تأییدشان نماید؛ و آموزگار کودکان که میان آنان به یکسان رفتار نکند و خدا را در باره یتیم در نظر نگیرد.

امام حسین علیه السلام: هر کس یتیمی از ما را که مصیبت پنهان بودن ما، او را از دسترس به ما محروم ساخته است - سرپرستی کند و از علوم (معارف) ما که به وی رسیده، به او ببخشد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند عز و جل به او می فرماید: «ای بنده بخشنده و برادر پرور! من از تو به بخشندگی سزاوارترم. ای فرشتگان! به تعداد هر حرفی که به او آموخته است، هزار هزار قصر در بهشت ها برایش بسازید، و از هر گونه نعمت که زینده آن قصرهاست، ضمیمه آنها کنید».

2 / 6المؤاساة في إبراز المحبة الإمام علي عليه السلام: أبصر رسول الله صلى الله عليه وآله رجلاً له ولدان، فقَبِلَ أحدهما وترك الآخر، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: فَهَلَّا واسيتَ بينهما! (1)

1- .. النوادر للراوندي: ص 96 ح 43، الجعفریات: ص 189 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 483 ح 4704 عن السكوني من دون إسنادٍ إلى الإمام علي عليه السلام، عدّة الداعي: ص 79، بحار الأنوار: ج 104 ص 97 ح 61.

2 / 6 مواسات در ابراز محبت

2 / 6 مواسات در ابراز محبت امام علی علیه السلام: پیامبر خدا مردی را دید که دو پسر داشت و یکی از آنها را بوسید و دیگری را نبوسید . پیامبر خدا به او فرمود : «چرا میان آنها یکسان رفتار نکردی؟!» .

الفصل الثالث : مبادئ المؤاساة 3 / 1 كَرَمُ الْأَعْرَاقِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ مُوَاسَاةَ الرَّفَاقِ مِنْ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ . (1)

3 / 2 الإيمان بالإمام الصادق عليه السلام_ في ذكر صفات المؤمنين _ : هُمْ أَعَزُّ فِي النَّاسِ مِنَ الْكَبِيرَةِ الْأَحْمَرِ ، حَلِيَّتُهُمْ طَوْلُ الشُّكُوتِ بِكَيْتَمَانِ السَّرِّ ، وَالصَّلَاةِ ، وَالزَّكَاةِ ، وَالْحَجِّ ، وَالصَّوْمِ ، وَالْمُوَاسَاةِ لِلْإِخْوَانِ فِي حَالِ الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ ، فَذَلِكَ حَلِيَّتُهُمْ وَمَحَبَّتُهُمْ ، يَا طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنَ مَأْبٍ . (2)

عنه عليه السلام : الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَخُونُهُ ، وَيَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ ، وَالتَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاطُفِ ، وَالْمُوَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ ، وَتَعَاوُنُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ ، حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : رُحَمَاءَ بَيْنَكُمْ (3) ، مُتَرَاجِمِينَ مُعْتَمِّينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ ، عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعْشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (4)

1- .. غرر الحكم: ج 2 ص 210 ح 3405 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 143 ح 3193 .

2- .. الأصول الستة عشر : ص 129 ح 20 عن زيد الزرّاد ، بحار الأنوار : ج 67 ص 352 ح 54 .

3- .. إشارة إلى الآية 29 من سورة الفتح .

4- .. الكافي: ج 2 ص 174 ح 15 عن أبي المغراوج 4 ص 50 ح 16 ، المؤمن : ص 43 ح 101 كلاهما عن سماعة نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 256 ح 53 .

فصل سوم : خاستگاه های مواسات

3 / 1 بزرگواری موروئی

3 / 2 ایمان

فصل سوم : خاستگاه های مواسات 3 / 1 بزرگواری موروئی امام علی علیه السلام : مواسات با دوستان (همراهان)، از بزرگواری تبار است .

3 / 2 ایمان امام صادق علیه السلام_ در یادکرد از صفات مؤمنان_ آنان در میان مردم ، کمیاب تر از گوگرد سرخ اند . (1) زیورشان ، لب فرو بستن طولانی در پنهان داشتن راز ، و نماز و زکات و حج و روزه و مواسات با برادران در حال سختی و آسانی است . اینهاست زیورشان و علاقه مندی شان . خوشا به حالشان و چه خوش سرانجامی دارند !

امام صادق علیه السلام : مسلمان ، برادر مسلمان است . به او ستم نمی کند ، [در مشکلات و گرفتاری ها] تنهائش نمی گذارد ، و به او خیانت نمی کند . بر مسلمانان است که در راه همبستگی بکوشند ، و با هم همدلی کنند ، و نسبت به نیازمندان ، مواسات (از خود گذشتگی) داشته باشند و به یکدیگر مهرورزی کنند ، تا با یکدیگر مهربان گردید چنان که خداوند عز و جل به شما فرموده است ، (2) و با یکدیگر مهربان باشید و از این که نتوانسته اید مشکلی را از آنان بگشایید ، غمگین شوید ، همان گونه که گروه انصار در زمان پیامبر خدا بودند .

1- .گوگرد سرخ (کبریت احمر) ، به غایت ، کمیاب است (لغت نامه دهخدا) .

2- . اشاره است به آیه 29 از سوره فتح .

3 / 3 ولاية أهل البيت عليهم السلام لا مالا مام الصادق عليه السلام : امتحنوا شيعتنا عند ثلاث : عند مواقيت الصلاة كيف محافظتهم عليها ، وعند أسرارهم كيف حفظهم لها عند عدونا ، وإلى أموالهم كيف مواساتهم لاءخوانهم فيها . (1)

1- .. الخصال: ص 103 ح 62 عن الليثي ، قرب الإسناد: ص 78 ح 253 عن مسعدة بن صدقة ، مشكاة الأنوار : ص 150 ح 361 ، روضة الواعظين : ص 321 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 391 ح 3 .

3 / 3 ولایت اهل بیت علیهم السلام

3 / 3 ولایت اهل بیت علیهم السلام امام صادق علیه السلام: شیعیان ما را در سه چیز بیازمایید: در اوقات نماز که چگونه آنها را رعایت می کنند، و در اسرارشان که چگونه آنها را از دشمنان ما پنهان نگه می دارند، و در اموالشان که چگونه با آنها نسبت به برادرانشان مواسات می کنند.

الفصل الرابع : آثار المؤاساة 4 / 1 حَفِظَ الإِخَاءَ الإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا حَفِظَتِ الأُخُوَّةُ بِمِثْلِ المؤاساة . (1)

4 / 2 صَلاحُ الدِّينِ الإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نِظَامُ الدِّينِ خَصَلْتَانِ : إِنْصَافُكَ مِنْ نَفْسِكَ ، وَمُؤاساةُ إِخْوَانِكَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام _ لِلْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ _ : فَكَّرَ يَا مُفَضَّلُ فِيمَا أُعْطِيَ الْإِنْسَانُ عِلْمَهُ وَمَا مُنِعَ ، فَإِنَّهُ أُعْطِيَ عِلْمَ جَمِيعِ مَا فِيهِ صَلاحُ دِينِهِ وَدُنْيَاةً ، فَمِمَّا فِيهِ لَاحُ دِينِهِ مُؤاساةُ أَهْلِ الخَلَّةِ (3) . (4)

-
- 1- .. غرر الحكم: ج 6 ص 74 ح 9578 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 477 ح 8758 .
 - 2- .. غرر الحكم: ج 6 ص 179 ح 9983 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 498 ح 9178 .
 - 3- .. الخَلَّةُ _ بالضم _ : الصداقة والمحبة _ وبالفتح _ : الحاجة والفقير (النهاية : ج 2 ص 72 «خلل»).
 - 4- .. بحار الأنوار : ج 61 ص 258 ح 8 نقلاً عن توحيد المفضل .

فصل چهارم : آثار مواسات

1 / 4 حفظ پیوند برادری

2 / 4 درستی دین

فصل چهارم : آثار مواسات 1 / 4 حفظ پیوند برادری امام علی علیه السلام : هیچ چیزی مانند مواسات ، پیوند برادری را حفظ نمی کند .

2 / 4 درستی دین امام علی علیه السلام : شیرازه دین ، دو چیز است : انصاف داشتن ، و مواسات با برادرانت .

امام صادق علیه السلام _ خطاب به مُفَضَّل بن عمر _ : ای مفضل! در این بیندیش که دانش چه چیزهایی در اختیار انسان نهاده شده و دانش چه چیزهایی به او داده نشده است . همانا دانش هر آنچه درستی دین و دنیای انسان در آن است ، به او داده شده است ، و از جمله چیزهایی که درستی دین او ، در آن نهفته ... ، مواسات نسبت به نیازمندان است .

4 / 3 بركة المال لإمام علي عليه السلام من وصيته لكميل بن زياد - يا كميل، البركة في مال من أتى الزكاة، وواسى المؤمنين، ووصل الأقرين. (1)

4 / 4 زيادة الرزق لإمام علي عليه السلام: مؤاساة الأخ في الله عز وجل يزيد في الرزق. (2)

الكافي عن أبي حمزة الثمالي: قال أمير المؤمنين عليه السلام في خطبته: أعود بالله من الذنوب التي تعجل الفناء، فقام إليه عبد الله بن الكواء الشكري فقال: يا أمير المؤمنين، أوتكون ذنوب تعجل الفناء؟ فقال: نعم وبيك! طبيعة الرحيم، إن أهل البيت ليجمعون ويتواسون وهم فجرة فيرزقهم الله، وإن أهل البيت ليتفرقون ويقطع بعضهم بعضاً فيحرمهم الله وهم أتقياء. (3)

4 / 5 الغني كشف الغمة عن الحجاج بن أرطاة: قال أبو جعفر عليه السلام: يا حجاج، كيف تواسيكم؟ قلت: صالح يا أبا جعفر. قال: يدخل أحدكم يده في كيس أخيه فيأخذ حاجته إذا احتاج إليه؟ قلت: أما هذا فلا! فقال: أما لو فعلتم ما احتجتم. (4)

1- .. تحف العقول: ص 172، بشارة المصطفى: ص 25 عن كميل نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 413 ح 38.

2- .. الخصال: ص 504 ح 2 عن سعيد بن علاقة، مشكاة الأنوار: ص 230 ح 645، روضة الواعظين: ص 499، بحار الأنوار: ج 74 ص 395 ح 22.

3- .. الكافي: ج 2 ص 347 ح 7، الدعوات: ص 61 ح 151 نحوه، بحار الأنوار: ج 74 ص 137 ح 107.

4- .. كشف الغمة: ج 2 ص 333، بحار الأنوار: ج 78 ص 185 ح 12؛ الإخوان: ص 223 ح 192.

4 / 3 برکت یافتن مال**4 / 4 زیاد شدن روزی****4 / 5 بی نیازی**

4 / 3 برکت یافتن مال امام علی علیه السلام در سفارش های ایشان به کمیل بن زیاد _ ای کمیل! برکت ، در مال کسی است که زکات بدهد و نسبت به مؤمنان ، مواسات کند و به خویشان ، رسیدگی نماید .

4 / 4 زیاد شدن روزی امام علی علیه السلام : مواسات نسبت به برادر دینی ، روزی را می افزاید .

الکافی _ به نقل از ابو حمزه ثمالی _ : امیر مؤمنان علیه السلام در سخنرانی اش فرمود : «از گناهانی که مرگ را پیش می افکنند ، به خدا پناه می برم» . عبد الله بن گوّاء یسکری برخاست و گفت : ای امیر مؤمنان! مگر گناهانی هم هستند که مرگ را پیش افکنند؟ فرمود : «وای بر تو! آری ؛ بریدن از خویشاوندان . خانواده هایی هستند که گرد هم می آیند و نسبت به یکدیگر مواسات می نمایند و با آن که اهل معصیت اند ، خداوند ، آنان را روزی می بخشد ، و خانواده هایی هستند که پراکنده می شوند و از یکدیگر پیوند می بُرند و با آن که مردمانی پرهیزگارند ، خداوند ، آنان را [از روزی ،] محروم می کند» .

4 / 5 بی نیازی کشف الغمّة _ به نقل از حجاج بن أرطاة _ : امام باقر علیه السلام فرمود : «ای حجاج! مواسات شما چگونه است؟» . گفتم : خوب است ، ای ابو جعفر! فرمود : «آیا هر گاه فردی از شما نیاز پیدا کند ، دستش را در جیب برادرش می کند و به اندازه نیازش بر می دارد؟» . گفتم : در این حد ، نه! فرمود : «اگر این گونه رفتار کرده بودید ، نیازمند نمی شدید» .

4 / 6 إجابة الدعاء الإمام الصادق عليه السلام: ثلاث دعوات لا يحجب عن الله تعالى: دعاء الوالد لولده إذا برّه ودعوتُهُ عليه إذا عَقَّهُ، ودعاء المظلوم على ظالمه ودعاؤه لمن انتصَرَ له منه، ورجلٌ مؤمنٌ دعا لأخٍ له مؤمنٍ وداؤه فينا ودعاؤه عليه إذا لم يؤاسِهِ مع القدرة عليه واضطرار أخيه إليه. (1)

4 / 7 البشارة عند الموت رسول الله صلى الله عليه وآله: والذي بعثني بالحق نبياً! إن عبداً من عباد الله ليقف يوم القيامة موقفاً يخرج عليه من لهب النار أعظم من جميع جبال الدنيا، حتى ما يكون بينه وبينها حائلٌ؛ بينا هو كذلك قد تحير، إذ تطاير من الهواء رغيثٌ أو حبةٌ قد واسى بها أخاً مؤمناً على إضافته، فتتزل حوَالِيهِ فتصير كأعظم الجبال مُستديراً حوَالِيهِ، تصدُّ عنه ذلك اللهب، فلا يصيبه من حرّها ولا دُخانها شيءٌ، إلى أن يدخل الجنة. (2)

1- .. الأماي للطوسي: ص 280 ح 541 عن الإمام الهادي عن آبائه عليهم السلام، عدّة الداعي: ص 121، بحار الأنوار: ج 74 ص 396 ح 23.

2- .. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 525 ح 320، بحار الأنوار: ج 74 ص 310 ح 63.

4 / 6 پذیرفته شدن دعا**4 / 7 خُشَنودی به هنگام مرگ**

4 / 6 پذیرفته شدن دعا امام صادق علیه السلام: سه دعاست که از درگاه خداوند متعال رد نمی شود: دعای پدر برای فرزندش، هر گاه که به او نیکی کند، و نفرینش در حق او، آن گاه که از او نافرمانی نماید؛ نفرین ستم دیده در حق کسی که به او ستم کرده است، و دعایش برای کسی که انتقام او را از ستمگری گرفته است؛ و دعای مرد مؤمن برای برادر مؤمنش که به خاطر ما نسبت به او مواسات کرده است، و نفرینش در حق او که می توانسته به وی کمک کند و نکرده، در حالی که وی به آن محتاج بوده است.

4 / 7 خُشَنودی به هنگام مرگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، در روز قیامت، بنده ای از بندگان خدا در ایستگاهی [از ایستگاه های قیامت] می ایستد و شعله ای آتش، بزرگ تر از همه کوه های دنیا، در برابرش آشکار می گردد، به طوری که میان او و آن شعله هیچ حایلی نیست. در همان حال که سرگردان است، ناگاه، گرده ای نان یا دانه ای [گندم یا جز آن] که [در دنیا] به آن نیاز داشته و به برادری مؤمن کمک کرده است، از هوا در پیرامون او فرود می آید و مانند بزرگ ترین کوه ها می شود و گرداگرد او را می گیرد و مانع رسیدن آن شعله به او می شود، و از حرارت و دود آن، کمترین آسیبی به او نمی رسد، تا این که وارد بهشت می شود.

الإمام الصادق عليه السلام_ في قوله تعالى: « يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * اذْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي » (1): ذلك لمن ن ورعا مؤاسيا يا لاءِخوانه وصولا لهم . وإن كان غير ورع ولا وصول لاءِخوانه قيل له : ما منعك من الورع والمؤاساة لاءِخوانك ؟ أنت ممن اتحل المحبة بلسانه ولم يصدق ذلك بفعل . وإذا لقي رسول الله صلى الله عليه وآله وأمير المؤمنين عليه السلام لقيهما معرضين ، مقطعين (2) في وجهه ، غير شافعين له . (3)

1- .. الفجر : 27 _ 30 .

2- .. قَطَب : زوى ما بين عينيه وعبس (لسان العرب : ج 1 ص 680 «قطب»).

3- .. المحاسن: ج 1 ص 283 ح 558 عن مصعب والخطاب الكوفيين ، بحار الأنوار : ج 74 ص 398 ح 30 .

امام صادق علیه السلام_ در باره این سخن خداوند متعال که : «ای نفسِ آرام یافته! خشنود و خداپسند ، به سوی پروردگارت باز گرد ، و در میان بندگان من در آی ، و در بهشت من ، داخل شو» _ : این ، در حق کسی است که پارسا باشد و نسبت به برادرانش مواسات (از خود گذشتگی) کند و با آنان پیوند برقرار سازد ؛ اما اگر نه پارسا بود و نه برقرار کننده پیوند با برادران ، به او گفته می شود : «چه چیزی مانع تراز پارسایی و مواسات نسبت به برادرانت شد؟ تو ، از آن کسانی هستی که به زبان ، دم از دوستی می زدند ؛ ولی در کردار ، کاری نمی کردند» . پیامبر خدا و امیر مؤمنان ، هر گاه او را دیدار کنند ، از او روی می گردانند و بر او چهره در هم می کشند و شفاعتش نمی کنند .

15 . غذا خوردن

اشاره

15 . غذا خوردن در آمد فصل یکم : بایسته های غذا خوردن فصل دوم : وعده های غذا فصل سوم : کم خوری فصل چهارم : پر خوری و شکمبارگی فصل پنجم : بهترین غذاها فصل ششم : آداب غذا خوردن فصل هفتم : نکاتی که بعد از خوردن باید رعایت شود فصل هشتم : آداب خوردن گوشت فصل نهم : آداب خوردن میوه

درآمد لا تَطْلُبُ الْحَيَاةَ لِتَأْكُلَ، بَلِ اطْلُبِ الْأَكْلَ لِتَحْيَا. زندگی را برای آن میخواه که بخوری؛ بلکه خوردن را برای آن میخواه که زندگی کنی. امام علی علیه السلام رعایت موازین بهداشتی در خوردن و آشامیدن، یکی از مهم ترین عوامل سلامت، شادابی و طول عمر است. اگر مردم بدانند که چه باید بخورند، چه اندازه بخورند و چگونه غذا میل کنند و دانسته خود را به کار بندند، بی تردید، بیشتر بیماری ها از جامعه بشر رخت بر خواهد بست و آنان لذت و شیرینی زندگی را خواهند چشید. نخستین نکته در جهت رعایت موازین بهداشتی در خوردن، توجه به این حقیقت است که در نظام آفرینش، خوردن، ابزاری است برای زندگی، نه آن که زندگی وسیله ای است برای خوردن، چنان که در حکمت منسوب به امام علی علیه السلام آمده است: لا تَطْلُبُ الْحَيَاةَ لِتَأْكُلَ؛ بَلِ اطْلُبِ الْأَكْلَ لِتَحْيَا. (1) زندگی را برای آن میخواه که بخوری؛ بلکه خوردن را برای آن میخواه که زندگی کنی.

يك . حلال بودن غذا

بسیاری از مردم_ اگر نگوییم بیشتر آنان_ ، سلامت و شادابی و زندگی خود را فدای شکم خود می کنند و اصلاً به فکر این نیستند که چه بخورند، چگونه بخورند و چه اندازه بخورند . از این رو، هر چیزی را که مزه بیشتری دارد، به هر اندازه که میل دارند و به هر شکلی که پیش آید، مصرف می کنند و بدین سان، گرفتار انواع بیماری ها می شوند . امام علی علیه السلام در این باره می فرماید : *مَنْ عَرَسَ فِي نَفْسِهِ مَحَبَّةَ أَنْوَاعِ الطَّعَامِ ، اجْتَنَى ثَمَارَ فُنُونِ الْأَسْقَامِ .* (1) هر که نهال دوستی غذاهای گونه گون را در نفس خویش بنشاند، میوه بیماری های گونه گون خواهد چید . ره نمودهای اسلام در این زمینه فوق العاده مهم و ارزشمندند که با عنایت به عصر صدور آنها ، معجزه علمی پیشوایان دین ، محسوب می شوند . در این باره توجه به دو نکته حائز اهمیت است : 1 . ره نمودهای اسلام در باره خوردن ، تنها سلامت جسم را تضمین نمی کند ؛ بلکه متضمن بهداشت جسم و جان انسان است . 2 . از آن جا که عقل و علم ، بر همه رازهای آفرینش احاطه ندارند ، ممکن است حکمت برخی از ره نمودهای اسلام برای دانش امروز مجهول باشد ؛ ولی بی تردید ، این به معنای بی دلیل بودن آن ره نمودها نیست ، چنان که حکمت شماری از احکام اسلام در گذشته مجهول بوده و امروز ، علم ، به راز آنها پی برده است . و اینک ، اشاره ای کوتاه به آن ره نمودها :

يك . حلال بودن غذانخستین و مهم ترین ره نمود اسلام در باره مواد غذایی مورد مصرف ، این است که باید «حلال» باشد ، بدین معنا که

:

.

دو . دو وعده غذا در شبانه روز**سه . توصیه به کم خوردن**

اولاً: آنچه انسان مصرف می کند ، باید از راه مشروع تهیه شده باشد . غذایی که از راه نامشروع و تجاوز به حقوق دیگران تهیه گردد ، اگرچه ممکن است برای سلامت جسم ضرر نداشته باشد ، اما بی تردید برای سلامت روان ، زیانبار است . ثانیاً: غذای انسان باید از «طبیات» تهیه شده باشد . بر این اساس ، انسان نباید غذاهایی را که طبع توده مردم از آنها نفرت دارد و یا اسلام ، خوردن آنها را ممنوع می داند (مانند : گوشت مردار یا حیوانات حرام گوشت) ، مصرف کند ، هر چند تجاوز به حقوق دیگران نباشد . ثالثاً: غذا برای شخص مصرف کننده زیانبار نباشد ، بدین معنا که ممکن است غذای خاصی برای يك نفر حلال باشد ، اما برای دیگری به دلیل آن که بیمار است ، زیانبار و حرام باشد . رابعاً: چگونگی مصرف آن برای جان یا جامعه مفسده نداشته باشد ، هر چند که غذایی حلال باشد و برای جسم هم زیانبار نباشد . برای نمونه ، غذا خوردن در ظروف طلا و نقره یا غذا خوردن بر سر سفره ای که مشروبات الکلی در آن قرار دارد ، در اسلام ممنوع شده است .

دو . دو وعده غذا در شبانه روز در احادیث اسلامی برای تداوم سلامت و شادابی ، خوردن دو وعده غذا در صبح و شام ، توصیه شده است . اهل بهشت نیز که در «دار السلام» جاوید هستند ، در همین دو وعده ، غذا میل می کنند : «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (1) و روزی شان ، صبح و شام ، در آن جا [آماده] است» .

سه . توصیه به کم خوردن پیشوایان دین ، ضمن تأکید بر کم خوری ، منافع فراوانی را برای آن ذکر کرده اند ،

چهار . خطر پر خوری**پنج . میزان مفید خوراک****شش . برترین خوراکی و بهترین سفره**

مانند : تداوم سلامت بدن ، صفای اندیشه ، نورانیت دل ، رهایی از دام شیطان ، بهره گیری از ملکوت هستی ، نزدیکی به خداوند متعال و استفاده بهتر از عبادت او .

چهار . خطر پر خوری پر خوری در احادیث ، به شدت نکوهیده است ؛ چرا که از سلامت می کاهد و شهوت را می افزاید ، بدن را بدبو می کند و زمینه را برای انواع بیماری های جسمی و روحی فراهم می سازد . پر خوری ، جوهر نفس را تباه می کند ، به نیروی تقوا و ورع ضربه می زند ، بر تیزهوشی ، حجاب می افکند و دل را سخت و تاریک می سازد . شخص پر خور ، خواب های آشفته می بیند ، هنگام عبادت ، احساس کسالت می نماید . از این رو ، عبادتش اندک است و از بساط قرب حضرت حق ، دور . و نهایت ، این که سیری در دنیا ، موجب گرسنگی در آخرت خواهد شد .

پنج . میزان مفید خوراکی برای پیشگیری از زیان های پر خوری و بهره گیری از منافع کم خوری ، پیشوایان اسلام توصیه کرده اند که انسان پیش از آن که اشتها داشته باشد ، چیزی میل نکند و قبل از آن که اشتهاش کاملاً از بین برود ، از خوردن ، دست بکشد : **كُلْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي وَ أَمْسِكْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي** . (1) زمانی که اشتها داری ، غذا بخور و تا هنوز اشتها داری ، دست از غذا بکش .

شش . برترین خوراکی و بهترین سفره از نظر احادیث اسلامی ، برترین غذاها ، غذایی است که دارای چند ویژگی باشد : اول ، آن که از دست رنج کسی که از غذایش میل می کنند ، تهیه شده باشد . دوم ، آن که : خانواده او آن را دوست داشته باشند .

هفت . آداب غذا خوردن

بخش یکم . نکاتی که سزاوار است قبل از خوردن غذا رعایت شود

بخش دوم . نکاتی که باید هنگام خوردن غذا رعایت شوند

و سوم، آن که : تهیّه و خوردن آن ، موجب آزار دیگران نباشد . بهترین سفره ها نیز پاکیزه ترین ، حلال ترین و ساده ترین آنهاست ؛ سفره ای که انواع غذاهای رنگارنگ و گران قیمت _ که اهل بیت علیهم السلام از مصرف آنها به خدا پناه می بردند _ بر آن ، چیده نشده باشد .

هفت . آداب غذا خوردن آداب غذا خوردن ، به چند بخش تقسیم می شود : بخش یکم . نکاتی که سزاوار است قبل از خوردن غذا رعایت شوند : نکاتی که پیشوایان اسلام برای حضور بر سر سفره غذا توصیه کرده اند ، عبارت اند از : گذاشتن سبزیجات در سفره ، شستن دست ها و خشک نکردن آنها با هوله ، در آوردن کفش ها ، نشستن بر سر سفره با فروتنی ، سهیم کردن بیننده (اعم از انسان یا حیوان) ، و در آخر ، صدقه دادن از آن غذا و یا همانند آن . بخش دوم . نکاتی که باید هنگام خوردن غذا رعایت شوند : الف _ تدبّر در این که آنچه از انواع خوراکی ها مورد نیاز بدن انسان است ، چگونه در نظام آفرینش پدید آمده است و چه عواملی دست به دست هم داده اند تا آنچه در سفره نهاده شده ، آماده گردیده و اکنون او می تواند با میل و اشتها از آن استفاده نماید ؛ ب _ آغاز کردن خوردن با نام و یاد آفریدگار مهربانی که انواع غذاهای مفید را برای تأمین نیازهای انسان ، در نظام آفرینش قرار داده است . نیز تکرار نام خدا به هنگام خوردن هر نوع غذا ، و تکرار آن ، هر گاه که در میان غذا خوردن ، سخن گفته شود و نیز سپاس گفتن فراوان در هنگام خوردن ؛ ج _ آغاز کردن غذا با نمک (در صورتی که خوردن نمک برای او ضرر نداشته باشد) ؛ (1)

1- . ممکن است توصیه به خوردن نمک در آغاز و پایان غذا در احادیث اسلامی ، برای مناطقی باشد که به دلیل تعریق فراوان ، نمک بدن آنها کاسته می شود ، یا برای ضدّ عفونی کردن دهان باشد . البتّه ظاهر احادیث فراوانی که به این مطلب توصیه کرده اند ، این است که خوردن اندکی نمک قبل از غذا و بعد از آن ، برای برخی بیماری ها ، مفید است .

بخش سوم . کارهایی که هنگام غذا خوردن ، ترك آنها شایسته است

د _ آغاز کردن از سبک ترین غذاها ؛ ه _ نخوردن غذای داغ و خوردن غذای نیم گرم ، پیش از آن که سرد شود ؛ و _ استفاده کردن از دست راست ؛ ز _ کوچک گرفتن لقمه ؛ ح _ خوب جویدن غذا ؛ ط _ طولانی نشستن بر سر سفره ؛ ی _ گرمی داشتن نان و نگذاشتن آن زیر ظرف غذا ؛ ک _ استفاده کردن از آنچه از سفره می ریزد (البته در منزل و در صورتی که آلوده نشده باشد ، وگر نه کسی که در صحرا غذا میل می کند ، بهتر است آنچه را که از سفره می ریزد ، برای حیوانات بگذارد) ؛ ل . امساک از خوردن غذا پیش از سیر شدن کامل و در حالی که قدری از اشتهای باقی است . بخش سوم . کارهایی که هنگام غذا خوردن ، ترك آنها شایسته است : الف _ اسراف (زیاده روی) در کیفیت و کمیت خوراك ؛ ب _ خوردن غذایی که به آن بی میل است ؛ ج _ دمیدن در غذا ؛ د _ خوردن با دست چپ ؛ ه _ خوردن با يك انگشت و دو انگشت ؛ و _ بلند آروغ زدن ؛

بخش چهارم . حالاتی که غذا خوردن در آنها نکوهیده است

بخش پنجم . توصیه به هم غذا شدن با دیگران

بخش ششم . آدابی که رعایت آنها به هنگام غذا خوردن با دیگران ، ضروری است

ز _ پاك کردن زیاد استخوان ها ؛ ح _ آب خوردن میان غذا ؛ ط _ آب خوردن پس از خوردن گوشت ؛ ی _ خوردن در حال سیری .
 بخش چهارم . حالاتی که غذا خوردن در آنها نکوهیده است : به طور کلی ، میل کردن غذا در حالاتی که از نظر بهداشتی زیانبارند ، نیز میل کردن غذا به شیوه ضد اخلاقی (مانند غذا خوردن به شیوه متکبران) و یا به گونه ای که عرف جامعه بر نمی تابد ، در اسلام ، نکوهیده شناخته می شود ، و آنچه در احادیث مربوط به این بخش آمده (مانند نهی از غذا خوردن در حال «اتکاء» یا «انبطاح» یا «استلقاء» یا «قیام» یا «مشی» و یا «غذا خوردن در حال جنابت») در صورتی است که منطبق با یکی از عناوین مذکور گردد . بخش پنجم . توصیه به هم غذا شدن با دیگران : در احادیث اسلامی ، غذا خوردن به تنهایی ، مذموم شناخته شده و توصیه گردیده که انسان هر قدر می تواند ، دیگران را در غذای خود سهیم نماید . نیز غذا خوردن با خانواده ، خدمت گزاران و یتیمان ، مورد تأکید قرار گرفته است . بخش ششم . آدابی که رعایت آنها به هنگام غذا خوردن با دیگران ، ضروری است : الف _ خوردن از قسمت جلوی خود ؛ ب _ خوردن از اطراف غذایی که برای همه آماده شده و از وسط آن برداشتن ؛ ج _ نگاه نکردن به لقمه دیگران ؛ د _ رعایت حقوق دیگران در آنچه در سفره است ؛ ه _ شروع توسط صاحب غذا یا بهترین شخص حاضر بر سر سفره ؛ و _ ادامه دادن به خوردن ، تا سیر شدن همه کسانی که بر سر سفره نشسته اند ؛

هشت . آداب پایان دادن غذا و برچیدن سفره

ه . آداب خوردن گوشت و میوه

الف . آداب خوردن گوشت

ز _ بلند شدن از سر سفره ، قبل از برچیدن آن .

هشت . آداب پایان دادن غذا و برچیدن سفره : پایان غذا خوردن ، مانند آغاز آن ، آدابی دارد که رعایت آنها برای سلامت جسم و جان ، سودمند است . این آداب را می توان به آداب : عرفانی ، اجتماعی و بهداشتی تقسیم کرد : الف _ ادب عرفانی ، که عبارت است از : سپاس گزاری از ولی نعمت حقیقی _ که خداوند متعال است _ و دعا برای برکت یافتن روزی ؛ ب _ ادب اجتماعی ، که عبارت است از : یادآوری گرسنگان و مسئولیتی که افراد سیر در برابر آنان دارند و تلاش برای کاستن فقر و گرسنگی از جامعه در حدّ توان ؛ ج _ ادب بهداشتی ، که عبارت است از : شستن دست ها ، خلال کردن و مسواک زدن دندان ها ، تمیز کردن آنچه زیر سفره ریخته ، قدری استراحت بر پشت ، و نخوابیدن بلافاصله پس از خوردن غذا .

ه . آداب خوردن گوشت و میوه : خوردن گوشت و میوه از منظر احادیث اسلامی ، آداب ویژه ای دارد که اجمالاً بدانها اشاره می کنیم :

الف _ آداب خوردن گوشت 1 . انتخاب گوشت جلوی لاشه ، خصوصاً ذراع (سردست) ؛ 2 . شستن گوشت ، قبل از طبخ ؛ 3 . تگّه تگّه کردن گوشت به وسیله دندان به هنگام خوردن (و قطع نکردن آن با چاقو) ؛

ب. آداب خوردن میوه

4. نخوردن گوشتِ «قدید» (1)؛ 5. نخوردن گوشت خام؛ 6. خوردن گوشت، سه روز یک بار، یا هفته ای یک بار، و ترك نکردن آن برای چهل روز، و اجتناب از خوردن آن در هر روز؛ 7. اجتناب از پاك کردن کامل استخوان و از خوردن مغز قلم.

ب_ آداب خوردن میوه 1. شستن میوه با آب؛ 2. یاد خدا هنگام خوردن آن؛ 3. خواندن دعای ویژه (2) به هنگام دیدن میوه جدید؛ 4. خوردن میوه در آغازِ فصل به دست آمدنش، و نخوردن آن در اواخر آن فصل، 5. خوردن میوه با پوست آن. و اینک، در قالب نقل احادیث، به شرح این اجمال می پردازیم.

1- قدید، به گوشت خشك شده در برابر آفتاب گفته می شود.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 5 ص 59 (غذا خوردن / فصل نهم: آداب خوردن میوه / دعا کردن هنگام خوردن میوه نوبر).

الفصل الأول: واجبات الأكل 1 / 1 حليّة الطّعام الكتاب «فكلُّوا ممَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» .
(1)

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» . (2)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» . (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ ، قَامَ عَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْ أَكْلِهِ. (4)

1- .. النحل : 114.

2- .. البقرة : 168.

3- .. البقرة: 172 وراجع : الأعراف: 160 والإسراء: 70 وغافر: 64 والكهف : 19. وقال الراغب: الطّعام الطيّب في الشّرع : ما كان متناولاً من حيث ما يجوز ، ومن المكان الذي يجوز ؛ فإنه متى كان كذلك كان طيباً عاجلاً وآجلاً ، لا يُستوخم ، وإلا فإنه وإن كان طيباً عاجلاً لم يطب آجلاً (مفردات ألفاظ القرآن : ص 527 «طيب»).

4- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 320 ح 1028 ، الدعوات : ص 24 ح 35 ، روضة الواعظين : ص 501 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 314 ح 6.

فصل یکم : بایسته های غذا خوردن

1 / 1 حلال بودن غذا

فصل یکم : بایسته های غذا خوردن 1 / 1 حلال بودن غذاقرآن«پس ، از آنچه خدا شما را روزی کرده است ، حلال و پاکیزه بخورید ، و نعمت خدا را سپاس گزارید ، اگر تنها او را می پرستید» .

«ای مردم! از آنچه در زمین است ، حلال و پاکیزه را بخورید ، و از گام های شیطان پیروی نکنید ، که دشمن آشکار شماست» .

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از پاکیزه هایی (1) که به شما روزی کرده ایم ، بخورید و خدا را سپاس گوید ، اگر تنها او را می پرستید» .

حدیثیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که غذای حلال بخورد ، فرشته ای بالای سرش می ایستد و تا آن گاه که از خوردن فراغت یابد ، برای او طلب آمرزش می کند .

1- . راغب می گوید : خوراك طيب (پاك) از نظر شرع ، آن است که از راه حلال و از جای مُجاز به دست آید . چنین غذایی هم در دنیا و هم در آخرت ، طيب (پاك) است و گوارا . در غیر این صورت ، اگرچه ممکن است در دنیا طيب باشد ، اما در آخرت ، طيب نخواهد بود (مفردات ألفاظ القرآن : ص 527 ماده «طیب»)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَأَجْرَى يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ طَيِّبًا، وَعَمِلَ فِي سُنَّةٍ، وَأَمِنَ النَّاسُ بِوَأَيْقِهِ (2)؛ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: أُمِرَتِ الرُّسُلُ إِلَّا تَأْكُلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَلَا تَعْمَلُ إِلَّا صَالِحًا. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ النَّحْلَةِ (5)؛ لَا يَأْكُلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَلَا يَصْنَعُ إِلَّا طَيِّبًا. (6)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مَثَلَ الْمُؤْمِنِ لِكَمَثَلِ النَّحْلَةِ؛ أَكَلَتْ طَيِّبًا، وَوَضَعَتْ طَيِّبًا. (7)

الإمام علي عليه السلام: كُنْ كَالنَّحْلَةِ؛ إِذَا أَكَلَتْ أَكَلَتْ طَيِّبًا، وَإِذَا وَضَعَتْ وَضَعَتْ طَيِّبًا، وَإِذَا وَقَعَتْ عَلَى عَوْدٍ لَمْ تَكْسِرْهُ. (8)

1- .. المغني عن حمل الأسفار: ج 1 ص 435 ح 1652، إحياء العلوم: ج 2 ص 134؛ عدّة الداعي: ص 140 وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج 103 ص 16 ح 71.

2- .. بوائقه: أي غوائله وشروبه، واحدها بائقة؛ وهي الداهية (النهاية: ج 1 ص 162 «بوق»).

3- .. سنن الترمذي: ج 4 ص 669 ح 2520، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 117 ح 7073، المعجم الأوسط: ج 4 ص 25 ح 3520 كلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 4 ص 7 ح 9213.

4- .. المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 140 ح 7159، المعجم الكبير: ج 25 ص 174 ح 428، الزهد لابن المبارك: ص 476، حلية الأولياء: ج 6 ص 105 الرقم 348 كلاهما بزيادة «قبلي» بعد «الرسول» وكلّهما عن أمّ عبد الله أخت شدّاد بن أوس، كنز العمال: ج 4 ص 4 ح 9198.

5- .. المشهور في الرواية بالخاء المعجمة، وهي واحدة النخيل، وروي بالحاء المهملة؛ يريد نحلة العسل. ووجه المشابهة بينهما: حذق النحل وفطنته، وقلاّة أذاه وحقارته ومنفعته، وقنوعه، وسعيه في الليل، وتنزّهه عن الأقدار، وطيب أكله، وأنّه لا يأكل من كسب غيره، ونحوه وطاعته لأمره... (النهاية: ج 5 ص 29 «نحل»).

6- .. شعب الإيمان: ج 5 ص 58 ح 5765، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 147 ح 253 نحوه وكلاهما عن عبد الله بن عمرو بن العاص، كنز العمال: ج 1 ص 147 ح 729.

7- .. مسند ابن حنبل: ج 2 ص 639 ح 6889، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 11 ص 405 ح 20852، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 559 ح 8566 كلّها عن عبد الله بن عمرو، المعجم الكبير: ج 19 ص 204 ح 459 عن أبي رزين وكلاهما نحوه.

8- .. غرر الحكم: ج 4 ص 595 ح 7186، عيون الحكم والمواعظ: ص 392 ح 6637.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چهل روز حلال خورد، خداوند، دلش را نورانی می گرداند و چشمه های حکمت را از دل او بر زبانش جاری می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که غذای پاک خورد و طبق سنت عمل کند و مردم از شرّ و گزند او در امان باشند، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبران، مأمور بودند که جز حلال نخورند و جز کار نیک نکنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، مانند زنبور عسل (1) است؛ جز پاک و پاکیزه نمی خورد و جز پاک تولید نمی کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن به سان درخت خرماست که پاک می خورد و پاک تولید می کند.

امام علی علیه السلام: همچون زنبور عسل باش که خوراک پاک و پاکیزه می خورد و محصول پاک و پاکیزه تولید می کند، و هر گاه روی شاخه ای می نشیند، آن را نمی شکند.

1- مشهور در روایت، با «حاء» [یعنی «نخله»] است که واحد «نخیل» (درخت خرما) است، و با «حاء» نیز [به صورت «نحله»] روایت شده که به معنای زنبور عسل است. وجه مشابهت میان مؤمن و زنبور عسل، عبارت است از: هوشمندی و زیرکی زنبور عسل و بی آزاری آن و کوچکی اش، و سودمندی اش و قناعتش و تلاش شبانه روزی اش، و تمیز و به دور بودنش از آلودگی، و پاکیزگی خوراکش، و نخوردنش از دست رنج دیگران، و سخاوتمندش و فرمان برداری اش از ملکه (النهاية: ج 5 ص 29 «نحل»).

عنه عليه السلام _ في وَصِيَّتِهِ لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ _ : إِنَّ اللِّسَانَ يَنْزَحُ (1) مِنَ القَلْبِ ، وَالقَلْبُ يَقُومُ بِالغِذَاءِ ، فَانظُرْ فِيمَا تُغَدِّي قَلْبَكَ وَجِسْمَكَ ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ حَلَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللّهُ تَسْبِيحَكَ وَلَا شُكْرَكَ. (2)

الكافي عن أبي بصير: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي ضَعِيفُ العَمَلِ قَلِيلُ الصِّيَامِ ، وَلَكِنِّي أُرْجُو أَلَّا أَكُلَ إِلَّا حَلَالًا. قَالَ : فَقَالَ لَهُ : أَيُّ الإِجْتِهَادِ أَفْضَلُ مِنْ عَفَّةِ بَطْنٍ وَفَرَجٍ؟! (3)

1 / 2 اجْتِنَابُ الحَرَامِ رسول الله صلى الله عليه وآله : وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ، لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ ... تُرَابًا فَيَجْعَلُهُ فِي فِيهِ ، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَجْعَلَ فِي فِيهِ مَا حَرَّمَ اللّهُ عَلَيْهِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا وَقَعَتِ اللُّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ العَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ ، وَمَا دَامَتِ اللُّقْمَةُ فِي جَوْفِهِ لَا يَنْظُرُ اللّهُ إِلَيْهِ. وَمَنْ أَكَلَ اللُّقْمَةَ مِنَ الحَرَامِ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللّهِ (5) ، فَإِنْ تَابَ تَابَ اللّهُ عَلَيْهِ ، وَإِنْ مَاتَ فَالْتَأَزَّ أُولَى بِهِ. (6)

1- .. نَزَحَ البئرُ : استقى ماءها ، أي إنَّ اللسان يتغذى ويستقي من القلب. وفي بشارة المصطفى وبحار الأنوار : «يَبُوحُ» بدل «ينزح» ، قال في القاموس : باح بِسَرِّهِ ؛ أظهره ، أي إنَّ اللسان ينطق بمعونة القلب ، ولا قوَّة له بلا إمداد القلب (انظر : القاموس المحيط : ج 1 ص 252 «نزح» و ص 216 «البوح» ونهج السعادة : ج 8 ص 225).

2- .. تحف العقول : ص 175 ، بشارة المصطفى : ص 28 كلاهما عن كميل ، بحار الأنوار : ج 77 ص 273 ح 1.

3- .. الكافي : ج 2 ص 79 ح 4 ، المحاسن : ج 1 ص 455 ح 1052 نحوه ، بحار الأنوار : ج 71 ص 269 ح 4.

4- .. مسند ابن حنبل : ج 3 ص 68 ح 7493 ، شُعب الإيمان : ج 5 ص 57 ح 5763 كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 4 ص 14 ح 9260 .

5- .. باؤوا بغضب من الله : رجعوا به ؛ أي صار عليهم (الصحيح : ج 1 ص 38 «بؤا»).

6- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 321 ح 1029 ، مشكاة الأنوار : ص 543 ح 1819 ، الدعوات : ص 25 ح 37 وفيه صدره إلى «السماوات والأرض» ، روضة الواعظين : ص 501 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 314 ح 6.

1 / 2 دوری کردن از حرام

امام علی علیه السلام در سفارش به گمیل بن زیاد _ زبان از دل نیرو می گیرد ، و دل به غذا برپاست . پس بنگر که دل و جسمت را با چه تغذیه می کنی ، که اگر غذا حلال نباشد ، خداوند ، نه تسبیح گویی تو را می پذیرد و نه سپاس گزاری ات را .

الکافی _ به نقل از ابو بصیر _ مردی به امام باقر علیه السلام گفت : من عملم ضعیف و روزه ام اندک است ؛ اما کوشش می کنم جز حلال نخورم . امام علیه السلام فرمود : «چه عمل و کوششی برتر از حفظ شکم و شهوت [از حرام] است؟!» .

1 / 2 دوری کردن از حرام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که جانم در دست اوست ، اگر فردی از شما ... مستی خاك بردارد و در دهان خویش نهد ، بهتر از آن است که آنچه را خداوند ، حرام کرده است ، در دهانش نهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه لقمه حرام در شکم بنده جای گیرد ، هر فرشته ای که در آسمان ها و زمین است ، او را لعنت می کند و تا زمانی که آن لقمه در شکم اوست ، خداوند بدو نمی نگرد ، و هر کس لقمه حرام بخورد ، به خشم خدا گرفتار می آید . اگر توبه کرد ، خداوند عز و جل توبه اش را می پذیرد و اگر [بی توبه] مُرد ، آتش برایش سزاوارتر است .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ أَنْ يَدْخُلَهَا جَسَدٌ غَدِّي بِحَرَامٍ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ وَقِيَ شَرَّ لِقَلْقِهِ (2) وَقَبْقِبِهِ (3) وَذَبَذَبِهِ (4)، فَقَدْ وَقِيَ الشَّرَّ كُلَّهُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ وَقِيَ شَرَّ لِقَلْقِهِ وَقَبْقِبِهِ وَذَبَذَبِهِ، ضَمِنَتْ لَهُ الْجَنَّةَ. (6)

حلية الأولياء عن ابن مسعود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَبَطَ هَذَا - وَأَشَارَ إِلَى لِسَانِهِ - وَهَذَا - وَأَشَارَ إِلَى بَطْنِهِ - ضَمِنَتْ لَهُ الْجَنَّةَ. (7)

عدّة الداعي: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ. وَقِيلَ: عَلَى الْمَاءِ. (8)

صحيح مسلم عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ، فَقَالَ: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (9)، وَقَالَ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُّوْا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ». (10) ثُمَّ ذَكَرَ: الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ، أَشَعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَغَدْيِي بِالْحَرَامِ؛ فَأَنَّى يُسْتَجَابَ لِدَلِكْ؟ (11)

- 1- .. تنبيه الخواطر: ج 1 ص 61؛ المعجم الأوسط: ج 6 ص 113 ح 5961، مسند أبي يعلى: ج 1 ص 75 ح 78، تاريخ دمشق: ج 37 ص 216 ح 7461 والثلاثة الأخيرة عن أبي بكر نحوه، كنز العمال: ج 4 ص 16 ح 9276.
- 2- .. اللَّقْلُقُ: اللِّسَانُ (النهاية: ج 4 ص 265 «لقلق»).
- 3- .. الْقَبْقَبُ: الْبَطْنُ (النهاية: ج 4 ص 7 «قبقب»).
- 4- .. الذَّبْذَبُ: الذَّكْرُ، سُمِّيَ بِهِ لِتَدَبُّذِهِ؛ أَي حَرَكْتَهُ (النهاية: ج 2 ص 154 «ذبذب»).
- 5- .. شُعب الإيمان: ج 4 ص 361 ح 5409 عن أنس، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 10 ص 136 وليس فيه «الشَّرَّ كُلَّهُ»، كنز العمال: ج 3 ص 553 ح 7872؛ كنز الفوائد: ج 2 ص 10، معدن الجواهر: ص 32 كلاهما نحوه، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 105 وليس فيه «الشَّرَّ كُلَّهُ»، بحار الأنوار: ج 77 ص 169 ح 7.
- 6- .. شرح ابن ميثم على المئة كلمة: ص 147، بحار الأنوار: ج 66 ص 315 ح 7؛ الفردوس: ج 3 ص 632 ح 5978 عن أنس وفيه «وجب» بدل «ضمنت».
- 7- .. حلية الأولياء: ج 9 ص 325 الرقم 462، كنز العمال: ج 3 ص 557 ح 7894.
- 8- .. عدّة الداعي: ص 141، بحار الأنوار: ج 103 ص 16 ح 73.
- 9- .. المؤمنون: 51.
- 10- .. البقرة: 172.
- 11- .. صحيح مسلم: ج 2 ص 703 ح 65، سنن الترمذي: ج 5 ص 220 ح 2989، سنن الدارمي: ج 2 ص 756 ح 2617، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 220 ح 8356، كنز العمال: ج 2 ص 81 ح 3236.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، وارد شدن به بهشت را بر جسمی که با حرام تغذیه شده ، حرام (ممنوع) کرده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که از شرّ زبان و شکم و شهوتش محفوظ بماند ، از همه بدی ها محفوظ مانده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که از شرّ زبان و شکم و شهوتش مصون بماند ، من بهشت را برایش ضمانت می کنم .

حلیة الأولیاء_ به نقل از ابن مسعود_ : پیامبر خدا ، به زبان و شکمش اشاره کرد و فرمود : «هر کس این را و این را کنترل کند ، بهشت را برایش ضمانت می کنم» .

عدّة الداعی_ به نقل از پیامبر خدا_ : عبادت کردن با حرامخواری ، چون ساختن بنا بر روی ماسه (/ بر آب) است .

صحیح مسلم_ به نقل از ابو هریره_ : از پیامبر خدا فرمود : «ای مردم! خداوند ، پاک است و جز پاک نمی پذیرد ، و خداوند ، مؤمنان را به همان چیزی فرمان داد که پیامبران را بدان فرمان داده است . می فرماید : «ای رسولان! از پاکیزه ها بخورید و کار نیک کنید که من به کاری که می کنید ، دانایم» و می فرماید : «ای کسانی که ایمان آورده اید! از پاکیزه هایی که به شما روزی کرده ایم ، بخورید» . ایشان سپس مردی را مثال زد که سفری دور و دراز می کند و ژولیده و غبار گرفته دست به سوی آسمان بر می دارد و «خدایا! خدایا!» می گوید ، در حالی که خوراک و آشامیدنی و پوشاکش حرام است و با حرام ، تغذیه شده است . کی دعای چنین کسی مستجاب می شود؟! .

رسول الله صلى الله عليه وآله والذي نفس محمد بيده! إنَّ العبدَ ليقذفُ اللقمةَ الحرامَ في جوفه ما يتقبلُ منه عملٌ أربعينَ يوماً، وأيُّما عبدٍ نَبَتَ لحمُهُ مِنَ السُّحْتِ (1) والرَّبَا فَالتَّارُ أُولَى بِهِ. (2)

الإمام الباقِر عن آباءه عليهم السلام: إنَّ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَأْتِي أَهْلَ الصُّفَّةِ، وَكَانُوا ضَيْفَانَ (3) رَسولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ كَانُوا هَاجِرُوا مِنَ أَهْلِيهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ إِلَى الْمَدِينَةِ، فَاسْكَنَهُمْ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صُفَّةً (4) الْمَسْجِدِ، وَهُمْ أَرْبَعِمِئَةِ رَجُلٍ، كَانَ يُسَلِّمُ عَلَيْهِمُ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ، فَأَتَاهُمْ ذَاتَ يَوْمٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَخِصِفُ نَعْلَهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ رَفَعَ ثَوْبَهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّقَلَى، وَكَانَ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرْزُقُهُمْ مَدًّا مَدًّا مِنْ تَمْرٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. فَقَامَ رَجُلٌ مِنْهُمْ فَقَالَ: يَا رَسولَ اللَّهِ، التَّمْرُ الَّذِي تَرزُقُنَا قَدْ أَحْرَقَ بَطُونَنَا! فَقَالَ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَا إِنِّي لَوِ اسْتَطَعْتُ أَنْ أُطْعِمَكُمُ الدُّنْيَا لِأَطْعَمْتِكُمْ، وَلَكِنْ مَنْ عَاشَ مِنْكُمْ بَعْدِي فَسَدَّ يُغْدَى عَلَيْهِ بِالْجِفَانِ (5) وَيُرَاحُ عَلَيْهِ بِالْجِفَانِ، وَيَغْدُو أَحَدُكُمْ فِي قَمِيصَةٍ (6) وَيَرُوحُ فِي أُخْرَى، وَتُنَجِّدُونَ (7) بِيوتِكُمْ كَمَا تُنَجِّدُ الْكَعْبَةَ. فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسولَ اللَّهِ، إِنَّا عَلَى ذَلِكِ الزَّمَانِ بِالأَشْوَاقِ فَمَتَى هُوَ؟ قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: زَمَانُكُمْ هَذَا خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ الزَّمَانِ، إِنَّكُمْ إِنْ مَلَأْتُمْ بَطُونَكُمْ مِنَ الْحَلَالِ، تَوْشِكُونَ أَنْ تَمَلُّوْهَا مِنَ الْحَرَامِ. (8)

- 1- .. السُّحْتُ: الحَرَامُ الَّذِي لَا يَحِلُّ كَسْبُهُ (النهاية: ج 2 ص 345 «سحت»).
- 2- .. المعجم الأوسط: ج 6 ص 311 ح 6495، تفسير ابن كثير: ج 1 ص 292 كلاهما عن ابن عباس.
- 3- .. الضَّيْفُ لِلوَاحِدِ، وَقَدْ يُجْمَعُ عَلَى: أَضْيَافٍ وَضَيْوْفٍ وَضَيْفَانَ (القاموس المحيط: ج 3 ص 166 «ضيف»).
- 4- .. الصُّفَّةُ: الطُّلَّةُ (لسان العرب: ج 9 ص 195 «صفف»).
- 5- .. الْجِفْنَةُ: خُصَّتْ بِوعاءِ الأَطْعَمَةِ، وَجَمَعَهَا جِفَانٌ (مفردات ألفاظ القرآن: ص 197 «جفن»).
- 6- .. كَذَا فِي الْمَصْدَرِ، وَفِي بَحَارِ الأَنْوَارِ: «خَمِيصَةٌ»، وَالظَّاهِرُ أَنَّهُ الصَّوَابُ. وَالْخَمِيصَةُ: هِيَ ثَوْبٌ خِزٌّ أَوْ صَوْفٌ مُعَلَّمٌ، وَقِيلَ: لَا تُسَمَّى خَمِيصَةً إِلَّا أَنْ تَكُونَ سُودَاءَ مُعَلِّمَةً (النهاية: ج 2 ص 80 «خمص»).
- 7- .. التَّنْجِيدُ: التَّرْتِيبُ (النهاية: ج 5 ص 19 «نجد»).
- 8- .. النَوَادِرُ لِلرَّوَانِدِيِّ: ص 152 ح 223 عَنِ الإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، بِحَارِ الأَنْوَارِ: ج 22 ص 310 ح 12.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، هر آینه بنده لقمه حرام به شکم خود می فرستد و تا چهل روز، هیچ عملی از او پذیرفته نمی شود. هر بنده ای که گوشتش از حرام و ربا بروید، آتش به او سزاوارتر است.

امام باقر علیه السلام_ به نقل از پدرانش علیهم السلام_ : اهل صَفَه میهمان پیامبر خدا بودند. آنان خانواده و اموال خود را ترك گفته و به مدینه هجرت کرده بودند. پیامبر خدا، این افراد را که شمارشان به چهارصد مرد می رسید، در صَفَه (1) مسجد، اسکان داد و هر صبح و شام به آنان سر می زد و سلام و احوالپرسی می کرد. روزی، نزد ایشان رفت. دید یکی کفش خود را می دوزد، دیگری جامه اش را وصله می زند، و سومی مشغول شپش زدایی از خود است. پیامبر خدا روزی، ده سیر خرما به آنها می داد. مردی از میانشان برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! از بس که خرما به ما دادی، معده هایمان سوخت! پیامبر خدا فرمود: «اگر می توانستم دنیا را خوراك شما کنم، البته این کار را می کردم؛ اما کسانی از شما که بعد از من زنده بمانند، چاشت و شامشان، با قَدَح، غذا خواهند خورد. صبح، يك پیراهن خواهند پوشید و شب، یکی، و خانه هایتان را مانند کعبه، تزیین خواهید کرد». مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! ما سخت مشتاق چنان زمانی هستیم. کی می رسد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این زمان برای شما، بهتر از آن زمان است. شما اگر شکم هایتان را از حلال پر کنید، به زودی از حرام نیز پر خواهید کرد».

1- . جایی بلند و سایه دار در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که بینوایان در آن جا پناه گرفته بودند .

1 / 13 اجتناب عن المضير للإمام الصادق عليه السلام: كلُّ شيءٍ تكونُ فيه المَضْرَةُ عَلَى الإنسانِ فِي بَدَنِهِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ ، إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ .
(1)

عنه عليه السلام: ما كان من صنوف البقول مما فيه المَضْرَةُ عَلَى الإنسانِ فِي أَكَلِهِ ؛ نَظِيرِ بَقُولِ السُّمُومِ الْقَاتِلَةِ ، وَنَظِيرِ الدَّفْلِيِّ (2) ، وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ صُنُوفِ السَّمِّ الْقَاتِلِ ، فَحَرَامٌ أَكَلُهُ (3) .

1- .. تحف العقول : ص 337 ، بحار الأنوار : ج 65 ص 151 ح 20 .

2- .. الدفلي : نَبْتُ مُرٍّ ، فَارَسِيَّتُهُ «خَر زهره» ، قَتَال ، زهره كالورد الأحمر (القاموس المحيط : ج 3 ص 376 «دفل»).

3- .. تحف العقول : ص 337 ، بحار الأنوار : ج 65 ص 151 ح 20 .

1 / 3 دوری کردن از آنچه زیان دارد

1 / 3 دوری کردن از آنچه زیان دارد امام صادق علیه السلام: هر چیزی که برای بدن انسان زیان داشته باشد، خوردنش حرام است، مگر از ناچاری.

امام صادق علیه السلام: هر نوع گیاهی که خوردن آن برای انسان زیان داشته باشد، مانند [سبزی های] سمّی کشنده یا خرزهره یا دیگر گیاهان سمّی کشنده، خوردنش حرام است.

الدعوات: روي: لا تَأْكُلْ مَا قَدْ عَرَفْتَ مَصْرَتَهُ، وَلَا تُؤْثِرْ هَوَاكَ عَلَى رَاحَةِ بَدَنِكَ. (1)

1 / 4 اجْتِنَابُ التَّنَاوُلِ مِنْ آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: آيَةُ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ مَتَاعُ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: لا تَأْكُلْ فِي آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ. (3)

راجع: جواهر الكلام: ج 6 ص 328 (القول في الآنية) وتحرير الوسيلة: ج 1 ص 132 (القول في الأواني).

1 / 5 اجْتِنَابُ التَّنَاوُلِ مِنْ مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلَا يَأْكُلْ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ. (4)

1- .. الدعوات: ص 81 ح 202، بحار الأنوار: ج 62 ص 269 ح 59.

2- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 353 ح 4239، الكافي: ج 6 ص 268 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 91 ح 389، المحاسن: ج 2 ص 411 ح 2439 والثلاثة الأخيرة عن موسى بن بكر عن الإمام الكاظم عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 322 ح 1030، بحار الأنوار: ج 66 ص 529 ح 12.

3- .. الكافي: ج 6 ص 267 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 90 ح 384، المحاسن: ج 2 ص 411 ح 2440 كلها عن داود بن سرحان، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 352 ح 4237 عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 322 ح 1032 عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 530 ح 14.

4- .. الكافي: ج 6 ص 268 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 97 ح 421 كلاهما عن جراح المدائني عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 500 ح 3.

1 / 4 اجتناب از غذا خوردن در ظرف های زرّین و سیمین

1 / 5 اجتناب از غذا خوردن بر سفره ای که در آن ، شراب نوشیده می شود

الدعوات: روایت شده است که : آنچه را می دانی ضرر دارد ، نخور و هوس خویش را بر آسایش تنت ترجیح مده .

1 / 4 اجتناب از غذا خوردن در ظرف های زرّین و سیمین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ظرف های طلا و نقره ، کالای کسانی هستند که یقین ندارند .

امام صادق علیه السلام : در ظروف طلا و نقره غذا نخور .

1 / 5 اجتناب از غذا خوردن بر سفره ای که در آن ، شراب نوشیده می شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که به خدا و روز واپسین ایمان دارد ، از سفره ای که بر سر آن شراب نوشیده می شود ، غذا نمی خورد .

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلَا يَاقَعُدْ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ. (1)

سنن أبي داود عن سالم عن أبيه: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْجُلُوسِ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ، وَأَنْ يَأْكُلَ الرَّجُلُ وَهُوَ مُنْبَطِحٌ عَلَى بَطْنِهِ. (2)

-
- 1- .. مسند ابن حنبل: ج 5 ص 101 ح 14657، سنن الدارمي: ج 1 ص 547 ح 2017، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 171 ح 6741 كلّها عن جابر، كنز العمال: ج 9 ص 275 ح 25996 نقلاً عن ابن النجّار عن أبي هريرة؛ روضة الواعظين: ص 508.
- 2- .. سنن أبي داود: ج 3 ص 349 ح 3774، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 143 ح 7171، السنن الكبرى: ج 7 ص 434 ح 14550، كنز العمال: ج 9 ص 258 ح 25932؛ كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 7 ح 4968، الأمالي للصدوق: ص 511 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام وفيهما «نهى عن الجلوس على مائدة يُشرب عليها الخمر»، عوالي اللآلي: ج 1 ص 163 ح 163، بحار الأنوار: ج 66 ص 499 ح 1.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، بر سر سفره ای که در آن شراب نوشیده می شود، نمی نشیند.

سنن ابی داوود_ به نقل از سالم، از پدرش _ پیامبر خدا از دو [نوع] غذا خوردن نهی کرد: [یکی]، از نشستن بر سر سفره ای که در آن، شراب نوشیده می شود، و دیگر، این که مرد، به شکم، دراز بکشد و غذا بخورد.

الفصل الثاني : وجبات الأكل 1 / 2 البُكَرَةُ وَالْعَشِيَّةُ الْكَتَابُ « وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكَرَةً وَعَشِيَّةً » . (1)

الحديث الكافي عن ابن أخي شهاب بن عبد ربه : سَدَّكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْتَحَمَ ، فَقَالَ لِي : تَغَدَّ (2) وَتَعَشَّ ، وَلَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئاً ؛ فَإِنَّ فِيهِ فَسَادَ الْبَدَنِ ، أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : « وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكَرَةً وَعَشِيَّةً » ! (3)

1 / 2 _ 1 التأكيد على تكبير الغداء والتَّهْيِ عَنْ تَرْكِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ _ وَلَا بَقَاءَ _ فَلْيُبَاكِرِ الْغَدَاءَ ، وَلْيُجَوِّدِ الْحِذَاءَ ، وَلْيُخَفِّفِ الرِّدَاءَ ، وَلْيُقَلِّلِ مُجَامَعَةَ النِّسَاءِ . (4)

1- .. مريم : 62 .

2- .. تَغَدَّى : أَكَلَ أَوَّلَ النَّهَارِ (القاموس المحيط : ج 4 ص 369 «غدو»).

3- .. الكافي : ج 6 ص 288 ح 2 ، المحاسن : ج 2 ص 195 ح 1565 ، طب الأئمة عليهم السلام لابني بسطام : ص 59 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 342 ح 5 .

4- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 555 ح 4902 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 38 ح 112 عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص 231 ح 128 عن الإمام الرضا عن أبيه عن الإمام عليّ عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه ذيله ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 459 ح 1558 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 341 ح 1 ؛ عيون الأخبار لابن قتيبة : ج 3 ص 271 عن الإمام عليّ عليه السلام وفيه «وليلبس» بدل «وليجود» .

فصل دوم : وعده های غذا

1 / 2 صبح و شب

1 / 2 - 1 تأکید بر صبحانه خوردن در صبح زود و نهی از ترك آن

فصل دوم : وعده های غذا 1 / 2 / 1 صبح و شبقرآن «و روزی شان ، صبح و شام ، در آن جا [آماده] است» .

حدیثالکافی_ به نقل از برادرزاده شهاب بن عبد ربّه _ : به امام صادق علیه السلام از دردها و سوء هاضمه ای که داشتم ، شکایت کردم . به من فرمود : «صبحانه و شام بخور و ما بین آن ، چیزی نخور ؛ زیرا این کار به بدن صدمه می زند . آیا نشنیده ای که خداوند عز و جلمی فرماید : «و روزی شان ، صبح و شام ، در آن جا [آماده] است» ؟» .

1 / 2 - 1 تأکید بر صبحانه خوردن در صبح زود و نهی از ترك آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که خواهان ماندن است _ و البتّه ماندنی در کار نیست _ باید صبح زود صبحانه بخورد ، کفش خوب [و مناسب] بپوشد ، ردای سبک برگیرد ، و از هم بستری با زنان بکاهد .

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ - وَلَا بَقَاءَ - فَلْيُبَاكِرِ الْغَدَاءَ (1)، وَلْيُؤَخِّرِ الْعِشَاءَ، وَلْيُقِلَّ غَشِيَانَ النِّسَاءِ، وَلْيُخَفِّفِ الرِّدَاءَ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا صَلَّيْتَ الْفَجْرَ فَكُلْ كِسْرَةً تُطَيِّبُ بِهَا نَكْهَتَكَ (3)، وَتُطْفِئُ بِهَا حَرَارَتَكَ، وَتَقْوِمُ بِهَا أَضْرَاسَكَ، وَتَشُدُّ بِهَا لِسْتَكَ، وَتَجْلِبُ بِهَا رِزْقَكَ، وَتُحَسِّنُ بِهَا خُلُقَكَ. (4)

عنه عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَلَّا يَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَطْعَمَ؛ فَإِنَّهُ أَعَزُّ لَهُ. (5)

ربيع الأبرار: فِي الْحَدِيثِ: تَرَكَ الْغَدَاءَ مَسْقَمَةً. (6)

1/2_ 2 التَّأْكِيدُ عَلَى الْعِشَاءِ وَالنَّهْيُ عَنِ تَرْكِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَلَوْ بَكَفٍّ مِنْ تَمْرٍ؛ فَإِنَّ تَرْكَهُ يُهْرِمُ. (7)

1- .. فِي الْأَمَالِيِّ لِلطُّوسِيِّ: «الْغَدَاءُ» بَدَلَ «الْغَدَاءِ»، وَلَعَلَّهُ الْأَصُوبُ.

2- .. الدَّعَوَاتُ: ص 75 ح 176، الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص 666 ح 1395 عَنِ أَبِي غَنْدَرٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنْهُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، طَبَّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لِابْنِي بَسْطَامٍ: ص 29 عَنِ حَرِيزٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْهُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَنَحْوَهُمَا «وَلْيُؤَخِّرِ الْعِشَاءَ»، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 62 ص 267 ح 43؛ كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 10 ص 87 ح 28472 نَقْلًا عَنِ أَبِي نَعِيمٍ فِي الطَّبِّ وَالْمَصْنُفِ لِعَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنِ النَّزَالِ بْنِ سَبْرَةَ وَنَحْوِهِ «وَلْيُؤَخِّرِ الْعِشَاءَ».

3- .. النَّكْهَةُ: رِيحُ الْفَمِ (الصَّحَاحُ: ج 6 ص 2253 «نَكَهُ»).

4- .. الدَّعَوَاتُ: ص 140 ح 352، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 66 ص 345 ح 21.

5- .. الْمُحَاسِنُ: ج 2 ص 236 ح 1727 عَنِ حُسَيْنِ بْنِ نَعِيمٍ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 66 ص 341 ح 3.

6- .. رُبَيْعُ الْأَبْرَارِ: ج 2 ص 747.

7- .. سَنَنِ ابْنِ مَاجَةَ: ج 2 ص 1113 ح 3355 عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 10 ص 46 ح 28290.

2 / 1 - تأکید بر خوردن شام و نهی از ترك آن

امام علی علیه السلام: هر که خواهان ماندگاری است _ و البتّه ماندگاری در کار نیست _ صبحانه اش را زود بخورد ، شام را دیرتر بخورد ، با زنان کمتر هم بستر شود ، و ردای سبک بپوشد .

امام صادق علیه السلام: هر گاه نماز صبح را خواندی ، يك تگّه نان بخور ، که با این کار ، دهانت را خوش بو می سازی ، حرارتت را فرو می نشانی ، دندان هایت را محکم می کنی ، لثه ات را تقویت می نمایی ، روزی ات را جلب می کنی ، و اخلاقت را خوش می گردانی .

امام صادق علیه السلام: شایسته است که مؤمن ، پیش از آن که از خانه اش خارج شود ، چیزی تناول کند ؛ زیرا این کار ، بر عزّت (نیروی) او می افزاید .

ربیع الأبرار: در حدیث آمده است که : ترك صبحانه ، مایه بیماری است .

2 / 1 _ تأکید بر خوردن شام و نهی از ترك آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوردن شام را ترك نکنید و حتّی اگر شده ، مستی خرما تناول کنید ؛ زیرا ترك شام ، پیری می آورد .

عنه صلى الله عليه وآله: لا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَلَوْ عَلَى حَشْفَةٍ (1)، إني أخشى على أمتي من ترك العشاء الهرم؛ فإن العشاء قُوَّةُ الشَّيْخِ وَالشَّابِّ .
(2)

عنه صلى الله عليه وآله: تَعَشَّوْا وَلَوْ بِكَفٍّ مِنْ حَشْفٍ؛ فَإِنَّ تَرْكَ الْعِشَاءِ مَهْرَمَةٌ . (3)

الإمام علي عليه السلام: عِشَاءُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بَعْدَ الْعَتَمَةِ (4) فَلَا تَدْعُوهُ؛ فَإِنَّ تَرْكَ الْعِشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: طَعَامُ اللَّيْلِ أَنْفَعُ مِنْ طَعَامِ النَّهَارِ . (6)

عنه عليه السلام: لَا تَدَعِ الْعِشَاءَ وَلَوْ بِثَلَاثِ لُقْمٍ بِمِلْحٍ . (7)

عنه عليه السلام: أَصْلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرْكُ الْعِشَاءِ . (8)

-
- 1- الحَشْفُ: اليابس الفاسد من التمر، وقيل: الضعيف الذي لا نوى له كالشيص (النهاية: ج 1 ص 391 «حشف»).
 - 2- .. المحاسن: ج 2 ص 196 ح 1571 عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار: ج 66 ص 343 ح 10 .
 - 3- .. سنن الترمذي: ج 4 ص 287 ح 1856، مسند أبي يعلى: ج 4 ص 240 ح 4336، تاريخ بغداد: ج 3 ص 396 الرقم 1520، مسند الشهاب: ج 1 ص 429 ح 735 كلَّها عن أنس، كنز العمال: ج 10 ص 46 ح 28289 .
 - 4- .. العَتَمَةُ: ثلث الليل الأوَّل بعد غيوبة الشَّفَق (لسان العرب: ج 12 ص 381 «عتم»).
 - 5- .. الكافي: ج 6 ص 288 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 195 ح 1566 كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 619 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول: ص 110، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 424 ح 1444، بحار الأنوار: ج 66 ص 342 ح 6 .
 - 6- .. الكافي: ج 6 ص 289 ح 11، بحار الأنوار: ج 66 ص 347 ح 25 .
 - 7- .. مكارم الأخلاق: ج 1 ص 424 ح 1447، بحار الأنوار: ج 66 ص 345 ح 20 .
 - 8- .. الكافي: ج 6 ص 288 ح 2 عن هشام بن الحكم، المحاسن: ج 2 ص 196 ح 1570 عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «أول» بدل «أصل» وح 1568 عن محمد بن مروان نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 343 ح 9 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوردن شام را ترك نکنید ، حتی اگر خرما خشکه ای باشد ، که می ترسم امّتم به خاطر ترك شام ، دچار پیری شوند ؛ زیرا خوردن شام ، نیروبخش پیر و جوان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شام بخورید ، ولو مستی خرما خشکه باشد ؛ چرا که نخوردن شام ، مایه پیری است .

امام علی علیه السلام : شام پیامبران ، بعد از سپری شدن ثلث اوّل شب است . پس شما نیز این کار را ترك نکنید ؛ چرا که ترك شام ، مایه تباهی بدن است .

امام صادق علیه السلام : غذای شب ، مفیدتر از غذای روز است .

امام صادق علیه السلام : شام خوردن را ترك نکن و حتی اگر شده ، سه لقمه نان با نمک بخور .

امام صادق علیه السلام : ریشه تباهی بدن ، نخوردن شام است .

عنه عليه السلام: لا خَيْرَ لِمَنْ دَخَلَ فِي السَّنِّ أَنْ يَبِيْتَ خَفِيفًا، بَلْ يَبِيْتُ مُمْتَلِنًا خَيْرٌ لَهُ . (1)

عنه عليه السلام: الشَّيْخُ لَا يَدَعُ الْعِشَاءَ وَلَوْ بِلُقْمَةٍ . (2)

عنه عليه السلام: يَنْبَغِي لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ الْأَيَّامَ إِلَّا وَجُوهُهُ مُمْتَلِيٌّ مِنَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ أَهْدَأُ لِنَوْمِهِ، وَأَطْيَبُ لِنِكَهَتِهِ . (3)

عنه عليه السلام: تَرَكَ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً، وَيَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَسَنَّ الْأَيَّامَ إِلَّا وَجُوهُهُ مُمْتَلِيٌّ مِنَ الطَّعَامِ . (4)

المحاسن عن المفصل بن عمر: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةً وَهُوَ يَتَعَشَّى، فَقَالَ: يَا مُفَضَّلُ، أَدْنُ وَكُلْ. قُلْتُ: قَدْ تَعَشَّيْتُ. فَقَالَ: أَدْنُ فَكُلْ؛ فَإِنَّهُ يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ إِذَا أَكْتَهَلَ (5) الْأَيَّامَ إِلَّا وَفِي جُوهِهِ طَعَامٌ حَدِيثٌ. فَدَنَوْتُ فَأَكَلْتُ . (6)

الكافي عن علي بن أبي علي اللُّهَيْبِيِّ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ أَطْبِئَاؤُكُمْ فِي عِشَاءِ اللَّيْلِ؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَنْهَوْنَا عَنْهُ. قَالَ: لَكِنِّي أَمُرُّكُمْ بِهِ . (7)

-
- 1- .. الكافي : ج 6 ص 289 ح 6 ، المحاسن : ج 2 ص 198 ح 1576 كلاهما عن الوليد بن صبيح ، بحار الأنوار : ج 66 ص 344 ح 15 .
 - 2- .. الكافي : ج 6 ص 289 ح 9 عن ذريح ، بحار الأنوار : ج 66 ص 346 ح 23 .
 - 3- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 359 ح 4271 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 315 ح 1005 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 345 ح 20 .
 - 4- .. الكافي : ج 6 ص 288 ح 3 عن جميل بن صالح ، المحاسن : ج 2 ص 197 ح 1574 عن حمّاد ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 145 ح 509 وفيه «خراب الجسد» بدل «مهرمة» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 344 ح 13 .
 - 5- .. الكَهْلُ : من جاوز الثلاثين وَوَحَّطَهُ [أي خالطه] الشَّيْبُ، وقيل : من بلغ الأربعين (المصباح المنير : ص 543 «كهل»).
 - 6- .. المحاسن : ج 2 ص 197 ح 1575 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 344 ح 14 .
 - 7- .. الكافي : ج 6 ص 289 ح 10 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 347 ح 24 .

امام صادق علیه السلام: برای کسی که پا به سن گذاشته است، خوب نیست با شکم خالی بخوابد؛ بلکه اگر با شکم پر بخوابد، برایش بهتر است.

امام صادق علیه السلام: افراد سال خورده، حتی اگر شده، يك لقمه شام بخورند.

امام صادق علیه السلام: شایسته است که افراد سال خورده، با معده پر از غذا بخوابند؛ زیرا این کار، خواب آنها را راحت تر و دهانشان را خوش بوتر می کند.

امام صادق علیه السلام: نخوردن شام، مایه پیری است، و شایسته است که انسان، وقتی پا به سن می گذارد، با معده پر از غذا بخوابد.

(1)

المحاسن_ به نقل از مفضل بن عمر_ شبی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، در حالی که مشغول خوردن شام بود. فرمود: «ای مفضل! نزدیک بیا و بخور». گفتم: من شام خورده ام. فرمود: «نزدیک بیا و بخور؛ زیرا مستحب است که مرد، هر گاه به سن کهولت (میان سالی) (2) رسیده، شب را در حالی که سر برد که غذای جدیدی در معده اش باشد». من جلو رفتم و خوردم.

الكافی_ به نقل از علی بن ابی علی لَهَبی_ : امام صادق علیه السلام فرمود: «پزشکان شما در باره خوردن شام، چه می گویند؟». گفتم: آنها ما را از این کار، نهی می کنند. فرمود: «اما من، شما را به آن توصیه می کنم».

1- بی تردید، مقصود این گونه احادیث، پر خوری نیست.

2- کهل: به کسی می گویند که سستش از سی گذشته و موهایش جوگندمی شده است. بعضی آن را چهل سالگی دانسته اند (المصباح المنیر: ص 543 ماده «کهل»).

الكافي عن زياد بن أبي الحلال: تَعَشَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: الْعِشَاءُ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ عِشَاءُ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ لَيْلَةً، مَاتَ عِرْقٌ فِي جَسَدِهِ وَلَا يَحْيَا أَبَدًا. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ لَيْلَةً السَّبْتِ وَلَيْلَةَ الْأَحَدِ مُتَوَالِيَتَيْنِ، ذَهَبَ عَنْهُ مَا لَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ نَقَصَتْ مِنْهُ قُوَّةٌ وَلَا تَعُودُ إِلَيْهِ. (4)

الكافي عن سليمان بن جعفر الجعفري: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَدْعُ الْعِشَاءَ وَلَوْ بِكَعْكَةٍ. (5) وَكَانَ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ قُوَّةٌ لِلْجِسْمِ _ وَقَالَ: وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: _ وَصَالِحٌ لِلْجَمَاعِ. (6)

الإمام الرضا عليه السلام: إِذَا اكْتَهَلَ الرَّجُلُ فَلَا يَدْعُ أَنْ يَأْكُلَ بِاللَّيْلِ شَيْئًا؛ فَإِنَّهُ أَهْدَى (7) لِلنَّوْمِ، وَأَطْيَبُ لِلنَّكْهَةِ. (8)

1- .. الكافي: ج 6 ص 289 ح 7، المحاسن: ج 2 ص 195 ح 1567، بحار الأنوار: ج 66 ص 342 ح 7.

2- .. مكارم الأخلاق: ج 1 ص 424 ح 1448، بحار الأنوار: ج 66 ص 345 ح 20.

3- .. مكارم الأخلاق: ج 1 ص 424 ح 1445، بحار الأنوار: ج 66 ص 345 ح 20.

4- .. المحاسن: ج 2 ص 198 ح 1579، بحار الأنوار: ج 66 ص 345 ح 18.

5- .. الكَعْكُ: الخبز اليابس (العين: ص 712 «كع»).

6- .. الكافي: ج 6 ص 288 ح 5، المحاسن: ج 2 ص 198 ح 1580، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 424 ح 1446 نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 345 ح 19.

7- .. في المحاسن: «أهدأ» بدل «أهدى».

8- .. الكافي: ج 6 ص 288 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 198 ح 1577 كلاهما عن سعيد بن جناح، بحار الأنوار: ج 66 ص 344 ح

الكافی_ به نقل از زیاد بن ابی حلال _ :شام را با امام صادق علیه السلام خوردم . پس فرمود : «خوردن شام بعد از نماز عشا ، شام پیامبران است» .

امام صادق علیه السلام : هر کس يك شب شام نخورد ، رگی در بدنش می میرد و دیگر هرگز زنده نمی شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس شب شنبه و یکشنبه ، پشت سر هم ، شام نخورد ، از وجود او چیزی می رود که تا چهل روز باز نمی گردد (جبران نمی شود) .

امام صادق علیه السلام : هر که خوردن شام را ترك کند ، مقداری از نیرویش کم می شود و دیگر به او باز نمی گردد .

الكافی_ به نقل از سلیمان بن جعفر جعفری _ : ابو الحسن علیه السلام (1) خوردن شام را ترك نمی کرد ، و اگر شده ، يك عدد کلوچه تناول می کرد ، و می فرمود : «شام ، نیروی بدن است» و به گمانم فرمود : «و مایه توانایی بر آمیزش است» .

امام رضا علیه السلام : هر گاه مرد به میان سالی رسد ، خوردن چیزی را در شب فرو نگذارد ؛ چرا که موجب خواب راحت تر و خوش بوتر شدن دهان می شود .

1- . مقصود ، امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام است .

عنه عليه السلام: إِنَّ فِي الْجَسَدِ عِرْقًا يُقَالُ لَهُ: الْعِشَاءُ، فَإِنْ تَرَكَ الرَّجُلُ الْعِشَاءَ لَمْ يَزَلْ يَدْعُو عَلَيْهِ ذَلِكَ الْعِرْقُ إِلَى أَنْ يُصْبِحَ، يَقُولُ: «أَجَاعَكَ اللَّهُ كَمَا أَجَعْتَنِي، وَأَظْمَأَكَ اللَّهُ كَمَا أَظْمَأْتَنِي» (1)، فَلَا يَدْعُنَّ أَحَدُكُمْ الْعِشَاءَ وَلَوْ بِلُقْمَةٍ مِنْ خُبْزٍ، أَوْ شَرِبَةٍ مِنْ مَاءٍ. (2)

عنه عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ صَالِحًا خَفِيفَ اللَّحْمِ فَلْيُثَقِّلْ عِشَاءَهُ بِاللَّيْلِ. (3)

2 / 2 السَّحُورِ لِمَنْ أَرَادَ الصَّوْمَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: السَّحُورُ بَرَكَةٌ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: السَّحُورُ أَكْلُهُ بَرَكَةٌ، فَلَا تَدَعُوهُ وَلَوْ أَنْ يَجْرَعَ أَحَدُكُمْ جُرْعَةً مِنْ مَاءٍ؛ فَإِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الْمُتَسَحِّرِينَ.

(5)

2 / 3 وَجِبَّةٌ فِي الْيَوْمِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَكَلَ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً لَمْ يَكُنْ جَائِعًا، وَمَنْ أَكَلَ مَرَّتَيْنِ لَمْ يَكُنْ عَابِدًا، وَمَنْ أَكَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ارْبُطُوهُ مَعَ الدَّوَابِّ! (6)

1- .. قال العلامة المجلسي قدس سره: هذا الدعاء تمثيل لبيان تضرر ذلك العرق، ووصول ضرره إلى البدن، فكأنه يدعو ويستجاب له (بحار الأنوار: ج 66 ص 347).

2- .. الكافي: ج 6 ص 289 ح 12، بحار الأنوار: ج 66 ص 347 ح 26.

3- .. طب الإمام الرضا عليه السلام: ص 39، بحار الأنوار: ج 62 ص 324.

4- .. الكافي: ج 4 ص 95 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 198 ح 568 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.

5- .. مسند ابن حنبل: ج 4 ص 88 ح 11396، تفسير ابن كثير: ج 1 ص 320 كلاهما عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 8 ص 523 ح 23957.

6- .. المواعظ العددية: ص 127.

2 / 2 کسی که قصد روزه گرفتن دارد ، سحری بخورد

2 / 3 يك وعده در روز

امام رضا علیه السلام: در بدن ، رگی است که به آن «عشاء (شام)» می گویند . اگر انسان شام نخورد ، آن رگ تا صبح ، او را نفرین می کند و می گوید : خدا گرسنه ات بدارد که گرسنه ام داشتی ! خدا تشنه ات بدارد که تشنه ام داشتی ! پس هیچ يك از شما خوردن شام را فرو نگذارد و اگر شده ، لقمه ای نان یا جرعه ای آب بخورد .

امام رضا علیه السلام: هر که می خواهد سالم و لاغر اندام باشد ، شام کم بخورد .

2 / 2 کسی که قصد روزه گرفتن دارد ، سحری بخورد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوردن سحری ، برکت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سحری خوردن ، مایه برکت است . پس ، آن را ترك نکنید ، هر چند با نوشیدن جرعه ای آب ؛ زیرا خدا و فرشتگانش بر سحری خوران ، درود می فرستند .

2 / 3 يك وعده در روز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در روز ، يك وعده بخورد ، گرسنه نیست ، و هر کس دو وعده بخورد ، عابد نیست ، و هر کس سه وعده بخورد ، او را با چارپایان ببندید .

شعب الإيمان عن عائشة: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا آكُلُ فِي يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ، فَقَالَ: يَا عَائِشَةُ، اتَّخَذَتِ الدُّنْيَا بَطْنَكَ! أَكْثَرَ مِنْ أَكَلَةِ كُلِّ يَوْمٍ سَرَفٌ، وَاللَّهِ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (1)

2 / 4 ثلاثٌ وجباتٍ في يومين للإمام الرضا عليه السلام: الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَكُلُكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عِنْدَمَا يَمْضِي مِنَ النَّهَارِ ثَمَانُ سَاعَاتٍ أَكَلَةً وَاحِدَةً، أَوْ ثَلَاثَ أَكَلَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ، تَتَغَدَّى كِرَافًا فِي أَوَّلِ يَوْمٍ، ثُمَّ تَتَعَشَّى، فَإِذَا كَانَ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي عِنْدَ مُضِيِّ ثَمَانِ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ أَكَلْتَ أَكَلَةً وَاحِدَةً، وَلَمْ تَحْتَجِ إِلَى الْعِشَاءِ (2)، وَلَيْكُنْ ذَلِكَ بِقَدْرِ لَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ. (3)

-
- 1- .. شعب الإيمان: ج 5 ص 32 ح 5665، كنز العمال: ج 15 ص 263 ح 40885 وراجع: الفردوس: ج 5 ص 428 ح 8636.
 - 2- .. زاد في بعض نسخ المصدر وبحار الأنوار هنا: «وكذا أمر جدِّي محمد صلى الله عليه وآله عليًّا عليه السلام في كلِّ يوم وجبة وفي غده وجبتين».
 - 3- .. طب الإمام الرضا عليه السلام: ص 15، بحار الأنوار: ج 62 ص 311.

2 / 4 سه وعده در دو روز

شعب الایمان_ به نقل از عایشه _ : پیامبر خدا مشاهده کرد که من ، روزی دو وعده می خورم . فرمود : «ای عایشه! دنیا را شکم خود کرده ای! بیش از يك وعده در روز خوردن ، اسراف است و خداوند ، اسرافکاران را دوست ندارد (1)» .

2 / 4 سه وعده در دو روز امام رضا علیه السلام : وعده غذایی که در هر روز باید بخوری ، آن است که با گذشت هشت ساعت از روز ، يك بار بخوری ، یا سه وعده در دو روز بخوری ، به این ترتیب که در آغاز هر روز ، صبحانه می خوری ، سپس شام تناول می کنی و روز دوم ، هشت ساعت که از روز گذشت ، يك وعده می خوری و دیگر نیازی به شام نیست . مقدار غذایت هم باید به اندازه باشد ، نه بیش و نه کم .

1- . اشاره به آیه 141 از سوره انعام است .

سخنی در باره احادیث وعده های غذا

سخنی در باره احادیث وعده های غذاچنان که ملاحظه شد ، احادیث این فصل به پنج دسته تقسیم می شوند : 1 . آنچه با الهام گرفتن از قرآن در مورد چگونگی غذا خوردن بهشتیان ، به دو وعده غذا در صبح و شام ، توصیه نموده است ؛ 2 . آنچه بر خوردن صبحانه و نهدی از ترك آن ، تأکید دارد ؛ 3 . آنچه بر خوردن شام و نهدی از ترك آن ، بویژه در افراد مُسن ، تأکید نموده است ؛ 4 . آنچه بر يك بار غذا خوردن در روز ، تأکید دارد ؛ 5 . آنچه به سه وعده غذا در دو روز ، توصیه نموده است . احادیث دسته اول ، دوم و سوم ، نه تنها تعارضی با یکدیگر ندارند ، بلکه مؤید همدیگرند ؛ زیرا دسته اول ، به دو وعده غذا در صبح و شام ، توصیه می کند و دسته دوم و سوم ، تأکید دارند که صبحانه و شام نباید ترك شوند . دسته چهارم هم با دسته های قبلی اش معارض نیست ؛ زیرا تصریح می کند که در روز ، يك وعده غذا کافی است و دسته های اول تا سوم به دو وعده در صبح و شام توصیه دارند . اما حدیث مربوط به دسته پنجم که به سه وعده غذا در دو روز توصیه می کند ، هم از نظر سند ضعیف است (زیرا منقول از کتاب طب الرضا علیه السلام است و استناد این

کتاب به امام رضا علیه السلام ثابت نیست) و هم از نظر دلالت (زیرا مخاطب آن ، مأمون عباسی است و ممکن است توصیه مذکور برای شخص او باشد). بنا بر این ، جمع بندی احادیث گذشته این می شود که دو بار غذا خوردن در صبح و شام برای تداوم سلامت بدن ، سودمند است ، چنان که بهشتیان نیز که در سرای سلامت ، زندگی جاوید دارند ، در همین دو وقت ، غذا تناول می نمایند : «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ؛ و روزی هایشان ، صبح و شام ، در آن جا [آماده] است» .

الفصل الثالث : قلة الأكل 3 / 1 الحث على قلة الأكل رسول الله صلى الله عليه وآله : إن أهل البيت ليقل طعامهم ؛ فتستبرئ بيوتهم . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : من كثر تسبيحهُ وتمجيدهُ ، وقلَّ طعامهُ وشرايهُ ومناهُ ، اشتاقته الملائكة . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : خففوا بطونكم وظهوركم لقيام الصلاة . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : خمس من العبادة : قلة الطعام ، والعود في المساجد ، والنظر إلى الكعبة ، والنظر في المصحف من غير أن يقرأه ، والنظر في وجه العالم . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : البطر في الدين قلة التمسك ، والعبادة قلة الطعام . (5)

-
- 1- .. المعجم الأوسط : ج 5 ص 229 ح 5165 عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 3 ص 391 ح 7093 .
 - 2- .. تنبيه الخواطر : ج 2 ص 116 .
 - 3- .. حلية الأولياء : ج 7 ص 255 الرقم 397 عن ابن عمر ، كنز العمال : ج 15 ص 246 ح 40780 .
 - 4- .. الفردوس : ج 2 ص 195 ح 2969 عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 15 ص 880 ح 43493 .
 - 5- .. كنز العمال : ج 3 ص 538 ح 7792 نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن ابن عباس .

فصل سوم: کم خوری

3 / 1 تشویق به کم خوری

فصل سوم: کم خوری 3 / 1 تشویق به کم خوری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بیت، خوراکشان اندک است. از این رو خانه هایشان نورانی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که تسبیح و تمجیدش [از خداوند متعال] بسیار، و خور و خوابش اندک باشد، فرشتگان، مشتاق او می شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شکم هایتان و پشت هایتان را برای خواندن نماز، سبک کنید. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز، از عبادت است: کم خوردن، نشستن در مساجد، نگاه کردن به کعبه، نگرستن به قرآن بدون این که آن را تلاوت کند، و نگاه کردن به چهره عالم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بی پروایی در دین، کم خردی است و عبادت، کم خوردن است.

1- یعنی: کم بخورید و کم بخوابید و برای نماز شب و عبادت برخیزید. (م).

عنه صلى الله عليه وآله: طوى لِمَنْ طوى (1) وجاع، أولئك الَّذِينَ يَشْبَعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (2)

الإمام علي عليه السلام: قَلَّةُ الْأَكْلِ مِنَ الْعَفَافِ، وَكَثْرَتُهُ مِنَ الْإِسْرَافِ. (3)

عنه عليه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ صَلَاحَ عَبْدٍ أَلْهَمَهُ قَلَّةَ الْكَلَامِ، وَقَلَّةَ الطَّعَامِ، وَقَلَّةَ الْمَنَامِ. (4)

عنه عليه السلام: مَنْ قَلَّتْ طُعْمَتُهُ خَفَّتْ عَلَيْهِ مُؤْتَتُهُ. (5)

عنه عليه السلام: فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: لَا تَطْلُبِ الْحَيَاةَ لِتَأْكُلَ، بَلِ اطْلُبِ الْأَكْلَ لِتَحْيَا. (6)

عنه عليه السلام: أَيْضاً: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَتَذَكَّرَ عِنْدَ حَلَاوَةِ الْغِذَاءِ مَرَاةَ الدَّوَاءِ. (7)

2/3 فوائد قلة الأكل الظاهرية 2/3 _ 1 صححة البدن رسول الله صلى الله عليه وآله: أُمَّ جَمِيعِ الْأَدْوِيَةِ قَلَّةُ الْأَكْلِ. (8)

1- .. يقال: طَوِيَ من الجوع يطوى فهو طاوٍ؛ أي خالي البطن جائع لم يأكل. وطوى يطوي إذا تعمّد ذلك (النهاية: ج 3 ص 146 «طوا»)

2- .. الجعفریات: ص 165 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، المقنعة: ص 374 وفيه «ظماً أو جاع للبر» بدل «طوى وجاع»، جامع الأحاديث للقمي: ص 96 بزيادة «وصبر» بعد «وجاع»، بحار الأنوار: ج 75 ص 462 ح 17.

3- .. غرر الحكم: ج 4 ص 509 ح 6747، عيون الحكم والمواعظ: ص 372 ح 6280.

4- .. غرر الحكم: ج 3 ص 168 ح 4117، عيون الحكم والمواعظ: ص 132 ح 2970.

5- .. غرر الحكم: ج 5 ص 371 ح 8797، عيون الحكم والمواعظ: ص 438 ح 7582 وفيه «على نفسه» بدل «عليه».

6- .. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 333 ح 824.

7- .. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 272 ح 149.

8- .. المواعظ العددية: ص 213.

3 / 2 فواید مادی کم خوردن

3 / 2 - 1 تن درستی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوشا به حال آنان که شکمشان خالی و گرسنه است ! اینان کسانی هستند که در روز قیامت ، سیرند .

امام علی علیه السلام : کم خوردن ، از خویشتنداری است و پر خوردن ، از اسرافکاری .

امام علی علیه السلام : خداوند سبحان ، هر گاه صلاح بنده ای را بخواهد ، کم گویی و کم خوری و کم خوابی را به او الهام می کند .

امام علی علیه السلام : آن که خوراکش اندک باشد ، مخارجش (ارنج و زحمتش) کم است .

امام علی علیه السلام _ در حکمت های منسوب به ایشان _ : برای خوردن ، زندگی مکن ؛ بلکه برای زنده ماندن بخور .

امام علی علیه السلام _ در حکمت های منسوب به ایشان _ : سزاوار است که خردمند هنگام شیرینی غذا ، تلخی دوا را به یاد آورد .

3 / 2 فواید مادی کم خوردن 3 / 2 - 1 تن درست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مادر همه دواها ، کم خوری است .

عنه صلى الله عليه وآله: حيلة الصِّحَّةِ في الدُّنيا أربَعُ خِصَالٍ: قِلَّةُ الكَلَامِ، وَقِلَّةُ المَنَامِ، وَقِلَّةُ المَسِي، وَقِلَّةُ الطَّعَامِ. (1)

الإمام علي عليه السلام: قِلَّةُ الأَكْلِ يَمْنَعُ كَثِيراً مِنْ أَعْلَالِ الجِسمِ. (2)

عنه عليه السلام: أَقْلِلْ طَعَاماً تُقَلِّلْ سَقَاماً. (3)

عنه عليه السلام: مَنْ قَلَّ طَعَامُهُ قَلَّتْ آلامُهُ. (4)

عنه عليه السلام: قِلَّةُ العِذَاءِ أَكْرَمُ لِلنَّفْسِ، وَأدْوَمُ لِلصِّحَّةِ. (5)

عنه عليه السلام: مَنْ اقْتَصَرَ فِي أَكْلِهِ كَثُرَتْ صِحَّتُهُ، وَصَلَحَتْ فِكْرَتُهُ. (6)

عنه عليه السلام: إِنَّ صِحَّةَ الجِسمِ مِنْ قِلَّةِ الطَّعَامِ، وَقِلَّةِ المَاءِ. (7)

المحاسن عن عمرو بن إبراهيم: سَمِعْتُ أبا الحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ: لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الطَّعَامِ لَأَسْتَقَامَتِ أبدَانُهُمْ. (8)

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ الجِسدَ بِمَنْزِلَةِ الأَرْضِ الطَّيِّبَةِ الخَرَابِ؛ إِنْ نُعُوهِدَتْ بِالعِمَارَةِ والسَّقْيِ مِنْ حَيْثُ لَا تَزْدَادُ مِنَ المَاءِ فَتَغْرَقُ، وَلَا تَنْقُصُ مِنْهُ فَتَعْطَشُ، دَامَتْ عِمَارَتُهَا، وَكَثُرَ رِيعُهَا، (9) وَزَكَا (10) زَرْعُهَا. وَإِنْ تَغَافَلَتْ عَنهَا فَسَدَّتْ، وَنَبَتَ فِيهَا العُشْبُ. وَالجِسدُ بِهَذِهِ المَنْزِلَةِ، وَبِالتَّأْدِيرِ (11) فِي الأَغْذِيَةِ وَالْأَشْرَبِيَةِ يَصْلُحُ وَيَصْحُ، وَتَرْكُو العَافِيَةَ فِيهِ. وَانظُرْ... مَا يُوَافِقُكَ وَمَا يُوَافِقُ مَعِدَتَكَ، وَيَقْوَى عَلَيْهِ بَدَنُكَ وَيَسْتَمِرُّهُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ، فَفَقْدَرَهُ لِنَفْسِكَ وَاجْعَلْهُ غِذَاكَ. (12)

1- .. الفضائل: ص 129 عن ابن مسعود، بحار الأنوار: ج 8 ص 144 ح 67؛ فرائد السمطين: ج 1 ص 239 ح 186 عن عبدالله بن مسعود.

2- .. غرر الحكم: ج 4 ص 505 ح 6768، عيون الحكم والمواعظ: ص 370 ح 6248.

3- .. غرر الحكم: ج 2 ص 189 ح 2336.

4- .. غرر الحكم: ج 5 ص 290 ح 8409، عيون الحكم والمواعظ: ص 455 ح 8220.

5- .. غرر الحكم: ج 4 ص 519 ح 6819، عيون الحكم والمواعظ: ص 370 ح 6240.

6- .. غرر الحكم: ج 5 ص 372 ح 8803، عيون الحكم والمواعظ: ص 437 ح 7559.

7- .. تحف العقول: ص 172، بشارة المصطفى: ص 25 كلاهما عن كميل، بحار الأنوار: ج 66 ص 425 ح 41.

8- .. المحاسن: ج 2 ص 221 ح 1666، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 180 ح 2466 عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «قصروا» بدل «قصدا»، دعائم الإسلام: ج 2 ص 145 ح 508، طب الأنمة عليهم السلام لابني بسطام: ص 4 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 334 ح 17.

9- .. الرِّيعُ: النَّماءُ والزيادة. وأرضٌ مريعة: منخِصة (الصحاح: ج 3 ص 1223 «ريع»).

- 10- .. الزَّكَاةُ : النَّمَاءُ وَالْبِرْكَةُ (النهاية : ج 2 ص 307 «زكا»).
- 11- .. في المصدر : «التدبير» ، وما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار ومستدرک الوسائل .
- 12- .. طبّ الإمام الرضا عليه السلام : ص 13 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 310 نحوه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: راه تن درستی در دنیا، چهار چیز است: کم گفتن، کم خفتن، کم راه رفتن و کم خوردن.

امام علی علیه السلام: کم خوری، از بسیاری دردها و بیماری های بدن، جلوگیری می کند.

امام علی علیه السلام: خوراك را کم کن تا بیماری را کم کنی.

امام علی علیه السلام: هر که خوراکش اندک باشد، بیماری هایش اندک می شود.

امام علی علیه السلام: اندک خوردن غذا، جان را گرامی تر و سلامت را پایدارتر می سازد.

امام علی علیه السلام: هر که در خوردن به کم بسنده کند، تن درستی اش فزونی می گیرد و اندیشه اش سالم می شود.

امام علی علیه السلام: سلامت تن، در گرو کم خوردن و کم نوشیدن آب است.

المحاسن_ به نقل از عمرو بن ابراهیم_: از ابو الحسن علیه السلام (1) شنیدم که می فرماید: «اگر مردم در خوردن غذا میانه روی می کردند، بدن هایشان سالم می ماند».

امام رضا علیه السلام: بدن به سان زمین مناسب بایر است که اگر درست آباد و آبیاری شود، به طوری که نه در آب زیاد غرق شود و نه از کم آبی تشنه بماند، پیوسته آباد و حاصلخیز خواهد بود و زراعتش رشد می کند، و اگر از آن غفلت ورزی، تباه می گردد و در آن، علف می روید. بدن نیز این گونه است و تغذیه درست آن، موجب سلامتش می گردد، و عافیت در آن رشد می کند. و بنگر که ... چه غذا و نوشیدنی ای با وجود تو و معده تو سازگار است و موجب تقویت بدنت می شود و به آن می سازد. همان را برای خودت انتخاب کن و غذای خود قرار بده.

2 / 3 _ نَضَارَةُ الْوَجْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَرَّ أَخِي عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَدِينَةِ فِيهَا رَجُلٌ وَامْرَأَةٌ يَتَصَايِحَانِ ، فَقَالَ : مَا شَأْنُكُمَا؟ قَالَ [الرَّجُلُ] : يَا نَبِيَّ اللَّهِ ، هَذِهِ امْرَأَتِي وَلَيْسَ بِهَا بَأْسٌ ، صَالِحَةٌ ، وَلَكِنِّي أُحِبُّ فِرَاقَهَا . قَالَ : فَأَخْبِرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ مَا شَأْنُهَا؟ قَالَ : هِيَ خَلَقَتْهُ (1) الْوَجْهَ مِنْ غَيْرِ كَبِيرٍ . قَالَ : يَا امْرَأَةٌ ، أَتَحْبِبِينَ أَنْ يَعُودَ مَاءٌ وَجْهَكَ طَرِيًّا؟ قَالَتْ : نَعَمْ . قَالَ لَهَا : إِذَا أَكَلْتِ فَيَاكِ أَنْ تَشْبَعِي (2) ؛ لِأَنَّ الطَّعَامَ إِذَا تَكَاثَرَ عَلَى الصَّدْرِ فَزَادَ فِي الْقَدْرِ ، ذَهَبَ مَاءُ الْوَجْهِ . فَفَعَلْتَ ذَلِكَ ، فَعَادَ وَجْهُهَا طَرِيًّا . (3)

1- .. خَلَقَ الثَّوْبُ : إِذَا بَلِيَ (المصباح المنير : ص 180 «خلق»).

2- .. فِي الْمَصْدَرِ : «تَشْبَعِينَ» ، وَالتَّصْوِيبُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ وَقِصَصِ الْأَنْبِيَاءِ .

3- .. عَلِلَ الشَّرَائِعَ : ص 497 ح 1 عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قِصَصِ الْأَنْبِيَاءِ لِلرَّوَانْدِيِّ : ص 273 ح 328 نَحْوَهُ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج 14 ص 320 ح 26 .

3 / 2 - 2 شادابی چهره

2 / 3 _ 2 شادابی چهره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برادرم عیسی علیه السلام از شهری می گذشت که دید مرد وزنی بر سر یکدیگر فریاد می زنند. پرسید: «شما را چه شده است؟». مرد گفت: ای پیامبر خدا! این، همسر من است. عیبی ندارد. زن خوب و شایسته ای است؛ اما دوست دارم از او جدا شوم. فرمود: «پس به من بگو مشکلش چیست؟». گفت: با آن که سنی ندارد، پیرچهره است. فرمود: «ای زن! آیا دوست داری شادابی و تازگی به چهره ات باز گردد؟». گفت: آری. عیسی علیه السلام به او فرمود: «هرگاه غذا می خوری، سعی کن سیر نشوی؛ زیرا وقتی غذا در معده انباشته شود و بیش از اندازه باشد، تر و تازگی چهره از بین می رود». آن زن چنین کرد و دوباره چهره اش شاداب شد.

3 / 2 _ 3 طول العُمُر لِقمان عليه السلام: إذا قَلَّ طُعْمَةُ المَرءِ عاشَ طَوِيلاً . (1)

3 / 3 فَوَائِدُ قِلَّةِ الأَكْلِ الباطِنِيَّةُ 3 / 3 _ 1 صَفَاءُ الفِكْرِ الإمامِ عَلِيِّ عليه السلام: مَنْ قَلَّ أَكَلُهُ صَفَا فِكْرُهُ . (2)

3 / 3 _ 2 نُورُ القَلْبِ رسولِ اللّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَقَلَّ الرَّجُلُ الطُّعْمَ، مُلِيَ جَوْفُهُ نُورًا . (3)

1- .. المواعظ العددية : ص 71 .

2- .. غرر الحكم : ج 5 ص 299 ح 8462 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 456 ح 8236 .

3- .. الفردوس : ج 1 ص 290 ح 1138 عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 15 ص 244 ح 40772 .

3 / 2 - 3 زیاد شدن عمر

3 / 3 فواید معنوی کم خوردن

3 / 3 - 1 روشن شدن فکر

3 / 3 - 2 نورانیت دل

3 / 2 - 3 زیاد شدن عمر لقمان علیه السلام: هر گاه خوراك انسان كم شود، عمرش زياد مي گردد.

3 / 3 فواید معنوی کم خوردن 3 / 3 - 1 روشن شدن فکرامام علی علیه السلام: هر که کم خورد، اندیشه اش روشن و زلال می گردد.

3 / 3 - 2 نورانیت دل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدمی، هر گاه کم خورد، درویش پر از نور می شود. 1

3 / 3 _ 3 النَّجَاةُ مِنَ الشَّيْطَانِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُخَلِّصَ نَفْسَهُ مِنْ إِبْلِيسَ فَلْيُذِبْ لَحْمَهُ وَشَحْمَهُ بِقَلَّةِ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّ مِنْ قَلَّةِ الطَّعَامِ حُضُورَ الْمَلَائِكَةِ، وَكَثْرَةَ التَّفَكُّرِ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: جَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ بِقَلَّةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ؛ تُظَلِّكُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَيَقِرَّ عَنْكُمْ الشَّيْطَانُ. (2)

3 / 3 _ 4 الدُّخُولُ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْبَسُوا الصَّوْفَ وَشَدُّوا، وَكُلُوا فِي أَنْصَافِ الْبُطُونِ؛ تَدْخُلُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَدْخُلُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَنْ مَلَأَ بَطْنَهُ. (4)

3 / 3 _ 5 التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: التَّقْلِيلُ مِنَ الطَّعَامِ بِمَنْزِلَةِ سَنِيَّةٍ (5) عِنْدَ اللَّهِ. (6)

1-.. فردوس الأخبار: ج 4 ص 183 ح 6081 عن ابن عباس .

2-.. تنبيه الخواطر: ج 2 ص 122 .

3-.. مكارم الأخلاق: ج 1 ص 252 ح 750؛ إحياء العلوم: ج 3 ص 125 ، الفردوس: ج 1 ص 102 ح 338 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 15 ص 302 ح 41120 وراجع: تنبيه الخواطر: ج 1 ص 100 وإحياء العلوم: ج 3 ص 124 .

4-.. تنبيه الخواطر: ج 1 ص 100؛ المغني عن حمل الأسفار: ج 2 ص 749 ح 2741، إحياء العلوم: ج 3 ص 124 وليس فيهما «والأرض» وكلها عن ابن عباس.

5-.. السَّنِيَّةُ: الرَّفِيعُ (لسان العرب: ج 14 ص 403«سنا»).

6-.. تنبيه الخواطر: ج 2 ص 119 .

3 / 3 - 3 رهیدن از شیطان

3 / 3 - 4 وارد شدن به ملکوت آسمان ها

3 / 3 - 5 نزدیک شدن به خدا

3 / 3 - 3 رهیدن از شیطان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دوست دارد خویشتن را از ابلیس برهاند، باید با کم خوردن، گوشت و چربی خود را آب کند؛ زیرا یکی از نتایج کم خوردن، حاضر شدن فرشتگان [در نزد شخص] است و بسیار اندیشیدن در آنچه نزد خداوند عز و جل است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با کم خوردن و کم نوشیدن، به جهاد با نفس های خویش بپردازید تا فرشتگان بر شما سایه افکنند و شیطان از شما بگریزد.

3 / 3 - 4 وارد شدن به ملکوت آسمان های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پشمینه بپوشید و دامن همت به میان زنید و معده هایتان را تا نیمه پر کنید تا به ملکوت آسمان ها وارد شوید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که شکمش را پر کند، به ملکوت آسمان ها و زمین وارد نمی شود.

3 / 3 - 5 نزدیک شدن به خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کم خوردن، منزلتی والا در نزد خداوند است.

عنه صلى الله عليه وآله: أَحَبُّكُمْ إِلَى اللَّهِ أَقْلُكُمْ طَعْمًا، وَأَخْفُكُمْ بَدَنًا. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ. (2)

4/3 جَوَامِعُ مَنَافِعِ قَلَّةِ الْأَكْلِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ، وَصَفَا قَلْبُهُ. وَمَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقِمَ بَدَنُهُ، وَقَسَا قَلْبُهُ. (3)

الإمام علي عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ (4) فِي الْمَطَاعِمِ؛ فَإِنَّهُ أَبْعَدُ مِنَ السَّرَفِ، وَأَصَحُّ لِلْبَدَنِ، وَأَعْوَنُ عَلَى الْعِبَادَةِ. (5)

مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام - : قَلَّةُ الْأَكْلِ مَحْمُودٌ فِي كُلِّ قَوْمٍ (6)؛ لِأَنَّ فِيهِ مَصْلَحَةَ الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ. (7)

1- .. كنز العمّال: ج 15 ص 261 ح 40869، جامع الأحاديث للسيوطي: ج 1 ص 106 ح 565 كلاهما نقلًا عن الفردوس عن ابن عباس.

2- .. الكافي: ج 6 ص 269 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 231 ح 1707 وفيه «جاف» بدل «خف» وكلاهما عن أبي بصير، جامع الأحاديث للقمي (الغايات): ص 199، بحار الأنوار: ج 66 ص 331 ح 5.

3- .. تنبيه الخواطر: ج 2 ص 229، الدعوات: ص 77 ح 187 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 338 ح 35؛ تاريخ دمشق: ج 6 ص 379 ح 1563، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 19 ص 187 وفيه «بطنه» بدل «بدنه».

4- .. القصد: بين الإسراف والتقتير (الصحاح: ج 2 ص 525 «قصد»).

5- .. غرر الحكم: ج 4 ص 295 ح 6153، عيون الحكم والمواعظ: ص 341 ح 5833.

6- .. في بحار الأنوار: «في كلِّ حالٍ وعند كلِّ قومٍ».

7- .. مصباح الشريعة: ص 237، بحار الأنوار: ج 66 ص 337 ح 33.

3 / 4 دیگر فواید کم خوری

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترین شما در نزد خداوند ، کسی است که کمتر بخورد و بدنی سبک تر داشته باشد .

امام صادق علیه السلام : بنده ، آن زمان به خداوند عز و جل نزدیک تر است که معده اش سبک تر باشد .

3 / 4 دیگر فواید کم خوری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که کم بخورد ، بدنش سالم می ماند و صفای دل می یابد ، و کسی که زیاد بخورد ، بدنش بیمار می شود و دلش سخت می گردد .

امام علی علیه السلام : بر شما باد میانه روی در خوردن ؛ زیرا این کار ، از اسراف ، به دورتر است و بدن را سالم تر نگه می دارد و به عبادت بیشتر کمک می کند .

مصباح الشریعة- در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است _ : کم خوری ، در هر جامعه ای پسندیده است ؛ زیرا سلامت باطن و ظاهر در آن است .

الفصل الرابع : كثرة الأكل 4 / 1 ذمَّ النَّهْمُ رسول الله صلى الله عليه وآله : استَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنَ الرَّغْبِ (1) ؛ فَإِنَّ الرَّغْبَ سُؤْمٌ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله : ما مَلَأَ آدَمِيٌّ وَعَاءً شَدَّ رَأْسَهُ مِنْ بَطْنٍ . حَسَبُ الْآدَمِيِّ لُقَيْمَاتٌ يُقَمِّنُ صَدْلَهُ؛ فَإِنَّ غَلَبَتِ الْآدَمِيَّ نَفْسُهُ، فَثُلُثٌ لِلطَّعَامِ ، وَثُلُثٌ لِلشَّرَابِ ، وَثُلُثٌ لِلنَّفْسِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله : سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي سُنَّةٌ ؛ يَأْكُلُ الْمُؤْمِنُ فِي مِعَاءٍ وَاحِدٍ ، وَيَأْكُلُ الْكَافِرُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ (4) . (5)

1- .. الرَّغْبُ : كثرة الأكل وشدة النهمة والشرة (لسان العرب : ج 1 ص 423 «رغب»).

2- .. الدعاء للطبراني : ص 413 ح 1396 ، نوادر الأصول : ج 2 ص 142 ، الفردوس : ج 1 ص 86 ح 273 وفيه «الرغب» بدل «الرغب» وليس فيهما ذيله وكلها عن أبي سعيد ، التاريخ الكبير : ج 6 ص 8 ح 1510 عن يعقوب بن عبد الله بن الأشج وفيه ذيله فقط ، كنز العمال : ج 3 ص 199 ح 6160 .

3- .. سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1111 ح 3349 ، سنن الترمذي : ج 4 ص 590 ح 2380 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 93 ح 17186 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 135 ح 7139 كلها عن المقدم بن معديكرب والثلاثة الأخيرة نحوه ، كنز العمال : ج 15 ص 261 ح 40870 ؛ المحاسن : ج 2 ص 222 ح 1668 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 335 ح 19 .

4- .. قال الشريف الرضي قدس سره : قوله عليه الصلاة والسلام : «المؤمن يأكل في معاء واحد ، والكافر يأكل في سبعة أمعاء» : وهذا القول مجاز ، والمراد أنّ المؤمن يقنع من مطعمه بالبلغ [أي الكفاية] التي تمسك الرمح ، وتقيم الأود [أي العوج] ، دون المآكل التي يقصد بها وجه اللذة ، ويقضي بها حق الشهوة ، فكأنه يأكل في معاء واحد لفرط الاقتصار ، وكرهة الاستكثار . وأمّا الكافر فإنه لتبجحه في المآكل ، وتنقله في المطاعم ، وتوخيّه ضدّ ما يتوخّاه المؤمن من إحراز حطام الدنيا التي يطلب عاجلها ولا يأمل آجلها ، فهو عبد فيها للذّته ، وكادح في طاعة شهوته ، كأنه يأكل في سبعة أمعاء؛ لأنّ أكله للذّة لا للبلغة ، وللهمة لا للمسكّة (المجازات النبويّة : ص 376 ح 291)

5- .. الكافي : ج 6 ص 268 ح 1 ، المحاسن : ج 2 ص 233 ح 1713 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 337 ح 31 .

فصل چهارم: پر خوری

4 / 1 نکوهش پر خوری

فصل چهارم: پر خوری 4 / 1 نکوهش پر خوری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از شکم بارگی به خدا پناه برید؛ زیرا شکم بارگی، شوم است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدمی ظرفی بدتر از شکم را پر نکرده است. انسان را چند لقمه ای که او را سر پا نگه دارد، بس است، و اگر نفس انسان بر او غلبه کرد [و خویشتندار نبود]، یک سوم [معه اش] را از غذا و یک سومش را از آب پر کند و یک سوم دیگرش را برای نفس [خالی] بگذارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پس از من، این رسم، پدید خواهد آمد که مؤمن در یک روزه می خورد و کافر در هفت روزه. (1)

1- شریف رضی می گوید: این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که: «مؤمن در یک روزه می خورد و کافر در هفت روزه» مجاز است و مراد، آن است که مؤمن در خوردن، به اندازه ای که سدّ رمق و رفع حاجت کند، بسنده می نماید و قصدش از خوردن، لذّت بردن و پاسخ دادن به خواهش نفس نیست. بنا بر این، از فرط قناعت و بیزاری از پر خوری، گویا با یک روزه می خورد؛ ولی کافر، چون پر خور و شکمبار است و بر خلاف مؤمن، در پی به دست آوردن حطام دنیوی است و نقد و دنیا را می طلبد و به آینده آن آرزومند نیست. و از همین رو بنده لذّت است و در فرمانبری از خواهش های نفسانی خویش می کوشد. گویا که با هفت روزه می خورد؛ چرا که خوردنش برای لذّت بردن است، نه برای سدّ رمق، و به خاطر شکمبارگی است و نه رفع حاجت (المجازات النبویّة: ص 376 ح 291).

عنه صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مَعَىٰ وَاحِدٍ، وَالْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ. (1)

صحيح البخاري عن أبي هريرة: إِنَّ رَجُلًا كَانَ يَأْكُلُ أَكْلًا كَثِيرًا، فَأَسْلَمَ فَكَانَ يَأْكُلُ أَكْلًا قَلِيلًا، فَذَكَرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَأْكُلُ فِي مَعَىٰ وَاحِدٍ، وَالْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ. (2)

مسند ابن حنبل عن أبي بصرة الغفاري: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا هَاجَرَتْ وَذَلِكَ قَبْلَ أَنْ أُسْلِمَ، فَحَلَبَ لِي شُوَيْهَةً (3) كَانَ يَحْتَلِبُهَا لِأَهْلِهِ، فَشَرِبْتُهَا، فَلَمَّا أَصَبَحْتُ أُسَلِّمْتُ. وَقَالَ عِيَالُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَبِيْتُ اللَّيْذَةِ كَمَا بَتْنَا الْبَارِحَةَ جِيعًا! فَحَلَبَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَاةً فَشَرِبْتُهَا وَرَوَيْتُ. فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرَوَيْتِ؟ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ رَوَيْتُ، مَا شَبِعْتُ وَلَا رَوَيْتُ قَبْلَ الْيَوْمِ! فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الْكَافِرَ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ، وَالْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مَعَىٰ وَاحِدٍ. (4)

1- .. صحيح البخاري: ج 5 ص 2061 ح 5078، سنن الترمذي: ج 4 ص 267 ح 1818، سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1084 ح 3257 كلها عن ابن عمر، كنز العمال: ج 1 ص 140 ح 670؛ الخصال: ص 351 ح 29 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، جامع الأخبار: ص 217 ح 545، بحار الأنوار: ج 66 ص 325 ح 1.

2- .. صحيح البخاري: ج 5 ص 2062 ح 5082، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 473 ح 9881، مسند إسحاق بن راهويه: ج 1 ص 247 ح 209، كنز العمال: ج 1 ص 140 ح 670.

3- .. الشاة: تطلق على الذكر والأنثى من الغنم، وتصغيرها شويهة (المصباح المنير: ص 328 «شوه»).

4- .. مسند ابن حنبل: ج 10 ص 350 ح 27295 وراجع: صحيح مسلم: ج 3 ص 1632 ح 186 والتاريخ الكبير: ج 8 ص 119 ح 2415 وكنز العمال: ج 1 ص 365 ح 1608.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن با يك روده می خورد و کافر با هفت روده .

صحیح البخاری_ به نقل از ابو هریره _ : مردی بود که غذا زیاد می خورد و چون مسلمان شد ، دیگر کم می خورد . این را به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند . فرمود : «مؤمن در يك روده غذا می خورد و کافر در هفت روده» .

مسند ابن حنبل_ به نقل از ابو بصره غفاری _ : چون [به مدینه] کوچیدم ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و این ، پیش از آنی بود که مسلمان شوم . پیامبر صلی الله علیه و آله میشی داشت که شیر آن را برای خانواده اش می دوشید . شیرش را برای من دوشید و من خوردم . صبح که شد ، من اسلام آوردم . خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند : امشب هم مثل دیشب گرسنه می خوابیم! پیامبر خدا دوباره میش را دوشید و من نوشیدم و سیر شدم . پیامبر خدا به من فرمود : «سیر شدی؟» . گفتم : آری ، سیر شدم ، ای پیامبر خدا! پیش از امروز ، هیچ گاه از غذا سیر نمی شدم! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «کافر در هفت روده می خورد و مؤمن در يك روده» .

المستدرک علی الصحیحین عن جَعْدَةَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ - وَرَأَى رَجُلًا مُشْبَعًا، فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمِي بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ وَيَقُولُ - : لَوْ كَانَ هَذَا فِي غَيْرِ هَذَا كَانَ خَيْرًا لَهُ. (1)

الإمام علي عليه السلام في ذكر حديث معراج النبي صلى الله عليه وآله - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : . . . يَا أَحْمَدُ، أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا، وَأَحِبِّ الآخِرَةَ وَأَهْلَهَا. قَالَ : يَا رَبِّ، وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَمَنْ أَهْلُ الآخِرَةِ؟ قَالَ : أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَضَحِكُهُ وَنَوْمُهُ وَغَضَبُهُ. (2)

عنه عليه السلام: كَثْرَةُ الأَكْلِ مِنَ الشَّرِّ (3)، وَالشَّرُّ شَرُّ العُيُوبِ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: كَثْرَةُ الأَكْلِ مَكْرُوهٌ. (5)

2 / 4 ذَمُّ أَكْلِ الأَلْوَانِ مِنَ الطَّعَامِ رسول الله صلى الله عليه وآله: سَيَكُونُ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يُولَدُونَ فِي النَّعِيمِ، وَيُعَذَّبُونَ بِهِ، هَمَّتْهُمْ ألْوَانُ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ، وَيُمَدِّحُونَ بِالقَوْلِ، أُولَئِكَ شِرَارُ أُمَّتِي. (6)

1- .. المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 135 ح 7141 .

2- .. إرشاد القلوب: ص 199 و 201، بحار الأنوار: ج 77 ص 23 ح 6 .

3- .. الشره: غلبة الحرص (الصحاح: ج 6 ص 2237 «شره»).

4- .. غرر الحكم: ج 4 ص 593 ح 7110، عيون الحكم والمواعظ: ص 390 ح 6608 .

5- .. الكافي: ج 6 ص 269 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 92 ح 394 كلاهما عن أبي بصير، المحاسن: ج 2 ص 231 ح 1704

عن يونس بن عمّار، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 316 ح 1014، بحار الأنوار: ج 66 ص 335 ح 22 .

6- .. الأمالي للطوسي: ص 538 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 380 ح 2661، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 66 كلها عن أبي ذر،

بحار الأنوار: ج 77 ص 90 ح 3 .

4 / 2 نکوهش خوردن غذاهای متنوع

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از جَعده _ : شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله ، در حالی که با دست خود به شکم مردی که سیر غذا خورده بود ، اشاره می کرد ، فرمود : «اگر این ، در غیر این بود ، برایش بهتر بود» .

امام علی علیه السلام_ در حدیث معراج _ : خداوند متعال فرمود : « ... ای احمد! از دنیا و اهل آن بیزار باش و آخرت و اهل آن را دوست بدار» . گفت : ای پروردگار من! اهل دنیا کیست و اهل آخرت چه کسی است؟ فرمود : «اهل دنیا ، کسی است که پُرخور و پرخنده و پرخواب و پرخشم باشد» .

امام علی علیه السلام : پرخوری ، از شکم پرستی است و شکم پرستی ، بدترین عیب هاست .

امام صادق علیه السلام : پرخوری ، مکروه و ناخوشایند است .

4 / 2 نکوهش خوردن غذاهای متنوع پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به زودی ، مردمانی از امت من خواهند آمد که در ناز و نعمت به دنیا می آیند و با ناز و نعمت پرورده می شوند . همّ و غمشان ، خوردنی ها و نوشیدنی های رنگارنگ است و از آنان ، به گفتار مدح می شود . اینان ، بدترین مردمان امت من هستند .

عنه صلى الله عليه وآله: سَيَكُونُ رِجَالٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْكُلُونَ أَلْوَانَ الطَّعَامِ، وَيَشْرَبُونَ أَلْوَانَ الشَّرَابِ، وَيَلْبَسُونَ أَلْوَانَ اللَّبَاسِ، وَيَتَشَدَّقُونَ (1) فِي الْكَلَامِ، فَأُولَئِكَ شِرَارُ أُمَّتِي. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: شِرَارُ أُمَّتِي قَوْمٌ وُلِدُوا فِي النَّعِيمِ وَغَدَّوْا بِهِ، يَأْكُلُونَ مِنَ الطَّعَامِ أَلْوَانًا، وَيَلْبَسُونَ مِنَ الثِّيَابِ أَلْوَانًا، وَيَرْكَبُونَ مِنَ الدَّوَابِّ أَلْوَانًا، يَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ. (3)

الإمام عليّ عليه السلام: الْأَلْوَانُ يُعْظَمَنَّ الْبَطْنَ، وَيُخَدَّرَنَّ (4) الْأَلْيَتَيْنِ. (5)

عنه عليه السلام: الْبِيشَارِجَاتُ (6) يُعْظَمَنَّ الْبَطْنَ، وَيُخَدَّرَنَّ الْمَتْنَ. (7)

عنه عليه السلام: فِي كِتَابِ كَتَبَهُ إِلَى عُثْمَانَ بْنِ حُنَيْفٍ - : أَمَّا بَعْدُ يَا ابْنَ حُنَيْفٍ، فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْذَبَةٍ (8) فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا، تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ، وَتُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ (9). وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ (10) مَجْفُوفٌ، وَغَنِيَّتُهُمْ مَدْعُوفٌ. (11)

1- .. الْمُتَشَدِّقُونَ : المتوسِّعون في الكلام من غير احتياط واحتراز . وقيل : أراد بالمتشدد : المستهزئ بالناس يلوي شدقه بهم وعليهم ، والأشداق : جوانب الفم (النهاية : ج 2 ص 453 «شوق»).

2- .. المعجم الكبير : ج 8 ص 107 ح 7512 وح 7513 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 24 ح 2351 ، مسند الشاميين : ج 2 ص 342 ح 1458 ، حلية الأولياء : ج 6 ص 90 الرقم 342 كلَّها عن أبي أمامة ، كنز العمال : ج 3 ص 561 ح 7911 .

3- .. المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 657 ح 6418 ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 372 ح 7761 وليس فيه من «ويلبسون» إلى «الدواب أواناً» وكلاهما عن عبد الله بن جعفر ، شعب الإيمان : ج 5 ص 33 ح 5669 عن فاطمة عليها السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، كنز العمال : ج 3 ص 561 ح 7913 .

4- .. قال العلامة المجلسي قدس سره : «يخدرن» يمكن أن يكون كناية عن الكسل . وفي بعض النسخ بالحاء المهملة «يخدرن» ؛ أي يسمن (مرآة العقول : ج 22 ص 141) .

5- .. الكافي : ج 6 ص 317 ح 8 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج 2 ص 165 ح 1453 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 84 ح 18 .

6- .. هكذا في المصدر ، وفي كتب اللغة : البِيشَارِجَاتُ : قيل أراد به ما يقدم إلى الضيف قبل الطعام ، وهي معربة . ويقال لها : الفيشفارجات - بفاءين - (النهاية : ج 1 ص 171 «بيشارج»).

7- .. الجعفریات : ص 243 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

8- .. المأذبة والمأذبة : طعامٌ صنِعَ لدعوة أو عرس (القاموس المحيط : ج 1 ص 36 «أذب»).

9- .. الجفنة : حُصَّتْ بوعاء الأطعمة ، وجمعها جفان (مفردات ألفاظ القرآن : ص 197 «جفن»).

10- .. العائل : الفقير (النهاية : ج 3 ص 330 «عيل»).

11- .. نهج البلاغة : الكتاب 45 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 448 ح 12 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی ، مردانی از امت من خواهند آمد که غذاهای رنگارنگ می خورند و نوشیدنی های رنگارنگ می نوشند و جامه های رنگ به رنگ می پوشند و گزافه گویی می کنند . اینان ، بدترین افراد امت من هستند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین افراد امت من ، مردمانی هستند که در ناز و نعمت زاده می شوند و به ناز و نعمت پرورده می شوند . غذاهای رنگارنگ می خورند و جامه های رنگ به رنگ می پوشند و مرکب های رنگارنگ سوار می شوند و لاف می زنند و گزاف می گویند .

امام علی علیه السلام: غذاهای رنگارنگ ، شکم را بزرگ و سرین را شل می کند .

امام علی علیه السلام: پیش غذاها ، شکم را بزرگ و کمر را سست می کنند .

امام علی علیه السلام_ در نامه ای که به عثمان بن حنیف نوشت _ : ای پسر حنیف! به من خبر رسیده که مردی از صاحب نفوذان بصره ، تو را به ولیمه ای دعوت کرده و تو بدان شتافته ای و غذاهای رنگارنگ برایت آورده اند و کاسه ها برایت چیده اند . من گمان نمی کردم تو دعوت مردمانی را بپذیری که تهی دستشان کنار زده می شود و توانگرشان دعوت می شود!

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْ دَرَجَاتِي فِي الْجَنَانِ رَفِيعَةً، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّي مِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ (1).

الإمام الصادق عليه السلام: رَبِّ... أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّهَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَمِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ (2).

تنبيه الخواطر عن المدائني: كَانَتْ الْعَرَبُ لَا تَعْرِفُ الْأَلْوَانَ، إِنَّمَا طَعَامُهُمُ اللَّحْمُ يُطْبَخُ بِمَاءٍ وَمِلْحٍ، حَتَّى كَانَ زَمَنُ مُعَاوِيَةَ، فَاتَّخَذَ الْأَلْوَانَ وَتَنَوَّقَ (3) فِيهَا، وَمَا شَبَّحَ مَعَ كَثْرَةِ أَلْوَانِهِ حَتَّى مَاتَ؛ لِذُعَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ يَعْنِي قَوْلَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَا أَشْبَعُ اللَّهُ بَطْنَكَ» (4). (5)

1- .. مهج الدعوات: ص 126، بحار الأنوار: ج 94 ص 235 ح 9.

2- .. الكافي: ج 2 ص 592 ح 31 عن عبد الرحمن بن سيابة، مصباح المتهجد: ص 277، جمال الأسبوع: ص 143 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وفيهما «شر» بدل «رفيع»، بحار الأنوار: ج 89 ص 302 ح 10.

3- .. تنوَّقَ في مطعمه وملبسه: تجوَّدَ وبالغ (القاموس المحيط: ج 3 ص 287 «نوق»).

4- .. راجع: موسوعة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: ج 3 ص 281 (القسم السادس / الحرب الثانية / الفصل الثاني / معاوية بن أبي سفيان / دعاء النبي صلى الله عليه وآله عليه).

5- .. تنبيه الخواطر: ج 1 ص 48.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! درجات مرا در بهشت، عالی گردان، و به تو پناه می برم - ای پروردگار من - از عالی بودن خوردنی ها و نوشیدنی ها [در دنیا].

امام صادق علیه السلام: پروردگارا! ... از همه فتنه ها، پیدا و پنهان آنها، و از غذاها و نوشیدنی های فاخر به تو پناه می برم.

تنبيه الخواطر - به نقل از مدائنی - عرب ها با خوراك های رنگارنگ آشنایی نداشتند؛ بلکه غذایشان گوشت پخته شده با آب و نمك (آب گوشت ساده) بود، تا آن که زمان معاویه شد و او به غذاهای رنگارنگ و شاهانه روی آورد، و با وجود آن همه غذاهای متنوع، هیچ گاه سیر نمی شد، تا آن که مُرد، و این به سبب نفرین پیامبر خدا در حق او بود که فرمود: «خدا شکمت را سیر نکند!».

3 / 4 مَضَارُّ النَّهْمِ الظَّاهِرِيَّةُ 3 / 4 _ 1 أنواعُ الأَسْقَامِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ غَرَسَ فِي نَفْسِهِ مَحَبَّةَ أَنْوَاعِ الطَّعَامِ اجْتَنَى ثَمَارَ فُنُونِ الأَسْقَامِ .
(1)

عنه عليه السلام: إدمانُ الشَّبَعِ يورثُ أنواعَ الوجعِ . (2)

عنه عليه السلام: قَلَّ مَنْ أَكْثَرَ مِنْ فَضُولِ الطَّعَامِ إِلَّا لَزِمَتْهُ الأَسْقَامُ . (3)

عنه عليه السلام: الشَّبَعُ يُكْثِرُ الأَدْوَاءَ . (4)

عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَإِدْمَانَ الشَّبَعِ ؛ فَإِنَّهُ يُهَيِّجُ الأَسْقَامَ ، وَيُثِيرُ العِلَلَ . (5)

عنه عليه السلام: قَلَّ مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الطَّعَامِ فَلَمْ يَسْقَمْ . (6)

عنه عليه السلام: كَمِ مِنْ أَكْلَةٍ مَنَعَتْ أَكْلَاتٍ . (7)

-
- 1- .. غرر الحكم: ج 5 ص 469 ح 9219 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 426 ح 7219 .
 - 2- .. غرر الحكم: ج 1 ص 359 ح 1363 .
 - 3- .. غرر الحكم: ج 4 ص 517 ح 6814 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 370 ح 6236 .
 - 4- .. غرر الحكم: ج 1 ص 228 ح 912 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 51 ح 1322 .
 - 5- .. غرر الحكم: ج 2 ص 300 ح 2681 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 97 ح 2248 .
 - 6- .. غرر الحكم: ج 4 ص 502 ح 6749 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 371 ح 6261 .
 - 7- .. نهج البلاغة: الحكمة 171 ، خصائص الأئمة: ص 110 ، غرر الحكم: ج 4 ص 548 ح 6933 وج 2 ص 277 ح 2602 نحوه ، بحار الأنوار: ج 73 ص 166 ح 29 .

4 / 3 ضررهای مادی پرخوری

4 / 3 - 1 انواع بیماری ها

4 / 3 ضررهای مادی پرخوری 3 / 4 - 1 انواع بیماری ها امام علی علیه السلام: هر که [نهال] دوستی غذاهای رنگارنگ را در نفس خویش بنشانند ، میوه بیماری های گونه گون می چیند .

امام علی علیه السلام: عادت به پرخوری ، انواع دردها را به دنبال می آورد .

امام علی علیه السلام: کمتر کسی است که غذا زیاد بخورد و بیماری ها دامنگیرش نشوند .

امام علی علیه السلام: سیری ، دردها و بیماری ها را زیاد می کند .

امام علی علیه السلام: از پیوسته سیر بودن پرهیز که این کار ، ناخوشی ها را تحریک می کند و بیماری ها را بر می انگیزد .

امام علی علیه السلام: کمتر کسی است که زیاد بخورد و بیمار نشود .

امام علی علیه السلام: ای بسا خوردنی که از خوردن ها باز می دارد!

الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ دَاءٍ مِّنَ التُّخْمَةِ ، مَا خَلَا الْحُمَى ؛ فَإِنَّهَا تَرُدُّ وُرُوداً . (1)

3 / 4 _ 2 ضَعْفُ الصَّحَّةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ قَلَّتْ صِحَّتُهُ ، وَثَقَلَتْ عَلَى نَفْسِهِ مُؤَنَّتُهُ . (2)

عنه عليه السلام : لَا صِحَّةَ مَعَ النَّهَمِ . (3)

عنه عليه السلام : لَا تَجْتَمِعُ الصَّحَّةُ وَالنَّهَمُ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : فَسَادُ الْجَسَدِ فِي كَثْرَةِ الطَّعَامِ ، وَفَسَادُ الزَّرْعِ فِي كَسْبِ الْآثَامِ ، وَفَسَادُ الْمَعْرِفَةِ فِي تَرْكِ الصَّلَاةِ عَلَى خَيْرِ الْأَنَامِ . (5)

3 / 4 _ 3 الدَّفْرُ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَثْرَةُ الْأَكْلِ تُدْفِرُ (6) . (7)

-
- 1- .. الكافي : ج 6 ص 269 ح 8 ، المحاسن : ج 2 ص 232 ح 1711 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 336 ح 29.
 - 2- .. غرر الحكم : ج 5 ص 418 ح 8903 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 434 ح 7500 .
 - 3- .. مئة كلمة للجاحظ : ص 32 ح 16 ، الفصول المهمة لابن الصبّاغ : ص 109 ، المناقب للخوارزمي : ص 375 ح 395 ، الدعوات : ص 77 ح 186 ، شرح ابن ميثم على مئة كلمة للجاحظ : ص 137 ح 32 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 268 ح 52 .
 - 4- .. غرر الحكم : ج 6 ص 369 ح 10570 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 533 ح 9735 .
 - 5- .. مستدرک الوسائل : ج 16 ص 213 ح 19632 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .
 - 6- .. الدَّفْرُ : التَّنُّن... وخبثُ الريح (لسان العرب : ج 4 ص 307 «ذفر»).
 - 7- .. غرر الحكم : ج 4 ص 596 ح 7121 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 390 ح 6612 .

4 / 3 - 2 ضعف سلامت

4 / 3 - 3 بوی بد

امام صادق علیه السلام: هر دردی از پرخوری (/ بدگواری) است ، جز تب که به گونه ای به سراغ انسان می آید [و دلایل دیگری دارد] .

4 / 3 _ 2 ضعف سلامت امام علی علیه السلام: هر که پر خورد ، سلامتتش کاهش می یابد و خرج (/ زحمت) آن بر وی سنگین می شود .

امام علی علیه السلام: با وجود شکمبارگی ، از تن درستی خبری نیست .

امام علی علیه السلام: تن درستی و پرخوری ، با هم جمع نمی شوند .

امام صادق علیه السلام: تباهی تن ، در پرخوری است و تباهی کِشت ، در گنه ورزی و تباهی شناخت ، در ترك صلوات بر بهترین خلق خدا [یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله] .

4 / 3 _ 3 بوی بد امام علی علیه السلام: پرخوری ، [عرق را] بدبو می کند .

4 / 4 مَضَارُّ النَّهْمِ الْبَاطِنِيَّةُ 4 / 4 _ 1 فَسَادُ الْوَرَعِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بِسَّسِ الْعَوْنُ عَلَى الدِّينِ قَلْبٌ نَخِيبٌ (1)، وَبَطْنٌ رَغِيبٌ (2)، وَنَعْظٌ (3) شَدِيدٌ. (4)

الإمام عليّ عليه السلام: نَعَمَ عَوْنُ الْمَعَاصِي الشُّبُعِ. (5)

عنه عليه السلام: الشُّبُعُ يُفْسِدُ الْوَرَعَ. (6)

عنه عليه السلام: الشُّبُعُ يورِثُ الْأَشْرَ، وَيُفْسِدُ الْوَرَعَ. (7)

عنه عليه السلام: بِسَّسَ قَرِينُ الْوَرَعِ الشُّبُعُ. (8)

الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا شَبِعَ الْبَطْنُ طَغَى. (9)

1- .. النخيب: الجبان الذي لا فؤاد له. وقيل: الفاسد الفعل (النهاية: ج 5 ص 31 «نخب»).

2- .. الرَّغِيب: الواسع (النهاية: ج 2 ص 237 «رغب»).

3- .. الإنعاط: الشَّبَقُ. نَعَّظَ الذَّكْرُ: إِذَا انْتَشَرَ، (النهاية: ج 5 ص 82 «نعظ»).

4- .. الكافي: ج 6 ص 269 ح 3 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 230 ح 1702 عن النوفلي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الجعفریات: ص 165 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج 6 ص 335 ح 20؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 187 عن أبي الدرداء من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 253 ح 44344.

5- .. غرر الحكم: ج 6 ص 163 ح 9922، عيون الحكم والمواعظ: ص 493 ح 9106.

6- .. غرر الحكم: ج 1 ص 174 ح 659، عيون الحكم والمواعظ: ص 25 ح 249.

7- .. غرر الحكم: ج 1 ص 359 ح 1364.

8- .. غرر الحكم: ج 3 ص 255 ح 4408، عيون الحكم والمواعظ: ص 193 ح 3972.

9- .. الكافي: ج 6 ص 270 ح 10 عن أبي عبيدة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 356 ح 4255 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، المحاسن: ج 2 ص 231 ح 1705 عن الحسين بن مختار عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 6 ص 336 ح 23.

4 / 4 ضررهای معنوی پرخوری

4 / 4 - 1 تباه شدن پارسایی

4 / 4 ضررهای معنوی پرخوری 4 / 4 - 1 تباه شدن پارسایی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل ترسو و شکم فراخ و شهوت شدید، بد یاورانی برای دین هستند.

امام علی علیه السلام: پرخوری، کمک خوبی برای گناهان است.

امام علی علیه السلام: پرخوری، پارسایی را تباه می کند.

امام علی علیه السلام: پرخوری، بی شرمی می آورد و پارسایی را تباه می کند.

امام علی علیه السلام: پرخوری، بد همدمی برای پارسایی است.

امام باقر علیه السلام: شکم، چون سیر شود، سرکش می شود.

4 / 4 _ 2 فسادُ النَّفْسِ رسول الله صلى الله عليه وآله : لا- تُمِثُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ ؛ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالزُّرُوعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهَا الْمَاءُ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ الطَّعَامِ ؛ فَإِنَّهُ يَسِمْ (2) الْقَلْبَ بِالقِسْوَةِ ، وَيُطِئُ بِالْجَوَارِحِ عَنِ الطَّاعَةِ ، وَيُصِمْ الْهَمَمَ عَنِ سَمَاعِ الْمَوْعِظَةِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ قَسَا قَلْبُهُ . (4)

الإمام علي عليه السلام : كَثْرَةُ الْأَكْلِ وَالنَّوْمِ تُفْسِدَانِ النَّفْسَ ، وَتَجْلِبَانِ الْمَضْرَّةَ . (5)

4 / 4 _ 3 حِجَابُ الْفِطْنَةِ الإمام علي عليه السلام : مَنْ زَادَ شَبْعُهُ كَفَّتُهُ (6) الْبِطْنَةُ ، مَنْ كَفَّتُهُ الْبِطْنَةُ حَجَبَتْهُ عَنِ الْفِطْنَةِ . (7)

عنه عليه السلام : لَا فِطْنَةَ مَعَ بِطْنَةٍ . (8)

1- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 320 ح 1025 ، مشكاة الأنوار : ص 162 ح 413 ، جامع الأخبار : ص 515 ح 1453 نحوه ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 46 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 331 ح 7 ؛ ربيع الأبرار : ج 2 ص 672 ، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 19 ص 187 كلاهما نحوه .

2- .. وَسَمْتُ الشَّيْءِ وَسَمَا ، وَالاسْمُ : السَّمَّةُ ؛ وَهِيَ الْعَلَامَةُ (المصباح المنير : ص 660 «وسم») .

3- .. عِدَّةُ الدَّاعِي : ص 294 ، أعلام الدين : ص 339 عن أبي هريرة ، بحار الأنوار : ج 103 ص 27 ح 40 .

4- .. طَبَّ النَّبِيِّ : ص 5 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 293 .

5- .. غَرَّرَ الْحَكْمَ : ج 4 ص 596 ح 7120 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 389 ح 6572 .

6- .. كَفَّتُهُ : أَي بَهْظَتُهُ . وَالْكَفَّةُ : شَيْءٌ يَعْتَرِي الْإِنْسَانَ مِنَ الْإِمْتَلَاءِ مِنَ الطَّعَامِ ، حَتَّى لَا يُطِيقَ التَّنَفُّسَ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1574 «كفظ»).

7- .. غَرَّرَ الْحَكْمَ : ج 5 ص 298 ح 8458 و ص 299 ح 8459 .

8- .. غَرَّرَ الْحَكْمَ : ج 6 ص 361 ح 10528 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 532 ح 9701 .

4 / 4 - 2 تباهی جان

4 / 4 - 3 حجاب زیرکی

4 / 4_2 تباهی جان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با خوردن و نوشیدن زیاد، دل ها را نمیرانید؛ چرا که دل ها می میرند، همچنان که زراعت، هر گاه زیاد آب خورد، از بین می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از زیاد خوردن پرهیزید؛ زیرا زیاد خوردن، نشان قساوت را بر دل می نهد، اندام ها را در اطاعت و عبادت، گُند می کند، و گوش دل را از نیوشیدن پند، گُر می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به خوردن و نوشیدن زیاد خو کند، دلش سخت می شود.

امام علی علیه السلام: زیاد خوردن و زیاد خوابیدن، جان را تباه می کند و زیان به بار می آورد.

4 / 4_3 حجاب زیرکیامام علی علیه السلام: هر که بیش از اندازه سیر شود، به انباشتگی معده دچار می گردد، و هر که به انباشتگی معده دچار گردد، این مانع زیرکی او می شود.

امام علی علیه السلام: با پرخوری، زیرکی در کار نیست.

عنه عليه السلام: البِطْنَةُ تَحْجُبُ الفِطْنَةَ . (1)

عنه عليه السلام: لا تَجْتَمِعُ الفِطْنَةُ وَالبِطْنَةُ . (2)

4 / 4 _ 4 ظَلَمَةُ القَلْبِ رسول الله صلى الله عليه وآله : لا تَشْبَعُوا فَيُطْفَأَ نُورُ المَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ . (3)

الإمام علي عليه السلام_ في الحِكْمِ المَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ : كَثْرَةُ الطَّعَامِ تُمِيتُ القَلْبَ ، كَمَا تُمِيتُ كَثْرَةُ المَاءِ الزَّرْعَ . (4)

عنه عليه السلام : إذا مَلِئَ البَطْنُ مِنَ المُبَاحِ عَمِيَ القَلْبُ عَنِ الصَّالِحِ . (5)

4 / 4 _ 5 فَسَادُ الأَحْلَامِ للإمام علي عليه السلام : إِيَّاكَ وَالبِطْنَةَ ؛ فَمَنْ لَزِمَهَا كَثُرَتْ أَسْقَامُهُ ، وَفَسَدَتْ أَحْلَامُهُ . (6)

عنه عليه السلام : المُسْتَقْبَلُ النَّائِمُ تَكْذِيبُهُ (7) أَحْلَامُهُ . (8)

-
- 1- .. غرر الحكم : ج 1 ص 172 ح 652 و ص 94 ح 345 وفيه «تمنع» بدل «تحجب»، عيون الحكم والمواعظ : ص 39 ح 875 .
 - 2- .. غرر الحكم : ج 6 ص 572 ح 10572 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 533 ح 9737 .
 - 3- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 320 ح 1026 ، جامع الأخبار : ص 515 ح 1452 ، روضة الواعظين : ص 500 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 331 ح 7 ؛ الفردوس : ج 4 ص 247 ح 6730 عن أبي هريرة وفيه «الحكمة» بدل «المعرفة» .
 - 4- .. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 325 ح 723 .
 - 5- .. غرر الحكم : ج 3 ص 176 ح 4139 .
 - 6- .. غرر الحكم : ج 2 ص 289 ح 2639 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 96 ح 2212 .
 - 7- .. يقال : كَذَبَنِي فلان : أي لم يَصْدُقْنِي فقالَ لي الكَذِبَ (لسان العرب : ج 1 ص 706 «كذب») . وفي طبعة النجف من المصدر : «تكذب» بدل «تكذبه» .
 - 8- .. غرر الحكم : ج 1 ص 361 ح 1371 .

4 / 4 - 4 تاریکی دل

4 / 4 - 5 آشفتگی خواب ها

امام علی علیه السلام: پرخوری، مانع زیرکی می شود.

امام علی علیه السلام: زیرکی و پرخوری، با هم جمع نمی شوند.

4 / 4 - 4 تاریکی دلپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: معده هایتان را از غذا سیر نکنید که نور معرفت در دل هایتان خاموش می شود.

امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان: غذای زیاد، دل را می میراند، چنان که آب زیاد، زراعت را می میراند.

امام علی علیه السلام: هر گاه معده از [غذای] مباح پر شود، دل از [دیدن] صلاح و درستی کور می شود.

4 / 4 - 5 آشفتگی خواب ها امام علی علیه السلام: از پرخوری بپرهیز که هر کس پرخور شود، بیماری هایش فزون می گردد و خواب های آشفته می بیند.

امام علی علیه السلام: کسی که با معده سنگین بخوابد، خواب های دروغ می بیند.

4 / 4 _ 6 قِلَّةُ الْعِبَادَةِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَجْتَمِعُ (1) الشَّبَعُ وَالْقِيَامُ بِالْمُفْتَرَضِ . (2)

عنه عليه السلام : لَا تَطْمَعُ فِي ثَلَاثَةٍ مَعَ ثَلَاثَةٍ : فِي سَهْرِ اللَّيْلِ مَعَ كَثْرَةِ الْأَكْلِ ، وَفِي نُورِ الْوَجْهِ مَعَ نَوْمِ أَجْمَعِ اللَّيْلِ ، وَفِي الْأَمَانِ مِنَ الدُّنْيَا مَعَ صُحْبَةِ الْفُسَّاقِ . (3)

المحاسن عن حفص بن غياث : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ظَهَرَ إِبْلِيسُ لِيَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَإِذَا عَلَيْهِ مَعَالِيْقُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، فَقَالَ لَهُ يَحْيَى : مَا هَذِهِ الْمَعَالِيْقُ يَا إِبْلِيسُ؟ فَقَالَ : هَذِهِ الشَّهَوَاتُ الَّتِي أَصَدَّبْتُهَا مِنْ ابْنِ آدَمَ . قَالَ : فَهَلْ لِي مِنْهَا شَيْءٌ؟ قَالَ : رُبَّمَا شَبِعْتَ فَتَقَلَّتْكَ عَنِ الصَّلَاةِ وَالذِّكْرِ . قَالَ يَحْيَى : لِلَّهِ عَلَيَّ إِلَّا أَمَلًا بَطْنِي مِنْ طَعَامِ أَبَدًا . وَقَالَ إِبْلِيسُ : لِلَّهِ عَلَيَّ إِلَّا أَنْصَحَ مُسْلِمًا أَبَدًا . ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا حَفْصُ ، لِلَّهِ عَلَى جَعْفَرٍ وَآلِ جَعْفَرٍ إِلَّا يَمْلَأُؤُوا بَطُونَهُمْ مِنْ طَعَامِ أَبَدًا ، وَلِلَّهِ عَلَى جَعْفَرٍ وَآلِ جَعْفَرٍ إِلَّا يَعْمَلُوا لِلدُّنْيَا أَبَدًا . (4)

عيسى عليه السلام : يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ، لَا تُكثِرُوا الْأَكْلَ ؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَكثَرَ الْأَكْلَ أَكثَرَ النَّوْمَ ، وَمَنْ أَكثَرَ النَّوْمَ أَقَلَّ الصَّلَاةَ ، وَمَنْ أَقَلَّ الصَّلَاةَ كُتِبَ مِنَ الْغَافِلِينَ . (5)

- 1- .. في الطبعة المعتمدة : «لا تجتمع» ، والتصويب من طبعة بيروت وطهران .
- 2- .. غرر الحكم : ج 6 ص 369 ح 10568 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 533 ح 9740 .
- 3- .. مستدرک الوسائل : ج 6 ص 340 ح 6955 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .
- 4- .. المحاسن : ج 2 ص 222 ح 1667 ، جامع الأخبار : ص 515 ح 1454 من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه ذيله من «ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ...» ، بحار الأنوار : ج 63 ص 216 ح 52 ؛ مسند ابن الجعد : ص 210 ح 1386 ، تاريخ دمشق : ج 64 ص 204 كلاهما عن ثابت البناني من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه وليس فيهما ذيله .
- 5- .. ربيع الأبرار : ج 2 ص 673 ، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 19 ص 188 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 47 .

4 / 4 - 6 کم شدن عبادت

4 / 4_ 6 کم شدن عبادت امام علی علیه السلام: سیری و انجام دادن فرایض ، با هم جمع نمی شوند .

امام علی علیه السلام: با وجود سه چیز ، به سه چیز چشم مدار: با وجود پر خوری به شب زنده داری ، با وجود همه شب را خوابیدن به نورانیت چهره ، و با وجود همنشینی با فاسقان به در امان بودن از دنیا .

المحاسن_ به نقل از حفص بن غیاث _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «ابلیس بر یحیی بن زکریا علیه السلام آشکار شد . دید انواع آویزها بر او آویخته است . یحیی به او گفت : ای ابلیس! این آویزها چیست؟ گفت : اینها همان خواهش هایی (هوس هایی) است که فرزند آدم را با آنها به چنگ می اندازم . یحیی علیه السلام گفت : از آنها چیزی هم برای من هست؟ گفت : هر گاه از غذا سیر بخوری ، تو را برای نماز و ذکر ، سنگین و تبیل می کنم . یحیی گفت : سوگند به خدا که هرگز شکم خود را از غذا پر نخواهم کرد . ابلیس گفت : سوگند به خدا که زین پس ، هرگز مسلمانی را نصیحت نمی کنم» . امام صادق علیه السلام سپس فرمود : «ای حفص! سوگند به خدا که جعفر و خاندان جعفر ، هرگز شکم های خود را از غذا پر نخواهند کرد . سوگند به خدا که جعفر و خاندان جعفر ، هرگز برای دنیا کار نخواهند کرد» .

عیسی علیه السلام: ای بنی اسرائیل! زیاد نخورید که هر که زیاد خورد ، زیاد می خوابد و هر که زیاد بخوابد ، کم نماز می خواند و هر که کم نماز بخواند ، از غافلان نوشته می شود .

حلية الأولياء عن وهيب بن الورد: بَلَّغْنَا أَنَّ الْخَبِيثَ إِبْلِيسَ تَبَدَّى لِيَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ لَهُ : إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْصَحَكَ . فَقَالَ : كَذَبْتَ ، أَنْتَ لَا تَنْصَحُ حُنِي ، وَلَكِنْ أَخْبِرْنِي عَنْ بَنِي آدَمَ . فَقَالَ : هُمْ عِنْدَنَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ . أَمَّا صِنْفٌ مِنْهُمْ : فَهُمْ أَشَدُّ الْأَصْنَافِ عَلَيْنَا ، تُقْبَلُ حَتَّى نَفْتِنَهُ وَنَسْتَمَكِّنَ مِنْهُ ، ثُمَّ يَفْرَعُ إِلَى الْإِسْتِغْفَارِ وَالتَّوْبَةِ فَيُفْسِدُ عَلَيْنَا كُلَّ شَيْءٍ أَدْرَكْنَا مِنْهُ ، ثُمَّ نَعُودُ لَهُ فَيَعُودُ ، فَلَا نَحْنُ نِيَّاسٌ مِنْهُ ، وَلَا نَحْنُ نُدْرِكُ مِنْهُ حَاجَتَنَا ، فَنَحْنُ مِنْ ذَلِكَ فِي عَنَاءٍ . وَأَمَّا الصَّنْفُ الْآخَرُ : فَهُمْ فِي أَيْدِينَا بِمَنْزِلَةِ الْكُرَّةِ فِي أَيْدِي صَبِيَانِكُمْ ، نُلقِيهِمْ كَيْفَ شِئْنَا ، قَدْ كَفَوْنَا أَنْفُسَهُمْ . وَأَمَّا الصَّنْفُ الْآخَرُ : فَهُمْ مِثْلُكَ مَعْصُومُونَ لَا تَقْدِرُ مِنْهُمْ عَلَى شَيْءٍ . فَقَالَ لَهُ يَحْيَى : عَلَى ذَلِكَ ، هَلْ قَدَّرْتَ مِنِّي عَلَى شَيْءٍ؟ قَالَ : لَا ، إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً ؛ فَإِنَّكَ قَدَّمْتَ طَعَامًا تَأْكُلُهُ فَلَمْ أَزَلْ أَشْهِيهِ إِلَيْكَ حَتَّى أَكَلْتَ أَكْثَرَ مِمَّا تُرِيدُ ، فَنِمْتَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَلَمْ تُقَمْ إِلَى الصَّلَاةِ كَمَا كُنْتَ تَقُومُ إِلَيْهَا . قَالَ : فَقَالَ لَهُ يَحْيَى : لَا جَرَمَ ، لَا شَيْءَ مِنْ طَعَامٍ أَبَدًا حَتَّى أَمُوتَ . فَقَالَ لَهُ الْخَبِيثُ : لَا جَرَمَ ، لَا نَصَّحْتُ أَدَمِيًّا بَعْدَكَ .

(1)

1- .. حلية الأولياء : ج 8 ص 148 الرقم 406 ، تاريخ دمشق : ج 64 ص 205 ، حياة الحيوان : ج 1 ص 265 نحوه وليس فيه ذيله من «فقال له يحيى : على ذلك...» ؛ بحار الأنوار : ج 63 ص 265 ح 150 .

حلیة الأولیاء_ به نقل از وَهَب بن وَرْد_ : به ما رسیده است که ابلیس پلید ، بر یحیی بن زکریّا علیه السلام آشکار شد و بدو گفت : من می خواهم تو را نصیحت کنم . یحیی علیه السلام گفت : «دروغ می گویی . تو خیر خواه من نیستی ؛ اّمّا مرا از فرزندان آدم خبر ده» . ابلیس گفت : آنان در نزد ما بر سه دسته اند : دسته ای از آنان بیشترین زحمت را برای ما دارند . آنان را می فریبیم و بر آنان مسلّط می شویم ؛ اّمّا بلافاصله به استغفار و توبه پناه می برند و همه زحمات ما را تباہ می کنند . دوباره به سراغشان می رویم و دوباره آنها همان می کنند . بنا بر این ، نه از آنان ناامید می شویم و نه به مرادمان می رسیم . بدین جهت ، در رنج و زحمتیم . دسته دوم ، در دست ما به سان گویی هستند که در دست کودکان شماسست . هر گونه که بخواهیم ، آنها را به این سو و آن سو می افکنیم . اینها ، خود ، زحمت ما را کم کرده اند . دسته سوم ، مانند تو معصوم هستند و ما نمی توانیم با آنها کاری بکنیم . یحیی گفت : «به هر حال ، آیا تاکنون بر من چیره گشته ای؟» . گفت : نه ، بجز يك بار و آن هنگامی بود که مشغول خوردن غذایی شدی ، و من پیوسته آن را برایت لذیذ جلوه می دادم ، تا آن که بیش از اندازه ای که می خواستی ، خوردی و در نتیجه آن شب خوابیدی و بر خلاف شب های پیش ، برای نماز بر نخاستی . یحیی به او گفت : «زین پس ، تا زنده ام ، هرگز از غذایی ، سیر نخواهم خورد» . آن ناپاک به او گفت : من نیز زین پس ، هرگز آدمیزادی را نصیحت نخواهم کرد .

4 / 4 _ 7 البُعدُ مِنَ اللَّهِ عز و جرسول الله صلى الله عليه و آله :نورُ الحِكْمَةِ الجوعُ ، وَالتَّبَاعُدُ مِنَ اللَّهِ الشَّبَعُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَطْنٍ مَلَانٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أَبْغَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كُلُّ نَوْمٍ وَأَكُولٍ وَشَرِيبٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اللَّهَ عز و جل يُبْغِضُ الْآكِلَ فَوْقَ شَبِيعِهِ ، وَالْغَافِلَ عَن طَاعَةِ رَبِّهِ ، وَالتَّارِكُ سُنَّةَ نَبِيِّهِ ، وَالْمُخْفِرَ (4) ذِمَّتَهُ ، وَالْمُبْغِضَ عِتْرَةَ نَبِيِّهِ ، وَالْمُؤْذِيَّ حَيْرَانَهُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :جَاءَنِي جَبْرَيْلُ فِي سَاعَةٍ لَمْ يَكُنْ يَأْتِينِي فِيهَا ، وَفِي يَوْمٍ لَمْ يَكُنْ يَأْتِينِي فِيهِ ، فَقُلْتُ لَهُ : يَا جَبْرَيْلُ ، لَقَدْ جِئْتَنِي فِي سَاعَةٍ وَيَوْمٍ لَمْ تَكُنْ تَأْتِينِي فِيهِمَا ، لَقَدْ أَرَعَبْتَنِي؟ ! قَالَ : وَمَا يُرْوَعُكَ يَا مُحَمَّدٌ وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟ قَالَ : بِمَاذَا بَعَثَكَ رَبُّكَ؟ قَالَ : يَنْهَاكَ رَبُّكَ عَنِ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ ، وَشُرْبِ الْخُمُورِ ، وَمُلاحاةِ الرِّجَالِ ، وَأُخْرَى هِيَ لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى ، يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ : يَا مُحَمَّدُ ، مَا أَبْغَضْتُ وَعَاءً قَطُّ كَبْغِضِي بَطْنًا مَلَانًا . (6)

- 1- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 320 ح 1024 ، جامع الأخبار : ص 515 ح 1452 ، روضة الواعظين : ص 500 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 331 ح 7 ؛ الفردوس : ج 4 ص 247 ح 6730 عن أبي هريرة .
- 2- .. عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 36 ح 89 ، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص 109 ح 66 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 333 ح 14 .
- 3- .. تنبيه الخواطر : ج 1 ص 100 ؛ إتحاف السادة المتقين : ج 7 ص 387 نقلاً عن إحياء العلوم بزيادة «يوم القيامة» بعد «اللّه تعالى» .
- 4- .. أخفرتُ الرجل : إذا تقضتْ عهدَه وذمامه ، والهمزة فيه للإزالة ؛ أي أزلتُ خفارتَه (النهاية : ج 2 ص 52 «خفر»).
- 5- .. كنز العمال : ج 16 ص 87 ح 44029 نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة .
- 6- .. الأمالي للمفيد : ص 192 ح 21 عن أبي حفص العطار عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 338 ح 34 وراجع : المحاسن : ج 2 ص 232 ح 1708 .

4 / 4 - 7 دور شدن از خدا

4 / 4 _ 7 دور شدن از خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نور حکمت، در گرسنگی است 1 و دوری از خدا، در سیری .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نزد خداوند، چیزی منفورتر از شکم پر نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: منفورترین شما در نزد خدای متعال، هر پر خواب و پر خور و پر نوش است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل کسی را که از روی سیری بخورد، و کسی را که از طاعت پروردگارش غافل باشد، و کسی را که سنت پیامبرش را واگذارد، و کسی را که عهدشکن باشد، و کسی را که به عترت پیامبرش بغض ورزد، و کسی را که همسایه اش را بیازارد، دشمن می دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل در ساعت و روزی به نزد من آمد که در چنان ساعت و روزی به نزد من نمی آمد . به او گفتم: «ای جبرئیل! در ساعت و روزی به نزد من آمده ای که سابقه نداشته است به نزد من بیایی . مرا به وحشت انداختی!» . جبرئیل گفت: چرا باید وحشت کنی _ ای محمد _ ، در حالی که خداوند، گناهان گذشته و آینده تو را آمرزیده است؟ گفتم: «چه پیغامی از جانب پروردگارت آورده ای؟» . گفت: پروردگارت تو را از بت پرستی و شرابخواری و ستیزه گری با مردم نهی می کند، و یک چیز دیگر که به سود دنیا و آخرت است، این است که پروردگارت به تو می فرماید: ای محمد! من هرگز از هیچ طرفی به اندازه شکم پر، نفرت نداشته ام .

عنه صلى الله عليه وآله: كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ الْأَكْلُ مِنْ غَيْرِ جَوْعٍ، وَالنَّوْمُ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ يَسْتَوْجِبُونَ الْمَقْتَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى: الْأَكْلُ مِنْ غَيْرِ جَوْعٍ، وَالنَّوْمُ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ، وَالضُّحْكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَطْنٍ مَمْلُوءٍ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ كَثْرَةَ الْأَكْلِ. (4)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْبَطْنَ لَيَطْغَى مِنْ أَكْلِهِ، وَأَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ، وَأَبْغَضُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ. (5)

عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ فِيهِنَّ الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ، وَضِحْكٌ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، وَأَكْلٌ عَلَى الشَّبَعِ. (6)

-
- 1- .. الفردوس : ج 3 ص 306 ح 4920 عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج 16 ص 80 ح 44011 ؛ مسكن الفؤاد : ص 99 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله .
- 2- .. كنز العمال : ج 16 ص 59 ح 43932 نقلاً عن الديلمي عن أنس .
- 3- .. الكافي : ج 6 ص 270 ح 11 ، المحاسن : ج 2 ص 232 ح 1709 كلاهما عن أبي الجارود ، جامع الأحاديث للقمي (الغايات) : ص 201 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 331 ح 5 ؛ الفردوس : ج 3 ص 385 ح 5175 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه .
- 4- .. الكافي : ج 6 ص 269 ح 9 ، المحاسن : ج 2 ص 231 ح 1703 كلاهما عن صالح النيلي ، الدعوات : ص 139 ح 347 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 335 ح 21 .
- 5- .. الكافي : ج 6 ص 269 ح 4 ، المحاسن : ج 2 ص 231 ح 1707 وفيه «جاف» بدل «خف» وكلاهما عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 6 ص 336 ح 25 وراجع : جامع الأحاديث للقمي (الغايات) : ص 199 .
- 6- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 503 ح 1444 ، الخصال : ص 89 ح 25 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 332 ح 9 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : غذا خوردن بدون گرسنگی و خوابیدن [در روز] بدون شب زنده داری ، به شدت منفور خداوند است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز ، مستوجب دشمنی و نفرت خداوند متعال می شود : خوردن بدون گرسنگی ، خوابیدن بدون شب زنده داری ، و خندیدن بدون تعجب .

امام باقر علیه السلام : هیچ چیزی نزد خداوند عز و جل ، منفورتر از شکم پر نیست .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل پر خوری را دشمن می دارد .

امام صادق علیه السلام : شکم ، از خوردن طغیان می کند ، و بنده آن گاه به خداوند عز و جل نزدیک تر است که معده اش سبک باشد ، و زمانی در نزد خداوند عز و جل منفورتر است که معده اش پر باشد .

امام صادق علیه السلام : سه چیز ، مورد خشم و نفرت خداوند عز و جل است : خوابیدن بدون شب زنده داری ، خندیدن بدون تعجب (موجبات خنده) ، و خوردن از روی سیری .

الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْبَطْنَ الَّذِي لَا يَشْبَعُ. (1)

4 / 4 _ 8 جوع يوم القيامة رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا، أَطْوَلُهُمْ جوعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (2)

الكافي عن أبي ذر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَطْوَلُكُمْ جُشَاءً» (3) فِي الدُّنْيَا، أَطْوَلُكُمْ جوعاً فِي الآخِرَةِ» أَوْ قَالَ: «يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

(4)

الإمام علي عليه السلام: أتى أبو جحيفة النبي صلى الله عليه وآله وهو يتجشأ، فقال: أكف جشائك؛ فإن أكثر الناس في الدنيا شبعاً أكثرهم جوعاً يوم القيامة! قال: فما ملأ أبو جحيفة بطنه من طعام حتى لحق بالله. (5)

الأمالي عن عطية بن عامر الجهني: سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَقَدْ أَكْرَهَ عَلَى طَعَامٍ، فَقَالَ: حَسْبِي، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا أَكْثَرُهُمْ جوعاً فِي الآخِرَةِ، يَا سَلْمَانُ، الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ. (6)

1- .. المحاسن: ج 2 ص 231 ح 1706، بحار الأنوار: ج 66 ص 336 ح 24.

2- .. سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1112 ح 3351، المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 699 ح 6545 كلاهما عن سلمان، سنن الترمذي: ج 4 ص 649 ح 2478 عن ابن عمر وكلها نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 198 ح 6155؛ الأمالي للطوسي: ص 346 ح 715 عن سلمان، المحاسن: ج 2 ص 234 ح 1716 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 333 ح 13.

3- .. الجشأ: صوت مع ریح يحصل من الفم عند حصول الشبع (المصباح المنير: ص 102 «جشأ»).

4- .. الكافي: ج 6 ص 269 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 92 ح 395 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عن أبي ذر، المحاسن: ج 2 ص 233 ح 1715 عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن أبي ذر، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 315 ح 1009 نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 339 ح 3.

5- .. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 38 ح 113، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 232 ح 130 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين: ص 500 ليس فيه ذيله من «فما ملأ...»، بحار الأنوار: ج 66 ص 332 ح 12؛ المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 135 ح 7140، شعب الإيمان: ج 5 ص 26 ح 5643، التاريخ الكبير (كتاب الكنى): ج 8 ص 31 ح 269، المعجم الكبير: ج 22 ص 127 ح 327 كلها نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 200 ح 6162.

6- .. الأمالي للطوسي: ص 346 ح 715، بحار الأنوار: ج 66 ص 333 ح 13؛ المعجم الكبير: ج 6 ص 236 ح 6087 عن زيد بن وهب وص 269 ح 6183 عن عامر بن عطية، شعب الإيمان: ج 5 ص 27 ح 5645 عن عقبه بن عامر وكلها نحوه، حلية الأولياء: ج 1 ص 198 الرقم 34 وفيه «أطولهم» بدل «أكثرهم»، كنز العمال: ج 13 ص 424 ح 37126.

4 / 4 - 8 گرسنگی روز قیامت

امام کاظم علیه السلام: خداوند، شکمی را که سیر نمی شود، دشمن می دارد.

4 / 4 - 8 گرسنگی روز قیامت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سیرترین مردم در دنیا، گرسنه ترین آنان در روز قیامت است.

الکافی_ به نقل از ابو ذر_: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر يك از شما که در دنیا آروغ هایش طولانی تر باشد، در آخرت، گرسنگی اش طولانی تر خواهد بود» یا فرمود: «در روز قیامت».

امام علی علیه السلام: ابو جَحِيفَه خدمت پیامبر خدا آمد و آروغ می زد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «جلوی آروغت را بگیر (کمتر بخور)؛ زیرا آنان که در دنیا سیرتر می خورند، در روز قیامت، گرسنه ترند». از آن پس، ابو جحیفه تا زنده بود، از هیچ غذایی سیر نخورد.

الأمالی، طوسی_ به نقل از عطیة بن عامر جُهَنی _: از سلمان فارسی که با اصرار از او می خواستند [بیشتر] غذا بخورد، شنیدم که گفت: بس است. از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «سیرترین مردم در دنیا، گرسنه ترین آنان در آخرت است. ای سلمان! دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است».

الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا يَتَجَشَّأُ ، فَقَالَ : يَا عَبْدَ اللَّهِ قَصِّرْ مِنْ جُشَائِكَ ، فَإِنَّ أَطْوَلَ النَّاسِ جُوعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا! (1)

5 / 4 جوامع مضاير البطنة رسول الله صلى الله عليه وآله: إياكم والبطنة؛ فإنها مفسدة للبدن، ومورثة للسقم، ومكسلة للعبادة. (2)

الإمام علي عليه السلام: إياكم والبطنة؛ فإنها مفسدة للقلب، مكسلة عن الصلاة، مفسدة للجسد. (3)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبة إليه: مَنْ شَبِعَ عَوْقَبَ فِي الْحَالِ ثَلَاثَ عُقُوبَاتٍ: يُلْقَى الْغِطَاءَ عَلَى قَلْبِهِ، وَالتُّعَاسُ عَلَى عَيْنِهِ، وَالْكَسَلُ عَلَى بَدَنِهِ. (4)

لقمان عليه السلام في وصيته لولده: يَا بُنَيَّ، إِذَا امْتَلَأَتِ الْمَعِدَةُ نَامَتِ الْفِكْرَةُ، وَخَرَسَتِ الْحِكْمَةُ، وَقَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ. (5)

-
- 1- .. المحاسن: ج 2 ص 234 ح 1716 عن السكوني، بحار الأنوار: ج 66 ص 339 ح 2.
 - 2- .. الدعوات: ص 74 ح 172، بحار الأنوار: ج 66 ص 338 ح 35.
 - 3- .. غرر الحكم: ج 2 ص 324 ح 2742، عيون الحكم والمواعظ: ص 101 ح 2305.
 - 4- .. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 320 ح 674.
 - 5- .. تنبيه الخواطر: ج 1 ص 102، جامع الأخبار: ص 516 ح 1456؛ الشفا: ج 1 ص 86.

4 / 5 کلیات زیان های پرخوری

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا شنید که مردی آروغ می زند. فرمود: «ای بنده خدا! آرام تر آروغ بزن؛ زیرا گرسنه ترین مردم در روز قیامت، سیرترین آنان در دنیا است».

4 / 5 کلیات زیان های پرخوری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از پرخوری بپرهیزید؛ چرا که مایه تباهی بدن و باعث بیماری ها و موجب سستی در عبادت می شود.

امام علی علیه السلام: از پرخوری بپرهیزید؛ چرا که موجب قساوت دل، سستی در نماز و تباهی بدن می شود.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: هر که سیر خورد، در دم به سه کیفر مجازات می شود: بر دلش پرده می افتد، خواب بر چشمانش غلبه می کند، و سستی بر بدنش چیره می گردد.

لقمان علیه السلام در سفارش به فرزندش: فرزندانم! هر گاه معده پر شود، اندیشه می خوابد و خرد گنگ می شود و اندام ها از عبادت باز می ایستند.

مصباح الشريعة_ فيما نسبهُ إلى الإمام الصادق عليه السلام_ : كَثْرَةُ النَّوْمِ يَتَوَلَّدُ مِنْ كَثْرَةِ الشُّرْبِ ، وَكَثْرَةُ الشُّرْبِ مِنْ كَثْرَةِ الشَّبَعِ ؛ وَهُمَا يُتَقْلَانِ النَّفْسَ عَنِ الطَّاعَةِ ، وَيُقْسِيَانِ الْقَلْبَ عَنِ التَّقْوَرِ وَالْخُضُوعِ . (1)

مصباح الشريعة_ أيضا_ : لَيْسَ شَيْءٌ أَضَرَّ عَلَى قَلْبِ الْمُؤْمِنِ مِنْ كَثْرَةِ الْأَكْلِ ، وَهِيَ مَوْرَثَةٌ لِشَيْئَيْنِ : فَسْوَةُ الْقَلْبِ ، وَهَيْجَانِ الشَّهْوَةِ . (2)

4 / 6 مَضَارُّ الْأَكْلِ عَلَى الشَّبَعِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْأَكْلُ عَلَى الشَّبَعِ ؛ يُوْرَثُ الْبِرْصَ (3) . (4)

الدَّعَوَاتُ : رُؤْيَى : الدَّاءُ الدَّوِيُّ (5) إِدْخَالَ الطَّعَامِ عَلَى الطَّعَامِ . (6)

راجع : ص 478 (الأكل / الفصل السادس / ما لا ينبغي فعله عند تناول / الأكل على الشبع) .

1- .. مصباح الشريعة : ص 253 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 189 ح 18 .

2- .. مصباح الشريعة : ص 239 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 337 ح 33 .

3- .. البرص : بياض يظهر في ظاهر البدن (القاموس المحيط : ج 2 ص 295 «برص»).

4- .. الأماي للصدوق : ص 636 ح 854 عن عبد الحميد بن عواض الطائي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الكافي : ج 6 ص 269 ح 7 ، تهذيب الأحكام : ج 9 ص 93 ح 399 ، المحاسن : ج 2 ص 232 ح 1710 كلَّها عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 331 ح 8 .

5- .. الدَّاءُ الدَّوِيُّ : الَّذِي عَسَرَ عِلاَجَهُ وَأَعْيَا الْأَطْبَاءَ . . . فالتوصيف للمبالغة ، كليل أليل ، ويوم أيوم (بحار الأنوار : ج 66 ص 190).

6- .. الدعوات : ص 81 ح 202 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 269 ح 59 .

4 / 6 زیان های خوردن در حال سیری

مصباح الشریعة_ در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است _ : پُرخوایی از پُرنوشتی زاده می شود ، و پرنوشتی از پرخوری ، و این دو ، جان را در طاعت سنگین می کنند و دل را از اندیشیدن و خضوع باز می دارند .

مصباح الشریعة_ در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است _ : هیچ چیز برای دل مؤمن ، زیانبارتر از پرخوری ، نیست . پرخوری ، دو چیز پدید می آورد : سختی دل و انگیختگی شهوت .

4 / 6 زیان های خوردن در حال سیری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوردن از روی سیری ، پیسی می آورد .

الدعوات : روایت شده است که درد بی درمان ، عبارت است از : وارد کردن غذا روی غذا .

ر.ك : ص 479 (غذا خوردن / فصل ششم / کارهایی که هنگام غذا خوردن ، نباید انجام داد / خوردن از روی سیری)

الفصل الخامس : أفضل الأطعمة 5 / 1 ما كَانَ مِنَ كَدِّ الْيَدِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا أَكَلَ الْعَبْدُ طَعَامًا أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ كَدِّ يَدِهِ .
وَمَنْ بَاتَ كَالًّا (1) مِنْ عَمَلِهِ بَاتَ مَغْفُورًا لَهُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله : ما أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ .
(3)

عنه صلى الله عليه وآله : ما أَكَلَ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَامًا فِي الدُّنْيَا خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدَيْهِ. (4)

1- .. كَلَّ الرَّجُلُ : إِذَا تَعَبَ (لسان العرب : ج 11 ص 594 «كلل»).

2- .. تاريخ دمشق : ج 14 ص 10 ح 3351 ، سير أعلام النبلاء : ج 14 ص 500 الرقم 282 وليس فيه صدره وكلاهما عن المقدم بن معديكرب ، كنز العمال : ج 4 ص 9 ح 9228؛ الأماشي للصدوق : ص 364 ح 452 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، بحار الأنوار : ج 103 ص 2 ح 1.

3- .. صحيح البخاري : ج 2 ص 730 ح 1966 ، السنن الكبرى : ج 6 ص 209 ح 11691 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 267 ح 631 كلَّها عن المقدم بن معديكرب ، كنز العمال : ج 4 ص 8 ح 9223.

4- .. مسند ابن حنبل : ج 6 ص 94 ح 17190 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 268 ح 632 كلاهما عن المقدم بن معديكرب .

فصل پنجم: بهترین غذاها

5 / 1 غذایی که از دست رنج باشد

فصل پنجم: بهترین غذاها 5 / 1 غذایی که از دست رنج باشد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده هیچ غذایی نخورده است که نزد خداوند ، محبوب تر از دست رنج او باشد ، و هر کس شب را با غذایی که از عمل خویش به دست آورده است ، به سر برد ، آن شب را در حالی به سر برده که آمرزیده شده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس هرگز غذایی بهتر از دست رنج خویش نخورده است . [حتی] پیامبر خدا ، داوود علیه السلام ، از دست رنج خویش می خورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ يك از شما در دنیا غذایی بهتر از دست رنج خویش نخورده است .

مجمع البيان_ في خَبَرِ الْحَوَارِيِّينَ _ رُوِيَ أَنَّهُمْ اتَّبَعُوا عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ... قَالُوا : يَا رُوحَ اللَّهِ ، مَنْ أَفْضَلُ مِنَّا؟! إِذَا شِئْنَا أَطَعَمْتَنَا ، وَإِذَا شِئْنَا سَقَيْتَنَا ، وَقَدْ آمَنَّا بِكَ وَاتَّبَعْنَاكَ (1) . قَالَ : أَفْضَلُ مِنْكُمْ مَنْ يَعْمَلُ بِيَدِهِ ، وَيَأْكُلُ مِنْ كَسْبِهِ . فَصَارُوا يَغْسِلُونَ الثِّيَابَ بِالْكَرَاءِ . (2)

2 / 5 ما يَشْتَهِيهِ الْأَهْلُوسُ الرَّسُولَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ ، وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ . (3)

3 / 5 ما لَمْ يَكُنْ مُؤَدِّيًا السَّيْرَةَ النَّبَوِيَّةَ لِابْنِ هِشَامٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ : كُنَّا نَصْنَعُ لَهُ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] الْعِشَاءَ ثُمَّ نَبْعَثُ بِهِ إِلَيْهِ ، فَإِذَا رَدَّ عَلَيْنَا فَضْلَهُ تَيَمَّمْتُ (4) أَنَا وَأُمُّ أَيُّوبَ مَوْضِعَ يَدِهِ ، فَأَكَلْنَا مِنْهُ؛ نَبْتَعِي بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ ، حَتَّى بَعَثْنَا إِلَيْهِ لَيْلَةً بَعَثَانِيهِ وَقَدْ جَعَلْنَا لَهُ بَصَلًا أَوْ ثُومًا ، فَرَدَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَلَمْ أَرِ لِيَدِهِ فِيهِ أَثَرًا . قَالَ : فَجِئْتُهُ فَرِيعًا ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي رَدَدْتَ عِشَاءَكَ وَلَمْ أَرِ فِيهِ مَوْضِعَ يَدِكَ ، وَكُنْتُ إِذْ رَدَدْتَهُ عَلَيْنَا تَيَمَّمْتُ أَنَا وَأُمُّ أَيُّوبَ مَوْضِعَ يَدِكَ ؛ نَبْتَعِي بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ! قَالَ : إِنِّي وَجَدْتُ فِيهِ رِيحَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ ، وَأَنَا رَجُلٌ أُنَاجِي ، فَأَمَّا أَنْتُمْ فَكُلُوهُ . قَالَ : فَأَكَلْنَاهُ وَلَمْ نَصْنَعْ لَهُ تِلْكَ الشَّجَرَةَ بَعْدُ . (5)

1- .. في المصدر : «واتبعنا» ، والتصويب من بحار الأنوار .

2- .. مجمع البيان : ج 2 ص 757 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 276 .

3- .. الكافي : ج 4 ص 12 ح 6 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، طب النبي صلى الله عليه وآله : ص 3 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 291؛ الفردوس : ج 1 ص 191 ح 716 عن أبي أمامة ، كنز العمال : ج 1 ص 156 ح 779 .

4- .. يقال : يَمَّمْتُهُ وَتَيَمَّمْتُهُ؛ إِذَا قَصَدْتَهُ ، وَأَصْلُهُ التَّعَمُّدُ وَالتَّوَخُّي (النهاية : ج 5 ص 300 «يمم»).

5- .. السيرة النبوية لابن هشام : ج 2 ص 144 ، سنن الترمذي : ج 4 ص 261 ح 1807 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 423 ح 20952 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 521 ح 5938 کلها عن جابر بن سمرة ، المعجم الكبير : ج 4 ص 120 ح 3855 کلها نحوه ، كنز العمال : ج 15 ص 442 ح 41754 وراجع : سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1116 ح 3364 .

5 / 2 غذایی که مطابق میل خانواده باشد**5 / 3 غذایی که آزار دهنده نباشد**

مجمع البیان در خبر حواریان _ روایت شده است که حواریان در پی عیسی علیه السلام روان شدند ... و گفتند: ای روح الله! از ما برتر کیست؟! هر گاه بخواهیم، تو به ما غذا می دهی و هر گاه بخواهیم، آب می دهی، و به تو ایمان آورده ایم و پیرو تو هستیم. عیسی علیه السلام فرمود: «از شما برتر، کسی است که با دست خود، کار می کند و از دست رنج خود می خورد». از آن پس، حواریان، لباس می شستند و مزد می گرفتند.

5 / 2 غذایی که مطابق میل خانواده باشد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن با میل خانواده اش می خورد و منافق، خانواده اش طبق میل او می خورند.

5 / 3 غذایی که آزار دهنده نباشد السیرة النبویة _ به نقل از ابو ایوب انصاری _ ما برای پیامبر خدا شام درست می کردیم و نزد ایشان می فرستادیم و هر گاه باقی مانده غذا را به ما بر می گرداند، من و امّ ایوب از جایی که دست ایشان خورده بود، به قصد تبرک می خوردیم. شبی شام ایشان را فرستادیم و پیاز یا سیر هم به آن زده بودیم. وقتی پیامبر خدا غذا را برگرداند، اثری از دست ایشان در آن ندیدیم. من با نگرانی نزد ایشان رفتم و گفتم: پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! شامتان را برگردانید و من جای دست شما را در آن ندیدم، در حالی که قبلاً وقتی بر می گردانید، من و امّ ایوب به قصد تبرک از محلّ دست شما می خوردیم! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دیدم بوی سیر می دهد، و من هم کسی هستم که [با پروردگارم یا فرشتگان] مناجات می کنم؛ (1) اما شما آن را بخورید». ما خود، آن غذا را خوردیم و از آن پس، دیگر برای ایشان از سیر، غذا تهیه نکردیم.

1- ممکن است کلمه «أناجی» در متن عربی، مجهول خوانده شود. در این صورت، مقصود حدیث، آن است که: مردم با من نجوا می کنند و در گوشی صحبت می نمایند و از این رو، ممکن است از بوی دهانم ناراحت شوند (م).

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ ثُومًا أَوْ بَصَلًا فَلْيَعْتَزِلْنَا، أَوْ لِيَعْتَزِلْ مَسْجِدَنَا. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذَا الطَّعَامِ فَلَا يَدْخُلُ مَسْجِدَنَا - يَعْنِي الثُّومَ - وَلَمْ يَقُلْ إِنَّهُ حَرَامٌ. (2)

سنن ابن ماجه عن جابر: إِنَّ نَفَرًا أَتَوْا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَجَدَ مِنْهُمْ رِيحَ الْكُرْثِ، فَقَالَ: أَلَمْ أَكُنْ نَهَيْتُكُمْ عَنْ أَكْلِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ! إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَى مِمَّا يَتَأَذَى مِنْهُ الْإِنْسَانُ. (3)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَكَلَ شَيْئًا مِنَ الْمُؤَذِيَاتِ رِيحُهَا فَلَا يَقْرُبَنَّ الْمَسْجِدَ. (4)

-
- 1- .. صحيح البخاري: ج 5 ص 2077 ح 5137، صحيح مسلم: ج 1 ص 394 ح 73، سنن أبي داود: ج 3 ص 360 ح 3822، السنن الكبرى: ج 3 ص 109 ح 5056 كلها عن جابر، كنز العمال: ج 15 ص 267 ح 40910.
- 2- .. تهذيب الأحكام: ج 9 ص 96 ح 418، المحاسن: ج 2 ص 331 ح 2132 كلاهما عن داود بن فرقد، بحار الأنوار: ج 66 ص 250 ح 13؛ صحيح البخاري: ج 5 ص 2076 ح 5136 عن أنس، صحيح مسلم: ج 1 ص 393 ح 68 عن ابن عمر، المعجم الكبير: ج 4 ص 91 ح 3748 عن خزيمه بن ثابت وكلها نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 271 ح 40936.
- 3- .. سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1116 ح 3365، سنن النسائي: ج 2 ص 43، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 169 ح 15018 كلاهما نحوه.
- 4- .. تهذيب الأحكام: ج 3 ص 255 ح 708 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الخصال: ص 630 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 10 ص 108 ح 1.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که سیر یا پیاز بخورد، باید از ما کناره بگیرد، یا از مسجد ما فاصله بگیرد.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر کس از این غذا (سیر) بخورد، وارد مسجد ما نشود» و فرمود حرام است.

سنن ابن ماجه_ به نقل از جابر_ عده ای نزد پیامبر خدا آمدند. دهانشان بوی تره می داد. فرمود: «مگر من شما را از خوردن این سبزی نهی نکردم! آنچه انسان را بیازارد، فرشتگان را نیز آزار می دهد».

امام علی علیه السلام: هر کس چیزی را که بویش آزار دهنده است، خورد، به مسجد نرود.

الكافي عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَكْلِ الثَّوْمِ، فَقَالَ: إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْهُ لِرِيحِهِ، فَقَالَ: «مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الْبَقْلَةَ الْخَبِيثَةَ، فَلَا يَقْرُبُ مَسْجِدَنَا». فَأَمَّا مَنْ أَكَلَهُ وَلَمْ يَأْتِ الْمَسْجِدَ فَلَا بَأْسَ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام - وَقَدْ سُئِلَ عَنْ أَكْلِ الثَّوْمِ وَالْبَصَلِ وَالْكُرْثِ - : لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ نِيًّا وَفِي الْقُدُورِ، وَلَا بَأْسَ بِأَنْ يُتَدَاوَى بِالثَّوْمِ، وَلَكِنْ إِذَا أَكَلَ ذَلِكَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَخْرُجْ إِلَى الْمَسْجِدِ. (2)

-
- 1- .. الكافي : ج 6 ص 374 ح 1، تهذيب الأحكام : ج 9 ص 96 ح 419، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 358 ح 4269، بحار الأنوار : ج 66 ص 247 ح 2؛ سنن أبي داود : ج 3 ص 361 ح 3824، صحيح ابن حبان : ج 4 ص 521 ح 1643 كلاهما عن حذيفة عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «من أكل هذه البقلة الخبيثة فلا يقربن مسجدنا - ثلاثا»، كنز العمال : ج 7 ص 496 ح 19947 .
- 2- .. الكافي : ج 6 ص 375 ح 2، تهذيب الأحكام : ج 9 ص 97 ح 420، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 358 ح 4268 كلها عن أبي بصير، دعائم الإسلام : ج 2 ص 112 ح 369 نحوه، بحار الأنوار : ج 66 ص 205 ح 23.

الكافی_ به نقل از محمد بن مسلم_ : از امام باقر علیه السلام در باره خوردن سیر پرسیدم . فرمود : «پیامبر خدا به خاطر بوی آن ، از خوردنش نهی کرد و فرمود : هر کس این سبزی بدبو را خورد ، به مسجد ما نزدیک نشود . بنا بر این ، اگر کسی سیر بخورد ، ولی به مسجد نرود ، اشکالی ندارد» .

امام صادق علیه السلام_ در پاسخ سؤالی در باره خوردن سیر و پیاز و تره_ : خوردن آنها ، خام یا پخته اش ، مانعی ندارد . همچنین مداوا کردن با سیر ، بلامانع است ؛ اما هر گاه فردی از شما اینها را خورد ، به مسجد نیاید .

الفصل السادس : آداب تناول الطعام أولاً : ما ينبغي رعايته قبل الأكل 6 / 1 ووضِعَ البَقْلُ عَلَى المَائِدَةِ رسول الله صلى الله عليه وآله : زَيْنُوا مَوَائِدَكُمْ بِالْبَقْلِ ؛ فَإِنَّهَا مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ مَعَ التَّسْمِيَةِ. (1)

الكافي عن حنان : كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى المَائِدَةِ ، فَمَالَ عَلَى البَقْلِ ، وَامْتَنَعْتُ أَنَا مِنْهُ ؛ لِعِلَّةٍ كَانَتْ بِي ، فَالْتَمَتُ إِلَيْهِ فَقَالَ : يَا حَنَّانُ ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُؤْتِ بِطَبَقٍ إِلَّا وَعَلَيْهِ بَقْلٌ ؟ قُلْتُ : وَلِمَ جُعِلْتُ فِدَاكَ ؟ فَقَالَ : لِأَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ خَضِرَةٌ (2) ، وَهِيَ تَحْنُ إِلَى أَشْكَالِهَا. (3)

- 1- .. طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : ص 11 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 382 ح 1278 وفيه «خضروا» بدل «زيتوا» من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 62 ص 300 ؛ تاريخ أصبهان : ج 2 ص 187 ح 1430 نحوه ، الفردوس : ج 2 ص 292 ح 3333 كلاهما عن أبي أمامة ، كنز العمال : ج 15 ص 246 ح 40781 .
- 2- .. قال العلامة المجلسي قدس سره : خَضِرَةٌ : أَي مَنْوَّرَةٌ بِنُورِ أَخْضَرَ ، فَتَمِيلُ إِلَى شَكْلِهَا ، أَوْ كِنَايَةٌ عَنْ كَوْنِهَا مَعْمُورَةٌ بِالْحِكْمِ وَالْمَعَارِفِ ، فَتَكُونُ لِتِلْكَ الخَضِرَةِ المَعْنَوِيَّةِ مَنَاسِبَةً لَهَا لَا نَعْرِفُ حَقِيقَتَهَا ، أَوْ المَعْنَى أَنَّ قُلُوبَهُمْ لَمَّا كَانَتْ مَعْمُورَةٌ بِمَزَارِعِ الحِكْمَةِ فَهِيَ تَمِيلُ إِلَى مَا كَانَتْ لَهُ جِهَةٌ حَسَنٌ وَنَفْعٌ ، وَهَذَا مِنْهُ (بحار الأنوار : ج 66 ص 200) .
- 3- .. الكافي : ج 6 ص 362 ح 2 ، المحاسن : ج 2 ص 309 ح 2031 بزيادة «ولا فطور» بعد «بطبق» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 199 ح 4 .

فصل ششم: آداب غذا خوردن

یکم . نکاتی که پیش از غذا خوردن باید رعایت شود

6 / 1 گذاشتن سبزیجات در سفره

فصل ششم: آداب غذا خوردنیکم . نکاتی که پیش از غذا خوردن باید رعایت شود 6 / 1 گذاشتن سبزیجات در سفرهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سفره هایتان را با سبزی ، زینت بخشید ؛ زیرا وجود سبزیجات به همراه ذکر نام خدا ، شیطان را می راند .

الکافی_ به نقل از حنان _ :من با امام صادق علیه السلام بر سر سفره بودم . ایشان از سبزیجات تناول می کرد ؛ ولی من به خاطر بیماری ای که داشتم ، سبزی نمی خوردم . امام علیه السلام رو به من کرد و فرمود : «ای حنان! مگر نمی دانی که هیچ گاه برای امیر مؤمنان علیه السلام سینی غذایی آورده نشد ، مگر این که در آن ، مقداری سبزی بود؟» . گفتم : فدایت شوم! چرا چنین بوده است؟ فرمود : «چون دل های مؤمنان ، سبز است (1) و به چیزهای هم رنگ خود ، گرایش دارد» .

1- .علامه مجلسی رحمه الله می گوید : یعنی منور به نوری سبزند و به همین جهت ، به مثل خود ، تمایل دارند . یا کنایه از این است که دل مؤمنان ، آباد به حکمت و معارف است و آن سبزی معنوی ، مناسب با این سبزی ظاهری است ؛ لیکن ما حقیقت این مناسبت را نمی دانیم . یا معنایش این است که دل های مؤمنان ، چون آباد به مزارع حکمت هستند ، به هر چیزی که جنبه حُسن و زیبایی و سودمندی دارد (از جمله به سبزی ها) ، گرایش دارند (بحار الأنوار : ج 66 ص 200) .

الإمام الصادق عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ، وَحَلِيَّةُ الْخِوَانِ (1) الْبَقْلُ. (2)

الكافي عن موفق المدني عن أبيه عن جدّه: بَعَثَ إِلَيَّ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فَاجْلَسَنِي لِلْغَدَاءِ، فَلَمَّا جَاءُوا بِالْمَائِدَةِ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا بَقْلٌ، فَأَمَسَكَ يَدَهُ، ثُمَّ قَالَ لِلْغُلَامِ: أَمَا عَلِمْتَ أَنِّي لَا أَكُلُ عَلَى مَائِدَةٍ لَيْسَ فِيهَا خُضْرَةٌ؟ فَاتَيْتَنِي بِالْخُضْرَةِ. قَالَ: فَذَهَبَ الْغُلَامُ فَجَاءَ بِالْبَقْلِ فَأَلْقَاهُ عَلَى الْمَائِدَةِ، فَمَدَّ يَدَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَئِذٍ وَأَكَلَ. (3)

2 / 6 غَسَلُ الْيَدَيْنِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ غَسَلَ يَدَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ عَاشَ فِي سَعَةٍ، وَعُوفِيَ مِنْ بَلْوَى فِي جَسَدِهِ. (4)

1- .. الْخِوَانُ: هُوَ مَا يُوَضَّعُ عَلَيْهِ الطَّعَامُ عِنْدَ الْأَكْلِ (النهاية: ج 2 ص 89 «خون»).

2- .. الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص 304 ح 606 عَنْ أَبِي قَتَادَةَ، مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: ج 1 ص 382 ح 1280، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 66 ص 199 ح 1

3- .. الْكَافِي: ج 6 ص 362 ح 1، الْمَحَاسِنُ: ج 2 ص 309 ح 2030، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 66 ص 425 ح 44.

4- .. كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه: ج 3 ص 358 ح 4265، الْكَافِي: ج 6 ص 290 ح 1 عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ: ج 9 ص 97 ح 423 عَنْ الْقَدَّاحِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الْمَحَاسِنُ: ج 2 ص 200 ح 1588 عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: ج 1 ص 301 ح 951 عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 66 ص 356 ح 16.

6 / 2 شستن دست ها

امام صادق علیه السلام: برای هر چیزی، زیوری است و زیور سفره ها، سبزی است.

الكافی_ به نقل از موفق مدینی، از پدرش، از جدّش _ روزی، ماضی علیه السلام (1) در پی من فرستاد و مرا برای نهار نگه داشت. چون سفره را آوردند، سبزی در آن نبود. ایشان از خوردن، خودداری کرد و به غلام فرمود: «مگر نمی دانی که من از سفره ای که در آن سبزی نباشد، نمی خورم؟ پس برایم سبزی بیاور». غلام رفت و سبزی آورد و در سفره گذاشت. در این هنگام، امام علیه السلام دست دراز کرد و به صرف غذا پرداخت.

6 / 2 شستن دست های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس قبل از غذا و بعد از آن، دست هایش را بشوید، پیوسته در گشایش، زندگی خواهد کرد و تنش سالم خواهد ماند.

1- مراد از ماضی (یعنی «متوفی»)، امام کاظم علیه السلام است. این اصطلاح به امام کاظم علیه السلام در برابر واقفی ها گفته شد؛ چرا که آنان معتقد به غیبت ایشان شدند و در ایشان توقّف کردند.

عنه صلى الله عليه وآله: الوُضوءُ (1) قَبْلَ الطَّعامِ يَنْفِي الفَقْرَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الوُضوءُ قَبْلَ الطَّعامِ حَسَنَةٌ، وَبَعْدَ الطَّعامِ حَسَنَتَانِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُكْثِرَ اللهُ خَيْرَ بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ إِذَا حَضَرَ غَدَاؤُهُ، وَإِذَا رُفِعَ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكْثُرَ خَيْرُ بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: طَهُورُ الطَّعامِ يَزِيدُ فِي الطَّعامِ، وَالذِّينِ، وَالرِّزْقِ. (6)

عنه صلى الله عليه وآله: لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَا عَلِيُّ، إِنَّ الوُضوءَ قَبْلَ الطَّعامِ وَبَعْدَهُ شِفَاءٌ فِي الجَسَدِ، وَيُمْنٌ (7) فِي الرِّزْقِ. (8)

عنه صلى الله عليه وآله: الوُضوءُ قَبْلَ الطَّعامِ وَبَعْدَهُ مِمَّا يَنْفِي الفَقْرَ، وَهُوَ مِنْ سُنَنِ المُرْسَلِينَ. (9)

1- .. المراد: غسل اليدين فقط (المصباح المنير: ص 663 «وضوء»).

2- .. مكارم الأخلاق: ج 1 ص 301 ح 950، الدعوات: ص 142 ح 364، بحار الأنوار: ج 66 ص 364 ح 42؛ مسند الشهاب: ج 1 ص 205 ح 310 عن سهل بن إبراهيم المروزي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله.

3- .. كنز العمال: ج 15 ص 242 ح 40760 نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن عائشة.

4- .. سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1085 ح 3260، ذيل تاريخ بغداد: ج 18 ص 42 ح 548 نحوه وكلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 15 ص 243 ح 40765؛ الأمالي للطوسي: ص 590 ح 1225 عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 302 ح 958، دعائم الإسلام: ج 1 ص 123 كلُّها نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 362 ح 38.

5- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 358 ح 4264، الكافي: ج 6 ص 290 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 200 ح 1586 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالي للطوسي: ص 590 ح 1225 عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله.

6- .. كنز العمال: ج 15 ص 243 ح 40764 نقلاً عن أبي الشيخ عن عبد الله بن جراد.

7- .. الثُّمُنُ: البركة، وضدّه الشُّؤْمُ (النهاية: ج 5 ص 302 «يمن»).

8- .. المحاسن: ج 2 ص 201 ح 1591 عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 356 ح 17.

9- .. المعجم الأوسط: ج 7 ص 164 ح 7166 عن ابن عبّاس، كنز العمال: ج 15 ص 242 ح 40761.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن دست ها پیش از غذا، فقر را از بین می برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن دست ها پیش از غذا، يك ثواب دارد و بعد از غذا دو ثواب .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دوست دارد که خداوند، خیر (برکت) خانه اش را زیاد کند، هنگام آوردن غذا و پس از جمع کردن آن، دست هایش را بشوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خوش حال می شود که خیر (برکت) خانه اش زیاد شود، هنگام حاضر شدن غذایش دست های خود را بشوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن دست ها در هنگام غذا خوردن، غذا و دین و روزی را می افزایش دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به علی علیه السلام: ای علی! شستن دست ها پیش از غذا و پس از آن، مایه بهبود تن و برکت در روزی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن دست ها پیش از غذا و بعد از آن، از چیزهایی است که فقر را می زداید و از آداب پیامبران است .

الإمام عليّ عليه السلام: غَسَلَ اليَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ زِيَادَةً فِي العُمُرِ ، وَإِمَاطَةً (1) لِلعَمَرِ (2) عَنِ الثِّيَابِ ، وَيَجْلُو البَصَرَ. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: الوُضوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ يَذْهَبَانِ بِالْفَقْرِ. (4)

المحاسن عن الجعفري (5) عن أبي الحسن [الكاظم أو الرضا] عليه السلام: المحاسن عن الجعفري (6) عن أبي الحسن [الكاظم أو

الرضا] عليه السلام: الوُضوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ يُثَبِّتُ النِّعْمَةَ. (7)

الكافي عن سليمان الجعفري: قَالَ أَبُو الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (8): زُبْمَا أُتِيَ بِالمَائِدَةِ فَأَرَادَ بَعْضُ القَوْمِ أَنْ يَغْسِلَ يَدَهُ ، فَيَقُولُ: مَنْ كَانَتْ يَدُهُ

نَظِيفَةً فَلَا بَأْسَ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَغْسِلَ يَدَهُ. (9)

نثر الدرّ في ذكر الإمام الرضا عليه السلام _ :إِمْتَنَعَ رَجُلٌ عِنْدَهُ عَن غَسْلِ اليَدِ قَبْلَ الطَّعَامِ ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِغْسِلْهَا ؛ فَالغَسْلَةُ الأُولَى لَنَا ،

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَلَكَ ، إِنْ شِئْتَ فَاتْرُكْهَا. 10

1- .. مَاطٌ : نَحَى وَأَبْعَدَ ، كَأَمَاطٍ (تاج العروس : ج 10 ص 423 «ميط»).

2- .. العَمَرُ : رِيح اللُّحْمِ ، وَمَا يَلْقَى بِاليَدِ مِنْ دَسْمِهِ (لسان العرب : ج 5 ص 32 «عمر»).

3- .. الكافي : ج 6 ص 290 ح 3 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : ص 612 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، المحاسن : ج 2 ص 201 ح 1589 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام وفيهما «الرزق» بدل «العمر» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 353 ح 6.

4- .. تهذيب الأحكام : ج 9 ص 98 ح 424 عن أبي حمزة ، المحاسن : ج 2 ص 201 ح 1592 عن الحسن بن محمد الحضرمي عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 303 ح 962 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 356 ح 18 .

5- .. هو سليمان بن جعفر ، من أصحاب الكاظم عليه السلام ، وأدرك الرضا عليه السلام (معجم رجال الحديث : ج 23 ص 76) .

6- .. المحاسن : ج 2 ص 200 ح 1587 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 356 ح 15.

7- .. قال العلامة المجلسي قدس سره : كَأَنَّهُ كَانَ فِي الرواية : «قال : كان أبو الحسن عليه السلام» (بحار الأنوار : ج 66 ص 359).

8- .. الكافي : ج 6 ص 298 ح 13 ، المحاسن : ج 2 ص 206 ح 1611 بزيادة «فلم يغسلها» بعد «نظيفة» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 359 ح 30.

9- .. نثر الدرّ : ج 1 ص 362 ، كشف الغمّة : ج 3 ص 97 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 349 ح 6.

امام علی علیه السلام: شستن دست ها قبل و بعد از غذا، عمر را زیاد می کند، از چرب شدن و بو گرفتن لباس ها جلوگیری می نماید، و نور چشم را زیاد می کند.

امام باقر علیه السلام: شستن دست ها پیش از غذا و پس از آن، فقر را از بین می برد.

المحاسن_ به نقل از جعفری، از امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام_ شستن دست ها قبل و بعد از غذا، نعمت را پایدار می دارد.

الکافی_ به نقل از سلیمان جعفری، در باره امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام_ هر گاه سفره می آوردند و فردی از حاضران می خواست دست هایش را بشوید، می فرمود: «هر کس دست هایش تمیز است، مانعی ندارد که بدون شستن آنها غذا بخورد».

نثر الدر_ در یادکرد از امام رضا علیه السلام_ مردی در حضور ایشان پیش از غذا دست هایش را نشست. امام علیه السلام فرمود: «دست هایت را بشوی. شستنِ اوّل، مالِ ماست و شستنِ دوم، مال خود توست و اگر خواستی، آن را ترك کن».

6 / 3 عَدَمُ التَّمَسُّحِ بِالْمِنْدِيلِ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا غَسَّ لَتَ يَدَكَ لِلطَّعَامِ فَلَا تَمْسَحْ بِدَكَ بِالْمِنْدِيلِ؛ فَإِنَّهُ لَا تَرَالُ الْبَرَكَةَ فِي الطَّعَامِ مَا دَامَتِ النَّدَاوَةُ فِي الْيَدِ. (1)

الكافي عن مرزم: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ [الكاظم] عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَضَّأَ قَبْلَ الطَّعَامِ لَمْ يَمْسَسِ الْمِنْدِيلَ، وَإِذَا تَوَضَّأَ بَعْدَ الطَّعَامِ مَسَّ الْمِنْدِيلَ. (2)

6 / 4 خَلَعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِخْلَعُوا نِعَالَكُمْ عِنْدَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ سُنَّةٌ جَمِيلَةٌ، وَأَرْوْحُ لِلْقَدَمَيْنِ. (3)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا قُرَّبَ لِأَحَدِكُمْ طَعَامُهُ وَفِي رِجْلَيْهِ نَعْلَانِ فَلْيَنْزِعْ نَعْلَيْهِ؛ فَإِنَّهُ أَرْوْحُ لِلْقَدَمَيْنِ، وَهُوَ مِنَ السُّنَّةِ. (4)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا وُضِعَ الطَّعَامُ فَاخْلَعُوا نِعَالَكُمْ؛ فَإِنَّهُ أَرْوْحُ لِأَقْدَامِكُمْ. (5)

1- .. الكافي: ج 6 ص 291 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 200 ح 1585، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 302 ح 953، بحار الأنوار: ج 66 ص 355 ح 13.

2- .. الكافي: ج 6 ص 291 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 98 ح 426، المحاسن: ج 2 ص 206 ح 1613، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 303 ح 964، بحار الأنوار: ج 66 ص 360 ح 32.

3- .. المحاسن: ج 2 ص 236 ح 1722 عن النوفلي، بحار الأنوار: ج 66 ص 419 ح 29؛ المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 395 ح 5496 وليس فيه «وأرواح للقدمين»، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 276 ح 461 نحوه وكلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 15 ص 235 ح 40725.

4- .. مسند أبي يعلى: ج 4 ص 179 ح 4172 عن أنس، كنز العمال: ج 15 ص 235 ح 40727.

5- .. سنن الدارمي: ج 1 ص 542 ح 2007، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 133 ح 7129 وفيه «أكلتم» بدل «وضع الطعام» و«لأبدانكم» بدل «لأقدامكم»، المعجم الأوسط: ج 3 ص 295 ح 3202 وفيه «أكلتم» بدل «وضع» وكلها عن أنس، كنز العمال: ج 15 ص 235 ح 40728؛ الأمالي للطوسي: ص 311 ح 632 عن أنس وفيه «أكلتم» بدل «وضع»، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 270 ح 817 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 416 ح 17.

6 / 3 خشك نكردن دست ها با هوله

6 / 4 در آوردن كفش از پا

3 / 6 خشك نكردن دست ها با هوله امام صادق عليه السلام: هر گاه دست هایت را برای غذا خوردن شستی ، آنها را با هوله خشك مكن ؛ زیرا تا زمانی كه رطوبت آن در دست است ، در غذا برکت است .

الكافی_ به نقل از مُرّام_ : من شاهد بوده ام كه هر گاه امام كاظم عليه السلام پیش از غذا دست هایش را می شست ، آنها را با هوله خشك نمی كرد ، و هر گاه بعد از غذا می شست ، با هوله خشك می كرد .

6 / 4 در آوردن كفش از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در هنگام غذا خوردن ، كفش هایتان را در آورید ؛ زیرا هم يك سنّت زیباست و هم پاها راحت ترند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه در برابر فردی از شما غذایش را نهادند ، اگر كفش به پا داشت ، آنها را در آورد ؛ زیرا این كار ، هم پاها را راحت تر می كند و هم از سنّت [و آداب غذا خوردن] است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه غذا را نهادند ، كفش هایتان را در آورید ؛ زیرا با این كار ، پاهایتان راحت تر می شوند .

- 6 / 5 التَّوَضُّعُ فِي الْجُلُوسِ عَلَى الْمَائِدَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ آكُلُ كَمَا يَأْكُلُ الْعَبْدُ، وَأَجْلِسُ كَمَا يَجْلِسُ الْعَبْدُ». (1)
- الإمام عليّ عليه السلام في وَصْفِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَلَقَدْ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ، وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ». (2)
- عنه عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَعَدَ عَلَى الْمَائِدَةِ يَقَعُدُ قَعْدَةَ الْعَبْدِ، وَكَانَ يَتَّكِي عَلَى فَخِذِهِ الْأَيْسَرِ. (3)
- الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ أَكَلَ الْعَبْدِ، وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَكَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ عَلَى الْحَضِيضِ (4)، وَيَنَامُ عَلَى الْحَضِيضِ. (5)
- الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ أَكَلَ الْعَبْدِ، وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَيَعْلَمُ أَنَّهُ عَبْدٌ. (6)

- 1- .. الزهد لابن حنبل: ص 11 عن الحسن، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 10 ص 415 ح 19543 عن أيّوب، الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص 53 ح 193، الطبقات الكبرى: ج 1 ص 381 وليس فيه «إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ» وكلاهما عن عائشة، كنز العمال: ج 15 ص 248 ح 40793؛ مكارم الأخلاق: ج 1 ص 69 ح 79.
- 2- .. نهج البلاغة: الخطبة 160، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 47 ح 4 عن ابن عبّاس من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 16 ص 285 ح 136.
- 3- .. مستدرک الوسائل: ج 16 ص 228 ح 19673 و ص 326 ح 20043 كلاهما نقلًا عن كتاب التعريف لمحمّد بن أحمد الصفواني.
- 4- .. قال العلامة المجلسي قدس سره: أي على الأرض من غير خِوان، ويحتمل أن يكون أكابر العرب يرفعون موائدهم ليسهل عليهم الأكل. قال في النهاية: الحَضِيضُ: قرار الأرض وأسفل الجبل (بحار الأنوار: ج 6 ص 413).
- 5- .. الكافي: ج 6 ص 271 ح 6، المحاسن: ج 2 ص 244 ح 1759 كلاهما عن جابر، بحار الأنوار: ج 6 ص 419 ح 32.
- 6- .. الكافي: ج 6 ص 271 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 93 ح 400 كلاهما عن هارون بن خارجة، المحاسن: ج 2 ص 244 ح 1758 عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 6 ص 419 ح 31.

6 / 5 متواضعانه نشستن بر سر سفره

اشاره

5 / 6 متواضعانه نشستن بر سر سفره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من ، در حقیقت ، يك بنده ام و مثل بنده غذا می خورم و مثل بنده می نشینم .

امام علی علیه السلام_ در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله _ :ایشان روی زمین غذا می خورد ، و بنده وار می نشست .

امام علی علیه السلام : پیامبر خدا هر گاه بر سر سفره می نشست ، به سان بنده می نشست و بر ران چپ خود ، تکیه می داد .

امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا بنده وار غذا می خورد و بنده وار می نشست ، و روی زمین غذا می خورد و روی زمین می خوابید .

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا مثل بنده غذا می خورد و مثل بنده می نشست و می دانست که يك بنده است .

عنه عليه السلام: مَرَّتْ امْرَأَةٌ بَدِيَّةً (1) بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَأْكُلُ، وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى الْحَضِيضِ، فَقَالَتْ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّكَ لَتَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ، وَتَجْلِسُ جُلُوسَهُ! فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي عَبْدٌ، وَأَيُّ عَبْدٍ أَعْبَدُ مِنِّي؟! قَالَتْ: فَنَاوِلْنِي لُقْمَةً مِنْ طَعَامِكَ. فَنَاوَلَهَا، فَقَالَتْ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا الَّذِي فِي فَيْكِ. فَأَخْرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّقْمَةَ مِنْ فِيهِ فَنَاوَلَهَا، فَأَكَلَتْهَا... فَمَا أَصَابَهَا بَدَاءٌ (2) حَتَّى فَارَقَتْ الدُّنْيَا. (3)

الزهد لابن حنبل عن الحسن: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أُتِيَ بِطَعَامٍ أَمَرَ بِهِ فَأُلْقِيَ عَلَى الْأَرْضِ. (4)

مسند أبي يعلى عن عائشة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: جَاءَنِي مَلَكٌ... فَقَالَ: إِنَّ رَبَّكَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، وَيَقُولُ لَكَ: إِنَّ شِئْتَ نَبِيًّا عَبْدًا، وَإِنْ شِئْتَ نَبِيًّا مَلِكًا؟ قَالَ: فَنَظَرْتُ إِلَى جِبْرِيلَ، قَالَ: فَأَشَارَ إِلَيَّ أَنْ صَعَّ نَفْسَكَ، قَالَ: فَقُلْتُ: نَبِيًّا عَبْدًا. فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ ذَلِكَ لَا يَأْكُلُ مَنَكِنًا، يَقُولُ: آكُلُ كَمَا يَأْكُلُ الْعَبْدُ، وَأَجْلِسُ كَمَا يَجْلِسُ الْعَبْدُ. (5)

دعائم الإسلام: كَانَ [صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] إِذَا أَكَلَ اسْتَوْفَزَ (6) عَلَى إِحْدَى رِجْلَيْهِ، وَاطْمَأَنَّ بِالْآخِرَى، وَيَقُولُ: أَجْلِسُ كَمَا يَجْلِسُ الْعَبْدُ، وَأَكُلُ كَمَا يَأْكُلُ الْعَبْدُ. (7)

1- .. البذاء: الفحش في القول. وفلان بذي اللسان (النهاية: ج 1 ص 111 «بذاء»).

2- .. في المحاسن ومكارم الأخلاق: «داء» بدل «بذاء».

3- .. الكافي: ج 6 ص 271 ح 2، الزهد للحسين بن سعيد: ص 11 ح 22، المحاسن: ج 2 ص 245 ح 1760 كلأها عن الحسن الصيقل، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 48 ح 11 وليس فيه «الحضيض»، بحار الأنوار: ج 66 ص 420 ح 33.

4- .. الزهد لابن حنبل: ص 11.

5- .. مسند أبي يعلى: ج 4 ص 442 ح 4899، الطبقات الكبرى: ج 1 ص 381، تاريخ دمشق: ج 4 ص 74 ح 892، كنز العمال: ج 15 ص 232 ح 40707.

6- .. استوفز في قعدته: إذا قعد قعوداً منتصباً غير مطمئن (الصحاح: ج 3 ص 901 «وفز»).

7- .. دعائم الإسلام: ج 2 ص 118 ح 396، بحار الأنوار: ج 66 ص 389 ح 25؛ المصنّف لعبد الرزّاق: ج 10 ص 415 ح 19543 عن أيوب نحوه.

امام صادق علیه السلام: روزی، پیامبر خدا روی زمین نشسته بود و غذا می خورد که زن بددهنی بر ایشان گذشت و گفت: ای محمد! تو مثل بنده می خوری و چون بنده می نشینی! پیامبر خدا به او فرمود: «من يك بنده هستم. کدام بنده، بنده تر از من است؟». زن گفت: پس، لقمه ای از غذایت را به من بده. پیامبر صلی الله علیه و آله لقمه ای به او داد. زن گفت: نه، لقمه ای را که در دهانت هست، به من بده. پیامبر خدا لقمه را از دهانش بیرون آورد و به او داد. زن آن را خورد... و از آن پس، تا زمانی که از دنیا رفت، دیگر بدزبانی از او سر نزد.

الزهدي، ابن حنبل— به نقل از حسن (1)—: پیامبر خدا هر گاه غذایی برایش می آوردند، می فرمود آن را روی زمین بگذارند.

مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى— به نقل از عایشه—: پیامبر خدا فرمود: «فرشته ای نزد من آمد... و گفت: پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید: می خواهی پیامبر و بنده باشی، یا پیامبر و شاه؟. من به جبرئیل نگاه کردم. به من اشاره کرد که: تواضع کن. پس گفتم: پیامبر و بنده». از آن پس، پیامبر خدا در حال تکیه دادن غذا نمی خورد و می فرمود: «من، بنده وار غذا می خورم و بنده وار می نشینم».

دعائم الإسلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه غذا می خورد، یکی از پاهایش را از زانو خم می کرد و روی پای دیگرش تکیه می داد (نیم خیز می نشست) و می فرمود: «من مثل بنده می نشینم و مثل بنده غذا می خورم».

الإمام عليّ عليه السلام: إذا جَلَسَ أَحَدُكُمْ عَلَى الطَّعَامِ فَلْيَجْلِسْ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَلَا يَضَعْ عَنِّ أَحَدُكُمْ إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى، وَلَا يَتَرَبَّعْ؛ فَإِنَّهَا جِلْسَةٌ يُبْغِضُهَا عَزُّ وَجَلُّ، وَيَمَقُّتُ صَاحِبَهَا. (1)

عنه عليه السلام: لِيَجْلِسَ أَحَدُكُمْ عَلَى طَعَامِهِ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَلْيَأْكُلْ عَلَى الْأَرْضِ. (2)

بيئستتبط من أحاديث هذا العنوان، استحباب التواضع في الجلوس حول المائدة، واجتناب طريقة المستكبرين، وعلى هذا، فالجلوس على الأرض ليس مقصوداً بنفسه، فمن الممكن أن يجلس أحد على الأرض لتناول الطعام بأسلوب متكبر، بينما يجلس آخر حول المنضدة ولكن بتواضع.

6 / 6 مؤاساة الناظر رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ وَذَوَعَيْنَيْنِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَلَمْ يُؤَاسِهِ ابْتُلِيَ بِدَاءٍ لَا دَوَاءَ لَهُ. (3)

-
- 1- .. الكافي: ج 6 ص 272 ح 10، المحاسن: ج 2 ص 225 ح 1678 كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 619 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول: ص 110، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 305 ح 967 كلاهما بزيادة «ولياًكل على الأرض» بعد «العبد»، بحار الأنوار: ج 66 ص 417 ح 21.
- 2- .. الخصال: ص 622 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المحاسن: ج 2 ص 225 ح 1679، بحار الأنوار: ج 66 ص 417 ح 21.
- 3- .. ربيع الأبرار: ج 2 ص 679؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 47.

6 / 6 شريك کردن نگاه کننده

امام علی علیه السلام: هر گاه یکی از شما به خوردن نشست، بنده وار بنشیند و هرگز يك پایش را روی پای دیگرش قرار ندهد و چهارزانو هم نشیند؛ زیرا خداوند، این گونه نشستن را دشمن می دارد و از کسی که چنان بنشیند، نفرت دارد.

امام علی علیه السلام: هر يك از شما باید در هنگام غذا خوردن، مانند بنده بنشیند و روی زمین غذا بخورد.

توضیح آنچه از احادیث این عنوان استنباط می شود، ستایش و استحباب فروتنی بر سر سفره و هنگام میل کردن غذا و اجتناب از شیوه غذا خوردن مستکبران است. بنا بر این، نشستن روی زمین، موضوعیت ندارد، و چه بسا ممکن است کسی روی زمین با تکبر غذا بخورد و دیگری بر سر میز، غذا میل کند، اما با فروتنی!

6 / 6 شريك کردن نگاه کننده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در حال خوردن باشد و کسی به او نگاه کند و چیزی از آن را به او ندهد، به دردی بی درمان مبتلا می گردد.

بحار الأنوار عن نجيج: رَأَيْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ وَيَبِينُ يَدَيْهِ كَلْبًا ، كَلَّمَا أَكَلَ لُقْمَةً طَرَحَ لِلْكَلبِ مِثْلَهَا ، فَقُلْتُ لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، أَلَا أَرَجُّمُ هَذَا كَلْبًا عَنْ طَعَامِكَ ؟ قَالَ : دَعُهُ ، إِنِّي لَأَسْتَحِي مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ ذُو رُوحٍ يَنْظُرُ فِي وَجْهِِي وَأَنَا أَكُلُ ثُمَّ لَا أُطْعِمُهُ.

(1)

6 / 7 التَّصَدُّقُ مِنْهَا لِإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيَانِ خُلُقِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ : كَانَ لَا يَأْكُلُ طَعَامًا حَتَّى يَبْدَأَ فَيَتَصَدَّقَ بِمِثْلِهِ.

(2)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ : . . . إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَّا تَأْكُلَ طَعَامًا حَتَّى تَبْدَأَ فَتَصَدَّقَ مِنْهُ فَافْعَلْ . (3)

سنن ابن ماجة عن عمر _ لَوْلَا دِهِ عَبْدُ اللَّهِ وَقَدْ صَنَعَ لَهُ لَحْمًا بِسَمِّهِ مِنْ _ : مَا اجْتَمَعَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَطُ إِلا أَكَلَ أَحَدُهُمَا وَتَصَدَّقَ بِالْآخِرِ . (4)

1- .. بحار الأنوار : ج 43 ص 352 ح 29 نقلاً عن بعض كتب المناقب المعتبرة .

2- .. الخصال : ص 518 ح 4 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 154 وفيه «به» بدل «بمثله» وكلاهما عن حمّاد بن أعين ، بحار الأنوار : ج 46 ص 63 ح 19 .

3- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 297 ح 2505 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 539 ح 1869 كلاهما عن حمّاد بن عيسى ، المحاسن : ج 2 ص 126 ح 1348 عن حمّاد بن عثمان أو ابن عيسى ، بحار الأنوار : ج 76 ص 272 ح 28 .

4- .. سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1115 ح 3361 ، تاريخ دمشق : ج 44 ص 302 ، كنز العمّال : ج 15 ص 427 ح 41689؛ تنبيه الخواطر : ج 2 ص 230 عن عائشة وفيه «إدامان» بدل «قطّ» .

6 / 7 صدقه دادن از غذا

بحار الأنوار_ به نقل از نجیح_ :شاهد بودم که حسن بن علی علیه السلام غذا می خورد . سگی رو به روی ایشان نشسته بود . امام علیه السلام هر لقمه ای که می خورد ، يك لقمه هم برای آن سگ می انداخت . گفتم : ای پسر پیامبر خدا! اجازه می دهی تا این سگ را از غذای شما دور کنم؟ فرمود : «بگذار باشد . من از خداوند عز و جل شرم می کنم که جاننداری به صورت من نگاه کند و من بخورم و به او نخورانم» .

6 / 7 صدقه دادن از غذا امام باقر علیه السلام_ در بیان اخلاق امام زین العابدین علیه السلام_ :غذایی تناول نمی کرد ، مگر آن که ابتدا به مانند آن ، صدقه می داد .

امام صادق علیه السلام :لقمان به فرزندش گفت : ... اگر می توانی که غذایی نخوری ، مگر آن که ابتدا از آن صدقه بدهی ، این کار را بکن .

سنن ابن ماجه_ به نقل از عمر ، به فرزندش عبد الله که برایش گوشت با روغن آورده بود _ :هرگز این دو غذا را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیاوردند ، مگر آن که یکی از این دو را خورد و دیگری را صدقه داد .

ثانيا : ما يَبْغِي رِعَايَتَهُ عِنْدَ السَّنَاوِلِ 6 / 8 التَّدْبِيرِ «فَلْيَنْظُرِ الْأِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ * أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا * ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا * فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا * وَ عِنْبًا وَ قَضْبًا * وَزَيْتُونًا وَ نَخْلًا * وَ حَدَائِقَ غُلْبًا * وَفَاكِهَةً وَأَبًّا * مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ» . (1)

6 / 9 ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ _ إِفْتِتَاحُ الطَّعَامِ بِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مِنْ سِرَّةِ الْأَيَّامِ الشَّيْطَانُ عِنْدَهُ طَعَامًا وَلَا مَقِيلًا ، فَلْيَسْلَمْ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ ، وَ يُسَمِّ عَلَى طَعَامِهِ . (2)

مكارم الأخلاق : كان صلى الله عليه وآله إذا وضع يده في الطعام قال : بِسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي مَا رَزَقْتَنَا وَعَلَيْكَ خَلْفُهُ . (3)

مكارم الأخلاق : كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا وضعت المائدة بين يديه قال : اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً ، تَصِلُ بِهَا نِعْمَةُ الْجَنَّةِ . (4)

1- .. عبس : 24 _ 32 .

2- .. المعجم الكبير : ج 6 ص 240 ح 6102 عن سلمان ، كنز العمال : ج 15 ص 399 ح 41546 .

3- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 69 ح 81 و ص 310 ح 987 ؛ أسد الغابة : ج 6 ص 374 الرقم 6496 نحوه ، الدعاء للطبراني : ص 278 ح 888 عن عبد الله بن عمرو نحوه وليس فيه «وعليك خلفه» وراجع : كنز العمال : ج 15 ص 428 ح 41697 .

4- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 309 ح 987 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 380 ح 47 .

دوم . نکاتی که هنگام غذا خوردن باید رعایت کرد

6 / 8 اندیشه کردن

6 / 9 خدا را یاد کردن

الف - آغاز کردن غذا با نام خدا

دوم . نکاتی که هنگام غذا خوردن باید رعایت کرد 6 / 8 اندیشه کردن «پس انسان باید به خوراک خود بنگرد . ما آب را به صورت بارش فرو ریختیم . آن گاه زمین را با شکافتن [لازم] ، شکافتیم . پس در آن ، دانه رویانیدیم و انگور و سبزی ، و زیتون و درخت خرما ، و باغ های انبوه ، و میوه و چراگاه ، تا وسیله استفاده شما و دام هایتان باشد» .

6 / 9 خدا را یاد کردنالف _ آغاز کردن غذا با نام خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دوست دارد که شیطان در نزد او غذا و یا جایی برای خفتن نیابد ، هر گاه وارد خانه اش می شود ، سلام کند و در هنگام غذا خوردن ، نام خدا را بر زبان آورد .

مکارم الأخلاق : پیامبر خدا هر گاه دست به غذا می برد ، می گفت : «به نام خدا . بار خدایا! در آنچه به ما روزی کردی ، برکت ده ، و این را جای گزین فرما» .

مکارم الأخلاق : هر گاه در برابر پیامبر خدا سفره پهن می شد ، می فرمود : «بار خدایا! این را نعمتی قرار ده که شکر آن به جای آورده می شود و به نعمت بهشت پیونددش می دهی» .

صحيح مسلم عن حذيفة: كُنَّا إِذَا حَضَرْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَعَامًا، لَمْ نَضَعْ أَيْدِيَنَا حَتَّى يَبْدَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَضَعُ يَدَهُ، وَإِنَّا حَضَرْنَا مَعَهُ مَرَّةً طَعَامًا فَجَاءَتْ جَارِيَةٌ كَانَتْهَا تُدْفَعُ، فَذَهَبَتْ لِتَضَعُ يَدَهَا فِي الطَّعَامِ، فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِيَدِهَا. ثُمَّ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ كَانَتْهَا يُدْفَعُ، فَأَخَذَ بِيَدِهِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الشَّيْطَانَ يَسْتَحِلُّ الطَّعَامَ أَنْ لَا يُذَكَّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَإِنَّهُ جَاءَ بِهَذِهِ الْجَارِيَةَ لِيَسْتَحِلَّ بِهَا، فَأَخَذْتُ بِيَدِهَا، فَجَاءَ بِهَذَا الْأَعْرَابِيَّ لِيَسْتَحِلَّ بِهِ، فَأَخَذْتُ بِيَدِهِ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ يَدَهُ فِي يَدِي مَعَ يَدِهَا. (1)

الكافي عن أحمد بن الحسين الميثمي رفعه، قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا وُضِعَتِ الْمَائِدَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ مَا أَحْسَنَ مَا تَبْتَلِينَا، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعْطِينَا، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعَافِينَا، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيْنَا وَعَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ. (2)

الإمام علي عليه السلام - مِنْ وَصِيَّةٍ لَهُ لِكُمَيْلٍ - إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَاسْمِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءً، وَفِيهِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ الْأَسْوَاءِ. (3)

عنه عليه السلام - فِي وَصِيَّةٍ أَوْصَى بِهَا ابْنَهُ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَا بُنَيَّ، لَا تَطْعَمَنَّ لُقْمَةً مِنْ حَارٍّ وَلَا بَارِدٍ، وَلَا تَشْرَبَنَّ شَرْبَةً وَلَا جُرْعَةً إِلَّا وَأَنْتَ تَقُولُ قَبْلَ أَنْ تَأْكُلَهُ وَقَبْلَ أَنْ تَشْرَبَهُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَكْلِي وَشُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكَهِ (4)، وَالْقُوَّةَ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ فِيمَا بَقِيَّتُهُ فِي بَدَنِي، وَأَنْ تُشَدِّجَّعَنِي بِقُوَّتِهَا عَلَى عِبَادَتِكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي حُسْنَ التَّحَرُّزِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ»، فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ أَمِنْتَ وَعَثَهُ (5) وَغَانِلْتَهُ (6). (7)

-
- 1- .. صحيح مسلم: ج 3 ص 1597 ح 102، سنن أبي داود: ج 3 ص 347 ح 3766، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 74 ح 23309، كنز العمال: ج 15 ص 237 ح 40739.
- 2- .. الكافي: ج 6 ص 293 ح 8، المحاسن: ج 2 ص 215 ح 1645 عن أحمد بن محسن الميثمي نحوه، بحار الأنوار: ج 6 ص 375 ح 29؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 92 ح 10 عن عروة نحوه.
- 3- .. تحف العقول: ص 171، بشارة المصطفى: ص 25 نحوه وكلاهما عن كميل، بحار الأنوار: ج 6 ص 425 ح 41.
- 4- .. الوُعْكَ: أذى الحمى ووجعها ومَعْنُهَا فِي الْبَدَنِ، وَالْمِنْ شِدَّةُ التَّعَبِ (القاموس المحيط: ج 3 ص 323 «وعك»).
- 5- .. الوُعْثُ: فساد الأمر واختلاطه (المصباح المنير: ص 664 «وعث»).
- 6- .. الغائلة: الفساد والشرّ (المصباح المنير: ص 457 «غول»).
- 7- .. مكارم الأخلاق: ج 1 ص 309 ح 986، بحار الأنوار: ج 6 ص 380 ح 47.

صحیح مسلم به نقل از حذیفه _ عادت ما این بود که هر گاه با پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر سفره ای حاضر می شدیم ، دست به غذا نمی بردیم تا پیامبر خدا شروع کند و دستش را به طرف غذا ببرد . يك بار با ایشان برای صرف غذایی حاضر شدیم که دخترکی آمد ، به طوری که گویا کسی او را هُل می دهد . رفت که دست به غذا ببرد ؛ اما پیامبر خدا دستش را گرفت . آن گاه يك بادیه نشین آمد ، به طوری که گویا او را هم کسی به جلو هُل می داد . پیامبر صلی الله علیه و آله دست او را نیز گرفت . پس پیامبر خدا فرمود : «شیطان ، غذایی را که بر آن نام خدا برده نشود ، برای خود ، حلال می شمارد [و از آن می خورد] . او این دخترک را آورد تا به واسطه وی این غذا را بر خود حلال کند . به همین جهت ، من دستش را گرفتم . بعد ، این بادیه نشین را آورد تا به واسطه او حلال کند . به همین خاطر ، دست او را نیز گرفتم . و سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هم اینک ، دست او (شیطان) با دست این دخترک در دست من است» .

الکافی _ به نقل از احمد بن حسین میثمی ، در حدیثی که سند آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله می رساند _ پیامبر خدا هر گاه غذا در برابرش گذاشته می شد ، می فرمود : «پاکی تو ، ای خداوند ! چه نیکو ما را می آزمایی ! پاکی تو . چه بسیار به ما عطا می کنی ! پاکی تو . چه بسیار ، ما را عافیت می بخشی ! بار خدایا ! روزی ات را بر ما و بر همه مؤمنان و مسلمانان نیازمند ، از مرد و زن ، فراخ گردان» .

امام علی علیه السلام _ در سفارشی به کمیل _ هر گاه غذا می خوری ، به نام آن کسی آغاز کن که با نام او ، هیچ دردی زیان نمی زند و شفای همه بدی ها (ناخوشی ها) در آن است .

امام علی علیه السلام _ در توصیه ایشان به فرزند خود ، حسن علیه السلام _ فرزندم ! هر لقمه ای که می خوری ، گرم باشد یا سرد ، و هر نوشیدنی ای که می نوشی ، قدحی باشد یا جرعه ای ، پیش از خوردن و پیش از نوشیدنش بگو : «خدایا ! از تو درخواست می کنم که این خوردن و آشامیدنم را برایم مبرّا از هر تب و دردی ، و مایه نیرومندی بر طاعتت و یادت و سپاس گزاری از تو قرار ده ، مادام که آن را در بدنم باقی می داری ، و مرا با نیروی آن بر عبادت قوّت قلب بخش ، و خوب خویشنداری از معصیتت را به من الهام فرما» که اگر چنین کنی ، از سختی و تباهی آن لقمه و آشامیدنی ، در امان می مانی .

عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الطَّعَامِ، لَمْ يُسَأَلْ عَنْ نَعِيمِ ذَلِكَ أَبَدًا. (1)

الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا اتَّخَمْتُ قَطُّ . فَقِيلَ لَهُ: وَلِمَ؟ قَالَ: مَا رَفَعْتُ لُقْمَةً إِلَى فَمِي إِلَّا ذَكَرْتُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا. (2)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَرَادَ إِلَّا يَصْرَةَ طَعَامٍ فَلَا يَأْكُلُ حَتَّى يَجُوعَ وَتَقَى مَعِدَتَهُ، فَإِذَا أَكَلَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ. (3)

عنه عليه السلام: أذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَلْغَطُوا؛ فَإِنَّهُ نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ، وَرِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ، يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَذِكْرُهُ وَحَمْدُهُ. (4)

1- .. الكافي: ج 6 ص 293 ح 6 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال: ص 219 ح 1، الأمالي للصدوق: ص 374 ح 472 كلاهما عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، المحاسن: ج 2 ص 214 ح 1638 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 368 ح 1.

2- .. المحاسن: ج 2 ص 219 ح 1658 و ص 220 ح 1660 كلاهما عن عبد الله الأترجاني، الدعوات: ص 80 ح 199 من دون إسناد إلى الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 379 ح 41.

3- .. طب الأئمة عليهم السلام لابني بسطام: ص 29 و ص 60 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 380 ح 46.

4- .. الكافي: ج 6 ص 296 ح 23، المحاسن: ج 2 ص 213 ح 1635 كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 616 ح 10 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 316 ح 1017 عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 384 ح 53.

امام علی علیه السلام: هر کس در هنگام غذا خوردن، نام خداوند عز و جل را بر زبان آورد، هرگز از نعمت آن، بازخواست نمی شود.

امام صادق علیه السلام_ به نقل از پدرانش علیهم السلام_ :امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «من، هرگز دچار سوء هاضمه نگشته ام». گفته شد: چرا؟ فرمود: «چون هیچ لقمه ای را به سوی دهانم نبردم، مگر آن که نام خدا را بردم».

امام علی علیه السلام: هر که می خواهد غذایی به وجود او ضرر نزند، صبر کند تا گرسنه شود و معده اش پاك [و خالی] گردد. آن گاه غذا بخورد، و چون شروع به خوردن کرد، «بسم الله» بگوید.

امام علی علیه السلام: هنگام غذا خوردن، نام خداوند عز و جل را بر زبان آورید و سر و صدا راه نیندازید (در سکوت و آرامش غذا بخورید)؛ زیرا غذا نعمتی از نعمت های خدا و روزی ای از روزی های اوست و به جای آوردن شکر و ذکر و حمد او در باره آن غذا، بر شما واجب است.

الإمام الصادق عليه السلام: مَا اتَّخَمْتُ قَطُّ؛ وَذَلِكَ أَتَى لَمْ أَبْدَأُ بِطَعَامٍ إِلَّا قُلْتُ: «بِسْمِ اللَّهِ»، وَلَمْ أَفْرُغْ مِنْ طَعَامٍ إِلَّا قُلْتُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ».

(1)

عنه عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ الْمُسْلِمَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَطْعَمَ طَعَامًا فَأَهْوَى يَدَهُ فَقَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» غَفَرَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ لَهُ قَبْلَ أَنْ تَصِلَ اللَّقْمَةُ إِلَى فِيهِ. (2)

دعائم الإسلام عن الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا وُضِعَ الطَّعَامُ فَسَمَّوْا؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: أَخْرُجُوا فَلَيْسَ لَكُمْ فِيهِ نَصِيبٌ. وَمَنْ لَمْ يُسَمِّ عَلَى طَعَامِهِ كَانَ لِلشَّيْطَانِ مَعَهُ فِيهِ نَصِيبٌ. وَقَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: «أَبْتَدِئُ فِي يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَي نَسْيَانِي وَعَجَلْتِي بِسْمِ اللَّهِ» أَجْرَاهُ عَلَى مَا نَسِيَ مِنْ طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا حَضَرَتِ الْمَائِدَةُ وَسَمِيَ رَجُلٌ مِنْهُمْ، أَجْزَأَ عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ. (4)

1- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 356 ح 4254، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 309 ح 984، بحار الأنوار: ج 66 ص 380 ح 47.

2- .. الكافي: ج 6 ص 293 ح 7 عن كليب الأسدي، المحاسن: ج 2 ص 215 ح 1642 عن كليب الصيدائي، بحار الأنوار: ج 66 ص 375 ح 27.

3- .. دعائم الإسلام: ج 2 ص 118 ح 394، بحار الأنوار: ج 66 ص 383 ح 50.

4- .. الكافي: ج 6 ص 294 ح 9، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 99 ح 429، المحاسن: ج 2 ص 220 ح 1663 كلَّها عن عبدالرحمن بن الحجَّاج، بحار الأنوار: ج 66 ص 380 ح 45.

امام صادق علیه السلام: من، هرگز دچار سوء هاضمه نشده ام؛ چون هیچ گاه به غذا خوردن شروع نکردم، مگر آن که «بسم الله» گفتم و از خوردن دست نکشیدم، مگر آن که «الحمد لله» گفتم.

امام صادق علیه السلام: مرد مسلمان که می خواهد غذایی بخورد، چنانچه وقتی دستش را به طرف آن دراز می کند، بگوید: «به نام خدا، و سپاس، از آن خداوند پروردگار جهانیان است»، پیش از آن که لقمه به دهانش برسد، خداوند عز و جل او را می آمرزد.

دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه غذا آورده شد، بسم الله بگویند؛ زیرا [در این صورت]، شیطان به یارانش می گوید: بروید که شما را از این غذا بهره ای نیست. و هر کس در هنگام خوردن غذا بسم الله نگوید، شیطان در آن غذا با او سهیم می شود». و فرمود: «و هر کس چون صبح کند، بگوید: این روز خود را، پیشاپیش فراموشی ها و شتابکاری هایم، با نام خدا آغاز می کنم، اگر [آن روز] در هنگام خوردن غذایی یا نوشیدن چیزی، بردن نام خدا را فراموش کند، همان [بسم الله آغاز روز] او را کفایت می کند».

امام صادق علیه السلام: هر گاه غذا آوردند و یک نفر از حاضران «بسم الله» گفت، از بقیه کفایت می کند.

ب _ تَكَرَّارُ التَّسْمِيَةِ عَلَى كُلِّ لَوْنٍ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ضَمِنْتُ لِمَنْ يُسَمِّي عَلَى طَعَامِهِ إِلَّا يَشْتَكِي مِنْهُ . فَقَالَ لَهُ ابْنُ الْكَوَّاءِ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، لَقَدْ أَكَلْتُ الْبَارِحَةَ طَعَامًا فَسَمَّيْتُ عَلَيْهِ وَأَذَانِي! فَقَالَ: لَعَلَّكَ أَكَلْتَ أَلْوَانًا فَسَمَّيْتُ عَلَى بَعْضِهَا وَلَمْ تُسَمِّ عَلَى بَعْضٍ، يَا لُكْعُ (1). (2)

المحاسن عن مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَتَّخِمُ . فَقَالَ: أَتَسَمِّي؟ قُلْتُ: إِنِّي قَدْ سَمَّيْتُ . فَقَالَ: لَعَلَّكَ تَأْكُلُ أَلْوَانًا؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ . قَالَ: تُسَمِّي عَلَى كُلِّ لَوْنٍ؟ قُلْتُ: لَا . قَالَ: فَمِنْ ثَمَّ تَتَّخِمُ. (3)

الكافي عن داود بن فرقد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ أُسَمِّي عَلَى الطَّعَامِ؟ قَالَ: إِذَا اخْتَلَفَتِ الْآيَةُ فَسَمِّ عَلَى كُلِّ إِنَاءٍ. قُلْتُ: فَإِنْ نَسِيتُ أَنْ أُسَمِّي؟ قَالَ: تَقُولُ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ مَنْ نَسِيَ أَنْ يُسَمِّيَ عَلَى كُلِّ لَوْنٍ فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ. (5)

1- .. اللَّكْعُ _ عِنْدَ الْعَرَبِ _ : الْعَبْدُ ، ثُمَّ اسْتُعْمِلَ فِي الْحُمُقِ وَالذَّمِّ . وَأَكْثَرُ مَا يَقَعُ فِي النَّدَاءِ ، وَهُوَ اللَّئِيمُ . وَقِيلَ : الْوَسِخُ (الْنَهَايَةُ : ج 4 ص 268 «لكع»).

2- .. الكافي : ج 6 ص 295 ح 18 ، المحاسن : ج 2 ص 218 ح 1655 كلاهما عن داود بن فرقد ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 355 ح 4253 ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 118 ح 393 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 369 ح 6 .

3- .. المحاسن : ج 2 ص 219 ح 1656 و ص 209 ح 1623 عن مسمع أبي سيار نحوه ، بحار الأنوار : ج 6 ص 378 ح 39 .

4- .. الكافي : ج 6 ص 295 ح 20 ، تهذيب الأحكام : ج 9 ص 99 ح 431 ، المحاسن : ج 2 ص 220 ح 1662 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 379 ح 44 .

5- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 309 ح 983 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 356 من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 6 ص 380 ح 47 .

ب - تکرار نام خدا برای هر نوعی از غذا

ب _ تکرار نام خدا برای هر نوعی از غذا امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان فرمود: «من به کسی که هنگام خوردن غذایش بسم الله بگوید، ضمانت می‌دهم که از آن غذا شکوه ای نکند». ابن کثیر گفت: ای امیر مؤمنان! من دیروز غذایی خوردم و «بسم الله» هم گفتم؛ اما مرا اذیت کرد! فرمود: «شاید غذاهای متنوع خورده ای و برای یکی بسم الله گفته ای و برای یکی نگفته ای، ای فرومایه!». .

المحاسن _ به نقل از مِسْمَع بن عبد الملك _ : به امام صادق علیه السلام گفتم: من، رودل می‌کنم. فرمود: «بسم الله می‌گویی؟». گفتم: «بسم الله» هم می‌گویم. فرمود: «شاید غذاهای متنوع می‌خوری!». گفتم: بله. فرمود: «برای هر نوعش، بسم الله می‌گویی؟». گفتم: خیر. فرمود: «پس به همین سبب، رودل می‌کنی».

الكافی _ به نقل از داوود بن فرقد _ : به امام صادق علیه السلام گفتم: هنگام غذا خوردن، چگونه «بسم الله» بگوییم؟ فرمود: «وقتی ظرف‌ها (غذاها) گوناگون است، برای هر ظرفی [جداگانه] بسم الله بگو». گفتم: اگر فراموش کردم که «بسم الله» بگوییم؟ فرمود: «می‌گویی: بسم الله برای همه اش».

امام صادق علیه السلام: هر کس فراموش می‌کند که برای یکایک انواع غذاها نام خدا را بر زبان آورد، بگوید: بسم الله برای همه اش.

ج _ تَكَرَّرَ التَّسْمِيَةَ عِنْدَ التَّكْلُمِ الْكَافِي عَنْ مَسْمَعٍ: شَكَّوَتْ مَا أَلْقَى مِنْ أَدَى الطَّعَامِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَكَلْتَهُ. فَقَالَ: لَمْ تُسَمِّ؟ فَقُلْتُ: إِنِّي لَأَسَمِّي، وَإِنَّهُ لَيُضَرُّنِي! فَقَالَ لِي: إِذَا قَطَعْتَ التَّسْمِيَةَ بِالْكَلامِ ثُمَّ عُدْتَ إِلَى الطَّعَامِ تُسَمِّي؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: فَمِنْ هَاهُنَا يَضُرُّكَ، أَمَا لَوْ أَنَّكَ إِذَا عُدْتَ إِلَى الطَّعَامِ سَمَّيْتَ مَا ضُرَّكَ. (1)

د _ قَضَاءُ التَّسْمِيَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ، فَإِنْ نَسِيَ فِي أَوَّلِهِ فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ. (2)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَذْكُرْ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى، فَإِنْ نَسِيَ أَنْ يَذْكُرَ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَوَّلِهِ، فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ أَوَّلَهُ وَآخِرَهُ. (3)

-
- 1- .. الكافي : ج 6 ص 295 ح 19 ، المحاسن : ج 2 ص 219 ح 1657 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 378 ح 40 .
 - 2- .. سنن الترمذي : ج 4 ص 288 ح 1858 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1087 ح 3264 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 121 ح 7087 کلها عن عائشة ، کنز العمال : ج 15 ص 237 ح 40736 .
 - 3- .. سنن أبي داود : ج 3 ص 347 ح 3767 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 475 ح 25160 ، السنن الكبرى : ج 7 ص 451 ح 14608 ، الأذکار المنتخبة : ص 204 کلها عن عائشة ، کنز العمال : ج 15 ص 236 ح 40734 .

ج - تکرار نام خدا در هنگام صحبت کردن**د - به جا آوردن قضای «بسم الله»**

ج - تکرار نام خدا در هنگام صحبت کردن کافی - به نقل از مسمع - به امام صادق علیه السلام از این که هر گاه غذا می خورم، مرا اذیت می کند، شکایت کردم. فرمود: «بسم الله نمی گویی؟». گفتم: «بسم الله» هم می گویم؛ ولی باز اذیت می کند. فرمود: «هر گاه بسم الله را با صحبت کردن قطع می کنی و دوباره به خوردن می پردازی، [باز هم] بسم الله می گویی؟». گفتم: خیر. فرمود: «به همین سبب، اذیت می کند. اگر وقتی دوباره به خوردن می پردازی، [باز هم] بسم الله بگویی، غذا اذیت نمی کند».

د - به جا آوردن قضای «بسم الله» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما غذایی می خورد، «بسم الله» بگوید و اگر در ابتدای آن فراموش کرد، بگوید: «بسم الله، برای آغاز و انجام آن».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما غذا می خورد، نام خداوند متعال را بر زبان آورد و چنانچه در آغاز آن فراموش کرد نام خداوند متعال را بر زبان آورد، بگوید: بسم الله برای آغاز و انجام آن.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ نَسِيَ أَنْ يُسَمِّيَ عَلَى طَعَامِهِ، فَلْيَتَرَأَّ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» إِذَا فَرَعَ. (1)

سنن أبي داود عن أمية بن مُخشي: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا وَرَجُلٌ يَأْكُلُ، فَلَمْ يُسَمِّ حَتَّى لَمْ يَبْقَ مِنْ طَعَامِهِ إِلَّا لُقْمَةٌ، فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ أَوْلَهُ وَآخِرُهُ، فَضَحِكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ: مَا زَالَ الشَّيْطَانُ يَأْكُلُ مَعَهُ، فَلَمَّا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَقَاءَ مَا فِي بَطْنِهِ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ أَكَلَ طَعَامًا فَلْيَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ، فَإِنْ نَسِيَ فَذَكَرَ اللَّهَ مِنْ بَعْدُ تَقِيًّا الشَّيْطَانِ _ لَعْنَةُ اللَّهِ _ مَا كَانَ أَكَلَ، وَاسْتَقَلَّ الرَّجُلُ الطَّعَامَ (3). (4)

هـ _ ذُمَّ تَرْكُ التَّسْمِيَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَبْغَضَ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثَةٌ... وَالرَّجُلُ يَكْثُرُ الْأَكْلَ وَلَا يُسَمِّيَ اللَّهَ عَلَى طَعَامِهِ، وَلَا يَحْمَدُهُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الشَّيْطَانَ يَسْتَجِلُّ الطَّعَامَ أَنْ لَا يُذَكَّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ. (6)

- 1- .. حلية الأولياء: ج 10 ص 114 الرقم 476، الأذكار المنتخبة: ص 205 كلاهما عن جابر، كنز العمال: ج 15 ص 249 ح 40798؛ بحار الأنوار: ج 92 ص 353 ح 23.
- 2- .. سنن أبي داود: ج 3 ص 347 ح 3768، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 10 ح 18985، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 121 ح 7089 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 426 ح 41686.
- 3- .. قال العلامة المجلسي قدس سره: أي استقل في الطعام، من باب الحذف والإيصال؛ أي لا يشركه الشيطان. أو يجده قليلاً لما قد أكل قبل (مرآة العقول: ج 22 ص 107).
- 4- .. الكافي: ج 6 ص 293 ح 5 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 213 ح 1634 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام وفيه «استقبل» بدل «استقل»، بحار الأنوار: ج 66 ص 374 ح 20.
- 5- .. الفردوس: ج 3 ص 18 ح 4030 عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ج 7 ص 791 ح 21431.
- 6- .. صحيح مسلم: ج 3 ص 1597 ح 102، سنن أبي داود: ج 3 ص 347 ح 3766، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 74 ح 23309 كلها عن حذيفة، كنز العمال: ج 15 ص 237 ح 40739.

ه - نکوهش ترك نام خدا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس فراموش کرد که برای غذایش «بسم الله» بگوید، بعد از خوردن آن، [سوره] «قل هو الله أحد» را بخواند.

سنن أبی داوود_ به نقل از أمیة بن مُخشی _ پیامبر خدا نشسته بود و مردی غذا می خورد. او «بسم الله» نگفت، تا آن که از غذایش فقط يك لقمه ماند. چون آن لقمه را به طرف دهانش برد، گفت: بسم الله برای آغاز و انجامش. پیامبر صلی الله علیه و آله خندید و فرمود: «شیطان پیوسته با او می خورد، و چون او نام خداوند عز و جل را برد، وی هر چه را در شکمش بود، بالا آورد».

امام علی علیه السلام: هر کس غذایی می خورد، باید نام خداوند عز و جل را بر زبان آورد، و اگر فراموش کرد و بعداً نام خداوند را به یاد آورد، شیطان _ که لعنت خدا بر او باد _ آنچه را خورده است، بالا می آورد.

ه _ نکوهش ترك نام خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبعوض ترین مردم در نزد خداوند، سه کس اند: ... و مردی که زیاد می خورد و در هنگام غذا خوردنش نام خدا را نمی برد و او را سپاس نمی گوید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، غذا را با بُرده نشدن نام خدا بر آن [برای خود] حلال می کند.

عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ إبليسُ: يَا رَبِّ، لَيْسَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا جَعَلْتَ لَهُ رِزْقًا وَمَعِيشَةً، فَمَا رِزْقِي؟ قَالَ: مَا لَمْ يُذَكَّرْ عَلَيْهِ اسْمِي. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ، وَلَا بَرَكَهَ فِيهِ. (2)

جامع الأخبار: سَدَّيْلَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَلْ يَأْكُلُ الشَّيْطَانُ مَعَ الْإِنْسَانِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، مَا يُدْعَى لَمْ يُذَكَّرْ «بِسْمِ اللَّهِ» عَلَيْهَا يَأْكُلُ الشَّيْطَانُ مَعَهُمْ، وَيَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ عَنْهَا. (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا سَمَّى الْعَبْدُ عَلَى طَعَامِهِ لَمْ يَنْلِ الشَّيْطَانُ مِنْهُ، وَإِذَا لَمْ يُسَمِّهِ نَالَ مِنْهُ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ (5): لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ. وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَدْرَكْتُمْ الْمَبِيتَ. وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ: أَدْرَكْتُمْ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ. (6)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا وُضِعَ الْغَدَاءُ وَالْعَشَاءُ قُفِّلَ: «بِسْمِ اللَّهِ»، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَعَنَهُ اللَّهُ - يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: أُخْرَجُوا؛ فَلَيْسَ هَاهُنَا عَشَاءٌ وَلَا مَبِيتٌ. وَإِذَا نَسِيَ أَنْ يُسَمِّيَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَعَالَوْا؛ فَإِنَّ لَكُمْ هَاهُنَا عَشَاءً وَمَبِيتًا. (7)

-
- 1- .. حلية الأولياء: ج 8 ص 126 الرقم 405 عن ابن عباس، الدر المنثور: ج 3 ص 350 نقلاً عن ابن مردويه، كنز العمال: ج 1 ص 444 ح 1916 نقلاً عن أبي الشيخ في العظمة وكلاهما نحوه.
 - 2- .. تاريخ دمشق: ج 60 ص 325 عن عقبه بن عامر، كنز العمال: ج 15 ص 238 ح 40741.
 - 3- .. جامع الأخبار: ص 120 ح 220، بحار الأنوار: ج 92 ص 258 ح 52.
 - 4- .. مستدرک الوسائل: ج 16 ص 274 ح 19859 نقلاً عن تفسير أبي الفتوح الرازي.
 - 5- .. أي: للشياطين من أتباعه.
 - 6- .. صحيح مسلم: ج 3 ص 1598 ح 103، سنن أبي داود: ج 3 ص 346 ح 3765، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1279 ح 3887، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 187 ح 15110 كلها عن جابر، كنز العمال: ج 15 ص 396 ح 41534.
 - 7- .. الكافي: ج 6 ص 293 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 211 ح 1629 كلاهما عن محمد بن مروان، الأصول الستة عشر: ص 234 ح 273 عن جابر، بحار الأنوار: ج 66 ص 372 ح 15.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ابلیس گفت: پروردگارا! هیچ يك از آفریدگان نیست، مگر آن که برای او روزی و معاشی قرار داده ای. پس، روزی من چیست؟ فرمود: «آنچه نام من بر آن برده نشود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر خوراکی که نام خدا بر آن برده نشود، آن خوراك درد است و برکتی در آن نیست.

جامع الأخبار: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: آیا شیطان با انسان غذا می خورد؟ فرمود: «آری؛ سفره ای که در آن بسم الله گفته نشود، شیطان همراه آنها می خورد و خداوند، برکت را از آن سفره می برد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده برای غذایش «بسم الله» بگوید، شیطان به آن دست نمی زند و هر گاه «بسم الله» نگوید، شیطان در آن سهیم می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مرد وارد خانه اش شود و در هنگام ورودش و هنگام غذا خوردنش نام خدا را بگوید، شیطان [به شیاطین پیروش] می گوید: این جا، جای خواب و شام برای شما نیست. و هر گاه مرد وارد خانه شود و هنگام ورودش نام خدا را نیاورد، شیطان می گوید: به خوابگاه، دست یافتید. و اگر مرد، هنگام غذایش نام خدا را نیاورد، شیطان می گوید: به خوابگاه و شام، [هر دو] دست یافتید.

امام صادق علیه السلام: هر گاه نهار و شام آوردند، «بسم الله» بگو؛ زیرا [در این صورت] شیطان _ که لعنت خدا بر او باد _ به یارانش می گوید: بروید، که این جا برای شما از شام و خواب، خبری نیست. و هر گاه [کسی] «بسم الله» گفتن را فراموش کند، او به یارانش می گوید: بیایید، که این جا برای شما هم شام است و هم جای خواب.

عنه عليه السلام: إذا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ وَلَمْ يَسْمَعْ، كَانَ لِلشَّيْطَانِ (1) فِي وُضُوئِهِ شِرْكٌ، وَإِنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَبَسَ، وَكُلَّ شَيْءٍ صَنَعَهُ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُسَمِّيَ عَلَيْهِ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ كَانَ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكٌ. (2)

و_ كَثْرَةُ الْحَمْدِ كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ: كُنْتُ أَكُلُّ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا سَمَاعَةُ! أَكَلًا وَحَمْدًا، لَا أَكَلًا وَصَمْتًا. (3)

الكافي عن عُيَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ: أَكَلْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَعَامًا، فَمَا أَحْصِي كَمْ مَرَّةً قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي أَشْتَهِيهِ. (4)

6 / 10 الإِفْتِاحُ بِالْمِلْحِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ يَا عَلِيُّ، افْتَتِحْ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ، وَاخْتِمِ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ مَنْ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَخَتَمَ بِالْمِلْحِ عَوفِيٍّ مِنْ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، مِنْهُ الْجُدَامُ وَالْجُنُونُ وَالْبَرَصُ. (5)

-
- 1- .. في المحاسن: «الشيطان»، والتصويب من بحار الأنوار.
 - 2- .. المحاسن: ج 2 ص 208 ح 1621 عن العلاء بن الفضيل، الأصول الستة عشر: ص 235 ح 274 عن جابر، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 227 ح 667 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 369 ح 5.
 - 3- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 355 ح 4252، المحاسن: ج 2 ص 215 ح 1644 وليس فيه صدره، بحار الأنوار: ج 66 ص 375 ح 28.
 - 4- .. الكافي: ج 6 ص 295 ح 17، المحاسن: ج 2 ص 218 ح 1653، بحار الأنوار: ج 66 ص 378 ح 37.
 - 5- .. الكافي: ج 6 ص 326 ح 2، المحاسن: ج 2 ص 424 ح 2486 كلاهما عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام، الدعوات: ص 145 ح 379، مستطرفات السرائر: ص 117 ح 1 عن حماد بن عمرو الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 412 ح 1392 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 398 ح 18.

و - حمد بسیار گفتن

6 / 10 آغاز کردن با نمک

امام صادق علیه السلام: هر گاه فردی از شما وضو بگیرد (1) و «بسم الله» نگوید، شیطان در وضوی او شریک می شود. و در هنگام خوردن یا آشامیدن یا پوشیدن، و هر کاری که انجام می دهد، باید «بسم الله» بگوید، که اگر چنین نکند، شیطان در آن شریک می شود.

و - حمد بسیار گفتن کتاب من لایحضره الفقیه - به نقل از سماعة بن مهران - با امام صادق علیه السلام غذا می خوردم که فرمود: «ای سماعة! خوردنی و حمد گفتنی، نه خوردن و هیچ نگفتن».

الکافی - به نقل از عبید بن زراره - با امام صادق علیه السلام غذایی خوردم و شمارش را ندارم که چند بار گفت: «سپاس، خدایی را که مرا نسبت به این، باشتها قرار داد».

6 / 10 آغاز کردن با نمک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به علی علیه السلام - ای علی! غذایت را با نمک آغاز کن و با نمک پایان ده؛ زیرا کسی که غذایش را با نمک آغاز کند و با نمک پایان دهد، از هفتاد و دو نوع درد و مرض، سالم می ماند، از جمله از: جذام و دیوانگی و پیسی.

1- ظاهراً مقصود از «وضو» در این جا، مطلق شستشوی دست و صورت است.

الإمام عليّ عليه السلام: إِدْوُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ ، فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارُوهُ عَلَى الدَّرْبَاقِ الْمُجْرَبِ . (1)

عنه عليه السلام: مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً ، وَمَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ . (2)

عنه عليه السلام: مَنْ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِمِلْحٍ دُفِعَ عَنْهُ اثْنَانِ وَسَبْعُونَ دَاءً . (3)

الإمام الباقر عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ مَرَّ قَوْمَكَ يَفْتَتِحُوا بِالْمِلْحِ ، وَيَخْتِمُوا بِهِ ، وَإِلَّا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا يَسْتَفْتِحُونَ بِالْخَلِّ وَيَخْتِمُونَ بِهِ ، وَنَحْنُ نَسْتَفْتِحُ بِالْمِلْحِ وَنَخْتِمُ بِالْخَلِّ . (5)

الإمام الكاظم عليه السلام: لَا يَخْصِبُ (6) خِوَانٌ لَا مِلْحَ عَلَيْهَا ، وَأَصْحُ اللَّبَدَنِ أَنْ يُبَدَأَ بِهِ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ . (7)

أقول: الروايات في افتتاح الطعام بالملح واختتامه به كثيرة جداً (8) ، وفي بعضها الحثّ على افتتاح الطعام بالخلّ (9) .

-
- 1- .. الكافي : ج 6 ص 326 ح 4 ، المحاسن : ج 2 ص 422 ح 2478 كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 357 ح 4259 ، الخصال : ص 623 ح 10 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 113 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 307 ح 977 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 101 ح 1 .
 - 2- .. الخصال : ص 623 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 113 نحوه ، بحار الأنوار : ج 10 ص 101 ح 1 .
 - 3- .. الجعفریات : ص 243 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، المحاسن : ج 2 ص 424 ح 2485 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، طبّ النبيّ : ص 5 نحوه ، بحار الأنوار : ج 6 ص 66 ح 397 ح 12 .
 - 4- .. الكافي : ج 6 ص 326 ح 6 ، المحاسن : ج 2 ص 423 ح 2481 كلاهما عن فروة ، بحار الأنوار : ج 6 ص 66 ح 396 ح 8 .
 - 5- .. الكافي : ج 6 ص 330 ح 12 عن سليمان الديلمي .
 - 6- .. الخِصْبُ : النماء والبركة (المصباح المنير : ص 170 «خصب»).
 - 7- .. الكافي : ج 6 ص 326 ح 5 ، المحاسن : ج 2 ص 423 ح 2479 كلاهما عن الجعفري ، بحار الأنوار : ج 6 ص 66 ح 396 ح 7 .
 - 8- .. راجع : موسوعة الأحاديث الطيبة : ج 2 ص 439 (افتتاح الطعام بالملح واختتامه به أو بالخلّ) وص 681 (الملح).
 - 9- .. راجع : موسوعة الأحاديث الطيبة : ج 2 ص 565 (افتتاح الطعام بالخلّ) .

امام علی علیه السلام: در ابتدای غذایتان با نمک شروع کنید؛ چرا که اگر مردم خاصیت نمک را بدانند، آن را بر پادزهر آزموده ترجیح می دهند.

امام علی علیه السلام: هر کس غذایش را با نمک آغاز کند، هفتاد درد و دیگر چیزهایی که فقط خداوند عز و جل از آنها آگاه است، از وجود او دور می شود.

امام علی علیه السلام: هر کس غذایش را با نمک آغاز کند، هفتاد و دو درد و مرض از او دور می شود.

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرمود که: «به قومت دستور بده [غذایشان را] با نمک آغاز کنند و با نمک پایان دهند. در غیر این صورت، کسی جز خود را سرزنش نکنند».

امام صادق علیه السلام: بنی اسرائیل [غذایشان را] با سرکه آغاز می کردند و با سرکه پایان می دادند؛ ولی ما با نمک آغاز می کنیم و با سرکه ختم می کنیم.

امام کاظم علیه السلام: سفره ای که در آن نمک نباشد، برکت ندارد، و شروع کردن غذا با نمک، بدن را سالم تر نگه می دارد. مؤلف می گوید: احادیث در باره استفاده از نمک در آغاز و پایان غذا بسیار زیادند. (1) در بعضی از آنها نیز به شروع غذا با سرکه تشویق شده است (2).

1- ر.ك: دانش نامه احادیث پزشکی: ج 2 ص 81 (شروع غذا با نمک و پایان دادن به آن با نمک یا سرکه) و ص 459 (نمک).

2- ر.ك: دانش نامه احادیث پزشکی: ج 2 ص 307 (شروع غذا با سرکه).

6 / 11 البَدءُ بِأَخْفِ الْأَغْذِيَةِ الإمام الرضا عليه السلام: إبدأ في أوَّلِ طَعَامِكَ بِأَخْفِ الْأَغْذِيَةِ الَّذِي تُغْذِي بِهَا بَدَنَكَ ، بِقَدْرِ عَادَتِكَ ، وَبِحَسَبِ وَطَنِكَ (1) وَنَشَاطِكَ . (2)

6 / 12 اجْتِنَابُ الطَّعَامِ الْحَارِّ رسول الله صلى الله عليه وآله: إيتاكم وَالطَّعَامَ الْحَارَّ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْبِرْكَاتِ ، وَعَلَيْكُمْ بِالْبَارِدِ؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَعْظَمُ بِرْكَاتٍ. (3)

شعب الإيمان عن صُهَيْب: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ أَكْلِ الطَّعَامِ الْحَارِّ حَتَّى يَسْكُنَ. (4)

-
- 1- .. في بعض النسخ وبحار الأنوار: «طاقتك» بدل «وطنك» .
 - 2- .. طب الإمام الرضا عليه السلام: 15 ، بحار الأنوار: ج 62 ص 311 .
 - 3- .. أسد الغابة: ج 1 ص 422 الرقم 505 ، الإصابة: ج 1 ص 460 الرقم 753 وفيه صدره إلى «الحار» وكلاهما عن بؤلا ، كنز العمال: ج 15 ص 233 ح 40713 .
 - 4- .. شعب الإيمان: ج 5 ص 94 ح 5912 ، كنز العمال: ج 15 ص 259 ح 40856 ؛ دعائم الإسلام: ج 2 ص 117 ح 388 وليس فيه «حتى يسكن» ، بحار الأنوار: ج 66 ص 403 ح 15 .

6 / 11 آغاز کردن با سبک ترین غذاها

6 / 12 پرهیز از خوردن غذای داغ

اشاره

6 / 11 آغاز کردن با سبک ترین غذاها امام رضا علیه السلام: غذا خوردنت را با سبک ترین غذاهایی که از آنها تغذیه می کنی ، به اندازه عادتت و بسته به وطنت و فعالیتت و زمانت ، آغاز کن .

6 / 12 پرهیز از خوردن غذای داغ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خوردن غذای داغ پرهیزید ؛ زیرا برکت را می برد ، و غذای سرد شده بخورید که این گواراتر و بابرکت تر است .

شعب الإيمان_ به نقل از صهیب _ پیامبر خدا از خوردن غذای داغ نهی فرمود تا آن که سرد شود .

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَبْرِدُوا الطَّعَامَ الحَارَّ؛ فَإِنَّ الطَّعَامَ الحَارَّ غَيْرُ ذِي بَرَكَةٍ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أَبْرِدُوا طَعَامَكُمْ يُبَارِكْ لَكُمْ فِيهِ. (2)

الإمام علي عليه السلام: أَقْرُوا (3) الحَارَّ حَتَّى يَبْرُدَ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَرَّبَ إِلَيْهِ طَعَامًا حَارًّا فَقَالَ: أَقْرُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ، مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ، وَالْبَرَكَةُ فِي البَارِدِ. (4)

عنه عليه السلام: أَتَيْ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِطَعَامٍ، فَأَدْخَلَ إِصْبَعَهُ فِيهِ فَإِذَا هُوَ حَارٌّ، فَقَالَ: دَعُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ؛ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ بَرَكَةً، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يُطْعِمْنَا الحَارَّةَ. (5)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَى بِطَعَامٍ حَارًّا جِدًّا، فَقَالَ: مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ، أَقْرُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ وَيُمْكِنَ؛ فَإِنَّهُ طَعَامٌ مَمْحُوقٌ البَرَكَةِ، وَلِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبٌ. (6)

عنه عليه السلام: أَتَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِطَعَامٍ حَارًّا فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُطْعِمْنَا النَّارَ، نَحْوَهُ حَتَّى يَبْرُدَ. فَتَرَكَ حَتَّى بَرَدَ. (7)

1- .. المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 132 ح 7125 عن جابر، المعجم الأوسط: ج 6 ص 209 ح 6209 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 15 ص 249 ح 40802؛ الكافي: ج 6 ص 322 ح 3، المحاسن: ج 2 ص 174 ح 1486 كلاهما عن محمد بن حكيم عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيهما صدره، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 70 ح 87، بحار الأنوار: ج 6 ص 410 ح 7.

2- .. كنز العمال: ج 15 ص 233 ح 40714 عن عائشة.

3- .. أقروه: أي أخروه (مجمع البحرين: ج 3 ص 1464 «قرر»).

4- .. الكافي: ج 6 ص 321 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 173 ح 1485 كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 613 ح 10 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول: ص 103، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 314 ح 1001، بحار الأنوار: ج 6 ص 401 ح 3.

5- .. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 40 ح 124، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 238 ح 142 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 6 ص 401 ح 4.

6- .. الكافي: ج 6 ص 322 ح 2 عن السكوني، المحاسن: ج 2 ص 173 ح 1483 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الجعفریات: ص 160 عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام نحوه، دعائم الإسلام: ج 2 ص 117 ح 388 وفيهما «شرك» بدل «نصيب»، بحار الأنوار: ج 6 ص 402 ح 9.

7- .. الكافي: ج 6 ص 322 ح 4 عن ابن القداح، المحاسن: ج 2 ص 173 ح 1482 عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 6 ص 402 ح 8.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذای داغ را بگذارید سرد شود؛ زیرا غذای داغ، بی برکت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بگذارید غذایتان سرد گردد تا برایتان بابرکت شود.

امام علی علیه السلام: بگذارید تا غذای داغ، سرد شود. برای پیامبر خدا غذای داغ آوردند. فرمود: «بگذاریدش تا سرد شود. خداوند عز و جل به ما آتش نمی خوراند. برکت در غذای سرد است».

امام علی علیه السلام: برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی آوردند. انگشتش را داخل آن برد. دید داغ است. فرمود: «بگذاریدش تا سرد شود؛ چون سرد آن، بابرکت تر است و خداوند متعال به ما داغی نخورانده است».

امام صادق علیه السلام: برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذای بسیار گرمی آوردند. فرمود: «خداوند عز و جل آتش، خوراک ما نمی کند. بگذاریدش تا سرد و قابل خوردن شود؛ زیرا این (غذای داغ)، غذایی بی برکت است و شیطان را در آن، سهمی است».

امام صادق علیه السلام: برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذای داغی آوردند. فرمود: «خداوند عز و جل آتش به ما نخورانده است. کنار بگذاریدش تا سرد شود» و غذا را نخورد تا سرد شد.

سنن الدارمي عن عُرْوَةَ عن أسماء بنت أبي بكر: ج أنها كانت إذا أتيت بثريدٍ أمرت به فغُطِّي، حتَّى يذهب فورُهُ ودُخانُهُ، وتقول: إنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: هُوَ أَعْظَمُ لِلْبِرْكََةِ. (1)

مكارم الأخلاق: كان صلى الله عليه وآله لا يأكل الحارَّ حتَّى يبرد، ويقول: إنَّ اللَّهَ لَا يُطْعِمُنَا نَارًا، إنَّ الطَّعَامَ الحَارَّ غَيْرُ ذِي بَرَكَةٍ فَأَبْرِدُوهُ. (2)

المحاسن عن عائذ بن حبيبٍ يبيح الهَرَوِيِّ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاتَيْنَا بِثَرِيدٍ، فَمَدَدْنَا أَيْدِيَنَا إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ حَارٌّ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نُهَيْنَا عَنْ أَكْلِ النَّارِ، كُفُّوا؛ فَإِنَّ الْبَرَكََةَ فِي بَرْدِهِ. (3)

الكافي عن سليمان بن خالد: حَضَرْتُ عِشَاءَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّيْفِ، فَاتَيْتُ بِخِوَانٍ عَلَيْهِ خُبْزٌ، وَاتَيْتُ بِقِصْعَةٍ ثَرِيدٍ وَلَحْمٍ، فَقَالَ: هَلُمَّ إِلَيَّ (4) هَذَا الطَّعَامَ، فَدَنَوْتُ، فَوَضَعَ يَدَهُ فِيهِ وَرَفَعَهَا وَهُوَ يَقُولُ: أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، هَذَا مَا لَا نَصْبِرُ عَلَيْهِ فَكَيْفَ النَّارُ؟ هَذَا مَا لَا نَقْوَى (5) عَلَيْهِ فَكَيْفَ النَّارُ؟ هَذَا مَا لَا نُطِيقُهُ فَكَيْفَ النَّارُ؟ قَالَ: وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُكْرَهُ ذَلِكَ حَتَّى أَمَكَنَ الطَّعَامَ، فَأَكَلَ وَأَكَلْنَا مَعَهُ. (6)

1- .. سنن الدارمي: ج 1 ص 533 ح 1975، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 275 ح 27025 عن ابن شهاب عن أسماء بنت أبي بكر، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 131 ح 7124، السنن الكبرى: ج 7 ص 457 ح 14629، كنز العمال: ج 15 ص 249 ص 40800.

2- .. مكارم الأخلاق: ج 1 ص 70 ح 87، بحار الأنوار: ج 66 ص 410 ح 7.

3- .. المحاسن: ج 2 ص 174 ح 1488، بحار الأنوار: ج 66 ص 403 ح 13.

4- .. في المحاسن وبحار الأنوار: «هلم إلي»، وهو الأنسب بالسياق.

5- .. في المصدر: «لم نقوى»، والصواب ما أثبتناه كما في المحاسن.

6- .. الكافي: ج 6 ص 322 ح 5، المحاسن: ج 2 ص 174 ح 1489 وفيه «بجفنة» بدل «بقصعة»، بحار الأنوار: ج 66 ص 403 ح 14.

سنن الدارمی۔ به نقل از عروه۔ هر گاه برای اسماء دختر ابو بکر، غذایی می آوردند، دستور می داد روی آن را بپوشانند تا از جوش و بخار می افتاد، و می گفت: من از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «این (غذای سرد)، برکتش بیشتر است».

مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله غذای داغ را تا سرد نمی شد، تناول نمی کرد و می فرمود: «خداوند به ما آتش نمی خوراند. غذای داغ، بی برکت است. پس، آن را سرد کنید».

المحاسن۔ به نقل از عائذ بن حییب بیاع هروی۔ نزد امام صادق علیه السلام بودیم که آب گوشت آوردند. دست به غذا بردیم. داغ بود. امام صادق علیه السلام فرمود: «ما از خوردن آتش، نهی شده ایم. دست بدارید؛ زیرا برکت، در سرد آن است».

الکافی۔ به نقل از سلیمان بن خالد۔ در يك شب تابستانی، خدمت امام صادق علیه السلام بودم که سفره نان با کاسه ای آب گوشت آوردند. امام علیه السلام فرمود: «بفرمایید غذا بخورید». من، جلو رفتم. امام علیه السلام دستش را در کاسه برد و بیرون آورد و فرمود: «پناه می برم به خدا از آتش! پناه می برم به خدا از آتش! پناه می برم به خدا از آتش! ما تحمل این را نداریم، چه رسد به آتش! ما تاب و توان این را نداریم، چه رسد به آتش! ما طاقت این را نداریم، چه رسد به آتش!» و پیوسته این جملات را تکرار می کرد، تا آن که غذا سرد شد و شام را با هم صرف کردیم.

المحاسن عن سليمان الجعفري عن أبي الحسن عليه السلام: الحارُّ غَيْرُ ذِي بَرَكَةٍ، وللشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبٌ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: السُّخُونُ (2) بَرَكَةٌ. (3)

المحاسن عن مُرَازِمٍ: بَعَثَ إِلَيْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطَعَامٍ سَخِنَ، فَقَالَ: كُلُوا قَبْلَ أَنْ يَبْرُدَ؛ فَإِنَّهُ أَطِيبٌ. (4)

بيانذكرنا الحديثين الأخيرين تحت عنوان «اجتناب الطعام الحارّ»؛ لبيان أنّ المراد من الروايات الناهية عن الطعام الحارّ هو الحارّ جدًّا، لا انتظاره حتّى يبرد تماما .

6 / 13 الأكلُ بِالْيَمِينِ رسول الله صلى الله عليه وآله لِرَجُلٍ _ : كُلْ يَمِينَكَ ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ ، فَلْيَأْكُلْ يَمِينَهُ ، وَلْيَشْرَبْ يَمِينَهُ ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ. (6)

1- .. المحاسن : ج 2 ص 173 ح 1484 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 402 ح 10 .

2- .. قال العلامة المجلسي قدس سره : كَأَنَّ السُّخُونَ بِالضَّمِّ ، وَهُوَ الْحَارُّ ، وَهُوَ مَحْمُولٌ عَلَى الْحَرَارَةِ الْمَعْتَدَلَةِ ، وَمَا وَرَدَ فِي ذِمَّةِ مَحْمُولٍ عَلَى مَا إِذَا كَانَ شَدِيدَ الْحَرَارَةِ . وَيَحْتَمَلُ أَنْ يَكُونَ الْمُرَادُ نَوْعًا مِنَ الْمَرَقِ . قَالَ فِي الْقَامُوسِ : السُّخْنُ _ بِالضَّمِّ _ الْحَارُّ ، وَالسُّخُونُ : مَرَقٌ يُسَخَّنُ (بحار الأنوار : ج 66 ص 402) .

3- .. المحاسن : ج 2 ص 172 ح 1480 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 402 ح 6 .

4- .. المحاسن : ج 2 ص 172 ح 1481 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 402 ح 7 .

5- .. عوالي اللآلي : ج 1 ص 74 ح 142 .

6- .. سنن الترمذي : ج 4 ص 258 ح 1800 عن سالم عن أبيه ، سنن أبي داود : ج 3 ص 349 ح 3776 ، سنن الدارمي : ج 1 ص 529 ح 1961 كلاهما عن عبد الله بن عمر ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 214 ح 4537 عن أبي بكر بن عبيد الله بن بكر عن جدّه ؛ عوالي اللآلي : ج 1 ص 145 ح 75 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 390 ح 28 .

6 / 13 غذا خوردن با دست راست

المحاسن_ به نقل از سلیمان جعفری ، از ابو الحسن علیه السلام (1) _ :غذای داغ ، بی برکت است و شیطان در آن ، سهیم می شود .
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :غذای گرم ، بابرکت است .

المحاسن_ به نقل از مُرازم _ :امام صادق علیه السلام غذای گرم برای ما فرستاد و فرمود : «تا سرد نشده است ، بخورید ؛ زیرا گرم آن ، لذیذتر است» .

توضیح و حدیث اخیر در زیر عنوان «پرهیزکردن از غذای داغ» برای بیان این نکته است که احادیث نهی کننده از خوردن غذای داغ ، نهی از غذای بسیار داغ است و نه این که صبر کنیم تا کاملاً سرد شود .

6 / 13 غذا خوردن با دست راست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به مردی _ :با دست راستت بخور ؛ چون شیطان با دست چپش می خورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه فردی از شما غذا می خورد ، با دست راستش بخورد و با دست راستش بیاشامد ؛ چرا که شیطان ، با دست چپش می خورد و با دست چپش می آشامد .

1- . مقصود ، امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام است .

عنه صلى الله عليه وآله: لِيَأْكُلْ أَحَدُكُمْ بِيَمِينِهِ، وَلَيْشْرَبْ بِيَمِينِهِ، وَلِيَأْخُذْ بِيَمِينِهِ، وَلِيُعْطِ بِيَمِينِهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ، وَيُعْطِي بِشِمَالِهِ، وَيَأْخُذُ بِشِمَالِهِ. (1)

مسند ابن حنبل عن عائشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُفْرَغُ يَمِينَهُ لِمَطْعَمِهِ وَلِحَاجَتِهِ، وَيُفْرَغُ شِمَالَهُ لِلِاسْتِنْجَاءِ وَلَمَّا هُنَاكَ. (2)

صحيح البخاري عن عمر بن أبي سلمة: كُنْتُ غُلَامًا فِي حِجْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَانَتْ يَدَايَ تَطْبِشُ فِي الصَّحْفَةِ، فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا غُلَامُ! سَمَّ اللَّهُ، وَكُلْ بِيَمِينِكَ، وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ. فَمَا زَالَتْ تِلْكَ طِعْمَتِي (3) بَعْدَ. (4)

مسند ابن حنبل عن عمر بن أبي سلمة: دَعَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِمَطْعَمٍ يَأْكُلُهُ، فَقَالَ: أَدْنُ، فَسَمَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَكُلْ بِيَمِينِكَ، وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ. (5)

1- .. سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1087 ح 3266، المعجم الأوسط: ج 7 ص 35 ح 6775 نحوه وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 15 ص 246 ح 40785.

2- .. مسند ابن حنبل: ج 9 ص 525 ح 25428، كنز العمال: ج 15 ص 527 ح 42038 نقلاً عن ضياء المقدسي في المختارة نحوه.

3- .. طِعْمَتِي: أي حالتي في الأكل (النهاية: ج 3 ص 126 «طعم»).

4- .. صحيح البخاري: ج 5 ص 2056 ح 5061، صحيح مسلم: ج 3 ص 1599 ح 108 وليس فيه ذيله، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 503 ح 16332 وليس فيه صدره إلى «الصحفة»، كنز العمال: ج 15 ص 237 ح 40738.

5- .. مسند ابن حنبل: ج 5 ص 504 ح 16338، سنن أبي داود: ج 3 ص 349 ح 3777، تاريخ بغداد: ج 7 ص 144 وليس فيهما صدره، كنز العمال: ج 15 ص 237 ح 40735.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر يك از شما با دست راستش غذا بخورد و با دست راستش بیاشامد و با دست راستش بگیرد و با دست راستش بدهد؛ چرا که شیطان، با دست چپش می خورد و با دست چپش می آشامد و با دست چپش می دهد و با دست چپش می گیرد.

مسند ابن حنبل_ به نقل از عایشه _ پیامبر خدا از دست راستش برای خوردن و انجام دادن کارهایش، و از دست چپش برای طهارت گرفتن و امثال آن استفاده می کرد.

صحیح البخاری_ به نقل از عمر بن ابی سلمه _ : من كودك بودم و روی زانوی پیامبر خدا نشسته بودم و به هر طرف کاسه، دست دراز می کردم و می خوردم. پیامبر خدا به من فرمود: «پسر جان! بسم الله بگو و با دست راستت و از جلوی خودت بخور». از آن پس، همیشه این گونه غذا می خوردم.

مسند ابن حنبل_ به نقل از عمر بن ابی سلمه _ : پیامبر خدا مشغول خوردن غذایی بود و مرا تعارف به خوردن کرد و فرمود: «نزدیک بیا و بسم الله بگو و با دست راستت و از جلوی خودت بخور».

6 / 14 تصغيرُ اللُّقْمَةِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله في بيانِ آدابِ المائدةِ _ : وَأَمَّا الْأَدَبُ فَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ... (1)

الإمام الحسن عليه السلام : _ أيضا _ : وَأَمَّا التَّادِيْبُ : فَلَا أَكْلُ مِمَّا يَلِيكَ ، وَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ... (2)

راجع : ص 518 (الأكل / الفصل السادس / أدب الأكل مع الغير / جوامع آداب تناول).

6 / 15 تجويدُ المَصْغِرِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله في بيانِ آدابِ المائدةِ _ : وَأَمَّا الْأَدَبُ فَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ ، وَالْمَصْغُ الشَّدِيدُ... (3)

الإمام علي عليه السلام : من أرادَ أَلَا يَضُرَّهُ طَعَامٌ فَلَا يَأْكُلُ حَتَّى يَجُوعَ ، فَإِذَا أَكَلَ فَلْيَقِلْ : «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ» ، وَلْيَجِدِ (4) الْمَصْغَ . (5)

راجع : ص 518 (الأكل / الفصل السادس / أدب الأكل مع الغير / جوامع آداب تناول).

1- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 355 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ص 486 ح 61 عن أنس بن محمّد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 321 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 66 ص 415 ح 14 .

2- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 359 ح 4270 ، الخصال : ص 485 ح 60 كلاهما عن إبراهيم الكرخي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، المحاسن : ج 2 ص 248 ح 1773 نحوه ، الإقبال : ج 1 ص 238 ، الدعوات : ص 137 ح 339 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 413 ح 13 .

3- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 355 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ص 486 ح 61 عن أنس بن محمّد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 321 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 66 ص 415 ح 14 .

4- .. في المصدر : «و لي جيد» ، والتصويب من بحار الأنوار .

5- .طبّ الأئمّة عليهم السلام لابني بسطام:ص60 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج66 ص380 ح46.

6 / 14 لقمه كوچك برداشتن

6 / 15 خوب جویدن غذا

6 / 14 لقمه كوچك برداشتنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در بیان آداب سفره_ : از آداب آن ، لقمه كوچك برداشتن است .

امام حسن علیه السلام_ در بیان آداب سفره_ : آداب سفره ، آن است که از آنچه نزدیک به توست ، بخوری و لقمه كوچك برداری

ر.ك : ص 519 (آداب غذا خوردن با دیگران / کلیات آداب غذا خوردن) .

6 / 15 خوب جویدن غذایپیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در بیان آداب سفره_ : آداب آن ، لقمه كوچك برداشتن و خوب جویدن است .

امام علی علیه السلام : هر کس می خواهد غذایی او را اذیت نکند ، تا گرسنه نشده است ، غذا نخورد و موقع خوردن ، «بسم الله و بالله» بگوید و نیکو بجود .

ر.ك : ص 519 (غذا خوردن / فصل ششم / آداب غذا خوردن با دیگران / کلیات آداب غذا خوردن) .

16/6 إطالة الجلوس على المائدة رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الملائكة لا تزال تُصَلِّي على أحدكم ما دامت مائدته موضوعةً. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: ما عَدَّبَ اللهُ عز وجل قوماً قَطُّ وهم يأكلون، وإنَّ الله عز وجل أكرم من أن يرزقهم شيئاً ثمَّ يُعَذِّبهم عليه، حتَّى يفرغوا منه. (2)

عنه عليه السلام: أطيلوا الجلوس على الموائد؛ فإنها ساعة لا تحسب من أعماركم. (3)

الكافي عن زرارة: سمعتُ أبا عبد الله عليه السلام يقول: ثلاثة إن يعلمهنَّ (4) المؤمنُ كانت زيادةً في عمره وبقاءً النعمة عليه. فقلتُ: وما هنَّ؟ قال: تطويله في زكوعه وسجوده في صلاته، وتطويله لجلوسه على طعامه إذا طعم على مائدته، واصطناعه المعروف إلى أهله. (5)

مستدرک الوسائل: زوي أن طول الجلوس على المائدة لا يصير من العمر. (6)

-
- 1- .. المعجم الأوسط: ج 1 ص 308 ح 1035، مسند إسحاق بن راهويه: ج 2 ص 454 ح 1025، تفسير القرطبي: ج 6 ص 374 كلها عن عائشة، نوادر الأصول: ج 1 ص 93 وليس فيها «لا تزال»، كنز العمال: ج 9 ص 244 ح 25844.
 - 2- .. الكافي: ج 6 ص 274 ح 1، المحجّة البيضاء: ج 3 ص 14، بحار الأنوار: ج 66 ص 317 ح 5.
 - 3- .. مكارم الأخلاق: ج 1 ص 305 ح 968، الاختصاص: ص 253 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وفيه «أوقات» بدل «ساعة»، بحار الأنوار: ج 66 ص 411 ح 7.
 - 4- .. هكذا في المصدر، وفي جامع أحاديث الشيعة: ج 14 ص 492: «إن يعملهنَّ»، وفي وسائل الشيعة: ج 2 ص 928 ح 8040: «إن تعلمهنَّ».
 - 5- .. الكافي: ج 4 ص 49 ح 15.
 - 6- .. مستدرک الوسائل: ج 16 ص 234 ح 19699 نقلاً عن كتاب التعريف لمحمد بن أحمد الصفواني.

6 / 16 طول دادن نشستن بر سر سفره

6 / 16 طول دادن نشستن بر سر سفره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تا زمانی که سفره یکی از شما پهن است، فرشتگان بر او درود می فرستند [و برایش دعا می کنند].

امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل هرگز مردمی را که در حال خوردن هستند، عذاب نمی کند، و خداوند عز و جل کریم تر از آن است که چیزی به آنها روزی کند و سپس بر آن عذابشان نماید، تا آن گاه که از خوردن آن دست کشند.

امام صادق علیه السلام: نشستن بر سر سفره ها را به درازا کشانید؛ زیرا این لحظات، از عمر شما به حساب آورده نمی شوند.

الکافی_ به نقل از زراره _ از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «سه چیز است که اگر مؤمن، آن را بداند، موجب افزایش عمر او و پایداری نعمت برایش می شود». گفتم: آن سه چیز چیست؟ فرمود: «طول دادن رکوع و سجودش در نماز، طول دادن نشستش بر سر سفره غذا، و نیکی کردن به خانواده اش».

مستدرک الوسائل: روایت است که مدت نشستن بر سر سفره، از عمر به شمار نمی آید.

17/6 إكرام الخبز الإمام الصادق عليه السلام: لا يوضع الرغيف تحت القصعة. (1)

الكافي عن الفضل بن يونس: تغدى عندي أبو الحسن [الكاظم] عليه السلام، فجيء بقصعة وتحتها خبز، فقال: أكرموا الخبز أن لا يكون تحتها. وقال لي: مر الغلام أن يخرج الرغيف من تحت القصعة. (2)

18/6 أكل ما يسقط من الخوان رسول الله صلى الله عليه وآله: الذي يسقط من المائدة مهوور حور العين. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: من تتبّع ما سقط من السفرة غفر له. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: من التقط الطعام الساقط غفر الله ذنوبه. (5)

1- .. الكافي: ج 6 ص 303 ح 3، المحاسن: ج 2 ص 420 ح 2468 كلاهما عن أبان بن تغلب وح 2469 عن أبي بصير نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 270 ح 8.

2- .. الكافي: ج 6 ص 304 ح 11، المحاسن: ج 2 ص 420 ح 2467، بحار الأنوار: ج 66 ص 426 ح 2.

3- .. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 34 ح 68، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 101 ح 43 بزيادة «فكلوه» في آخره وكلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 306 ح 972 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الدعوات: ص 139 ح 344، بحار الأنوار: ج 66 ص 433 ح 20.

4- .. مجمع الزوائد: ج 5 ص 41 ح 7977 نقلاً عن البزار والطبراني عن عبد الله بن أمّ حرام، كنز العمال: ج 15 ص 240 ح 40750 نقلاً عن الحاكم في الكنى وص 245 ح 40777 نقلاً عن المعجم الكبير وفيه «أكل» بدل «تتبّع».

5- .. كنز العمال: ج 15 ص 253 ح 40825 نقلاً عن أبي الشيخ عن نبيشة الخير.

6 / 17 احترام گذاشتن به نان

6 / 18 خوردن ریزه های افتاده از سفره

6 / 17 احترام گذاشتن به نانامام صادق علیه السلام: نان را نباید زیر کاسه گذاشت .

الكافی_ به نقل از فضل بن یونس _ : امام کاظم علیه السلام ناهار نزد ما بود . کاسه ای را که زیر آن قرص نانی بود ، آوردند . فرمود : «به نان احترام بگذارید و آن را زیر کاسه قرار ندهید» و به من فرمود : «به این پسر بگو نان را از زیر کاسه بردار!» .

6 / 18 خوردن ریزه های افتاده از سفرهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آنچه در اطراف سفره می افتد ، مَهْرِبِه حور العین است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس ریزه های افتاده از سفره را برچیند ، آمرزیده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس غذاهای افتاده [در اطراف سفره] را بردارد ، خداوند ، گناهانش را می آمرزد .

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ مِمَّا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ، نُفِيَ عَنْهُ الْفَقْرُ، وَنُفِيَ عَنِ وُلْدِهِ الْحُمُقُ. (1)

الإمام علي عليه السلام: أَكَلْ مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ. (2)

عنه عليه السلام: كُلُوا مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَأْذِنُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِهِ. (3)

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَكَلَ فِي مَنْزِلِهِ طَعَامًا فَسَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ فَلْيَتَنَاوَلْهُ، وَمَنْ أَكَلَ فِي الصَّحْرَاءِ أَوْ خَارِجًا فَلْيَتْرِكْهُ لِطَائِرٍ أَوْ سَبْعٍ. (4)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن محمد بن الوليد الكرماني: أَكَلْتُ بَيْنَ يَدَيَّ أَبِي جَعْفَرَ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ، حَتَّى إِذَا فَرَعْتُ وَرَفَعْتُ الْخِوَانُ، ذَهَبَ الْغُلَامُ يَرْفَعُ مَا وَقَعَ مِنْ فُتَاتِ الطَّعَامِ، فَقَالَ لَهُ: مَا كَانَ فِي الصَّحْرَاءِ فَدَعُهُ وَلَوْ فَخَذَ شَاةً، وَمَا كَانَ فِي الْبَيْتِ فَتَبَعَهُ وَالْقُطْعَةَ. (5)

19/6 عَدَمُ الْقِيَامِ عَنِ الطَّعَامِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا وُضِعَتِ الْمَائِدَةُ، فَلَا يَقُومُ رَجُلٌ حَتَّى تُرْفَعَ الْمَائِدَةُ. (6)

1- .. تاريخ بغداد: ج 4 ص 91 الرقم 1734، تاريخ دمشق: ج 69 ص 170 ح 13738 كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج 15 ص 252 ح 40823.

2- .. الخصال: ص 505 ح 2 عن سعيد بن علقمة، مشكاة الأنوار: ص 230 ح 645، روضة الواعظين: ص 499، بحار الأنوار: ج 66 ص 432 ح 18.

3- .. الكافي: ج 6 ص 300 ح 1 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 613 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنهم عليهم السلام، المحاسن: ج 2 ص 228 ح 1693 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عنهم عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 433 ح 19.

4- .. الكافي: ج 6 ص 298 ح 15 وص 301 ح 8، المحاسن: ج 2 ص 229 ح 1697 كلُّها عن معمر بن خلاد، بحار الأنوار: ج 66 ص 429 ح 9.

5- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 356 ح 4257، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 306 ح 973، الخرائج والجرائح: ج 1 ص 389 ح 17، بحار الأنوار: ج 66 ص 430 ح 14.

6- .. سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1096 ح 3295، تهذيب الكمال: ج 16 ص 348 الرقم 3682، الفردوس: ج 5 ص 114 ح 7648 كلاهما نحوه وكلُّها عن ابن عمر، كنز العمال: ج 9 ص 251 ح 25889.

6 / 19 بلند نشدن از سر سفره

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ریزه هایی را که از سفره می افتند، بخورد، فقر از خودش و حماقت از فرزندانش زدوده می شود.

امام علی علیه السلام: خوردن ریزه هایی که اطراف سفره می افتند، روزی را زیاد می کند.

امام علی علیه السلام: ریزه هایی را که اطراف سفره می افتند، بخورید که به خواست خداوند عز و جل، برای کسی که آن را به نیت شفا بخورد، شفای هر دردی است.

امام رضا علیه السلام: هر کس در منزلش غذا می خورد و چیزی از آن [بر سفره] می ریزد، آن را بخورد، و هر کس در صحرا یا بیرون غذا می خورد، ریزه هایش را برای پرندگان و یا درندگان بگذارد.

کتاب من لایحضره الفقیه_ به نقل از محمد بن ولید کرمانی _ در خدمت امام جواد علیه السلام غذا تناول کردم و چون غذا خوردنم تمام شد و سفره را برداشتند، غلام رفت که ریزه های افتاده غذا را بردارد. پس به او فرمود: «آنچه را [از ریزه های غذا] در بیابان است، رها کن، حتی اگر آن گوسفندی باشد، و آنچه را در خانه است، بیاب و بردار».

6 / 19 بلند نشدن از سر سفره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه سفره پهن شد، انسان نباید برخیزد، تا سفره جمع شود.

سنن ابن ماجة عن عائشة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ يُقَامَ عَنِ الطَّعَامِ حَتَّى يُرْفَعَ. (1)

دعائم الإسلام: عنه [أي الإمام الصادق] عليه السلام أنه كره القيام عن الطعام . وكان زبماً دعا بعض عبيده ، فيقال : هم يأكلون ، فيقول : دعوهم حتى يفرغوا. (2)

6 / 20 الإمساك قبل الشُّبْعِ رسول الله صلى الله عليه وآله : كُلِّ وَأَنْتَ تَشْتَهِي ، وَأَمْسِكْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي. (3)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَضُرَّهَ طَعَامٌ فَلَا يَأْكُلْ حَتَّى يَجُوعَ . . . وَلْيَكُفَّ عَنِ الطَّعَامِ وَهُوَ يَشْتَهِيهِ ، وَلْيَدَعُهُ وَهُوَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ. (4)

عنه عليه السلام_ في وَصِيَّتِهِ لِكُمَيْلٍ _ : يَا كُمَيْلُ ، لَا تَوْقِرَنَّ (5) مَعِدَتَكَ طَعَامًا ، وَدَعْ فِيهَا لِلْمَاءِ مَوْضِعًا وَلِلرَّيْحِ مَجَالًا ، وَلَا تَرْفَعْ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ ، فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَأَنْتَ تَسْتَمِرُّهُ (6) ؛ فَإِنَّ صِحَّةَ الْجِسْمِ مِنْ قَلَّةِ الطَّعَامِ وَقَلَّةِ الْمَاءِ. (7)

عنه عليه السلام : مَنْ أَكَلَ الطَّعَامَ عَلَى النَّقَاءِ ، وَأَجَادَ الطَّعَامَ تَمَضُّغًا ، وَتَرَكَ الطَّعَامَ وَهُوَ يَشْتَهِيهِ ، وَلَمْ يَحْسِبِ الْغَائِطَ إِذَا أَتَى ، لَمْ يَمْرُضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ. (8)

1- .. سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1095 ح 3294 ، تاريخ دمشق : ج 60 ص 379 ح 12486 ، كنز العمال : ج 15 ص 259 ح 40861

2- .. دعائم الإسلام : ج 2 ص 120 ح 408 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 413 ح 10 .

3- .. طب النبي : ص 2 ، طب الإمام الرضا عليه السلام : ص 16 نحوه وليس فيه صدره ، بحار الأنوار : ج 62 ص 290 .

4- .. طب الأئمة عليهم السلام لابني بسطام : ص 60 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 380 ح 46 .

5- .. أَوْقَرَ راحلته : أي حملها وقرا ؛ وهو الحمل الثقيل (تاج العروس : ج 7 ص 596 «وقر»).

6- .. مَرَأَ الطَّعَامَ وَاسْتَمَرَّأَ فَهُوَ مَرِيءٌ : أي هنيء حميد المغببة (تاج العروس : ج 1 ص 247 «مرأ»).

7- .. تحف العقول : ص 172 ، بشارة المصطفى : ص 25 عن كميل ، بحار الأنوار : ج 66 ص 425 ح 41 .

8- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 314 ح 1003 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 422 ح 37 .

6 / 20 دست کشیدن از غذا پیش از سیر شدن

سنن ابن ماجه_ به نقل از عایشه _ پیامبر خدا نهی فرمود از این که از سر سفره برخیزند ، تا این که سفره جمع شود .

دعائم الإسلام: روایت شده است که امام صادق علیه السلام خوش نداشت از سر سفره [تا زمانی که پهن است ، [برخیزد . گاه ، یکی از غلامانش را صدا می زد و چون می گفتند : آنها (غلامان) مشغول غذا خوردن هستند ، می فرمود : «بگذارید غذایشان را تمام کنند» .

6 / 20 دست کشیدن از غذا پیش از سیر شدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زمانی که اشتها داری ، غذا بخور و هنوز که اشتها داری ، دست از خوردن بکش .

امام علی علیه السلام : هر کس می خواهد غذا او را اذیت نکند ، تا گرسنه نشده است ، غذا نخورد ... و زمانی که هنوز اشتها دارد ، دست از خوردن بکشد ، و تا هنوز به آن نیاز دارد ، رهایش کند .

امام علی علیه السلام_ در سفارش به کمیل بن زیاد _ : ای کمیل ! معده ات را از غذا سنگین مکن و در آن ، جایی برای آب ، و فضایی برای هوا بگذار و هنوز که اشتها داری ، دست از خوردن بدار ، که اگر به این دستور عمل کنی ، غذا گوارایت می شود (تورا اذیت نمی کند) ؛ زیرا سلامت جسم ، در گرو کم خوردن غذا و کم نوشیدن آب است .

امام علی علیه السلام : هر کس غذای تمیز (سالم) بخورد و غذا را خوب بجود و در حالی که هنوز اشتها دارد ، دست از خوردن بکشد و هر گاه غائطش گرفت ، آن را نگه ندارد ، جز مرض مرگ ، بیماری دیگری به سراغش نمی آید .

عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْمَطَاعِمِ؛ فَإِنَّهُ أَبْعَدُ مِنَ السَّرْفِ، وَأَصَحُّ لِلْبَدَنِ، وَأَعْوَنُ عَلَى الْعِبَادَةِ. (1)

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَخَذَ الطَّعَامَ زِيَادَةً لَمْ يُفِدْهُ، وَمَنْ أَخَذَ بِقَدْرِ لَا زِيَادَةَ عَلَيْهِ وَلَا نَقْصَ غَدَاةٍ وَنَفَعَهُ، وَكَذَلِكَ الْمَاءُ. فَسَيِّئُكَ أَنْ تَأْخُذَ مِنَ الطَّعَامِ مِنْ كُلِّ صِدْفٍ مِنْهُ فِي إِبَانِهِ (2)، وَارْفَعِ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ وَبِكَ إِلَيْهِ بَعْضُ الْقَرَمِ (3)؛ فَإِنَّهُ أَصَحُّ لِيَدْنِكَ، وَأَذْكَى لِعَقْلِكَ، وَأَخَفُّ عَلَى نَفْسِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (4)

ثالثا: ما لا يَنْبَغِي فِعْلُهُ عِنْدَ التَّنَاوُلِ 6 / 21 الإِسْرَافُ الْكِتَابُ «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». (5)

«وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالتَّحْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». (6)

1- .. غرر الحكم: ج 4 ص 301 ح 6153، عيون الحكم والمواعظ: ص 341 ح 5833.

2- .. إِبَانُ كُلِّ شَيْءٍ: وَقْتُهُ وَحِينُهُ الَّذِي يَكُونُ فِيهِ (لسان العرب: ج 13 ص 4 «أبن»).

3- .. الْقَرَمُ: شِدَّةُ الشَّهْوَةِ إِلَى اللَّحْمِ، ثُمَّ كَثُرَ حَتَّى قَالُوا مِثْلًا بِذَلِكَ: قَرِمْتُ إِلَى لِقَائِكَ (لسان العرب: ج 12 ص 473 «قرم»).

4- .. طَبَّ الْإِمَامِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ص 14، بحار الأنوار: ج 62 ص 311.

5- .. الأعراف: 31.

6- .. الأنعام: 141. والمعروشات: أي مرفوعات على ما تحملها، يقال: عرشت الكرم: إذا جعلت تحته قصباً وأشباهه ليمتدّ عليه

(مجمع البحرين: ج 2 ص 1191 «عرش»).

سوم . کارهایی که هنگام خوردن نباید انجام داد

6 / 21 اسراف

امام علی علیه السلام: در باره خوراکی ها میانه روی کنید ؛ چرا که این ، از اسراف به دورتر است و بدن را سالم تر نگه می دارد و به عبادت ، بیشتر کمک می کند .

امام رضا علیه السلام: هر کس زیاد غذا بخورد ، سودش نمی بخشد ، و هر کس به اندازه بخورد ، نه بیشتر و نه کمتر ، آن خوراك ، او را تغذیه می کند و سودش می رساند ، و همین طور است آب . پس روش درست ، آن است که از هر نوع خوراکی ، در هنگام (فصل) آن بخوری و هنوز که اندکی اشتها داری ، دست از خوردنش برداری ؛ زیرا این کار ، به خواست خداوند ، بدنت را سالم تر ، ذهنت را هوشیارتر ، و جانت را سبک تر می دارد .

سوم . کارهایی که هنگام خوردن نباید انجام داد 6 / 21 اسرافقرآن «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید ، که خداوند ، اسرافکاران را دوست ندارد» .

«و اوست کسی که باغ هایی با داربست و بدون داربست ، و خرمائین ، و کشتزار با میوه های گوناگون آن ، و زیتون ، و انار ، مشابه یکدیگر و نامشابه ، پدید آورد . از میوه آن ، چون ثمر داد ، بخورید و حق [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید ؛ ولی زیاده روی نکنید ، که او اسرافکاران را دوست ندارد» .

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: كَلُوا وَاشْرَبُوا وَتَصَدَّقُوا وَابْسُوا، مَا لَمْ يُخَالِطَهُ إِسْرَافٌ أَوْ مَخِيلَةٌ (1). (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اشْتَهَيْتَ. (3)

الكافي عن ياسر الخادم: أَكَلَ الْغُلَمَانُ يَوْمًا فَأَكِهَةً وَلَمْ يَسْتَقْصُوا أَكْلَهَا وَرَمَوْا بِهَا، فَقَالَ لَهُم أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (4): سُبْحَانَ اللَّهِ! إِنْ كُنْتُمْ اسْتَغْنَيْتُمْ فَإِنَّ أَنَا لَمْ يَسْتَعْنُوا، أَطْعَمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ. (5)

22/6 ذَمُّ الطَّعَامِ صَحِيحٌ مُسَلِّمٌ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَابَ طَعَامًا قَطُّ، كَانَ إِذَا اشْتَهَاهُ أَكَلَهُ، وَإِنْ لَمْ يَشْتَهِهِ سَكَتَ. (6)

1- .. مخيلة: أي كبر، والخيلاء: الكبر والعجب (النهاية: ج 2 ص 93 «خيل»).

2- .. سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1192 ح 3605، سنن النسائي: ج 5 ص 79، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 600 ح 6707، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 150 ح 7188 نحوه وكلها عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده، كنز العمال: ج 15 ص 246 ح 40784.

3- .. سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1112 ح 3352، شعب الإيمان: ج 5 ص 46 ح 5721 كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 15 ص 263 ح 40886.

4- .. الظاهر أنه الإمام الرضا عليه السلام.

5- .. الكافي: ج 6 ص 297 ح 8، المحاسن: ج 2 ص 224 ح 1674 عن نادر الخادم، دعائم الإسلام: ج 2 ص 115 ح 381 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 118 ح 4.

6- .. صحيح مسلم: ج 3 ص 1633 ح 188، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 415 ح 9512، سنن أبي داود: ج 3 ص 346 ح 3763 وفيه «وإن كرهه تركه» بدل «وإن لم يشتهه سكت»، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1085 ح 3259، صحيح ابن حبان: ج 14 ص 348 ح 6436 كلاهما نحوه.

6 / 22 بد گفتن از غذا

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و بپوشید، به شرط آن که با اسراف یا تکبر آمیخته نباشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از مصادیق اسراف، آن است که هر چه می خواهی، بخوری.

الکافی_ به نقل از یاسر خادم_ روزی، غلامان، میوه ای خوردند و آن را تا آخرش نخوردند و دور انداختند. ابو الحسن علیه السلام (1) به آنان فرمود: «عجبا! اگر شما نیاز ندارید، مردمانی هستند که نیازمندند. آن را به کسانی که بدان نیازمندند، بدهید».

6 / 22 بد گفتن از غذا صحیح مسلم_ به نقل از ابو هریره_ هرگز ندیدم که پیامبر خدا غذایی را نکوهش کند؛ [بلکه] اگر آن را دوست داشت، می خورد و اگر دوست نمی داشت، سکوت می کرد.

1- مقصود، امام رضا علیه السلام است.

الإمام الصادق عليه السلام: كُفِّرَ بِالنَّعَمِ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ: أَكَلْتُ الطَّعَامَ كَذَا وَكَذَا فَضَرَّنِي. (1)

6 / 23 النَّفْخُ فِي الطَّعَامِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: النَّفْخُ فِي الطَّعَامِ يَذْهَبُ بِالْبِرْكَاتِ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام- في ذِكْرِ مَنْاهِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - نَهَى أَنْ يُنْفَخَ فِي طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ. (3)

سنن أبي داود عن ابن عباس: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُتَنَفَّسَ فِي الْإِنَاءِ، أَوْ يُنْفَخَ فِيهِ. (4)

الإمام عليّ عليه السلام: لَا يُنْفَخُ الرَّجُلُ فِي مَوْضِعِ سُجُودِهِ، وَلَا يُنْفَخُ فِي طَعَامِهِ، وَلَا فِي شَرَابِهِ. (5)

الإمام الصادق عليه السلام: يُكْرَهُ النَّفْخُ فِي الرَّقِيِّ (6) وَالطَّعَامِ وَمَوْضِعِ السُّجُودِ. (7)

-
- 1- .. معاني الأخبار: ص 385 ح 18، المحاسن: ج 2 ص 238 ح 1733، فقه الرضا: ص 347 وليس فيه «كذا وكذا»، بحار الأنوار: ج 66 ص 337 ح 32.
- 2- .. مكارم الأخلاق: ج 1 ص 313 ح 998؛ تاريخ أصبهان: ج 1 ص 415 ح 787، إحياء العلوم: ج 5 ص 282، الفردوس: ج 4 ص 309 ح 6906 والثلاثة الأخيرة عن عائشة.
- 3- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 9 ح 4968، الأمالي للصدوق: ص 512 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 400 ح 1؛ مسند ابن حنبل: ج 1 ص 662 ح 2818 وص 765 ح 3366، المعجم الكبير: ج 11 ص 235 ح 11789 والثلاثة الأخيرة عن ابن عباس، كنز العمال: ج 15 ص 294 ح 41069.
- 4- .. سنن أبي داود: ج 3 ص 338 ح 3728، سنن الترمذي: ج 4 ص 304 ح 1888، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 473 ح 1907، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1094 ح 3288 نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 294 ح 41070؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 170 ح 194.
- 5- .. الخصال: ص 613 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 102، بحار الأنوار: ج 66 ص 458 ح 1.
- 6- .. الرُّقَى: جمع رُقِيَّة؛ وهي العُوذَةُ (القاموس المحيط: ج 4 ص 336 «رقي»).
- 7- .. الخصال: ص 158 ح 203 عن الحسين بن مصعب، بحار الأنوار: ج 66 ص 400 ح 2.

6 / 23 فُوت کردن در غذا

امام صادق علیه السلام: کفران نعمت است که انسان بگوید: فلان غذا و بهمان غذا را خوردم و اذیتم کرد.

6 / 23 فُوت کردن در غذا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فُوت کردن (دمیدن) در غذا، برکت را [از آن] می برد.

امام علی علیه السلام: در بیان نهی های پیامبر صلی الله علیه و آله: از فوت کردن در غذا یا نوشیدنی، نهی فرمود.

سنن أبی داود: به نقل از ابن عباس: پیامبر خدا از رساندنِ بازدم به ظرف خوراك یا دمیدن در آن، نهی فرمود.

امام علی علیه السلام: انسان نباید در محلّ سجده اش یا در غذایش و یا در نوشیدنی اش فوت کند.

امام صادق علیه السلام: دمیدن در تعویذ و غذا و محلّ سجده، مکروه است.

دعائم الإسلام: عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ رَخَّصَ فِي النَّفْخِ فِي الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ ، وَقَالَ : إِنَّمَا يُكْرَهُ ذَلِكَ لِمَنْ كَانَ مَعَهُ غَيْرُهُ ؛ كَيْ لَا يِعَافَهُ (1) . (2)

علل الشرائع: عن بكار بن أبي بكر الحضرمي عن أبي عبد الله عليه السلام _ في الرَّجُلِ يَنْفُخُ فِي الْقَدَحِ _ قَالَ : لَا بَأْسَ ، وَإِنَّمَا يُكْرَهُ ذَلِكَ [إِذَا كَانَ] (3) مَعَهُ غَيْرُهُ ؛ كَرَاهِيَةً أَنْ يِعَافَهُ. (4)

وَعَنِ الرَّجُلِ يَنْفُخُ فِي الطَّعَامِ ، قَالَ : أَلَيْسَ إِنَّمَا يُرِيدُ يَبْرُدُهُ؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ : لَا بَأْسَ. (5)

6 / 24 الأكلُ بِالشَّمَالِ رسول الله صلى الله عليه وآله : الأكلُ بِالشَّمَالِ مِنَ الْجَفَا (6) . (7)

عنه صلى الله عليه وآله : لَا تَأْكُلُوا بِالشَّمَالِ ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِالشَّمَالِ. (8)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَكَلَ بِشِمَالِهِ أَكَلَ مَعَهُ الشَّيْطَانُ ، وَمَنْ شَرِبَ بِشِمَالِهِ شَرِبَ مَعَهُ الشَّيْطَانُ. (9)

1- .. عاف الشيء يعافه؛ إذا كرهه من طعامٍ أو شرابٍ (العين : ص 595 «عيف»).

2- .. دعائم الإسلام : ج 2 ص 118 ح 395 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 403 ح 15 .

3- .. ما بين المعقوفين سقط من الطبعة المعتمدة للمصدر ، وأثبتناه من بحار الأنوار .

4- .. في المصدر : «يعاقبه» ، والتصويب من بحار الأنوار .

5- .. علل الشرائع : ص 518 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 401 ح 5 .

6- .. الجفا _ يُقَصِّرُ وَيُمَدُّ _ : خِلافِ البِرِّ ، نَقِيضُ الصَّلَةِ (لسان العرب : ج 14 ص 148 «جفا»).

7- .. الجعفریات : ص 162 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

8- .. صحيح مسلم : ج 3 ص 1598 ح 104 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1088 ح 3268 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 91 ح 14593

كلها عن جابر ، صحيح ابن حبان : ج 12 ص 34 ح 5229 عن سالم بن عبد الله عن أبيه نحوه ، كنز العمال : ج 15 ص 261 ح 40872

9- .. مسند ابن حنبل : ج 9 ص 355 ح 24533 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 96 ح 292 كلاهما عن عائشة ، كنز العمال : ج 15 ص

262 ح 40876 .

6 / 24 غذا خوردن با دست چپ

دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان دمیدن در غذا و نوشیدنی را اجازه داد و فرمود: «این کار برای کسی که دیگری با او [هم غذا] باشد، مکروه است، برای این که باعث اشمئزاز وی نشود».

علل الشرائع_ به نقل از بگّار بن ابی بکر حضرمی، در باره فوت کردن در کاسه_: امام صادق علیه السلام فرمود: «اشکالی ندارد. این کار، زمانی مکروه است که دیگری با او [هم سفره یا هم کاسه] باشد؛ چون ممکن است موجب اشمئزاز وی گردد». نیز در باره دمیدن شخص در غذا سؤال شد. فرمود: «برای سرد شدن غذا این کار را می کند؟». گفت: آری. فرمود: «اشکالی ندارد».

6 / 24 غذا خوردن با دست چپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذا خوردن با دست چپ، از بی آدابی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با دست چپ غذا نخورید؛ چون شیطان با دست چپ می خورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با دست چپ غذا بخورد، شیطان با او هم کاسه می شود، و هر کس با دست چپ بیاشامد، شیطان با او می آشامد.

عنه صلى الله عليه وآله: إذا أكلَ أحدكم فلا يأكلُ بِشمالِهِ، وإذا شربَ فلا يشربُ بِشمالِهِ، وإذا أخذَ فلا يأخذُ بِشمالِهِ، وإذا أعطى فلا يُعطي بِشمالِهِ. (1)

صحيح مسلم عن جابر: إنَّ رسولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نهى أن يأكلَ الرَّجُلُ بِشمالِهِ. (2)

المعجم الكبير عن جرهد: أنَّه أتى النَّبيَّ صلى الله عليه وآله وبينَ يديه طعامٌ، فأدنى جرهدُ يدهُ الشمالَ ليأكلَ وكانتِ اليمنى مُصابةً، فقال: كلُّ باليمينِ. فقال: يا رسولَ اللَّهِ إنها مُصابةٌ! فنفتَّ (3) عليها رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فما شكَا حتَّى مات. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: لا تأكلُ باليسارِ وأنتَ تستطيعُ. (5)

الكافي عن سماعة عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سألتُهُ عليه السلام عن الرَّجُلِ يأكلُ بِشمالِهِ أو يشربُ بها، فقال: لا يأكلُ بِشمالِهِ، ولا يشربُ بِشمالِهِ، ولا يتناولُ بها شيئاً. (6)

1- .. مسند ابن حنبل: ج 7 ص 108 ح 19437 وج 8 ص 389 ح 22719 كلاهما عن عبد الله بن أبي طلحة، صحيح ابن حبان: ج 12 ص 30 ح 5226 عن سالم عن أبيه نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 262 ح 40878.

2- .. صحيح مسلم: ج 3 ص 1661 ح 70، الموطأ: ج 2 ص 922 ح 5، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 404 ح 13095 عن أنس؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 306 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليٍّ عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 2 ص 119 ح 399، بحار الأنوار: ج 66 ص 389 ح 26.

3- .. النَّفث: شبيهه بالنفخ، وهو أقلُّ من النَّفْل؛ لأنَّ النَّفْلَ لا يكون إلا ومعه شيء من الرِّيق (النهاية: ج 5 ص 88 «نفث»).

4- .. المعجم الكبير: ج 2 ص 273 ح 2151، الإصابة: ج 1 ص 581 الرقم 1134 نحوه، كنز العمال: ج 12 ص 368 ح 35381؛ الخرائج والجرائح: ج 1 ص 54 ح 86، المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 118 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 388 ح 21 وراجع: دلائل النبوة للبيهقي: ج 6 ص 238.

5- .. الكافي: ج 6 ص 272 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 93 ح 403، المحاسن: ج 2 ص 243 ح 1755 كلُّها عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 66 ص 387 ح 15.

6- .. الكافي: ج 6 ص 272 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 93 ح 404، المحاسن: ج 2 ص 243 ح 1753، دعائم الإسلام: ج 2 ص 119 ح 400 نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 387 ح 13.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وقتی یکی از شما غذا می خورد، با دست چپش نخورد و وقتی می آشامد، با دست چپش نیاشامد و وقتی می گیرد، با دست چپش نگیرد و وقتی می دهد، با دست چپش ندهد.

صحیح مسلم_ به نقل از جابر_ پیامبر خدا از این که انسان با دست چپش غذا بخورد، نهی فرمود.

المعجم الکبیر_ در باره جُرْهُد _ : خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و جلوی ایشان غذایی بود. جرهد، دست چپش را پیش برد که بخورد؛ چون دست راستش صدمه دیده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «با دست راست بخور». گفت: ای پیامبر خدا! دست راستم صدمه دیده است. پیامبر خدا روی دست او دمید و از آن پس، جرهد تا زنده بود، دستش درد نگرفت.

امام صادق علیه السلام: تا جایی که می توانی، با دست چپ غذا نخور.

الکافی_ به نقل از سماعه _ : از امام صادق علیه السلام در باره مردی که با دست چپش غذا می خورد یا آب می نوشد، سؤال کردم. فرمود: «با دست چپش نخورد و با دست چپش نیاشامد و با آن، چیزی بر ندارد».

6 / 25 الأكل بالإصبع والإصبعين رسول الله صلى الله عليه وآله: الأكل بإصبع واحد أكل الشيطان، والأكل بالاثنتين أكل الجبابة، وبالثلث أكل الأنبياء. (1)

نوادير الأصول عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تأكلوا بهاتين - وأشار بالإبهام والمشيخة - وقال: كلوا بثلاث؛ فإنها سنة، ولا تأكلوا بخمس؛ فإنها إكلة الأعراب. (2)

الكافي: عن أبي خديجة عن أبي عبد الله عليه السلام أنه كان يجلس جلسة العبد، ويضع يده على الأرض، ويأكل بثلاث أصابع، وأن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يأكل هكذا، ليس كما يفعل الجبارون؛ أحدهم يأكل بإصبعيه. (3)

6 / 26 رفع الصوت بالجشاء رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا تجشأت (4) فلا ترفعوا جشاءكم. (5)

1- .. طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 2، بحار الأنوار: ج 62 ص 290؛ كنز العمال: ج 15 ص 260 ح 40866 نقلاً عن أبي محمد الغطريف في جزئه وابن النجار عن أبي هريرة.

2- .. نوادر الأصول: ج 1 ص 101، سير أعلام النبلاء: ج 8 ص 525 نحوه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، كنز العمال: ج 15 ص 262 ح 40879.

3- .. الكافي: ج 6 ص 297 ح 6، المحاسن: ج 2 ص 224 ح 1677، دعائم الإسلام: ج 2 ص 119 ح 402 نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 412 ح 10.

4- .. تجشأ الإنسان تجشؤاً، والاسم الجشاء؛ وهو صوت مع ريح يحصل من الفم عند حصول الشبع (المصباح المنير: ص 102 «جشأ»).

5- .. الكافي: ج 6 ص 269 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 92 ح 396 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 233 ح 1714 عن النوفلي وكلاهما بزيادة «إلى السماء» في ذيل الحديث، بحار الأنوار: ج 76 ص 56 ح 3.

6 / 25 غذا خوردن با يك يا دو انگشت

6 / 26 آروغ زدن با صدای بلند

6 / 25 غذا خوردن با يك يا دو انگشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذا خوردن با يك انگشت ، غذا خوردن شیطان است و غذا خوردن با دو انگشت ، غذا خوردن متکبران است و با سه انگشت ، غذا خوردن پیامبران است .

نوادر الأصول_ به نقل از ابن عبّاس _ پیامبر خدا به انگشت شست و نشانه اش اشاره کرد و فرمود : «با این دو غذا نخورید» و فرمود : «با سه انگشت ، غذا بخورید که این ، سنت است ، و با پنج انگشت نخورید ؛ زیرا غذا خوردن با پنج انگشت ، غذا خوردن بادیه نشینان است» .

الکافی_ به نقل از ابو خدیجه _ امام صادق علیه السلام مثل بنده می نشست ، و دستش را روی زمین می گذاشت ، و با سه انگشت غذا می خورد و [می فرمود :] «پیامبر خدا این گونه غذا می خورد ، نه چنان که متکبران می خورند . آنها با دو انگشت ، غذا می خورند» .

6 / 26 آروغ زدن با صدای بلند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه آروغ می زنی ، صدایتان را به آروغ ، بلند نکنید .

الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا يَتَجَشَّأُ، فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، قَصِّرْ مِنْ جُشَائِكَ. (1)

راجع: ص 390 (الأكل / الفصل الرابع / مضارّ النهمة الباطنية / جوع يوم القيامة).

6 / 27 نَهَكَ الْعِظَامِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تُمْشِمِشُوا مُشَاشَ (2) الطَّيْرِ؛ فَإِنَّهُ يورثُ السَّلَّ. (3)

الكافي عن محمد بن الهيثم عن أبيه: صَدَّ نَعْنَا أَبُو حَمَزَةَ طَعَامًا وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ، فَلَمَّا حَضَرْنَا رَأَى رَجُلًا يَنْهَكَ (4) عَظْمًا، فَصَاحَ بِهِ فَقَالَ: لَا تَفْعَلْ؛ فَإِنِّي سَدِّعْتُ عَلَيَّ بَنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا تَنْهَكُوا الْعِظَامَ؛ فَإِنَّ فِيهَا لِلْجَنِّ نَصِيبًا، وَإِنْ فَعَلْتُمْ ذَهَبَ مِنَ الْبَيْتِ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ (5). (6)

المحاسن عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعِظَمِ أَنْهَكَ؟ قَالَ: نَعَمْ (7). (8)

بيان هذا الجواب يدل على جواز نهك العظام، فلا ينافي الكراهة التي تدل عليها الروايات السابقة.

1- .. المحاسن: ج 2 ص 234 ح 1716، بحار الأنوار: ج 66 ص 339 ح 2.

2- .. المُشَاش: رُوِيَ عَنِ الْعِظَامِ اللَّيْنَةِ الَّتِي يُمْكِنُ مَضْغُهَا. وَمُشَمِّشُهُ: مَضْغُهَا (لسان العرب: ج 6 ص 347 «مشش»).

3- .. كنز العمال: ج 15 ص 264 ح 40889 نقلاً عن ابن النجار عن مرثد بن عبد الله البرني.

4- .. النَّهْكَ: الْمُبَالَغَةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَنَهَكَ مِنَ الطَّعَامِ: بِالْعَفْوِ فِي أَكْلِهِ (القاموس المحيط: ج 3 ص 322 «نهك»).

5- .. قال العلامة المجلسي قدس سره: قال الوالد قدس سره: يَنْهَكَ عِظْمًا؛ أَي يُخْرِجُ مَخَّهُ، أَوْ يَسْتَأْصِلُ لِحْمَهُ، أَوْ الْأَعْمَمَ (بحار الأنوار: ج 66 ص 426).

6- .. الكافي: ج 6 ص 322 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 350 ح 4230 عن علي بن أسباط عن أبيه، المحاسن: ج 2 ص 264 ح 1839، بحار الأنوار: ج 66 ص 426 ح 1.

7- .. قال العلامة المجلسي قدس سره: يُمْكِنُ حَمْلُهُ عَلَى نَهْكَ لَا يَصِلُ إِلَى حُدِّ اسْتِنْتِصَالٍ، مَعَ أَنَّ التَّجْوِيزَ لَا يَنْفِي الْكِرَاهَةَ (بحار الأنوار: ج 66 ص 427).

8- .. المحاسن: ج 2 ص 265 ح 1840، بحار الأنوار: ج 66 ص 427 ح 7.

6 / 27 زیاد پاك كردن استخوان**اشاره**

امام صادق عليه السلام: پیامبر خدا صدای آروغ زدن مردی را شنید. فرمود: «ای بنده خدا! آهسته آروغ بزن».

ر. ک: ص 391 (غذا خوردن / فصل چهارم / ضررهای معنوی پرخوری / گرسنگی روز قیامت).

6 / 27 زیاد پاك كردن استخوان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نرمه های سر استخوان پرندگان را نخورید؛ چون موجب بیماری سل می شود.

الكافی_ به نقل از محمد بن هیشم، از پدرش _: ابو حمزه برای جمعی از ما غذایی پخت و چون غذا را آوردند، مشاهده کرد که یکی از ما استخوانی را سخت پاك می کند. (1) فریاد زد: این کار را نکن؛ چون از امام زین العابدین علیه السلام شنیدم که می فرماید: «استخوان ها را سخت پاك نکنید؛ چرا که برای جنیان نیز در استخوان، سهمی است و اگر چنین کنید، چیزی از خانه می رود که از این (پاك شده استخوان)، عزیزتر است».

المحاسن_ به نقل از محمد بن مسلم _: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا می توانم استخوان را کاملاً تمیز کنم [و هر چه گوشت و مغز دارد، بخورم]؟ فرمود: «آری».

1- سخت پاك كردن استخوان، به معنای خارج كردن مغز آن یا خوردن و لُخت كردن تمام گوشت آن، و یا اعم از هر دو است (ر. ک: بحار الأنوار: ج 66 ص 426).

توضیح‌حاین جواب ، بر جواز تمیز کامل کردن استخوان دلالت می کند . بنا بر این ، با کراهتی که احادیث پیش تر بر آن دلالت داشتند ، منافاتی ندارد . (1)

6 / 286 / 28 الشُّرْبُ أَثْنَاءَ الطَّعَامِ لِإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَرَادَ أَلَّا تُؤْذِيَهُ مَعِدَتُهُ فَلَا يَشْرَبُ عَلَى طَعَامِهِ مَاءً حَتَّى يَفْرَغَ مِنْهُ ، وَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ رَطَبَ بَدَنَهُ ، وَضَعَفَتْ (2) مَعِدَتُهُ ، وَلَمْ تَأْخُذِ الْعُرُوقُ قُوَّةَ الطَّعَامِ ؛ لِأَنَّهُ يَصِيرُ فِي الْمَعِدَةِ فِجًا (3) إِذَا صَبَّ الْمَاءُ عَلَى الطَّعَامِ أَوَّلًا فَأَوَّلًا . (4)

6 / 29 شُرْبُ الْمَاءِ عَلَى اللَّحْمِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ اللَّحْمَ لَا يَعْجَلُ بِشُرْبِ الْمَاءِ ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَا أَقَلَّ شُرْبَكَ لِلْمَاءِ عَلَى اللَّحْمِ! فَقَالَ : لَيْسَ أَحَدٌ يَأْكُلُ هَذَا الْوَدَكِ (5) ثُمَّ يَكْفُفُ عَنِ شُرْبِ الْمَاءِ إِلَى آخِرِ الطَّعَامِ إِلَّا اسْتَمْرَأَ . (6)

1- .علامه مجلسی رحمه الله می گوید : می توان این روایت را بر مکیدن حمل کرد که به حدّ لخت کردن کامل استخوان نرسد . وانگهی ، تجویز ، منافاتی با کراهت ندارد (بحار الأنوار : ج 66 ص 427) .

2- .. في المصدر : «وضعف» ، وما أثبتناه من بحار الأنوار .

3- .. الفِجَّ _ بالكسر _ من كل شيء : ما لم ينضج ، والنَّيْءُ من الفواكه . وبَطِّيخٍ فِجٌّ : إذا كان صلباً غير نضيج (تاج العروس : ج 3 ص 450 «فجج») .

4- .. طَبَّ الإِمام الرضا عليه السلام : ص 35 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 323 .

5- .. الْوَدَكُ : الدَّسَمُ (القاموس المحيط : ج 3 ص 322 «الْوَدَكُ») .

6- .. الْجَعْفَرِيَّاتُ : ص 161 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

6 / 28 آب خوردن در بین غذا**6 / 29 نوشیدن آب پس از خوردن گوشت**

آب خوردن در بین غذا امام رضا علیه السلام: هر کس می خواهد ناراحتی معده نگیرد، روی غذا (لقمه) آب نخورد تا آن که غذایش را تمام کند، و هر که چنین کند (در بین غذا آب بخورد)، بدنش به رطوبت می گراید و معده اش ضعیف می شود و رگ ها نیروی غذا را جذب نمی کنند؛ زیرا اگر روی غذا پیای آب ریخته شود، آن غذا در معده خام می ماند (به درستی هضم نمی شود).

6 / 29 نوشیدن آب پس از خوردن گوشت امام علی علیه السلام: پیامبر خدا هر گاه گوشت می خورد، بلافاصله آب نمی نوشید. یکی از اصحاب از اهل بیتش گفت: ای پیامبر خدا! شما چه قدر کم، روی گوشت، آب می خورید! فرمود: «هر يك از شما این چربی را بخورد و تا آخر غذا از نوشیدن آب خودداری ورزد، آن غذا خوب گوارش می شود و او را اذیت نمی کند».

6 / 130 الأكلُ عَلَى الشَّبْعِ رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله في وصاياه لِعَلِيِّ عليه السلام - يا عَلِيُّ ، أربَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضِيعًا : الأكلُ عَلَى الشَّبْعِ ، وَالسَّرَاجُ فِي القَمَرِ ، وَالزَّرْعُ فِي السَّبْحَةِ ، وَالصَّنِيعَةُ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهَا. (1)

عنه صلى الله عليه وآله : الأكلُ عَلَى الشَّبْعِ يورِثُ البَرَصَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله : خَمْسُ خِصَالٍ تورِثُ البَرَصَ : التَّورَةُ يَوْمَ الجُمُعَةِ وَيَوْمَ الأَرَبِعاءِ ، وَالتَّوَضُّي وَالإِغْتِسَالُ بِالماءِ الَّذِي تُسَخَّنُهُ الشَّمْسُ ، وَالأَكْلُ عَلَى الجَنَابَةِ ، وَغَشْيَانُ المَرَأَةِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهَا ، وَالأَكْلُ عَلَى الشَّبْعِ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام : ثَلَاثَةٌ فِيهِنَّ المَقْتُ مِنَ اللَّهِ عز و جل : نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ ، وَضِحْكٌ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ ، وَأَكْلٌ عَلَى الشَّبْعِ. (4)

المحاسن عن علي بن حديد رفعه : قامَ عيسى بنُ مريمَ عليه السلامَ خطيباً في بني إسرائيل ، فقالَ : يا بني إسرائيل ، لا تأكلوا حتَّى تجوعوا ، وإذا جعتم فكلوا ولا تشبعوا. (5)

1- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 373 ح 5762 عن أنس بن محمد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ص 264 ح 143 عن حماد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وص 263 ح 142 عن علي بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 335 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، تحف العقول : ص 9 وفيه «ضلالاً» بدل «ضياعا» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 332 ح 11 .

2- .. الأمالي للصدوق : ص 636 ح 854 عن عبد الحميد بن عواض الطائي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الكافي : ج 6 ص 269 ح 7 ، تهذيب الأحكام : ج 9 ص 93 ح 399 ، المحاسن : ج 2 ص 232 ح 1710 كلها عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات : ص 139 ح 348 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 331 ح 8 .

3- .. الخصال : ص 270 ح 9 عن ابن عباس ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 145 ح 382 ، روضة الواعظين : ص 338 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 334 ح 16 .

4- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 503 ح 1444 ، الخصال : ص 89 ح 25 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 332 ح 9 .

5- .. المحاسن : ج 2 ص 233 ح 1712 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 337 ح 30 .

6 / 30 خوردن از روی سیری

6 / 30 خوردن از روی سیری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیه های خویش به علی علیه السلام _ : ای علی! چهار کار ، هَدَر است : خوردن از روی سیری ، چراغ افروختن در شب مهتابی ، کِشتن در شوره زار ، و خوبی کردن به ناهلش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوردن از روی سیری ، موجب پیسی می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پنج کار است که پیسی می آورد : نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه ، وضوگرفتن و غسل کردن با آبی که در آفتاب گرم شده باشد ، خوردن در حال جنابت ، مجامعت با زن در دوره قاعدگی اش ، و غذا خوردن از روی سیری .

امام صادق علیه السلام : سه کار است که خداوند عز و جل از آنها نفرت دارد : خوابیدن [در روز] بدون آن که شب زنده داری شده باشد ، خندیدن بدون تعجب ، و خوردن در حال سیری .

المحاسن_ به نقل از علی بن حدید ، که سند آن را به اهل بیت علیهم السلام می رساند _ : عیسی بن مریم علیه السلام در میان بنی اسرائیل به سخترانی پرداخت و فرمود : «ای بنی اسرائیل! تا گرسنه نشده اید ، غذا نخورید ، و چون گرسنه شدید ، بخورید ؛ اما خودتان را سیر نکنید» .

رابعا : الحالات المذمومة عند الأكل 6 / 31 الإنبساط حسن أبي داود عن سالم عن أبيه : نهى رسول الله صلى الله عليه وآله ... أن يأكل الرجل وهو منبطح على بطنه. (1)

دعائم الإسلام : عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه نهى أن يأكل أحد بشماله ، أو يشرب بشماله ، أو يمشي في نعل واحد . وكان يستحب اليمين في كل شيء . وكان ينهى عن ثلاث أكالات : ألا يأكل أحد بشماله ، أو مستلقيا على قفاه ، أو منبطحا على بطنه. (2)

الكافي عن سماعة : سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يأكل متكئا؟ فقال : لا ، ولا منبطحا. (3)

6 / 32 الإتكاء رسول الله صلى الله عليه وآله : لا تأكل متكئا. (4)

1- .. سنن أبي داود : ج 3 ص 349 ح 3774 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1118 ح 3370 وفيه «وجهه» بدل «بطنه» ، السنن الكبرى : ج 7 ص 434 ح 14550 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 143 ح 7171 ، كنز العمال : ج 9 ص 258 ح 25932 ؛ عوالي اللآلي : ج 1 ص 163 ح 163 .

2- .. دعائم الإسلام : ج 2 ص 119 ح 399 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 389 ح 26 .

3- .. الكافي : ج 6 ص 271 ح 4 ، المحاسن : ج 2 ص 246 ح 1765 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 386 ح 9 .

4- .. المعجم الأوسط : ج 1 ص 14 ح 33 ، تاريخ دمشق : ج 45 ص 408 ح 9926 كلاهما عن أبي الدرداء ، كنز العمال : ج 15 ص 263 ح 40881 ؛ الدعوات : ص 137 ح 338 عن الإمام الصادق عليه السلام ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 119 ح 397 عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 388 ح 24 .

چهارم . حالت های نکوهیده در هنگام غذا خوردن

6 / 31 در حال درازکش

6 / 32 در حال تکیه دادن

اشاره

چهارم . حالت های نکوهیده در هنگام غذا خوردن 6 / 31 در حال درازکشسنن أبی داوود_ به نقل از سالم ، از پدرش _ : پیامبر خدا نهی فرمود از این که ... انسان ، در حالی که روی شکمش دراز کشیده است ، غذا بخورد .

دعائم الإسلام : چ پیامبر خدا از خوردن با دست چپ یا آشامیدن با دست چپ و یا راه رفتن با يك لنگه کفش نهی فرمود ، و استفاده از دست راست را در هر کاری دوست می داشت ، و از سه نوع غذا خوردن ، نهی می فرمود : این که کسی با دست چپش ، یا در حالی که به پشت یا به شکم دراز کشیده است ، غذا بخورد .

الکافی_ به نقل از سماعه _ : از امام صادق علیه السلام در باره غذا خوردن در حال تکیه دادن پرسیدم . فرمود : «نه ، و در حال دراز کشیدن به شکم هم نباید غذا خورد» .

6 / 32 در حال تکیه دادنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در حال تکیه زدن ، غذا نخور .

عنه صلى الله عليه وآله: لا آكلُ وأنا مُتَكَيِّئٌ. (1)

دعائم الإسلام: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ نَهَى عَنِ الْأَكْلِ مُتَكَيِّئًا. وَكَانَ إِذَا أَكَلَ اسْتَوْفَزَ عَلَى إِحْدَى رِجْلَيْهِ، وَاطْمَأَنَّ بِالْآخَرَى، وَيَقُولُ: أَجْلِسُ كَمَا يَجْلِسُ الْعَبْدُ، وَأَكُلُ كَمَا يَأْكُلُ الْعَبْدُ. (2)

الإمام علي عليه السلام: لا تأكلُ مُتَكَيِّئًا كَمَا يَأْكُلُ الْجَبَّارُونَ، وَلَا تَرَبِّعْ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: ما أَكَلَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ مُتَكَيِّئٌ مُنْذُ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَشَبَّهَ بِالْمَلُوكِ، وَنَحْنُ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَفْعَلَ. (4)

الكافي عن زيد الشحام: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنْذُ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى أَنْ قَبِضَهُ، وَكَانَ يَأْكُلُ إِكْلَةَ الْعَبْدِ، وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ. قُلْتُ: وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: تَوَاضَعَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (5)

الكافي عن أبي خديجة: سَأَلَ بَشِيرُ الدَّهَّانُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ: هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ مُتَكَيِّئًا عَلَى يَمِينِهِ وَعَلَى يَسَارِهِ؟ فَقَالَ: مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ مُتَكَيِّئًا عَلَى يَمِينِهِ وَلَا عَلَى يَسَارِهِ، وَلَكِنْ كَانَ يَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ. قُلْتُ: وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: تَوَاضَعَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (6)

-
- 1- .. صحيح البخاري: ج 5 ص 2062 ح 5084، سنن الترمذي: ج 4 ص 273 ح 1830، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1086 ح 3262، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 456 ح 18779 كلها عن أبي جحيفة، كنز العمال: ج 15 ص 261 ح 40871.
- 2- .. دعائم الإسلام: ج 2 ص 118 ح 396، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 69 ح 79 وفيه ذيله من «ويقول»، بحار الأنوار: ج 6 ص 389 ح 25 وراجع: مسند أبي يعلى: ج 4 ص 442 ح 4899 وتاريخ دمشق: ج 4 ص 73 ح 890.
- 3- .. دعائم الإسلام: ج 2 ص 119 ح 397، بحار الأنوار: ج 6 ص 389 ح 26.
- 4- .. الكافي: ج 6 ص 272 ح 8، المحاسن: ج 2 ص 247 ح 1768 كلاهما عن معلى بن خنيس، بحار الأنوار: ج 6 ص 387 ح 12.
- 5- .. الكافي: ج 6 ص 270 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 245 ح 1762، دعائم الإسلام: ج 2 ص 119 ح 398 وفيه صدره إلى «قبضه»، بحار الأنوار: ج 16 ص 261 ح 51 وراجع: مسند ابن حنبل: ج 2 ص 567 ح 6560 وتاريخ دمشق: ج 4 ص 73 ح 890.
- 6- .. الكافي: ج 6 ص 271 ح 7، المحاسن: ج 2 ص 245 ح 1761، بحار الأنوار: ج 6 ص 385 ح 4.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من در حال تکیه زدن، غذا نمی خورم.

دعائم الإسلام: پیامبر خدا از خوردن در حال تکیه دادن، نهی فرمود و خودش هر گاه غذا می خورد، روی یکی از پاهایش قرار می گرفت و به دیگری تکیه می داد و می فرمود: «من به سان بنده می نشینم و چونان بنده غذا می خورم».

امام علی علیه السلام: مثل شاهان، تکیه زنان مخور و [در حال خوردن،] چهارزانو نیز منشین.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا از زمانی که خداوند، او را مبعوث کرد، هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد و خوش نداشت که مانند پادشاهان باشد؛ ولی ما نمی توانیم چنین کنیم.

الکافی_ به نقل از زید شحّام_: امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا از زمانی که خداوند عز و جل او را برانگیخت، تا زمانی که او را از دنیا برد، هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد و مانند یک بنده غذا می خورد و چون یک بنده می نشست». گفتم: چرا؟ فرمود: «به خاطر فروتنی برای خداوند عز و جل».

الکافی_ به نقل از ابو خدیجه_: من خودم حضور داشتم که بشیر دَهَّان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا پیامبر خدا در حالی که به سمت راست یا چپش تکیه داده باشد، غذا می خورد؟ فرمود: «پیامبر خدا هیچ گاه در حال تکیه دادن به راست یا چپش غذا نمی خورد؛ بلکه بنده وار می نشست». گفتم: چرا؟ فرمود: «به خاطر فروتنی برای خداوند عز و جل».

الإمام الصادق عليه السلام: لا تأكل مُتَكِنًا، وإن كنت مُنْبَطِحًا هُوَ شَرٌّ مِنَ الْإِتْكَاءِ. (1)

الكافي عن محمد بن مسلم: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ وَهُوَ يَأْكُلُ مُتَكِنًا، قَالَ: وَقَدْ كَانَ يَبْلُغُنَا أَنَّ ذَلِكَ يُكْرَهُ، فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ، فَدَعَانِي إِلَى طَعَامِهِ، فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ: يَا مُحَمَّدًا! لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا رَأَتْهُ عَيْنٌ وَهُوَ (2) يَأْكُلُ وَهُوَ مُتَكِنٌ مِنْ أَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَى أَنْ قَبِضَهُ؟ قَالَ: ثُمَّ رَدَّ عَلَيَّ نَفْسِي فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ مَا رَأَتْهُ عَيْنٌ يَأْكُلُ وَهُوَ مُتَكِنٌ مِنْ أَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَى أَنْ قَبِضَهُ. (3)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن عمر بن أبي شعبة: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ مُتَكِنًا، ثُمَّ ذَكَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: مَا أَكَلَ مُتَكِنًا حَتَّى مَاتَ. (4)

بياناً النهي عن تناول الطعام في حال الاتكاء في بعض الروايات، يعود إلى أنه كان من عادة الجبابة والمتكبرين، ولذلك لا مانع من الاتكاء حين تكون هذه العادة منسوخة، أو لم يكن الاتكاء مثل ما يفعله المتكبرون، أو كان لمرض، أو لأسباب أخرى. ولذلك يروى أن الإمام الصادق عليه السلام كان يتناول الطعام متكناً.

1- .. الدعوات: ص 137 ح 338، بحار الأنوار: ج 66 ص 388 ح 24.

2- .. كذا في النسخة المعتمدة، وفي وسائل الشيعة نقلاً عن المصدر: «ما رآته عين يأكل وهو متكئ» وهو الأنسب.

3- .. الكافي: ج 8 ص 129 ح 100، الأمل للطوسي: ص 692 ح 1470، بحار الأنوار: ج 66 ص 386 ح 7.

4- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 354 ح 4248، الكافي: ج 6 ص 272 ح 9 عن ابن أبي أيوب، المحاسن: ج 2 ص 246 ح

1767 عن عمر بن أبي سعيد عن أبيه وكلاهما نحوه، الزهد للحسين بن سعيد: ص 59 ح 156 عن حماد بن عيسى، مكارم الأخلاق: ج

1 ص 313 ح 995 وفيهما «ما رأيت» بدل «رأيت»، بحار الأنوار: ج 66 ص 388 ح 23.

توضیح

امام صادق علیه السلام: در حال تکیه دادن، غذا نخور و از تکیه دادن بدتر، این است که در حال دراز کشیدن باشی .

الکافی_ به نقل از محمد بن مسلم _ روزی بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و ایشان تکیه داده بود و غذا می خورد . در حالی که برای ما روایت می شد که این کار، مکروه است . من شروع به نگاه کردن به ایشان کردم . امام علیه السلام مرا به غذایش تعارف کرد . چون از خوردن فراغت یافت، فرمود: «ای محمد! شاید در این فکری که پیامبر خدا، از زمانی که خداوند، او را مبعوث کرد تا وقتی از دنیا رفت، هیچ چشمی او را ندید که در حال تکیه دادن، غذا بخورد؟». سپس خود جواب خویش را داد و فرمود: «آری! به خدا سوگند، از زمانی که خداوند، مبعوثش کرد تا زمانی که از دنیا رفت، هیچ چشمی ندید که او، در حال تکیه دادن، غذا بخورد» .

کتاب من لایحضره الفقیه_ به نقل از عمر بن ابی شعبه _ : امام صادق علیه السلام را دیدم که در حال تکیه دادن، غذا می خورد . سپس از پیامبر خدا یاد کرد و فرمود: «ایشان تا زمانی که از دنیا رفت، هرگز در حال تکیه دادن، غذا نخورد» .

توضیحی از خوردن غذا در حال تکیه دادن _ چنان که از شماری از احادیث گذشته استفاده می شود _ به دلیل آن است که جباران و مستکبران، آن سان غذا می خورده اند . بنا بر این، اگر در زمانی که این عادت، منسوخ شده، یا به دلیل دیگری کسی در حال تکیه دادن، غذا میل کند، مانعی ندارد، چنان که امام صادق علیه السلام چنین غذا صرف نموده است .

6 / 33 القيام صحيح مسلم: رَوَى قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ نَهَى أَنْ يَشْرَبَ الرَّجُلُ قَائِمًا. قَالَ قَتَادَةُ: فَقُلْنَا: فَلَا أَكُلُ؟ فَقَالَ: ذَلِكَ أَشْرٌ أَوْ أَخْبَثٌ. (1)

6 / 34 المَشْيَالِإمام الصادق عليه السلام: لَا تَأْكُلْ وَأَنْتَ تَمْشِي، إِلَّا أَنْ تُضْطَرَّ 2 إِلَى ذَلِكَ. (2)

1- .. صحيح مسلم: ج 3 ص 1600 ح 113، سنن الترمذي: ج 4 ص 300 ح 1879 وليس فيه «أو أخبث»، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 363 ح 12870 نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 292 ح 41059؛ مكارم الأخلاق: ج 1 ص 324 ح 1041، عوالي اللآلي: ج 1 ص 76 ح 151 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 475 ح 59.

2- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 354 ح 4247 عن عبد الله بن سنان، المحاسن: ج 2 ص 248 ح 1772 عن محمد بن سنان، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 313 ح 994، الدعوات: ص 139 ح 346، بحار الأنوار: ج 66 ص 388 ح 20.

6 / 33 حالت ایستاده

6 / 34 در حال راه رفتن

6 / 33 حالت ایستاده صحیح مسلم به نقل از قتاده _ انس گفت : پیامبر صلی الله علیه و آله نهی فرمود از این که شخص در حال ایستاده بیاشامد . گفتیم : غذا خوردن ، چه ؟ گفت : این که بدتر یا زشت تر است .

6 / 34 در حال راه رفتن امام صادق علیه السلام : در حال راه رفتن ، غذا نخور ، مگر آن که ناگزیر از این کار باشی . 1 .

35 / 6 الجَنَابَةُ الإمام عليّ عليه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْأَكْلِ عَلَى الْجَنَابَةِ، وَقَالَ: إِنَّهُ يورثُ الْفَقْرَ. (1)

سنن ابن ماجة عن عائشة: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْكُلَ وَهُوَ جُنُبٌ، غَسَلَ يَدَيْهِ (2).

راجع: ص 478 ح 351.

1- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 532، الأمالي للصدوق: ص 509 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 306 ح 2655، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 256 عن الحسين بن يزيد عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 385 ح 2.

2- .. سنن ابن ماجة: ج 1 ص 195 ح 593، سنن أبي داود: ج 1 ص 57 ح 223، سنن النسائي: ج 1 ص 139، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 152 ح 26443 بزيادة «أو يشرب» بعد «يأكل»، صحيح ابن حبان: ج 4 ص 20 ح 1218، كنز العمّال: ج 7 ص 114 ح 18239.

6 / 35 در حال جنابت

6 / 35 در حال جنابت امام علی علیه السلام: پیامبر خدا از خوردن در حال جنابت، نهی کرد و فرمود: «این کار، فقر می آورد».

سنن ابن ماجه_ به نقل از عایشه _ پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه جُنُب بود و می خواست غذا بخورد، دست هایش را می شست.

ر.ك: ص 479 ح 351.

سخنی در باره احادیث منع از خوردن در برخی حالات

یکم . کراهت غذا خوردن در حال تکیه دادن .

سخنی در باره احادیث منع از خوردن در برخی حالات معلّمه محمّد باقر مجلسی رحمه الله می گوید: بدان که از این اخبار، چند حکم استفاده می شود:

یکم . کراهت غذا خوردن در حال تکیه دادن ظاهراً در این حکم، اختلافی نیست . تکیه دادن، به چند معناست: 1 . تکیه دادن با دست . ظاهر اخبار، حکایت از عدم کراهت این کار و بلکه مستحب بودن آن دارد، چنان که کلینی، با اسنادش از فضیل بن یسار، روایت کرده است که گفت: عبّاد بصری، نزد امام صادق علیه السلام غذا می خورد و امام علیه السلام دستش را به زمین، تکیه داد . عبّاد گفت: به سلامت باشید! مگر نمی دانید که پیامبر خدا از این کار، نهی فرمود؟ امام علیه السلام دستش را از زمین برداشت و غذا خورد؛ اما دوباره همان کار را کرد و عبّاد، همان سخن را گفت و امام علیه السلام باز دستش را برداشت و به غذا خوردن ادامه داد؛ ولی مجدداً دستش را به زمین، تکیه داد، و عبّاد سخنش را تکرار کرد . امام صادق علیه السلام به او فرمود: «نه! به خدا سوگند، پیامبر خدا هرگز از این کار، نهی نفرمود». اما ظاهراً اکثر اصحاب، کراهت را شامل این حالت نیز می دانند . در الدرّوس می گوید: غذا خوردن در حال تکیه دادن، مکروه است، و حدیث مربوط به انجام دادن این

کار به وسیله امام صادق علیه السلام، برای بیان «جواز» است. به همین خاطر فرمود: «پیامبر خدا هرگز تکیه داده، غذا نخورد». فضیل بن یسار، جواز تکیه دادن به دست را از امام صادق علیه السلام و نیز نهی نکردن پیامبر خدا از این کار را روایت کرده است؛ اما در حدیث دیگری آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را نکرده است. جمع میان این دو نوع روایت، به این است که پیامبر صلی الله علیه و آله لفظاً از این کار، نهی نفرموده است، هرچند عملاً این کار را ترك نموده است. من (مجلسی) می گویم: می توان میان آنها این گونه نیز سازگاری داد که تکیه دادنی که از آن نهی شده است، به یکی از معانی ای که بعداً می آید، حمل می شود. 2. راست و استوار نشستن روی فرش و کج نشدن به هیچ طرف. این معنا ظاهر سخن برخی لغت شناسان است. علتش هم آن است که این گونه غذا خوردن، رسم شاهان و متکبران است. 3. تکیه دادن به پشتی و مانند آن. بسیاری از اطلاعات اخبار، این معنا را می فهمانند، چنان که در احادیث فراوانی آمده است که امام علیه السلام تکیه داده بود و آن گاه راست نشست. از آداب ائمه علیهم السلام به دور است که در حضور مردم به پهلو دراز کشیده باشند [تا بگوییم: راست نشست]؛ بلکه ظاهر، آن است که امام علیه السلام به پشتی تکیه داده بوده و بعد راست نشسته است، که این حالت در هنگامی که می خواسته اند نکته ای را بیان کنند یا آن گاه که عصبانی می شده اند، زیاد پیش می آمده است. 4. دراز کشیدن به پهلو. 5. اعم از مورد چهارم و اول، چنان که ظاهر سخن اکثر اصحاب، این را می فهماند. 6. همه موارد بجز مورد اول، که در جمع و سازش میان اخبار، این معنا ظهور

بیشتری دارد. بنا بر این، مستحب است که در هنگام استفاده از نعمت خداوند، از گرفتن حالات متکبرانه و استغنا خودداری شود و تکیه دادن با دست، منافاتی با این ندارد. در النهایة می گوید: در حدیث آمده است: «من در حالی که تکیه داده ام، غذا نمی خورم». متکی (تکیه کننده)، در زبان عرب، هر چیزی را گویند که روی فرش، راست و استوار نشسته باشد؛ اما عامه مردم از تکیه دادن، معنای کسی را می فهمند که در حال نشسته، به يك پهلو لم داده است. «تاء» [در ائتکاء]، بدل از «واو» است و اصل آن «وکاء» است و «وکاء» به معنای چیزی است که با آن، سر کیسه و مانند آن را می بندند. بنا بر این، شخصی که تکیه [به معنای غیر فهم عامه از آن] می کند، گویا نشیمنگاهش را «وکاء» زده و با نشستن روی فرشی که زیر اوست، آن را بسته است. و معنای حدیث [بالا]، این است که: من هنگام غذا خوردن، همانند کسی نمی نشینم که آسوده خاطر می نشیند و می خواهد تا جایی که می تواند، بخورد؛ بلکه در حد کفاف می خورم. از این رو، مثل کسی می نشینم که آماده برخاستن است. کسانی که تکیه دادن را بر معنای «لم دادن به يك پهلو» حمل می کنند، آن را توجیه پزشکی می کنند؛ چون در این حالت، غذا به راحتی از مجاری غذا، پایین نمی رود و به جان شخص نمی نشیند، و چه بسا غذا مایه آزار و اذیت او شود. و از همین باب است این حدیث که: «هذا الأبیض المتکئ المرتفق (1)» و مرادش [از «متکی»] این است که راست و استوار، نشسته است. فیروزآبادی می گوید: «توگأ علیه»، یعنی: تکیه کرد، مانند «أوکأ». این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که: «اما من در حال تکیه دادن، غذا نمی خورم»، یعنی: راست و چهارزانو و مانند اینها که بیانگر

1- مرتفق: تکیه دهنده به آرنج.

آمدگی برای پرخوری است؛ بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام غذا خوردن، چهارزانو نمی نشست و همانند کسی می نشست که آماده برخاستن است. مراد از «تکیه دادن»، بر خلاف تصوّر عوام از طّلاب، کج شدن به يك پهلو نیست. در المصباح می گوید: «اتكأ» یعنی: راست و چهارزانو نشست. در قرآن آمده است: «وَسُرُّرًا عَلَيْهَا يَتَكُونَ» که «یتکون» به معنای «یجلسون (می نشینند)» است. و می فرماید: «وَأَعْتَدْتُ لَهُنَّ مَتَكًا»، [و «متکیء»] یعنی: فرشی که روی آن بنشینند. ابن اثیر می گوید: عامّه مردم از کلمه «اتکا»، (تکیه دادن)، فقط کج نشستن و تکیه دادن به يك طرف بدن را می فهمند؛ ولی این کلمه در هر دو معنا به کار می رود. گفته می شود: «اتكأ»، هر گاه که پشت یا پهلویش را به چیزی تکیه دهد. و به هر کس که تکیه به چیزی دهد، می گویند: «اتكأ علیه». و سَرَقُسطی می گوید: «اتكأته» یعنی: به او چیزی دادم که روی آن بنشیند و «ضربتُهُ حَتَّى اتكأته» یعنی: او را زدم تا این که به پهلو افتاد. و بیضاوی در باره این سخن خداوند متعال که: «وَأَعْتَدْتُ لَهُنَّ مَتَكًا» می گوید: یعنی پشتی و متکایی که به آن تکیه کنند. به قولی [نیز]، یعنی: غذا یا مجلس غذا (میهمانی)؛ چرا که هنگام خوردن و آشامیدن، عیاشانه تکیه می کنند. به همین خاطر، از این کار، نهی شده است. و ابن حَجَر می گوید: در معنای «اتكأ» اختلاف نظر است. بعضی گفته اند: اتكأ، عبارت است از: محکم و استوار نشستن برای غذا خوردن، به هر شکلی که باشد، و به قولی، عبارت است از: کج شدن و لم دادن به يك طرف، و به قولی، عبارت است از: تکیه دادن دست چپ به زمین.

خطّابی می گوید: عامّه مردم می پندارند که تکیه دادن، عبارت است از: کج شدن و لم دادن به يك پهلو، در صورتی که این تصوّر درست نیست؛ بلکه به معنای محکم نشستن روی فرشی است که زیر شخص است. او می گوید: این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که: «من در حال تکیه دادن غذا نمی خورم»، معنایش این است که من هنگام غذا خوردن، همانند کسی که با خیال راحت می نشیند و تا می تواند می خورد، روی فرش نمی نشینم؛ چرا که من به اندازه کفاف می خورم. از همین رو، مانند شخصی که آماده برخاستن از جای خود است، می نشینم. در حدیث انس آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله خرما خورد، در حالی که به صورت «مُقعّی» (1) _ و در روایتی، «مستوفز» (2) _ نشسته بود، که مراد، نشستن روی کفل و به حالت آماده برای برخاستن است. ابن عدی، به سندی ضعیف، روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله منع کرد از این که شخص در هنگام غذا خوردن، به دست چپش تکیه دهد. مالک می گوید: این، خود، نوعی از «اتکاء» است. من (مجلسی) می گویم: مالک، هر حالتی را که در آن غذا خوردن در حال تکیه به شمار آید، مکروه دانسته و به وضعیت خاصی از آن اختصاص نداده است. ابن جوزی [نیز] با قاطعیت، «اتکاء» را به معنای کج شدن و لم دادن به يك پهلو دانسته و به انکار خطّابی توجّهی نکرده است. پیشینیان در باره حکم «خوردن در حال تکیه دادن» اختلاف کرده اند: ابن قاضی، کراهت این گونه غذا خوردن را به پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص داده است؛ اما بیهقی گفته است: برای دیگران نیز مکروه است؛ چون این

1- أفعی فی جلوسه: بر پایین پشت خود تکیه زد، یا بر گوشت سرین نشست و دو ساق و دوران خود را بالا آورد. چمباتمه نشست (فرهنگ لاروس).

2- استوفز نیز تقریباً به معنای «أفعی» است، یعنی: ناآرام و نامطمئن نشست، چنان که گویی آماده برجستن است (فرهنگ لاروس).

دوم . کراهت غذا خوردن و همچنین انجام دادن هر کار دیگری

عمل ، عمل متکبران و عادت شاهان عجم است . در المسالك می گوید : خوردن در حال تکیه دادن به يك پهلو و نیز در حال دراز کشیدن به پشت ، مکروه است ؛ بلکه باید روی کفل چپ نشست . روایت فضیل را هم باید یا به همین معنا ، یا به بیان جواز آن و این که نهی پیامبر صلی الله علیه و آله نهی تحریمی نیست ، حمل کرد . همچنین بر کراهت خوردن در حال دمر افتادن نیز دلالت دارد . شیخ طوسی در النهایة می گوید : درست نیست که انسان در هنگام خوردن ، با حالت تکیه دادن بنشیند ؛ بلکه باید روی پای خود بنشیند . من (مجلسی) می گویم : این سخن شیخ ، نشان می دهد که تفسیر وی از «اتکاء» ، با تکیه دادن به دست ، منافاتی ندارد . صاحب الجامع می گوید : چهارزانو نشستن کنار سفره ، و خوردن و آشامیدن در حال راه رفتن ، و تکیه دادن ، اشکالی ندارد ؛ ولی بهتر است که بنشیند .

دوم . کراهت غذا خوردن و همچنین انجام دادن هر کار دیگری (بجز طهارت گرفتن) با دست چپ ، و استحباب انجام دادن آنها با دست راست دروس می گوید : خوردن و آشامیدن و انجام دادن هر کار دیگری با دست چپ ، مکروه است ، مگر در حالت ضرورت . در المسالك می گوید : مستحب است که انسان در صورت امکان ، با دست راستش غذا بخورد ، و خوردن با دست چپ ، مکروه است . همچنین است آشامیدن و دیگر کارها ؛ اما اگر در

سوم . کراهت خوردن در حال راه رفتن چهارم . کراهت خوردن در حالت «تربُّع»

دست راست ، مانعی باشد ، در این صورت ، خوردن و آشامیدن و انجام دادن کارهای دیگر با دست چپ ، اشکالی ندارد .

سوم . کراهت خوردن در حال راه رفتندر الدروس می گوید : خوردن در حال راه رفتن ، مکروه است . این که روایت شده پیامبر صلی الله علیه و آله يك بار در حال راه رفتن ، نان آمیخته به شیر خورد ، برای بیان جواز این کار و یا از روی ضرورت (ناچاری) بوده است . شیخ در النهایة می گوید : خوردن و آشامیدن در حال راه رفتن ، اشکالی ندارد ، هرچند ترك این کار ، بهتر است . پوشیده نماند که احادیث حاکی از جواز این کار ، بیشتر است . ظاهر سخن کلینی نیز عدم کراهت است ؛ چرا که وی به روایات جواز ، اکتفا کرده و روایات مربوط به منع را نقل نکرده است .

چهارم . کراهت خوردن در حالت «تربُّع» مرحوم والد (ملاً محمدتقی مجلسی) گفت : تربُّع ، به سه معناست : اول : دوزانو نشستن که مستحب است شخص ، وقتی نمازش را نشسته می خواند ، در حال قرائتش چنان بنشیند . دوم : چهارزانو نشستن . سوم : این که چهارزانو بنشیند و یکی از پاهایش را روی دیگری بگذارد . خوردن در حالت نخست ، اشکالی ندارد ، در حالت دوم ، خلاف مستحب است و در حالت سوم ، مکروه است . من (محمدباقر مجلسی) می گویم : علی الظاهر ، حالت نخست ، خلاف مستحب است و دو حالت دیگر ، مکروه اند ؛ چرا که «تربُّع» ، شامل این دو حالت می شود ، با آن که ظاهر روایت خصال و تحف ، مغایرت [این دو حالت] یا اعمیت است . در الدروس می گوید : غذا خوردن و انجام دادن هر کاری در حالت تربُّع ، مکروه است ، و مستحب است که روی پای چپ بنشیند . در القاموس آمده است : تربُّع در نشستن ، خلاف جثا (زانو زدن) و أفعی (چمباتمه زدن) است .

پنجم . کراهت خوردن در حال جنابت

پنجم . کراهت خوردن در حال جنابت ظاهر سخن صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه ، تحریم خوردن در حال جنابت است و از برخی اخبار ، چنین پیداست که با شستن دست ها ، کراهت از بین می رود و یا تخفیف می یابد ، و بهتر است وضو بگیرد . از برخی اخبار نیز چنین پیداست که با شستن دست و مضمضه کردن و شستن صورت ، کراهت از بین می رود و یا تخفیف می یابد . از برخی دیگر پیداست که شستن هر دو دست و مضمضه ، کراهت را از بین می برد و یا تخفیف می دهد . جمع میان این اخبار ، به «تخیر» است . بیشتر اصحاب ، استنشاق را به مضمضه کردن افزوده اند ؛ اما من این را فقط در فقه الرضا علیه السلام دیده ام . (1)

6 / 36 الأكل في السوق صلى الله عليه وآله: الأكل في السوق ذناءً. (1)

مستطرفات السرائر: سُئِلَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ السَّفَلَةِ (2)، قَالَ: السَّفَلَةُ: الَّذِي يَأْكُلُ فِي الْأَسْوَاقِ. (3)

تعليقاً للنهي عن تناول الطعام في السوق _ كما يستفاد من ظاهر الروايات _ أدب اجتماعي يرتبط بالظروف التي يعتبر فيها الأكل في السوق مذموماً عرفاً، ولا يشمل على الظاهر تناول الطعام في المطاعم اليوم.

خامساً: الإجماع حين تناول الطعام صلى الله عليه وآله: كُلوها جميعاً ولا تفرّقوا؛ فإنَّ البركة مع الجماعة. (4)

1- .. تحف العقول: ص 48، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 319 ح 1019، الدعوات: ص 139 ح 345، طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 3، بحار الأنوار: ج 66 ص 424 ح 38؛ المعجم الكبير: ج 8 ص 249 ح 7977، تاريخ دمشق: ج 45 ص 345 ح 9908 كلاهما عن أبي أمامة، تاريخ بغداد: ج 7 ص 283 الرقم 3782، عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 15 ص 260 ح 40865.

2- .. السَّفَلَةُ: السُّقَاطُ مِنَ النَّاسِ، وَالسَّفَالَةُ: النَّدَالَةُ (النهاية: ج 2 ص 376 «سفل»).

3- .. مستطرفات السرائر: ص 58 ح 24، بحار الأنوار: ج 75 ص 301 ح 13.

4- .. سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1094 ح 3287، مشكاة المصابيح: ج 2 ص 459 ح 4257، الفردوس: ج 3 ص 242 ح 4711 كلّها عن عمر بن الخطاب، كنز العمال: ج 15 ص 235 ح 40724؛ طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 3، بحار الأنوار: ج 66 ص 349 ح 9.

6 / 36 خوردن در کوچه و بازار

یادداشت

پنجم . دسته جمعی غذا خوردن .

6 / 37 تأکید بر خوردن غذا به صورت گروهی

6 / 36 خوردن در کوچه و بازار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوردن در کوچه و بازار ، پستی است .

مستطرفات السرائر : از ابو الحسن علیه السلام (1) در باره شخص فرومایه سؤال شد . فرمود : «فرومایه ، کسی است که در کوچه و بازار ، چیز می خورد» .

یادداشت‌هایی از تناول غذا در بازار _ چنان که از ظاهر احادیث گذشته استفاده می شود _ ، یک ادب اجتماعی است و مربوط به شرایطی است که غذا خوردن در بازار عرفاً نکوهیده شمرده شود و ظاهراً شامل میل کردن غذا در میهمان سراها در شرایط اجتماعی کنونی نمی شود .

پنجم . دسته جمعی غذا خوردن 6 / 37 تأکید بر خوردن غذا به صورت گروهی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دسته جمعی غذا بخورید و پراکنده نشوید ؛ زیرا برکت با جماعت است .

1- . مقصود ، می تواند امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام یا امام هادی علیه السلام باشد .

عنه صلى الله عليه وآله: الْجَمَاعَةُ بَرَكَةٌ، وَطَعَامُ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامُ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الْأَرْبَعَةَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: طَعَامُ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامُ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ، وَطَعَامُ الثَّلَاثَةِ يَكْفِي الْأَرْبَعَةَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: طَعَامُ الْإِثْنَيْنِ كَافِي الثَّلَاثَةِ، وَطَعَامُ الثَّلَاثَةِ كَافِي الْأَرْبَعَةَ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: كُلُوا جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ فَإِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامُ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الْأَرْبَعَةَ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: الْبَرَكَةُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي الْجَمَاعَةِ وَالشَّرِيدِ وَالسَّحُورِ. (6)

1- .. الجعفریات: ص 159 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 2 ص 116 ح 387 وليس فيه «الجماعة بركة»؛ صحيح مسلم: ج 3 ص 1630 ح 180، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1084 ح 3254، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 25 ح 14226 والثلاثة الأخيرة عن جابر وليس فيها «الجماعة بركة»، كنز العمال: ج 15 ص 234 ح 40721.

2- .. الكافي: ج 6 ص 273 ح 1 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 161 ح 1440 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 6 ص 348 ح 4.

3- .. صحيح البخاري: ج 5 ص 2061 ح 5077، صحيح مسلم: ج 3 ص 1630 ح 178، الموطأ: ج 2 ص 928 ح 20، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 38 ح 7324 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 15 ص 234 ح 40720.

4- .. المعجم الأوسط: ج 7 ص 218 ح 7317، مسند أبي يعلى: ج 2 ص 398 ح 2041، سير أعلام النبلاء: ج 15 ص 9 الرقم 3 كلها عن جابر، الإخوان: ص 229 ح 201 عن عبد الله بن عمر، كنز العمال: ج 15 ص 233 ح 40716؛ طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 2، بحار الأنوار: ج 6 ص 290.

5- .. المعجم الأوسط: ج 7 ص 259 ح 7444 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 15 ص 235 ح 40723 نقلاً عن العسكري في المواعظ عن عمر.

6- .. المعجم الكبير: ج 6 ص 251 ح 6127، فتح الباري: ج 9 ص 551 ح 5420 كلاهما عن سلمان، كنز العمال: ج 15 ص 234 ح 40718؛ طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 3، بحار الأنوار: ج 6 ص 291.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جماعت ، برکت است : غذای يك نفر ، دو نفر را کفایت می کند و غذای دو نفر ، چهار نفر را .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : غذای يك نفر ، دو نفر را جواب می دهد و غذای دو نفر ، سه نفر را و غذای سه نفر ، چهار نفر را .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوراك دو نفر ، سه نفر را کفایت می کند و خوراك سه نفر ، چهار نفر را .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترین غذاها در نزد خداوند ، غذایی است که دست های بسیار در آن باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دسته جمعی بخورید و از پراکندگی بپرهیزید ؛ زیرا [در صورت گروهی خوردن ،] غذای يك نفر ، دو نفر را کفایت می کند و غذای دو نفر ، چهار نفر را .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برکت در سه چیز است : در جماعت و آب گوشت و سحری .

سنن أبي داود عن وحشي بن حرب عن أبيه عن جدّه: إِنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّا نَأْكُلُ وَلَا نَشْبَعُ! قَالَ: فَلَعَلَّكُمْ تَقْتَرِقُونَ؟ قَالُوا: نَعَمْ. قَالَ: فَاجْتَمِعُوا عَلَيَّ طَعَامِكُمْ، وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ يُبَارِكْ لَكُمْ فِيهِ. (1)

الإمام علي عليه السلام: أَكْثَرَ الطَّعَامِ بَرَكََةً مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الأَيْدِي. (2)

مستدرک الوسائل: رُوِيَ أَنَّ العَبْدَ إِذَا جَلَسَ عَلَى المَائِدَةِ مَعَ أَخِيهِ المُؤْمِنِ، أَفْرَغَتْ عَلَيْهِمَا الرَّحْمَةُ، وَتَسَاقَطَ عَلَيْهِمَا البَرَكَةُ، فَلَا يَزَالانِ كَذَلِكَ حَتَّى يَقُوما عَنْهَا. (3)

38 / 6 الأكل مع الأهل رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أَكَلَ المُؤْمِنُ مَعَ أولادِهِ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ لُقْمَةٍ ثَوَابُ عِتْقِ رَقَبَةٍ، وَرُفِعَ لَهُ مَدِينَةٌ، وَأَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِثْمًا مُؤْمِنٍ يُحِبُّ الأَكْلَ مَعَ الأولادِ، ناداهُ مَلَكٌ مِنَ تَحْتِ العَرْشِ: يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَأْنِفِ العَمَلَ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّهَا. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا- أُنَبِّئُكُمْ بِخَمْسٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَلَيْسَ بِمُتَكَبِّرٍ: اِعْتِقَالِ الشَّاةِ (6)، وَلبسِ الصَّوْفِ، وَمُجَالَسَةِ الفُقَرَاءِ، وَأَنْ يَرَكَبَ الحِمَارَ، وَأَنْ يَأْكُلَ الرَّجُلُ مَعَ عِيَالِهِ. (7)

1- .. سنن أبي داود: ج 3 ص 346 ح 3764، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1093 ح 3286، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 441 ح 16078، المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 113 ح 2500 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 233 ح 40715؛ مكارم الأخلاق: ج 1 ص 319 ح 1020 نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 349 ح 10.

2- .. دعائم الإسلام: ج 2 ص 116 ح 387، بحار الأنوار: ج 66 ص 349 ح 8.

3- .. مستدرک الوسائل: ج 16 ص 326 ح 20044 نقلاً عن كتاب التعريف لمحمد بن أحمد الصفواني.

4- .. تنبيه الغافلين: ص 344 ح 500 عن أبي سعيد الخدري.

5- .. تنبيه الغافلين: ص 344 ح 499 عن أبي هريرة.

6- .. اعتقال الشاة: هو أن يضع رجلها بين ساقه وفخذه، ثم يحلبها (النهاية: ج 3 ص 281 «عقل»).

7- .. جامع الأحاديث للقمي (الأعمال المانعة): ص 286 عن جابر؛ التواضع والخمول: ص 265 ح 219، تاريخ دمشق: ج 62 ص 283 ح 12820، الفردوس: ج 3 ص 190 ح 4527 كلها عن جابر نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 107 ح 44077.

6 / 38 غذا خوردن به همراه خانواده

سنن أبي داوود_ به نقل از وحشی بن حرب ، از پدرش ، از جدش _ : اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند : ای پیامبر خدا! ما می خوریم و سیر نمی شویم! فرمود : «شاید جدا از هم می خورید؟» . گفتند : آری . فرمود : «غذایتان را دسته جمعی بخورید و هنگام خوردن ، نام خدا را بر زبان آورید . در این صورت ، خداوند به غذای شما برکت می دهد» .

امام علی علیه السلام : بابرکت ترین غذا ، غذایی است که دست های بسیار در آن شریک باشند .

مستدرک الوسائل : روایت شده است که هر گاه بنده با برادر مؤمنش کنار سفره بنشیند ، غرق در رحمت می شوند و برکت بر آنان فرو می ریزد و پیوسته در این حالت خواهند بود تا آن که از سر سفره برخیزند .

6 / 38 غذا خوردن به همراه خانواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه مؤمن همراه فرزندانش غذا بخورد ، به ازای هر لقمه ای ، ثواب آزاد کردن يك بنده برایش نوشته می شود ، و برایش [در بهشت] شهری بنا می گردد و خداوند ، نامه اعمالش را به دست راستش می دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر مؤمنی که غذا خوردن با فرزندانش را دوست داشته باشد ، فرشته ای از پایین عرش ، ندا می دهد : ای بنده خدا! عمل را از سر گیر ؛ زیرا خداوند ، همه گناهان تو را آمرزید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آیا شما را از پنج کار آگاه نکنم که هر کس آنها را انجام دهد ، متکبر نخواهد بود : قرار دادن پای گوسفند میان دو ساق و ران خود و دوشیدن آن ، پوشیدن پشمینه ، هم نشینی با تهی دستان ، سوار شدن الاغ ، و غذا خوردن با خانواده .

6 / 139 الأكل مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : مَا مِنْ مَائِدَةٍ أَعْظَمَ بَرَكَتًا مِنْ مَائِدَةٍ جَلَسَ عَلَيْهَا يَتِيمٌ. (1)

الإمام الباقر عليه السلام - في بيان سيرة الإمام زين العابدين عليه السلام - : ولقد كان يعول مئة أهل بيت من فقراء المدينة ، وكان يُعجبه أن يحضر طعامه يتامى والأصبراء والزمنى (2) والمساكين الذين لا حيلة لهم ، وكان يناولهم بيده ، ومن كان له منهم عيال حمل له (3) إلى عياله من طعامه. (4)

6 / 140 الأكل مَعَ الْخَادِمِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : الْأَكْلُ مَعَ الْخُدَّامِ مِنَ التَّوَّاضِعِ ، فَمَنْ أَكَلَ مَعَهُمْ اشْتَاقَتْ إِلَيْهِ الْجَنَّةُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا صَنَعَ لِأَحَدِكُمْ خَادِمُهُ طَعَامَهُ ، ثُمَّ جَاءَهُ بِهِ وَقَدْ وَلِيَ حَرَّةً وَدُخَانَهُ ، فَلْيُقْعِدْهُ مَعَهُ فَلْيَأْكُلْ ، فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْفُوهًا (6) قَلِيلًا فَلْيَضَعْ فِي يَدِهِ مِنْهُ أَكْلَةً أَوْ أَكْلَتَيْنِ (7) . (8)

1- .. الفردوس : ج 4 ص 46 ح 6144 عن أنس ، كنز العمال : ج 3 ص 177 ح 6040 .

2- .. الزمانة : العاهة ، زَمِنَ زَمَانَةً فَهُوَ زَمِنٌ ، والجمع زَمْنِي (القاموس المحيط : ج 4 ص 232 «زمن»).

3- .. في المصدر : «حملة» وما أثبتناه من بحار الأنوار .

4- .. الخصال : ص 518 ح 4 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 154 كلاهما عن حمزان بن أعين ، بحار الأنوار : ج 46 ص 62 ح 19 .

5- .. طب النبي صلى الله عليه وآله : ص 3 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 291 ؛ الفردوس : ج 1 ص 126 ح 438 عن أم سلمة ، كنز العمال : ج 9 ص 82 ح 25069 .

6- .. المشفوه : القليل . وأصله الماء الذي كثرت عليه الشفاه حتى قلَّ . وقيل : أراد : فإن كان مكثورا عليه ؛ أي كثرت أكلته (النهاية : ج 2 ص 488 «شفه»).

7- .. الأكلة - بالضم - : اللقمة ؛ أي : لقمة أو لقمتين (النهاية : ج 1 ص 57 «أكل»).

8- .. صحيح مسلم : ج 3 ص 1284 ح 42 ، سنن أبي داود : ج 3 ص 365 ح 3846 وليس فيه «قليلًا» ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 112 ح 7730 وفيه «مشفوا» بدل «مشفوها» ، السنن الكبرى : ج 8 ص 13 ح 15781 كلها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 9 ص 72 ح 25010 .

6 / 39 غذا خوردن با یتیم

6 / 40 غذا خوردن با خدمتکار

6 / 39 غذا خوردن با یتیم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ سفره ای بابرکت تر از سفره ای نیست که یتیمی بر سر آن نشسته باشد.

امام باقر علیه السلام در بیان سیره امام زین العابدین علیه السلام: ایشان صد خانوار از فقرای مدینه را اداره می کرد و خوش حال می شد که یتیمان، آسیب دیدگان، زمینگیر شده ها [و معلولان] و مستمندان بیچاره بر سر سفره اش حاضر باشند، و با دست خود به آنها می خوراند و هر يك از آنان که عائله ای داشت، برای خانواده اش نیز غذا می برد.

6 / 40 غذا خوردن با خدمتکار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذا خوردن با خدمتکاران، از فروتنی است و هر کس با آنها غذا بخورد، بهشت مشتاق او می گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خدمتکار فردی از شما برایش غذایی بپزد و آن را برایش بیاورد، باید او را که دود و دم آن غذا را تحمّل کرده است، با خود بنشانند تا غذا بخورد. اگر غذا مختصر و اندک بود، یکی دو لقمه در دست وی بگذارد. (1)

1- مقصود، این است که اگر میهمانان یا غذاخورها زیاد بودند و غذا اندک بود، یکی دو لقمه هم که شده، به خدمتکار بدهد.

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن ياسر الخادم: كَانَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ خَلَا جَمَعَ حَشَمَهُ كُلَّهُمْ عِنْدَهُ؛ الصَّغِيرَ وَالْكَبِيرَ، فَيَحْدِثُهُمْ وَيَأْتِسُ بِهِمْ وَيُؤْنِسُهُمْ، وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ لَا يَدْعُ صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا - حَتَّى السَّائِسَ (1) وَالْحَجَّامَ - إِلَّا أَفْعَدَهُ مَعَهُ عَلَى مَائِدَتِهِ. (2)

الكافي عن عبد الله بن الصلت عن رجل من أهل بلخ: كُنْتُ مَعَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَفَرِهِ إِلَى خُرَاسَانَ، فَدَعَا يَوْمًا بِمَائِدَةٍ لَهُ فَجَمَعَ عَلَيْهَا مَوَالِيَهُ مِنَ السُّودَانِ وَغَيْرِهِمْ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، لَوْ عَزَلْتُ لِهَؤُلَاءِ مَائِدَةً. فَقَالَ: مَهْ! إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ، وَالْأُمَّ وَاحِدَةٌ، وَالْأَبُّ وَاحِدٌ، وَالْحِزَاءُ بِالْأَعْمَالِ. (3)

6 / 41 اجْتِنَابُ الْأَكْلِ مُنْفَرِدًا الكافي عن جابر بن عبد الله: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ رِجَالِكُمْ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: إِنَّ مِنْ شِرَارِ رِجَالِكُمُ الْبَهَاتَ الْجَرِيءَ الْفَحَّاشَ، الْأَكْلَ وَحْدَهُ، وَالْمَانِعَ رِفْدَهُ (4)، وَالضَّارِبَ عَبْدَهُ، وَالْمُلْجِيَّ عِيَالَهُ إِلَى غَيْرِهِ. (5)

-
- 1- .. السَّائِسُ: هُوَ مَنْ يَقُومُ عَلَى الدَّوَابِّ وَيَرُوضُهَا (تاج العروس: ج 8 ص 322 «سوس»).
 - 2- .. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 159 ح 24، بحار الأنوار: ج 49 ص 164 ح 5.
 - 3- .. الكافي: ج 8 ص 230 ح 296، بحار الأنوار: ج 49 ص 101 ح 18.
 - 4- .. الرَّفْدُ: الْعَطَاءُ وَالصَّلَةُ (لسان العرب: ج 3 ص 181 «رفد»).
 - 5- .. الكافي: ج 2 ص 292 ح 13، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 400 ح 1597 نحوه، بحار الأنوار: ج 72 ص 115 ح 13.

6 / 41 اجتناب از تنها خوردن

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از یاسر خادم_ : امام رضا علیه السلام هر گاه خلوت می کرد ، تمام حَشَم و خدم خود را ، از کوچک و بزرگ ، جمع می کرد و با آنان به گفتگو می پرداخت و خوش و بش می کرد ، و هر گاه برای صرف غذا می نشست ، همگان را از کوچک و بزرگ ، حتّی مهتر و حجامتگر را با خود بر سر سفره می نشاند .

الکافی_ به نقل از عبد الله بن صلت ، از مردی از اهالی بلخ_ : در سفر امام رضا علیه السلام به خراسان همراه ایشان بودم . روزی فرمود سفره برایش انداختند و غلامان خود را ، از سیاه و غیر سیاه ، کنار سفره گرد آورد . من گفتم : فدایت شوم! کاش برای اینها جداگانه سفره ای می انداختید! فرمود : «ساکت باش! خداوند متعال ، یکی است ، مادر ، یکی است ، پدر ، یکی است و پاداش نیز به اعمال است» .

6 / 41 اجتناب از تنها خوردن الکافی_ به نقل از جابر بن عبد الله_ : پیامبر خدا فرمود : «آیا به شما از بدترین مردانتان خبر دهم؟» . گفتیم : بفرمایید ، ای پیامبر خدا! فرمود : «از جمله بدترین مردان شما ، کسی است که تهمت زن و گستاخ و فحاش و تنها خور و خسیس باشد ، بنده اش را کتک بزند و عائله اش را سربار دیگری بکند» .

مكارم الأخلاق_ في وَصْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ :كَانَ لَا يَأْكُلُ وَحْدَهُ مَا يُمَكِّنُهُ . وَقَالَ : أَلَا أُتَبِّئُكُمْ بِشِرَارِكُمْ؟ قَالُوا : بَلَى ، قَالَ : مَنْ أَكَلَ وَحْدَهُ ، وَضَرَبَ عَبْدَهُ ، وَمَنَعَ رِفْدَهُ. (1)

الإمام الكاظم عليه السلام :لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثَةً : الْأَكْلَ زَادَهُ وَحْدَهُ ، وَالنَّائِمَ فِي بَيْتِ وَحْدَهُ ، وَالرَّاكِبَ فِي الْفَلَاةِ وَحْدَهُ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله :شَرُّ النَّاسِ مَنْ أَكَلَ وَحْدَهُ ، وَمَنَعَ رِفْدَهُ ، وَجَلَدَ عَبْدَهُ. (3)

سادسا : أَدَبُ الْأَكْلِ مَعَ الْغَيْرِ 6 / 42 الْأَكْلُ مِمَّا يَلِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ مِمَّا يَلِيهِ. (4)

-
- 1- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 75 ح 112 ، تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 98 نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 410 ح 7 ؛ نوادر الأصول : ج 2 ص 110 ، تاريخ دمشق : ج 51 ص 133 ح 10806 عن معاذ بن جبل وكلاهما نحوه ، كنز العمال : ج 16 ص 52 ح 43897 .
- 2- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 277 ح 2434 ، النخصال : ص 93 ح 38 ، المحاسن : ج 2 ص 161 ح 1441 نحوه وكلها عن إبراهيم بن عبد الحميد ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 550 ح 1899 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 347 ح 1 .
- 3- .. عوالي اللآلي : ج 1 ص 287 ح 139 ، تحف العقول : ص 448 عن علي بن شعيب عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 78 ص 342 ح 41 .
- 4- .. الكافي : ج 6 ص 297 ح 3 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج 2 ص 234 ح 1719 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام صلى الله عليه وآله ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 319 ح 1021 عن ابن عمر وفيه «إذا وضعت المائدة» بدل «إذا أكل أحدكم» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 418 ح 26 ؛ سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1089 ح 3273 ، تهذيب الكمال : ج 16 ص 348 الرقم 3682 كلاهما عن ابن عمر وفيهما «إذا وضعت المائدة» بدل «إذا أكل أحدكم» ، كنز العمال : ج 15 ص 241 ح 40751 .

ششم . آداب غذا خوردن با دیگران

6 / 42 غذا خوردن از جلوی خود

مکارم الأخلاق_ در وصف پیامبر خدا_ تا جای ممکن ، تنها غذا نمی خورد . فرمود : «آیا شما را از بدتریتان آگاه نسازم؟» . گفتند : بفرمایید . فرمود : «کسی که تنها بخورد و برده اش را بزند و بخشش خویش را دریغ کند» .

امام کاظم علیه السلام : پیامبر خدا سه کس را لعنت کرد : کسی که توشه اش را تنها بخورد ، کسی که در اتاقی تنها بخوابد ، و کسی که در بیابان ، تنها سفر کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدترین مردم ، کسی است که تنها بخورد و از بخشش دریغ کند و برده اش را بزند .

ششم . آداب غذا خوردن با دیگران 6 / 42 غذا خوردن از جلوی خود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما غذا می خورد ، از جلوی خود بخورد .

عنه صلى الله عليه وآله: سَمَّ اللّٰهَ وَكُلَّ مِمَّا يَلِيكَ. (1)

تاريخ بغداد عن عائشة: كَانَ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أُتِيَ بِطَعَامٍ أَكَلَ مِمَّا يَلِيهِ ، وَإِذَا أُتِيَ بِالتَّمْرِ جَالَتْ يَدُهُ. (2)

صحيح البخاري عن عمر بن أبي سلمة: أَكَلْتُ يَوْمًا مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَعَامًا ، فَجَعَلْتُ أَكُلُّ مِنْ نَوَاحِي الصَّحْفَةِ ، فَقَالَ لِي رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كُلَّ مِمَّا يَلِيكَ. (3)

سنن الترمذي عن عكراش بن ذؤيب: بَعَثَنِي بَنُو مُرَّةَ بْنِ عُبَيْدٍ بِصَدَقَاتٍ أَمْوَالِهِمْ إِلَى رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَدِمْتُ عَلَيْهِ الْمَدِينَةَ ، فَوَجَدْتُهُ جَالِسًا بَيْنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ ، قَالَ : ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِي فَانْطَلَقَ بِي إِلَى بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ فَقَالَ : هَلْ مِنْ طَعَامٍ؟ فَأَتَيْنَا بِجَفَنَةٍ (4) كَثِيرَةٍ الثَّرِيدِ وَالْوَذْرِ (5) ، وَأَقْبَلْنَا نَأْكُلُ مِنْهَا ، فَخَبَطْتُ بِيَدِي مِنْ نَوَاحِيهَا ، وَأَكَلَ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ، فَقَبَضَ بِيَدِهِ الْيُسْرَى عَلَى يَدِي الْيُمْنَى ، ثُمَّ قَالَ : يَا عِكْرَاشُ ! كُلَّ مِنْ مَوْضِعٍ وَاحِدٍ ؛ فَإِنَّهُ طَعَامٌ وَاحِدٌ . (6)

أسد الغابة عن جعفر بن عبد الله بن الحكم: رَأَى الْحَكَمُ وَأَنَا غُلَامٌ أَكَلُ مِنْ هَاهُنَا وَهَاهُنَا ، فَقَالَ لِي : يَا غُلَامُ ، لَا تَأْكُلْ هَكَذَا كَمَا يَأْكُلُ الشَّيْطَانُ ، إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا أَكَلَ لَمْ تَعُدْ أَصَابِعُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ. (7)

1- .. صحيح البخاري : ج 5 ص 2056 ح 5063 ، الموطأ: ج 2 ص 934 ح 32 كلاهما عن وهب بن كيسان ، سنن الدارمي : ج 1 ص 527 ح 1951 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1087 ح 3267 نحوه وكلاهما عن عمر بن أبي سلمة ، كنز العمال : ج 15 ص 237 ح 40738 .

2- .. تاريخ بغداد : ج 11 ص 95 الرقم 5787 ، كنز العمال : ج 7 ص 103 ح 18173 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 61 ح 55 عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 16 ص 237 ح 35 .

3- .. صحيح البخاري : ج 5 ص 2056 ح 5062 ، صحيح مسلم : ج 3 ص 1600 ح 109 ، كنز العمال : ج 15 ص 428 ح 41698 نقلاً عن ابن النجار وكلاهما نحوه .

4- .. الجفنة : خُصَّتْ بوعاء الأُطعمة ، وجمعها جفان (مفردات ألفاظ القرآن : ص 197 «جفن») .

5- .. الوذرة _ بالسكون _ : القِطعة من اللحم ، والوذر _ بالسكون أيضا _ : جمعها (النهاية : ج 5 ص 170 «وذر») .

6- .. سنن الترمذي : ج 4 ص 283 ح 1848 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1089 ح 3274 نحوه ، المعجم الكبير : ج 18 ص 83 ح 154 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 180 ح 6126 ، كنز العمال : ج 9 ص 497 ح 27140 .

7- .. أسد الغابة : ج 2 ص 46 الرقم 1212 ، الإصابة : ج 2 ص 88 الرقم 1780 ، كنز العمال : ج 15 ص 429 ح 41701 نقلاً عن أبي نعيم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «بسم الله» بگو و از برابر خودت بخور .

تاریخ بغداد_ به نقل از عایشه _ : پیامبر خدا [را عادت چنان بود که] هر گاه غذایی برایش می آوردند ، از آنچه دم دست او بود ، می خورد و هر گاه خرما برایش می آوردند ، دستش [در ظرف] می گشت [و از جاهای مختلف بر می داشت] .

صحیح البخاری_ به نقل از عمر بن ابی سلمه _ : روزی با پیامبر خدا به صرف غذا پرداختم و از این طرف و آن طرف سینی می خوردم . پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : «از جلوی خودت بخور» .

سنن الترمذی_ به نقل از عکراش بن ذؤیب _ : بنی مُرّة بن عبید ، صدقات (زکات) اموالشان را به وسیله من برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرستادند . من به مدینه آمدم و بر پیامبر خدا وارد شدم . دیدم ایشان میان مهاجران و انصار ، نشسته است . دست مرا گرفت و به خانه ام سلمه برد و فرمود : «آیا غذایی هست؟» . پس کاسه ای پر از آب گوشت به همراه يك تکه گوشت برایمان آوردند و ما شروع به خوردن کردیم . من دستم را به هر طرف کاسه می دوادم و پیامبر خدا از جلوی خودش می خورد . ایشان با دست چپ دست راست مرا گرفت و فرمود : «عکراش! از يك جا بخور . این غذا همه اش مثل هم است» .

أسد الغابة_ به نقل از جعفر بن عبد الله بن حکم _ : من بچه بودم و از این طرف و آن طرف [ظرفم] ، غذا می خوردم . حکم ، این رفتار مرا دید . به من گفت : پسر جان! این گونه مثل شیطان غذا مخور . پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی غذا می خورد ، انگشتانش از برابر دستانش جلوتر نمی رفت .

6 / 43 الأكل من الجوانير رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلو من حوالِها [أي القصعة] ودَعُوا ذِرْوَتَها (1)؛ يُبارِك فيها. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا أكلَ أحدُكم طعاماً فلا يأكل من أعلى الصَّحفةِ، ولكن ليأكل من أسفلها؛ فإنَّ البركةَ تنزل من أعلاها. (3)

عنه صلى الله عليه وآله - لأصحابِ الصُّفَّةِ وقد دَعاهم للطَّعامِ - : إجلسوا، خذوا بِسْمِ اللَّهِ، خذوا من حوالِها ولا تأخذوا من أعلاها؛ فإنَّ البركةَ تنحدر من أعلاها. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: البركةُ تنزلُ وَسَطَ الطَّعامِ، فَكُلُوا من حافَّتَيْهِ، ولا تأكلُوا من وَسَطِهِ. (5)

1- .. ذروة كل شيء : أعلاه (النهاية : ج 2 ص 159 «ذرا»).

2- .. سنن أبي داود : ج 3 ص 349 ح 3773 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1090 ح 3275 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 210 ح 17694 نحوه وكلَّها عن عبد الله بن بسر ، كنز العمَّال : ج 15 ص 250 ح 40806؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 34 ح 71 ، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص 101 ح 46 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 79 ح 1 .

3- .. سنن أبي داود : ج 3 ص 348 ح 3772 عن ابن عبَّاس ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 419 ح 16006 عن واثلة بن الأسقع نحوه ، كنز العمَّال : ج 15 ص 249 ح 40803 .

4- .. المعجم الكبير : ج 22 ص 86 ح 208 ، حلية الأولياء : ج 2 ص 23 الرقم 120 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1090 ح 3276 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 130 ح 7119 كلَّها عن واثلة بن الأسقع ، تهذيب الكمال : ج 17 ص 359 الرقم 3935 عن هشام بن عمَّار والثلاثة الأخيرة نحوه ، كنز العمَّال : ج 15 ص 250 ح 40807 .

5- .. سنن الترمذي : ج 4 ص 260 ح 1805 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 130 ح 7118 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1090 ح 3277 ، سنن الدارمي : ج 1 ص 533 ح 1974 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 643 ح 2730 والثلاثة الأخيرة نحوه وكلَّها عن ابن عبَّاس ، كنز العمَّال : ج 15 ص 241 ح 40754 ؛ طبَّ النبيِّ صلى الله عليه وآله : ص 3 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 291 .

6 / 43 خوردن از کناره های ظرف

6 / 43 خوردن از کناره های ظرف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از کناره های کاسه بخورید و به بلندی وسط آن دست نزنید تا به آن برکت داده شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما غذا می خورد ، از بالای بشقاب نخورد ؛ بلکه از پایینش بخورد ؛ چرا که برکت از بالای آن فرود می آید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به اصحاب صَمَّه که آنان را به غذا دعوت کرده بود _ بنشینید . به نام خدا شروع کنید . از کناره های آن بخورید و از بالایش بر ندارید ؛ چرا که برکت از بالای ظرف ، سرازیر می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برکت در وسطِ [ظرفِ] غذا فرود می آید . پس ، از کناره های آن بخورید و از وسطش نخورید .

عنه صلى الله عليه وآله: لا تأكلوا الطعام من فوقه، وكلوا من جوانبه؛ فإن البركة تنزل من فوقه. (1)

الإمام علي عليه السلام: لا تأكلوا من رأس الثريد، وكلوا من جوانبه؛ فإن البركة في رأسه. (2)

44/6 ترك النظر إلى لقمة الآخر ينسول الله صلى الله عليه وآله: لا يتبعن أحدكم بصره لقمة أخيه. (3)

45/6 رعاية حق الآخر ينسول الله صلى الله عليه وآله: من أكل مع قوم من تمر فلا يقرن (4)، فإن أراد أن يفعل فليستأذنبهم، فإن أذنوا له فليفعل. (5)

دعائم الإسلام: عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه نهى عن القران بين التمرتين في فم، ومن سائر الفاكهة. وكذلك قال جعفر بن محمد عليه السلام: إنما ذلك إذا كان مع الناس في طعام مشترك، فأما من أكل وحده فليأكل كيف أحب. (6)

1-.. مسند ابن حنبل: ج 1 ص 738 ح 3214 عن ابن عباس .

2-.. الكافي: ج 6 ص 296 ح 1 وص 318 ح 9 كلاهما عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 168 ح 1467 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 82 ح 10 .

3-.. أسد الغابة: ج 6 ص 220 الرقم 6126، الإصابة: ج 7 ص 238 الرقم 10286، الفردوس: ج 5 ص 129 ح 7709 كلها عن أبي عمر مولى عمر، كنز العمال: ج 15 ص 251 ح 40816 .

4-.. يقال: لا تقرن بين تمرتين: أي لا تأكلهما معا (انظر: لسان العرب: ج 13 ص 336 «قرن»).

5-.. صحيح ابن حبان: ج 12 ص 37 ح 5232، المعجم الأوسط: ج 4 ص 333 ح 4355، تاريخ بغداد: ج 7 ص 180 الرقم 3625 نحوه وكلها عن ابن عمر، فتح الباري: ج 9 ص 571 عن زيد بن أبي أنيسة، كنز العمال: ج 15 ص 251 ح 40812 .

6-.. دعائم الإسلام: ج 2 ص 120 ح 407، بحار الأنوار: ج 66 ص 120 ح 12 .

6 / 44 نگاه نکردن به لقمه دیگران

6 / 45 رعایت حق دیگران

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذا را از بالای آن نخورید؛ بلکه از کناره هایش بخورید؛ چرا که برکت از بالای آن می آید.

امام علی علیه السلام: از وسط ظرف آب گوشت نخورید؛ بلکه از کناره هایش بخورید؛ چون برکت، در وسط آن است.

6 / 44 نگاه نکردن به لقمه دیگران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گاه یکی از شما با نگاهش لقمه برادرش را دنبال نکند.

6 / 45 رعایت حق دیگران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با عده ای خرما می خورد، دو تا دو تا نخورد، و اگر خواست چنین کند، باید از آنها اجازه بگیرد. اگر اجازه دادند، آن گاه این کار را بکنند.

دعائم الإسلام: در باره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که ایشان از گذاشتن دو عدد خرما یا هر میوه دیگر در دهان، نهی فرمود. امام صادق علیه السلام چنین فرمود: «این، در صورتی است که شخص، با دیگران، هم غذا باشد؛ اما کسی که به تنهایی می خورد، می تواند هر طور که دوست داشت، بخورد».

سنن الترمذي عن ابن عمر: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله أن يُقرن بين التمرتين (1) حتى يستأذن صاحبه. (2)

علل الشرائع عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام: سألته عليه السلام عن القرآن بين التين والتمر وسائر الفواكه. قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن القرآن، فإن كنت وحدك فكل كيف أحببت، وإن كنت مع قوم مسلمين فلا تقرن. (3)

الإمام الباقر عليه السلام في ذكر أبيه الإمام زين العابدين عليه السلام: ولقد كان عليه السلام يأبى أن يؤاكل أمه، فقيل له: يا بن رسول الله، أنت أبر الناس وأوصلهم للرحم، فكيف لا تؤاكل أمك؟ فقال: إني أكره أن تسبق يدي إلى ما سبقت عينها إليه. (4)

46/6 بدء رب الطعام بالأكل أو خير من حصه رسول الله صلى الله عليه وآله يؤم الناس في الطعام الإمام، أو رب الطعام، أو خيرهم. (5)

1- .. في المصدر: «بين التمرتين» وهو تصحيف ظاهر .

2- .. سنن الترمذي: ج 4 ص 264 ح 1814، السنن الكبرى: ج 7 ص 458 ح 14633، المصنف لابن أبي شيبة: ج 5 ص 562 ح 1؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 136 ح 36 كلها نحوه .

3- .. علل الشرائع: ص 519 ح 1، مسائل علي بن جعفر: ص 153 ح 206، المحاسن: ج 2 ص 225 ح 1681، قرب الإسناد: ص 272 ح 1080، بحار الأنوار: ج 66 ص 118 ح 2 .

4- .. الخصال: ص 518 ح 4 عن حمزان بن أعين، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 476 ح 1638، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 162 كلاهما من دون إسناد إلى الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 46 ص 62 ح 19 .

5- .. الإصابة: ج 1 ص 529 الرقم 972، تاريخ دمشق: ج 11 ص 180 ح 2761 نحوه وكلاهما عن ثوبان، الفردوس: ج 5 ص 492 ح 8860 عن ثابت بن ثوبان وفيه «الأمير» بدل «الإمام»، كنز العمال: ج 9 ص 251 ح 25892 .

6 / 46 آغاز کردن صاحب غذا یا بهترین فرد حاضران به خوردن

سنن الترمذی_ به نقل از ابن عمر_ پیامبر خدا از دو تا دو تا خوردن خرما نهی فرمود ، مگر آن که شخص از شريك ظرفش اجازه بگیرد .

علل الشرائع_ به نقل از علی بن جعفر (برادر امام کاظم علیه السلام) _ : از امام کاظم علیه السلام در باره دو تا دو تا خوردن انجیر و خرما و دیگر میوه ها سؤال کردم . فرمود : «پیامبر خدا از این کار ، نهی فرمود . اگر تنها بودی ، هر طور که دوست داشتی ، بخور ؛ ولی اگر با عدّه ای مسلمان هم کاسه بودی ، دو تا دو تا نخور» .

امام باقر علیه السلام_ در وصف پدرش امام زین العابدین علیه السلام _ : ایشان از هم خوراك شدن با مادرش خودداری می ورزید . به ایشان گفته شد : ای پسر پیامبر خدا! شما نسبت به خویشاوند ، از همه نیکوکارتر و مهربان ترید . پس چرا با مادرتان هم خوراك نمی شوید؟ فرمود : «دوست ندارم دستم به سوی چیزی [در سفره] دراز شود که پیش تر ، نگاه مادرم به طرف آن رفته باشد» .

6 / 46 آغاز کردن صاحب غذا یا بهترین فرد حاضران به خوردنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هنگام غذا خوردن ، امام یا صاحب غذا یا بهترین فرد از حاضران باید آغاز به خوردن کند .

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا وُضِعَ الطَّعَامُ فَلْيَبْدَأْ أَمِيرُ الْقَوْمِ ، أَوْ صَاحِبُ الطَّعَامِ ، أَوْ خَيْرُ الْقَوْمِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الرَّجُلُ أَحَقُّ بِصَدْرِ دَارِهِ وَفَرَسِهِ ، وَأَنْ يُؤَمَّ فِي بَيْتِهِ ، وَأَنْ يَبْدَأَ فِي صَحْفَتِهِ. (2)

6 / 47 تطويل الأكل حتى يفرغ القوم رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا وُضِعَتِ الْمَائِدَةُ فَلَا يَقُومُ رَجُلٌ حَتَّى تُرْفَعَ الْمَائِدَةُ ، وَلَا يَرْفَعُ يَدَهُ وَإِنْ شَبِعَ حَتَّى يَفْرُغَ الْقَوْمُ ، وَلْيُعْذِرْ (3) ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ يُخْجَلُ جَلِيسَتُهُ فَيَقْبِضُ يَدَهُ ، وَعَسَى أَنْ يَكُونَ لَهُ فِي الطَّعَامِ حَاجَةٌ. (4)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ مَعَ الْقَوْمِ كَانَ آخِرَهُمْ أَكْلًا. (5)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ مَعَ الْقَوْمِ أَوَّلَ مَنْ يَصُغُ يَدَهُ مَعَ الْقَوْمِ ، وَآخِرَ مَنْ يَرْفَعُهَا ، إِلَى أَنْ يَأْكُلَ الْقَوْمُ. (6)

1- .. تاريخ دمشق: ج 11 ص 140 ح 3738 عن ثابت بن أبي إدريس ، كنز العمال: ج 15 ص 241 ح 40752 .

2- .. النوادر للراوندي: ص 275 ح 541 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمي: ص 80 ، بحار الأنوار: ج 75 ص 468 ح 21 .

3- .. الإعذار: المبالغة في الأمر ، أي ليبالغ في الأكل . وقيل: إنما هو «وَلْيُعْذِرْ» من التعذير: التقصير . أي ليقصر في الأكل ليتوقر على الباقيين ، وَلْيُرَّ أَنَّهُ يِبَالِغُ (النهاية: ج 3 ص 198 «عذر»).

4- .. سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1096 ح 3295 ، تهذيب الكمال: ج 16 ص 348 الرقم 3862 ، شُعب الإيمان: ج 5 ص 83 ح 5864 كلاهما نحوه وكلها عن ابن عمر ، كنز العمال: ج 15 ص 241 ح 40751 ؛ مكارم الأخلاق: ج 1 ص 319 ح 1021 عن ابن عمر ، طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ص 3 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج 62 ص 291 .

5- .. تاريخ بغداد: ج 10 ص 240 الرقم 5365 عن عبد الرحمن بن عمار الهروي عن الإمام الصادق عليه السلام ، النهاية في غريب الحديث: ج 3 ص 198 ، كنز العمال: ج 9 ص 271 ح 25980 نقلاً عن المصنّف لعبد الرزاق.

6- .. الكافي: ج 6 ص 285 ح 1 عن ابن القدّاح ، المحاسن: ج 2 ص 234 ح 1720 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 61 ح 55 عن الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج 66 ص 418 ح 27 .

6 / 47 طول دادن غذا تا وقتی که همه از خوردن ، دست بکشند

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه غذا نهاده شد ، باید امیر قوم یا صاحب غذا و یا بهترین فرد از حاضران ، آغاز به خوردن کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : انسان به [نشستن در] صدر خانه اش ، و [جلو] اسبش ، و امامت [جماعت] در خانه اش ، و آغاز کردن در سفره اش ، سزاوارتر [از دیگران] است .

47 / 6 طول دادن غذا تا وقتی که همه از خوردن ، دست بکشند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه سفره انداخته شد ، انسان (صاحب خانه) نباید برخیزد تا آن گاه که سفره جمع شود ، و نباید دست از خوردن بکشد ، تا وقتی که همگان دست از خوردن بکشند ، و باید خود را به خوردن مشغول کند ؛ چرا که در غیر این صورت ، میهمانش خجالت می کشد و دست از خوردن می دارد ، در حالی که ممکن است هنوز نیاز داشته باشد .

امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا هر گاه با عده ای غذا می خورد ، آخرین نفر آنها بود که دست از غذا می کشید .

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا هر گاه با جمعیت غذا می خورد ، اولین کسی بود که دست به غذا می برد و آخرین کسی بود که [از خوردن] دست می کشید تا همه غذا بخورند .

الإمام علي عليه السلام - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِكُمَيْلٍ - : إِذَا أَكَلْتَ فَطَوَّلْ أَكْلَكَ؛ لِيَسْتَوْفِيَ مِنْ مَعَاكَ ، وَيُرْزَقَ مِنْهُ غَيْرُكَ . يَا كُمَيْلُ ، إِذَا اسْتَوْفَيْتَ طَعَامَكَ فَأَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى مَا رَزَقَكَ ، وَارْفَعْ بِذَلِكَ صَوْتَكَ؛ يَحْمَدُهُ سِوَاكَ ، فَيَعْظُمَ بِذَلِكَ أَجْرَكَ. (1)

48 / 6 جوامع آداب التَّائِبِينَ رسول الله صلى الله عليه وآله : الطَّعَامُ إِذَا جَمَعَ أَرْبَعَ خِصَالٍ فَقَدْ تَمَّ : إِذَا كَانَ مِنْ حَلَالٍ ، وَكَثُرَتْ الْأَيْدِي ، وَسُمِّيَ فِي أَوَّلِهِ ، وَحَمِدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي آخِرِهِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : يَا عَلِيُّ ، اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا عَلَى الْمَائِدَةِ : أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرِيضَةٌ ، وَأَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ ، وَأَرْبَعٌ مِنْهَا أَدَبٌ . فَأَمَّا الْفَرِيضَةُ : فَالْمَعْرِفَةُ بِمَا يَأْكُلُ ، وَالسَّمِيَّةُ ، وَالشُّكْرُ ، وَالرِّضَا . وَأَمَّا السُّنَّةُ : فَالْجُلُوسُ عَلَى الرَّجْلِ الْيُسْرَى ، وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعَ ، وَأَنْ يَأْكُلَ مِمَّا يَلِيهِ ، وَمَضُّ الْأَصَابِعِ . وَأَمَّا الْأَدَبُ : فَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ ، وَالْمَضْغُ الشَّدِيدُ ، وَقَلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ ، وَغَسْلُ الْيَدَيْنِ. (3)

-
- 1- .. تحف العقول : ص 172 ، بشارة المصطفى : ص 25 عن كميل ، بحار الأنوار : ج 66 ص 425 ح 41 .
 - 2- .. الكافي : ج 6 ص 273 ح 2 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : ص 216 ح 39 ، معاني الأخبار : ص 375 ح 1 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، المحاسن : ج 2 ص 161 ح 1439 عن عبدالله بن مسكان عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 66 ص 314 ح 2 .
 - 3- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 355 ح 5762 عن حماد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ص 485 ح 60 عن إبراهيم الكرخي عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام الحسن عليهم السلام نحوه ، المحاسن : ج 2 ص 248 ح 1773 عن الإمام الحسن عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 306 ح 969 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام الحسن عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 415 ح 14 .

6 / 48 کلیات آداب غذا خوردن

امام علی علیه السلام_ در سفارش به کمیل_ :زمانی که غذا می خوری ، خوردنت را طول بده تا همراهانت کاملاً سیر شوند و دیگران هم از آن بهره مند گردند . ای کمیل! چون غذایت را کامل خوردی ، خدا را بر آنچه روزی تو کرده است ، سپاس گوی ، و بلند سپاس گوی تا دیگران هم او را سپاس گویند و بدین سان ، اجر تو بیشتر شود .

6 / 48 کلیات آداب غذا خوردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :غذا هر گاه چهار ویژگی داشته باشد ، کامل است : آن گاه که از حلال باشد ، دست ها زیاد باشند ، در آغازش نام خدا برده شود ، و در پایانش حمد خداوند عز و جل گفته شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در سفارش هایش به علی علیه السلام_ :ای علی! آداب سفره ، دوازده تاست که انسان مسلمان باید آنها را بیاموزد : چهارتای آنها واجب است ، چهار تا مستحب ، و چهار تا از ادب . آن چهار واجب ، عبارت است از : شناخت آنچه می خورد ، نام خدا بردن ، شکر گفتن ، و خرسندی . آن چهار مستحب ، عبارت است از : نشستن روی پای چپ ، خوردن با سه انگشت ، از جلوی خود خوردن ، و لیسیدن انگشت ها . و آن چهار تا که از ادب است ، عبارت است از : لقمه کوچک برداشتن ، خوب جویدن ، کمتر به صورت دیگران نگاه کردن ، و شستن دست ها .

عنه صلى الله عليه وآله: إذا وُضِعَتِ المائدةُ فليأكلِ الرَّجُلُ ممَّا يليه، ولا يأكلِ ممَّا بينَ يَدَي جليسه، ولا من ذرورةِ القصة؛ فإنَّما تأتيه البركةُ من أعلاها، ولا يقومُ رجُلٌ حتَّى تُرْفَعَ المائدةُ، ولا يرفعُ يدهُ وإن شَبِعَ حتَّى يرفعَ القومُ، وليُعذر؛ فإنَّ ذلكَ يُحجِلُ جليسه فيقبضُ يدهُ، وعسى أن تكونَ له في الطَّعامِ حاجةٌ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا اجتمعَ للطَّعامِ أربعُ كَمَلٍ: أن يكونَ حلالاً، وأن تكثرَ عليه الأيدي، وأن يُفتَّحَ بِاسْمِ اللَّهِ، ويُختتمَ بِحَمْدِ اللَّهِ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام: من أرادَ ألا يضرَّه طعامٌ، فلا يأكلُ حتَّى يجوعَ، فإذا أكلَ فليقل: «بِسْمِ اللَّهِ وبِاللَّهِ»، وليُجدِ (3) المَضغَ، وليكفَّ عَنِ الطَّعامِ وهو يشتهيهِ، وليدعهُ وهو يحتاجُ إليه. (4)

1- .. شُعب الإيمان: ج 5 ص 83 ح 5864، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1096 ح 3295 وليس فيه من «فليأكل» إلى «من أعلاها»، الفردوس: ج 1 ص 335 ح 1333 نحوه وكلها عن ابن عمر، كنز العمال: ج 15 ص 241 ح 40751؛ مكارم الأخلاق: ج 1 ص 319 ح 1021 عن ابن عمر، طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 3 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 424 ح 38.

2- .. الدعوات: ص 80 ح 198، بحار الأنوار: ج 66 ص 412 ح 9.

3- .. في المصدر: «وليُجد»، والتصويب من بحار الأنوار.

4- .. طب الأئمة عليهم السلام لابني بسطام: ص 60 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 380 ح 46.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه سفره نهاده شد، انسان باید از آنچه جلوی اوست، بخورد و از جلوی هم سفره اش و از بلندی وسط کاسه نخورد؛ چرا که برکت از بالای کاسه می آید، و تا سفره جمع نشده است، از سر سفره بر نخیزد، و تا دیگران از خوردن دست نکشیده اند، او دست نکشد و خودش را مشغول خوردن کند، حتی اگر سیر شده باشد؛ چرا که اگر دست بکشد، هم سفره اش خجالت می کشد و دست می کشد، در حالی که ممکن است هنوز به غذا نیاز داشته باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه چهار خصلت در غذا جمع شود، آن غذا کامل است: حلال باشد، دست های خورنده اش زیاد باشد، به نام خدا آغاز گردد، و با حمد خدا پایان پذیرد.

امام علی علیه السلام: هر کس می خواهد غذا اذیتش نکند، باید تا گرسنه نشده است، غذا نخورد و چون شروع به خوردن کرد، «بسم الله و بالله» بگوید و خوب بجود و هنوز که میل به غذا دارد، از خوردن دست بکشد و هنوز که نیاز به غذا دارد، خوردن را رها کند.

عنه عليه السلام_ في بيانِ خُلُقِهِ صلى الله عليه وآله _ : ما أَكَلَ مُتَكِنًا قَطُّ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا... وكانَ إِذَا أَكَلَ مَعَ القَوْمِ كانَ أَوَّلَ مَنْ يَبْدَأُ ، وَآخِرَ مَنْ يَرَفَعُ يَدَهُ ، وكانَ إِذَا أَكَلَ مِمَّا يَلِيهِ ، فَإِذَا كانَ الرُّطْبُ وَالتَّمْرُ جالَتِ يَدُهُ. وَإِذَا شَرِبَ شَرِبَ ثَلَاثَةَ أَنْفاسٍ ، وكانَ يَمصُّ المَاءَ مَصًّا ، ولا يَعْجُبُهُ عَبًا ، وكانَ يَمِينُهُ لِطَعَامِهِ وَشَرابِهِ وَأَخَذَهُ وإِعطائِهِ. (1)

مكارم الأخلاق: كان صلى الله عليه وآله إذا أكل سمى ، ويأكل بثلاث أصابع ومما يليه ، ولا يتناول من بين يدي غيره ، ويؤتى بالطعام فيشرع قبل القوم ثم يشرعون. وكان يأكل بأصابعه الثلاث : الإبهام والتي تليها والوسطى ، وربما استعان بالرابعة. وكان صلى الله عليه وآله يأكل بكفه كلها ، ولم يأكل بإصبعين ، ويقول : إن الأكل بإصبعين هو إكلة الشيطان. (2)

الإمام علي عليه السلام_ من وصية يتيه لكميلٍ _ : يا كميلُ ، إِذَا أَكَلْتَ الطَّعامَ فَسَمِّ بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لا يَصْدُرُ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ ، وَهُوَ الشِّفاءُ مِنْ جَمِيعِ الأَسْواءِ. يا كميلُ ، إِذَا أَكَلْتَ الطَّعامَ فَوَاكِلْ بِهِ ولا تَبخَلْ بِهِ؛ فَإِنَّكَ لَمْ تَرزُقِ النَّاسَ شَيْئًا ، وَاللَّهُ يُجْزِلُ لَكَ الثَّوابَ بِذَلِكَ . يا كميلُ ، أَحْسِنِ خُلُقَكَ ، وَابسُطْ (3) إِلى جَلِيسِكَ ، وَلا تَنْهَرَنَّ خادِمَكَ. (4)

1- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 61 ح 55 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 237 ح 35.

2- .. مكارم الأخلاق : ج 1 ص 70 ح 88 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 410 ح 7 .

3- .. ابسط : أي أسرر وبيسطني ما يبسطها : أي يسرني ما يسرها؛ لأن الإنسان إذا سرر ابسط وجهه واستبشر (النهاية : ج 1 ص 128 «بسط»).

4- .. بشارة المصطفى : ص 25 ، تحف العقول : ص 171 نحوه وكلاهما عن كميل ، بحار الأنوار : ج 66 ص 425 ح 41.

امام علی علیه السلام در بیان اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله _ تا زمانی که از دنیا رفت ، هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد ... و هر گاه با جمعیت غذا می خورد ، نخستین کسی بود که شروع می کرد و آخرین کسی بود که دست می کشید ، و هنگام خوردن ، از جلوی خود می خورد ؛ اما اگر خرما بود ، دستش می چرخید [و از هر طرف ظرف بر می داشت] . هر گاه می آشامید ، با سه نفس می آشامید و آب را مززه می کرد و يك باره سر نمی کشید . دست راستش برای غذا و آب و گرفتن و دادن بود .

مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه غذا می خورد ، «بسم الله» می گفت ، و با سه انگشت و از جلوی خودش می خورد و از برابر دست دیگران بر نمی داشت ، و غذا را که می آوردند ، پیش از دیگران شروع می کرد و بعد از دیگران تمام می کرد . با سه انگشت شست و اشاره و میانه می خورد و گاهی اوقات از انگشت چهارم نیز کمک می گرفت . ایشان گاه با همه دستش می خورد ، و با دو انگشت غذا نمی خورد و می فرمود : «با دو انگشت غذا خوردن ، خوردن شیطان است» .

امام علی علیه السلام در توصیه های خویش به کمیل بن زیاد _ ای کمیل! هر گاه غذا می خوری ، نام خدا را ببر که با وجود نام او ، هیچ چیز زیان نمی زند ، و نام خدا ، شفافبخش هر درد و گزند است . ای کمیل! هر گاه غذا می خوری ، دیگری را هم شریک گردان و بخل موزز ؛ زیرا تو چیزی را روزی مردم نکرده ای ، و خداوند برای این کار به تو پاداش شایان می دهد . ای کمیل! اخلاقت را خوش گردان ، با همنشینت گشاده رو باش ، و بر سر خدمتکارت داد مزن .

عنه عليه السلام: إِذَا سَمِيَ اللَّهُ عَلَى أَوَّلِ الطَّعَامِ، وَحُمِدَ عَلَى آخِرِهِ، وَغُسِّ لَتِ الأَيْدِي قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ، وَكَثُرَتِ الأَيْدِي عَلَيْهِ، وَكَانَ مِنْ حَلَالٍ؛ فَقَدْ تَمَّتْ بَرَكَتُهُ. (1)

عنه عليه السلام: الطَّعَامُ يُؤْكَلُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَضْرُبٍ: مَعَ الإِخْوَانِ بِالسُّرُورِ، وَمَعَ الْفُقَرَاءِ بِالإِثَارِ، وَمَعَ أبنَاءِ الدُّنْيَا بِالمُرُوءَةِ. (2)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن عمرو بن قيس الماصر: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالمَدِينَةِ وَبَيْنَ يَدَيْهِ خِوَانٌ، وَهُوَ يَأْكُلُ، فَقُلْتُ لَهُ: مَا حَدُّ هَذَا الخِوَانِ؟ فَقَالَ: إِذَا وَضَعْتَهُ فَسَمَّ اللَّهُ، وَإِذَا رَفَعْتَهُ فَاحْمَدَ اللَّهُ، وَقُمَّ (3) مَا حَوْلَ الخِوَانِ، فَإِنَّ هَذَا حَدُّهُ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَبِي صَدِّقًا لَمَاتَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَتَاهُ أَخُوهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ يَسْتَأْذِنُ لِعَمْرِ بْنِ عَبِيدٍ وَوَصِيلٍ وَبَشِيرِ الرَّحَالِ، فَأَذِنَ لَهُمْ، فَلَمَّا جَلَسُوا قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ. فَجِيءَ بِالخِوَانِ فَوُضِعَ، فَقَالُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ: قَدْ وَاللَّهِ اسْتَمَكْنَا (5) مِنْهُ، فَقَالُوا: يَا أَبَا جَعْفَرٍ، هَذَا الخِوَانُ مِنَ الشَّيْءِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. قَالُوا: فَمَا حَدُّهُ؟ قَالَ: حَدُّهُ إِذَا وَضِعَ قِيلَ: «بِسْمِ اللَّهِ»، وَإِذَا رُفِعَ قِيلَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، وَيَأْكُلُ كُلُّ إِنْسَانٍ مِمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَتَنَاوَلُ مِنْ قُدَامِ الآخِرِ شَيْئًا. (6)

مكارم الأخلاق عن الفضل بن يونس- في حديثٍ ذَكَرَ فِيهِ مَجِيءُ الإِمَامِ الكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مَنْزِلِهِ... إِلَى أَنْ قَالَ: فَأَمَرْتُ الغُلَامَ فَآتَى بِالطَّسْتِ، فَدَنَا مِنْهُ، فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَمَا حَدُّ هَذَا؟ فَقَالَ: أَنْ يَبْدَأَ رَبُّ البَيْتِ لِكَيْ يَنْشَطَ الأَضْيَافُ، فَإِذَا وَضِعَ الطَّسْتُ سَمِيَ، وَإِذَا رُفِعَ حُمِدَ اللَّهُ. ثُمَّ أُتِيَ بِالمَائِدَةِ، فَقُلْتُ: مَا حَدُّ هَذَا؟ قَالَ: أَنْ تُسَمِّيَ إِذَا وَضِعَ، وَتَحْمَدَ اللَّهُ إِذَا رُفِعَ. ثُمَّ أُتِيَ بِالخِلَالِ، فَقُلْتُ: مَا حَدُّ هَذَا؟ قَالَ: أَنْ تَكْسِرَ رَأْسَهُ لِئَلَّا يُدْمِيَ اللِّثَةَ (7).

1- .. دعائم الإسلام: ج 2 ص 117 ح 392، بحار الأنوار: ج 66 ص 383 ح 50.

2- .. غرر الحكم: ج 2 ص 141 ح 2111.

3- .. قَمَّ البَيْتَ: كَنَسَهُ (المصباح المنير: ص 516 «قمم»).

4- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 356 ح 4256، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 306 ح 970، بحار الأنوار: ج 66 ص 411 ح 8.

5- .. استمكنا منه: أي قدرنا وتمكنا من الاعتراض عليه وتعجيزه (بحار الأنوار: ج 66 ص 370).

6- .. الكافي: ج 6 ص 292 ح 3، المحاسن: ج 2 ص 209 ح 1624 كلاهما عن أبي خديجة وص 235 ح 1721 عن أبي سلمة نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 370 ح 9.

7- .. مكارم الأخلاق: ج 1 ص 318 ح 1018، بحار الأنوار: ج 66 ص 423 ح 37.

امام علی علیه السلام: هر گاه در آغاز غذا نام خدا برده شود و در پایانش حمد او گفته شود و قبل و بعد از غذا دست ها شسته شوند و دست های خورنده اش زیاد باشند و [غذا] از حلال باشد، برکت آن غذا کامل شده است.

امام علی علیه السلام: غذا را سه گونه باید خورد: با برادران به شادی، با فقیران به ایثار، و با دنیاپرستان به جوان مردی.

کتاب من لایحضره الفقیه - به نقل از عمرو بن قیس ماصر - در مدینه بر امام باقر علیه السلام وارد شدم. در برابر ایشان سفره ای بود و مشغول خوردن بود. گفتم: حدّ (تعریف) این سفره چیست؟ فرمود: «هر گاه آن را گستردی، بسم الله بگو و هر گاه آن را جمع کردی، الحمد لله بگو و اطراف سفره را تمیز کن. این، حدّ (تعریف) سفره است».

امام صادق علیه السلام: عمویم عبد الله بن علی نزد پدرم - که دروذهای خدا بر او باد - آمد و از ایشان برای عمرو بن عبید، واصل و بشیر رحال، اجازه شرفیابی خواست. پدرم به آنان اجازه داد. چون نشستند، فرمود: «هر چیزی برای خود، حدّی دارد که بدان منتهی می شود». در این هنگام، سفره آوردند و گستردند. آن سه نفر با خود گفتند: به خدا که اکنون، وقت مغلوب کردن اوست. پس گفتند: ای ابو جعفر! آیا این سفره، چیز هست؟ فرمود: «آری». گفتند: پس، حدّ (تعریف) آن چیست؟ فرمود: «حدّش آن است که چون گسترده شد، بسم الله گفته شود و چون جمع شد، الحمد لله گفته شود، و هر شخصی از جلوی خودش بخورد و از جلوی دیگران چیزی بر ندارد».

مکارم الأخلاق - به نقل از فضل بن یونس، در حدیثی که در آن از آمدن امام کاظم علیه السلام به منزلش یاد شده است - ...: به غلام دستور دادم، لگن آورد. امام علیه السلام نزدیک آن شد و فرمود: «سپاس، خداوندی را که برای هر چیزی حدّی قرار داده است». گفتم: فدایت شوم! حدّ این لگن چیست؟ فرمود: «این که صاحب خانه [به شستن دست هایش] آغاز کند تا میهمانان به نشاط آیند، و چون لگن آورده شد، بسم الله گفته شود و چون برداشته شد، حمد خدا گفته شود». سپس سفره را آوردند. گفتم: حدّ این چیست؟ فرمود: «این که هر گاه پهن شد، بسم الله گفته شود و هر گاه جمع شد، الحمد لله گفته شود». بعد، خلال آوردند. گفتم: حدّ این چیست؟ فرمود: «این که سر آن را بشکنی تا لثه را خونی نکند».

الإمام الصادق عليه السلام_ لعنوان البصريّ _ :أوصيك بتسعة أشياء ، فإنّها وصيّة لِمُرَيْدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ عز و جل ، وَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يُوفِّقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ : ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ ... أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ : فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ ؛ فَإِنَّهُ يورثُ الحَمَاقَةَ وَالبَلَهَ ، وَلَا تَأْكُلُ إِلَّا عِنْدَ الجُوعِ ، وَإِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا ، وَسَمِّ اللَّهَ . (1)

6 / 49 النّوادر رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ أَكَلَ فِي فَصْعَةٍ ثُمَّ لَحِسَهَا ، اسْتَغْفَرَتْ لَهُ الْقَصْعَةُ . (2)

-
- 1- .. مشكاة الأنوار : ص 564 ح 1901 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 226 ح 17 نقلاً عن الشيخ البهائي وكلاهما عن عنوان البصري .
 2- .. سنن الترمذي : ج 4 ص 260 ح 1804 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1089 ح 3272 ، سنن الدارمي : ج 1 ص 529 ح 1958 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 382 ح 20750 ، الطبقات الكبرى : ج 7 ص 51 كلّها عن نبيشة الخير ، كنز العمال : ج 15 ص 247 ح 40787 .

اشاره

امام صادق علیه السلام به عنوان بصری _ :تورا به نُه چیز سفارش می کنم که این ، سفارش من به سالکان راه خدای عز و جل است ، و از خداوند ، مسئلت دارم که توفیق به کار بستن این سفارش ها را به تو عطا کند . سه تایی آنها مربوط به ریاضت نفس است اما آنها که به ریاضت نفس مربوط می شوند ، عبارت اند از : چیزی را که میل نداری ، نخور ؛ زیرا این کار ، حماقت و کودنی می آورد . فقط هنگامی که گرسنه ای ، غذا بخور ، و هر گاه می خوری ، حلال بخور و «بسم الله» بگو .

6 / 49 گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در کاسه ای غذا بخورد و در آخر ، آن را بلیسد ، آن کاسه برایش طلب آمرزش می کند .

عنه صلى الله عليه وآله: لَأَنَّ الطَّعَ (1) فَصَعَةً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِمِلْئِهَا طَعَامًا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ أَنْ تَشْمُوا الخُبْزَ (3) كَمَا تَشْمُو السَّبَاعَ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَلْعَقْ أَصَابِعَهُ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّتِهِنَّ الْبَرَكَةُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ لَعِقَ الصَّحْفَةَ (6) وَلَعِقَ أَصَابِعَهُ، أَشْبَعَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (7)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا فَمَضَّ أَصَابِعَهُ الَّتِي أَكَلَ بِهَا، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ. (8)

دعائم الإسلام: عنه صلى الله عليه وآله أنه كَانَ يَلْعَقُ الصَّحْفَةَ، وَقَالَ: آخِرُ الصَّحْفَةِ أَعْظَمُهَا بَرَكَةً، وَإِنَّ الَّذِينَ يَلْعَقُونَ الصَّحْفَ تُصَلِّي عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَيَدْعُونَ لَهُمْ بِالسَّعَةِ فِي الرَّزْقِ، وَلِلَّذِي يَلْعَقُ الصَّحْفَةَ حَسَنَةٌ مُضَاعَفَةٌ. وَكَانَ إِذَا أَكَلَ لَعِقَ أَصَابِعَهُ حَتَّى يُسْمَعَ لَهَا مَصِيصٌ.

(9)

1- .. اللَّطْعُ: اللَّحْسُ بِاللِّسَانِ (تاج العروس: ج 11 ص 433 «الطع»).

2- .. الإصَابَةُ: ج 7 ص 123 الرقم 9921، أُسَدُ الْغَابَةِ: ج 6 ص 115 الرقم 5906 كلاهما عن أبي ربيعة، كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 15 ص 253 ح 40828.

3- .. أَي لاختبار جودته (بحار الأنوار: ج 66 ص 272).

4- .. الكافي: ج 6 ص 303 ح 6 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 416 ح 2459 عن إدريس بن يوسف عن الإمام الصادق عليه السلام، دعائم الإسلام: ج 2 ص 117 ح 389 نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 272 ح 17؛ المعجم الكبير: ج 23 ص 285 ح 625، شُعبُ الإِيمَانِ: ج 5 ص 114 ح 6007 كلاهما عن أم سلمة نحوه، كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 15 ص 261 ح 40873.

5- .. صحيح مسلم: ج 3 ص 1607 ح 137، سنن الترمذي: ج 4 ص 258 ح 1801، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 392 ح 9380 كلُّهَا عن أبي هريرة، سنن الدارمي: ج 1 ص 528 ح 1956 عن أنس بزيادة «الثلاث» بعد «أصابعه» وليس فيه ذيله، كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 15 ص 244 ح 40769.

6- .. فِي الْمَصْدَرِ: «الصفحة»، والتصويب من كَنْزِ الْعَمَّالِ.

7- .. المعجم الكبير: ج 18 ص 261 ح 653 عن العرباض بن سارية، كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 15 ص 247 ح 40790.

8- .. الكافي: ج 6 ص 297 ح 7، المحاسن: ج 2 ص 226 ح 1685 كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 613 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليٍّ عليهم السلام، تحف العقول: ص 103 عن الإمام عليٍّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 405 ح 1.

9- .. دعائم الإسلام: ج 2 ص 120 ح 405، الجعفریات: ص 162 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 314 ح 1002 عن الإمام عليٍّ عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 406 ح 10.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کاسه را بلیسم، خوش تر از آن دارم که آن را پر از غذا صدقه دهم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نان را مانند حیوانات، بونکشید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه فردی از شما غذا می خورد، انگشتانش را بلیسد؛ چرا که نمی داند برکت در کدام يك از آنهاست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بشقاب و انگشتان خود را بلیسد، خداوند در دنیا و آخرت، او را سیر می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه فردی از شما غذایی بخورد و انگشتانی را که با آنها غذا خورده است، بلیسد، خداوند عز و جل می فرماید: «خدایت برکت دهد!».

دعائم الإسلام: پیامبر صلی الله علیه و آله بشقاب را می لیسید و می فرمود: «ته بشقاب، بابرکت تر است. کسانی که بشقاب ها را می لیسند، فرشتگان بر آنان درود می فرستند و برای زیاد شدن روزی آنان دعا می کنند، و برای کسی که ته بشقاب را بلیسد، دو چندان ثواب است». ایشان هر گاه غذا می خورد، انگشتانش را می لیسید، به طوری که صدای مکیدن آنها شنیده می شد.

الإمام علي عليه السلام: نَهَى [النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] أَنْ تُلْقَى التَّوَاةُ عَلَى الطَّبَقِ الَّذِي يُؤْكَلُ مِنْهُ الرُّطْبُ أَوْ التَّمْرُ. (1)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا فَرَّغَ مِنْ طَعَامِهِ ، لَعَقَ أَصَابِعَهُ فِيهِ فَمَصَّهَا. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَلْعَقُ أَصَابِعَهُ إِذَا أَكَلَ. (3)

عنه عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَلْطَعُ الْقِصْعَةَ وَيَقُولُ : مَنْ لَطَعَ قِصْعَةً فَكَأَنَّمَا تَصَدَّقَ بِمِثْلِهَا. (4)

تهذيب الأحكام عن سماعة بن مهران: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّلَاةِ تَحْضُرٌ وَقَدْ وُضِعَ الطَّعَامُ؟ قَالَ : إِنْ كَانَ فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ يُبَدَأُ بِالطَّعَامِ ، وَإِنْ كَانَ قَدْ مَضَى شَيْءٌ مِنَ الْوَقْتِ خَافَ تَأْخِيرَهُ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ. (5)

1- .. كنز العمال : ج 15 ص 259 ح 40862 نقلاً عن الشيرازي.

2- .. المحاسن : ج 2 ص 226 ح 1684 عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 75 ح 108 نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 405 ح 4 .

3- .. المحاسن : ج 2 ص 226 ح 1683 عن حماد بن عثمان ، بحار الأنوار : ج 66 ص 405 ح 3 ؛ صحيح مسلم : ج 3 ص 1607 ح 136 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 353 ح 2815 كلاهما عن أنس بزيادة «الثلاث» بعد «أصابعه» ، كنز العمال : ج 7 ص 103 ح 18174 .

4- .. الكافي : ج 6 ص 297 ح 4 ، المحاسن : ج 2 ص 227 ح 1688 وفيه «قال» بدل «ويقول» وكلاهما عن عمرو بن جميع ، بحار الأنوار : ج 66 ص 406 ح 7 .

5- .. تهذيب الأحكام : ج 9 ص 100 ح 433 ، المحاسن : ج 2 ص 199 ح 1581 ، الكافي : ج 6 ص 298 ح 9 وفيه «وتخاف أن تفوتك فتعيد الصلاة» بدل «خاف تأخيرها» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 427 ح 1 .

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله از انداختن هسته خرما در سینی ای که از آن ، رطب یا خرما خورده می شود ، نهی فرمود .

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا هر گاه غذایش را تمام می کرد ، انگشتانش را در دهانش می چرخاند و می مکید .

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا هر گاه غذا می خورد ، انگشتانش را می لیسید .

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا کاسه را می لیسید و می فرمود : «هر کس کاسه ای را بلیسد ، چنان است که همانند آن کاسه صدقه داده باشد» .

تهذیب الأحكام_ به نقل از سماعة بن مهران _ : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : وقت نماز می شود و سفره انداخته است؟ فرمود : «اگر اول وقت باشد ، باید ابتدا غذا را خورد ؛ ولی اگر مقداری از وقت گذشته ، به طوری که بیم به تأخیر افتادن نماز می رود ، باید اول نماز را خواند» .

الكافي عن زيد الشحام عن الإمام الصادق عليه السلام كره أن يمسح الرجل يده بالمنديل وفيها شيء من الطعام؛ تعظيماً للطعام، حتى يمصّها، أو يكون على جنبه صبيّ يمصّها. (1)

فائدة في عددٍ من الروايات المتقدمة، تأكيد على الاستفادة التامة ممّا بقي في آنية الطعام أو في الأصابع، كعبارات: «لَعَقَ القَصْعَةَ»، أو «لَطَعَ القَصْعَةَ»، أو «لَعَقَ الأصابع»، وفي هذه العبارات ملاحظتان: 1. التأكيد على الاستفادة إلى هذا الحدّ ممّا تبقى من الطعام، إنّما هو من أجل خلق ثقافة الامتناع عن الإسراف، وبهدف مكافحة الاستكبار وتقوية الاكتفاء الذاتي اقتصادياً. وواضح أنّ عائلة تتعود إلى هذا الحدّ من الاقتصاد، فإنّها لا تهدر أيّ نعمة، ولو تعود الناس على ذلك لساعدوا على تحقيق الاكتفاء الذاتي، ولما شاهدنا التبذير في المواد الغذائية وخاصة الخبز. 2. الظاهر أنّ لعق القصعة أو الإصبع ليس هو المقصود بعينه، بل المقصود الاستفادة القصوى من الطعام وعدم تبذيره، وهذا الهدف قد يتحقّق عن طريق آخر. ومن جهة أخرى، لا معنى لللعق الإصبع في زماننا هذا؛ حيث لا يتناول الناس طعامهم باليد غالباً، فالتوصية تتّجه حينئذٍ إلى الاستفادة من الطعام المتبقي في الملعقة، إلّا إذا كانت توصية لعق الإصبع تشير إلى فائدة تناول الطعام باليد من الناحية الصحيّة كما قيل.

1- .. الكافي: ج 6 ص 291 ح 3، المحاسن: ج 2 ص 206 ح 1614، تفسير العياشي: ج 2 ص 273 ح 79، دعائم الإسلام: ج 2 ص 120 ح 406 وفيهما «كان أبي يكره» بدل «إنّه كره»، بحار الأنوار: ج 66 ص 360 ح 33.

یادداشت

الكافی_ به نقل از زید شحام_ : امام صادق علیه السلام خوش نداشت که شخص ، دستش را که چیزی از غذا بر آن است ، با دستمال پاک کند ، و این ، برای احترام به غذا بود ؛ بلکه می بایست یا خودش آن را می لیسید یا کودکی که در کنار او بود .

یادداشتدر شماری از احادیث گذشته ، استفاده کامل از آنچه در ظرف غذا یا در انگشتان باقی مانده است ، با تعبیراتی مانند : «لعق القصعة (لیسیدن کاسه)» ، «لعق الصلحة (لیسیدن بشقاب)» و «لعق الأصابع (لیسیدن انگشتان)» مورد توصیه و تأکید قرار گرفته است . در این باره دو نکته قابل توجه است : 1 . تأکید بر مصرف باقی مانده مواد خوراکی تا این حد ، در جهت ایجاد فرهنگ «مبارزه با اسراف» و با هدف استکبارستیزی و تقویت «خودکفایی اقتصادی» است . بدیهی است خانواده ای که تا این حد به صرفه جویی عادت دارد ، هیچ چیز قابل مصرفی را هدر نمی دهد و اگر مردم با این فرهنگ تربیت شوند ، کشوری که خودکفا نیست _ مانند کشور ما _ تا این حد ، ضایعات مواد غذایی (بخصوص نان) نخواهد داشت . 2 . لیسیدن انگشتان و ظرف غذا موضوعیت ندارد ؛ بلکه هدف ، مصرف کردن همه مواد غذایی موجود در آنهاست . بنا بر این ، ممکن است این هدف ، از راه دیگری هم تحقق پیدا کند . گذشته از این ، در عصر حاضر که فرهنگ غذا خوردن با دست ، منسوخ شده است ، لیسیدن انگشتان ، بی معناست و این توصیه ، با خوردن همه مواد غذایی باقی مانده در قاشق ، انجام می گیرد ، مگر آن که احتمال بدهیم که خوردن غذا با دست _ چنان که گفته شده است _ از نظر بهداشتی ، سودمند باشد .

ص: 561

فهرست تفصیلی .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

